



مجلس شورای اسلامی
آستان قدس سنه



طبقات راویان احادیث مهدویت

از طریق اهل سنت

عبدالکریم عبداللہی

**طبقات راویان احادیث مہدویت
از طریق اہل سنت**

عبدالکریم عبداللہی

عبداللہی، عبدالکریم
 طبقات راویان احادیث مہدویت از طریق اہل سنت / عبدالکریم عبداللہی۔۔۔ مشہد:
 بنیاد پژوهشہای اسلامی، ۱۳۸۵.
 ۶۴۴ ص.
 ISBN: 964-444-972-X
 فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
 کتابنامہ: ص. ۶۳۳ - ۶۴۴.
 ۱. محمد بن حسن علیہ السلام. امام دوازدهم، ۲۵۵ - ق. -- احادیث اہل سنت.
 ۲. محدثان اہل سنت. ۳. مہدویت -- احادیث اہل سنت. الف. بنیاد پژوهشہای
 اسلامی. ب. عنوان.
 ۲۹۷ / ۲۹۲
 م۸۵ - ۲۱۲۴۵
 BP ۱۱۵ / ع۱۶
 کتابخانہ ملی ایران



طبقات راویان احادیث مہدویت

از طریق اہل سنت

عبدالکریم عبداللہی

ویراستاران: مسعود ضیایی - جعفر بیاتی

چاپ یکم ۱۳۸۵ / ۱۰۰۰ نسخه / قیمت ۵۵۰۰۰ ریال

چاپ: گوتنبرگ

بنیاد پژوهشہای اسلامی، مشہد: صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشہای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاہہای کتاب بنیاد پژوهشہای اسلامی، مشہد: ۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹

شرکت بہ نشر، دفتر مرکزی (مشہد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

Web Site: www.islamic-rf.org

E-mail: info@islamic-rf.org

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹ سخن ناشر
۱۱ مقدمهٔ آیه‌الله استاد محمد واعظ‌زاده خراسانی
۱۹ پیشگفتار
۲۲ تعریف برخی از اصطلاحات
۲۶ القاب علمی راویان به ترتیب اهمیت
۲۷ الفاظ تعدیل
۲۷ الفاظ جرح
۲۸ تدلیس
۲۹ توضیح برخی از رموز یا نشانه‌های اختصاری
۲۹ یادآوری مهم

بخش نخست: طبقات راویان

۳۳ طبقهٔ نخست: صحابیان
۶۷ طبقهٔ دوم

۸۲ طبقه سوم
۱۰۹ طبقه چهارم
۱۲۸ طبقه پنجم
۱۴۷ طبقه ششم
۱۶۹ طبقه هفتم
۲۰۷ طبقه هشتم
۲۴۱ طبقه نهم
۲۹۱ طبقه دهم
۳۵۱ طبقه یازدهم
۳۹۰ طبقه دوازدهم
۴۱۵ طبقه سیزدهم و پس از آن

بخش دوم: احادیث نبوی درباره مهدی علیه السلام

۴۳۳ روایاتی از ابوهریره
۴۴۵ روایاتی از آنس بن مالک
۴۴۶ روایاتی از ثوبان هاشمی
۴۴۸ روایاتی از جابر بن سمره بن جناده سوائی و ابوجحیفه
۴۵۵ روایاتی از جابر بن عبدالله انصاری
۴۶۰ روایاتی از حذیفه بن یمان
۴۶۱ روایتی از حسین بن علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۴۶۲ روایتی از ابوایوب انصاری خزرجی = خالد بن زید بن کلیب
۴۶۳ روایاتی از ابوسعید خدری = سعد بن مالک
۴۸۱ روایتی از ابوامامه باهلی = صدی بن عجلان

- روایتی از طَلْحَةَ بن عبیدالله ۴۸۲
- روایاتی از ابوطُفَیل عامر بن وائله لَیثی ۴۸۳
- روایتی از اُمّ المؤمنین عایشه ۴۸۵
- روایتی از عبدالرّحمن بن عوف ۴۸۵
- چند روایت از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی ۴۸۶
- روایتی از ابن عباس = عبدالله بن عباس ۴۸۶
- روایاتی از عبدالله بن عمر ۴۸۷
- روایاتی از عبدالله بن عمرو بن عاص ۴۸۸
- روایاتی از عبدالله بن مسعود ۴۹۰
- چند روایت از عثمان بن ابی العاص ثقفی ۵۱۱
- روایاتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ۵۱۲
- روایتی از علی هلالی = علی بن علی هلالی ۵۲۰
- روایتی از عمران بن حصین ۵۲۱
- روایتی از عوف بن مالک ۵۲۲
- روایاتی از قرّة بن ایناس مُزنی ۵۲۲
- روایاتی از ماجد صدقی ۵۲۴
- روایتی از ابوجحیفه وهب بن عبدالله سوائی ۵۲۶
- روایاتی از اُمّ سلّمه هند ۵۲۶
- موضوع خَسَف ۵۲۹
- روایاتی از حفصه درباره خَسَف ۵۳۸
- روایتی از اُمّ المؤمنین ۵۳۹
- روایتی از اُمّ حبیبه = رَمْلَه ۵۴۰
- روایاتی از صفیه درباره خَسَف در یثداء ۵۴۱

- روایاتی از عایشه ۵۴۲
- روایتی از علی بن الحسین امام زین العابدین علیه السلام ۵۴۵
- روایاتی از قتاده بن دعامة ۵۴۶

فهارس

- فهرست احادیث به ترتیب الفبا ۵۵۱
- فهرست موضوعی احادیث، به ترتیب الفبایی راویان صحابی ۵۶۱
- فهرست موضوعی براساس شماره احادیث ۵۶۷
- فهرست طبقات راویان ۵۷۰
- فهرست راویان به ترتیب الفبا، همراه با شماره طبقه و روایت ۵۸۵
- الف - شماری از راویان معروف به «این...» ۵۸۵
- ب - شماری از راویان معروف به کُنیّه ۵۸۸
- ج - فهرست راویان به ترتیب الفبا ۵۹۴
- منابع و مآخذ ۶۳۳

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

فصص ۵

سخن ناشر

به نام خداوند بخشنده مهربان

پایبندی به مسأله مهدویت و باورداشتِ ظهور منجی و مصلحی بزرگ که با انگیزه‌ای الهی کره خاکی را از ستم و رنجوری بپیراید و پهنه گیتی را از عدل و داد آکنده کند، تنها پیام قرآن و اعتقاد فرقه‌های مختلف مسلمان نیست، بلکه کتابهای مقدس دیگر ادیان الهی نیز نویدش را داده‌اند و کیشهای کهن جهان هم در آثار مکتوب خود و در آموزه‌های فکری خویش به شکل حقیقتی انکارناپذیر از آن یاد کرده‌اند.^۱

در میان فرقه‌های مسلمان این باور به عنوان یک اصل بنیادین فکری تلقی شده و بخش درخور توجهی از میراث فرهنگی مسلمانان به این موضوع اختصاص یافته است.^۲

در این میان، شیعه امامیه، مهدویت را یک ضرورت دینی و واجب اعتقادی دانسته، بر پایه شواهد صحیح و مسلم آن را منطبق بر حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف -

۱ - برای نمونه بنگرید به تورات، کتاب اشعیای نبی فصل ۱۱، بند ۱ تا ۱۰؛ انجیل لوقا، فصل ۱۲، بند

۳۵ - ۳۶؛ عهد عتیق (مزامیر)، مزمور ۳۷، بند ۹ - ۱۲؛ جاماسب نامه، ۱۲۱؛ اوپانیشاد ۷۳۷.

۲ - بنگرید به کتابنامه‌های نگارش یافته پیرامون مهدویت و امام زمان - عجل الله فرجه الشریف - .

فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌داند. البته در گذر تاریخ بوده‌اند کم مایگان معدودی که تردیدها و تشکیکهای بی‌اساسی را در رویارویی با این انطباق، مجال طرح داده‌اند^۱ که در برابر این موج و پاسخ به آن شبهات نیز آثار انبوه مُتَقَنِّی با نگرشهای حدیثی و کلامی به رشته تحریر درآمده است.

گفتنی است که در لابه‌لای این‌گونه آثار، کتابهایی گرانسنگ همچون کمال الدین شیخ صدوق و الغیبة نعمانی و شیخ طوسی - رضوان الله تعالی علیهم - از زاویه واکاوی ابعاد گونه‌گون مسأله مهدویت و اثبات درستی انطباق آن بر امام مهدی علیه السلام بر دیگر کتابهای به‌قلم آمده، و برتری دارد.

کتاب حاضر - که فراروی شماست - نیز تلاشی است ارزنده در همین راستا که به‌خامه دانشور فرهیخته جناب حجة الاسلام والمسلمین عبدالکریم عبداللّهی نژاد فراهم آمده و این بحث علمی را در گستره زبان فارسی پُر بارتر نموده است.

محتوای پژوهشی این کتاب، طبقه‌بندی جامعی است از راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت و دستمایه‌ای برای بازشناسی صحابه و پسینیان آنان که به نقل اخبار مهدویت پرداخته‌اند و همچنین واریسی میزان وثوق و اعتبار هر یک از آنها که طبعاً در پژوهشهای دیگری از این دست مفید و راهنما خواهد بود.

در اینجا سزایمند است از آیه‌الله استاد واعظ زاده به‌خاطر مقدمه‌ای که نگاشتند و از همکاران فاضل و کوشا آقایان جعفر بیاتی و مسعود ضیایی که با ویراستاری علمی و فنی خود، کتاب را به شکل کنونی آراستند تشکر و قدردانی شود.

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

۱ - در این زمینه بنگرید به بخش پایانی کتاب تاریخ تطوّر الفکر الشیعی و ترجمه آن به نام مکتب در فرایند تکامل.

مقدمه آیه الله استاد محمد واعظزاده خراسانی

کتاب نفیس «طبقات راویان احادیث نبوی درباره حضرت مهدی علیه السلام از نگاه اهل سنت» در نوع خود بی نظیر است. مؤلف محترم حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای عبداللّهی، ابتکار به خرج داده و روایات اهل سنت را در این خصوص از کتابهای مختلف، همراه معرفی طبقات راویان آنها از مدارک معتبر آنان، در این کتاب گردآورده‌اند، جابه‌جا، به تحقیق نیز پرداخته‌اند.

این کتاب در دو بخش تنظیم گردیده است: بخش اول که شامل طبقات راویان است و در حقیقت بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، طبقات راویان و شرح حال آنان را به ترتیب حروف تهجی با شماره طبقة هر کدام و با ترجیح نظر ابن حَجَر عَشَقْلَانی در موارد اختلاف نظر اهل فن در تعیین طبقة یک راوی، در بر دارد.

در بخش دوم، متن روایات هر یک از صحابه، به ترتیب موضوعی و با ذکر تمام سند و مکررات آمده است. امتیاز این بخش در آن است که خواننده تمام روایات یک صحابی و موضوعاتی را که وی درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده با سندهای مختلف منتهی به آن صحابی، در جلو خود می‌بیند، و می‌تواند بداند راویان بلاواسطه هر یک از اصحاب چه کسانی بوده‌اند و هر کدام از اصحاب، چند موضوع را درباره مهدی علیه السلام، روایت نموده‌اند.

مثلاً با مراجعه به روایات ابوهزیره در صفحات ۴۳۳ تا ۴۴۴ می‌توانیم پی ببریم که راویان از وی ۱۰ نفرند و هر کدام چند روایت دارند بدین قرار:

۱- ابوصالح، دو روایت: شماره ۱ و روایت آخر پس از رقم ۳۱.

۲- بشیر بن نهیک: یک روایت: شماره ۲.

۳- محمد بن سپرین: دو روایت: رقم ۳۰ و ۳۱.

۴- قبیصة بن ذویب چهار روایت: رقمهای ۴ و ۵ و ۶ و ۸.

۵- ابو شراعة: سلمة بن مجنون: دو روایت: رقمهای ۷ و ۹.

۶- ابوسلمه: یک روایت: رقم ۱۰.

۷- سحیم: یک روایت: رقم ۱۱.

۸- ابومسلم الأغر: یک روایت: رقم ۱۲.

۹- نافع مولى أبی قتادة: الأنصاری هشت روایت: رقمهای ۱۳ تا ۲۱.

۱۰- سعید بن سمعان: هشت روایت: رقمهای ۲۲ تا ۲۹.

از این جدول با عناوین ذکر شده در کتاب، چند مطلب به دست می‌آید:

اولاً: از بین صحابه، بیشترین روایات درباره حضرت مهدی علیه السلام ابوهزیره نقل کرده

است: جمعاً ۳۲ روایت.

ثانیاً: در روایات ابوهزیره عمدتاً ۸ عنوان آمده است:

۱- ظهور مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قطعی است.

۲- ظهور مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله برای احقاق حق قطعی است.

۳- مقام والای مهدی علیه السلام.

۴- از نشانه‌های پیش از ظهور: خروج رایات سیاه از خراسان است.

۵- خروج سفیانی از نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام است.

۶- نزول حضرت عیسی علیه السلام و امامت حضرت مهدی علیه السلام.

۷- محل بیعت با مهدی علیه السلام میان رکن و مقام.

۸- وفور نعمت در حکومت مهدی علیه السلام.

ثالثاً: این روایات هر چند در کتابهای مختلف از طُرُق گوناگون رسیده است، تا ۳۲ رقم. ولی بسیاری از آنها مکرّر است به خصوص روایاتی که به یک راوی منتهی می‌گردد، مانند روایات نافع مولیّ ابی قتاده، و روایات سعید بن سَمْعان و جز آنها. رابعاً: با ارجاع مکرّرات به یک روایت، تعداد روایات ابوهریره بسیار کمتر از ۳۲ روایت است.

و در همین جا یادآوری می‌گردد که این قبیل روایات باید زیر یک رقم ذکر می‌شدند تا باعث اشتباه و اغوای خوانندگان نشوند یا لااقل در پایان روایات یک صحابی، به این نکته اشاره می‌گردید که روایات مکرّر، در اصل یک روایت به شمار می‌آیند.

خامساً: با این نوع گردآوری روایات، راه تحقیق در صحّت و سُقم روایات - چنانکه ما انجام داده‌ایم - آسان می‌گردد. این امر درباره روایات چند صحابی نیز صادق است. و اگر راویان مذکور در بخش دوم کتاب را با ارجاع هر دسته از مکرّرات به یک روایت شماره کنیم، تعداد روایات، از عدد ۲۸۴ که در پایان این بخش آمده خیلی کمتر خواهد بود.

سادساً: با مقایسه روایات و عناوین مذکور برای روایات هر یک از راویان، معلوم خواهد شد که یک عنوان مثلاً «خروج سفیانی» را چند نفر از صحابه روایت کرده‌اند. به هر حال بخش اول کتاب راه تحقیق و تفحص در سند روایات را آسان نموده است، و صرف نظر از خود صحابه، راویان پی‌درپی هر کدام از آنها را می‌توان شناخت و ارزیابی کرد، و آن‌گاه به دآوری درباره روایات پرداخت.

اظهار نظر و نقد

این جانب با قدردانی از زحمات جناب استاد عبداللّهی و اعتراف به اینکه تاکنون

کاری چنین تخصصی و مستند درباره روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام صورت نگرفته است - هر چند کسانی به گردآوری روایات بسیار پرداخته‌اند - در عین حال، برای دستیابی به آنچه درست تر می‌دانم از یادآوری چند نکته ناچارم:

اول: باید توجه کنیم که از مجموع این روایات با عناوین گوناگون یک مطلب قطعی به دست می‌آید، و آن اینکه اصل مسأله مهدی علیه السلام و ظهور حضرتش امری قطعی بوده است، چه در بین صحابه و چه کسان پس از ایشان. حال اگر کسی در مضامین برخی از این روایات یا در سند آنها تشکیک کند به اصل مسأله، ضرر نمی‌رساند و نیز اگر اصل مسأله مورد تردید بود می‌باید آنان دچار تردید می‌گردیدند.

من در این باره یک سخنرانی کرده‌ام که متن آن در جلد دوم مجموعه مقالات من «میراث ماندگار» چاپ خواهد شد. در آن سخنرانی گفته‌ام: از خلال حوادث تاریخی به دست می‌آید که اصل مسأله مهدی علیه السلام در صدر اول قطعی بوده است.

مثلاً طبری نقل می‌کند^۱ که هنگام خروج حضرت امام حسین علیه السلام از مکه در روز عرفه، عبدالله بن عمرو بن عاص با فرزدق شاعر که از کوفه می‌آمد رو به رو شد و با اشاره به حضرت امام حسین علیه السلام گفت: «هَذَا هُوَ الْمَهْدِيُّ» و به این خاطر میان آن دو نفر سخن در گرفت.

ابن سعد در طبقات^۲ در حالات عمر بن عبدالعزیز نقل می‌کند که سعید بن مسیب درباره اش می‌گفت: «هَذَا هُوَ الْمَهْدِيُّ» ما از این دو سخن می‌فهمیم که نه تنها مسأله مهدی در آن هنگام مسلم بود، بلکه در هنگام حکومت فاسد بنی‌امیه انتظار آمدن مهدی هم وجود داشته است و مصلحان را مهدی می‌پنداشته‌اند.

ادعای مختار ثقفی درباره محمد بن حنفیه که او مهدی است هر چند درست نبود، اما خطای او در تطبیق بود و کسانی که ادعای او را رد می‌کردند، همین خطای او را درباره محمد نادرست می‌دانستند نه اصل خبر مهدی را.

۱ - در حوادث قیام امام حسین علیه السلام.

۲ - الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۳۳.

این قبیل نکات تاریخی - و مانند اینها - درباره کلیه کسانی که از قرن اول به بعد داعیه مهدویت داشته‌اند صادق است، و آنها از یک امر قطعی و یک عقیده همگانی، سوء استفاده می‌کرده‌اند.

به نظر می‌رسد اولین کسی که از این امر قطعی، استفاده کرده همان مختار ثقفی است، درباره محمد بن حنفیه که نام او محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم بوده، و با حدیثی از رسول خدا درباره مهدی علیه السلام تطبیق داده شده است.

سپس عبدالله بن حسن بن حسن با اصرار و تأکید، امر مهدی را با فرزند خود محمد نفس زکیه، منطبق دانست و عده‌ای با او به عنوان مهدی، بیعت کردند. حدیث «اشمه اشمی و اشم ایه اشم ابی» که در چند سند راجع به مهدی آمده است، تحریف حدیث رسول خداست جهت تطبیق بر «محمد بن عبدالله محض» ملقب به «نفس زکیه».

دوم: احادیث «خروج رایات سود از خراسان» در صفحات ۴۳۵ و ۴۳۶ به نقل دو راوی از ابوهریره، و در صفحات ۴۴۶ و ۴۴۷ به نقل یک راوی از ثوبان، به ظن قوی از مجعولات داعیان و حامیان بنی عباس است که درباره خروج ابومسلم از خراسان جعل گردیده است.

عجیب است که ابوجعفر منصور، بنا به روایت صفحه ۴۸۷، از همین روایات برای اثبات خلافت بنی عباس بهره گرفته و به همین خاطر احتمالاً نام فرزند و جانشین خود را «مهدی» گذارده است. منصور این روایت را از پدرش از جدش «عباس» نقل کرده است.

در همین جا یادآور می‌شود: علمهای سیاه بنی عباس، رمزی از فاجعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام بود که بنی عباس به منظور تحریک احساسات مردم، علیه بنی امیه از آن حادثه بهره می‌گرفتند و داعیان آنان هنگام تبلیغ و دعوت، مصیبت امام حسین علیه السلام را می‌خواندند و ربطی به پرچم پیغمبر نداشته است، بلکه نقل شده پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله غالباً سفید بوده است.

همچنین روایت شماره ۲۳۲ در صفحه ۵۱۸ بر خروج ابومسلم از «ماوراء النهر»

قابل انطباق است.

به نظر می‌رسد حدیث شماره ۱۵۱ در صفحه ۴۸۹ «حَتَّى يَهْرَبَ ضَا حِبُّهُمْ، قِيُوتِي بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، قِيَابِعٌ وَهُوَ كَارَةٌ...» بر خلفای بنی عباس یا بنی امیه، منطبق باشد، باید به تاریخ حوادث مکه، مراجعه شود. چطور با مهدی به زور و با اکراه بیعت می‌کنند؟ سوم: در حدیث شماره ۱۴۸ صفحه ۴۸۶، عیسی در آخر اُمت و مهدی در وسط اُمت، آمده تا بر بنی عباس که از خاندان پیغمبر بودند منطبق شود، در حالی که در احادیث صفحه ۴۳۸ و ۴۳۹ عیسی و مهدی هر دو با هم می‌آیند و مهدی بر عیسی امامت می‌کند. پس این هم یک تحریف در روایات مهدی است.

چهارم: روایات جابر بن سَمُرَةَ، شماره‌های ۳۹ تا ۵۳ از صفحه ۲۴۹ تا صفحه ۴۵۴ که ظاهراً همه در اصل یک یا دو روایت‌اند و توسط جابر و پسر عمویش ابوجحیفه روایت شده به این مضمون که پیغمبر فرموده پس از وی ۱۲ امیر یا خلیفه از قریش می‌آیند ظاهراً به نفع بنی امیه جعل شده است به این بیان:

أولاً: عدد «اثنی عشر» در داستان حضرت موسی عليه السلام و طوائف بنی اسرائیل آمده است. رسول اکرم صلى الله عليه وآله نیز از بین انصار ۱۲ تقیب، معین فرمود که بنا به نقل ابن سعد در شرح حال آنان همه «کامل» شمرده می‌شدند. کامل به کسی می‌گفتند که خط و شنا و اسب‌سواری و تیراندازی می‌دانست. همچنین در روایت، آن حضرت از «ائمه اثنی عشر» خبر داده است. در روایات جابر، از این سابقه عدد ۱۲ بهره گرفته شده و ۱۲ امیر یا خلیفه را برای مشروعیت خلافت بنی امیه و ادامه آن جعل کرده‌اند.

ثانیاً: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» و نه «كُلُّهُمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» گفته‌اند تا قابل تطبیق بر بنی امیه باشد، ضمناً ادعای خوارج که «خلافت به قبیله خاصی اختصاص ندارد» باطل گردد. اصولاً در آغاز خلافت ابوبکر، اختصاص خلافت به قریش، علیه انصار که داوطلب خلافت بودند جعل شد و بنی امیه هم با هدف ادامه خلافت خودشان به آن تمسک می‌کردند.

ثالثاً: جابر بن سَمُرَةَ می‌گوید: پیغمبر جمله «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» را آهسته گفت تا به

وی نگویند پیغمبر خطبه می خواند و ما این جمله را از وی نشنیدیم. حال باید از وی پرسید چرا آهسته گفت؟

رابعاً: ظاهر این روایات آن است که پیغمبر خبر داده پس از وی ۱۲ امیر یا خلیفه متصدی این مقام و منصب خواهند شد، نه اینکه باید بشوند. و اگر مراد از آن ۱۲ امیر، ائمه اهل بیت بود باید به جای «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»، «كُلُّهُمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» می فرمود. ما می دانیم که از ائمه اهل بیت، تنها دو نفر - علی و امام حسن علیهما السلام - خلافت و امارت کرده اند: علی علیه السلام چهار سال و اندی و امام حسن فقط شش ماه و بقیه آنان به این سمت قیام نکردند.

حال، باید برای کشف این تحریف و جعل، بررسی کنیم که این جابر بن سمره در عصر معاویه چه سمتی داشته است که دست به چنین دروغی به نفع بنی امیه زده است؟ خامساً: علاوه بر همه آنچه گفته شد، در این روایات نام «مهدی» نیامده است بلکه شارحان حدیث، آن را بر حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده اند.

متأسفانه بسیاری از نویسندگان شیعه به این نکات توجه نکرده، سعی نموده اند این روایات را که در حقیقت یک یا دو روایت است بر «ائمه اثنی عشر از اهل بیت» تطبیق دهند.

ما با آن همه روایات درباره اهل بیت علیهم السلام از جمله روایت متواتر «ثَقَلَيْنِ» نیازی به این قبیل روایات مبهم و مشکوک نداریم. به جز این چند دسته از روایات که مورد نقد قرار گرفت، روایات دیگر کتاب درباره حضرت مهدی علیه السلام قابل انطباق است، و حتی ضعف سند برخی از آنها به لحاظ انجبارشان با روایات دیگر ضرری به اصل مطلب نمی رساند. وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ. آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

محمد واعظزاده خراسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پیشگفتار

شیوه‌ای که در کتاب حاضر مورد نگارش احادیث، صحابیان و منابع، اعمال شده به شرح زیر است:

۱- اختصاص بخش پایانی کتاب، به ذکر متن احادیث مُشَنَد از پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره مهدی عجله الله.

۲- شماره‌گذاری روایات به منظور دستیابی آسان به آن در ارجاعات مربوط به طبقات راویان.

۳- تنظیم احادیث براساس حروف الفبایی اسامی صحابه، بجز کسانی که نام مشخصی نداشته باشند؛ مانند ابوهریره و بجز احادیث نقل شده توسط اُمّ حَبِیْبَه (رَمَلَه) و حَفْصَه که پس از نقل حدیث خَسَف، توسط اُمّ سَلَمَه، آمده است.

۴- نقل روایات از کتابهای روایی به ترتیب اهمیّت و تاریخ نگارش.

۵- ترتیب موضوعی احادیث.

۶- پیروی از نظر «ابن حَجَر عَسْقَلَانِی»، در صورت اختلاف نظر میان عالمان رجال‌شناس در معرفی اشخاص به نام یا کنیه یا اِثْن، و نیز در طبقه‌بندی؛ مثلاً «ابو و ذاک

جَبْرِ بن نُوفِ هَمْدَانِي» را «ذَهَبِي» در باب کنیه، (= ابو و دَاك) نوشته است، ولی ابن حَجْر در باب اسامی (= جَبْرِ بن نُوفِ) آورده که از نظر وی پیروی شده است. و نیز در طبقه بندی، ابوداود طَيَالِيسِي را «ذَهَبِي» در تَذَكْرَةُ الحُقَافِظِ در طبقه هفتم نگاشته، اما «ابن حَجْر» او را در طبقه نهم یاد آور شده که از نظر وی پیروی شده است.

۷- راویان احادیث خَسَفِ که مستقیماً مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه نمی باشد، در طبقات راویان یاد آوری نشده است.

۸- در مورد راویانی که تاریخ فوت آنان به دست نیامده، فقط به ذکر طبقه اکتفا شده است.

۹- از کتاب طبقات ابن سعد و خلیفه بن خیاط، به ترتیب، با عناوین: الطبقات الکبری و الطبقات، یاد شده است.

۱۰- در هر جا که از تقریب التَّهْذِيبِ، صفحه ای ارائه شده است مقصود، چاپ دارالمعرفه بیروت، سال ۱۳۹۵ق. با تحقیق عبدالوہاب عبداللطیف است.

۱۱- با توجه به اینکه در آغاز تمامی روایاتی که از کتاب مُسْنَدِ احمد بن حنبل (دوره شش جلدی، چاپ بیروت) نقل می شود، عبارت «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي» تکرار شده است، به منظور اختصار، عبارت مکرر یاد شده - بجز در روایت شماره ۶ که برای نخستین بار آمده، - حذف گردیده است.

۱۲- رموز یا نشانه های اختصاری که در کنار نام صحابه آمده به پیروی از نوشته ابن حَجْر در مقدمه تقریب التَّهْذِيبِ، و نیز مَزِّي، در مقدمه تهذیب الکمال بدین قرار است:

ع	علامت	جماعت (صاحبان صحاح شش گانه)
خ	=	بخاری در صحیح
م	=	صحیح مُسْلِم
مق	=	مسلم در مقدمه
د	=	سُنَنِ ابِي دَاوُد

سُنن نَسائی	=	س
سُنن تَرِمِذِيّ	=	ت
سُنن ابن ماجه قزوینی	=	ق
سُنن چهارگانه (ابی داود، نسائی، ترمذی، ابن ماجه)	=	۴
تعلیقات بخاری در صحیح	=	خت
بخاری در الأدب المفرد	=	بخ
بخاری در خلق أفعال العباد	=	عخ
بخاری در جزء القراءة خَلْف الإمام	=	[ر] ز
بخاری در رفع اليدين فِي الصَّلَاة	=	ی
ابوداود در المراسیل	=	مد
ابوداود در فضائل الأنصار	=	صد
ابوداود در الناسخ	=	خد
ابوداود در القدر	=	قد
ابوداود در التفرّد	=	ف
ابوداود در المسائل	=	ل
ابوداود در مُسْنَد مالك	=	كد
ترمذیّ در الشمائل	=	تم
نَسائی در خصائص امیرالمؤمنین علیّ بن أبی طالب <small>عليه السلام</small>	=	ص
نَسائی در مُسْنَد علیّ <small>عليه السلام</small>	=	عس
نَسائی در مُسْنَد مالك	=	كن
ابن ماجه قزوینی در التفسیر	=	فق

و برای کسی که در جوامع شش گانه روایتی نباشد، کلمه «تمییز» آورده شده است.

تعریف برخی از اصطلاحات

با توجه به لزوم آشنایی با پاره‌ای از اصطلاحات موجود در این کتاب، مقتضی است به تعریف برخی از آنها پرداخته شود.

طَبَقَه

واژه «طبقه» در لغت به معنای مرتبه است و نیز به گروهی گفته می‌شود که شبیه یکدیگرند.^۱

اما در اصطلاح رجال، عبارت است از گروه معاصر که از جهت سن و سال، نزدیک به هم و در اخذ حدیث از مشایخ و استادان، مشترک باشند.^۲

۱ - بنگرید به: ابن الصّلاح شهرزوری، علوم الحدیث، ص ۳۵۷ (در نوع ۶۳ از انواع علوم الحدیث)؛ مقدمه ابن الصّلاح و معاین اصطلاح، ص ۵۹۹؛ شیوطی، جلال‌الدین، تدریب الراوی، ج ۲، ص ۳۸۱؛ فرید و جیدی، دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۵، ص ۶۸۶.

۲ - بنگرید به: علوم الحدیث، ص ۳۵۷؛ مقدمه ابن الصّلاح و معاین اصطلاح، ص ۵۹۹؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۳۸۱؛ تهاوی در کشف اصطلاحات الفنون، ص ۹۱۷، نوشته است: «الطبقه... لغة: القوم المتشابهون، و فی اصطلاح المحدثین عبارة عن جماعة اشتركوا فی السن و لقاء المشایخ و الأخذ عنهم، فإما أن یكون شیوخ هذا الراوی شیوخ ذلك أویماثل أویقارن شیوخ هذا شیوخ ذلك، و بهما اکتفوا بالتشابه فی الأخذ» و نیز بنگرید: نورالدین عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۱۴۵.

صَحَابَه

واژه «صَحَابَه» به فتح صاد، جمع «صاحب» و در لغت به معنای یار است. بجز این مورد، جمع وزن فاعِل بر فَعَالِه، نیامده است.^۱ و نیز «صَحْب» و «اصحاب»، جمع صاحب است؛ مانند رَكْب و راکب، انصار و ناصر، و أشهاد و شاهد.^۲

در کشف اصطلاحات الفنون آمده است: «صاحب» به معنای یار و همراه است و صاحبون، اصحاب، صحابه، صُحْبَان، صَحْب و... جمع صاحب است، و «صَحَابِيّ» منسوب به صحابه می باشد.

اما تعریف «صَحَابِيّ» در اصطلاح رجال، براساس نوشته «ابن حَجَر عَشَقَلَانِيّ» عبارت است از: «کسی که پیامبر اسلام ﷺ را در حال ایمان، دیدار کرده باشد و با اسلام از دنیا رفته باشد».^۳

شمار صحابه در هنگام رحلت پیامبر ﷺ بیش از یکصد و چهارده هزار نفر بوده که در حدود صد هزار نفر، از آن حضرت، استماع حدیث کرده اند.^۴ و آخرین صحابی که چشم از دنیا فرو بست، ابوالطفیل عامر بن وائله بود که در سال ۱۱۰ هـ. درگذشت.^۵ یادآور می شود که از نظر اهل سنت تمامی صحابه پیامبر ﷺ عادل می باشند:

۱ - بنگرید به: ابن منظور، لسان العرب: «ولم يجمع فاعل على فعالة إلا هذا... قال الجوهری: الصَّحَابَة، بالفتح: الأصحاب، و هو في الأصل مصدر، و جمع الأصحاب أصحاب».

۲ - همان، ماده «صحب».

۳ - الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۱، ص ۷: «أصح ما وقفت عليه في تعريف الصحابي أنه: «من لقي النبي ﷺ مؤمناً به ومات على الإسلام»، وهذا التعريف مبني على الأصح المختار عند المحققين كالبخاري وأحمد بن حنبل و من تبعهما». و بنگرید به: تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۰۹.

۴ - بنگرید به: الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۱، ص ۴.

۵ - بنگرید به: شرح حال وی در همین کتاب.

«الصَّحَابَةُ كُلُّهُمْ عُدُولٌ»^۱.

عِبَادِلَهُ

مراد از کلمه عِبَادِلَهُ یعنی عبدالله بن عُمَر، عبدالله بن عَبَّاس، عبدالله بن زُبَیْر و عبدالله ابن عُمَر و بن عاص، که از صحابه هستند، و عبدالله بن مسعود از عِبَادِلَهُ، شمرده نمی‌شود.^۲ خاطر نشان می‌سازد که به گفته «مَشْرُوق»، دانش صحابه به شش تن یعنی عُمَر، علی، اَبی، زَید، ابوالدَّرْداء و ابن مسعود، و دانش این شش تن به علی و عبدالله بن مسعود منتهی می‌شود.^۳

تَابِعِينَ

واژه تَابِعِينَ، جمع تابع و «تَابِعِيٌّ»^۴ با یای مشدّد و نسبت است. این جمع بر خلاف قیاس است؛ زیرا قیاس، آن بود که تابعین گفته شود. «تابعی» در اصطلاح، عبارت است از کسی که صحابی پیامبر ﷺ را در حال ایمان دیدار کرده باشد و با اسلام از دنیا رفته باشد.^۵

۱ - تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۴؛ و بنگرید به: علوم الحدیث، ص ۲۶۴؛ مقدّمه ابن الصّلاح و محاسن الاصطلاح، ص ۴۲۷ و نیز الإصابة: «اتفق أهل السنة على أنّ الجميع عدولٌ».

۲ - تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۹: «و من الصحابة العبادة وهم ابن عمر، و ... و ليس ابن مسعود منهم، قاله: احمد بن حنبل، قال البيهقي: لأنه تقدّم موته». و بنگرید به: علوم الحدیث، ص ۲۶۶؛ مقدّمه ابن الصّلاح و محاسن الاصطلاح، ص ۴۳۰.

۳ - علوم الحدیث، ص ۲۶۷؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۸؛ مقدّمه ابن الصّلاح و محاسن الاصطلاح، ص ۴۳۱.

۴ - تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۳۴.

۵ - کشف اصطلاحات الفنون: «التابعي بالياء المشددة عند أهل الشرع هو من لقي الصحابي مؤمناً بالنبی ﷺ ومات على الإسلام».

تابعان دارای مراتب مختلفی می‌باشند.^۱

مُخَضَّرَم

واژه «مُخَضَّرَم» به فتح راء، یعنی کسی که زمان جاهلیت و اسلام را درک کرده باشد، ولی موفق به دیدار پیامبر ﷺ نشده باشد. مخضرمان را از تابعان می‌شمرند.^۲

مَوْلَى

در سند بسیاری از احادیث آمده که «مَوْلَى فُلَان» یا «مَوْلَى بَنِي فُلَان». این واژه ممکن است به یکی از معانی زیر باشد:^۳

۱- وَلاَی عِتَق؛ یعنی مولی و مالک عبد پس از آزاد کردن وی، بر او ولای عتق و آزاد کردن دارد، یعنی چنانچه عبد آزاد شده بمیرد و وارثی نداشته باشد، مولای پیشین که او را آزاد کرده از او ارث می‌برد، از این رو «مولى فلان» یعنی مُعْتَق و آزاد شدهٔ فلانی، که معمولاً در کتابهای رجالی به همین معنا به کار رفته است.

۲- وَلاء اسلام؛ مانند ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری مَوْلَى الْجُعْفِيَّيْنِ که جدش «مُغْبِرَه»^۴ مجوسی بود و به دست «یَمَان بن أَخْنَس جُعْفِيّ» مسلمان شد، از این رو بخاری جُعْفِيّ گفته می‌شود که منسوب به جُعْفِيَّيْنِ است.

۱- بنگرید به: ابن حَجَر عَشَقْلَانِي، تَقْرِيب التَّهْلِيْب، ج ۱، ص ۵.

۲- علوم الحديث، ص ۲۷۳؛ مَقْدَمَةُ ابْن الصَّلَاح وَمَحَاسِنُ الاِصْطِلَاح، ص ۴۵۱؛ تَدْرِيبُ الرَّاَوِي، ج ۲، ص ۲۳۸: «وَمِنْ التَّابِعِيْنَ الْمُخَضَّرَمُوْنَ، وَاجِدُهُمْ مُخَضَّرَمٌ (بفتح الرَّاءِ)، وَهُوَ الَّذِي أُذْرِكُ الْجَاهِلِيَّةَ وَرَمَنَ النَّبِيِّ ﷺ وَلَمْ يَرَهُ».

۳- بنگرید به: علوم الحديث، ص ۳۵۹ (نوع ۶۴ از انواع علوم حديث)؛ مَقْدَمَةُ ابْن الصَّلَاح وَمَحَاسِنُ الاِصْطِلَاح، ص ۶۰۲؛ تَدْرِيبُ الرَّاَوِي، ج ۲، ص ۳۸۲؛ دَرَايَةُ الحديث، ص ۲۰.

۴- بنگرید به: تَدْرِيبُ الرَّاَوِي، ج ۲، ص ۳۸۲.

۳- **وَلَاءِ حِمْفٍ**؛ وهم پیمانی؛ مانند مالک بن انس (پیشوای مالکیان) که از قبیله حِمیر است، ولی چون قبیله حِمیر با قبیله تَیم قریش هم پیمان بودند، وی را تَیمی نیز می گویند.

القاب علمی راویان به ترتیب اهمیت

مُسْنِد

«مُسْنِد» به کسر نون، در اصطلاح یعنی کسی که حدیث را با سند نقل می کند، خواه از روی علم و آگاهی یا صرف روایت باشد.^۱

مُحَدِّث

واژه «مُحَدِّث»، مقامی برتر از «مُسْنِد» است و در اصطلاح به کسی می گویند که سلسله سند حدیث و حال راویان آن را بداند.^۲

حَافِظ

«حَافِظ» در اصطلاح یعنی کسی که افزون بر حفظ بسیاری از متون حدیث، سنن پیامبر ﷺ و سلسله سند آن را بداند و بر احوال راویان و طبقات مشایخ روایت، کاملاً احاطه داشته باشد.^۳

حُجَّت

«حُجَّت» یعنی کسی که افزون بر حفظ سیصد هزار حدیث، سلسله سند و متن آن را نیز بداند.^۴

۱- بنگرید به: تَدْرِيبُ الرَّوِيِّ، ج ۱، ص ۴۳: «هُوَ مَنْ يَرُوِي الْحَدِيثَ بِإِسْنَادِهِ، سِوَاكَ كَانْ عِنْدَهُ عِلْمٌ بِهِ أَوْ لَيْسَ لَهُ إِلَّا مَجْرَدُ رِوَايَةٍ».

۲- بنگرید به: تَدْرِيبُ الرَّوِيِّ، ج ۱، ص ۴۳: مَتَّهِجُ النُّقْدِ فِي عِلْمِ الْحَدِيثِ، ص ۷۶.

۳- بنگرید به: عِلْمُ الْحَدِيثِ وَتَمْصُطَلِحُهُ، ص ۷۱.

۴- بنگرید به: مَتَّهِجُ النُّقْدِ فِي عِلْمِ الْحَدِيثِ، ص ۷۷.

حاکم

«حاکم» یعنی کسی که بر تمامی احادیث بجز اندکی، احاطه علمی داشته باشد.^۱

امیرالمؤمنین در حدیث

این مقام، برترین مراتب علمی راویان است.^۲

الفاظ تعدیل

الفاظ تعدیل بر حسب نوشته سَیُوطِیُّ^۳ دارای مراتب متعددی است:

- ۱ - توصیف به أَفْعَل، مانند: أَوْثَقُ النَّاسِ، أَثْبَتُ النَّاسِ.
- ۲ - تکرار الفاظ تعدیل، مانند: ثِقَّةٌ ثِقَةٌ، ثِقَةٌ ثَبَّتْ،^۴ ثِقَّةٌ حُجَّةٌ، ثِقَّةٌ حَافِظٌ.
- ۳ - ثِقَّةٌ، مُتَّقِنٌ، ثَبَّتْ، حُجَّتْ، عَدَّلَ، حَافِظٌ، ضَاطِعٌ.
- ۴ - صَدُوقٌ، مَحَلَّةُ الصَّدَقِ، لَا بَأْسَ بِهِ، مَأْمُونٌ، خِيَارٌ، لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.
- ۵ - شَيْخٌ، يُكْتَبُ حَدِيثُهُ، يُنْظَرُ فِيهِ، حَسَنُ الْحَدِيثِ، صَدُوقٌ سَيِّئُ الْحِفْظِ، صَدُوقٌ يَهْمٌ، صَدُوقٌ لَهُ أَوْهَامٌ، صَدُوقٌ بَآخِرِهِ، (مَرْمِيٌّ بِهِ: تَشْيِيعٌ، قَدَرٌ، نَصْبٌ وَإِرْجَاءٌ نِيزَ مَلْحَقٌ بِهِ فِي هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ مِمَّنْ يَأْتُونَ بِأَهْوَابٍ).
- ۶ - صَالِحُ الْحَدِيثِ، يُكْتَبُ حَدِيثُهُ لِلْإِعْتِبَارِ، يُنْظَرُ فِيهِ، صَدُوقٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، أَرْجَوُّ أَنْ لَا يَأْسَ بِهِ، صَوَالِحٌ، مَقْبُولٌ.

الفاظ جرح

الفاظ جرح نیز دارای مراتبی بدین شرح است:

- ۱ - بَنَغْرِيْدٌ بِهِ: مَنَهْجُ النُّقْدِ فِي عِلْمِ الْحَدِيثِ، ص ۷۷.
- ۲ - هَمَانٌ.
- ۳ - بَنَغْرِيْدٌ بِهِ: تَدْرِيبُ الرَّاْوِي، ج ۱، ص ۳۴۲.
- ۴ - فِي مِصْبَاحِ التَّنْبِيْهِ، أَمْدَةٌ هِيَ: «ثَبَّتْ» بِهَاءٍ، يَعْنِي مَثْبُوتٌ فِي أُمُورٍ، ثَبَّتَ الْجَسَانَ، يَعْنِي ثَابِتٌ الْقَلْبِ، وَرَجُلٌ ثَبَّتَ، بِهَاءٍ، يَعْنِي عَدَلَ ضَاطِعًا، كَمَا جَمَعَ أَنَّ أَثْبَاتٌ هِيَ.

- ۱- لَيْسَ الْحَدِيثُ، كُتِبَ حَدِيثُهُ، يُنْظَرُ فِيهِ اعْتِبَارًا، فِيهِ مَقَال.
 - ۲- لَيْسَ بِقَوِيٍّ، يُكْتَبُ حَدِيثُهُ لِلْاعْتِبَارِ.
 - ۳- ضَعِيفُ الْحَدِيثِ، ضَعِيفٌ، مُنْكَرُ الْحَدِيثِ، حَدِيثُهُ مُنْكَرٌ، وَاهٍ ضَعْفُوه.
 - ۴- مَتْرُوكُ الْحَدِيثِ، كَذَّابٌ، سَاقِطٌ لَا يُكْتَبُ حَدِيثُهُ وَلَا يُعْتَبَرُ بِهِ وَلَا يُسْتَشْهَدُ، مَرْدُودُ الْحَدِيثِ، ضَعِيفٌ جَدًّا، ذَاهِبٌ، ذَاهِبُ الْحَدِيثِ، مُتَّهَمٌ بِالْكَذْبِ، كَذَّابٌ دَجَّالٌ، وَضَّاعٌ، يَضَعُ، لَهُ بَلَايَا، هَذَا الْحَدِيثُ مِنْ بَلَايَاهِ.
- از مراتب الفاظ جرح، تعبیرات زیر است:
- مُضْطَرَّبٌ، لَا يُحْتَجُّ بِهِ، مَجْهُولٌ، لَا شَيْءَ، لَيْسَ بِذَلِكَ، لَيْسَ بِذَلِكَ الْقَوِيٍّ، فِيهِ، فِي حَدِيثِهِ ضَعْفٌ.

تَدْلِيسٌ

- «تَدْلِيسٌ» در لغت به معنای فریفتن و در اصطلاح دارای اقسامی است،^۱ از قبیل:
- ۱- تَدْلِيسٌ فِي اسْنَادٍ؛ يَعْنِي حَدِيثِي مِنْ شَخْصٍ مَعَاصِرٍ نَقَلَ وَجَنِينٍ وَانْمُودَ كَنْدَ كَهْ حَدِيثٍ رَا مِنْهُ اسْتِمَاعَ كَرْدَه اسْت؛ مَثَلًا بَكُوَيْدِ: «قَالَ فُلَانٌ» يَا «عَنْ فُلَانٍ»، فِي صُورَتِي كَهْ بَا او مَلَاقَاتِي نَدَاشْتَه وَ يَا اِگَر دِيْدَارِي حَاصِلِ شُدَه، شَخْصًا مِنْ او حَدِيثِي نَشْنِيْدَه اسْت.
 - يَا فِي سَلْسَلَةِ سَنَدِ، شَخْصِي رَا كَه ضَعِيفٌ اسْت، حَذْفَ كَنْدَ تَا حَدِيثِ رَا فِي شَمَارِ احَادِيْثِ خُوبِ مَعْرِفِي كَنْدَ.
 - ۲- تَدْلِيسٌ فِي شُيُوْخٍ؛ يَعْنِي نَامِ يَا كَنِيْهَ يَا لَقَبِ غَيْرِ مَشْهُوْرٍ شَيْخِ حَدِيثِ رَا بِيَاوَرْدِ تَا شَنَاخْتَه نَشُود.^۲
- كُسي كَه اَهْلُ تَدْلِيسِ اسْت، «مُدَلِّسٌ» وَ حَدِيثِ تَدْلِيسِ شُدَه او رَا «مُدَلِّسٌ» مِي نَامَنْدَ.

۱- بَنگَرِيْدَ بَه: مَقْدَمَةُ ابْنِ الصَّلَاحِ وَ مَحَاسِنُ الْاِصْطِلَاحِ، ص ۱۶۵ وَ ۱۶۸ (نوع ۱۲ از انواع علوم حدیث).
 ۲- بَنگَرِيْدَ بَه: عِلْمُ الْحَدِيثِ، ص ۶۶ (نوع ۱۲ از انواع علوم حدیث)؛ مَقْدَمَةُ ابْنِ الصَّلَاحِ وَ مَحَاسِنُ الْاِصْطِلَاحِ، ص ۱۶۵؛ تَدْرِيبُ الرَّاوي، ج ۱، ص ۲۲۳.

توضیح برخی از رموز یا نشانه‌های اختصاری

«ثنا» و «نا» یعنی حدَّثنا

«أنا» یعنی أخبرنا

«ح» علامت حَيْلُولَه می باشد؛ یعنی چنانچه متنی به دو سند نقل شود هنگام انتقال از سندی به سند دیگر، حرف «ح» نوشته می شود که حائل میان دو اسناد است و به نظر برخی رمز «الحديث» می باشد.^۱

یادآوری مهم

همان گونه که جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر شیوطی با نقل برخی از احادیث پیامبر ﷺ درباره مهدی علیه السلام، رموز «صح»، «ح» و «ض» را نگاشته است^۲، احادیثی که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام روایت شده به سه دسته صحیح، حسن و ضعیف تقسیم می شود.

۱ - بنگرید به: علوم الحديث، ص ۱۸۰ (امر ۱۵ از نوع ۲۵)؛ مقدمة ابن الصلاح و محاسن الاصطلاح، ص ۳۲۰؛ تدریب الراوی، ج ۱، ص ۸۶.

۲ - بنگرید به: الجامع الصغير فی احادیث البشير النذیر، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۶۷۲، حدیث شماره ۹۲۴۱ (حرف میم): «المَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي: مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»، (د. ه. ك)، (صح)^(۱)؛ شماره ۹۲۴۳: «المَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُضِلُّهُ اللهُ فِي لَيْلَةٍ» (حم. ه)، (ح)^(۲)؛ شماره ۹۲۴۲: «المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ الْعَبَّاسِ عَمِّي». (قط)، (ض)^(۳).

در توضیح این رموز آمده است:

(۱) «لأبي داود، و لابن ماجه، و للحاكم في مستدرکه، كلهم عن أم سلمة، حدیث صحیح».

(۲) «لأحمد في مسنده و لابن ماجه، كلاهما عن علي، حدیث حسن».

(۳) «للدارقطني في الأفراد عن عثمان. حدیث ضعیف».

بخش نخست

طبقات راویان

طبقه نخست: صحابیان

آبوهَریره / ع

آبوهَریره دَوَسِيّ، یکی از صحابیان مشهور که در نام او و نام پدرش اختلاف فراوان بی‌مانندی است، «اِخْتَلَفُوا فِي اسْمِ أَبِي هُرَيْرَةَ، وَ اسْمِ أَبِيهِ اخْتِلافاً كَثِيراً لَا يُحَاطُ بِهِ وَلَا يُضَبَطُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ»^۱، «وَقَدْ اِخْتَلَفَ فِي اسْمِهِ اخْتِلافاً كَثِيراً لَمْ يُخْتَلَفْ فِي اسْمٍ آخَرَ مِثْلِهِ وَلَا مَا يُقَارِبُهُ»^۲.

رجال شناسان نام او و نام پدرش را چنین می‌نگارند:

عبد الرَّحْمَنِ بْنِ صَخْرٍ، عبد الرَّحْمَنِ بْنِ غَنَمٍ، عبد الله بن عائذ، عبد الله بن عامر، عبد الله ابن عمرو، سُكَيْنُ بْنُ دُوْمَةَ، سُكَيْنُ بْنُ رِزْمَةَ، سُكَيْنُ بْنُ هَانِيٍّ، سُكَيْنُ بْنُ ثُرْمَلٍ، سُكَيْنُ بْنُ صَخْرٍ، عامر بن عَبْدِ شَمْسٍ، عامر بن عَمِيرٍ، بُرَيْرُ بْنُ عِشْرِقَةَ، عَبْدُ نَهْمٍ، عبد شمس، غَنَمٌ، عُبَيْدُ بْنُ غَنَمٍ، عمرو بن غَنَمٍ، عمرو بن عامر، سعيد بن حارث و...

به خاطر مشخص نبودن نام او و نام پدرش، زیر عنوان کنیه «آبوهَریره» نگاشته شد. اما علت نامیدن او به «آبوهَریره» این است که او بچه گربه‌ها را همراه خود می‌برد.

۱ - ابن عبد البرّ قُرْطُبِيّ، الاستيعاب (ضميمة الإصابة في تمييز الصحابة) ج ۱۲، ص ۱۶۸، ش ۳۲۰۸.

۲ - ابن أَثِيرٍ بَجَزْرِيّ، أُسْدُ الْغَابَةِ، ج ۶، ص ۳۱۹، ش ۶۳۱۹.

روزی بچه گریه‌ای در آستین خود داشت، پیامبر ﷺ او را دید و به همین مناسبت، وی را به کنیه «أَبُوهُرَيْرَةَ» خطاب کرد.^۱

أَبُوهُرَيْرَةَ در سال خَیْبَر (محرم سال ۵۷ هـ) مسلمان شد، و احادیث بسیار زیادی از پیامبر ﷺ نقل می‌کند.

او در دوران خلافت عمر بن خطاب، مدتی به عنوان حاکم بحرین منصوب شد. وی در سال ۵۷، ۵۸ و یا ۵۹ هـ، در ۷۸ سالگی درگذشت و ولید بن عُبَیْدَةَ بن اَبی سَفْیَانَ، بر او نماز خواند.

صاحبان صحاح شش‌گانه به احادیث وی فراوان استناد جسته‌اند.^۲

راویان از او: پسرش مُحَرَّر، ابن عَبَّاس، ابن عمر، أَنَس، وائِلَه، جَابِر، مَرْوَانَ بن حَكَم، قَبِيصَةَ بن ذُوئَيْب، سَعِيد بن مُسَيَّب، بَشِير بن نَهْيك، حَفْص بن عاصِم بن عمر بن خَطَّاب، سعید بن مَرْجَانَه، سُلَيْمَانَ بن يَسَار، شَهْر بن حَوْشَب، عِكْرِمَه، طَاوُوس بن كَيْسَانَ، عَامِر شَعْبِي، عَطَاء، مُجَاهِد، ابن سَیْرِيْن، مُحَمَّد بن زِيَاد جُمَحِي، نافع مولى ابن عمر، نافع مولى اَبی قَتَادَه، ابوزُرْعَه عَمْرُو بن جَرِيْر، حُمَيْد و ابوسَلْمَه پسران عبدالرَّحْمَن بن عَوْف، حَسَن بَصْرِي، عَامِر بن سَعْد بن اَبی وَقَّاص، سعید بن سَمْعَانَ، عبدالله بن عُبَيْدَةَ بن مسعود، عُرْوَة ابن زُبَيْر، ابوصالح السَّمَّان، و...^۳

راوی احادیث شماره: ۱ تا ۳۱.

۱ - بنگرید به: *أَسَدُ الْغَابَةِ*، ش ۳۲۰۸.

۲ - بنگرید به: ابن سَعْد، *الطَّبَقَاتُ الْكُبْرَى*، ج ۴، صص ۳۲۵ تا ۳۴۱ خلیفه بن خِیَاط، *الطَّبَقَاتُ*، ج ۱، ص ۲۵۲ ش ۷۱۷، ابن عبدالبرّ قُرْطُبِي، *الاسْتِيعَابُ*، (ضمیمه الإصَابَة)، ج ۱۲، ص ۱۶۷، ش ۳۲۰۸؛ ابن اثیر جَزْرِي، *أَسَدُ الْغَابَةِ*، ج ۶، صص ۳۱۸ تا ۳۲۱ ش ۶۳۱۹؛ مِرْزِي، *تهذیب الِکْمَالِ فِي أَسْمَاءِ الرِّجَالِ*، ج ۲۲، ص ۹۰، ش ۸۲۷۵؛ ذَهَبِي، *تَذْکَرَةُ الْحُقَافِ*، ج ۱، صص ۳۲ تا ۳۶ ش ۱۶؛ ابن حَجَر عَشْقَلَانِي، *الإصَابَة فِي تَمْيِيزِ الصَّحَابَةِ*، ج ۱۲، ص ۶۳، ش ۱۱۸۰؛ *تهذیب التَّهْذِيبِ*، ج ۱۰، صص ۲۹۴، ۲۹۷، ش ۸۷۰۸، ابن حَجَر عَشْقَلَانِي، *تَقْرِيبُ التَّهْذِيبِ*، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳ - بنگرید به: *تَذْکَرَةُ الْحُقَافِ*، ج ۱، صص ۳۲ و ۳۳، *تهذیب التَّهْذِيبِ*، ج ۱۰، ص ۲۹۵، ش ۸۷۰۸.

آنس بن مالک / ع

آنس بن مالک بن نضر أنصاری خَزْرَجِيّ نَجَّارِيّ، ده سال با افتخار در خدمت پیامبر خدا ﷺ بود، در سال ۹۳ هجری در سن ۱۰۳ سالگی در بصره درگذشت.

خود او نقل می‌کند هنگامی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ به مدینه هجرت کرد، ده ساله بودم که مادرم «أُمُّ سُلَيْمٍ» دختر ملّحان، مرا به حضور پیامبر ﷺ برد و عرض کرد برای او دعا کن. حضرت برای فراوانی مال و فرزند او دعا کرد و بر اثر این دعا، مال فراوانی به دست آورد و در زمانی که از دنیا رفت، دارای ۱۲۰ فرزند و نوه بود.

او یکی از تیراندازان ماهر بود که گاهی در مسابقه تیراندازی با پسران، برنده می‌شد. صحابیان صحاح به روایات او استناد می‌کنند.

او از پیامبر ﷺ، ابوبکر، عمر، عثمان، عبدالله بن رواحه، فاطمه زهرا رضی الله عنها، ثابت بن قیس، عبدالرحمن بن عوف، ابن مسعود، مالک بن صعصعه، ابوذرّ، اَبِيّ بَنِ كَعْبٍ، أَبُو طَلْحَةَ، مُعَاذُ بَنِ جَبَلٍ، عُبَادَةُ بَنِ صَامِتٍ و... روایت کرده است.

راویان از او: حسن، سلیمان تَمِيمِيّ، ابوقلابه، اسحاق بن اَبِي طَلْحَةَ، قَتَادَةَ، مُحَمَّدُ بَنِ سِيرِينَ، زُهْرِيّ، سَعِيدُ بَنِ جُبَيْرٍ، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۳۲، ۳۳.

ثوبان هاشمی / بخ م ۴

ثوبان بن بُجْدُد، ابو عبدالله از طایفه حَمِيْرِيّ مَن که اسیر شده بود، پیامبر ﷺ وی را خرید و آزاد کرد و او را در پیوستن به کسان خود و ماندن نزد خویش آزاد گذاشت، ولی

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۷، صص ۱۷ تا ۲۶؛ الطبقات، ج ۱، صص ۲۰۵ و ۲۰۶، ش ۵۷۵؛ الاستیعاب، (ذیل الإصابه)، ج ۱، ص ۲۰۵، ش ۸۴؛ أنس الغابیه، ج ۱، ص ۱۵۱، ش ۲۵۸؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۴۴، ش ۲۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، صص ۳۹۰ و ۳۹۱، ش ۶۰۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۸۴.

او ماندن در حضور پیامبر ﷺ را برگزید و همواره در سفر و حضر، ملازم حضرت بود و پس از رحلت آن حضرت، مقیم شام شد و در سال ۵۴ هـ. در «حِمْص» درگذشت. مسلم در صحیح و ابوداود، ابن ماجه، ترمذی و نسائی در سنن و بخاری در الأدب المفرد، به روایات او استناد کرده‌اند.

راویان از او: ابو أسماء رَحَبِيّ، مَعْدَان بن ابی طَلْحَه، جُبَيْر بن نُسَیْر حَضْرَمِيّ، ابوادریس خَوْلَانِيّ، ابوسلام حبشی، راشد بن سعد، عبدالله بن ابی جَعْد و...^۱
راوی احادیث شماره: ۳۴ تا ۳۸.

جابر بن سَمْرَةَ بن جُنَادَه سَوَائِيّ / ع

پدرش نیز صحابی به شمار می‌آید، مادرش خالده دختر ابوقاص، خواهر سعد بن ابی وقاص است.

جابر ساکن کوفه شد و در سال ۷۴ هـ. درگذشت. صاحبان صحاح شش‌گانه به حدیث او استناد کرده‌اند.

او از پیامبر ﷺ و از نامبردگان زیر روایت کرده است:

پدرش، دائی‌اش: سعد بن ابی وقاص، عمر بن خطاب، علی بن ابی طالب، ابویوب، نافع بن عُبَیْه بن ابی وقاص.

راویان از او: سِمَاك بن حَرْب، تَمِيم بن طَرْفَه، جعفر بن ابی ثَوْر، ابوعَوْن ثَقَفِيّ، عبدالمَلِك بن عُمَيْر، حُصَيْن بن عبدالرَّحْمَن، ابواسحاق سَبِيعِيّ، و...^۲

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۰۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۱۵، ش ۱۷ و ج ۲، ص ۷۴۷، ش ۲۷۱۰؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابات)، ج ۲، ص ۱۰۶، ش ۲۸۳؛ أشد الغابة، ج ۱، ص ۲۹۶، ش ۶۲۴؛ تهذیب الكمال، ج ۳، ص ۲۷۱، ش ۸۴۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، صص ۵۷۳ و ۵۷۴، ش ۸۹۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۷۳.

۲ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۴، الطبقات، ج ۱، ص ۱۳۲، ش ۳۹۷؛ الاستیعاب (ضمیمه

راوی احادیث شماره ۵: ۳۹ تا ۵۳.

جابر بن عبدالله انصاری / ع

جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام بن ثعلبه خزرجی سلمی، ابو عبدالله انصاری، فقیه و مفتی مدینه، صحابی فرزند صحابی است. مادرش «نسیبه» دختر عقبه بن عدی بود. او آخرین صحابی مدینه است که در سال ۷۳ یا ۷۷ یا ۷۸ هـ. در سن ۹۴ سالگی درگذشت. صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد می کنند.

جابر احادیث بسیاری از پیامبر ﷺ روایت کرد و در مسجد النبی ﷺ حلقه درسی داشت.

جابر می گوید: در ۱۹ غزوه، حضور داشتم و در روز بدر، به اصحاب آب می دادم. پدرش در جنگ احد به شهادت رسید. جابر در جنگ صفین با علی بن ابی طالب رضی الله عنه بوده است.^۱

راویان از او: فرزندان او: عبدالرحمن، عقیل، محمد؛ و نیز سعید بن مسیب، محمود ابن لیبید، ابوالزبیر، عمرو بن دینار، ابوجعفر الباقر، محمد بن منکدر، ابونضره عبیدی، حسن بن محمد بن حنفیه، حسن بصری، شعبی، عطاء بن ابی رباح، عروة بن زبیر، مجاهد بن جبر، قعقاع بن حکیم و...^۲

→ (الإصابة) ج ۲، صص ۱۱۷ و ۱۱۸، ش ۳۰۰؛ أشد الغابة، ج ۱، ص ۳۰۴، ش ۶۳۸؛ تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۲۸۷، ش ۸۵۲؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة، ج ۲، ص ۴۲، ش ۱۰۱۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، صص ۵ و ۶، ش ۹۰۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۲۲.

۱ - بنگرید به: الطبقات، ج ۱، ص ۲۲۴، ش ۶۲۳ (نام مادرش آنیسه)؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابة) ج ۲، صص ۱۰۹ تا ۱۱۱، ش ۲۸۷؛ أشد الغابة، ج ۱، ص ۳۰۷، ش ۶۴۷؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۳، ش ۲۱؛ الإصابة، ج ۲، ص ۴۵، ش ۱۰۲۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، صص ۷ و ۸، ش ۹۱۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲ - تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۲۹۲، ش ۸۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، صص ۷ و ۸، ش ۹۱۱.

راوی احادیث شماره: ۵۴ تا ۷۲.

جابر بن ماجد صدقی ← ماجد صدقی

به حضور پیامبر ﷺ رسید و در فتح مصر شرکت داشت.^۱

راوی احادیث شماره: ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵.

حجاج بن عمرو بن غزیه / ۴

حجاج بن عمرو بن غزیه انصاری مازنی، مدنی، صحابی که ابوداود، ابن ماجه، ترمذی و نسائی در سنن خود از او حدیث نقل کرده‌اند.

او همان شخصی است که مروان بن حکم را در خانه عثمان بن عفان در روز محاصره با شمشیر مورد حمله قرار داد و نقش بر زمین ساخت ولی مروان، نمرد.

بر حسب نوشته ابونعیم اصفهانی، حجاج بن عمرو در جنگ صفین، با علی بن ابی طالب بوده است.^۲

راویان از او: پسر برادرش: ضمیره بن سعید، عبدالله بن رافع و عکرمه.^۳

راوی احادیث شماره: ۱۴۲ و تکرار آن در شماره ۲۲۷.

۱ - الإصابة، ج ۲، ص ۴۹، ش ۱۰۳۳.

۲ - بنگرید به: الطبقات، ج ۱، ص ۲۳۰، ش ۶۴۲؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابة) ج ۲، ص ۳۰۵، ش

۴۸۶؛ أشد الغابة، ج ۱، ص ۴۵۸، ش ۱۰۸۴؛ الإصابة، ج ۲، ص ۲۱۶، ش ۱۶۱۹؛ تهذیب التهذیب، ج

۲، ص ۱۸۰، ش ۱۱۸۴؛ تقریب التهذیب، ش ۱۱۸۴.

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۸۱، ش ۱۱۸۴.

حَدِيثُ بِنِ الْيَمَانِ / ع

حَدِيثُ بِنِ حُسَيْلٍ يَآ حِشْلَ بِنِ جَابِرِ بِنِ عَمْرٍو عَبْسِيٍّ، وَآزَةُ يَمَانٍ، لَقِبَ بِدِرْسٍ مِي بَاشَد.

پدر حَدِيثُ بِنِ حُسَيْلٍ يَآ حِشْلَ بِنِ جَابِرِ بِنِ عَمْرٍو مُلقَّبُ بِنِ الْيَمَانِ اسْت؛ زِيْرَا بَا طَائِفَةُ يَمَانِيْهَا هَمِ بِيْمَانِ بُوْد.

مادرش «رباب» دختر كَعْبِ بِنِ عَدِيٍّ بِنِ عَبْدِ الْاَشْهَلِ اسْت.

حَدِيثُ بِنِ بَا پَدْرٍ وَبِرَادِرْسِ صَفْوَانٍ، دَرِ غَزْوَةِ اَحَدِ حَضْرٍ دَاسْتَنْدَ كِه پَدْرِسِ بِرَاثْرَ اشْتَبَاهِ بَرُخِيْ اَزِ مَسْلِمَانَانِ دَرِ هَنْگَامِ شَدْتِ جَنْگِ، كَشْتِهْ شَدْ، پِيَامْبِرِ گَرَامِي ﷺ خَوَاسْتِ دِيَهْ اَوْ رَا بِيْرْدَازْدَ كِه حَدِيثُ بِنِ اَنِّ رَا نَبْذِيْرْفَتِ وَبِهْ مَسْلِمَانَانِ پَرْدَاخْتِ. دَرِ غَزْوَةِ خَنْدَقِ اَزِ سُوِيْ پِيَامْبِرِ ﷺ مَأْمُوْرِ كَسْبِ اَطْلَاعِ وَبَرُورْسِيْ مَوْقِيعِيْتِ سِيْپَاهِ قَرِيْشِ شَدْ كِه بَا دَرَايْتِ وَاَزِ خُوْدِ گَزْدَشْتِگِيْ، اِيْنِ مَأْمُوْرِيْتِ خَطِيْرِ رَا دَرِ قَلْبِ سِيْپَاهِ دَشْمَنِ بَا مَوْقِيعِيْتِ، اَنْجَامِ دَاْدِ^۱.

حَدِيثُ بِنِ اَزِ بَزْرِگَانِ صَحَابِهْ وَرَازْدَارِ پِيَامْبِرِ اِسْلَامِ ﷺ بُوْد، وَمَنْافِقَانِ رَا مِيْ شَنَاخْتِ وَبِرَابِرِ نَقْلِ مُسْلِمِ، پِيَامْبِرِ گَرَامِي ﷺ اَوْ رَا اَزِ اَسْرَارِ گَزْدَشْتِهْ وَآيْنِدِهْ تَا قِيَامْتِ آگَاهِ سَاخْتِهْ بُوْد.

«صَحِّ فِيْ مُسْلِمٍ^۲ عَنْهُ اَنْ رَسُوْلَ اللّٰهِ ﷺ اَعْلَمَهُ بِمَا كَانُ وَ مَا يَكُوْنُ اِلَى اَنْ تَقُوْمَ السَّاعَةُ»^۳.
عَمْرُ بِنِ خَطَّابٍ، اَزِ اَوْ پَرَسِيْدِ كِه آيَا دَرِ مِيْآنِ كَارِگَزَارَانِمِ، مَنْافِقِيْ هَسْتِ؟ پَاسَخِ دَاْد، آرِيْ، گَفْتِ: كِيْسْتِ؟ حَدِيثُ بِنِ گَفْتِ: يَادَاوْرِ نَمِيْ شُوْمِ. وَ لَذَا هَرْگَاهِ كَسِيْ مِيْ مَرْدِ، وَ حَدِيثُ بِنِ بَرِ جَنَازَهْ اَوْ حَاضِرِ نَمِيْ شَدْ، عَمْرُ بِنِ خَطَّابِ، نِيْزِ حَاضِرِ نَمِيْ شَدْ.

۱ - بَنْگَرِيْدِ بَه: اِبْنِ هِشَامِ، السِّيْرَةُ النَّبَوِيَّةُ، ج ۳، صص ۹۲، ۹۳ و ۲۴۲؛ الطَّبَقَاتُ، ج ۱، ص ۱۱۲، ش ۳۲۴؛

الاسْتِيْعَابُ، ج ۱، ص ۳۱۸، ش ۴۹۵؛ اُسْدُ الْغَايَةِ، ج ۱، ص ۲۶۸ ش ۱۱۱۳؛ تَهْدِيْبُ التَّهْدِيْبِ، ج ۲،

صص ۱۹۷ و ۱۹۸، ش ۱۲۰۹؛ تَقْرِيْبُ التَّهْدِيْبِ، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲ - بَنْگَرِيْدِ بَه: صَحِيْحُ مُسْلِمٍ، بَشْرَحُ النَّوَوِيِّ، ج ۱۸، صص ۱۵ و ۱۶، كِتَابُ الْفِتَنِ وَ اَشْرَاطِ السَّاعَةِ.

۳ - تَقْرِيْبُ التَّهْدِيْبِ، ج ۱، ص ۱۵۶.

حَدَّثَنِي فِيهِ فِي سَنَةِ ۲۱ هجرى در جنگ «نهاوند» حضور داشت و پس از کشته شدن فرمانده سپاه «نعمان بن مقرن» پرچم را به دست گرفت، «همدان»، «ری» و «دینور» را در سال ۲۲، فتح کرد و در فتح «جزیره» نیز حضور داشت.

سرانجام در سال ۳۶ هـ. پس از کشته شدن عثمان بن عفان و آغاز خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام درگذشت.

«صفوان» و «سعید» فرزندان حَدَّثَنِيهِ، برابر وصیت پدر، با علی بن ابی طالب علیه السلام بیعت کردند و در جنگ صفین به شهادت رسیدند^۱.

صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد کرده اند.

راویان از او:

صحابیان: جابر بن عبدالله، جُنْدَب بن عبدالله بَجَلِيّ، عبدالله بن یزید خُطَمِيّ، ابوالطفیل...

تابعان: حُصَيْن بن جُنْدَب ابوظبیان، رَبِيع بن حِراش، زَرَّ بن حُبَيْش، زید بن وَهَب، ابُوائل، ابُو ادریس خَوْلَانِيّ، اَسود بن یزید نَخَعِيّ، هَمَام بن حارث، یزید بن شَرِيك^۲ و...

راوی احادیث شماره: ۷۳، ۷۴.

حُسَيْن بن علی بن ابی طالب علیه السلام / ع

حسین بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف، قُرَشِيّ هَاشِمِيّ، ابوعبدالله مَدَنِيّ، سِبْط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و رِيحَانَةُ آن حضرت، یکی از دو سرور جوانان اهل بهشت، شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله، خامس اهل کساء، مادرش فاطمه دُخْت

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۱۵؛ الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۲، ش ۳۲۴؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابه)،

ج ۱، ص ۳۱۹، ش ۴۹۵؛ أسد الغابة، ج ۱، ص ۴۶۸، ش ۱۱۱۳.

۲ - تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۱۹۱، شماره ۱۱۳۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۸، ش ۱۲۰۹.

رسول الله سرور زنان جهان، در ماه شعبان سال چهارم هجری متولد شد، پیامبر گرامی ﷺ در گوش او اذان گفت.

پیامبر گرامی ﷺ در منقبت آن حضرت فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا».

ابن حجر در تهذیب التهذیب، می نویسد: قال شَرْحَبِيلُ بْنُ مُدْرِكِ الْجُعْفِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُجَيْيٍّ، عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ سَافَرَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَكَانَ صَاحِبَ مَطْهَرَتِهِ، فَلَمَّا حَازُوا نَيْنَوِيَّ، وَهُوَ مَنْطَلِقٌ إِلَى صِفِّينَ، نَادَى عَلِيٌّ: صَبْرًا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَبْرًا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ. قُلْتُ: مَنْ ذَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟

قال: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَيْنَاهُ تَفِيضَانِ، فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَغَضِبَكَ أَحَدٌ؟ قَالَ: بَلَى، قَامَ مِنْ عِنْدِي جَبْرِيلُ قَبْلُ فَحَدَّثَنِي أَنَّ الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ، وَقَالَ: هَلْ لَكَ أَنْ أُسَمِّكَ مِنْ ثُرْبَتِهِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَمَدَّ يَدَهُ فَقَبَضَ قَبْضَةً مِنْ تُرَابٍ فَأَعْطَانِيهَا، فَلَمْ أَمْلِكْ عَيْنِي أَنْ فَاضَتْ أ.

وعن عمر بن ثابت، عن الأعمش، عن شقيق، عن أم سلمة قالت: كان الحسن والحسين يلعبان بين يدي رسول الله ﷺ في بيتي، فنزل جبريل، فقال: يا محمد، إن أمتك تقتل ابنك هذا من بعدك، وأوماً بيده إلى الحسين، فبكى رسول الله ﷺ وضمه إلى صدره، ثم قال رسول الله ﷺ:

«وَضَعْتُ عِنْدَكَ هَذِهِ التُّرْبَةَ»، فَسَمَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ: «رِيحُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ». وَقَالَ: «يَا أُمَّ سَلَمَةَ، إِذَا تَحَوَّلَتْ هَذِهِ التُّرْبَةُ دَمًا فَاعْلَمِي أَنَّ ابْنِي قَدْ قُتِلَ».

فَجَعَلَتْهَا أُمَّ سَلَمَةَ فِي قَارُورَةٍ، ثُمَّ جَعَلَتْ تَنْظُرُ إِلَيْهَا كُلَّ يَوْمٍ وَتَقُولُ: إِنَّ يَوْمًا تُحَوَّلِينَ دَمًا لِيَوْمٍ عَظِيمٍ.

وَفِي الْبَابِ عَنْ عَائِشَةَ، وَزَيْنَبِ بِنْتِ جَحْشٍ، وَأُمِّ الْفَضْلِ بِنْتِ الْحَارِثِ، وَأَبِي أُمَامَةَ، وَأَنْسِ بْنِ الْحَارِثِ، وَغَيْرِهِمْ.

وقال يحيى بن سعيد الأنصاري، عن عبيد بن حنين: حدثني الحسين بن علي قال: أتيت علي عمر وهو يخطب على المنبر فصعدت إليه، فقلت له: إنزل عن منبر أبي واذهب إلى منبر أبيك. فقال عمر: لم يكن لأبي منبر، فأجلستني معه. (بنگريد به: تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۳۱۸ تا ۳۲۰ ش ۱۳۹۱).

حسين بن علي عليه السلام در مدینه اقامت داشت تا زمانی که با پدرش به کوفه رفتند، در جنگ جمل و صفین و نهروان، حضور داشت، و سرانجام در روز جمعه یا شنبه، عاشورای سال ۵۶۱ هـ. در ۵۶ سالگی به شهادت رسید.

قاتل آن حضرت، سنان بن انس نخعی است و نه شمر یا عمر بن سعد که فرمان قتل آن حضرت را داده‌اند. و في الصحيح أن رجلاً من أهل العراق سأل ابن عمر عن دم البعوض يصب الثوب، فقال ابن عمر: انظروا إلى هذا يسأل عن دم البعوض وقد قتلوا ابن رسول الله صلى الله عليه وآله! وسمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «الحسن والحسين ريحانناي من الدنيا» (أسد الغابة والإصابة) ۱.

در صحاح شش‌گانه به روایات آن حضرت استناد شده است ۲.

راویان از او: برادرش: حسن بن علي عليه السلام، فرزندانش، علی، زید، سکینه، فاطمه، نوه‌اش: ابوجعفر الباقر، شعیب، عکرمه، کرزیمی، سنان بن ابی سنان، دولی، عبدالله بن عمرو بن عثمان، قرزذق و ۳...
راوی حدیث شماره: ۷۵.

۱ - نیز بنگريد به: صحيح البخاري، ج ۸، ص ۲۱۷ (باب المناقب).

۲ - بنگريد به: الطبقات، ج ۱، ص ۱۲، ش ۹؛ أسد الغابة، ش ۱۱۷۳؛ الإصابة، ج ۲، صص ۲۴۸ تا ۲۵۳،

ش ۱۷۲۰؛ تهذيب التهذيب، ج ۲، صص ۳۱۸ تا ۳۲۰، ش ۱۳۹۱؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۱۳۹۱.

۳ - همان.

حَفْصَه، اُمُّ الْمُؤْمِنِينَ / ع

حَفْصَه، دختر عُمَرُ بن خَطَّابِ عَدَوِيِّ، اُمُّ الْمُؤْمِنِينَ، مادر او و برادرش عبدالله بن عُمَرُ، زَيْنَبِ دختر مظعون، خواهر عثمان بن مَظْعُون است، گفته شده که او پنج سال پیش از بعثت به دنیا آمد. حَفْصَه از مهاجران است و قبلاً همسر «خُنَيْسِ بن حُذَافَه سَهْمِي» بود که در غزوة بدر، حضور داشت و در مدینه فوت کرد و پس از انقضاء عده، عُمَرُ بن خَطَّابِ نزد ابوبکر رفت و ازدواج با حَفْصَه را به او پیشنهاد کرد ولی او چیزی نگفت، عمر بن خَطَّابِ خشمگین شد و پیش عثمان بن عَفَّان رفت و به او پیشنهاد کرد و این زمانی بود که «رُقَيْيَه» همسر عثمان فوت کرده بود، عثمان گفت: فعلاً قصد ازدواج ندارم. عُمَرُ بن خَطَّابِ به حضور پیامبر ﷺ رسید و از عثمان شکایت کرد. حضرت فرمود: کسی با حَفْصَه ازدواج می‌کند که از عثمان بهتر است و لذا در سال سوم هجرت با او ازدواج کرد.

حَفْصَه در جمادی الأولى سال ۵۴۱. یا - به گفته واقدی - در سال ۵۴۵. فوت کرد و مروان بن حکم بر او نماز خواند.

صحابان صحاح شش‌گانه به روایات او استناد جسته‌اند.

راویان از او: برادرش عبدالله بن عمر، حمزه پسر عبدالله بن عمر، اُمُّ مَبِشَّرِ آنصاریه، مُطَّلِبِ بن ابی وَدَاعَه، حَارِثَةُ بن وَهَبِ، عبدالله بن صَفْوَانِ بن أُمَيَّه، سَوَاءِ خُزَاعِي، عبدالرحمن بن حارث بن هشام، مُسَيَّبِ بن رَافِعِ و...^۱
راوی احادیث شماره: ۲۶۸، ۲۶۹.

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۸۶۸، ش ۳۲۵۷؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابه)، ج ۱۲، صص ۲۵۷ تا ۲۶۰، ش ۳۲۹۷؛ أَسَدُ الْغَابَةِ، ج ۷، ص ۶۵، ش ۶۸۴۵؛ الإصابه، ج ۱۲، ص ۱۹۷، ش ۲۹۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۶۴، ش ۸۸۶۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۵۹۴.

ابو ایوب انصاری / ع

خالد بن زید بن کَلِیب بن ثَعْلَبَه انصاری، ابو ایوب انصاری خَزْرَجِی، مادرش هند دختر سَعْد یا سعید بن عمرو بن امرئ القیس، از بزرگان صحابه که در بیعت دوم عَقَبَه و نیز در غزوه بدر و دیگر غزوه‌ها حضور داشت، هنگامی که پیامبر ﷺ از مکه معظمه، هجرت کرد و پس از ورود حضرت به مدینه، تا زمانی که مسجد النبی ﷺ و نیز چند حجره ساخته شد، پیامبر ﷺ در منزل او سکونت داشت، به هنگام برقراری پیمان برادری بین اصحاب، پیامبر ﷺ میان او و مُصْعَب بن عُمَیْر، اخوت، برقرار کرد. ابو ایوب در تمام جنگهای دوران خلافت علی بن ابی طالب ﷺ با آن حضرت بود، سرانجام در سال ۵۰، ۵۱ یا ۵۲، در قُسْطَنْطِیْنِیَه از بلاد روم، چشم از جهان فرو بست و در همان جا دفن گردید. صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد کرده‌اند.

راویان از او: بَرَاء بن عازِب، جابر بن سَمْرَه، زید بن خَالِد جُهَنی، ابن عَبَّاس، رَبِیع بن خَثِیم، سعید بن مُسَیَّب، ابوامامه باهلی، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۷۶.

اُمّ حَبِیْبَه اُمّ المؤمنین / ع

رَمْلَه - اُمّ حَبِیْبَه - همسر پیامبر ﷺ، هفده سال پیش از بعثت متولد شد. پدرش ابوسفیان - صخر بن حَزْب بن اُمَیَّه - و مادرش صَفِیَّه، دختر ابوالعاص، عمّه عثمان بن عَقَّان - بود.

اُمّ حَبِیْبَه از مسلمانان نخستین است که با همسرش عبیدالله بن جَحْش در مکه به

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۴۸۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۲، ش ۵۶۳؛ الاستیعاب (ضمیمه الإصابة)، ج ۳، ص ۱۵۹، ش ۶۰۰؛ أشد الغابة، ج ۲، صص ۹۴ تا ۹۶، ش ۱۳۶۱؛ الإصابة، ج ۳، صص ۵۶ و ۵۷، ش ۱۴۳۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۵۱۰، ش ۱۶۹۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۱۳.

اسلام، مُشَرَّف شدند و به حَبْشَه، هجرت کردند، عبیدالله در آنجا نصرانی شد و سپس درگذشت، و اُمّ حَبیبَه، توسط نَجَاشِی، پادشاه حبشه، به عقد پیامبر ﷺ درآمد و به مدینه فرستاده شد.

خبر این ازدواج که به ابوسفیان رسیده گفت: «ذَلِكَ الْفَحْلُ لَا يَقْدَحُ أَنْفَهُ».

هنگامی که ابوسفیان، پیش از فتح مکه به مدینه آمد و به خانه دخترش اُمّ حَبیبَه وارد شد، اُمّ حَبیبَه نگذاشت که او روی فرش و تشکی که پیامبر ﷺ می نشست بنشیند و صریحاً به پدرش گفت: «أَنْتَ أَمْرٌ نَجِسٌ مُشْرِكٌ».

اُمّ حَبیبَه در سال ۴۴ هـ. در مدینه چشم از جهان فرو بست. در صحاح شش گانه به روایات او استناد شده است.

راویان از او: دخترش: حَبیبَه، برادرانش: مُعاویَه و عُنَبَسَه، پسر برادرش: عبدالله بن عُنَبَه بن اَبی سُفیان، ابوالجراح، عُرْوَه بن الزُّبَیر، شَهْر بن حَوْشَب، زینب دختر اُمّ سَلَمَه، صَفِیَّه دختر شَیْبَه و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۷۱.

ابوسعید خدری ۲ / ع

سَعْد بن مالک بن سِنَان بن عُبَید انصاری، معروف به کُنِیَه ابوسعید خدری، از صحایان بلند آوازه و دانشمند که احادیث فراوانی از پیامبر ﷺ روایت کرده است، در غزوه احد، سِنَس مقتضی شرکت نبود ولی در غزوه های پس از آن، حضور داشت، پدرش از شهدای احد است، ابوسعید می گوید: پدرم در غزوه احد به شهادت رسید، و

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۹۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۶۳، ش ۳۲۴۳؛ الاستیعاب (ضمیمه الإصابه)،

ج ۱۳، ص ۳، ش ۳۳۴۴؛ أشد الغابة، ج ۷، ص ۱۱۵، ش ۶۹۲۴؛ الإصابه، ج ۱۲، ص ۲۶۰، ش ۴۳۲؛

تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۴۷۳، ش ۸۸۸۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۵۹۸.

۲ - «خدری» به ضمّ خاء و سکون دال، منسوب به «خدره» (اللُّبَاب، ص ۳۴۹).

من بر اثر ناداری به حضور پیامبر ﷺ رسیدم تا درخواستی داشته باشم، اما همین که حضرت مرا دید، فرمود:

«مَنْ اسْتَغْنَىٰ أَغْنَاهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَغْفِرُ أَعَفَّهُ اللَّهُ [يَسْتَعِفُّ يُعْفَهُ اللَّهُ]، فهمیدم مقصود پیامبر ﷺ من هستم، لذا بدون اظهار درخواست، برگشتم.

در روز جمعه سال ۷۴ یا ۶۴ یا ۶۵ هـ در ۸۶ سالگی در مدینه چشم از جهان فرو بست و در بقیع، به خاک سپرده شد. صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد کرده‌اند.

راویان از او: ابن عباس، ابن عمر، جابر، زید بن ثابت، ابو امامه بن سهل، ابو الطفیل، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن خباب، ابوالوداک، ابوجعفر الباقر، ابونضره عبیدی، ابراهیم نخعی، حسن بصری، حفص بن عاصم، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۷۷ تا ۱۳۷

ابو امامه باهلی / ع

صدیق بن عجلان، ابو امامه باهلی سهمی، صحابی مشهور.

نقل شده است که در هنگام رهسپار شدن به یکی از غزوه‌ها از پیامبر ﷺ درخواست کرد تا از خداوند برایش طلب شهادت نماید، پیامبر ﷺ فرمود: «اللَّهُمَّ سَلِّمْهُمْ وَأَغْنِهِمْ».

ابو امامه، در شام سکونت داشت، ولی در واقعه صفین، با حضرت علی علیه السلام بود و در سال ۸۶ هـ. در شام از دنیا رفت. در صحاح شش گانه به روایات او استناد شده است.

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى (هشت جلدی)، ج ۵، ص ۲۶۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۵، ش ۶۰۱؛

الاستیعاب، (ضمیمه الإصابه)، ج ۴، ص ۱۶۲، ش ۹۵۴؛ أشد الغابة، ج ۲، ص ۳۶۵، ش ۲۰۳۵؛

تهذیب الكمال، ج ۷، ص ۱۰۳، ش ۲۲۰۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۴؛ الإصابه، ج ۴، صص ۱۶۵ -

۱۶۷، ش ۳۱۸۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۸۹، ش ۲۳۲۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۹.

راویان از او: سلیمان بن حبیب مُحاریبی، شداد بن عمار دِمَشقی، مَكْحُول شامی، شهر بن حوشب، ابوسلام الأَسود، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۳۸

صَفِيَّة، أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ / ع

صَفِيَّة دختر حُتَيْب بن أَخْطَب بن سَعِيد [یا سَعْنَةَ] بن ثَعْلَبَة بن عُبَيْد بن كَعْب، امّ المؤمنین، از نوادگان هارون بن عمران بن فاهث بن لاوی بن یعقوب، برادر حضرت موسی بن عمران علیه السلام از فرزندان «لاوی بن یعقوب»، مادرش «بره» دختر «سمو آل» است. او قبلاً همسر «سَلَام بن مِشْکَم» یهودی شاعر بود، و پس از آن به همسری «کِنَانَة ابن ابی الحَقِیق» - که او نیز شاعر بود - درآمد. «کِنَانَة» در غزوه خبیر کشته شد و «صَفِيَّة» به اسارت درآمد، «وكانت صَفِيَّة حَلِیْمَةً عَاقِلَةً فَاضِلَةً عَاقِلَةً مِنْ عَاقِلَاتِ النِّسَاء»، او از زنان خردمند، حلیم و با کمال بود. پیامبر صلی الله علیه و آله او را آزاد ساخت و با او ازدواج نمود.

هنگامی که صَفِيَّة در مدینه، به خانه «حارثه بن نعمان» وارد شد، زنان مدینه به دیدار او شتافتند، «عایشه» نیز با نقاب و به صورت ناشناس به دیدار او آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله که او را شناخته بود پس از خروج عایشه پرسید: کَیْفَ رَأَيْتِ يَا عَائِشَةُ؟: عایشه صَفِيَّة را چگونه دیدی؟ قالت: رأیت یهودیة: در پاسخ گفت: زنی یهودی است. حضرت فرمود: «لا تَقُولِي ذَکَ؛ فَإِنَّهَا أُسْلِمَتْ وَحَسُنَ إِسْلَامُهَا» این سخن را مگو، زیرا او مسلمان شد و مسلمان خوبی است.

زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله بر صَفِيَّة وارد شد و او را گریان یافت، فرمود: چرا گریه می کنی؟

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۱۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۶، ش ۲۹۷؛ أشد الغابة، ج ۳، ص ۱۶، ش ۲۴۹۵؛ الإصابة، ج ۵، ص ۱۳۳، ش ۴۰۵۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۵، ش ۲۹۹۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۶۶.

قالت: بلغنی أنّ عائشة و حفصة تنالان منی و تقولان: نحن خیر من صفیة، نحن بنات عم رسول الله ﷺ و أزواجه.

قال: ألا قلت لهنّ: کیف تكنّ خيراً منی و أبی هارون و عمی موسی و زوجی مُحَمَّد ﷺ

صفیه در ماه رمضان سال ۵۰ هـ. چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح، به روایات او استناد کرده‌اند.^۱

راویان از او: پسر برادرش، آزاد کرده‌هایش کثانه و یزید بن مَعْتَب، علی بن الحسین ابن علی، مُسلم بن صفوان و اسحاق بن عبدالله بن حارث^۲.

راوی احادیث شماره: ۲۷۲ تا ۲۷۶

طَلْحَة بن عَبِيد الله تَيْمِيّ / ع

طَلْحَة بن عَبِيد الله بن عثمان بن عمرو... تَيْمِيّ، ابومحمد مدنی، مادرش صَعْبَة خواهر علاء بن حَضْرَمِيّ، یکی از پیشقدمان در اسلام، با جُود و بخشش، و عضو شورای شش نفری بود. پیامبر ﷺ در مکه میان او و زبیر اخوت برقرار کرد.

طلحه با خواهر چهار تن از همسران پیامبر ﷺ به شرح ذیل ازدواج کرد:

۱ - «أُمّ کلثوم» خواهر عایشه، دختر ابوبکر. ۲ - «حَمْنَة» خواهر زینب، دختر جَحش. ۳ - «فارعه» خواهر امّ حَبِیْبَة، دختر ابوسفیان. ۴ - «رُقِیَّه» خواهر امّ سَلَمَة، دختر ابوامیّه. طلحه در غزوه أُحُد، مجروح شد و دستش از کار افتاد.

او در جنگ جَمَل در سال ۳۶ هـ. در ۶۳ یا ۶۴ سالگی، توسط مَرْوان بن حَكَم کشته

۱ - الاستیعاب، (ضمیمه الإصابه)، ج ۱۳، ص ۶۲، ش ۳۴۰۴؛ أَسَدُ الغَابَة، ج ۷، صص ۱۶۹ تا ۱۷۱، ش ۷۰۵۵؛ الإصابه، ج ۱۳، صص ۱۴ تا ۱۷، ش ۶۴۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۸۳، ش ۸۹۱۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۶۰۳.

۲ - تهذیب الکمال، ج ۲۲، ص ۳۵۹، ش ۴۸۶۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۸۴، ش ۸۹۱۸.

شد. صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد کرده اند.
 وی، همچنین از پیامبر ﷺ و نیز از ابوبکر و عمر، روایت کرده است.
 راویان از او: فرزندانش: محمد، موسی، یحیی، عمران، عیسی و اسحاق؛ عایشه،
 پسر برادرش عبدالرحمن بن عثمان، جابر بن عبدالله انصاری و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۱۳۹

ابوالطفیل / ع

عامر بن وائله بن عبدالله بن عمرو بن جحش لیبی، ابوالطفیل، مشهور به همین کنیه،
 در سال احد، زاده شد و در سال ۱۱۰ هـ. از دنیا رفت و آخرین صحابی است که چشم از
 جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش گانه از او حدیث نقل کرده اند.
 او دوستدار علی بن ابی طالب علیه السلام و از اصحاب آن حضرت بود و علی بن
 ابی طالب علیه السلام را بر تمامی صحابه مقدم می داشت و به گفته ابن حجر، شیعه بود.
 از ابوظیفیل نقل شده که گفت:

رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ لِحَمَاءِ الْجِعْرَانَةِ، فَجَاءَتْ امْرَأَةٌ، فَبَسَطَتْ لَهَا رِدَاءَهُ، فَقُلْتُ: مَنْ هَذِهِ؟
 قَالُوا: أُمُّهُ الَّتِي أَرْضَعَتْهُ.

راویان از او: پسرش: سلمه بن ابی الطفیل، زهری، ابوالزبیر، قتاده، سعید بن ایاس
 جریری، عکرمه بن خالد مخزومی، عماره بن ثوبان، عمرو بن دینار، فرات القزاز، قاسم
 ابن ابی بزة، یزید بن حبیب، علی بن زید بن جُدعان، فطر بن خلیفه، و...^۲

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۱۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹، ش ۹۲؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابة)، ج ۵، ص ۲۳۵، ش ۱۲۸۰؛ أشد الغایة، ج ۳، ص ۸۵، ش ۲۶۲۵؛ الإصابة، ج ۵، ص ۲۳۲، ش ۴۲۵۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۱۳، ش ۳۱۰۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۵۷ و ج ۶، ص ۶۴، الطبقات، ج ۱، ص ۶۸، ش ۱۷۶؛ الاستیعاب

راوی احادیث شماره: ۱۴۰ تا ۱۴۳ و تکرار آن در شماره ۲۲۵ تا ۲۲۸.

عایشه، أم المؤمنین / ع

عایشه دختر ابوبکر بن ابی قحافه، کنیه اش امّ عبدالله (که پسر خواهرش بود)، مادرش امّ رومان دختر عامر بن عُوَیمر بوده است. در شوال سال دهم بعثت به عقد پیامبر ﷺ درآمد و در شوال سال دوم هجرت، مراسم عروسی برگزار شد.

در سال ۵۷ یا ۵۸ هـ. در ۶۶ یا ۶۷ سالگی در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد کرده اند.^۱

راویان از او: از خویشاوندان: خواهرش ام کلثوم دختر ابوبکر، برادر رضاعی اش عَوْف بن حارث بن طَفِیل، پسران برادرش قاسم و عبدالله پسران محمّد بن ابی بکر، دختران برادرش حَفْصَه، و أسماء دختران عبدالرحمن، پسران خواهرش عبدالله و عُرْوَه پسران زُبَیْر بن عَوّام.

از صحابیان: عمرو بن عاص، ابوموسی اشعری، ابوهُرَیْرَه، ابن عمر، ابن عباس، و...

از تابعان: سعید بن مُسَیّب، شَعْبِیّ، عطاء بن ابی رباح، مُجاهد، نافع مولی ابن

عمر، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۴۴، ۲۷۷، ۲۷۸.

→ (ضمیمه الإصابة)، ج ۵، ص ۳۰۴، ش ۱۳۴۴؛ أشد الغابة، ج ۳، ص ۱۴۵، ش ۲۷۴۵؛ الإصابة، ج ۵،

ص ۳۰۴، ش ۴۴۲۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۷۱، ش ۳۱۹۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۸۹.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۸، صص ۵۸ و ۲۵۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۶۶، ش ۳۲۵۱؛ الاستیعاب، (ضمیمه

الإصابة)، ج ۱۳، ص ۸۴، ش ۳۴۲۹؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۷؛ الإصابة، ج ۱۳، ص ۳۸، ش ۷۰۱؛

تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۸۷، ش ۸۹۳۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۶۰۶.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۸۸، ش ۸۹۳۰.

عبدالرحمن بن عوف / ع

عبدالرحمن بن عوف بن عبد عوف بن عبد بن حارث بن زُهْرَة قُرَشِيّ، زُهْرِيّ، ابومحمّد، مادرش شفاء یا صفيّه از طایفه زُهْره است، او ده سال پس از عام الفیل زاده شد، دوبار هجرت کرد (هجرت به حبشه و هجرت به مدینه)، پیامبر ﷺ در مکه میان او و سعد بن ربیع، و در مدینه میان او و عثمان، برادری قرار داد. او یکی از مسلمانان نخستین است، در غزوه احد مجروح شد و جراحی پایش باقی ماند، همچنین عضو شورای شش نفری منصوب از جانب عمر بن خطاب، جهت انتخاب خلیفه سوم بوده است. او دارای سرمایه فراوانی بود به گونه‌ای که هزار شتر، سه هزار گوسفند و صد اسب از خود باقی گذاشت و در سال ۳۱ یا ۳۲ هـ. در ۷۵ سالگی در مدینه درگذشت. صاحبان صحاح به روایات او استناد کرده‌اند.^۱

راویان از او: فرزندان: ابراهیم، حمید، عمر، مُصعب و ابوسلمه، و نیز ابن عباس، ابن عمر، جابر، انس، مالک بن اوس بن حدّان، نوفل بن ایاس هذلی و...^۲
راوی حدیث شماره: ۱۴۵.

عبدالله بن حارث بن جزء^۳ زبیدی / د، ت، ق

عبدالله بن حارث بن جزء بن عبدالله بن معدی کرب... زبیدی، ابو حارث، ساکن مصر، و آخرین صحابی است که در مصر از دنیا رفت، متوفای سال ۸۸ هـ.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۳۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۴، ش ۷۷؛ الاستیعاب (ضمیمه الإصابه)، ج ۶، ص ۶۸، ش ۱۴۴۷؛ أشد الغایه، ج ۳، صص ۴۸۰ تا ۴۸۵، ش ۳۳۶۴؛ الإصابه، ج ۶، ص ۳۱۱، ش ۵۱۷۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۵۳، ش ۴۰۸۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، همان شماره.
۲ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۵۳، ش ۴۰۸۴.
۳ - «جزء» به فتح جیم و سکون (ز)، (تقریب التهذیب).

ابوداود، ترمذی و ابن ماجه از او روایت نقل کرده‌اند.^۱
 راویان از او: عبیدالله بن مغیره، سلیمان زیاد حَضْرَمِی، عمرو بن جابر حَضْرَمِی، یزید بن ابی حبیب، مُسْلِم بن یزید صَدَقِی، و...^۲
 راوی احادیث شماره: ۱۴۶ و ۱۴۷.

عبدالله بن عباس / ع

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب هاشمی، ابوالعباس^۳، پسر عموی پیامبر ﷺ مادرش اُمّ الفضل (= لبابه، خواهر میثونه همسر پیامبر ﷺ)، سه سال پیش از هجرت، زاده شد و در زمان رحلت پیامبر ﷺ ۱۳ ساله بود، و بر اثر دعای پیامبر ﷺ که فرمود: «اللَّهُمَّ عَلِّمَهُ الْحِكْمَةَ وَتَأْوِيلَ الْقُرْآنِ»، «اللَّهُمَّ فَقِّهْهُ فِي الدِّينِ وَعَلِّمَهُ التَّأْوِيلَ»، «اللَّهُمَّ زِدْهُ عِلْمًا وَفِقْهًا» از نظر علمی در میان صحابه از فقیهان برجسته و از مفسران نامور بود به گونه‌ای که او را بَحْر و حَبْرُ الْأُمَّة می‌نامیدند. او در جنگ صفین، با علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است. هنگامی که در طائف - که به فرمان عبدالله بن الزبیر به آنجا تبعید شده بود - در سال ۷۸ هـ. چشم از جهان فرو بست، محمد بن حنفیه که بر او نماز خوانده بود، درباره وی گفت: الْيَوْمَ مَاتَ رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّة: امروز عالم ربانی امت اسلامی از دنیا رفت. صاحبان صحاح شش‌گانه به روایات او استناد کرده‌اند.^۴

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۹۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۱۶۹، ش ۴۹۷؛ الاستيعاب، (ضميمة الإصابة)، ج ۶، ص ۱۳۷، ش ۱۴۹۱؛ أَسَدُ الْغَابَةِ، ج ۳، ص ۲۰۳، ش ۲۸۷۱؛ الإصَابَةُ، ج ۶، ص ۴۴، ش ۴۵۸۹؛ تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۲۶۴، ش ۳۳۴۹؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۴۰۷.
 ۲ - تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۲۶۴، ش ۳۳۴۹.
 ۳ - به مناسبت نام پسر بزرگتر او که عباس است.
 ۴ - الطبقات، ج ۱، ص ۱۰؛ الاستيعاب، (ضميمة الإصابة)، ج ۶، صص ۲۵۸ تا ۲۷۱، ش ۱۵۸۸؛ أَسَدُ الْغَابَةِ، ج ۳، ص ۲۹۰، ش ۳۰۳۵؛ تَذَكُّرَةُ الْحُقَافِ، ج ۱، ص ۴۰، ش ۱۸؛ الإصَابَةُ، ج ۶، صص ۱۳۰ تا ۱۴۰، ش ۴۷۷۲؛ تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۳۵۶، ش ۳۴۹۸؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۴۲۵.

راویان از او: از خویشاوندان: پسرش علی، نوه اش محمد بن علی، برادرش کثیر بن عباس، پسر برادرش عبدالله بن عبیدالله بن عباس.
 از صحابیان: عبدالله بن عمر بن خطاب، انس بن مالک، ابوالطفیل و...
 از تابعان: ابو امامه بن سهل بن حنیف، سعید بن مسیب، عبدالله بن حارث بن نوفل، ابوسلمه بن عبدالرحمن، قاسم بن محمد بن ابی بکر، علی بن حسین بن علی، عکرمه، عطاء، طاوس، کرب، سعید بن جبیر، مجاهد، عمرو بن دینار، محمد بن سپرین، نضر بن انس بن مالک، ابوالزبیر مکی، ابونضره عبیدی، اسماعیل بن عبدالرحمن السدی، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۱۴۸.

عبدالله بن عمر / ع

عبدالله بن عمر بن خطاب بن نفیل قرشی عدوی، ابو عبدالرحمن، مادر وی و مادر خواهرش حفصه، زینب، دختر مظعون بن حبیب جمحی است. در سال سوم بعثت، متولد شد، پیش از آنکه به حد تکلیف برسد، مسلمان شد و حتی گفته اند پیش از پدرش، عمر بن خطاب، مسلمان شد و پیش از پدرش هجرت کرد، در هنگام غزوه بدر ۱۴ ساله بود و به خاطر کمی سن، اجازه شرکت نیافت ولی در غزوه خندق، شرکت داشت. در دوران خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام، با آن حضرت نبود و لذا در هنگامی که فوتش نزدیک شد از این رفتارش پشیمان بود و می گفت: ما آسئ علی شیء إلا انی لم اقاتل مع علی علیه السلام - الفئة الباغية.

در سال ۷۳ یا ۸۶ هـ، در مکه درگذشت و حجاج بر او نماز خواند. در صحاح شش گانه به روایات او استناد شده است.^۲

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۵۶، ش ۳۴۹۸.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۴، صص ۱۴۲ تا ۱۸۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۹، ش ۱۲۰؛ الاستیعاب، (ضمیمه)

راویان از او: فرزندان: بلال، حمزه، زید، سالم، عبدالله، عبیدالله و عمر؛ نوه‌اش: ابوبکر بن عبیدالله، عروة بن الزبیر، موسی بن طلحة، سعید بن مسیب، حمید بن عبدالرحمن بن عوف، قاسم بن محمد بن ابی بکر، طاوس، عطاء عکرمه، مجاهد، سعید ابن جبیر، ابوالزبیر، عبید بن جریح، ابوالصدیق التاجی، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۴۹، ۱۵۰.

عبدالله بن عمرو غاص / ع

عبدالله بن عمرو بن عاص بن وائل بن هاشم بن سعید بن سعد بن سهم، سهمی، ابومحمد و ابوعبدالرحمن، مادرش ریطه دختر منبه بن حجاج سهمی، ۱۱ سال از پدرش کوچک تر بود یعنی در ۱۲ سالگی پدرش، متولد شد و پیش از پدرش، مسلمان گردید. پیامبر ﷺ او را بر پدرش ترجیح می‌داد، در امور عبادی مانند نماز، روزه و... بسیار کوشا بود، زبان شریانی را می‌دانست، در جنگ صفین با سپاه معاویه بود ولی سخت پشیمان شده بود، استغفار می‌کرد و می‌گفت: مرا با جنگ مسلمانان چکار؟ ای کاش بیست سال پیش مرده بودم.

فندم ندامةً شديدةً على قتاله مع معاوية، وجعل يستغفر الله ويتوب إليه، ويقول: مالي و صفين، مالي و لقتال المسلمين!... أستغفر الله عز وجل من ذلك وأتوب إليه، لوددت أنني مت قبله بعشرين سنة.

از این رو هنگامی که حسین بن علی علیه السلام به او فرمود: آیا می‌دانی که من محبوب‌ترین اهل زمین به پیش اهل آسمان هستم؟ پاسخ داد: آری به پروردگار کعبه سوگند.

→ (الإصابة)، ج ۶، صص ۳۰۸ تا ۳۲۸، ش ۱۶۱۲؛ *أُسْدُ الغَابَةِ*، ج ۳، ص ۳۴۰، ش ۳۰۸۰؛ *تذكرة الحفاظ*، ج ۱، ص ۳۷؛ *الإصابة*، ج ۶، صص ۱۶۷ تا ۱۷۳، ش ۴۸۲۵؛ *تهذيب التهذيب*، ج ۴، ص ۴۰۷، ش ۳۵۸۰؛ *تقريب التهذيب*، ج ۱، ص ۴۳۵.
۱ - *تهذيب التهذيب*، ج ۴، ص ۴۰۷، ش ۳۵۸۰.

فرمود: چه چیز تو را وادار کرد که در صفین با من و پدرم بجنگی؟ به خدا سوگند پدرم از من بهتر بود.

پاسخ داد: آری چنین است ولی پدرم عمرو مرا قسم داد و وادارم کرد، پس او را اطاعت کردم.

عبدالله بن عمرو عاص، در ذیحجه سال ۵۶۳. در طائف درگذشت^۱.
 راویان از او: آنس بن مالک، ابوامامة بن سهل بن حنیف، عبدالله بن حارث بن نوفل، سعید بن مسیب، جبیر بن نفیر، زبیر بن حبیث، پسرش محمد بن عبدالله بن عمرو، نوه اش شعیب بن محمد بن عبدالله بن عمرو بن عاص، طاووس، شعیب، عروة بن الزبیر، جبیر بن نفیر، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر، عطاء بن یسار، ابوالزبیر مکی، عمرو بن دینار و...^۲
 راوی احادیث شماره: ۱۵۱، تا ۱۵۳

عبدالله بن مسعود / ع

عبدالله بن مسعود بن غافل بن حبیب، هذلی، ابو عبدالرحمن، مادرش امّ عبید دختر عبد بن سواد نیز از قبیله هذیل است. و از این رو پیامبر ﷺ از او تعبیر به «ابن امّ عبید» کرد، ابن مسعود در گذشته چوپان بود، او از مسلمانان نخستین به شمار می رود و به گفته ابونعیم اصفهانی، ششمین نفری است که مسلمان شد. دوبار هجرت کرد، یک بار از مکه به حبشه و بار دوم به مدینه، او یکی از چهره های علمی در میان صحابه است، نخستین شخصی است که در مسجد الحرام، قرآن را آشکارا در میان انجمن قریش با صدای بلند

۱ - الطبقات الکبری، ج ۴، صص ۲۶۱ تا ۲۶۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۸، ش ۱۴۹؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابة)، ج ۶، ص ۳۳۸، ش ۱۶۱۸؛ أئمة الغابة، ج ۳، ص ۳۴۹، ش ۳۰۹۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۱، ش ۱۹؛ الإصابة، ج ۶، ص ۱۷۶، ش ۴۸۳۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۱۴، ش ۳۵۸۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۱۴، ش ۳۵۸۹.

تلاوت کرد.

پیامبر ﷺ در آغاز اسلام به او فرمود: «إِنَّكَ لَغُلَامٌ مُعَلَّمٌ» و پیش از هجرت، میان او و زبیر، و پس از هجرت، میان او و سعد بن معاذ، برادری قرار داد. او کفشدار پیامبر گرامی بود. عمر بن خطاب، او را حاکم کوفه قرار داده بود ولی عثمان بن عفان، او را از کوفه به مدینه، احضار نمود و عزل کرد.

ابن مسعود در مدینه، بیمار شد، عثمان بن عفان به عیادت او رفت و گفت: از چه ناراحتی؟ پاسخ داد: از گناهانم.

گفت: خواسته‌ات چیست؟ جواب داد: رحمت پروردگارم.

گفت: دستور دهم طبیب برایت بیاید؟ پاسخ داد: الطَّبِيبُ أَمْرَضَنِي: طبیب مرا بیمار کرد. گفت: دستور دهم حقوقت را بپردازند^۱؟ جواب داد: زمانی که به آن نیاز داشتم نپرداختی، اکنون بدان نیازی ندارم.

گفت: برای دخترانت؟ پاسخ داد: آیا بر دخترانم از فقر می‌ترسی، من به آنان دستور دادم هر شب سوره واقعه را بخوانند. از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هر کس سوره واقعه را هر شب بخواند، هرگز دچار فقر نخواهد شد.

ابن مسعود در سال ۳۲ هـ. در مدینه، چشم از جهان فرو بست و زبیر یا عمار یا سیر بر او نماز خواند و طبق وصیت او که شبانه دفنش کنند و به عثمان خبر ندهند، شبانه در بقیع دفن شد.

صاحبان صحاح شش‌گانه، به روایات او استناد کرده‌اند^۲.

۱ - چون حقوق او از دو سال پیش از فوتش، توقیف شده بود. (بنگرید به: *أَسْدُ الْغَابَةِ*، ج ۳، صص ۳۸۹ و ۳۹۰).

۲ - *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۳۳۶؛ *الطبقات الكبرى*، ج ۳، صص ۱۵۰ تا ۱۶۱؛ *الطبقات*، ج ۱، ص ۳۶، ش ۸۶؛ *الإستيعاب*، (ضمیمه الإصابه)، ج ۷، ص ۲۰ تا ۳۵؛ ش ۱۶۵۹؛ *أَسْدُ الْغَابَةِ*، ج ۳، صص ۳۸۴ تا ۳۹۰، ش ۳۱۷۷؛ *تذكرة الحفاظ*، ج ۱، ص ۱۳ تا ۱۶؛ *الإصابه*، ج ۶، صص ۲۱۴ تا ۲۱۷، ش ۴۹۴۵؛ *تهذیب التهذیب*، ج ۴، ص ۴۸۷، ش ۳۷۱۰؛ *تقریب التهذیب*، ج ۱، ص ۴۵۰.

راویان از او: پسرانش: عبدالرحمن و ابو عبیده، پسر برادرش: عبدالله بن عبته بن مسعود.

صحابیان: ابوسعید خدری، انس، جابر، ابن عمر، ابوموسی اشعری، حجاج بن مالک اسلمی، ابوامامه، ابوالطفیل، ابن زبیر، ابن عباس، ابورافع آزاد کرده پیامبر ﷺ، عبدالله بن حارث زبیدی، قره بن یاس، و...

تابعان: علقمه، أسود بن یزید، مسروق، ربیع بن خثیم، زید بن وهب، شریح بن حارث قاضی، حارث بن سوید تیمی، زر بن حبیش، ابو عمرو شیبانی، عبیده بن عمرو سلمانی، ابوالأخوص عوف بن مالک، عمرو بن میمون اودی، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۵۴ تا ۲۱۱.

عثمان بن ابی العاص / م، ۴

عثمان بن ابی العاص بن بشر بن عبد بن دهمان، ثقفی، طائفی، ابو عبدالله، صحابی نامدار، عضو هیأت بلند پایه طائف بود که پس از فتح مکه، عازم مدینه شدند و به حضور پیامبر ﷺ رسیدند و سرانجام مسلمان شدند. عثمان بن ابی العاص ثقفی طائفی، از همه اعضای هیأت اعزامی مسلمان شده کوچک تر بود ولی در فراگیری قرآن و احکام اسلام، علاقه مندی فوق العاده ای از او دیده می شد، لذا پیامبر ﷺ او را به عنوان حاکم طائف منصوب کرد، و آخرین سفارشی که به او کرد، این بود که نماز را خفیف بخواند و مراعات حال ناتوان ترین نمازگزاران را بنماید.

او حاکم موقفی بود، پس از رحلت پیامبر ﷺ، مردم طائف را از ارتداد بازداشت و گفت: شما آخرین مردم از نظر تشرف به اسلام بودید، پس نخستین آنان از نظر ارتداد نباشید: «کنتم آخر الناس إسلاماً، فلا تكونوا أولهم ارتداداً».

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۸۷، ش ۳۷۱۰.

در سال ۱۵ هـ. از جانب عمر بن خطاب، حاکم عُمان و بحرین شد. و در ۵۱ یا ۵۵ هـ. در حدود ۱۲۰ سالگی در بصره درگذشت. در صحیح مسلم، سنن ابوداود، ابن ماجه، ترمذی و نسائی، به روایات او استناد شده است.

راویان از او: پسر برادرش یزید بن حکم بن ابی العاص، سعید بن مسیب، نافع بن جبیر بن مطعم، موسی بن طلحة بن عبدالله، حسن، ابن سیرین و...^۱
راوی احادیث شماره: ۲۱۲، ۲۱۳.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام / ع

علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم، ابوالحسن هاشمی، امیرالمؤمنین^۲، مادرش فاطمه دختر آسَد بن هاشم، پسر عموی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و همسر دخترش^۳ فاطمه زهرا علیها السلام، در کعبه به دنیا آمد^۴، و در ماه رمضان سال ۲۰ هجری در ۶۳ سالگی به شهادت رسید^۵.

به گفته محمد بن اسحاق (۵۸ - ۱۵۱ هـ.) از نعمتهای خداوند بر او این است که پیش از اسلام در دامان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بوده و نخستین کسی است که از میان مردان به آن

۱ - ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۴، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۵۰۸ و ج ۷، ص ۴۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۱۲۲، ش ۳۶۰؛ أشد الغایة، ج ۳، صص ۵۷۹ تا ۵۸۱ ش ۳۵۷۵؛ الإصابة، ج ۶، ص ۳۸۸، ش ۵۴۳۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، صص ۴۹۱ و ۴۹۲، ش ۴۶۲۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۹۷، ش ۴۸۹۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ش ۳۹.

۳ - همان.

۴ - مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۵۸؛ (وكان مؤلده في الكعبة... و استشهد وهو ابن ثلاث و ستين سنة).

۵ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۳؛ (وقد استشهد أمير المؤمنين...).

حضرت، ایمان آورده و نبوت او را تصدیق کرد^۱.

در الاستیعاب آمده که براساس روایت سلمان، ابوذرّ، مقداد، خبّاب، جابر، ابوسعید خدری و زید بن ارقم، علی بن ابی طالب - علیه السلام - نخستین کسی است که اسلام آورد^۲. و حتی به گفته‌ی مسعودی: بر حسب باور بسیاری، او هرگز به خدا شرک نیاورده بود تا از نو اسلام بیاورد، بلکه در تمامی کارها همواره پیرو پیامبر صلی الله علیه و آله بود و با این حال، بالغ شد، خداوند به او عصمت داد و به راه راست استوارش ساخت و توفیق پیروی از پیامبرش به او عنایت فرمود، زیرا آن دو در انجام طاعات، ناچار و مجبور نبودند بلکه با اختیار و قدرت، طاعت پروردگار و موافقت امر خدا و اجتناب از مناهای الهی را برگزیدند^۳.

در امتاع الأسماع آمده: علی بن ابی طالب، هرگز به خدا، شرک نیاورد، چون خدای متعال، خیر او را خواست پس وی را در کفالت پسر عمویش حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرارداد، هنگامی که وحی بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد (و به نبوت برانگیخته شد) خدیجه - رضی الله عنها - را خبر کرد، خدیجه او را تصدیق نمود و خدیجه، علی بن ابی طالب و زید بن حارثه با پیامبر، نماز می خواندند^۴.

در الطبقات الکبری و الاستیعاب به نقل از زید بن ارقم آمده: نخستین کسی که با پیامبر

۱ - السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۶۲: (و قال ابن اسحاق: ... وكان ممّا أنعم الله به علی علی بن ابی طالب - صلی الله علیه و آله - أنه كان في حجر رسول الله صلی الله علیه و آله قبل الإسلام).

مقریزی، امتاع الأسماع، ج ۱، ص ۱۷: (وكان مع رسول الله صلی الله علیه و آله في منزله بين أهله كأحد أولاده يثبته في جميع أحواله).

۲ - الإستیعاب (ضمیمة الإصابة)، ج ۸، ص ۱۳۲، ش ۱۸۵۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۹۸، ش ۴۸۹۸.

۳ - مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۳.

۴ - امتاع الأسماع، ج ۱، ص ۶۱.

خدا ﷻ نماز گزارد علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

حاکم نیشابوری، از «ابن عباس» نقل می‌کند: علی هو أولُ عربی و أعجَبی صلی مع رسول الله ﷺ نخستین شخصی که در میان عرب و عجم، با پیامبر ﷺ نماز گزارد، علی علیه السلام است.^۲

پس از نزول آیه ۲۱۴ سوره شعراء، (خویشاوندان نزدیکت را هشدار بده)، پیامبر گرامی اسلام ﷺ در خطاب به خویشاوندان درباره علی بن ابی طالب، فرمود:
 «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا»
 این شخص برادر، وصی و جانشین من در میان شماست، سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید.

در این هنگام، حاضران از جای برخاستند و ریشخندکنان به ابوطالب گفتند:
 به تو دستور داد که فرمانبر پسر ت باشی و از او اطاعت کنی.^۳

و نیز پیامبر ﷺ به علی بن ابی طالب، فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»^۴

«أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۵

در روز غدیر خم فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ»^۶

۱- الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳؛ الاستيعاب، (ضميمة الإصابة)، ج ۸، ص ۱۴۳.

۲- المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۰.

۳- طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۳؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۳۳، ش ۳۶۴۱۹ به نقل از ابن اسحاق، ابن جریر، ابن ابی حاتم و...

۴- الطبقات الكبرى، ج ۹، ص ۱۴ و ۱۵؛ الاستيعاب (ذیل الإصابة)، ج ۸، ص ۱۴۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۹۹، ش ۴۸۹۸؛ التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۳۲ و ۳۳۳.

۵- همان ص ۱۴۹؛ شیوٹی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۵۲؛ التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۳۵.

۶- همان، ص ۱۵۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۰؛ تاریخ الخلفاء، ص ۱۵۱؛ التاج الجامع

در روز خَیْبَر فرمود: «لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْ يُحِبَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» [لَيْسَ بِفَرَارٍ، يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ] ^۱.

هنگامی که آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» ^۲ نازل شد، پیامبر خدا ﷺ فاطمه، علی، حسن و حسین - رضی الله عنهم - را به خانه امّ سلمه فراخواند و فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا» ^۳.

گروهی از صحابه روایت کردند که رسول خدا ﷺ درباره علی ﷺ فرمود: «لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ» ^۴.

و نیز فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» ^۵.

و نیز فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِيهِ مِنْ بَابِي» ^۶.

و نیز در مورد اصحاب فرمود: «أَقْضَاهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» ^۷.

عمر بن خطاب، گفته است: «عَلِيٌّ أَقْضَانَا» ^۸.

از سعید بن مسیب، نقل شده که گفت: كان عمر يتعوذ بالله من معضلة ليس لها

→ للأصول، ج ۳، ص ۳۳۱ - ۳۳۳.

۱ - همان و نیز صحيح البخاري، ج ۴، ص ۲۰۷ (با اندکی تفاوت).

۲ - سوره احزاب، آیه ۳۳.

۳ - الاستيعاب (ذيل الإصابة)، ج ۸، ص ۱۵۱؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰؛ التاج الجامع للأصول، ج ۳، ص ۳۴۸ و ۳۳۵.

۴ - همان.

۵ - همان، ص ۱۵۳؛ تاريخ الخلفاء، ص ۱۵۴.

۶ - همان، ص ۱۵۵؛ تهذيب التهذيب، ج ۵، ص ۷۰۰.

۷ - همان، ص ۱۵۵؛ همان، ج ۵، ص ۷۰۰.

۸ - همان.

أبو الحسن... و كان عُمَرُ يقول: لَوْ لَا عَلِيُّ لَهَلَكَ عُمَرُ^۱؛

عمر بن خطاب هنگامی که ابوالحسن علی بن ابی طالب، حضور نداشت، از مسائل دشوار به خدا پناه می برد و می گفت: اگر علی بن ابی طالب نبود، عمر بن خطاب هلاک شده بود.

احمد بن حنبل گفته است: فضائلی که برای علی بن ابی طالب، روایت شده برای هیچ یک از صحابه، نقل نشده است.^۲

راویان از او: فرزندان حضرت: حسن، حسین، محمد، (معروف به محمد بن حنفیه)، عمر، فاطمه، محمد بن عمر بن علی و..

صحابیان: عبدالله بن مسعود، براء بن عازب، ابوهزیره، ابوسعید خدری، پسر بن سحیم غفاری، زید بن ارقم، صهیب رومی، ابن عباس، ابن عمر، ابن الزبیر، عمرو بن حرث، جابر بن سمرة، جابر بن عبدالله، ابوجحیفه، ابوامامه، ابولیلی انصاری، ابوموسی، ابوالطفیل عامر بن واثله و...

تابعان: زر بن حبیش، زید بن وهب، ابوالاشود دؤلی، حارث بن سوید تیمی، حارث ابن عبدالله اعور، حرمله مولى أسامة بن زید، ربیع بن حراش، شریح بن هانی، شریح بن نعمان صاندی، ابووائل شقیق بن سلمه، شبت بن ربیع، سوید بن غفله، عامر بن شراحیل شمعی، مطرف بن عبدالله بن شیخیر، نافع بن جبیر بن مطعم، یزید بن شریک تیمی، ابوالخلیل حضرمی و...^۳

راوی احادیث شماره: ۲۱۴ تا ۲۳۵.

۱ - همان .

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۷۰۱.

۳ - همان، ج ۵، ص ۶۹۸، ش ۴۸۹۸.

علی هلالی

بر حسب آنچه در اُسْدُ الغَابَةِ، ج ۴، ص ۱۲۷ شماره ۳۷۹ و الإِصَابَةِ، ج ۲، ص ۵۱۱، شماره ۵۹۹۶، آمده و حدیثی از وی نقل کرده نامبرده باید از صحابه پیامبر باشد که فرزندش علی نیز از او روایت کرده است.

راوی حدیث شماره ۲۳۶.

عمران بن حصین / ع

عمران بن حصین بن عبید بن خلف بن عبد نهم... خزاعی، ابو نَجید. برابر نوشته ابن حجر، او و ابوهریره در سال خَیْبَر، مسلمان شدند. وی از فقیهان و فاضلان صحابه به شمار می‌رود که تعدادی حدیث از پیامبر ﷺ روایت کرده است. عمر بن خطاب، او را برای تعلیم احکام دینی به بَصْرَه فرستاده بود. در جنگ صفین شرکت نکرد و خود را کنار کشید. مدت کوتاهی در بَصْرَه قاضی بود، سپس استعفا داد و در سال ۵۲ یا ۵۳ هـ. در آنجا چشم از جهان فرو بست. گروهی از تابعان بَصْرَه و کوفه از او روایت کرده‌اند. در صحاح شش‌گانه به روایات او استناد شده است.^۱

راویان از او: پسرش: نُجَید، زُرارة بن أوفی، حسن بَصْرَی، محمد بن سَیْرین، عامر شَعْبَی، ابوالأشود دُوَلِی، ابورجاء عَطاردی، ربیع بن حِراش، مُطَرِّف و یزید پسران عبدالله بن شَخِیر، حَکَم بن أعرج، صَفْوَان بن مُخْرِز، عبدالله بن رَبَاح أنصاری، ابوقَتَادَة عَدَوِی، ابونضرة عبیدی و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۳۷.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، صص ۹ تا ۱۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۲۳۴، ش ۶۶۰؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإِصَابَةِ)، ج ۹، ص ۱۹، ش ۱۹۶۹؛ تذکرة الحُفَظ، ج ۱، صص ۲۹ و ۳۰، ش ۱۴؛ الإِصَابَةِ، ج ۷، ص ۱۵۵، ش ۶۰۰۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۳۴، ش ۵۳۳۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۸۲.

۲ - تذکرة الحُفَظ، ج ۱، ص ۲۹، ش ۱۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۳۴، ش ۵۳۳۵.

عَوْفُ بْنُ مَالِكٍ أَشْجَعِيّ / ع

عَوْفُ بْنُ مَالِكِ بْنِ أَبِي عَوْفٍ أَشْجَعِيّ غَطَفَانِيّ، ابُو حَمَّادٍ يَآ ابُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ يَآ ابُو عَبْدِ اللَّهِ، بَنَا بَه نُوْشْتَهٗ اِبْنِ سَعْدٍ، پِيَامِبِرِ ﷺ مِيَانِ اَوْ وِ ابُو الدَّرْدَاءِ، بَرَادِرِي قَرَارْدَاد. اَوْ دَر فَتْحِ مَكَّةَ حَضُور دَاشْت، سَاكِنِ دَمَشَقِ شُد و دَر سَالِ ۷۳ هـ. دَر گِذِشْت. صَاحِبَانِ صَحَاحِ شَشِ گَانَه بَه رَوَايْتِ اَوْ اسْتِنَادِ كَرْدَه‌اَنْد.^۱

رَاوِيَانِ اَز اَوْ: ابُو مُسْلِمِ خَوْلَانِيّ، جُبَيْرُ بْنُ نَفِيرٍ، عَاصِمُ بْنُ حَمِيْدٍ سَكُونِيّ، كَثِيرُ بْنُ مُرَّةَ، اَبُو اَدْرِيسِ خَوْلَانِيّ، ابُو الْمَلِيْحِ بْنِ اَسَامَةَ، سَيْفُ شَامِيّ، عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنُ عَامِرٍ، حَبِيبُ بْنُ عُبَيْدٍ، رَاشِدُ بْنُ سَعْدٍ، و...^۲

رَاوِي حَدِيثِ شَمَارَه: ۲۳۸

قُرَّةُ بْنُ اِيَّاسٍ / بَخ، ۴

قُرَّةُ بْنُ اِيَّاسِ بْنِ هِلَالِ بْنِ رِيَّابِ مُزَيْنِيّ، ابُو مُعَاوِيَه بَصْرِيّ، اَز صَحَابَه، دَر خَنْدَقِ حَضُور دَاشْت، سَاكِنِ بَصْرَه شُد. اَوْ جَدِّ اِيَّاسِ قَاضِيِ ابُو وَاثِلَه اسْت.

وِي دَر سَالِ ۶۴ هـ. دَر گِذِشْت. بَخَارِي دَر اَلدَّبِ الْمَفْرَدِ، ابُو دَاوُدِ، اِبْنِ مَاجَه، تَرْمِذِيّ و نَسَائِيّ دَر سُنَنِ خُودِ بَه رَوَايَاتِ اَوْ اسْتِنَادِ كَرْدَه‌اَنْد.

پَسَرَشِ مُعَاوِيَه اَز اَوْ رَوَايْتِ مِي كَنْد.^۳

رَاوِي احَادِيثِ شَمَارَه: ۲۳۹ تا ۲۴۲.

۱- الإصابه، ج ۷، ص ۱۷۹، ش ۶۰۹۶؛ تهذيب التهذيب، ج ۶، ص ۲۸۱، ش ۵۲۰۶؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۹۰.

۲- تهذيب التهذيب، ج ۶، ص ۲۸۱، ش ۵۲۰۶.

۳- الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۸۵، ش ۲۴۰؛ الاستيعاب، (ضميمة الإصابه)، ج ۹، ص ۱۵۱، ش ۲۱۱۰؛ الإصابه، ج ۸، ص ۱۵۳، ش ۷۰۹۵؛ تهذيب التهذيب، ج ۶، ص ۵۰۱، ش ۵۷۲۷؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۱۲۵.

مَاجِدِ صَدَفِيِّ

بنابر اینکه راوی حدیث از پیامبر ﷺ، مَاجِدِ صَدَفِيِّ باشد که توسط پسرش جابر برای قیس بن جابر بن ماجد صَدَفِيِّ روایت شده است، ماجد، از صحابیان می باشد.^۱ اما بنا بر آنچه در الاستیعاب^۲، آمده راوی حدیث از پیامبر ﷺ، جابر بن عبدالله صَدَفِيِّ است که نوه پسر او؛ عبدالرحمن بن قیس بن جابر صَدَفِيِّ از او یعنی از جدش روایت کرد. راوی احادیث شماره: ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۴۵.

وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سُوَائِيِّ^۳ = أَبُو جُحَيْفَةَ / ع

وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سُوَائِيِّ، مشهور به کنیه «أَبُو جُحَيْفَةَ»، صحابی معروف، و از اصحاب علی بن ابی طالب، مُلقَّب به «وَهْبِ الْخَيْرِ» و «وَهْبِ اللَّهِ» ساکن کوفه، متوفای سال ۷۴ هـ.ق در عراق صاحبان صحاح شش گانه از وی حدیث، نقل کرده اند.

«ابن اثیر» در أُسْدُ الْغَابَةِ، نوشته است: وی از صغار صحابه بود «ذُكِرُوا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تُوَفِّيَ وَأَبُو جُحَيْفَةَ لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُمَ، وَلَكِنَّهُ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، وَجَعَلَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى بَيْتِ الْمَالِ بِالْكُوفَةِ، وَشَهِدَ مَعَهُ مَشَاهِدَهُ كُلَّهَا، وَكَانَ يُحِبُّهُ وَيُثِقُ إِلَيْهِ وَيُسَمِّيهِ وَهَبَ الْخَيْرِ، وَوَهَبَ اللَّهُ أَيْضاً.»

«ابن حجر» درباره وی می نویسد: «صَحَابِيُّ مَعْرُوفٌ، وَصَحِبَ عَلِيًّا»، «و وِلَاةَ شَرْطَةِ الْكُوفَةِ لَمَّا وَلِيَ الْخِلَافَةَ»، «وَاسْتَعْمَلَهُ عَلِيُّ خَمْسَ الْمَتَاعِ».

ابو جُحَيْفَةَ، از پیامبر ﷺ، علی بن ابی طالب و براء بن عازب، روایت می کند. راویان از او: پسرش: عَوْنُ بْنُ أَبِي جُحَيْفَةَ، عَامِرُ شُعْبِيِّ، ابُو إِسْحَاقَ سَبِيعِيِّ، سَلْمَةُ بْنُ

۱ - بنگرید به: الإصابة، ج ۲، ص ۴۹، ش ۱۰۳۳، حرف جیم (جابر بن ماجد صَدَفِيِّ).

۲ - الإستیعاب، (ضمیمه الإصابة)، ج ۲، ص ۱۱۱، ش ۲۸۹.

۳ - «سُوَائِيٌّ» به ضم سین و فتح واو و سکون الف. (اللباب، ج ۱، ص ۵۷۴).

کُهَیْل، اسماعیل بن ابی خالد، زیاد بن زید الأعْصَم، ابو عمر المُنْبِهِي، علی بن الأقرم، حَکَم بن عَتِيْبَه^۱.

راوی حدیث شماره: ۴۹

هِنْد، اُمّ سَلَمَه، اُمّ المَؤْمِنِيْنَ / ع

هِنْد دختر ابو اُمِيَّة بن مُغِيْرَةَ بن عبدالله... مَخْرُومِي، اُمّ سَلَمَه، اُمّ المَؤْمِنِيْنَ، مادرش عاتکه دختر عامر بن ربیعہ است. پدرش اَبُو اُمِيَّة یکی از بخشنده ترین اشخاص و مشهور به کَرَم و مُلَقَّب به «زاد الرّاکب» بود. هرگاه به سفر می رفت، همسفر او توشه ای بر نمی داشت. همسر اُمّ سَلَمَه به نام عبدالرّحمن بن عبدالأسد، ملقب به ابو سَلَمَه، در جنگ احد مجروح شد و پس از ۵ یا ۷ ماه بر اثر این جراحت از دار دنیا رفت و اُمّ سَلَمَه، به ازدواج پیامبر ﷺ در آمد و در سال ۶۲ یا ۶۱ هـ. در ۸۴ سالگی درگذشت.

در صحاح شش گانه به روایات وی استناد شده است.^۲

راویان از او: فرزندان: عمر بن ابی سَلَمَه و زینب دختر ابی سَلَمَه، عبدالله بن رافع، نافع، سَفِيْنَه، سُلَيْمان بن يَسَار، اُسَامَة بن زَيْد بن حَارِثَه، عبدالله بن عَبَّاس، صَفِيَّه دختر شَيْبَه، سعید بن مُسَيَّب، ابو وائل، شَعْبِي، عبدالرّحمن بن ابی بکر، عُرْوَة بن الزُّبَيْر و...^۳

راوی احادیث شماره: ۲۴۶ تا ۲۶۷

۱ - بنگرید به: الاستیعاب، (ضمیمه الإصابه)، شماره ۲۷۳۲ باب اسامی، شماره ۲۸۹۱ باب کنیه؛ اُنسُدُ الغَابَة، ج ۶، ص ۴۸، ش ۵۷۵۲؛ تهذیب الکمال، ج ۱۹، ص ۴۸۳، ش ۷۳۵۴؛ الإصابه فی تمییز الصّحابة، ج ۱۰، ص ۳۲۱، ش ۹۱۶۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۸۱، ش ۷۷۶۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۳۸، ش ۱۱۹.

۲ - الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۶۷، ش ۳۲۵۵؛ الاستیعاب، (ضمیمه الإصابه)، ج ۱۳، ص ۱۷۲، ش ۳۵۱۱؛ اُنسُدُ الغَابَة، ج ۷، ص ۲۸۹؛ الإصابه، ج ۱۳، ص ۱۶۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۵۰۸، ش ۸۹۸۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۶۱۷.

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۵۰۹، ش ۸۹۸۶.

طبقه دوم

أَسْوَدُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ قَيْسِ نَخَعِيِّ / ع

أَسْوَدُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ قَيْسِ نَخَعِيِّ، أَبُو عَمْرٍو يَأْبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ، مُخَضَّرَمٌ^۱، فَقِيهٌ، زَاهِدٌ، عَابِدٌ، دَانِسْمَنْدِ كُوفَةٍ، پَسْرُ بَرَادِرِ عَلَقَمَةَ (دَانِسْمَنْدِ كُوفَةٍ)، دَائِي اِبْرَاهِيمِ نَخَعِيِّ فَقِيهٍ، وَ بَرَادِرِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَزِيدٍ، اَزْ رَاوِيَانِ طَبَقَةِ دَوْمٍ، مَتَوْفَايِ سَالِ ۷۴ يَآ ۷۵ هـ. دَرِ كُوفَةٍ. اِبْنُ عَلِيَّةٍ اَزْ مَيْمُونِ اِبُو حَمَزَةَ، نَقَلَ كَرْدُ كِهْ اَسْوَدُ بْنُ يَزِيدٍ وَ نَيْزِ پَسْرَشِ هَشْتَادِ بَارِ بَهْ سَفَرِ حَجِّ وَ عَمْرِهِ رَفْتَنْدِ. نَضْرُ بْنُ اِسْمَاعِيلِ نَقَلَ كَرْدِهْ كِهْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ اَسْوَدٍ دَرِ هَرِ رَوْزِ هَفْتَصَدِ رَكَعَتِ نَمَازِ مِي خَوَانَدِ.

اَزْ اِبْنِ اَبِي خَيْثَمَةَ، نَقَلَ شَدِهْ اَسْتِ كِهْ اَسْوَدُ بْنُ يَزِيدٍ بَا اِبُو بَكْرٍ، عَمْرٌ، وَ عَثْمَانَ، حَجَّ كَزَارْدِهْ اَسْتِ وَ رَوْزِ گَارِ خُودِ رَا بَهْ رَوْزِهِ سَبْرِي مِي كَرْدِ.

صَاحِبَانَ صَحَاحِ شَشِ گَانِهْ بَهْ رَوَايَاتِ اَوْ اَسْتِنَادِ كَرْدِهْ اَنْدِ.

مَشَايِخِ اَوْ: اِبُو بَكْرٍ، عُمَرُ، عَلِيٌّ، اِبْنُ مَسْعُودٍ، حُذَيْفَةُ، بِلَالٌ، عَايِشَةُ، اِبُو مُوسَى وَ...

رَاوِيَانَ اَزْ اَوْ: پَسْرَشِ: عَبْدِ الرَّحْمَنِ، بَرَادِرَشِ: عَبْدِ الرَّحْمَنِ، پَسْرُ خَوَاهِرَشِ: اِبْرَاهِيمُ بْنُ يَزِيدِ نَخَعِيِّ، عُمَارَةُ بْنُ عُمَيْرٍ، اِبُو اِسْحَاقِ سَبِيْعِيِّ، اِبُو بُرْدَةَ بْنُ اِبِي مُوسَى اَشْعَرِيِّ، مُحَارِبُ بْنُ

۱ - واژه «مخضرم» یعنی کسی که زمان جاهلیت و زمان اسلام را درک کرده، ولی موفق به زیارت پیامبر ﷺ نشده باشد. (لسان العرب، ماده خضرم).

دثار^۱.

راوی حدیث: بی شماره پس از شماره ۲۰۶.

جَبَّيرُ بنِ نَفَّيرٍ^۲ حَضْرَمِيّ حِمَاصِيّ / بَخ م ۴

جَبَّيرُ بنِ نَفَّيرِ بنِ مالِكِ بنِ عامِرِ حَضْرَمِيّ، ابو عبد الرحمن یا ابو عبدالله حِمَاصِيّ، ثقه، جلیل، مُخَضَّرَم، از بزرگان تابعین است که در سال ۵۸۰ هـ. یا پس از آن درگذشت. بخاری در الأدب المفرد و مُسلم، ابوداود، ابن ماجه، تِرْمِذِيّ و نَسَائِيّ در صحیح و سُنن، روایاتی از او نقل کرده‌اند.

جَبَّيرُ بنِ نَفَّيرِ، از نامبردگان زیر، روایت کرده است:

ابوبکر، عمر، ابوذرّ، ابوالدرداء، مقداد بن الأسود، خالد بن الولید، عبادة بن صامت، ابن عمر، معاویه، ثوبان، عقبه بن عامر جُهَنِيّ و ...

راویان از او: پسرش: عبد الرحمن بن جَبَّيرِ، خالد بن معدان، مَكْحُول، سُلَيْمِ بنِ عامر، ابوالزّاهریّه، حبیب بن عبید، صَفْوَان بن عمرو، و ...^۳

راوی حدیث شماره: ۲۳۸.

رَبِيعِيّ بنِ حِرَاشٍ^۴ / ع

رَبِيعِيّ بنِ حِرَاشِ بنِ جَحْشِ بنِ عمرو بنِ عبدالله بنِ بَجَادِ كُوفِيّ، ابومریم عَبَسِيّ، تابعی، ثقه، عابد، مُخَضَّرَم، که در سال ۱۰۰ یا ۱۰۱ یا ۱۰۴ هـ. درگذشت.

۱ - تَذَكْرَةُ الحُفَافِ، ج ۱، ص ۵۰، ش ۲۹؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۳۵۳، ش ۵۵۰؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۷۷.

۲ - به تصغير.

۳ - بنگريد به: الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۴۰؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۸۸، ش ۲۸۹۶؛ تَذَكْرَةُ الحُفَافِ، ج ۱، ص ۵۲، ش ۳۲؛ تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۳۲، ش ۹۴۵؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ش ۱۲۶.

۴ - به كسر راء و سكون باء، و كسر حاء (بنگريد به: تقريب التهذيب).

صاحبان صحاح شش گانه از او روایاتی نقل کرده اند.
 ربیع بن جراح، از عمر بن خطاب، علی بن ابی طالب، ابن مسعود، ابوموسی، عمران
 ابن حصین، حذیفه بن الیمان، و... روایت می کند.
 راویان از او: منصور بن معتمر، عبدالملک بن عمیر، ابومالک اشجعی، شعبی، نعیم بن
 ابی هند، حصین بن عبدالرحمن، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۷۳.

زر بن حبیبش ۲ / ع

زر بن حبیبش بن حبابه بن اوس اسدی، کوفی، ابومریم، مسخضرم، ثقه، جلیل،
 دانشمند فاضل، از اصحاب علی بن ابی طالب رضی الله عنه، و به گفته عاصم: ابوائل عثمانی، و
 زر، علوی بود و هر دو در یک مسجد نماز می خواندند، ولی ابوائل در مقام تعظیم زر،
 بر می آید.

او در سال ۸۱، ۸۲ یا ۸۳ هـ. در سن ۱۲۰ یا ۱۲۷ سالگی چشم از جهان فرو بست.
 در صحاح شش گانه روایاتی از او نقل شده است.
 وی از نامبردگان زیر روایت می کند:

عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابوذر، ابن مسعود، عبدالرحمن
 ابن عوف، عباس، سعید بن زید، حذیفه، ابی بن کعب، صفوان بن عسال، عائشه و...
 راویان از او: عاصم بن بهدله، عبده بن ابی لبابه، اسماعیل بن ابی خالد، عدی بن
 ثابت، ابواسحاق شیبانی، اعمش، ابراهیم نخعی، منهل بن عمرو، عیسی بن عاصم،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۱۲۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۴۹، ش ۱۱۰۴؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۶۹،

ش ۶۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۶۲، ش ۱۹۴۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲ - به کسر زاء و تشدید راء، و حبیبش مصغراً (بنگريد به: تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۵۹).

شعبی، زبید بن الیامی و...^۱

راوی احادیث شماره ۵: ۷۴، ۱۵۴ تا ۲۰۴.

سعید بن مسیب = ابن مسیب / ع

سعید بن مسیب بن حزن بن ابی وهب بن عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم قرشی مخزومی، مادرش: ام سعید دختر عثمان بن حکیم بن امیه، کنیه اش؛ ابو محمد، داماد ابوهریره، شیخ الاسلام، فقیه مدینه، از تابعان بزرگ و فقیهان سترگ، که «قتاده»: درباره او گفت: مارایتُ اَحدًا قَطُّ اَعْلَمَ بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ مِنْهُ. ابن حبان در «الثقات» گفته است: سعید بن مسیب به لحاظ فقهی، دینی، و ارستگی و عبادت از سروران تابعان است. بر حسب گفته ابن حجر، حدیث شناسان، اتفاق نظر دارند که مُرسَلات او صحیح ترین مُرسَل هاست، حتی در «تذکره الحُفَاط» آمده که احمد بن حنبل و جز او گفته اند: «مُرسَلات سعید صحاح».

در تهذیب التهذیب آمده که سعید بن مسیب، از عمر بن خطاب، نقل می کند که می گفت: «عسی أن یکون بعدی أقوام یکذبون بالرجم یقولون: لانجدُه فی کتاب الله، لولا أن أزید فی کتاب الله مالیس فیہ لکتبتُ أنه حقّ، قد رجم رسولُ الله ﷺ و رجم أبوبکر، وَرَجَمْتُ».

سعید بن مسیب در سال دوم خلافت عمر (۱۵ هـ) زاده شد و در سال ۹۴ هـ در ۷۹ سالگی چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش گانه، به روایات او استناد کرده اند.

مشایخ او: عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، سعد بن ابی وقاص، حکیم بن حزام، ابن عباس، ابن عمر، ابن عمرو عاص، پدرش مسیب، معمر بن عبدالله بن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۱۰۴، الطبقات، ج ۱، ص ۳۱۷، ش ۹۸۳؛ تذکره الحفَاط، ج ۱، ص ۵۷،

ش ۲۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۴۶، ش ۲۰۷۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۵۹.

نُضْلَه، ابوذَرّ، ابوالدَّرْدَاء، حَسَّان بن ثابت، زید بن ثابت، عَثْمَان بن ابی العاص، ابوقْتَادَه، ابوموسی، ابوسعید، پدر همسرش: ابوهَرَّیْرَه، عایشه، اسماء دختر عَمَّیْس، خَوَلَه دختر حکیم، فاطمه دختر قَیْس، اُمّ سَلَمَه، اُمّ شَرِیْک و... ولی به گفته «ذَهَبی» عمده روایات مُسْنَدش از ابوهَرَّیْرَه است.

راویان از او: پسرش: محمّد، سالم بن عبدالله بن عُمَر، زُهْرَیّ، قَتَادَه، شَرِیْک بن ابی نَیْر، یحیی بن سعید اَنصاریّ، داود بن ابی هند، ابوجعفر الباقِر و...
 راوی احادیث شماره ۵: ۱۳۹، ۲۴۶ تا ۲۵۳.

ابووائل شقیق بن سلّمه / ع

شَقِیْق بن سَلَمَه اَسَدیّ، ابووائل کُوفیّ، مُخَضَّرَم، عاصِم بن بَهْدَلَه از او نقل می‌کند که هفت سال از جاهلیت را درک کرده است. طبق نوشته ابن سعد، وی ثقه و کثیرالحدیث است، در تقرب التهذیب آمده که در زمان خلافت عُمَر بن عبدالعزیز در سنّ ۱۰۰ سالگی درگذشت و بر حسب نوشته خلیفه بن خیاط و ذَهَبی، در سال ۸۲ هـ فوت کرد. در صحاح شش‌گانه روایاتی از او نقل شده است.

مشایخ او: ابوبکر، عمر، عثمان، علیّ بن ابی طالب، ابن مسعود، مُعَاذ بن جَبَل، سَعْد ابن ابی وَقَّاص، حُذَیْفَه، سَهْل بن حُنَیْف، خَبَّاب بن اَرْتّ، ابومسعود اَنصاریّ، ابوموسی اَشْعَرِیّ، ابوهَرَّیْرَه، عایشه، اُمّ سَلَمَه، اُسَامَه بن زید، اَشْعَث بن قَیْس، بَرَاء بن عازب، جَرِیر ابن عبدالله، حارث بن حَسَّان، سَلْمَان بن رَیْبَعَه، شَیْبَه بن عثمان، و دیگر صحابیان و تابعان.

راویان از او: اَعْمَش، منصور، حُصَیْن بن عبدالرحمن، حبیب بن ابی ثابت، عاصم بن

۱ - بنگرید به: الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۱۹؛ الطبقات، ج ۲، ص ۶۱۱، ش ۲۰۹۶؛ تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۲۹۷، ش ۲۳۴۰؛ تذکره الحُفَاط، ج ۱، ص ۵۴، ش ۳۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۳۷۲ تا ۳۷۵، ش ۲۴۷۰، تقرب التهذیب، ج ۱، ش ۳۰۵.

بَهْدَلَه، عمرو بن مَرْه، سعید بن مسروق ثَوْرِي^۱ و...
راوی احادیث شماره: ۱۹۴، ۲۰۳.

عبدالحمید بن واصل = ابو واصل باهلی

عبدالحمید بن واصل (ابو واصل باهلی) که ابن جَبَّان وی را در الثقات از محدثان و راویان طبقه دوم بر شمرده است.

مشایخ او: انس، ابن مسعود، ابن عباس، ابو امیة الحبلی.

راویان از او: شُعْبَه، عَمَّار بن بَشِير، عبدالکریم بن مالک جَزْرِي، محمد بن سَلَمَه حَرَّانِي، عَتَّاب بن بَشِير.

بخاری در التاريخ الكبير نوشته است:

«وقال محمد ابويحيى: أخبرنا إسماعيل بن عبيد بن أبي كريمة، حدثنا محمد بن سلمة، عن أبي واصل عبدالحميد الباهلي البصري، عن أبي الصديق الناجي، عن الحسن ابن يزيد السعدي أحد بني بهدلة، عن أبي سعيد رضي الله عنه - عن النبي صلى الله عليه وسلم: «يخرج رجل من أمتي...»^۲
راوی حدیث شماره: ۱۳۵.

عبدالله بن حارث بن نوفل = صاحب ابو الخلیل / ع

عبدالله بن حارث بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب بن هاشم، هاشمی، ابو محمد مدنی، مُلقَّب به بَبَّه، مادرش هند دختر ابوسفیان بن حرب بن امیة، هنگامی که متولد

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۶، صص ۹۶ و ۱۸۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۵۶، ش ۱۱۱۴؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۶۰، ش ۴۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، صص ۶۴۹ و ۶۵۰، ش ۲۸۹۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۵۴، ش ۲۸۹۴.

۲ - التاريخ الكبير، ج ۳، ق ۲ (قسم دوم از جزء سوم)، ص ۴۵، ش ۱۶۵۴؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۱ (قسم اول از جزء سوم)، ص ۱۸، ش ۹۷.

شد، مادرش هند به نزد خواهرش اُمّ حَبِیْبَه - همسر پیامبر ﷺ - آمد، حضرت وارد شد و از نوزاد پرسید، اُمّ حَبِیْبَه، گفت: این نوزاد، پسر عموی شما و پسر خواهرم است. حضرت او را مورد لطف قرار داد و برای او دعا کرد.

او یکی از تابعان مورد وثوق، ظاهر الصّلاح، کثیرالحديث و به گفته ابن حِبّان از فقیهان اهل مدینه بود.

عبدالله بن حارث، در سال ۸۴ یا ۹۹ هـ. در عمان، چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش گانه، از او روایاتی نقل کرده اند.

مشایخ او: عمر بن خَطَّاب، عُثْمَان بن عَفَّان، عَلِی بن ابی طالب، پدرش، عموی جدش: عَبَّاس بن عبدالمُطَّلِب، عبدالمُطَّلِب بن رَبِیعَة بن حارث بن عبدالمُطَّلِب، ابن مسعود، حَکِیم بن حِزَام، صَفْوَان بن اُمیّه، ابن عَبَّاس، ابن عمرو بن عاص، عبدالله بن خَبَّاب بن اَرْت، عایشه، مِیْمُونَه، اُمّ سَلَمَه، و...

راویان از او: پسرانش: عبیدالله، اسحاق، عبدالمک بن عُمیر، ابواسحاق سَبِیعی، سُلَیْمَان بن یَسَار، صالح ابوالخلیل، زُهَری و...

راوی احادیث شماره: ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶.

عبدالله بن زُرَیر^۲ غَافِقِی / د س ق

عبدالله بن زُرَیر غَافِقِی مِصْرِی، از تابعان مورد وثوق و مَرْمِی به تشیع که به گفته ابن سعد در جنگ صِفّین، با علی بن ابی طالب بوده است.

از او روایت شد که: قال لي عبدالمَلِک بن مَرْوَان: ما حَمَلَک عَلِی حُبُّ اَبِی ثَرَاب، اِلَّا اَنَّک اَعْرَابِی جَافٍ!

۱ - بنگرید به: الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۵۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۵، ش ۱۵۱۱؛ تهذیب التهذیب، ج

۴، ص ۲۶۵، ش ۳۳۵۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۰۸، ش ۳۳۵۲.

۲ - به تصغیر.

قال: فقلت له: والله لقد قرأت القرآن قبل أن يجتمع أبواك.
 ابن حبان در الثقات نوشته است که او در سال ۸۳ هـ. درگذشت.
 در سنن ابوداود، نسائی و ابن ماجه قزوینی روایاتی از او نقل شده است.
 وی از علی بن ابی طالب و عمر بن خطاب، روایت کرده است.
 راویان از او: ابوالخیر الیزنی، ابوالفتح همدانی، ابوعلی همدانی، بکر بن سواده
 جذامی، عبدالله بن حارث، عبدالله بن هبیره و...^۱
 راوی احادیث شماره: ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵.

عبیده بن عمرو سلمانی / ع

عبیده بن عمرو سلمانی^۳، مرادی، ابوعمر و کوفی، مخضرم، از تابعان بزرگ و فقیه
 سترگ، که در زمان فتح مکه یعنی دو سال پیش از رحلت پیامبر ﷺ در یمن، مسلمان شد
 ولی موفق به دیدار آن حضرت نگردید، او از تابعان مورد وثوق، ثبت و فقیه بزرگی است
 که هرگاه برای شریح، مشکلی پیش می آمد به او می نوشت و خواستار حل مشکل می شد.
 «ذهبی» درگذشت او را در سال ۷۲ هـ. و «ابن حجر» در زمان «مختار» و پیش از
 سال ۷۰ هـ. می داند.

صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد جسته اند.
 او از علی بن ابی طالب، ابن مسعود و ابن زبیر روایت می کند.
 راویان از او: عبدالله بن سلیمه مرادی، ابراهیم نخعی، ابواسحاق سبیعی، محمد بن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۰؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۵۴، ش ۲۷۴۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص

۳۰۰، ش ۳۴۱۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۱۵.

۲ - به فتح عین و سلمانی، به سکون یا فتح لام.

۳ - منسوب به سلمان بن یسکر بن ناجیه بن مراد (بنگرد به: الطبقات، ج ۱، ص ۳۳۲، ش ۱۰۴۵).

سپرین، ابو حسان أعرج، عامر شعبي و...^۱
راوی احادیث شماره: ۲۰۷، ۲۱۱.

عزوة بن زبير بن عوام / ع

عزوة بن زبير بن عوام بن خوئيلد بن أسد بن عبد العزى بن قصي أسدي ابو عبدالله قرشي مدني، مادرش «أسماء» دختر ابوبکر، یکی از تابعان موثق، فقيه نامور مدینه، کثیر الحدیث، صائم النهار و قائم اللیل بود بجز در شبی که پایش قطع شد. وی در سال ۹۴ هـ در ۶۷ سالگی درگذشت. صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد کرده اند.

مشایخ او: پدرش، مادرش، برادرش عبدالله، خاله اش عایشه، علی بن ابی طالب، زید بن ثابت، أسامة بن زید، سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، حکیم بن حزام، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، ابویوب، ابوهریره، عمرو بن عاص، أم حبیبه دختر ابوسفیان، جابر بن عبدالله أنصاری، نَعْمَان بن بشیر، و...
راویان از او: فرزندانش: عبدالله، عثمان، هشام، محمد و یحیی؛ ابویزده بن ابی موسی، زهری و...^۲

راوی حدیث شماره: ۱۴۴

علقمة بن قیس نخعی / ع

علقمة بن قیس بن عبدالله بن مالک بن علقمة بن سلامان بن کهل بن بکر بن عوف بن نخع، أبوشبیل (یا شبیل) نخعی کوفی، عموی آشود و عبدالرحمن پسران یزید بن قیس،

۱ - الطبقات، ج ۱، ص ۳۳۲، ش ۱۰۴۵؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۵۰، ش ۲۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، صص ۴۴۴ و ۴۴۵، ش ۴۵۴۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۴۷.

۲ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۰۳، ش ۲۰۶۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۶۲، ش ۵۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، صص ۵۴۵ تا ۵۴۹، ش ۴۶۹۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹.

دائی ابراهیم بن یزید نخعی، یکی از تابعان موثق و ثبت، فقیهی برجسته و عابد که در زمان حیات پیامبر ﷺ، متولد شد، قابوس بن ابی ظبّیان گوید: به پدرم گفتم: به چه دلیل صحابه را رها می‌کنی و به سراغ علقمه می‌روی؟

در پاسخ گفت: اصحاب پیامبر ﷺ نیز از او می‌پرسیدند و استفتاء می‌کردند.^۱ علقمه و برادرش ابی بن قیس، در جنگ صفین با علی بن ابی طالب رضی الله عنه بودند که ابی به شهادت رسید و پای علقمه آسیب دید.

«وَقَطَعَتْ رِجْلُ عَلْقَمَةَ يَوْمَئِذٍ فَكَانَ يَقُولُ: مَا أَحَبَّ أَنْ رِجْلِي أَصْحَ مَا كَانَتْ، وَإِنِّي لَمَّا أَرْجُو بِهَا [به] مِنْ حَسَنِ الثَّوَابِ مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ»^۲.

علقمه در جنگ خراسان، شرکت داشت، و نیز دو سال در «خوارزم» و مدتی در «مرو» اقامت داشت.

در پاورقی تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۴۳ از علقمه نقل می‌کند:

«كنت رجلاً قد أعطاني الله حُسنَ الصَّوتِ بالقرآن، وكان ابن مسعود يرسل إليّ فأقرأ عليه، فإذا فرغتُ من قراءتي قال: زدنا فداك أبي وأمي؛ فإني سمعتُ رسولَ الله ﷺ يقول: «إِنَّ حُسْنَ الصَّوتِ زِينَةُ الْقُرْآنِ». روایت شده است که وی در یک شب، ختم قرآن نمود.

او بعد از سال ۶۲ یا بعد از ۷۰ هـ. در ۹۰ سالگی، چشم از جهان فرو بست. در صحاح شش‌گانه روایاتی از او نقل شده است.

علقمه از نامبردگان زیر، روایت کرده است:

عمر، عثمان، علی بن ابی طالب، حذیفه، ابوالدرداء، ابن مسعود، ابوموسی، خباب، خالد بن الولید، عایشه و...

راویان از او: پسر برادرش: عبدالرحمن بن یزید بن قیس، پسر خواهرش: ابراهیم

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۸، ش ۲۴.

۲ - تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۲۳؛ الكامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۰۷.

ابن یزید نخعی، ابراهیم بن سوید نخعی، عامر شعبی، ابو وائل شقیق بن سلمه، ابواسحاق
سبیعی، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۲۰۵ تا ۲۱۰.

علی بن علی هلالی

علی بن علی مکی هلالی، از پدرش علی هلالی که از صحابیان شمرده می‌شود،
روایت می‌کند، و سفیان بن عیینه از او روایت می‌کند.^۲

راوی حدیث شماره: ۲۳۶.

قبیصة بن ذؤیب^۳ خزاعی / ع

قبیصة بن ذؤیب بن حنبله بن عمرو بن کعب، خزاعی، ابوسعید یا ابواسحاق مدنی،
ساکن دمشق، از تابعان مورد وثوق، از فقیهان و صالحان مدینه و از فرزندان صحابه به
شمار می‌رود که برخی نیز او را از صحابیان شمرده‌اند. در سال فتح مکه متولد و در
کودکی به حضور پیامبر ﷺ آورده شد و حضرت برای او دعا کردند.

به گفته ابن سعد در سال ۷۶ و به گفته خلیفه در سال ۸۶ هـ. در شام از دنیا رفت. در
صحاح سته به روایات او استناد شده است.

مشایخ او: عمر بن خطاب، بلال، عثمان بن عفان، حذیفه، عبدالرحمن بن عوف، زید
ابن ثابت، عبادة بن صامت، عمرو بن عاص، محمد بن مسلمه، تمیم داری، ابوالدرداء،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۸۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۲۳۴، ش ۱۰۵۴؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۸،

ش ۲۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۴۲، ش ۴۸۲۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱.

۲ - المعجم الكبير، ج ۳، ص ۵۷، ش ۲۶۷۵؛ أشد الغابة، ج ۴، ص ۱۲۷، ش ۳۷۹۰؛ الإصابة، ج ۲، ص

۵۱۱، ش ۵۹۹۶.

۳ - «قبیصة» به فتح قاف و کسر باء، «ذؤیب» به تصغیر. (تقریب التهذیب).

مُغْبِرَةَ بْنِ شُعْبَةَ، أَبُو هُرَيْرَةَ، عَائِشَةَ، أُمَّ سَلَمَةَ وَ... وَنِيزَ بِهِ نَحْوَ أَرْسَالِ أَبِي بَكْرٍ.
راویان از او: پسرش: اسحاق، زُهْرِيٌّ، رَجَاءُ بْنُ حَيْوَةَ، عَثْمَانُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ خَرَّشَةَ،
عَبْدَ اللَّهِ بْنُ مَوْهَبٍ، عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ مَوْلَى بَنِي سَاعِدَةَ، مَكْحُولٌ، أَبُو قَلَابَةَ جَزْمِيٌّ وَ...^۱
راوی احادیث شماره: ۴، ۵، ۶ و ۸.

قَيْسُ بْنُ جَابِرِ صَدْفِيِّ

بنابر اینکه راوی حدیث از پیامبر ﷺ، جابر بن عبدالله صَدْفِيِّ باشد (بنگرید به:
الاستیعاب، ج ۲، ص ۱۱۱، ش ۲۸۹).
از این رو چنانچه قیس بن جابر صَدْفِيِّ از صحابیان نباشد، از تابعان خواهد بود.

جَابِرُ بْنُ مَاجِدِ صَدْفِيِّ

اما بنابر اینکه راوی حدیث از پیامبر ﷺ، ماجد صَدْفِيِّ باشد (بنگرید به: الإصابة،
ج ۲، ص ۴۹، ش ۱۰۳۳) و جابر بن ماجد صَدْفِيِّ از صحابیان نباشد قطعاً از تابعان
خواهد بود.
راوی احادیث شماره: ۲۴۳ تا ۲۴۵.

كَثِيرُ بْنُ مَرْثَةَ حَضْرَمِيٌّ / ر ۴

كَثِيرُ بْنُ مَرْثَةَ حَضْرَمِيٌّ، رُهَاوِيٌّ، أَبُو شَجْرَةَ يَأْبُو الْقَاسِمِ حِمَاصِيٌّ.
از تابعان ثقه، فقیه و عالم اهل شام، که هفتاد تن از بَدْرِيَّان را درک کرد تا جایی که
برخی او را از صحابیان، پنداشتند. درگذشت او در حدود سالهای ۷۰ تا ۸۰ هـ. بوده است.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۴۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۹۲، ش ۲۹۱۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۷۷، ش ۵۷۰۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۲۲.

بخاری در القراءة خلف الإمام، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه، از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: معاذ بن جبل، عمر بن خطاب، عبادة بن صامت، ابوالدرداء، ابوفاطمه آزدی، تمیم داری، عقبه بن عامر، ابن عمر، ابوهریره، ابن عمرو، عوف بن مالک اشجعی، عبدالله بن فیروز دئلمی، و...

راویان از او: ابوالزاهریه، حدیر بن کریب، خالد بن معدان، مکحول، سلیم بن عامر، عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر، نضر بن علقمه، شریح بن عبید، سلیمان بن موسی و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۵۰، ۱۵۳.

محمد بن حنفیه / ع

محمد بن علی بن ابی طالب، ابوالقاسم مدنی، معروف به محمد بن حنفیه؛ حنفیه، لقب مادرش خوله دختر جعفر بن قیس بن مسلمة بن ثعلبة بن یزوع بن ثعلبة بن دؤل بن حنفیه است که از تبار حنفیه می‌باشد.

او یکی از تابعان ثقه، و عالمان صالح مدینه بود که در دوران خلافت عمر، متولد شد. گروهی در هنگام سلام بر او، می‌گفتند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَهْدِيَّ».

محمد بن حنفیه، می‌گفت:

«أَجَلُ أَنَا مَهْدِيَّ أَهْدِي إِلَى الْخَيْرِ، وَلَكِنْ إِذَا سَلَّمَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ». آری، من هدایت شده‌ای هستم که دیگران را به خیر و خوبی رهنمون می‌شوم ولی هرگاه یکی از شما خواست سلام کند (به عنوان مهدی بر من سلام نکند، بلکه) باید بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ.

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۴۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۹۲، ش ۲۹۱۷؛ تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۳۸۱، ش ۵۵۴۹؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۵۱، ش ۳۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۵۶۵، ش ۵۸۲۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۳۳.

محمد بن حنفیه یکی از نیرومندترین افراد بود به گونه‌ای که داستانهای شگفت‌انگیزی در خصوص نیرومندی او نقل شده است.

در وَفَیَاتِ الْأَعْيَانِ^۱ آمده: وَكَانَ شَدِيدَ الْقُوَّةِ، وَلَهُ فِي ذَلِكَ أَخْبَارٌ عَجِيبَةٌ، مِنْهَا مَا حَكَاهُ الْمُبَرِّدُ فِي كِتَابِ الْكَامِلِ، أَنَّ أَبَاهُ عَلِيًّا عليه السلام، اسْتَطَالَ دِرْعًا كَانَتْ لَهُ، فَقَالَ: لِيُنْقَصَ مِنْهَا كَذَا وَكَذَا حَلْقَةً، فَقَبِضَ مُحَمَّدٌ بِأَحْدَى يَدَيْهِ عَلَيَّ ذَيْلَهَا وَبِالْأُخْرَى عَلَيَّ فَضَلَّهَا، ثُمَّ جَذَبَهَا، فَقَطَعَ مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي حَدَّهُ أَبُوهُ. □

وكان عبدالله بن الزبير إذا حَدَّثَ بهذا الحديث غضب واعتراه إفكُلٌ، وهو الرُّعدة، لأنه كان يحسده على قوته. وكان ابنُ الزبير أيضاً شديداً القوي.

و من قوته أيضاً ما حكاه المبرّد^۲: (داستان نامه پادشاه روم به معاویه و ارائه دیدنیهای روزگار با اعزام فردی بلند قامت، و فرد دیگری که بسیار نیرومند بود...)

محمد بن حنفیه، در سال ۸۱ یا ۸۲ هـ. چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش‌گانه از او احادیثی را نقل کرده‌اند.

وی از پدرش: علی بن ابی طالب، و نیز از عثمان، عمار، معاویه، ابوهریره و ابن عباس، روایت می‌کند.

راویان از او: فرزندانش: ابراهیم، حسن، عبدالله، عمر، عون، پسر برادرش: محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب، نوه برادرش: ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، پسرخواهرش: عبدالله بن محمد بن عقیل، عطاء بن ابی رباح، منهل بن عمرو، محمد بن قیس بن مخرمه، منذر بن یعلی ثوری، محمد بن نضر همدانی، سالم بن ابی جعد، عمرو بن دینار و...^۳

راوی احادیث: ۲۱۴ تا ۲۲۴.

۱- وَفَیَاتِ الْأَعْيَانِ، ج ۴، ص ۱۷۰.

۲- الْكَامِلِ، ج ۱، ص ۳۰۷، باب ۳۵.

۳- الطَّبَقَاتُ الْكُبْرَى، ج ۵، ص ۹۱؛ الطَّبَقَاتُ، ج ۲، ص ۵۸۰؛ ش ۱۹۷۱؛ شِیرَازِی، طَبَقَاتُ الْفُقَهَاءِ،

ص ۳۲، تَهْدِيبُ التَّهْدِيبِ، ج ۷، ص ۳۳۳، ش ۶۴۰۹؛ تَقْرِيبُ التَّهْدِيبِ، ج ۲، ص ۱۹۲.

مَطْرَفٌ^۱ بن عبد الله شَخِيرٌ^۲ / ع

مَطْرَفٌ بن عبد الله بن شَخِير بن عَوْف بن كَعْب، حَرَشِيٌّ، عَامِرِيٌّ، ابو عبد الله بَصْرِيٌّ. یکی از تابعان ثقه و دارای فضل و ادب، وارستگی و خرد. از غَيْلَان بن جَرِير نقل شده است: «کان بینہ و بین رجلٍ کلامٌ فکذب علیہ، فقال مَطْرَفٌ: اللّٰهُمَّ اِنْ کان کاذباً فامِثه، فخرّ مکانہ مِيتاً». مَطْرَفٌ در سال ۹۵ هـ. در گذشت. صاحبان صحاح شش گانه به روایات وی استناد می کنند.

مشایخ او: پدرش، عثمان، علی بن ابی طالب، ابو ذرّ، عمار بن یاسر، عمران بن حُصَيْن، عیاض بن حِمار^۳، عبد الله بن مُغَلَّل مَزْنِيٌّ، عثمان بن ابی العاص، عایشه، معاویه و...

راویان از او: برادرش: ابو العلاء بَصْرِيٌّ یزید بن عبد الله بن شَخِير، پسر برادر دیگرش: عبد الله بن هانی بن عبد الله بن شَخِير، حُمَيد بن هلال، ابو نَضْرَه، حَسَن بَصْرِيٌّ، غَيْلَان بن جَرِير، سعید بن ابی هند، حمید، ثابت بن أسلم بُنَانِيٌّ، سعید جَرِيرِيٌّ، قَتَادَه، محمد بن واسع، و...^۴

راوی حدیث شماره: ۲۳۷.

۱ - به ضم میم و فتح طاء و تشدید راء مکسوره.

۲ - به کسر شین و تشدید خاء مکسوره.

۳ - «عیاض» به کسر عین و تخفیف یاء، «حِمار» به کسر حاء و تخفیف میم. (بنگرید به: تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۹۵).

۴ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۱۴۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۶۷، ش ۱۵۷۰؛ تهذیب الکمال، ج ۱۸، ص ۱۴۳، ش ۶۵۹۳؛ تذکره الحُفَاف، ج ۱، ص ۶۴، ش ۵۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۰۵، ش ۶۹۷۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۵۳.

طبقه سوم

ابوبکر بن ابی موسی / ع

ابوبکر، پسر ابوموسی اشعری کوفی، نامش: عمرو یا عامر از برادرش «ابوبزده» بزرگ تر بود. او یکی از تابعان ثقه و کوفی و دارای مذهب اهل شام بود به گونه‌ای که از دیدن قاتل عمّار بن یاسر خوشحال می‌شد. وی در سال ۱۰۶ هـ. درگذشت. در تهذیب التهذیب آمده است: وکان یذهب مذهب أهل الشام، جاءه «أبوغادیه الجهنی» قاتل عمّار فأجلسه إلى جانبه، وقال: مرحباً بأخي. صاحبان صحاح شش‌گانه، به روایت وی استناد کرده‌اند. او از پدرش: ابوموسی، و نیز از براء بن عازب، جابر بن سمره، ابن عباس و أسود بن هلال، روایت می‌کند.

راویان از او: ابوجمزه ضبعی، ابوعمران جونی، بدر بن عثمان، عبدالله بن ابی السّفر، ابواسحاق سبّعی، یونس بن ابی اسحاق، و...^۱
راوی حدیث: ۴۵.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۶۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۶۵، ش ۱۱۵۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، صص ۴۲ و ۴۳، ش ۸۲۷۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۰۰.

ابوالجراح مؤلی ام حبیبه / د

ابوالجراح که از او در الإصابه به نام «جراح أشجعی» یاد شده است. آزاد کرده ام حبیبه همسر پیامبر ﷺ است که ابن حبان از او در الثقات، نام می برد و ابن حجر، او را یکی از راویان طبقه سوم و مقبول، معرفی می کند.

گفته شده که نامش «زبیر» است. وی از ام حبیبه و عثمان بن عفان، روایت می کند. در سنن ابوداود از او روایت نقل شده است.

راویان از او: سالم بن عبدالله بن عمر، عبدالواحد بن عمیر استاد عیسی بن یزید مروزی^۱.

راوی حدیث شماره: ۲۷۱.

ابو خالد بجلي أحمسي / بخ د ت ق

ابو خالد بجلي أحمسي کوفي، اسمش: سعد یا هرمز یا کثیر، پدر اسماعیل بن ابی خالد أحمسي، ابن حبان از او در «الثقات» نام می برد و ابن حجر او را یکی از راویان طبقه سوم و مقبول، معرفی می کند.

وی از ابوهریره و جابر بن سمره، روایت می کند و پسرش: اسماعیل از او روایت می کند.

بخاری در الأدب المفرد، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه در سنن، به روایت وی استناد کرده اند^۲.

راوی حدیث شماره: ۴۳.

۱ - الإصابه، ج ۲، ص ۷۲، ش ۱۱۳ (جراح أشجعی)؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۵۸، ش ۸۲۹۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۰۵.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۹۱، ش ۸۳۵۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۱۶.

ابوسلمة بن عبدالرحمن بن عوف / ع

ابو سلمة بن عبدالرحمن بن عوف بن عبید عوف زهری مدنی = عبدالله بن عبدالرحمن بن عوف، نامش: عبدالله - آن گونه که در الطبقات آمده: عبدالله بن عبدالرحمن بن عوف، و ابن عبدالبر، می گوید: صحیح تر همین است که نامش عبدالله باشد - یا اسماعیل و یا اینکه نامش همان کنیه اوست.

نام مادرش: ثماضر، دختر اصبح بن عمرو بن ثعلبة بن ضمضم بن عدی... او یکی از تابعان بزرگ و عالمان ثقه و کثیرالحدیث مدینه بود که در سال ۹۴ هـ. و یا به گفته ابن سعد در سال ۱۰۴ هـ. در ۷۲ سالگی چشم از جهان فرو بست. در صحاح شش گانه به روایات وی استناد شده است.

مشایخ او: پدرش: عبدالرحمن بن عوف، عثمان بن عفان، طلحة، ابوقتادة، ابواسید، عایشه، ابوهریره، حسان بن ثابت، عبادة بن صامت، ابوالدرداء، اسامة بن زید، ثوبان، نافع بن عبدالحارث، مغیره، ابن عمرو بن عاص، ابن عباس، ابن عمر، ابوسعید خدری، انس، جابر، عطاء بن یسار، و دیگر صحابیان و تابعان.

راویان از او: پسرش: عمر، فرزندان برادرانش: سعد بن ابراهیم بن عبدالرحمن، عبدالمجید بن سهیل بن عبدالرحمن، زرارة بن مضعب بن عبدالرحمن، أعرج، عروة بن الزبیر، زهری، یحیی بن ابی کثیر بن عبدالله بن أشجع، عمرو بن دینار، عمران بن انس، محمد بن عمرو بن علقمه، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۰، ۱۴۵.

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۰۶، ش ۲۰۲۷؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۶۳، ش ۵۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، صص ۱۳۰ تا ۱۳۲، ش ۸۴۲۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۳۰.

بَشِيرُ بْنُ نَهْيكَ^۱ / ع

بَشِيرُ بْنُ نَهْيكَ سَدُوسِيٌّ يَاسَلُوسِيٌّ، اَبُوالشَّعْثَاءِ بَصْرِيٌّ، يَكِي از رَاويَانِ ثَقَه طَبَقَه سوم است كه از بَشِيرِ بْنِ خَصَاصِيَّه و اَبُوهُزَيْرَه رَوَايَت مِي كَنَد.
صَاحِبَانِ صَحَاحِ شَشِ گَانَه بَه رَوَايَت وِي اسْتِنَاد كَرْدَه اَنَد.

رَاويَانِ از او: يَحْيَى بْنُ سَعِيدِ اَنصَارِي، اَبُو مِجَلَز، عِبْدَالْمَلِكِ بْنِ عُبَيْد، خَالِدُ بْنُ سَمِير، نَضْرُ بْنُ اَنَسِ بْنِ مَالِك، و...^۲
رَاوِي حَدِيثِ شَمَارَه: ۲.

بَكْرُ بْنُ عَمْرٍو = اَبُوالصَّدِّيقِ نَاجِي / ع

بَكْرُ بْنُ عَمْرٍو (يَا بَكْرُ بْنُ قَيْسِ)، اَبُوالصَّدِّيقِ نَاجِي، بَصْرِيٌّ، يَكِي از رَاويَانِ ثَقَه طَبَقَه سوم است كه در سال ۱۰۸ هـ. درگذشت. در صَحَاحِ شَشِ گَانَه اَحَادِيثِي از او نَقْل شده است.
اَبُوالصَّدِّيقِ نَاجِي از اَبْنِ عَمْرٍو، اَبُو سَعِيدِ و عَايشَه، رَوَايَت مِي كَنَد.

رَاويَانِ از او: قَتَادَه، عَاصِمُ الْأَحْوَل، عِلَاءُ بْنُ بَشِيرِ مَزْنِي، و لَيْدُ بْنُ مُسْلِمِ عَنْبَرِي، مَطْرَفُ بْنُ شَخِير، و...^۳
رَاوِي اَحَادِيثِ شَمَارَه: ۷۸، ۸۲، ۸۴، ۸۸، ۹۱، ۹۶، ۹۸، ۱۱۹، ۱۳۵.

۱ - به فتح نون و كسر هاء (تقريب التهذيب).

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۲۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۷۲، ش ۱۵۹۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۴۸۹، ش ۷۷۱؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۲۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۹۱، ش ۱۶۷۴؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۵۰۷، ش ۷۹۳؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۱۰۶.

حَبِیب بن اَبی ثابت / ع

حَبِیب بن اَبی ثابت قَیْس بن دِیْنَار، ابویحیی کُوفی، یکی از تابعان ثقه و فقیهان بلند پایه کوفه، و از راویان طبقه سوم است که ابویحیی القَتَّات کُوفی درباره وی می گوید: با حبیب بن ابی ثابت، به طائف وارد شدیم، پس گویا پیامبری، بر آنان وارد شد.^۱ در تقرب التهذیب، آمده است: ثقة فقیه جلیل، و کان کثیر الإرسال والتدلیس. او در سال ۱۱۹ یا ۱۲۲ هـ. رخت از جهان بر بست. صاحبان صحاح شش گانه، به روایت وی استناد کرده اند.

مشایخ او: ابن عبَّاس، ابن عمر، انس بن مالک، ابو عبدالرحمن سلَمی، ابووائل، سعید بن جبیر، زَید بن أَرْقَم، ابوالطفیل، ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص، نافع بن جبیر بن مُطَیْم، مُجاهِد، عطاء، طاووس، زَید بن وَهَب، عطاء بن یسار، و...
از همسالانش: ذَرَّ بن عبدالله همدانی، محمد بن علی بن عبدالله بن عبَّاس، و نیز از عروَة بن الزُّبَیر، و...

راویان از او: مشعر، شعبه، سفیان ثوری، ابوبکر بن عیَّاش، أعمش، ابواسحاق شیبانی، حُصَین بن عبدالرحمن، مسعودی، ابن جریر، مُطَرِّف بن طریف، ابوالزُّبَیر، عطاء ابن ابی ربیع، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۴۳، ۲۲۸.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۲۰، الطبقات، ج ۱، ص ۳۶۹؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۱۶، ش ۱۰۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، صص ۱۵۳ تا ۱۵۵، ش ۱۱۳۴؛ تقرب التهذیب، ج ۱، ص ۱۴۸.

خَدَيْرُ بْنُ كُرَيْبٍ = ابوالزَّاهِرِيَّةُ^۲ / ز م د س ق

خَدَيْرُ بْنُ كُرَيْبٍ حَضْرَمِيٌّ يَافِي حِمْيَرِيٌّ، ابوالزَّاهِرِيَّةُ حِمْيَرِيٌّ، يَكُنَى مِنْ رَاوِيَانِ صَدُوقِ طَبَقَةِ سَوْمِ اسْت. كِهْ گروهي از رجال شناسان، او را ثقه و كثير الحديث، معرفي کرده‌اند، وي در سال ۱۰۰ هـ. درگذشت.

بخاري در جزء القراءة، مُسَلَّمٌ در صحيح، ابوداود، نَسَائِيٌّ، و ابن ماجه در سنن، به روايت او استناد جسته‌اند.

مشايخ او: حُدَيْفَةُ، ابوالدَّرْدَاءُ، عبدالله بن عمرو بن عاص، ابوامامه، ابوثعلبه، كثير ابن مَرَّةٍ و...

راويان از او: پسرش: حُمَيْدٌ، ابو مَهْدِيٌّ سعيد بن سنان، معاوية بن صالح، عَقِيلُ بن مُدْرِكٍ، و...^۳

راوی حدیث شماره: ۲۳۸.

حسن بَصْرِيٌّ / ع

حسن بن ابی الحسن یَسَارِ بَصْرِيٌّ، ابوسعید، نام مادرش: خَيْرَةُ خدمتکار امّ سلمه، یکی از تابعان ثقه، فقیه فاضل نامدار، دانشمند بلند پایه عابد، که در حدیث، ارسال و تدلیس داشته است. و در سال ۱۱۰ هـ. در سنّ نزدیک به ۹۰ سالگی، درگذشت و نَضْرُ ابن عمرو مقبری بر او نماز خواند. در صحاح شش گانه، به روايت وی استناد شده است. مشايخ او: اَبِيٌّ بن كَعْبٍ، سَعْدُ بن عُبَادَةَ، عمر بن خطاب اند - ولی او آنان را درک نکرده بود - ثَوْبَانٌ، عَمَّارُ بن یاسر، ابوهُرَيْرَةُ، عثمان بن ابی العاص - ولی از آنان نشنیده

۱ - به تصغیر.

۲ - به کسر هاء و فتح باء مُشَدَّد.

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۵۰؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۹۶، ش ۲۹۴۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص

۱۹۶، ش ۱۲۰۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۵۶.

بود. عثمان، علی بن ابی طالب، ابوموسی، عمران بن حصین، مُغیره بن شعبه، عبدالرحمن بن سمره، سمره بن جندب، ابن عباس، ابن عمر، ابن عمرو بن عاص، معاویه، معقل بن یسار، انس، جابر، عمرو بن تغلب و دیگر صحابیان و تابعان.

راویان از او: قتاده، ایوب، ابن عون، یونس بن عبید، خالد الحذاء، هشام بن حسان، جریر بن حازم، شیبان نحوی، یزید بن ابراهیم سُتیری، عوف اعرابی، بکر بن عبدالله مُزنی، ابوالشهب، سعید جریری، سماک بن حرب، مُعلی بن زیاد، منصور بن زاذان، معبد ابن هلال، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۱۱.

حسن بن یزید سعیدی

حسن بن یزید سعیدی، یکی از بنی یهدله، از راویان مقبول طبقه سوم است که ابن حبان از او در الثقات نام برده است.

او از ابوسعید خدری، روایت می کند و ابوالصدیق ناچی از او روایت می کند.^۲

راوی حدیث شماره: ۱۳۵.

ذکوان = ابوصالح / ع

ذکوان ابوصالح سمان زیات مدنی، مولی جویریه دختر احمس غطفانی، یکی از راویان ثقه، ثبت، مستقیم الحدیث، صالح الحدیث، کثیر الحدیث طبقه سوم است که در سال ۱۰۱ هـ. در گذشت. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد جسته اند.

مشایخ او: ابوهریره، ابوالدرداء، ابوسعید خدری، عقیل بن ابی طالب، جابر، ابن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۱۵۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۰۲، ش ۱۷۲۶؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۷۱،

ش ۶۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۴۶، ش ۱۲۸۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۱، ش ۱۳۵۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۳.

عمر، ابن عباس، معاویه، عایشه، أم حبیبه، أم سلمه سعد بن ابی وقاص، سعید بن جبیر، و...
راویان از او: فرزندانش: سهیل، صالح و عبدالله، عطاء بن ابی رباح، عبدالله بن دینار،
زید بن سالم، أعمش، عاصم بن بهدله، عبدالعزیز بن رقیع، عمرو بن دینار، زهری، یحیی
بن سعید انصاری^۱.

راوی حدیث شماره: ۱.

سعید بن سمعان / ز [ر] د ت س

سعید بن سمعان انصاری، زرقی، یکی از تابعان ثقه طبقه سوم است که بخاری در «جزء
القراءه خلف الإمام» ابوداود، ترمذی، نسائی، و ابن ماجه، در سنن از او روایت نقل کرده‌اند.
مشایخ او: ابوهریره، ابن حسنه.

راویان از او: ابن ابی داود، سابق بن عبدالله الرقی، محمد بن ابی ذئب^۲.
راوی احادیث شماره: ۲۲ تا ۲۹.

ابوشراعه سلمة بن مجنون

ابوشراعه سلمة بن مجنون، از ابن عباس و ابوهریره روایت می‌کند، و داود بن
عبدالجبار، از او روایت کرده است.^۳

وی از تابعان و گویا از راویان طبقه سوم باشد.

راوی احادیث شماره: ۷ و ۹.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۲، ش ۱۹۰۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲ - تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۲۲۴، ش ۲۲۷۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۳۳۵، ش ۲۴۰۴؛ تقریب
التهذیب، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۵۳۶، ش ۱۰۲۸۷؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۷۱، ش ۲۶۷ و نیز ج ۶، ص
۳۹۳، ش ۵۸۵.

سَلیمان بن حَبیب مَخاریجی / خ د ق

سَلیمان بن حَبیب مَخاریجی، ابو ایوب دَارانی، یا ابوبکر و یا ابوثابت دِمَشقی، یکی از تابعان ثقه طبقة سوم که چهل سال، قاضی دمشق بود، ابن حَبَّان در الشُّقات چنین می‌نویسد: عمر بن عبدالعزیز او را به عنوان قاضی دمشق، گمارده بود.

او در سال ۱۲۶ هـ. در گذشت. بُخاری در صحیح، ابوداود و ابن ماجه قزوینی در سنن به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: ابو اُمّامه، ابو هُرَیره، معاویه، آنس، ولید بن عُبادة بن صامیت، عمر بن عبدالعزیز، معاویه بن ابی سفیان، و...

راویان از او: زُهَری، عمر بن عبدالعزیز (که از همسالان او بودند)، عبدالعزیز بن عمر ابن عبدالعزیز، اوزاعی، عثمان بن ابی العاتکه، ابوکعب، ایوب بن موسی سعدی بلقّاوی، عبدالوهاب بن بُخت، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۳۸.

شُعَیب بن محمّد / بخ ز ۴

شُعَیب بن محمّد بن عبدالله بن عمرو بن عاص حِجازی سَهَمی، یکی از تابعان صدوق طبقة سوم^۲ به شمار می‌رود که بُخاری، ابوداود و جز اینان گفته‌اند که از جدش: عبدالله بن عمرو عاص، حدیث شنیده است. در تقریب التهذیب، آمده است: «تَبَّتْ سَمَاعُهُ مِنْ جَدِّهِ».

بُخاری در الأدب المفرد و جزء القراءة، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در سنن، به

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۷۹۹، ش ۲۹۶۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۶۴، ش ۲۶۲۰؛ تقریب التهذیب،

ج ۱، ص ۳۲۲.

۲ - مؤلف تقریب التهذیب، وی را از راویان طبقة هشتم شمرده است.

روایت وی استناد کرده‌اند.

مشایخ او: جدش: عبدالله بن عمرو عاص، ابن عباس، ابن عمر، معاویه، عبادة بن صامت و پدرش محمد بن عبدالله.

راویان از او: پسرانش: عمرو، و عمر، ثابت البنانی، ابوسحابه زیاد بن عمرو، سلمة ابن ابی الحسام، عثمان بن حکیم، عطاء خراسانی^۱.

احادیث: ۱۵۱، ۱۵۲.

عامر بن سعد / ع

عامر بن سعد بن ابی وقاص زهری مدنی، تابعی ثقه و کثیر الحدیث که در سال ۱۰۴ هـ درگذشت. بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و نسائی در صحیح و سنن، به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: پدرش، عثمان، عباس بن عبدالمطلب، ابویوب انصاری، أسامة بن زید، ابوهریره، ابوسعید، ابن عمر، عایشه، ام سلمه، و...

راویان از او: پسرش: داود، پسران برادرانش: اسماعیل بن محمد، أشعث بن إسحاق و بجاج بن موسی، پسر خواهرش: سعد بن ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف، و نیز پسر خواهرش: محمد بن محمد بن آشود زهری، نوه عمویش: هاشم بن هاشم بن عبثه بن ابی وقاص، سعید بن مسیب که از همسالان اوست، مجاهد، زهری، محمد بن ابراهیم بن حارث تیمی، عطاء بن یسار، عمرو بن دینار، موسی بن عقبه، بکیر بن مسمار، سالم ابوالنضر، ابوطواله، عثمان بن حکیم، محمد بن منکدر، مهاجر بن مسمار، و...^۲

راوی حدیث شماره ۴۸: ۴۸.

۱ - الجرح و التعديل، ج ۲ / ۱ / ۳۵۱؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۲۵، ش ۲۶۲۸؛ تهذيب التهذيب، ج ۳، ص

۶۴۳، ش ۲۸۸۴؛ تفریب التهذيب، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲ - تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۱۵۵، ش ۳۱۷۲؛ تفریب التهذيب، ج ۱، ص ۳۸۷.

عامر بن شراحیل = شَعْبِيّ / ع

عامر بن شراحیل شَعْبِيّ حِمَيْرِيّ، ابو عمرو کوفی، از تابعان علامه، حافظ نامدار، فقیه فاضل و ثقه طبقه سوم، در سال ششم خلافت عمر (۱۹ هـ) متولد شد و در سال ۱۰۹ هـ در ۹۰ سالگی به مرگ مُفاجات در کوفه چشم از جهان فرو بست.

در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مَكْحُول در باره او گفته است: مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْهُ. ابن عُبَيْتَةَ می گوید: العلماء ثلاثة: ابن عباس في زمانه، والشَّعْبِيّ في زمانه، والثَّوْرِيّ في زمانه.

از ابن سپرین نقل شده است: وارد کوفه شدم. دیدم برای «شَعْبِيّ» مجلس درس بزرگی است که تدریس می کند در حالی که بسیاری از اصحاب پیامبر ﷺ زنده بودند.

قيل للشَّعْبِيّ: من أين لك هذا العلم كله؟

قال: بنفي الاعتماد، والسير في البلاد، و صبر كصبر الجماد، وبكور كبكور الغراب.

«شعبي» توجه ویژه ای به حدیث داشت آن هم حدیثی که مورد قبول اهل حدیث باشد و لذا می گوید: كره الصَّالِحُونَ الأوَّلُونَ الإكثارَ مِنَ الحَدِيثِ، وَلَوْ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ مَا حَدَّثْتُ إِلَّا بِمَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ الحَدِيثِ.

از این روست که به گفته احمد عَجَلِيّ: مُرْسَلُ الشَّعْبِيّ صحیح، لا یكاد يُرسل إِلَّا صحیحاً. و نیز از او نقل شد: إِنَّا لَسْنَا بِالفُقَهَاءِ وَلَكِنَّا سَمِعْنَا الحَدِيثَ فَرَوَيْنَاهُ، الفُقَهَاءُ مَنْ إِذَا عَلِمَ عَمِلَ.

درباره نیروی حافظه قوی او «ابن شَبْرَمَه» می گوید: از «شَعْبِيّ» شنیدم که می گفت: مَا كَتَبْتُ سَوَاداً فِي بَيْضَاءِ إِلَى يَوْمِي هَذَا، وَلَا حَدَّثَنِي رَجُلٌ بِحَدِيثٍ قَطُّ إِلَّا حَفِظْتُهُ، وَلَا أَحْبَبْتُ أَنْ يُعِيدَهُ عَلَيَّ.

درباره لاغری خود می گوید: إِنِّي زُوِّجْتُ فِي الرَّجِيمِ: در رحم مادر مزاحمت شده ام. ربیعة بن یزید می گوید: قعدتُ إِلَى الشَّعْبِيّ بِدمشقَ فِي خِلافةِ عَبْدِ المَلِكِ، فَحَدَّثَ رَجُلٌ مِنَ الصَّحَابَةِ عَنِ رَسولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ:

«اعبدُوا رَبَّكُمْ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَآتُوا الزَّكَاةَ، وَأَطِيعُوا الْأَمْرَاءَ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا فَلَكُمْ، وَإِنْ كَانَ شَرًّا فَعَلَيْهِمْ وَأَنْتُمْ مِنْهُ بَرَاءٌ».

فقال له الشَّعْبِيُّ: كَذَبْتَ.^۱

شعبي می گوید: پانصد تن از صحابیان را درک کردم.

او از اشخاص نامبرده زیر روایت می کند:

از صحابیان: علی بن ابی طالب، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، زید بن ثابت، قیس بن سعد بن عباده، ابوموسی اشعری، ابومسعود انصاری، ابوهزیره، مغیره بن شعبه، ابوجحیفه سوائی، نعمان بن بشیر، براء بن عازب، معاویه، جابر بن عبدالله، جابر بن سمرة، جریر بن عبدالله، زید بن ارقم، ضحاک بن قیس، سمرة بن جندب، عامر بن شهر، عبادله اربعة^۲، عبدالله بن مطیع، عدی بن حاتم، عمرو بن حرث، عمران بن حصین، عوف بن مالک، ابوسعید خدری، انس، عایشه، ام سلمه، میمونه، و...

از تابعان: حارث الأعور، خارجه بن صلت، زر بن حبیش، ربیع بن خثیم، شریح قاضی، علقمة بن قیس، و...

راویان از او: ابواسحاق سبیعی، سعید بن عمرو بن أشوع، بیان بن بشر، داود بن ابی هند، زبید الیامی، ابواسحاق شیبانی، أعمش، منصور، مغیره، سناک بن حرب، عاصم الأحول، ابن عون، ابوالزناد، عبدالله بن ذکوان، عبدالملک بن سعید بن أبجر، ابو حصین آسدی، و...^۳

راوی احادیث شماره ۵: ۲۲، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، صص ۷۹ تا ۸۵، ش ۷۶.

۲ - یعنی: عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن الزبیر، عبدالله بن عمرو بن عاص (بنگرد به مقدمه کتاب، ص ۱۲).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۴۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۶۳، ش ۱۱۴۴؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، صص ۷۹ تا ۸۸، ش ۷۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، صص ۱۵۶ تا ۱۵۹، ش ۳۱۷۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص

عَبَايَةَ بن رَبِيعِي = ابن رَبِيعِي

عَبَايَةَ (به فتح عین) بن ربیع از تابعان و گویا از راویان طبقه سوم باشد. در میزان الاعتدال^۱، و لسان المیزان^۲، آمده است، او از علی بن ابی طالب، روایت می‌کند، و موسی بن طریف از او روایت می‌کند و کلاهما من غُلاة الشَّيعة. له عن علي: «أنا قسيمُ النار» و نیز حدیث دیگری را روایت می‌کند که: «عليُّ الصُّراط»^۳.
روای حدیث شماره: ۷۶.

عبدالله بن زید = ابوقلابه رَقَاشِي / ع

عبدالله بن زید بن عمرو (یا عامر) بن نابل بن مالک بن عبید بن علقمة بن سعد، ابوقلابه رَقَاشِي، جَزَمِي، بَصْرِي، یکی از اعلام بَصْرَه و از تابعان ثقه، فاضل و کثیر الإرسال طبقه سوم است که به گفته عَجَلِي؛ فيه نصب يسير.
ابوقلابه برای گریز از قضا، پنهان شد و از وطنش گریخت و به مصر رفت.
«مُسلم بن يسار» درباره او گفت: لو كان أبو قلابة من العجم لكان مؤبذ مؤبذان - یعنی قاضی القضاة -.

او در عَرِيش مصر در سال ۱۰۴ یا ۱۰۶ یا ۱۰۷ هـ. از جهان رخت بر بست در حالی که دستان، پاها و بینایی اش را از دست داده و با این حال، سپاسگزار بود^۴. صاحبان در صحاح شش گانه به روایت وی استناد کرده‌اند.
مشایخ او: از صحابیان: سَمْرَةَ بن جُنْدَب، ثابت بن ضحَّاك، أَنَس بن مالِك أنصاري، أَنَس بن مالِك كَعْبِي ابوزيد عمرو بن أخطب، عمرو بن سَلْمه جَزَمِي، ابن عباس، ابن عمر،

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۸۷، ش ۴۱۸۸.

۲ - لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۴۷، ش ۱۰۸۲.

۳ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۸۷، ش ۴۱۸۸؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۴۷، ش ۱۰۸۲.

۴ - وقد ذهب يدها و رجلاه و بصره و مع ذلك يحمدها ويشكره.

معاویه، هشام بن عامر، نَعْمَانُ بْنُ بَشِيرٍ، ابوهُرَيْرَةَ و...
 از تابعان: عمویش ابومُهَلَّبِ جَزْمِيِّ، ابواسماء رَحِيْبِي، ابوالمَلِيحِ بْنِ اَسَامَةَ، و...
 راویان از او: اَيُّوبُ، خَالِدُ الْحَدَّاءُ، ابورَجَاءُ سَلْمَانَ مَوْلَى اَبِي قَلَابَةَ، يحيى بن ابى كثير،
 عاصم الأحول، داود بن ابى هند، غَيْلَانُ بْنُ جَرِيرٍ، أشعث بن عبدالرحمن جَزْمِيِّ، و...^۱
 راوی احادیث شماره: ۳۴ تا ۳۸.

عبدالله بن هبيرة سبائي / م، ۴

عبدالله بن هبيرة بن أسعد بن كهلان سبائي حضرمي، ابوهبيرة مصري، از راویان ثقه
 طبقه سوم است که در سال ۱۲۶ هـ. در سن ۸۵ سالگی درگذشت. مسلم، ابوداود،
 ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت او استناد کرده‌اند.
 مشایخ او: مسلمة بن مخلد^۲، عكرمة مولى عباس، قبيصة بن ذؤيب، و...
 راویان از او: بكر بن عمرو، جبير بن نعيم، ابن لهيعة، و...^۳
 راوی حدیث شماره: ۲۳۴.

عطية بن سعد عوفی / بخ د ت ق

عطية بن سعد بن جنادة عوفی، جدلی، قیسی کوفی، ابوالحسن، از راویان طبقه سوم
 است که ابن جریر، او را بدین گونه توصیف می‌کند: صدوق یخطئ كثيراً وکان شیعیاً
 مدلساً.

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۹۴، ش ۸۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، صص ۳۰۷ تا ۳۰۹، ش ۳۴۲۱؛ تقریب
 التهذیب، ج ۱، ص ۴۱۷.
 ۲ - بالام مشدد (تقریب التهذیب).
 ۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۲؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۵۲، ش ۲۷۳۷؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص
 ۹۰، ش ۴۵۴۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۵۲۰، ش ۳۷۷۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۵۸.

او با «ابن أشعث» خروج کرد. «حجاج» به «محمد بن قاسم ثقفی» نوشت، سب علی ابن ابی طالب را به عطیه عوفی پیشنهاد کند! اگر انجام نداد، چهارصد تازیانه بر او بزند و ریش او را بتراشد! عطیه از انجام این پیشنهاد خودداری کرد، پس حکم حجاج درباره او اجرا شد.

ابن حجر می‌نویسد: قال الساجی: لیس بحجة، وكان یقدم علیاً علی الكل.
قال ابن عدی: ... كان یعد مع شیعة أهل الكوفة.

او در سال ۱۱۱ هـ. چشم از جهان فرو بست. بخاری در الأدب المفرد، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: ابوسعید، ابوهزیره، ابن عباس، ابن عمر، زید بن ارقم، عکرمه، عدی بن ثابت، عبدالرحمن بن جندب یا ابن خباب.

راویان از او: پسرانش: حسن و عمر، أعمش، حجاج بن أرطاة، عمرو بن قیس ملائی، مطرف بن طریف، اسماعیل بن ابی خالد، سالم بن ابی حفصه، ادریس اودی، عمران بارقی، زیاد بن خنیسه جعفی، ابان بن تغلب، و...
راوی احادیث شماره: ۸۰، ۱۲۵، ۱۳۴.

علی بن الحسین زین العابدین / ع

علی بن الحسین بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هاشمی، ابوالحسین، ابومحمد، ابو عبدالله مدنی، زین العابدین، نام مادرش «فتاة» یا «سلامه» یا «غزاله»، از تابعان طبقه سوم است که ابن حجر در تقرب التهذیب درباره وی می‌نویسد: «ثقة ثبت، عابد فقیه فاضل مشهور»، و در تهذیب التهذیب، دیدگاه رجال شناسان را در توصیف آن حضرت، چنین نوشته است:

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۱۰۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۷۱، ش ۱۱۸۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۵۹۰، ش ۴۷۵۵؛ تقرب التهذیب، ج ۱، ص ۲۴.

«ابن سعد»: كان ثقةً مأموناً كثير الحديث، عالياً، ربيعاً، ورعاً.

«زهری»: ما رأيتُ قرشيًّا أفضلَ من عليِّ بن الحسين، وكان مع أبيه يوم قُتل وهو مريض، و نیز از زهری نقل شده است: ما رأيتُ أحداً أفقهَ منه، ولكنه كان قليل الحديث، وكان من أفضل أهل بيته وأحسنهم طاعة.

«سعید بن مسیب» می گوید: ما رأيتُ أوزعَ منه.

«جویریة بن أسماء»^۱ گفته است: ما أكل عليُّ بن الحسين بقربته من رسول الله ﷺ درهماً قطّ.

«ابن عیینة» می گوید: حجَّ عليُّ بن الحسين، فلما أحرم واستوت به راحلته اصفرَّ لونه وانتفضَّ و وقع عليه الرعدة، ولم يستطع أن يلبي. فقيل له: ما لك لا تلبي؟ فقال: أخشى أن أقول: لبيك، فيقال لي: لا لبيك. فقيل له: لا بد من هذا. فلما لبى غشي عليه وسقط من راحلته، فلم يزل يعتربه ذلك حتى قضى حجه.

«مُصعب بن زبير» از «مالك» نقل می کند: ولقد أحرم عليُّ بن الحسين، فلما أراد أن يقول: لبيك، قالها فأغمي عليه حتى سقط من ناقته فهشم، ولقد بلغني أنه كان يصلي في كل يومٍ وليلة ألف ركعة إلى أن مات، وكان يُسمي زين العابدين لعبادته. از امام باقر عليه السلام نقل می کند: إن أباه عليُّ بن الحسين قاسم الله ما له مرتين، وقال: إن الله يُحبُّ المؤمن المذنب التواب.

یونس بن بکیر، از محمد بن اسحاق نقل می کند: كان ناسٌ من أهل المدينة يعيشون لا يدرون من أين كان معاشهم، فلما مات عليُّ بن الحسين فقدوا ما كانوا يؤتون به بالليل. ابونعیم اصفهانی، از عمرو بن دینار، نقل می کند: دخل عليُّ بن الحسين، علي محمد ابن أسامة بن زيد في مرضه، فجعل يبكي. فقال: ماشأئك؟ قال: عليّ دينٌ. قال: كم هو؟ قال: خمسة عشر ألف دينار. قال: فهو عليّ.

۱ - جویریة بن أسماء بن عبید ضبعمی از محدثان طبقه هشتم می باشد. «جویریة» تصغیر جاریه است.

(بنگرید به: تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۳۶).

از زُهری نقل شده است که آن حضرت در واقعه کربلا در روز عاشورای سال ۶۱ هـ. ۲۳ ساله بود.

مِزّی می‌نویسد:

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ كَثْرَةِ بَكَائِهِ، فَقَالَ: لَا تَلُومُونِي؛ فَإِنَّ يَعْقُوبَ فَقَدْ سَبَطًا مِنْ وُلْدِهِ، فَبَكَى حَتَّى ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مَاتَ، وَنَظَرْتُ أَنَا إِلَى أَرْبَعَةِ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ذُبِحُوا فِي غَدَاةٍ وَاحِدَةٍ، فَتَرَوْنَ حُزُنَهُمْ يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِي أَبَدًا؟!^۱

رحلت آن حضرت در سال ۹۴ یا ۹۵ هـ. بوده است. در طبقات الحُفَظ، آمده است که آن حضرت در سال ۳۳ هـ. ق به دنیا آمد.

ابوبکر بن ابی شیبّه می‌گوید: أَصْحُ الْأَسَانِيدِ كُلِّهَا: الزُّهْرِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ.

صاحبان صحاح شش‌گانه، به روایت آن حضرت استناد جسته‌اند.

آن حضرت از نامبردگان زیر روایت کرده است:

پدرش: حسین بن علی عليه السلام، عمویش: حسن بن علی عليه السلام، جدش: علی بن ابی طالب عليه السلام به نحو ارسال، ابن عباس، عایشه، ابوهریره، مشور بن مخزومه، صفیه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، ام سلمه، سعید بن مسیب، و...

راویان از او: فرزندانش: ابوجعفر محمد بن علی، زید، عبدالله و عمر، ابوسلمه بن عبدالرحمن، زید بن اسلم، عاصم بن عمر، زُهری، منّهال بن عمرو، ابوحمزه ثمالی، یحیی بن سعید، سعید بن مرّجانه و...^۱

راوی احادیث شماره: ۷۵، ۲۷۹.

۱- الطبقات الكبرى، ج ۵، صص ۱۸۱، ۲۸۵ و ۴۳۲؛ الطبقات، ج ۲، ص ۵۹۸، ش ۲۰۴۴؛ حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ج ۳، ص ۱۴۱؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۲۷، ش ۴۶۳۴؛ تذکرة الحُفَظ، ج ۱، ص ۷۴، ش ۷۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۶۹، ش ۴۸۵۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۵؛ طبقات الحُفَظ، ص ۳۰.

عمر بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه / ۴

عمر بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه هاشمی، معروف به عمر اکبر، نام مادرش: «صهباء» دختر عبّاد از خاندان تغلب، از راویان تابعی و ثقه طبقه سوم که در سال ۵۶۷ هـ. درگذشت.

ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در سنن، به روایت وی استناد جسته‌اند. او از پدرش روایت می‌کند.

راویان از او: فرزندانش: محمد، عبیدالله و علی، ابو زُرْعَه عمرو بن جابر حَضْرَمِی^۱.
راوی احادیث شماره: ۲۳۰، ۲۳۱.

عمرو بن عبدالله همدانی = ابواسحاق سبیعی^۲ / ۵

عمرو بن عبدالله بن عبید ابواسحاق سبیعی، همدانی کوفی، یکی از اعلام تابعی ثقه، عابد و کثیرالحدیث و از راویان طبقه سوم. وی در سال ۲۹ یا ۳۲ هـ. به دنیا آمد و در سال ۱۲۶ یا ۱۲۷ یا ۱۲۹ هـ. در سن ۹۶ سالگی درگذشت. در صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد شده است.

گفته می‌شود از سیصد استاد حدیث، روایت می‌کند از جمله:

سلیمان بن صرد خزاعی، زید بن ارقم، براء بن عازب، عبدالله بن عمرو، عدی بن حاتم، جابر بن سمره، نعمان بن بشیر، أشود بن یزید نخعی، سعید بن جبیر، حارث الأعور، مسروق بن أجدع، ابوالأحوص جشمی، ابو یزیده و ابوبکر پسران ابو موسی، و...
راویان از او: پسرش: یونس، نوه‌اش اسرائیل بن یونس، و نوه پسرش یوسف

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۵۸۰، ش ۱۹۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۹۱، ش ۵۱۱۲؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۶۱.

۲ - به فتح سین و کسر باء (بنگرید به: تقریب التهذیب).

بن اسحاق، قَتَادَه، سلیمان تَیْمِی، اسماعیل بن ابی خالد، أَعْمَش، فِطْر بن خَلِيفَه، جَرِير بن حَازِم، شُعْبَه، ثَوْرِي، ابوالأَحْوَص (عَوْف بن مالک بن نَضْلَه، ابوالأَحْوَص کوفی)، زائده بن قُدَامَه، عمرو بن قَيْس مُلَانِي، شَرِيك، ابوبکر بن عِيَّاش، سُفْيَان بن عِيَيْتَه، مُطَرِّف ابن طَرِيف، مسعودی، عمر بن عَبِيد طَنَافِيسِي، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۰۱.

عَمْرُو بن مَرْثَد = ابواسماء رَحِيْبِي / بَخ م ۴

عمرو بن مَرثَد، ابواسماء رَحِيْبِي دِمَشْقِي، گفته شده نامش عبدالله و رَحِيْبِي، منسوب به رَحِبَه، از قرّاء دمشق است. وی از تابعان مورد وثوق طبقه سوم می باشد که در زمان حکومت عبدالملک بن مروان، درگذشت.

بخاری در الأدب المفرد، مُسلم در صحیح، ابوداود، تَرْمِذِي، نَسَائِي و ابن ماجه در سنن، به روایت وی استناد کرده اند.

مشایخ او: ثَوْبَان، ابوذر، شَدَّاد بن أَوْس، مُعاوية بن ابی سُفْيَان، ابوهُرَيْرَه، و...
راویان از او: ابو الأشعث صَنْعَانِي، ابو قِلَابَه جَزْمِي، شَدَّاد ابو عَمَّار، مَكْحُول شَامِي، راشد بن داود صَنْعَانِي، يحيى بن حارث ذِمَارِي، رَبِيعَة بن يزيد قَصِير، صالح بن جُبَيْر، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۱۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۷۵، ش ۱۲۱۰؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۱۱۴، ش ۹۹؛ تهذيب التهذيب، ج ۶، ص ۱۷۲، ش ۵۲۳۶؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۷۳.

۲ - الطبقات، ج ۲، ص ۷۸۷، ش ۲۸۸۶؛ تهذيب الكمال، ج ۱۴، ص ۳۲۹، ش ۵۰۲۹؛ تهذيب التهذيب،

ج ۶، ص ۲۰۶، ش ۵۲۸۸؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۷۸.

مجاهد بن جبر^۱ / ع

مجاهد بن جبر مکی، ابوالحجاج مخزومی مفری، مفسر، و از راویان عالم طبقه سوم، که مدتی ملازم ابن عباس بود. خود او می گوید: قرآن را سه بار بر ابن عباس، عرضه نمودم، هر آیه ای را می پرسیدم در چه مورد و چگونه نازل شده است.

قتاده می گوید: داناترین بازماندگان در زمینه تفسیر، مجاهد است. او در سال ۲۱ هـ. در دوران خلافت عمر، به دنیا آمد و در سال ۱۰۳ یا ۱۰۴ هـ. در مکه و در حال سجده در سن ۸۳ سالگی از دنیا رفت. صاحبان صحاح به روایت وی استناد کرده اند. مجاهد از نامبردگان زیر، روایت کرده است:

علی بن ابی طالب، سعید بن ابی وقاص، عبادله اربعه (عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمرو عاص)، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله، ابوهزیره، عایشه، ام سلمه، جویره دختر حارث، ام هانی دختر ابوطالب، و...
راویان از او: ایوب سختیانی، عطاء، عکرمه، ابن عون، عمرو بن دینار، فطر بن خلیفه، ابواسحاق سبیعی، ابوالزبیر مکی، یونس بن ابی اسحاق، قتاده، حبیب بن ابی ثابت، اعمش، منصور، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۲۵۶ تا ۲۵۹.

محمد بن سپرین انصاری = ابن سپرین / ع

محمد بن سپرین انصاری، ابوبکر بن ابی عمره، نام مادرش صفیه، از تابعان ثقه و از راویان طبقه سوم، عالم بلند پایه، و علامه در تعبیر خواب که به گفته ابن سعد: کان ثقة،

۱ - به فتح جیم و سکون باء (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۶۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۰۲، ش ۲۵۳۵؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۹۲،

ش ۸۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۸، ش ۶۷۴۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۲۹.

مأموناً، عالياً، رفیعاً، فقیهاً، إماماً، کثیر العِلْم، ورِعاً وکان به صَمَمٌ.
 شُعَيْب بن حَبَّاب از شُعْبِيّ نقل می‌کند که گفت: عليك بذلك الأصمّ یعنی: محمد بن
 سیرین. دو سال از خلافت عثمان، باقی بود که ابن سیرین به دنیا آمد و در شوال سال
 ۱۱۰ هـ. صد روز پس از فوت حَسَن بَصْرِيّ، چشم از جهان فرو بست و نَضْر بن عمرو
 مَقْبَرِي بر او نماز خواند.

صاحبان صحاح به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: أَنَس بن مَالِك، زید بن ثابت، حَسَن بن عَلِيّ بن ابی طالب، حُذَيْفَة بن
 یَمَان، ابوهَرَيْرَة، عِمْرَان بن حُصَيْن، ابن عَبَّاس، ابن عُمَر، سلیمان بن عامر، سَمُرَة بن
 جُنْدَب، عثمان بن ابی العاص، مُعاویه، ابوالدَّرْدَاء، ابوسعید، ابوقَتَادَة، ابوبکر ثَقَفِيّ،
 عایشه، امّ عطیّه، و...

راویان از او: شُعْبِيّ، ثابت: خَالِد الحَدَّاء، داود بن أبی هند، ابن عَوْن، آیوب، قُرّة بن
 خالد، ابوهلال محمد بن سلیم، عَوْف أعرابی، هِشَام بن حَسَّان، یونس بن عبید، جریر بن
 حازم، عاصم الأحول، قَتَادَة، مالک بن دینار، مَهْدِيّ بن میمون، أَوْزَاعِيّ، عِمْرَان القَطَّان،
 منصور بن زاذان، عَلِيّ بن زید بن جُدْعَان و...

راوی احادیث شماره: ۳، ۳۰، ۳۱.

محمد بن عبدالله بن عمرو عاص / د ت س

محمد بن عبدالله بن عمرو بن عاص سَهْمِيّ طائِفِيّ، از راویان مقبول طبقه سوم که در
 سنن ابوداود، ترمذی و نسائی، به روایت وی استناد شده است.
 او از پدرش عبدالله بن عمرو عاص، روایت می‌کند.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۳۵۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۰۲، ش ۱۷۲۸؛ تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص
 ۳۴۵، ش ۵۸۶۹؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۷۷، ش ۷۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۰۰، ش ۶۱۸۷؛
 تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۹.

راویان از او: پسرش: شعیب، حکیم بن حارث فهمی^۱.
راوی احادیث شماره: ۱۵۱، ۱۵۲.

محمد بن منکدر = ابن منکدر / ع

محمد بن منکدر بن عبدالله بن هدیر بن عبدالعزی... ابو عبدالله قرشی، تیمی، مدنی، یکی از اعلام، سرور قاریان، و از راویان ثقه و فاضل طبقه سوم که در سال ۱۳۰ یا ۱۳۱ هـ. در سن ۷۶ سالگی درگذشت.

شبی در حال تهجد، سخت گریست، برادرانش از او دلیل گریه‌اش را پرسیدند. گفت: این آیه را تلاوت کردم:

﴿وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾^۲.

از سوی خداوند اموری برای آنان آشکار شود که هرگز گمان نمی‌کردند. و گفته شد در حال احتضار، جزع و بیتابی بسیار داشت و می‌گفت: اُخشی هذه الآية، اُخشی أن يبدولي ما لم أكن أحتسب^۳.

از او نقل شده که گفت: چهل سال نفسم را سختی دادم و مهار کردم تا رام شد. صاحبان صحاح سته به روایت وی استناد کرده‌اند.

مشایخ او: پدرش، عمویش ربیع، ابوهزیره، ابن عباس، جابر، انس، سعید بن مسیب، ابویوب، ابوقتاده، عایشه، ابوامامة بن سهل بن حنیف، یوسف بن عبدالله بن سلام، ابن زبیر، ابن عمر، عبدالله بن ابی رافع، عروة بن زبیر، و...

راویان از او: پسرانش: یوسف و منکدر، پسر برادرش: ابراهیم بن ابی بکر بن منکدر، شعبه، معمر، روح بن قاسم، عمرو بن دینار، زهری، ایوب، یونس بن عبید، ابو حازم

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۷، صص ۲۵۱ و ۲۵۲، ش ۶۲۸۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲ - سوره زمر، آیه ۴۷.

۳ - بنگرید به: تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۷.

سَلَمَةُ بن دینار، جعفر بن محمد الصادق، محمد بن واسع، ابن جریج، علی بن زید بن جُدعان، ابن ابی ذئب، محمد بن سُوَقه، ابو غَسَّان محمد بن مُطَرِّف، مالک، حبیب بن شهید، اوزاعی، ثوری، ابو عوانه، ابن عیینة، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۷۲.

معاویة بن قرّة بن ایاس / ع

مُعاویة بن قُرّة بن ایاس بن هلال بن ریاب... مُزَنّی، ابویاس بَصْرِی، از راویان طبقه سوم، دانشمند ثقه، که در سال ۱۱۳ هـ در ۷۶ سالگی چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش گانه، به روایت وی استناد جسته اند.
 مشایخ او: پدرش: قُرّة بن ایاس، معقل بن یسار مُزَنّی، ابویوب انصاری، عبدالله بن مُعَقَّل، انس بن مالک، حسن بن علی بن ابی طالب، شهر بن حوشب، و...
 راویان از او: پسرش: ایاس، نوه اش: مُسْتَنبِر بن أخضر بن معاویه، ثابت البنانی، حَزْم ابن ابی حَزْم، خالد بن ایوب، سِنَاک بن حَرَب، زید العَمّی، قُرّة بن خالد، منصور بن زاذان، مَطَر الِوَرّاق، قَتَادَه، شُعْبَه، ابو عوانه، تمام بن نجیح، و...^۲
 راوی احادیث شماره: ۹۸، ۲۳۹ تا ۲۴۲.

مُنذِر بن مالک = ابونضرة / خت م ۴

مُنذِر بن مالک بن قُطَعَه، ابونضرة عبّدی، عَوَقِی بَصْرِی، مشهور به کنیه، از راویان ثقه طبقه سوم که در سال ۱۰۸ یا ۱۰۹ هـ درگذشت و طبق وصیتش، حسن بصری بر او

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۷۰، ش ۳۳۸۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۲۶۳، ش ۶۲۲۱؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۷، ش ۱۱۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۴۴، ش ۶۵۸۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۱۰.
 ۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۲۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۹۳، ش ۱۶۸۱؛ تهذیب الکمال، ج ۱۸، ص ۱۱۹، ش ۶۶۵۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۵۱، ش ۷۰۴۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۶۱.

نماز خواند.

بخاری در تعلیقات، مُسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت وی استناد کرده‌اند.

وی از نامبردگان زیر، روایت کرده است:

علی بن ابی طالب، ابوموسی اشعری، ابوذر غفاری، ابوهریره، ابوسعید، ابن عباس، ابن الزبیر، ابن عمر، عمران بن حصین، سمره بن جندب، انس، جابر، اسیر [= یسیر] بن جابر، قیس بن عباده، مطرف بن عبدالله الشخیر، و...

راویان از او: سلیمان تیمی، ابومسلم سعید بن یزید، عاصم الأخول، قتاده، داود بن ابی هند، یحیی بن ابی کثیر، ابو عقیل دوزقی، کهمس بن حسن، عوف اعرابی، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۶۲ تا ۷۱، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۱۲۰ تا ۱۲۴، ۱۲۶ تا ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۲۱۲، ۲۱۳.

نافع مولى ابی قتاده = نافع بن عباس / ع

نافع بن عباس، ابومحمد اقرع، گفته شد وی مولى عقیله غفاریه بود، ولی چون ملازم با ابوقتاده بود، معروف به مولى ابی قتاده شد. و به او ابن عیاش اقرع نیز گفته شده است. او از راویان ثقه طبقه سوم است که صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد کرده‌اند.

وی از ابوقتاده و ابوهریره، روایت می‌کند.

راویان از او: سالم ابوالنضر، عمرو بن کثیر بن فلیح، أسید^۲ بن ابی أسید البرّاد، صالح

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۰۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۰۰، ش ۱۷۱۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، صص

۳۴۷ و ۳۴۸، ش ۷۱۶۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲ - به فتح همزه (بنگرید به: تقریب التهذیب).

ابن کثیران و زهری.^۱

راوی احادیث شماره: ۱۳، ۱۴ تا ۲۱.

نافع الفقیه مؤلی ابن عمر / ع

نافع ابو عبدالله مدنی، آزاد شده و خدمتکار ابن عمر از راویان ثقه، ثبت، فقیه نامدار کثیرالحدیث، که عبدالله بن عمر بن ابان درباره وی گفت: خداوند به وجود «نافع» بر ما منت نهاد، و نیز گفت: عمر بن عبدالعزیز او را به مصر گسیل داشت تا به مردم آنجا احکام دینی بیاموزد.

او در یکی از سالهای ۱۱۷ تا ۱۲۰ هـ. درگذشت. در صحاح ششگانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: مؤلی او: ابن عمر، عایشه، أم سلمه، ابوهزیره، رافع بن خدیج، ابولبابه، ابوسعید خدری، فرزندان عبدالله بن عمر: عبدالله، عبیدالله، سالم و زید، قاسم بن محمد، عبدالله بن محمد بن ابی بکر، و...

راویان از او: ایوب سختیانی، عبیدالله بن عمر العمری، ابن عون، ابن جریج، اوزاعی، مالک بن انس، عقیل بن خالد، لیث بن ابی سلیم، جریر بن حازم، ابن اسحاق، عطاء خراسانی، مطر الوراق، ایوب بن موسی القرشی، لیث بن سعد، پسرش: ابوبکر بن نافع، و...^۲

راوی حدیث شماره: ۱۴۹.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۳۰۴؛ الطبقات، ج ۲، ص ۶۳۱، ش ۲۲۰۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص

۴۶۷، ش ۷۳۵۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۴۱، ش ۲۲۴۴؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۹۹، ش ۹۲، تهذیب التهذیب، ج ۸،

ص ۴۷۳، ش ۷۳۶۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۶.

وَهَبُ بْنُ مُنْبَهٍ / خ م د ت س فق

وَهَبُ بْنُ مُنْبَهٍ بْنُ كَامِلٍ... يَمَانِيُّ صَنْعَانِيٌّ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ابْنُ أَوْيٍّ، تَابِعِيُّ، ثِقَةٌ وَقَاضِي صَنْعَاءَ
 از راویان طبقه سوم، پدرش مُنْبَهٌ از هرات خراسان بود که «کسری» او را به یمن تبعید
 کرد. در عهد پیامبر ﷺ مسلمان شد. وَهَبُ بْنُ مُنْبَهٍ، به هرات، رفت و آمد می کرد.

نقل شده است در مدت چهل سال، چیزی را که صاحب روح باشد سب نکرد، و نیز
 «لَبِثَ عَشْرِينَ سَنَةً لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَ الْعِشَاءِ وَالصُّبْحِ وَضُوءًا».

وی متهم به عقیده «قَدَر» بود که بعداً از این عقیده برگشت، و از او نقل شده که
 می گفت: كُنْتُ أَقُولُ بِالْقَدَرِ حَتَّى قَرَأْتُ بَعْضَهُ وَسَبَعِينَ كِتَابًا مِنْ كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي كُلِّهَا: «مَنْ
 جَعَلَ إِلَى نَفْسِهِ شَيْئًا مِنَ الْمَشِيئَةِ فَقَدْ كَفَرَ» فتركتُ قَوْلِي.

براساس نوشته «ذَهَبِيٌّ» او عالم به علم الأديان بود: وَعِنْدَهُ مِنْ عِلْمِ أَهْلِ الْكِتَابِ شَيْءٌ
 كَثِيرٌ، فَإِنَّهُ صَرَفَ عَنَّا يَتَهُ إِلَى ذَلِكَ وَبَالَغَ.

وَهَبُ بْنُ مُنْبَهٍ در سال ۳۴ در زمان خلافت عثمان، متولد شد و در سال ۱۱۰ یا ۱۱۳
 یا ۱۱۴ یا ۱۱۷ هـ. درگذشت و گفته شده سبب مرگ او کتک یوسف بن عمر بوده است.
 بخاری و مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی در صحیح و سنن، و ابن ماجه در تفسیر از
 او روایت نقل کرده اند.

مشایخ او: ابوهزیره، عبدالله بن عمر، ابن عباس، ابوسعید، جابر بن عبدالله، عبدالله ابن
 عمرو بن عاص، انس، عمرو بن شعيب، ابوخلیفه بصري و برادرش: همام بن مُنْبَهٍ، و...

راویان از او: پسرانش: عبدالله و عبدالرحمن، پسران برادرش: عبدالصمد و عقيل
 پسران معقل بن مُنْبَهٍ، نواده اش: إدريس بن سنان، عمرو بن دينار، سيناك بن فضل، عوف
 أعرابي، اسرائيل ابوموسی، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۵۷.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۵۴۳؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۳۲، ش ۲۶۵۲؛ تهذيب الكمال، ج ۱۹، ص

۴۸۷، ش ۷۳۶۱؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰۰، ش ۹۳؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۱۸۳، ش ۷۷۶۷؛

تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۳۳۹.

هلال بن عمرو کوفی / د

هلال بن عمرو کوفی، بنا به نوشته ابن حجر، از راویان مجهول طبقه سوم است که از علی بن ابی طالب علیه السلام، حدیث «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النَّهْرِ يُقَالُ لَهُ الْخَارِثُ» را روایت می‌کند.

ابوالحسن شیخ مطرف بن طریف از او روایت می‌کند.
ابوداود در سنن، از او حدیث یادشده را نقل کرده است.^۱
راوی حدیث شماره: ۲۳۲.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۹۲، ش ۷۶۲۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۲۴.

طبقه چهارم

اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه / ع

اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه، زید بن سهل انصاری نجاری مدنی ابویحیی، مادرش ام سلمه دختر رفاعه بن رافع بن مالک بن عجلان، از تابعان که به ثقه و حجّت، توصیف شده است و در سال ۱۳۲ هـ. یا پس از آن درگذشت. در صحاح شش گانه، از او روایت نقل کرده اند.

مشایخ او: پدرش، آنس، عبدالرحمن بن ابی عمره، طفیل بن ابی بن کعب، علی بن یحیی بن خالد انصاری، و...

راویان از او: یحیی بن سعید انصاری، اوزاعی، ابن جریر، مالک، همام، حماد بن سلمه، سفیان بن عیینه، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۳۲.

۱- الطبقات، ج ۲، ص ۶۶۲، ش ۳۳۵۳؛ الجرح والتعديل، ج ۱، ص ۲۲۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، صص ۲۵۶ و ۲۵۷، ش ۳۹۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۹.

اسماعیل بن ابی خالد اَحْمَسِیَّ / ع

اسماعیل بن ابی خالد اَحْمَسِیَّ بَجَلِیَّ، از تابعان که به ثقه ثَبَّت، توصیف شده است، به گفته ابونعیم در «الِحِیَّه» دوازده تن از صحابه را درک کرد که از برخی از آنان، حدیث، استماع کرد و برخی را تنها روایت نمود. او در سال ۱۴۶ هـ. چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد می کنند.

مشایخ او: از صحابیان: پدرش، ابوجحیفه سُوائی، عبدالله بن ابی اَوْفَى، عمرو بن حُرَیث، ابوکاهل.

از تابعان: زید بن وَهَب، محمد بن سعد، قیس بن ابی حازم، طارق بن شهاب، شَعْبِیَّ. او همچنین از همسالان خود روایت می کند.

راویان از او: شُعْبَه، سُفِیَّانِیْن، زائده، ابواسامه، یزید بن هارون، ابن نَمِیر، یحیی القطان، عبیدالله بن موسی، و...^۱

راوی حدیث شماره ۴۳: ۳۳.

جَبْرِ بن نَوْفِ هَمْدَانِیَّ = ابوالوَدَّاکُ / م د ت س ق

جَبْرِ بن نَوْفِ هَمْدَانِیَّ بِکَالِیَّ، ابوالوَدَّاکُ کُوفِیَّ، از تابعان که در تقرب التهذیب به «صَدُوقٌ یَهِم» توصیف شده و ابن حِبَّان او را در الثقات نوشته است.

مشایخ او: ابوسعید خُدَریَّ، و شَرِیح قاضی. مسلم در صحیح، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در سنن از او روایت نقل کرده اند.

راویان از او: مُجَالِد، قَیْس بن وَهَب، ابواسحاق، یونس بن ابی اسحاق، علی بن

۱ - بنگرید به: الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۴۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۹، ش ۱۲۶۳؛ تذکرة الحفاظ، ج

۱، ص ۱۵۳، ش ۱۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۳۰۴، ش ۴۷۳، تقرب التهذیب، ج ۱، ص ۶۸.

۲ - به فتح واو و تشدید دال (تقرب التهذیب).

أَبِي طَلْحَةَ، اسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ وَأَبُو التَّيَّاحِ^۱.

راوی حدیث شماره: ۱۳۱.

حَارِثُ بْنُ يَزِيدَ حَضْرَمِيِّ / م د س ق

حَارِثُ بْنُ يَزِيدَ حَضْرَمِيِّ، أَبُو عَبْدِ الْكَرِيمِ مِصْرِيُّ، ابْنُ حَجْرٍ، أَوْ رَابِعُ ثَقَفٍ، ثَبَّتَ، عَابِدُ تَوْصِيفٌ كَرْدَةٌ أَسْتِ وَأَزَلِثٌ نَقَلَ مِی كُنْدَ هَر رُوزِ ۶۰۰ رَكْعَتِ نَمَازِ مِی خَوَانَد. أَوْ دَر سَالِ ۱۳۰ هـ. دَر گَزِشْتِ. مَسْلَمٌ، أَبُو دَاوُدَ، نَسَائِيُّ وَأَبْنُ مَاجَهَ أَزْ أَوْ رَوَايَتِ نَقَلَ كَرْدَه آنَد.

مَشَايِخُ أَوْ: جُنَادَةُ بْنُ أُمَيَّةَ، جُبَيْرُ بْنُ نُفَيْرٍ، عَلِيُّ بْنُ رَبَاحٍ، عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنُ حُجَيْرَةَ، نَاعِمٌ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ، وَ...

رَاوِيَانِ أَزْ أَوْ: بَكْرُ بْنُ عَمْرٍو، سَعِيدُ بْنُ أَبِي أَيُّوبَ، سَعِيدُ بْنُ يَزِيدَ قَتَبَانِيٍّ^۳، لَيْثٌ، ابْنُ لَهَيْعَةَ، وَلَيْدُ بْنُ مُغِيرَةَ، يَحْيَى بْنُ أَيُّوبَ، أَوْزَاعِيُّ، وَ...^۴

راوی حدیث شماره: ۲۳۲.

سَالِمُ بْنُ أَبِي حَفْصَةَ عِجْلِيُّ / ب خ ت

سَالِمُ بْنُ أَبِي حَفْصَةَ عِجْلِيُّ، أَبُو يُونُسَ كُوفِيُّ، أَزْ رَاوِيَانِ طَبَقَةِ چَهَارْمِ كِهْ ابْنِ حَجْرٍ دَر بَارَةُ أَوْ چَنِينِ مِی نُويسِد: صَدُوقٌ فِي الْحَدِيثِ إِلَّا أَنَّهُ شَيْعِيُّ غَالٍ، وَ ذَهَبِيُّ، نُوِشْتَهْ أَسْت: وَكَانَ مِنْ رُوُوسِ مَنْ يَتَنَقَّصُ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ.

۱ - با تاي مفتوح و ياي مشدد (تقريب التهذيب).

۲ - بنگريد به: الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۹۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۶۶، ش ۱۱۵۸؛ ميزان الاعتدال، ج

۴، ص ۵۸۴، ش ۱۰۷۱۸؛ تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۲۶، ش ۹۳۵؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳ - به كسر قاف و سكون تاء (بنگريد به: تقريب التهذيب).

۴ - الطبقات، ج ۲، ص ۷۵۸، ش ۲۷۷۵؛ تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۱۳۲، ش ۱۱۰۳؛ تقريب التهذيب،

ج ۱، ص ۱۲۵.

و نیز حدیث زیر را از او نقل می‌کند:

ابن فضیل، عن سالم بن ابی حفصه، عن ابی حازم، عن ابی هریره - مرفوعاً: «من أحبَّ الحسن والحسين فقد أحببني، ومن أبغضهما فقد أبغضني».

در تهذیب التهذیب، آمده: قال ابن عیینة: قال عمر بن ذر لسالم: أنت قتلت عثمان، فجزع وقال: أنا؟ قال: نعم، أنت ترضى بقتله.

سالم بن ابی حفصه، در نزدیک به سال ۱۴۰ هـ. چشم از جهان فرو بست. بخاری در «الأدب المفرد» و ترمذی در سنن، از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: ابوحازم أشجعی، زاذان کندی، شعبی، عطیه عوفی، محمد بن کعب قرظی، منذر ثوری، و...

راویان از او: اسرائیل، سفیانین، محمد بن فضل، و...

راوی حدیث شماره: ۲۲۴.

سعید بن یزید بن مسلمه ازدی / ع

سعید بن یزید بن مسلمه ازدی، طاحی، ابومسلمه بصری، از راویان مورد وثوق طبقه چهارم.

صاحبان صحاح شش‌گانه از او حدیث، نقل کرده‌اند.

مشایخ او: انس، ابونضره، عکرمه، ابوقلابه، مطرف و یزید پسران عبدالله بن شخیر، حسن بصری، و...

راویان از او: شعبه، ابراهیم بن طهمان، حماد بن زید، عبّاد بن عوام، خالد بن عبدالله، یشر بن مفضل، ابن علیّه (= اسماعیل)، یزید بن زریع، و...

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۱۱۰، ش ۳۰۴۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۵، ش ۲۲۴۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۵۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۲، ش ۱۸۱۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص

راوی احادیث شماره: ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰ و پس از شماره ۱۳۳.

سلیمان بن عبید

سلیمان بن عبید سلمی بصری، از راویان ثقه که «ابن معین» وی را توثیق نموده و «ابوحاتم» درباره او گفته است: صدوق.

وی از «ابوالصدیق ناجی» روایت می‌کند. گویا وی از راویان طبقه چهارم باشد.
راویان از او: یحیی بن قطان، خالد بن حارث، نضر بن شمیل.^۱
راوی حدیث شماره: ۱۱۲.

سیماک بن حرب / خت م ۴

سیماک بن حرب بن اوس بن خالد بن نزار بن معاویه بن حارثه ذهللی بکری، ابوالمغیره کوفی، از راویان صدوق طبقه چهارم و از تابعان که از او نقل شده، ۸۰ تن از صحابه را درک کردم. ولی روایت او از خصوص عکرمه، مضطرب است و نیز در پایان عمر دچار دگرگونی شد.

در «میزان الاعتدال» آمده است: صدوق صالح من اوعیه العلم، مشهور. روی ابن المبارک، عن سفیان: انه ضعیف. قال جریر الضبی: اتیت سیماکاً فرأیته یبول قائماً، فرجعت ولم أسأله، فقلت: خرف.

او در سال ۱۲۳ هـ. درگذشت. بخاری در تعلیقات، و نیز مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: جابر بن سمره، نعمان بن بشیر، انس بن مالک، ضحاک بن قیس، ثعلبه بن

→ ۳۸۶، ش ۲۴۹۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۰۸.

۱ - بنگرید به: الجرح والتعدیل، ج ۲، ق ۱ (قسم اول از جلد دوم)، ص ۱۲۹، ش ۵۶۱؛ تاریخ الإسلام، ج

۹، ص ۱۵۹، (وفیات ۱۴۱ - ۱۶۰ هـ).

حکَم، عبدالله بن زبیر، طارق بن شهاب، ابراهیم نخعی، تمیم بن طَرْفَه، جعفر بن ابی ثور، سعید بن جبیر، شَعْبِی، عِکْرَمَه، عَلْقَمَه بن وائل، مُعاویة بن قُرَّه، و...
 راویان از او: پسرش سعید، اسماعیل بن ابی خالد، اَعْمَش، داود بن ابی هند، حَمَّاد ابن سلمه، شُعْبَه، ثَوْرِي، شَرِيك، ابوالأخوص، حسن بن صالح، زائده، زُهیر بن معاویه، اسرائیل، ابراهیم بن طَهْمَان، شَيْثَان بن عبدالرحمن نَحْوِي، مَالِك بن مِغُول، ابوَعَوَانَه، و...^۱
 راوی احادیث شماره: ۴۱، ۴۵، ۵۰ و پس از شماره ۴۶.

عبدالرحمن بن جبیر / بخ م ۴

عبدالرحمن بن جبیر^۲ بن نُفَيْر^۳ حَضْرَمِي، أَبُو حَمِيْدٍ یا أَبُو حَمِيْرٍ حِمَصِي، از راویان ثقه و صالح الحدیث که در سال ۱۱۸ هـ. در گذشت. بخاری در الأدب المفرد، مسلم در صحیح، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در سنن از او حدیث نقل کرده‌اند.
 مشایخ او: پدرش، آنس بن مالک، خالد بن معدان، کثیر بن مره، و...
 راویان از او: یحیی بن جابر طائفی، معاویه بن صالح، یزید بن حمیر، ثور بن یزید، زُهیر بن سالم، صفوان بن عمرو، اسماعیل بن عیاش، و...^۴
 راوی حدیث شماره: ۱۵۰.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۲۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۷۲، ش ۱۱۹۳؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۳۲، ش ۳۵۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۵۱۷، ش ۲۶۹۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲ و ۳ - هر دو به تصغیر.

۴ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۵۵؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۹۴، ش ۲۹۲۶؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۵۳، ش ۴۸۳۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۶، ش ۳۹۳۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۷۵.

عبدالرحمن بن نجیح

عبدالرحمن بن نجیح دمشقی، گویا از راویان طبقه چهارم باشد.
مشایخ او: سلیمان الخواص.
راوی از او: ابوالحسن احمد بن ابی الحواری^۱ متوفای ۲۳۰ هـ.
راوی حدیث شماره: ۲۳۸.

عبدالعزیز بن رفیع^۲ آسیدی / ع

عبدالعزیز بن رفیع آسیدی، ابوعبدالله مکی طائفی، ساکن کوفه، از تابعان ثقه و راوی طبقه چهارم، در تهذیب التهذیب از «جریر» نقل می‌کند:
کان أتى عليه نيفٌ وتسعون سنةً، فكان يتزوج فلا تمكث المرأة معه من كثرة جماعة.
او در سال ۱۳۰ هـ، درگذشت و در آن هنگام بیش از ۷۰ سال از عمرش گذشته بود.
صاحبان صحاح شش‌گانه از او حدیث نقل کرده‌اند.
مشایخ او: انس، ابن زبیر، ابن عباس، ابن عمر، ابوالطفیل، زید بن وهب، تمیم بن طرفة، أمیة بن صفوان جمحی، شداد بن معقل، عبدالله بن ابی قتادة، عبدالله بن قبطیة، عطاء بن ابی رباح، و...
راویان از او: عمرو بن دینار، أعمش، مغیره، ابواسحاق شیبانی، اسرائیل بن طهمان، شعبه، حسن بن صالح، شریک، ابوالأخوص، ابوبکر بن عیاش، ابو حمزه مروزی، جریر، سفیانین، و...^۳
راوی احادیث شماره: ۲۶۰، ۲۶۱.

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۲، ق ۲، ص ۲۹۵، ش ۱۳۹۹.

۲ - به تصغیر.

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۲۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۴، ش ۱۲۴۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص

۲۳۹، ش ۴۲۱۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۰۹.

عبدالله بن عبیدة بن نَشِيط / خ

عبدالله بن عبیدة بن نَشِيط رَبَذِيّ، از راویان ثقه طبقه چهارم که در سال ۱۳۰ هـ. توسط خوارج در «قَدِيد» کشته شد. بخاری در «صحیح» از او حدیث نقل می‌کند. مشایخ او: جابر، سَهْل بن سَعْد، عُقْبَة بن عامر جُهَنِيّ، عبیدالله بن عبدالله بن عُبَيْه، علی بن حُسَین بن علی بن ابی طالب، عُمَر بن عبدالعزیز، و... راویان از او: برادرانش: موسی و محمد؛ صالح بن کیسان، عمرو بن عبدالله بن ابی الأیض.^۱

راوی حدیث شماره: ۵۸.

عبدالمَلِک بن عَمیر بن سُوید لَخَمِيّ / ع

عبدالمَلِک بن عَمیر بن سُوید لَخَمِيّ، ابو عمرو یا ابو عمرو کوفی معروف به قِبْطِيّ، از تابعان ثقه، فصیح و دانشمند، که در پایان عمر در نیروی حافظه‌اش دگرگونی حاصل شد. و در ذیحجه سال ۱۳۶ هـ. در سن ۱۰۳ سالگی درگذشت. صاحبان صحاح شش‌گانه از او حدیث نقل کرده‌اند. مشایخ او: اشعث بن قیس، جابر بن سمره، عدی بن حاتم، جریر، عبدالله بن زبیر، مُغیرة بن شعبه، نعمان بن بشیر، عمرو بن حرث، عطیه قُرْظِيّ، ربیع بن جراح، عبدالله ابن حارث بن نوفل، ابوالأحوص جُشَمِيّ، و... راویان از او: پسرش موسی؛ شهر بن حوشب، أعمش، سلیمان تیمی، زانده، مشعر، سُفیان ثورّی، شعبه، جریر بن ابی حازم، اسماعیل بن ابی خالد، زُهَیر بن معاویه،

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۶۳، ش ۲۳۵۹؛ الجرح والتعديل، ج ۱۰/۱/۲/۲؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۵۹.

ش ۴۴۴۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۸۸، ش ۳۵۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۴۳۱.

ابوعوانه، حماد بن سلمه، شريك، نخعی، سفیان بن عیینه، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۳۹، ۴۰.

عبید الله بن قنطیبه کوفی / ی م د س

عبید الله بن قنطیبه کوفی، از راویان تابعی و مورد وثوق طبقه چهارم که بخاری در رفع الیدین، مسلم، ابوداود و نسائی در صحیح و سنن از او حدیث نقل کرده‌اند.
مشایخ او: جابر بن سمره، ام سلمه، حارث بن عبدالله بن ابی ربیع، عبدالله بن صفوان بن اُمیّه، ابورجاء عطار دی.
راویان از او: عبدالعزیز بن رفیع، بحر بن کنیز السقاء، قرات القزاز و مسعر.^۲
راوی احادیث شماره: ۲۶۰، ۲۶۱.

علی بن زید بن جُدعان / یخ م ۴

علی بن زید بن عبدالله بن ابی مُلَیْکَه زُهَیْر بن عبدالله بن جُدعان... تیمی، ابوالحسن قرشی، بصری، دانشمند بصره، پدرش منسوب به جدّ جدّش می‌باشد. او نایبنا به دنیا آمد.
او از راویان تابعی شیعی و به گفته برخی رافضی طبقه چهارم بوده که سخن دانشمندان رجالی درباره او مختلف است:
«یعقوب بن شیبّه» او را به ثقه و صالح الحدیث، توصیف می‌کند. «احمد عجلوی» گفته است: کان یتشیع، لا بأس به، و «مرّه» گفته است: یکتب حدیثه، ولیس بالقوی، «ابوحاتم» می‌گوید: لیس بقوی، یکتب حدیثه، «بخاری» و «ابوحاتم» گفته‌اند: لا یحتجّ

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۱۵؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۷۷، ش ۱۲۱۷؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۳۵، ش ۱۲۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۰، ش ۴۳۲۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۱.
۲ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۴۰۴، ش ۴۴۶۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۸.

بحديثه. يزيد بن زريع گفته است: رأيتُه ولم أحمل عنه، لأنه كان رافضياً.
«ابن عدي»: لم أر أحداً من البصريين وغيرهم امتنعوا من الرواية عنه، وكان يغلو في التشيع، ومع ضعفه يُكتب حديثه.

«جريري» گفته است: أصبح فقهاء البصرة عُمياناً ثلاثة: قَتَادَةَ، و عليّ بن زيد، و أشعث الحُدائيّ.

از او روایت شده: إذا رأيتُم مُعاويةَ على هذه الأعواد فاقتلوه (بنگرید به: تهذيب التهذيب). او در سال ۱۲۹ یا ۱۳۱ هـ. درگذشت. بخاری در الأدب المفرد، مسلم، ابوداود، ترمذی نسائی و ابن ماجه، در صحیح و سنن، از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: أنس بن مالك، سعيد بن مسيب عروة بن زبير، ابو عثمان نهدی، ابونضرة عبدي، حسن بصری، سلمة بن محمد بن عمار بن ياسر، عدي بن ثابت، ابن منكدر، و...
راویان از او: قَتَادَةَ، حَمَّادِين، زائده، زهير بن مرزوق، سُفيانين، شُعْبَةَ، هَمَّام بن يحيى، مُبارك بن فضاله، ابن عون، عبدالوارث بن سعيد، جعفر بن سليمان، هشيم، اسماعيل بن عليّه، مُعتمر بن سليمان، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۳۷، ۳۸، ۱۳۰، ۲۱۲، ۲۱۳.

عَمَارَةَ بن جَوَيْن = ابوهارون / عن ت ق

عَمَارَةَ بن جَوَيْن، ابوهارون عبدي بصری، مشهور به کنیه «ابوهارون» از راویان تابعی شیعی طبقه چهارم است که در تقرب التهذيب درباره وی آمده: متروك، و منهم مَنْ كَذَّبَهُ.

در میزان الاعتدال از «دارقطني» نقل می‌کند: يتلَوْن خارجي و شيعي، فيُعتَبَر بما روي

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۵۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۱۷، ش ۱۷۸۹؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۴۰، ش ۱۳۳؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۲۷، ش ۵۸۴۴؛ تهذيب التهذيب، ج ۵، ص ۶۸۵، ش ۴۸۷۸؛ تقرب التهذيب، ج ۱، ص ۳۷.

عنه الثَّوْرِيُّ. واز «يحيى القطان» نقل می‌کند:

قال شُعْبَةُ: كُنْتُ أَتَلَّقِي الرُّكْبَانَ أَسْأَلُ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ، فَقَدْ فَرَأَيْتُ عِنْدَهُ كِتَابًا فِيهِ أَشْيَاءٌ مُنْكَرَةٌ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ، فَقُلْتُ: مَا هَذَا الْكِتَابُ؟ قَالَ: هَذَا الْكِتَابُ حَقٌّ.

و از «ابن عدی» چنین نقل می‌کند: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ سَفِيَانَ، حَدَّثَنِي عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ سَلَامٍ، حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مَهْرَانَ، سَمِعْتُ بَهْزَ بْنَ أَسَدٍ، سَمِعْتُ شُعْبَةَ يَقُولُ: أَتَيْتُ أَبَا هَارُونَ فَقُلْتُ لَهُ: أَخْرِجْ إِلَيَّ مَا سَمِعْتَهُ مِنْ أَبِي سَعِيدٍ. فَأَخْرَجَ إِلَيَّ كِتَابًا، فَإِذَا فِيهِ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ «أَنَّ عَثْمَانَ أُدْخِلَ حُفْرَتَهُ وَإِنَّهُ لَكَافِرٌ بِاللَّهِ» فَدَفَعْتُ الْكِتَابَ فِي يَدِهِ وَقُمْتُ.

او در سال ۱۳۴ هـ. درگذشت. بخاری در أفعال العباد، ترمذی و ابن ماجه در سنن از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: ابوسعید خدری، ابن عمر.

راویان از او: عبدالله بن عون، عبدالله بن شوذب، ثوری، حماد بن، حکم بن عبده، خالد بن دینار، جعفر بن سلیمان، صالح مری، نوح بن قیس، هشیم، علی بن عاصم، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۹۶، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳.

ابوزرعه عمرو بن جابر حَضْرَمِيّ / ات ق

عمرو بن جابر حَضْرَمِيّ، ابوزرعه مِصْرِيّ، از تابعان ضعیف و شیعی طبقه چهارم است، ولی ابوحاتم او را صالح الحدیث معرفی می‌کند، ابن حجر در تهذیب التهذیب می‌نویسد: «برقی» از او در شمار کسانی که ثقه می‌باشند یاد کرده، اما به خاطر شیعه بودن، تضعیف شده است. و نیز یعقوب بن سفیان او را در ردیف ثقات، یاد می‌کند، و ترمذی، حدیث او را صحیح دانسته است.

ابوزرعه، پس از سال ۱۲۰ هـ. درگذشت، ترمذی و ابن ماجه، به حدیث وی استناد

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۴۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۰، ش ۱۸۰۶؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص

۱۷۳، ش ۶۰۱۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۶، ش ۴۹۹۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۹.

کرده‌اند.

مشایخ او: جابر بن عبدالله، سهل بن سعد، عبدالله بن حارث بن جزء، عمر بن علی ابن ابی طالب، کثیر بن مرّه، أعمش، و...
راویان از او: پسرش: عمران، عکرمه بن عمّار، سعید بن ابی ایوب، ضمام بن اسماعیل، ابن لهیعه، بکر بن مضر، هانی بن منذر کلاعی، و...
راوی احادیث شماره: ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۳۰، ۲۳۱.

عمرو بن دینار مکی / ع

عمرو بن دینار مکی، ابو محمد الأثرم جُمحی، از فقیهان برجسته و مفتی مکه، و از حافظان و راویان تابعی ثقه و ثبت طبقة چهارم، که از ابن ابی نجیح درباره وی نقل شده است: ما کان عندنا أحد أفقه ولا أعلم من عمرو بن دینار، لا عطاء، ولا مجاهد، ولا طاووس. هنگامی که از عطاء پرسیدند، ما را به چه کسی می‌سپاری؟ پاسخ داد: عمرو بن دینار.

ابن عیینّه درباره او گفته است: ثقة، ثقة، ثقة.

عمرو بن دینار، شب را به سه بخش، تقسیم می‌کرد، یک سوم آن برای خواب، و یک سوم برای آموزش حدیث، و یک سوم برای نماز.
او در سال ۴۶ هـ. زاده شد و در اوّل سال ۱۲۶ هـ. در ۸۰ سالگی درگذشت. صاحبان صحاح شش‌گانه از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: ابن عبّاس، ابن زبیر، ابن عمر، ابن عمرو عاص، ابوهزیره، جابر بن عبدالله، ابوالطفیل، حسن بن محمد بن علی بن ابی طالب، وهب بن منبّه، سعید بن جبیر، عروّه بن زبیر، ابن ابی ملیکه، عکرمه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، زهری، و...

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۷۶۰، ش ۲۷۸۸؛ الجرح والتعديل، ج ۳/۱/۲۲۳؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۵، ش ۶۳۴۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۲۲، ش ۵۱۵۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۶۶.

راویان از او: قَتَادَه، آیوب، ابن جُرَیج، شُعْبَه، حَمَّادِیْن، سُفْیَانِیْن، جَعْفَرُ الصَّادِق، مَطَرُ
الوَرَّاق، هُشَیْم، ابوَعَوَّانَه، منصور بن زاذان، و...^۱
راوی احادیث: ۷۹، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۱۳۹.

عَوْنُ بِنِ ابِي جُحَيْفَةَ / ع

عَوْنُ بِنِ ابِي جُحَيْفَةَ وَهَبُ بِنِ عَبْدِاللهِ سُوَائِي كُوفِي، از راویان ثقه طبقه چهارم،
متوفای سال ۱۱۶ هـ. که صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی، استناد کرده اند.
مشایخ او: پدرش: ابوجحیفه، مسلم بن ریحاق ثقفی، مُنْذِرُ بِنِ جَرِيرِ بَجَلِي،
عبدالرحمن بن سُمَيْر، مِخْنَفُ بِنِ سُلَيْم، مالك بن صُحَار، و...
راویان از او: یونس بن ابی یعفور عدی، شُعْبَةُ بِنِ حَجَّاج، سعید بن مسروق ثوری،
پسرش: سفیان ثوری، قیس بن ربیع، مالك بن مغول، حَجَّاجُ بِنِ أَرْطَاة، ادریس بن یزید
الأودبی، ابو خالد الدالانی، أشعث بن سَوَّار، خالد الزَّیَّات، رَقَبَةُ بِنِ مَصْقَلَه، زُبَیْرُ بِنِ عَدِي،
مِشْعَرُ بِنِ كِدَام، هَيْثَمُ بِنِ حَبِيب، و...^۲
راوی حدیث شماره ۵: ۴۹.

عیسی بن هلال بصری

گویا از راویان طبقه چهارم است.
«ابن ابی حاتم» از قول پدرش نقل می کند: عیسی بن هلال بصری، از کثیر مولى ابن
سمره، روایت کرده و عمران بن حُدَیْر از عیسی بن هلال، روایت کرده است.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۷۹؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۰۶، ش ۲۵۵۴؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۱۳، ش ۹۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۴۰، ش ۵۱۸۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۶۹.
۲ - بنگرید به: تهذیب الكمال، ج ۱۴، ص ۴۵۳، ش ۵۱۳۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۸۳، ش ۵۴۰۹؛
تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۹۰، ش ۷۹۷.

«بُخاری نوشته است: عیسی بن هلال، از کثیر روایت کرده، ابن حُدیر و عبدالملک بن مروان از او روایت کرده‌اند.^۱

راوی حدیث شماره: ۲.

قَتَادَةَ بْنِ دِعَامَةَ = ابوالخَطَّابِ / ع

قَتَادَةَ بْنِ دِعَامَةَ بْنِ قَتَادَةَ بْنِ عَزِيزِ بْنِ عَمْرِو بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ عَمْرِو بْنِ حَارِثِ بْنِ سَدُوسٍ، ابوالخَطَّابِ سَدُوسِيٍّ بَصْرِيٍّ، از عالمان به قرآن و فقه و از راویان تابعی ثقه و ثَبَّتْ طَبَقَهُ چهارم که نابینا متولد شد.

قَتَادَةَ از نیروی حافظه سرشار و فوق‌العاده‌ای برخوردار بود به گونه‌ای که نقل شده، چندین روز از سعید بن مُسَيَّب، می‌پرسید، تا اینکه سعید به او گفت: آیا تمام آنچه تاکنون پرسیدی، حفظ کردی؟

پاسخ داد: آری، آن‌گاه یکی پس از دیگری پرسش و پاسخی که در طول چند روز رد و بدل شده بود دقیقاً بیان کرد.

از این رو «سعید» گفت: گمان نمی‌کنم خداوند، مانند تو را آفریده باشد.

نقل شده که قَتَادَةَ مَرَمِيٍّ به قَدْر است و همواره در مقام فراگیری بود تا در سال ۱۱۷ یا ۱۱۸ هـ. در ۵۵ سالگی درگذشت. صاحبان صحاح شش‌گانه به روایت او استناد کرده‌اند.

مشایخ او: أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ، ابوالطُّفَيْلِ، ابوسعید خُدْرِيٍّ، عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ، وسعید بن مُسَيَّبٍ، عِكْرِمَةُ، حَسَنُ بَصْرِيٍّ، مُحَمَّدُ بْنُ سَهْرَبِنٍ، صَالِحُ أَبِي الْخَلِيلِ، عَطَاءُ بْنُ أَبِي رَبَاحٍ، ابوقلابه جَرْمِيٍّ، شُعْبَةُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشُّخَيْرِ، و...

راویان از او: أَيُّوبُ سَخْتِيَانِيٍّ، سليمان تَيْمِيٍّ، جَرِيرُ بْنُ حَازِمٍ، شُعْبَةُ، مِسْعَرُ، يَزِيدُ بْنُ اِبْرَاهِيمَ تُسْتَرِيٍّ، هِشَامُ دَسْتَوَائِيٍّ، مَطَرُ الْوَرَّاقِ، هَمَّامُ بْنُ يَحْيَى، عمرو بن حارث مصريٍّ،

۱ - التاريخ الكبير، ج ۳، قسم ۲، ص ۳۸۶، ش ۲۷۲۳؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۹۱، ش ۱۶۱.۲

مَعْمَر، شَيْبَانِ نَحْوِيّ، سَلَامُ بْنُ أَبِي مَطِيحٍ، حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، أَوْزَاعِيّ، عِمْرَانُ الْقَطَّانُ، قُرَّةُ بْنُ خَالِدٍ، مَنْصُورُ بْنُ زَادَانَ، أَبُو عَوَّانَةَ، وَ...^۱

راوی احادیث شماره ۵: ۲۳، ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۹۰، ۱۲۳، ۲۳۷، ۲۵۲، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۸۰ □

۲۸۴

قَحْذَمُ بْنُ سَلِيمَانَ

قَحْذَمُ، مَوْلَى أَبِي بَكْرَةَ، كَهْ يَزِيدُ بْنُ أَبِي كَبْشَةَ، مِنْ رِوَايَاتِ كَرْدَةٍ وَ مُحَبَّرِ بْنِ قَحْذَمٍ مِنْ رِوَايَاتِ مِي كُنْد.

گویا وی از راویان طبقه چهارم است.

در لسان المیزان، نوشته است: عَقِيلِيّ، او و پسرش را در الضعفاء، ذکر کرده و گفته است: «فِي حَدِيثِهِمَا وَهْمٌ وَ غَلَطٌ». ولی ابونعیم برای وی جرح و تعدیلی یاد آور نشده است.^۲

راوی احادیث: ۲۳۹، ۲۴۲.

مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ تَيْمِيّ / ع

مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَارِثِ بْنِ خَالِدٍ... قُرَشِيّ تَيْمِيّ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَدَنِيّ، مَادَرِشُ حَفْصَةَ، بِنْتِ ابْنِ أَبِي حَبِيبٍ (= عمرو) مِنْ تَابِعَانِ مَوْرِدٍ وَ ثَوَقِ طَبَقَةِ چِهَارْمِ كَهْ فِي سَالِ ۱۲۰ هـ. رَخْتِ مِنْ جِهَانَ بَرِ بَسْتِ. صَاحِبَانِ صَحَاحِ شَشْ كَانَهْ بَهْ رِوَايَاتِ اَوْ اسْتِنَادِ نَمُودَهْ اَنْد.

مشایخ او: ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله، آنس بن مالک، قیس بن عمرو انصاری، عایشه، علقمة بن وقاص، خالد بن معدان، عطاء بن یسار، ابوسلمة بن عبدالرحمن، و...
راویان از او: پسرش: موسی، هشام بن عروه، یحیی بن ابی کثیر، ابن اسحاق،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۲۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۱۱، ش ۱۷۶۴؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص

۳۸۵، ش ۶۸۶۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۸۲، ش ۵۷۰۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲ - بنگرید به: لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۷؛ اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۶۵.

أَوْزَاعِيٍّ، أَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ لَيْثِيٍّ وَ...^۱

راوی حدیث شماره ۵: ۲۷۱.

محمد بن علی بن الحسین علیه السلام = ابو جعفر الباقر / ع

امام محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب هاشمی، ابو جعفر الباقر، مادرش «أمّ عبدالله» دختر حسن بن علی بن ابی طالب - علیه السلام - مشهور به لقب «باقر» یعنی شکافنده علم، از فقیهان مدینه و تابعی ثقه، کثیر الحدیث و از راویان طبقه چهارم (۵۶- ۱۱۴ هـ . در ۵۷ سالگی).^۲ صاحبان صحاح به حدیث آن حضرت، استناد کرده‌اند.

امام محمد باقر علیه السلام [علیه السلام] از نامبردگان زیر روایت کرده است:

پدرش، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، جدّ مادری و نیز جدّ پدری اش یعنی امام حسن و امام حسین - علیه السلام - عموی پدرش: محمد بن حنفیه، پسر عموی جدّش: عبدالله بن جعفر ابن ابی طالب، جابر بن عبدالله، ابوسعید خدری، ابن عباس، ابن عمر، سمرة بن جندب، ابوهریره، عایشه، امّ سلمه، انس، سعید بن مسیب، و...

راویان از آن حضرت: پسرش: امام جعفر بن محمد - علیه السلام - ابان بن تغلب، ابو حمزه ثمالی، جابر بن یزید جعفی، سدیر زهری، عمرو بن دینار، اعمش، اوزاعی، ابن جریر، مکحول بن راشد، و...^۳

در ترجمه «محمد بن زکریا هلالی» می‌آید که در کتاب میزان الاعتدال، و لسان المیزان، نوشته است: الصولّی، حدّثنا الغلابی، حدّثنا ابراهیم بن بشار، عن سفیان، عن ابي الزبير،

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۳۹، ش ۲۲۳۸؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۴، ش ۱۰۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۵، ش ۷۰۹۷؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۶، ش ۵۸۹۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲ - بنگرید به: تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۱.

۳ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۳۸، ش ۲۲۳۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۴، ش ۱۰۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۰، ش ۶۴۰۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۲.

قال: كنا عند جابر، فدخل عليّ بن الحسين، فقال جابر: دخل الحسين، فضمه النبي ﷺ إليه وقال:

«يولد لابني هذا ابنٌ يقال له عليّ، إذا كان يومُ القيامة نادى مُنادٍ: لِيَقُمْ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ، فيقوم هذا. ويولد له [وَلَدٌ يُقَالُ لَهُ] مُحَمَّد، إذا رأيته يا جابر فاقرا عليه مِنِّي السَّلَام»^۱.

راوی احادیث شماره: ۲۶۷، ۲۷۹.

محمد بن مسلم بن تدرس = ابوالزبير / ع

محمد بن مسلم بن تدرس أسدي، ابوالزبير مكي، از حافظان صدوق که دارای تدلیس بوده و درباره وی نقل شده است: كان أكمل الناس عقلاً، وأحفظهم. ابن عديّ گفته است: در صداقت ابوالزبير همین بس که «مالک» از او روایت می‌کند فَإِنَّ مَالِكًا لَا يَرْوِي إِلَّا عَنْ ثِقَةٍ.

او در سال ۱۲۶ هـ. پیش از عمرو بن دینار درگذشت. صاحبان صحاح به روایت او استناد جسته‌اند.

مشایخ او: عبّادله، جابر، ابوالطفیل، سعید بن جبیر، عایشه، عکرمه، طاووس، صفوان بن عبدالله بن صفوان، عبیدالله بن عمرو، نافع بن جبیر بن مطعم، أعرج، و...
راویان از او: عطاء، زهری، ایوب، ابن عون، أعمش، ابن جریج، هشام بن عروه، عبیدالله بن عمر، ابوخیثمه زهیر بن معاویه، زید بن ابی انیسّه، ابراهیم بن طهمان، حمّاد ابن سلمه، هشام دستوائی، یزید بن ابراهیم، ابو عوانه، هشیم، ثوری، ابن عیینّه، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۵۴ تا ۵۶، ۵۹ تا ۶۱

۱ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۵۰، ش ۷۵۳۷؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۶۸، ش ۵۷۱.
۲ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۸۱؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۰۶، ش ۲۵۵۵؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۶، ش ۱۱۳؛ میزان الاعتدال، ج ۳، صص ۳۷ تا ۴۰، ش ۸۱۶۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۱۵، ش ۶۵۴۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۰۷.

محمد بن مسلم بن عبیدالله = ابن شهاب = زهری / ع

محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب بن عبدالله بن حارث بن زهرة بن کلاب بن مره قرشی، زهری، ابوبکر، حافظ مدنی، دانشمند حجاز و شام، از تابعان بلند پایه و از راویان برجسته طبقه چهارم که در حدود دو هزار حدیث دارد که نیمی از آن، مُسند است.

«ابن سعد» درباره او گفته است: قالوا: وكان الزُّهْرِيُّ ثِقَةً، كثيرَ الحديث والعلم والرواية، فقيهاً، جامعاً.

«ذَهَبِي» نوشته است: إِنَّهُ حَفِظَ الْقُرْآنَ فِي ثَمَانِينَ لَيْلَةً.

از «ابن شهاب» درباره وی چنین نقل شده است: من سنة الصلاة أن يقرأ بسم الله الرحمن الرحيم، ثم فاتحة الكتاب، ثم بسم الله الرحمن الرحيم ثم سورة، وكان يقول: أول من قرأ بسم الله الرحمن الرحيم سرّاً بالمدينة عمرو بن سعيد بن العاص.^۱ و نیز از «عمرو بن دينار» نقل شده است: ما رأيت الدينار والدرهم عند أحد أهون منه عند الزُّهْرِيِّ كأنها بمنزلة البعُر.

قال الليث: كان ابن شهاب يُكثر شرب العسل ولا يأكل التفاح.

«نسائی» گفته است: از بهترین سندی که از پیامبر ﷺ روایت می شود: زهری از علی ابن الحسین، از پدرش، از جدش می باشد.

زهری در سال ۵۰ یا ۵۱ هـ. زاده شد و در سال ۱۲۳ یا ۱۲۴ و یا ۱۲۵ هـ. درگذشت.

در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: عبدالله بن عمر بن خطاب، عبدالله بن جعفر، انس بن مالک، سهل بن سعد، جابر، ابوالطفیل، محمود بن ربیع، قبیصة بن ذویب، حسن و عبدالله پسران محمد ابن حنیفه، سعید بن مسیب، ابوامامة بن سهل، عروة بن زبیر، اعرج، عطاء بن ابي رباح، علی

بن الحسين بن عليّ، عليّ بن عبدالله بن عباس، قاسم بن محمد بن ابي بكر، ابوهريرة، و...
راويان از او: عطاء بن ابي رباح، ابوالزبير مكيّ، عمر بن عبدالعزيز، عمرو بن دينار،
ايوب سختيانيّ، برادرش: عبدالله، ابن مسلم زهريّ، اوزاعيّ، ابن جريج، اسحاق، محمد
ابن عليّ بن الحسين، محمد بن منكر، هشام بن عروه، مالك، معمر، زيديّ، عقيل بن
خالد، ابن ابي ذئب، يونس بن يزيد، ليث، اسحاق بن يحيى كلبيّ، سفيان بن عيينه، و...
راوی احاديث شماره: ۴ تا ۶، ۸، ۱۳ تا ۲۱، ۷۵، ۱۴۴.

۱- الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۱۲۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۶۵۲، ش ۲۳۰۲؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰۸،
ش ۹۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۷، صص ۴۲۰ تا ۴۲۴، ش ۶۵۴۸؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۲۰۷.

طبقه پنجم

ابراهیم بن محمد ابن حَنَفِیَّه = ابراهیم بن محمد بن علی بن ابی طالب /
ت عس ق

ابراهیم بن محمد بن علی بن ابی طالب هاشمی، پدرش معروف به محمد بن حَنَفِیَّه، از
راویان صدوق طبقه پنجم، که «عَجَلِی» او را به «ثقه»، توصیف کرده و ابن حَبَّان نیز از او
در الثقات نام برده است.

تِرْمِذِی در مُنَنِ، نَسائی در مُسْنَدِ عَلِی و ابن ماجه در مُنَنِ به حدیث او استناد کرده‌اند.^۱
او از پدرش و نیز از جدش به نحو مُرْسَل، روایت می‌کند.
راویان از او: یاسین عَجَلِی، عُمَرُ مَوْلَى غُفْرَه، محمد بن اسحاق، آیوب بن سیار، حماد
بن عبدالرحمن أنصاری.

راوی احادیث شماره: ۲۱۴ تا ۲۲۴.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۶، ش ۲۵۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۲.

ابراهیم نخعی = ابراهیم بن یزید بن قیس / ع

ابراهیم بن یزید بن قیس بن آشود بن عمرو بن ربیع بن ذهل نخعی، ابو عمران کوفی، فقیه عراق، مفتی کوفه، از دانشمندان با اخلاص و از راویان ثقه و کثیر الإرسال طبقه پنجم^۱ که از مشهور شدن پرهیز داشت. از «هنئیده» همسر ابراهیم نقل شده است: ابراهیم یک روز در میان روزه دار بود.

ابراهیم از ترس حجاج، پنهان بود، هنگامی که خبر مرگ حجاج را به او مژده دادند، سجده کرد و از خوشحالی گریست. فسجد و بکی من الفرح. او در سال ۵۰ هـ. به دنیا آمد و در سال ۹۶ هـ. از دنیا رفت. وقتی خبر درگذشت او به «شعبی» رسید، گفت: ما خلف بعده مثله، صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد جسته اند.

مشایخ او: علقمه، مسروق، ابو معمر، همام بن حارث، شریح قاضی، سهم بن منجاب، أسود، ربیع بن خثیم، و... از عایشه نیز روایت می کند ولی ثابت نشده است که از او حدیثی شنیده باشد.

راویان از او: أعمش، منصور، ابن عون، زبید الیامی، حماد بن ابی سلیمان فقیه، سناک بن حرب، حکم بن عتیبه، مغیره بن مقسم صبی، ابراهیم بن مهاجر، و...^۲
راوی احادیث شماره: ۲۰۵ تا ۲۱۰.

۱ - به نظر می رسد با توجه به اینکه حدود سال ۵۰ هـ. به دنیا آمده و عایشه را دیده است و در سال ۹۶ هـ. در سن نزدیک به ۵۰ هـ. از دنیا رفت، باید از راویان طبقه سوم باشد همان گونه که در «الطبقات» و تذکرة الحفاظ از طبقه سوم شمرده شده و نه از راویان طبقه پنجم که در «تقریب التهذیب» آمده است.
۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۷۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۶۲، ش ۱۱۴۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۷۳، ش ۷۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۷۴، ش ۲۵۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۴، ش ۲۹۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۶.

ایوب سختیانی ۱ / ع

ایوب بن ابی تمیمه کینان سختیانی، ابوبکر بصری، از حافظان بلند پایه، و از فقیهان عابد و راوی طبقه پنجم که به صفات زیر توصیف شده است:
ثقه، ثبت، جامع، کثیر العلم، حجّت و عدل.

از حمّاد بن زید نقل شده است: ایوب، برترین شخصی است که با او همنشین شدم و سخت ترین شخص در پیروی از سنت بود. او با یزید بن ولید، دوست بود، اما هنگامی که یزید به حکومت رسید، ایوب چنین گفت: اللَّهُمَّ اَنْسِیْهِ ذِكْرِي. و نیز از «حمّاد» نقل شده که مردی را به خوشرویی و تبسم او ندیدم. از هشام بن حسان نیز نقل شده که او چهل بار حج انجام داده است.

«ذهبی» در تذکرة الحُفَظ، از او کرامت زیر را نقل کرده است:

كان أيوب في طريق مكة، فأصاب الناس عطشٌ و خافوا. فقال أيوب: تكثمون عليّ؟ قالوا: نعم؛ فدور دائرة و دعا فنبع الماء فَرَوُوا و سَقُوا الجمال، ثم أمر يده على الموضع فصار كما كان.

ایوب سختیانی در سال ۶۶ یا ۶۸ هـ. زاده شد و در سال ۱۳۱ هـ. در ۶۵ یا ۶۳ سالگی درگذشت. در صحاح شش گانه به روایات او استناد شده است.

مشایخ او: عمرو بن سلیمه جریمی، ابوالعالیه ریاحی، سعید بن جبیر، ابوقلابه، عبدالله ابن شقیق، ابن سیرین، نافع بن عاصم، عطاء، عکرمه، أعرج، عمرو بن دینار، ابورجاء عطاردی، و... .

راویان از او: شعبه، معمر، حمّادین، سفیانین، معتمر بن سلیمان، ابن علیّه، أعمش، قتاده، عبدالوارث، مالک، ابن اسحاق، و...^۲

۱ - به فتح سین، سکون خاء، کسر تاء و فتح یاء. (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۲۴۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۲، ش ۱۸۱۸؛ تذکرة الحُفَظ، ج ۱، ص

۱۳۰، ش ۱۱۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۴۱۳، ش ۶۴۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۸۹.

حکَم بن عَتِيْبَه كُوفِيّ / ع

حکَم بن عَتِيْبَه، ابو محمد کِنْدِيّ کُوفِيّ، از حافظان ثقه، ثبّت، فقيه و از راویان تابعی طبقه پنجم است، مؤلف «تهذيب التهذيب» از «عَجَلِيّ» نقل می‌کند: و كان من فقهاء أصحاب ابراهيم، و كان صاحب سنة و اتباع، و كان فيه تشيع إلا أن ذلك لم يظهر منه.

او در سال ۵۵۰. متولد شد و در سال ۱۱۳ یا ۱۱۴ یا ۱۱۵ هـ. چشم از جهان فرو بست، و زید بن اَرْقَم صحابی بر او نماز خواند.

صاحبان صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: از صحابیان: ابوجحیفه سُوائِيّ، زید بن اَرْقَم - گفته شده: از او حدیث نشنیده است - عبدالله بن اَبِي اَوْفِيّ.

از تابعان: شَرِيح قَاضِيّ، قَيْس بن اَبِي حازِم، موسى بن طلحه، یزید بن شَرِيك تَيْمِيّ، سعید بن جُبَيْر، مُجاهد، عطاء، طاووس، عبدالرحمن بن اَبِي لیلی، ابراهیم، و...

راویان از او: منصور، ابواسحاق سَبِيْعِيّ، ابواسحاق شَيْبَانِيّ، قَتَادَه، از تابعان، و نیز ابان بن صالح، حجاج بن دینار، اَوْزَاعِيّ، مِشْعَر، شُعْبَه، ابو عَوَانَه، و...

راوی احادیث شماره: (بی شماره پس از شماره ۲۰۶)، ۲۰۷.

خَالِد بن مِهْران = خَالِد الحَدَّاء / ع

خَالِد بن مِهْران ابوالمنازِل^۲ بَصْرِيّ، مُلقَّب به حَدَّاء، از حافظان و محدثان بصره و از راویان ثقه و کثیر الحدیث طبقه پنجم است. اما لقب حَدَّاء به خاطر این بود که در نزد

۱ - الطبقات، ج ۱، ص ۳۷۶، ش ۱۲۱۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۱۷، ش ۱۰۲؛ تهذيب التهذيب، ج ۲،

ص ۳۹۴، ش ۱۵۱۱؛ تفریب التهذيب، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲ - به فتح میم یا ضمّ آن (تفریب التهذيب).

کفشگران می نشست. ولی خود او کفشگر نبود.

ابن حَجَر از «حَمَّاد بن زید» نقل می کند که در نیروی حافظه اش دگرگونی پدید آمده بود و نیز می نویسد: و عاب علیه بعضهم دخوله فی عمل السُّلْطَان.

و از ابن سعد نقل می کند: و كان قد استُعْمِلَ على العُشُور بالبَصْرَة.

او در سال ۱۴۱ یا ۱۴۲ و یا ۱۴۳ هـ. از دنیا رخت بر بست. صاحبان صحاح شش گانه به روایت او استناد کرده اند.

مشایخ او: عبدالله بن شَقِيق، ابورِجاء عَطَّارِدي، ابوعثمان النَّهْدِي، ابوقلابه، عِكْرَمَة، عبدالرحمن بن ابی بکر، عَطَّاء بن ابی رِباح، فرزندان ابن سیرین: آنس و محمّد و حَفْصَة، و...

راویان از او: حَمَّادِين، سُفْيَان ثَوْرِي، شُعْبَة، ابن عَلِيَّة، بِشْر بن مُفَضَّل، استادش: محمد بن سیرین؛ ابواسحاق سَبِيعِي، أَعْمَش، منصور، ابن جُرَيْج، و...

راوی احادیث: ۳۴، تا ۳۶.

داود بن ابی هند / ختم ۴

داود بن ابی هند قَشَيْرِي، ابوبکر یا ابومحمّد بَصْرِي، نام ابوهند: دینار بن عَدَّافِر، یا طَهْمَان است.

داود بن ابی هند، مُفتی اهل بصره و از حافظان و راویان ثقه و کثیر الحدیث طبقه پنجم، که به گفته ابن حَجَر: كان يَهِمُّ بِأَخْرَقِهِ.

او در سال ۵۰ هـ. متولد شد و در سال ۱۴۰ یا ۱۳۹ هـ. در بازگشت از سفر حج درگذشت. بخاری به حدیث او استشهاد، و مُسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۵۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۵، ش ۱۸۲۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۴۹، ش ۱۴۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۴۲، ش ۲۴۶۶؛ تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۵۲۷، ش ۱۷۳۸؛ تريب التهذيب، ج ۱، ص ۲۱۹.

روایت او استناد کرده‌اند.

مشایخ او: عِکْرِمَةُ، شَعْبِيُّ، زُرَّارَةُ بن أَبِي أَوْفَى، ابوالغالیة، سَعِيدُ بن مُسَيَّب، سِمَاكُ بن حَرْب، عاصم الأحول، محمّد بن سپرین، مکحول شامی، و...
راویان از او: شُعْبَةُ، حَمَّادِیْن، ابن عَلَیْهِ، یحیی القطّان، یزید بن هارون، ثَوْرِيّ، ابن جَرَّیج، عبدالوارث بن سعید، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۴۴، ۵۲، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۷۱، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳.

زید ابوالخواریّ = زید بن الخواریّ = زید العمّی / ۴

زید بن الخواریّ، ابوالخواریّ، العمّی، بصریّ، قاضی هرات، گفته می‌شود: نام پدرش «مُرّه» بود. از راویان ضعیف طبقه پنجم که به گفته ابوحاتم: ضعیف الحدیث، یُکْتَبُ حَدِيثُهُ وَلَا يُحْتَجُّ بِهِ.

جهت نامگذاری او به «عمّی» این است که هرگاه از چیزی پرسیده می‌شد، می‌گفت: تا از عمویم پرسم. (سُمِّيَ الْعَمِّيَّ؛ لِأَنَّهُ كَانَ كَلَّمَا سُئِلَ عَنْ شَيْءٍ، قَالَ حَتَّى أَسْأَلَ عَمِّي).
مشایخ او: آنس، سعید بن مسیب، ابوائل، سعید بن جبیر، عِکْرِمَةُ، حسن، عُرْوَةُ بن زُبَیْر، معاویه بن قرّه، ابوالصدیق النّاجی، ابونضرة عبّدی، و...
راویان از او: پسرانش: عبدالرحمن و عبدالرحیم، شعبه، أعمش، مسعودی، مشعر، جابر جعفی عماره بن ابی حفصه، مطرف بن طریف، ابواسحاق قزّاری، هشیم، و...
ابو داود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه، از او حدیث نقل کرده‌اند.^۲

راوی احادیث شماره: ۹۱، ۹۲، ۹۹، ۱۱۳ تا ۱۱۹.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۵۵، الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۵، ش ۱۸۲۷؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۴۶، ش ۱۴۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۵، ش ۱۸۷۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۳۵.
۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۰۲، ش ۳۰۰۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۲۳، ش ۲۲۰۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۷۴.

سعید بن ایاس = جریری / ع

سعید بن ایاس جریری، ابومسعود بصری، از حافظان ثقه، حجت، محدث اهل بصره، که سه سال پیش از فوت، دچار اندکی اختلاط و دگرگونی در نیروی حافظه شد. جریری در سال ۱۴۴ هـ. درگذشت. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: ابوالطفیل، ابوعثمان النهدی، ابونضره عبیدی، عبدالله بن شقیق، ابوالعلاء یزید بن عبدالله بن الشخیر، عبدالله بن بریده، و...
راویان از او: شعبه، ثوری، حمادین، ابن علیّه، بشر بن مفضل، ابوقدّامه، ابن مبارک، وهیب، معمر، یزید بن زریع، یزید بن هارون، ابواسامه، عبدالوهاب بن عطاء الخفاف، و...
راوی احادیث شماره: ۶۲ ۶۴ ۶۵ ۶۷ ۶۹ ۷۰.

سلیمان بن ابی سلیمان = ابواسحاق شیبانی / ع

ابواسحاق شیبانی کوفی، سلیمان بن ابی سلیمان، در نام پدر سلیمان، اختلاف است، در «الطبقات» سلیمان بن خاقان، و در تذکره الحفاظ، سلیمان بن فیروز، و در تهذیب التهذیب سلیمان بن مهران یا عمرو آمده است.
ابواسحاق شیبانی از حافظان و راویان ثقه طبقه پنجم است، ابن معین او را به ثقه و حجت، و ابوحاتم به ثقه، صدوق و صالح الحدیث، توصیف کرده اند.
مشایخ او: عبدالله بن ابی اوفی، زرّ بن حبیش، شعبی، ابراهیم نخعی، عکرمه مؤلی ابن عباس، حبیب بن ابی ثابت، عدی بن ثابت، و...

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۶۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۶؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۵۵؛ میزان الاستدال، ج ۲، ص ۱۲۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۳۰۱؛ ش ۲۳۴۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۹۱.

راویان از او: پسرش: اسحاق؛ ابواسحاق سَبِیعی، عاصم الأحول، ابراهیم بن طَهْمَان، ابواسحاق فَزَارِی، ثورِی، شُعْبَه، جَریر بن عبد الحمید، علی بن مُشَهر، ابن عُیَیْثَه، مسعودی، هُشَیْم، ابوبکر و حسن پسران عیّاش، ابن ادریس، ابو عَوّانَه، جعفر بن عَوْن، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۱۷۳.

سَلیمان بن مِهْران = اَعْمَش / ع

سُلیمان بن مِهْران اَسَدِی، کَاهِلِی، ابومحمّد کوفی، اَعْمَش، از حافظان و ارسته، شیخ الإسلام، عالم به علوم قرآنی و حدیث و از راویان ثقه طبقه پنجم ولی اهل تدلیس در حدیث بود که اصلش از منطقه «رَی» و یا طَبَرِستان است.
 عَجَلِی گفته است: کان ثَقَّةً، تَبَتَّأ فی الحدیث، و کان مُحدِّثَ اهل الکوفه فی زمانه، ولم یکن له کتاب، و کان رأساً فی القرآن عَسِراً، سَیِّئَ الخلق، عالماً بالفرائض، و کان لا یلحن حرفاً، و کان فیهِ تشیّع.

عیسی بن یونس درباره عظمت روح و بی اعتنایی او به سرمایه داران و قدرتمداران می گوید: ما رأیتُ الأغنیاء والسلاطین عند أحدٍ أحمق منهم عند الأعمش مع فقره و حاجته.
 اَعْمَش در روز عاشورای سال ۵۶۱ هـ. به دنیا آمد و در ربیع الأول سال ۱۴۸ هـ. در ۸۷ سالگی از دنیا رفت. صاحبان صحاح شش گانه از او حدیث، نقل کرده اند.

مشایخ او: عبدالله بن ابی آوفی، ابووائل، زَرِّ بن حُبَیْش، ابراهیم نَخَعِی، ابوعمر و شَیْبَانِی، ابوحازم اَشْجَعِی، سلیمان بن مُشَهر، مجاهد بن جَبْر، و...
 راویان از او: حَکَم بن عُتَیْبَه، ابواسحاق سَبِیعی، سلیمان تَیْمِی، شُعْبَه، سُفَّانِیْن، ابراهیم بن طَهْمَان، ابواسحاق فَزَارِی، زانده، ابوبکر بن عیّاش، شَیْبَانِی نَحْوِی، ابن مبارک،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۴۵؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۳، ش ۱۲۴۲؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۵۳، ش ۱۴۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۸۲، ش ۲۶۴۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۲۵.

ابن نمیر، فضیل بن عیاض، هُشَیم، وَکیع، ابونُعَیم، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۷۴، ۷۶، ۸۰، ۱۲۵، ۱۶۴، ۱۹۰.

صالح بن مُسلم / د = موسی بن مُسلم بن رومان

صالح بن مُسلم بن رومان^۲ مکی که درست آن صالح بن موسی بن مسلم بن رومان است.

«ابوداود» به روایت او استناد کرده است. وی از ابوالزُبَیر، روایت می‌کند، از این رو گویا از راویان طبقه پنجم است.

راویان از او: یزید بن هارون، یونس بن محمد المودب، موسی بن اسماعیل.^۳
راوی حدیث شماره: ۵۳.

صفوان بن عمرو سَکَسَکَیّ / بخ م ۴

صفوان بن عمرو بن هرِم سَکَسَکَیّ، ابو عمرو حِصِیّ، از تابعان، راوی ثقة و مأمون طبقه پنجم که در سال ۱۰۰ یا ۱۰۸ هـ. درگذشت. بخاری در الأدب المفرد، مُسلم در

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۴۲، الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۱، ش ۱۲۲۸؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۵۴، ش ۱۴۹؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۲۴، ش ۳۵۱۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۵۰۶، ش ۲۶۹۰؛ تفریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲ - بنگرید به: تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۲۶، ش ۷۲۹۳؛ تفریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۸؛ در ضمن نام موسی بن مُسلم بن رومان نوشته است: «وقد ینسب إلى جدّه و یقال: صالح بن مُسلم بن رومان، کذا وقع، والصواب: صالح بن موسی بن رومان».

۳ - بنگرید به: التاریخ الكبير، ج ۴، ص ۴۰، ش ۲۸۵۶؛ الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۷۹، ش ۱۸۱۹؛ الثقات، ج ۶، ص ۴۶۴ و در چاپ دیگر، ج ۳، ص ۴۴۹، ش ۲۱۳۳؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۰۱، ش ۳۸۲۸؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۱۷۷، ش ۷۱۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۲۶، ش ۷۲۹۳؛ تفریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۸ و نیز ج ۱، ص ۳۶۳ زیر نام صالح بن مُسلم بن رومان.

صحیح، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در سنن از او حدیث نقل کرده‌اند.
مشایخ او: عبدالله بن بشر مازنی صحابی، جبیر بن نفیر، شریح بن عبید حضرتمی،
راشد بن سعد، سلیم بن عامر، و...

راویان از او: ابن مبارک، ابواسحاق قزازی، اسماعیل بن عیاش، معاویه بن صالح
حضرتمی، ولید بن مسلم، ابوالیمان، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۵۰، ۱۵۳.

عبدالمَلِك بن اَبی سَلیمان عَزْزَمِیّ كُوفِیّ / خ ت م ۴

عبدالمَلِك بن اَبی سَلیمان مَیْسَرَه عَزْزَمِیّ، ابومحمّد یا ابوسلیمان و یا ابوعبدالله، از
حافظان و راویان تابعی طبقه پنجم که شماری از رجال شناسان وی را توثیق نموده‌اند.
ترمذی می‌گوید: او ثقه و مأمون است و ما کسی را جز «شعبه» نمی‌دانیم که درباره او
حرفی داشته باشد، ولی «ابن حجر» می‌نویسد: صدوق له اوهام.

او در ذیحجه سال ۱۴۵ هـ. درگذشت. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به
حدیث او استناد کرده‌اند ولی بخاری به آن استشهاد کرده است.

مشایخ او: انس بن مالک، سعید بن جبیر، عطاء بن اَبی رباح، سلمة بن كهیل، انس
ابن سپرین، ابن الزبیر، ابوحمزه ثمالی، و...

راویان از او: شعبه، ثوری، ابن مبارک، قطان، زهیر بن معاویه، زانده، حفص بن
غیاث، علی بن مسهر، ابوَعوانه، هُشَیْم، یزید بن هارون، عبدالرزاق، و...^۳

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۶۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۰۹، ش ۳۰۲۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص

۵۴، ش ۳۰۱۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲ - به فتح عین و سکون راء، و فتح زاء (بنگرید به: اللباب، و تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۵۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۹، ش ۱۲۶۲؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

راوی احادیث شماره: ۱۵۱، ۱۵۲.

عِکْرِمَةُ بِنِ عَمَّارٍ / خت م ۴

عِکْرِمَةُ بِنِ عَمَّارِ عِجْلِيٍّ، ابوعَمَّارِ يَمَامِيٍّ، بَصْرِيٍّ الْأَصْلُ، از راویان تابعی طبقه پنجم که شماری از دانشمندان رجالی، او را توثیق نموده‌اند و ابن حبان نیز از وی در «الثقات» نام برده است. از «عاصم بن علی» نقل شده که گفت: او مستجاب الدعوه بود، اما ابن حَجَر، نوشته است: صدوق یغلط و فی روایتہ عن یحیی بن اَبی کثیر اضطراب، ولم یکن له کتاب.

او در سال ۱۵۹ هـ. در گذشت. مُسَلِم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت او استناد کرده‌اند و بخاری نیز از باب استشهاد نقل کرده است.

مشایخ او: هِرْمَاسُ بِنِ زِيَادِ صَحَابِيٍّ، اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه، مَكْحُول، یحیی بن ابی کثیر، عطاء بن ابی رباح، هشام بن حسان، و...
راویان از او: شُعْبَةُ، ثَوْرِيٌّ، وَكَيْعٌ، یحیی القطان، ابن مبارک، ابن مهدي، ابوالنضر، زید بن الحباب، عبدالصمد بن عبدالوارث، عاصم بن علی، ابوالولید طيَالِيسِيٌّ، و...
راوی حدیث شماره: ۳۲.

عَمْرُو بِنِ شَعِيْبٍ / ز ۴

عَمْرُو بِنِ شَعِيْبِ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ عَبْدِاللهِ بِنِ عَمْرُو بِنِ عَاصِ قُرَشِيٍّ سَهْمِيٍّ، ابوابراهیم یا ابوعبدالله مدنی یا طائفی، ساکن مکه و مهاجر به طائف، از راویان صدوق طبقه پنجم، که

→ ۱۵۵، ش ۱۵۱؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۵۶، ش ۵۲۱۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۹، ص ۲۰۹؛ تهذیب
التهذیب، ج ۵، ص ۲۹۸، ش ۳۴۱۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۱۹.
۱ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۵۵۵؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۴۴، ش ۲۶۹۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، صص
۹۰ تا ۹۳، ش ۵۷۱۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۲۸، ش ۴۸۱۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰.

در سال ۱۱۸ هـ. در طائف درگذشت. بخاری در جزء القراءة، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه، به روایت او استناد کرده‌اند.

مشایخ او: پدرش، عمه‌اش: زینب دختر محمد، سعید بن مسیب، زینب دختر ابوسلمه زبیه پیامبر ﷺ، طاووس، سلیمان بن یسار، مجاهد، عطاء، زهری، و...
راویان از او: عطاء، مکحول، زهری، یحیی بن سعید، عاصم الأخول، قتاده، ایوب سختیانی، ابواسحاق شیبانی، اوزاعی، حکم بن عتیبه، ابن عون، داود بن ابی هند، مطر الوراق، منی الصباح، ابن لهیعه، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۵۱، ۱۵۲.

عمرو بن مره جملی (ع)

عمرو بن مره بن عبدالله بن طارق...، ابوعبدالله مرادی جملی کوفی، نابینا. از حافظان و راویان ثقه، عابد و متهم به إرجاء، که در سال ۱۱۶ و یا ۱۱۸ هـ. درگذشت. صاحبان صحاح، روایات او را نقل کرده‌اند.
مشایخ او: عبدالله بن ابی اوفی، سعید بن مسیب، عبدالرحمن بن ابی لیلی، ابووائل، عمرو بن میمون اودی، ابراهیم نخعی، و...
راویان از او: پسرش: عبدالله؛ ابواسحاق سبیعی، أعمش، منصور، زید بن ابی انیسه، میسر، علاء بن مسیب، اوزاعی، مسعودی، ثوری، شعبه، عوام بن حوشب، و...^۲
راوی احادیث شماره: ۱۷۲، ۱۸۲.

۱- الطبقات، ج ۲، ص ۷۲۶، ش ۲۶۳۲؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۶۳، ش ۶۳۸۳؛ تهذیب التهذیب، ج

۶، ص ۱۵۹، ش ۵۲۱۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۷۲.

۲- الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۱۵؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۷۷، ش ۱۲۱۶؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص

۱۲۱، ش ۱۰۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۸۸، ش ۶۴۴۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۰۹، ش

۵۲۹۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۷۸.

فَطْرُ بِنِ خَلِيفَه / خ ۴

فَطْرُ بِنِ خَلِيفَه قُرَشِيٌّ مَخْزُومِيٌّ، ابوبكر حَنَاطُ كُوفِيٌّ، كه به گفته ابن حَجَر، از راویان تابعی صدوق مَرَمِيٌّ به تشیع طبقه پنجم است.

نظرات شماری از عالمان رجالی درباره او بدین شرح است:

احمد بن حنبل: ثقة صالح الحديث. يحيى بن سعيد: ثقة. ابن معين: ثقة شيعي، ابوحاتم: صالح الحديث. نسائي: لا بأس به، ثقة حافظ كيس. عبدالله بن احمد بن حنبل به نقل از پدرش: ثقة صالح الحديث، حديثه حديث رجل كيس إلا أنه يتشيع.

عجلبي: كوفي ثقة، حسن الحديث، وكان فيه تشيع قليل.

ساجي: وكان يقدم علياً على عثمان.

ابوبكر بن عياش: ما تركت الرواية عنه إلا لسوء مذهبه.

احمد بن يونس: كنت أمراً به وأدعه مثل الكلب.

در میزان الاعتدال از «جعفر الأحمر» نقل می‌کند: سَمِعْتُ فَطْرُ بِنِ خَلِيفَةَ فِي مَرَضِهِ يَقُولُ: مَا يَسُرُّنِي أَنْ مَكَانَ كُلِّ شَعْرَةٍ فِي جَسَدِي مَلِكٌ يَسْبِحُ اللَّهَ لِحُبِّي أَهْلَ الْبَيْتِ.

او در سال ۱۵۳ یا ۱۵۵ هـ. چشم از جهان فرو بست. بخاری، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایات او استناد می‌کنند.

مشایخ او: ابوالطفیل عامر بن وائله، پدرش، مُنْذِرُ ثَوْرِيٌّ؛ ابووائل، ابواسحاق سبیبی، مُجَاهِدُ بِنِ جَبْرِ، قَاسِمُ بِنِ أَبِي بَرْزَه، عَطَاءُ بِنِ أَبِي رَبَاح، عَاصِمُ بِنِ يَهْدَلَه، و...

راویان از او: ابن مبارک، وَكَيْع، قَطَّان، سُفْيَانِثْنِ، فَضْلُ بِنِ مُوسَى، مُحَمَّدُ بِنِ بَشْر، عُبَيْدُ اللَّهِ بِنِ مُوسَى، فَرْيَابِيٌّ، يَحْيَى بِنِ آدَم، أَبُو أُسَامَه، قَبِيصَه، ابونُعَيْمِ فَضْلُ بِنِ دُكَيْنِ، و...

راوی احادیث شماره: ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۶۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۳، ش ۱۲۷۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص

۳۶۳، ش ۶۷۷۹؛ تهذيب التهذيب، ج ۶، ص ۴۲۸، ش ۵۶۲۹؛ تفریب التهذيب، ج ۲، ص ۱۱۴.

قاسم بن ابی بزه / ع

قاسم بن ابی بزه مکی، ابو عبدالله یا ابو عاصم قاری مخزومی، همدانی الأصل، نام پدرش: نافع یا یسار و یا نافع بن یسار مکی، از راویان تابعی ثقه طبقه پنجم، که در سال ۱۲۴ یا ۱۱۴ یا ۱۱۵ هـ. درگذشت. صاحبان صحاح شش گانه از او حدیث نقل می کنند. مشایخ او: ابوالطفیل، سعید بن جبیر، عکرمه، مجاهد، سلیمان بن قیس، عطاء خراسانی، و...

راویان از او: فطر بن خلیفه، عمرو بن دینار، ابن جریر، شعبه، مشعر، حجاج بن أرطاة، هشام دشتوائی، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۴۰ تا ۱۴۲، ۲۲۵ تا ۲۲۷.

محمد بن اسحاق بن یسار / خت م ۴

محمد بن اسحاق بن یسار، مدنی، ابوبکر یا ابو عبدالله مطلیبی، ساکن عراق، از حافظان و راویان طبقه پنجم، یکی از عالمان برجسته و صاحب تصنیف در خصوص مغازی و سیر است که مرمی به تشیع و قدر می باشد.

شماری از عالمان رجالی، او را ثقه می دانند. ابن حبان در الثقات می نویسد: دو نفر یعنی هشام و مالک درباره او حرف دارند، و سپس نظر آن دو را مورد نقد و رد قرار می دهد. ابن حجر او را صدوق و تدلیسگر معرفی می کند.

او در یکی از سالهای ۱۵۰ تا ۱۵۳ هـ. از دنیا رفت. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن، روایت او را نقل کرده اند و بخاری نیز به آن استشهاد نموده است.

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۷۹؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۰۶، ش ۲۵۵۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۳۹، ش ۵۶۴۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۵.

مشایخ او: پدرش، عموهایش: عبدالرحمن و موسی؛ أعرج، عبیدالله بن عبدالله بن عمر، محمد بن ابراهیم بن حارث تیمی، قاسم بن محمد بن ابی بکر، زهری، ابن منکدر، مکحول، عطاء بن ابی رباح، و...
 راویان از او: یحیی بن سعید انصاری، جریر بن حازم، ابن عون، حماد بن سفیان، شعبه، ابن ادريس، هشيم، ابو عوانه، سلمة بن فضل رازی، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۲۷۱.

مکحول شامی / ز [ر] م ۴

مکحول دمشقی، ابو عبدالله بن ابی مسلم هذلی، از فقیهان حافظ و مفتی دمشق و از راویان تابعی، ثقه، کثیر الإرسال و بلند آوازه طبقه پنجم، که اصالة اهل کابل و یا از خاندان فارسی و کسری و نام پدرش سهراب بود. پس از اسیر شدن آزاد شد، و از عالمان برجسته به شمار می آید که در فراگیری دانش، سخت کوشا بود. ابن اسحاق از او نقل می کند: طُفْتُ الْأَرْضَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ.

ذهبی از زهری نقل می کند: عالمان، چهار تن هستند: سعید بن مسیب در مدینه، شعبی در کوفه، حسن در بصره، و مکحول در شام.
 و قيل: كان في لسانه لكنة يجعل القاف كافاً.

سال درگذشت مکحول را از ۱۱۲ تا ۱۱۸ هـ. نوشته اند. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن، و بخاری در «جزء القراءة خلف الإمام» از او حدیث نقل کرده اند.

مشایخ او: ابو امامه باهلی، و ائله بن اسقع، انس بن مالک، محمود بن ربیع، جبیر بن نفیر، سلیمان بن یسار، طاووس، و...

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۷۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۷۲، ش ۱۶۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۷، ص ۳۵ تا ۴۱، ش ۵۹۲۹؛ تريب التهذيب، ج ۲، ص ۱۴۴.

راویان از او: اَوْزَاعِيّ، اَيُّوب بن موسى، عَلَاء بن حارث، زيد بن واقد، ثَوْر بن يزيد، حَجَّاج بن أَرْطَاة، عِكْرِمَة بن عَمَّار، نُعْمَان بن مُنْذِر، مُحَمَّد بن اسحاق، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۲۲۹.

مَنْصُور بن مُعْتَمِر / ع

مَنْصُور بن مُعْتَمِر بن عبدالله سُلَمِيّ، ابو عَتَّاب كوفيّ از فقیهان متعبّد بلند پایه، و از راویان حافظ، حجّت، ثقه، ثبّت و صالح طبقه پنجم که ذَهَبِيّ از «زائده» درباره او چنین نقل می کند:

صام منصور أربعين سنة و قام ليها و كان يبكي الليل كله، فإذا أصبح كحل عينيه و برق شفّتيه و دهن رأسه، فتقول له أمه: أقتلت قتيلاً؟ فيقول: أنا أعلم بما صنعت نفسي. أخذه يوسف بن عمر أمير العراق ليؤليه قضاء الكوفة فامتنع، فدخلت عليه، و قد جسيء بالقيد ليقيدده، ثم خلى عنه.

و نیز از احمد عَجَلِيّ نقل می کند: منصور، شخصی صالح و متعبّد بود و کسی درباره او اختلاف نداشت، اُكْرِه على القضاء فقضى شهرين، قال: و فيه تشيع قليل. و كان قد عمش من البكاء (و صام ستين سنة و قامها)، قالت فتاة لأبيها: يا أبتِ الأسطوانة التي كانت في دار منصور ما فعلت؟ قال: يا بُنَيَّة ذاك منصور كان يصلي بالليل و قدمات. قال الثَّوْرِيّ: لو رأيت منصوراً يصلي، لقلت يموت الساعة.

منصور در سال ۱۳۲ هـ. رخت از دنیای فانی بر بست. صاحبان صحاح شش گانه به روایات او استناد کرده اند.

مشایخ او: ابووائل، زيد بن وهب، ابراهيم نخعيّ، حسن بصريّ، ربيعي بن جراش،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۵۳؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۹۳، ش ۲۹۲۵؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰۷، ش ۹۶؛ ميزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۷، ش ۸۷۴۹؛ تهذيب التهذيب، ج ۸، ص ۳۳۲، ش ۷۱۵۳؛ تريب التهذيب، ج ۲، ص ۲۷۳.

تمیم بن سلمه، سعد بن عبیده، سعید بن جبیر، مجاهد، منهل بن عمرو شیبی، ابو حازم
اشجعی، و...

راویان از او: ایوب، اعمش، سلیمان تیمی، سفیان ثوری، شعبه، شیبان، مسعر،
شریک، فضیل بن عیاض، زائده، زهیر بن معاویه، ابوالأخوص (سلام بن سلیم)، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۷۳.

یحیی بن ابی کثیر طائی / ع

یحیی بن ابی کثیر طائی ابونضر یمامی، نام پدرش: یسار، یا صالح، یا نشیط، و یا
دینار.

وی از محدثان صاحب نام ثقه، ثبت ولی دارای تدلیس و ارسال است.
در تذکره الحفاظ آمده است: و قد روی أن یحیی امتحن و ضرب و حلق؛ لکونه انتقص
بني أمية.

او در سال ۱۲۹ یا ۱۳۲ هـ. در گذشت. صاحبان صحاح شش گانه از او روایت نقل
کرده اند.

ابوحاتم گفته است: او هیچ یک از صحابه را درک نکرد، تنها آنس را در
مسجد الحرام دید که نماز می خواند، از این رو روایت او از آنس به نحو مُرْسَل است.
مشایخ او: ابوسلمه بن عبدالرحمن بن عوف، ابوقلابه، ابونضره عبیدی، هلال بن ابی
میمونه، عکرمه، عطاء، و...

راویان از او: پسرش: عبدالله؛ عکرمه بن عمار، معمر بن راشد، هشام دستوائی، ایوب
سختیانی، اوزاعی، هشام بن حسان، همّام بن یحیی، ایوب بن نجار، ابان العطار، شیبان

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۳۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۱، ش ۱۲۳۰؛ تذکره الحفاظ، ج
۱، ص ۱۴۲، ش ۱۳۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، صص ۳۵۸ تا ۳۶۰، ش ۷۱۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲،
ص ۲۷۶.

نَحْوِيَّ، عِمْرَانَ الْقَطَّانَ، وَ...^۱

حدیثی به روایت یحیی بن ابی کثیر از ابوسلمه از ابوهریره، نقل شده که با حذف سلسله سند بدین شرح است:

یحیی بن ابی کثیر، عن ابی سلمة، عن ابی هريرة، عن النبي ﷺ قال: «حاجَّ آدمُ موسى، فقال: أنت الذي أخرجت الناس من الجنة وأشقيتهم. فقال: يا موسى، أنت الذي اصطفاك الله برسالاته وكلامه، تلو مني على أمر كتبته الله عليّ أو قدره عليّ قبل أن يخلقني [بأربعين سنة] قال رسول الله ﷺ: فحجَّ آدمُ موسى»^۲.

راوی حدیث شماره: ۱۰.

یزید بن ابی زیاد هاشمی / ختم ۴

یزید بن ابی زیاد قرشی هاشمی، کوفی، از راویان طبقه پنجم، که «ابن حَجَر» در باره او می نویسد: ضعیف، کبر فتغیر، صار يتلقن، وكان شيعياً.

و نیز شماری از عالمان رجالی، مانند نسائی، ابن معین و... او را حافظ و قوی نمی دانند، «ابن سعد» گفته است: كان ثقةً في نفسه إلا أنه اختلط في آخر عمره، فجاء بالعجائب.

«ابن حَبَّان» نیز می گوید: صدوق است جز اینکه در زمان پیری دچار دگرگونی در حافظه شده... فسمع من سمع منه قبل التغير صحيح.

ولی «یعقوب بن سفیان» و «ابن شاهین» او را به عدالت و وثاقت، توصیف می کنند. او در سال ۴۷ هـ، زاده شد و در سال ۱۳۶ هـ، در سن نزدیک به ۹۰ سالگی درگذشت.

۱ - بنگرید به: الطبقات، ج ۱، ص ۵۱۴، ش ۱۷۸۰؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۸، ش ۱۱۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۰۲، ش ۹۶۰۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۲۸۵، ش ۷۹۱۱؛ تقریب التهذيب، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲۹.

مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن از او روایت، نقل کرده‌اند و نیز بخاری به روایت او استشهاد نموده است.

مشایخ او: ابراهیم نخعی، مجاهد، عکرمه، محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، و...
راویان از او: اسماعیل بن ابی خالد، زائده، شعبه، زهیر بن معاویه، هشیم، ابو عوانه، ابوبکر بن عیاش، شریک، سفیان بن زهریر، جریر بن عبدالحمید، علی بن مسهر، محمد بن فضیل، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۴۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۲، ش ۱۲۳۶؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۲۳، ش ۹۶۹۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۳۴۴، ش ۷۹۹۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۶۵.

طبقه ششم

ابوالحسن کوفی / د

بنابر آنچه در تقریب التهذیب آمده است ابوالحسن کوفی از راویان مجهول طبقه ششم می باشد که «ابوداود» از او حدیث، نقل کرده است.

مؤلف میزان الاعتدال نوشته است: ابوالحسن [س] عن هلال بن عمرو، عن عليّ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَرَاءِ النَّهْرِ يُقَالُ لَهُ الْحَارِثُ، تَفَرَّدَ عَنْهُ مُطَرِّفُ بْنُ طَرِيفٍ.
در تهذیب التهذیب نیز مشابه عبارت یادشده آمده است.^۱
راوی حدیث: ۲۳۲.

جریر بن عبدالحمید بن قزط / ع

جریر بن عبدالحمید بن قزط ضبّی، کوفی، ابو عبدالله رازی، از راویان ثقه طبقه ششم، متولد ۱۰۷ هـ. در یکی از قریه های اصفهان، بزرگ شده کوفه، ساکن ری و قاضی آنجا

۱ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۵۱۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۸۱، ش ۸۳۳۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲ - به ضم قاف، و سکون راء (تقریب التهذیب).

بود که در سال ۱۸۸ هـ. در همان شهر وفات یافت.

مشایخ او: منصور بن مُعْتَمِر، أَعْمَش، عبدالملك بن عُمَيْر، ابواسحاق شَيْبَانِي، يحيى ابن سعيد انصاري، سليمان تَيْمِي، عاصم أَحْوَل، عبدالعزيز بن رُفَيْع، يزيد بن ابي زياد، و...
 راویان از او: علي بن مدني، اسحاق بن راهويه، قُتَيْبَة، يوسف بن موسى قَطَّان، احمد بن حنبل، عثمان بن ابي شيبة، ابو خيثمه، يحيى بن معين، و...^۱
 راوی احادیث شماره: ۲۰۶، ۲۶۰، ۲۶۱.

امام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام / بخ م ۴

جعفر بن محمد بن علی بن الحُسن بن علی بن ابي طالب، هاشمی عَلَوِيّ مَدَنِي، ابو عبدالله، معروف به صادق، از راویان صدوق، فقیه، امام طبقة ششم.^۲ مادرش «أمّ قَرَوَه» دختر قاسم بن محمد بن ابي بكر^۳، که دیدگاه برخی عالمان رجالی درباره آن حضرت بدین شرح است.

ابن ابي حاتم از پدرش نقل می‌کند: ثقةٌ لَا يُسأل عَنْ مثله.

ابن عَدِيّ: وهو من ثقات الناس كما قال يحيى بن معين.

عَمرو بن ابي المقدم: كنتُ إذا نظرتُ إلى جعفر بن محمد علمتُ أنه من سُلالة النبيين.

ابن حِبَّان در الثقات: كان من سادات أهل البيت فقهاً، وعلماً، وفضلاً.

نسائی در الجرح والتعديل: ثقة.

۱- الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۸۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۸، ش ۱۳۰۰؛ و ج ۲، ص ۸۴۲، ش ۳۱۶۷؛

تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۷۱، ش ۲۵۷؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۹۴، ش ۱۴۶۶؛ تهذيب التهذيب،

ج ۲، ص ۴۱، ش ۹۵۷؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲- ولی مؤلفان تذكرة الحفاظ و طبقات الحفاظ، آن حضرت را در طبقة پنجم برشمرده‌اند.

۳- مادر «أمّ قَرَوَه»، «أسماء» دختر عبدالرحمن بن ابي بكر است، از این رو می‌فرمود: «وَلَدَنِي أَبُو بَكْرٍ

مَرَّتَيْنِ».

قال مالك: اختلفت إليه زماناً فما كنت أراه إلا على ثلاث خصال: إما مُصلِّ، وإما صائم، وإما يقرأ القرآن، ومارأيته يحدث إلا على طهارة^١.

ابوحنيفة: ما رأيت أفقه من جعفر بن محمد.

صالح بن ابى الأسود: سمعت جعفر بن محمد، يقول: سلوني قبل أن تفقدوني؛ فإنه لا يُحدِّثكم أحدٌ بعدي بمثل حديثي^٢.

در تهذيب الكمال، می نویسد:

قال ابو العباس بن عُقْدَةَ: حدَّثنا جعفر بن محمد بن حسين بن حازم، قال: حدَّثني ابراهيم بن محمد الرُّمَّانِيُّ، أبو نَجِيحٍ قال: سمعتُ حسن بن زياد يقول: سمعتُ أبا حنيفة وسُئِلَ: مَنْ أَفْقَهُ مَنْ رَأَيْتَ؟ فقال: ما رأيتُ أحداً أفقه من جعفر بن محمد، لما أقدمه المنصور الحيرة، بعث إليّ، فقال: يا أبا حنيفة، إنَّ الناس قد فُتِنُوا بجعفر بن محمد، فهَيِّئْ له من مسائلك الصُّعاب، قال: فهَيَّأتُ له أربعين مسألةً، ثمَّ بعث إليّ أبو جعفر، فأتيته بالحيرة، فدخلتُ عليه وجعفر جالس عن يمينه، فلما بصُرتُ بهما دخلني لجعفر من الهيبة ما لم [يدخلني] لأبي جعفر، فسَلَّمْتُ، وأذن لي، فجلستُ، ثمَّ التفتَ إليّ جعفر، فقال: يا أبا عبد الله، تعرف هذا؟ قال: نعم، هذا أبو حنيفة، ثمَّ أتبعها؛ قد أتانا، ثمَّ قال: يا أبا حنيفة، هات من مسائلك، نَسألُ أبا عبد الله، وابتدأتُ أسأله، وكان يقول في المسألة: أنتم تقولون فيها كذا وكذا، وأهل المدينة يقولون كذا وكذا، ونحن نقول كذا وكذا، فربَّما تابعنا وربَّما تابع أهل المدينة، وربَّما خالفنا جميعاً، حتَّى أتيتُ على أربعين مسألةً ما أخرج منها مسألةً، ثمَّ قال أبو حنيفة: أليس قد روينا أن أعلم الناس أعلمهم باختلاف الناس؟!

آن حضرت در سال ۵۸۰. متولد شد و در سال ۱۴۸ هـ. به شهادت رسید.

امام صادق عليه السلام، از اشخاص زیر روایت کرده است:

پدرش؛ محمد بن مُنْكَدِر، عبیدالله بن ابی رافع، عطاء، عُرْوَة بن الزُّبَيْر، جدّ

۱ - بنگرید به: تهذيب التهذيب، ج ۲، ش ۹۹۴.

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶.

مادری اش: قاسم بن محمد؛ نافع، زهری، مسلم ابن ابی مریم، و...
 راویان از او: پسرش: موسی بن جعفر؛ ابان بن تغلب، شعبه، سفیان بن، مالک، حاتم بن
 اسماعیل، یحیی القطان، ابوعاصم النبیل، ابن جریر، ابوحنیفه، وهیب بن خالد، یحیی
 ابن سعید انصاری.

دراوردی گفته است: لم یرو مالک عن جعفر حتی ظهر أمر بني العباس.
 صاحبان صحاح، بجز بخاری به حدیث آن حضرت، استناد جسته‌اند، و بخاری نیز
 در الأدب المفرد از آن حضرت، حدیث نقل کرده است.^۱
 راوی حدیث شماره: ۲۷۹.

خلف بن حوشب = ابویزید آغور / خت عس

خلف بن حوشب کوفی، عابد، ابویزید، یا ابو عبدالرحمن و یا ابومرزوق آغور، از
 راویان ثقه طبقه ششم، متوفای پس از ۱۴۰ هـ. بخاری در جزء القراءة، و نسائی در مسند
 علی از او حدیث، نقل کرده‌اند.

مشایخ او: ابواسحاق سبیعی، ایاس بن سلمة بن اکوع، عطاء بن ابی رباح، عمرو بن
 مره، مجاهد، و...

راویان از او: شعبه، مسعر، ابن عیینه، شریک، ابوبدر شجاع بن ولید، مروان بن
 معاویه، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۷۲، ۱۸۲.

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۷۳، ش ۲۴۰۹؛ تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۴۱۸، ش ۹۳۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱،
 ص ۱۶۶، ش ۱۶۲؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۱۴، ش ۱۵۱۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۶۸، ش
 ۹۹۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۳۲؛ طبقات الحفاظ، ص ۷۲، ش ۱۵۵.

۲ - بنگرید به: تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۵۶۸، ش ۱۷۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۲۵.

داود بن عبدالجبار کوفی مؤذن

با توجه به طبقه مشایخ او، و راویان از او، گویا از راویان طبقه ششم باشد. در میزان الاعتدال و لسان المیزان، نظرات رجال شناسان، درباره او بدین صورت نقل شده است:

بخاری: منکر الحدیث. نسائی: متروک: ابن خراش: کوفی لأبأس به، ابوحاتم و ابوزرعه: منکر الحدیث، ساجی: فيه لين، آجری: ضعیف الحدیث. وی از تابعان روایت می‌کند.

مشایخ او: ابواسحاق سیبسی، ابراهیم بن جریر بن عبدالله، سلمة بن مجنون صاحب ابی هریره.

راویان از او: سوید بن سعید، یحیی حمانی، سلیمان بن داود، ابوالربیع زهرانی، سعید بن محمد جزیمی^۱.

راوی احادیث شماره: ۹، ۷.

زیاد بن بیان رقی / دق

زیاد بن بیان رقی، از راویان صدوق و عابد که ابوداود و ابن ماجه روایت او را درباره مهدی، نقل کرده‌اند.

مشایخ او: علی بن نقیل جد ابوجعفر ثقیلی، میمون بن مهران، سالم بن عبدالله.

راویان از او: ابوالملیح رقی، جعفر بن بزقان، ابن علیّه و هانی بن فروخ^۲.

راوی احادیث شماره: ۲۴۶ تا ۲۵۳.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۰، ش ۲۶۲۲؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۱۹، ش ۱۷۳۶؛ تاریخ الإسلام، ج

۱۲، ص ۱۴۸، ش ۱۰۳ (وفیات ۱۸۱ - ۱۹۰ هـ).

۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۸۷، ش ۲۹۲۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۸۱، ش ۲۱۲۶؛ تقریب

التهذیب، ج ۱، ص ۲۶۵.

سعید بن عمرو بن آشوع همدانی / خ م ت

سعید بن عمرو بن آشوع همدانی، اهل کوفه و قاضی آن، از راویان ثقه و مریمی به تشیع طبقه ششم که در حدود سال ۱۲۰ هـ. درگذشت. بخاری، مسلم و ترمذی به روایت او استناد کرده‌اند.

مشایخ او: شریح بن نعمان صائدی، شریح بن هانی، حسن بن ربیع، شعبی ابو بردة ابن ابی موسی، یزید بن سلمه جعفی، (ولی او را درک نکرده است)، و...
 راویان از او: سعید بن مسروق ثوری و پسرش: سفیان بن سعید؛ خالد الحداء، زکریا ابن ابی زانده، لیث بن ابی سلیم، حبیب بن ابی ثابت، سلمة بن کھیل، ابواسحاق سبیعی، عبدالملک بن عمیر، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۵۱

صالح بن ابی مزیم ضبعی^۲ = ابوالخلیل / ع

صالح بن ابی مزیم ضبعی، ابوالخلیل بصری، از راویان طبقه ششم که ابن مسعین و نسائی، او را توثیق کرده‌اند و ابن حبان نیز در الثقات از او نام می‌برد، ولی ابن عبدالبر در التمهید گفته است: لا یحتج به. صاحبان صحاح شش‌گانه، روایت او را نقل کرده‌اند.
 مشایخ او: عبدالله بن حارث بن نوفل، مجاهد، ابوعلقمة هاشمی، ایاس بن حرمله و یا حرمله بن ایاس، مسلم بن یسار و... و نیز به صورت ارسال از ابوقتاده، ابوموسی، ابوسعید، و...

راویان از او: عطاء بن ابی رباح، مجاهد که استاد اوست، قتاده، ابوالزبیر، منصور بن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۲۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۷۴، ش ۱۲۰۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص

۳۵۶، ش ۲۴۴۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۰۲.

۲ - به ضم ضاد و فتح با، منسوب به ضبیعة بن قیس (بنگرید به: تقریب التهذیب).

مُعْتَمِر، أَيُّوبِ سَخْتِيَانِي، عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شُبْرَمَةَ، وَ...^۱
 راوی احادیث شماره: ۲۵۴، تا ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۳، تا ۲۶۶.

عَاصِمُ بْنُ بَهْدَلَةَ = ابْنُ أَبِي النَّجُودِ / ع

عَاصِمُ بْنُ بَهْدَلَةَ = ابْنُ أَبِي النَّجُودِ أَسَدِي، كُوفِي، أَبُو بَكْرٍ مُقَرِّي، از قاریان هفت تن که «ابن حَجَر» او را این چنین توصیف می‌کند: صَدُوقٌ لَهُ أَوْهَامٌ حِجَّةٌ فِي الْقِرَاءَةِ وَ حَدِيثُهُ فِي الصَّحِيحَيْنِ مَقْرُونٌ.

ابن حَبَّانٌ او را در الثقات نام می‌برد، و از «عِجْلِي» نقل شده که او عثمانی بوده است. ابن معین گفته است: ثقة لا بأس به.

او در سال ۱۲۸ هـ. درگذشت. صاحبان صحاح شش گانه، از او روایت نقل کرده‌اند. مشایخ او: زَرِّ بْنِ حُبَيْشٍ، أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيُّ، ابُو وائِل، ابُو صَالِحِ السَّمَّانِ، ابُو رَزِينِ، مُسَيَّبُ بْنُ رَافِعٍ، مُصْعَبُ بْنُ سَعْدٍ، مَعْبُدُ بْنُ خَالِدٍ، سَوَاءُ خُزَاعِيٍّ، وَ...
 راویان از او: أَعْمَشٌ، مَنْصُورٌ، عَطَاءُ بْنُ أَبِي رَبَاحٍ، شُعْبَةُ، سُفْيَانُ بْنُ حَمَّادٍ، سَعِيدُ بْنُ أَبِي عَرُوبَةَ، زَائِدَةُ، أَبُو خَيْثَمَةَ (زُهَيْرُ بْنُ مَعَاوِيَةَ)، شَرِيكٌ، ابُو عَوَّانَةَ، حَفْصُ بْنُ سَلِيمَانَ، ابُو بَكْرٍ بْنُ عِيَّاشٍ وَ...^۲

شماری از راویان که حدیث پیامبر ﷺ را درباره مهدی عجل الله فرجه از عاصم روایت کرده‌اند همراه با شماره حدیث، به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱ - محمد بن ابراهیم ابوشهاب / ۱، ۱۶۲، ۱۶۳.
- ۲ - عثمان بن عبدالله بن شبرمه / ۱۵۴، ۱۵۵.
- ۳ - سفیان بن عیینه / ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۵۸، ۱۸۵.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۶، ش ۲۹۶۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۶۲.
 ۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۲۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۶۹، ش ۱۱۷۶؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۵۷، ش ۴۰۶۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۳۱، ش ۳۱۳۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۸۳.

- ۴- اَعْمَش / ۱۶۴، ۱۹۰.
 - ۵- ابوبکر بن عیاش / ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۰۲.
 - ۶- عمر بن عبید طنافسی / ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۹.
 - ۷- سفیان ثوری / ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۴، ۲۰۰.
 - ۸- ابواسحاق شیبانی / ۱۷۳.
 - ۹- عبدالله بن حکیم بن جبیر / ۱۷۴.
 - ۱۰- عبدالملک بن ابی غنیه / ۱۷۸.
 - ۱۱- ابوالأخوص سلام بن سلیم / ۱۸۰، ۱۸۹.
 - ۱۲- عمرو بن قیس ملاتی / ۱۸۱.
 - ۱۳- حمزة بن الزیات / ۱۸۳.
 - ۱۴- سلیمان بن قزم / ۱۸۴، ۲۰۲.
 - ۱۵- شعبه / ۱۸۶، ۲۰۰.
 - ۱۶- واسط بن حارث / ۱۸۷، ۱۹۱.
 - ۱۷- هشام بن ابی عبدالله دشتوائی / ۱۸۸.
 - ۱۸- زانده / ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳.
 - ۱۹- فطر بن خلیفه / ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۱.
 - ۲۰- یحیی بن ثعلبه / ۲۰۲.
 - ۲۱- حماد بن سلمه / ۲۰۲.
 - ۲۲- قیس بن ربیع / ۲۰۲.
- راوی احادیث شماره: ۱، ۱۵۴ تا ۱۷۱، ۱۷۳ تا ۱۸۱، ۱۸۳ تا ۱۹۴، ۱۹۶ تا ۲۰۴.

عبدالله بن عون بن ازطبان = ابن عون / ع

عبدالله بن عون بن ازطبان مُزَنِّي، ابوَعَوْن بَصْرِيّ، از راویان حافظ، ثقه، ثبت، فاضل و کثیر الحدیث طبقة ششم که در علم و عمل از همسالان ایوب بود.

عبدالرحمن بن مهدی درباره او گفته است: در عراق، دانشمندتر از ابن عون، در سنت نبود. ابن مدینی می گوید: او در مدینه از قاسم و سالم، در بصره از حسن و ابن سیرین، در کوفه از شعبی و نخعی، در مکه از عطاء و مجاهد، و در شام از مکحول و رجاء بن حیّات، حدیث شنیده است.

از بکار سیرینی نقل شده که یک روز در میان روزه می گرفت.

ابن عون در سال ۶۶ هـ. به دنیا آمد و در ماه رجب سال ۱۵۰ هـ. از دنیا رفت. در صحاح شش گانه از او روایت نقل کرده اند.

مشایخ او: سعید بن جبیر، ابوائل، ابراهیم نخعی، عطاء، مجاهد بن جبر، شعبی، حسن بصری، قاسم بن محمد بن ابی بکر، انس بن سیرین، محمد بن سیرین، زیاد بن جبیر، و...

راویان از او: حماد بن زید، اسماعیل بن علیّه، اسحاق ازرق، یزید بن هارون، ابو عاصم و محمد بن عبدالله انصاری، مسلم بن ابراهیم، اعمش، داود بن ابی هند، ثوری، شعبه، قطان، ابن مبارک، وکیع، عبّاد بن عوام، هشیم، بشر بن مفضل، ازهر بن سعد السّمان، نصر بن سمیل، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۴۲، ۴۷.

۱ - بنگرید به: الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۲۶۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۸، ش ۱۸۳۸؛ تذکرة الحفاظ، ج

۱، ص ۱۵۶، ش ۱۵۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۲۴، ش ۳۶۰۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۳۹.

عبدالملک بن عبدالعزیز = ابن جریر / ع

عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریر رومی اموی، ابوالولید و ابو خالد مکی، از عالمان برجسته، حافظ و فقیه مکه و صاحب تصانیف، و از راویان ثقه طبقه ششم و دارای تدلیس و ارسال در حدیث که برابر نقل از احمد بن حنبل، نخستین شخصی است که کتابهایی تصنیف کرد. از او نقل شده که هفده سال ملازم عطاء بودم، و از ابن مدینی نقل شده: لم یکن فی الأرض أعلم بعطاء من ابن جریر.

ابوعاصم گفته است: کان ابن جریر من العباد، کان یصوم الدهر إلا ثلاثة أيام من الشهر. وکانت له امرأة عابدة. «جریر» گفته است: کان ابن جریر یری المتعة، تزوج ستین امرأة. و از «شافعی» نقل شده که می گفت: استمتع ابن جریر بتسعين امرأة.^۱

او در سال ۸۰ هـ. به دنیا آمد و در سال ۱۵۰ یا ۱۵۱ هـ. در حالی که بیش از ۷۰ سال از عمرش می گذشت رخت از جهان بر بست. در صحاح شش گانه، از او حدیث، نقل کرده اند. مشایخ او: پدرش: عبدالعزیز، مجاهد، عطاء بن ابی رباح، عمرو بن شعیب، نافع مولى ابن عمر، زهری، عطاء خراسانی، عکرمه، عمرو بن دینار، ابوالزبیر، محمد بن منکدر، ایوب سختیانی، جعفر الصادق، حارث بن ابی ذباب، زیاد خراسانی، قاسم بن ابی بزه، هشام بن حسان، یحیی بن سعید انصاری، و...

راویان از او: پسرانش: عبدالعزیز و محمد؛ سفیائین، مسلم بن خالد، اسماعیل بن علیّه، حجاج بن محمد مصیبی، ابوعاصم، وکیع، عبدالرزاق، اوزاعی، یحیی بن سعید انصاری (از استادانش)، حماد بن زید، عبدالوهاب ثقفی، اسماعیل بن عیاش، زهیر بن محمد تمیمی، ابن مبارک، قطان، ولید بن مسلم، غندر، ابواسامه، علی بن مسهر، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۱ تا

۱ - در میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۵۹، آمده است: «هو أحد الأعلام الثقات... و هو مُجمَع علی ثقته مع كونه تزوج نحواً من سبعین امرأة نکاح متعة کان یری الرخصة فی ذلك وکان فقیه أهل مکه فی زمانه».

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۹۱؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۱۰، ش ۲۵۸۰؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۹، ش ۱۶۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۳، ش ۴۳۱۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۰.

علاء بن بشیر مَزَنِي / د

علاء بن بشیر مَزَنِي: که ابن حَجَر وی را از راویان مجهول طبقه ششم، معرفی می‌کند، ولی ابن حَبَّان، او را در الثقات آورده است. او از ابوالصّدیق ناچگی روایت می‌کند. مُعَلّی بن زیاد قُرْدُوسِيّ که از او روایت می‌کند درباره او می‌گوید: وکان ما عَلِمْتُهُ شجاعاً عند اللّقاء، بکاءً عند الذّکر. در میزان الاعتدال حدیث شماره ۹۳ را از مُسند احمد بن حنبل نقل می‌کند.^۱ راوی احادیث شماره: ۹۳ تا ۹۵.

علی بن نَقِیل / د ق

علی بن نَقِیل بن زَرّاع نَهْدِيّ، ابو محمد جَزَرِيّ حَرّانِيّ، جدّ عبدالله بن محمد نَقِیلِيّ، از راویان طبقه ششم که «ابوحاتم» و «ابن حَجَر» درباره او گفته‌اند: لا بأس به، «ابن حَبَّان» از او در الثقات نام برده است. در میزان الاعتدال حدیث شماره ۲۵۳ از او نقل شده است. او در سال ۱۲۵ هـ. درگذشت. ابوداود و ابن ماجه از او حدیث نقل کرده‌اند.^۲ مشایخ او: سعید بن مُسَیب و شیب بن دَیسم باهلیّ. راویان از او: زیاد بن بیان، ثَوْرِيّ، ابوالملیح الرّقِيّ، ابوزُوح النّضْر بن عَرَبِيّ و جعفر ابن بُرْقان. راوی احادیث شماره: ۲۴۶ تا ۲۵۳.

۱ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۹۷، ش ۵۷۱۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۹۱، ش ۵۴۱۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۹۱.
۲ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۶۰، ش ۵۹۵۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۷۴۹، ش ۴۹۵۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۵.

عُمَارَةُ بن أَبِي حَفْصَةَ / خ ، ۴

عُمَارَةُ بن أَبِي حَفْصَةَ ثَابِتٌ، و یا ثَابِتٌ، اَزْدِيُّ عَتَكِيُّ، ابورَوْح و یا ابوالْحَكَم. از راویان ثقه طبقة ششم.

در تهذیب التهذیب آمده: له فی الصحیح حدیث عائشة، لَمَّا فُتِحَتْ خَیْرَ قَلْنَا الْآنَ نَشِيعَ مِنَ التَّمْرِ. و عند (ق) فی ذِکْرِ الْمَهْدِيِّ.

وی در سال ۱۳۲ هـ. درگذشت. بخاری، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن از او حدیث، نقل کرده‌اند.

مشایخ او: ابوعثمان نَهْدِيُّ، عِکْرِمَةُ مَوْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ، حَسَنُ بَصْرِيٍّ، زَيْدُ الْعَمِّيِّ، ضَحَّاكُ بنِ مُزَاجِمٍ، ابوعثمان خُراسَانِي، و...

راویان از او: حَسِينُ بنِ وَاقِدٍ قَاضِي مَرُو، مُحَمَّدُ بنِ مَرْوَانَ عُقَيْلِيٍّ، شُعْبَةُ، يَزِيدُ بنِ زُرَيْعٍ، يَزِيدُ بنِ هَارُونَ، عَلِيُّ بنِ عَاصِمٍ، و...

راوی احادیث شماره: ۱۱۵ تا ۱۱۹.

عَمْرُو بنِ قَاسِمٍ كُوفِيٍّ

عَمْرُو بنِ قَاسِمٍ بنِ حَبِيبِ تَمَّارٍ، ابوعَلِيٍّ. «ابن عَدِيٍّ» دربارۀ وی گفته است: وهو مع ضَعْفِهِ يُكْتَبُ حَدِيثُهُ.

او از منصور بن مُعْتَمِرٍ روایت می‌کند^۲ و با توجه به اینکه مشایخ وی در طبقة پنجم قرار دارند، گویا از راویان طبقة ششم باشد.

راوی احادیث شماره: ۲۰۸، ۲۱۰.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۵۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۰، ش ۱۸۰۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص

۱۹، ش ۴۹۹۴؛ تفریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۹.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۸۴، ش ۶۴۲۴؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۷۳، ش ۱۱۰۲.

عمرو بن قیس ملائی^۱ / بخ م ۴

عمرو بن قیس ملائی، ابو عبدالله کوفی، از راویان ثقه، متقن و عابد طبقه ششم که به گفته عجللی: ثقه، من کبار الکوفیین، متعبد، وكان الثوری یشبرک به، وكان یبیع الملاء. وی در سال ۱۴۶ هـ. درگذشت و ابوداود محل درگذشت او را، «سجستان» می‌داند. مشایخ او: ابواسحاق سبیبی، عکرمه، منهل بن عمرو، حکم بن عتیبه، عاصم بن ابی النجود، و...

راویان از او: اسماعیل بن ابی خالد، ثوری، اسماعیل بن زکریا، ابواسحاق اشجعی، ابو خالد الأحمر، سعد بن صلت شیرازی، و...^۲.
راوی احادیث شماره: ۱۸۱، ۲۰۷، ۲۱۱.

عوف بن ابی جمیله = اعرابی / ع

عوف بن ابی جمیله عبیدی هجری، ابوسهل بصری، معروف به عوف اعرابی، عوف صدوق و اعرابی. او از راویان ثقه، صالح الحدیث و کثیرالحدیث طبقه ششم، مرمی به قدر و تشیع است. محمد بن عبدالله انصاری می‌گوید: «داود بن ابی هند» را دیدم که به عوف می‌گفت: وَیَلْکَ یا قَدْرَی. و نیز «بُندار» درباره او گفت: کان قَدْرَیاً رَافِضِیاً شَیْطَاناً. «ابن حبان» در «الثقات» تاریخ تولد او را ۵۹ هـ. نوشته است.

عوف اعرابی در سال ۱۴۶ یا ۱۴۷ هـ. در سن ۸۷ سالگی چشم از جهان فرو بست. و صاحبان صحاح، از او حدیث، نقل کرده‌اند. مشایخ او: ابوالعالیه، ابورجاء عطاردی، ابوعثمان نهدی، حسن بصری و برادرش

۱ - به ضم میم و تخفیف لام و مد (تقریب التهذیب)، در الأنساب آمده است: هذه النسبة إلى الملاء التي تستتر بها النساء، وظنني أن هذه النسبة إلى بیعها. بنابراین «ملائی» یعنی کسی که چادر زنانه می‌فروشد.
۲ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۸۴، ش ۶۴۲۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۹۹، ش ۲۵۷۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۷۷.

سعید بن ابی الحسن، آنس و محمد پسران سیرین، زرارة بن اوفی، علقمة بن وائل، یزید فارسی، ابونضرة عبیدی، و...

راویان از او: شعبه، ثوری، ابن مبارک یحیی بن سعید، قطان، هشیم، غندر، مروان ابن معاویه، معتیر بن سلیمان، روح بن عباده، جعفر بن سلیمان ضبعی، ابن علیّه، ابن ابی عدی، ابوزید انصاری نحوی، محمد بن عبدالله انصاری، ابو عاصم، هودّة بن خلیفه، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱.

عبّاس بن عباس قِتبائی / زم ۴

عبّاس بن عباس قِتبائی حمیری، ابو عبدالرحیم و یا ابو عبدالرحمن مصری، از راویان ثقه طبقه ششم که برخی از صحابه مانند عبدالله بن حارث بن جزء را نیز دیده بود، وی در سال ۱۳۳ هـ. درگذشت. بخاری در جزء القراءة، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن، از او حدیث، نقل کرده‌اند.

مشایخ او: سالم ابوالنضر، عیسی بن هلال، ابوالخیر مرثد یزنی، عبدالله بن زریر غافقی، و...

راویان از او: پسرانش: عمر و عبدالله؛ یحیی بن ایوب، ابن لهیعه، شعبه، لیث، سعید ابن ابی ایوب، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۲۳۳ تا ۲۳۵.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۵۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۶، ش ۱۸۳۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۳۷، ش ۱۲۷؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۰۵، ش ۶۵۳۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۷۹، ش ۵۴۰۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۸۹.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۵۸، ش ۲۷۷۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۱۴، ش ۵۴۶۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۹۵.

لَيْثُ بْنُ أَبِي سَلِيمٍ / خت م ۴

لَيْثُ بْنُ أَبِي سَلِيمٍ بن زُنَيْمٍ^۱ قُرَشِيٌّ، ابوبکر کوفی، نام پدرش: آیمن یا آنس، یا زیاد و یا عیسی، وی از راویان صدوق، صالح و عابد طبقه ششم است که در اواخر زندگی، دچار اختلاط شد و در سال ۱۴۳ یا ۱۴۸ هـ. درگذشت. بخاری به حدیث او استشهاد کرده است و مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او حدیث نقل کرده‌اند.

در میزان الاعتدال احادیثی به روایت او نقل شده، مانند:

«مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ»، «يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْكُتْ».

مشایخ او: طاووس، مُجَاهِد، عَطَاء، عِكْرِمَةَ، نَافِع، ابواسحاق سَبِيعِي، ابوالزُبَيْر مَكِّي، ابوبُرْدَةَ بن موسی، شَهْر بن حَوْشَب، ثَابِت بن عَبْجَلَان، زید بن أَرْطَاة، مِنْهَال بن عمرو، و... راویان از او: شُعْبَةَ بن حَجَّاج، ابْن عَلِيَّة، ابومُعَاوِيَه، ثَوْرِي، يَعْقُوب بن عبد الله قُمِّي، جَرِير بن عبد الحمید، زَائِدَة بن قُدَامَة، شَرِيك، مُحَمَّد بن فَضِيل، مُعْتَمِر بن سُلَيْمَان، قَاسِم ابن مالک، ابوالأخْوَص، و...^۲

راوی حدیث شماره ۵: ۲۶۷.

مُجَالِدُ بْنُ سَعِيدِ هَمْدَانِيٍّ / م ۴

مُجَالِدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عُمَيْرٍ... هَمْدَانِيٌّ، ابوسعيد و ابو عمرو کوفی، از راویان طبقه ششم که قوی نیست و در پایان عمر دچار دگرگونی شد.

مؤلف میزان الاعتدال نوشته است: قال النسائي: ليس بالقوي. و ذكر الأشجع أنه شيعي. وقال البخاري في الضعفاء: ابن أبي القاضي، حدثني عبدالله بن جرير - رجل من بني

۱ - با زاء و نون و به تصغیر (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۴۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۸، ش ۱۲۵۹؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۲۰ تا ۴۲۳، ش ۶۹۹۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۶۱۱، ش ۵۸۸۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص

سعد، حدثنا عبد الله بن نُمَيْر، عن مُجَالِد، عن الشَّعْبِيِّ، عن ابن عَبَّاس قال: لَمَّا وُلِدَتْ فاطمة بنت رسول الله ﷺ سَمَّاهَا المنصورة، فنزل جبرائيل: فقال: يا مُحَمَّد، الله يُقرئك السَّلَامَ. و يُقرئ مولودك السَّلَامَ، وهو يقول: ما وُلِدَ مولود أَحَبُّ إِلَيَّ منها، و أَنَّهَا قد لُقِّبَتْ بِاسْمِ خَيْرِ مَا سَمَّيْتَهَا، سَمَّاهَا فاطمة، لِأَنَّهَا تَفْطَمُ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ.

مُجَالِد در سال ۱۴۴ هـ. درگذشت. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: شَعْبِيُّ، قَيْس بن ابی حازم، ابو وَدَّاعِ جَبْرِ بن ثَوْف، زِيَاد بن علاق، مُحَمَّد ابن نَشْرَهْمَدَانِي، مُرَّة هَمْدَانِي، و...

راویان از او: پسرش: اسماعیل؛ اسماعیل بن ابی خالد، جَرِير بن حازم، شُعْبَة، سُفْيَانُ بن مبارک، هُشَيْم، حَمَّاد بن زید، سعید بن زید، عیسی بن یونس، حَفْص بن غیاث، ابن قُضَيْل، ابن نُمَيْر، یحیی قَطَّان، و...

راوی احادیث شماره ۵: ۴۶، ۱۳۱.

محمد بن سَلَمَه / ز م ۴

محمد بن سَلَمَه بن عبد الله باهلی، ابو عبد الله حَرَانِي، از راویان ثقه که در تذكرة الحفاظ در طبقه ششم ولی در تقرب التهذیب در طبقه یازدهم نوشته شده که احتمالاً اشتباه باشد. او در سال ۱۹۱ هـ. درگذشت.

بخاری در جزء القراءة، مسلم در صحیح، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در سنن، از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: دائی او: ابو عبد الرّحیم خالد بن ابی یزید؛ ابن عَجَلان، هشام بن حَسَّان، ابن اسحاق، و...

۱ - الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۴۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۷، ش ۱۲۵۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۳۸، ش ۷۰۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۵، ش ۶۷۴۲؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۹.

راویان از او: عبدالله بن محمد، ابوجعفر ثقیلی، احمد بن حنبل، محمد بن الصباح
جزجرائی، هاشم بن قاسم حرانی، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۳۵.

محمد بن علی بن عبدالله بن عباس / م ۴

محمد بن علی بن عبدالله بن عباس هاشمی، پدر سَفَّاح و ابوجعفر منصور دوانیقی،
مادرش، «علامه» دختر عبیدالله بن عباس، وی از راویان ثقه طبقه ششم است، از «ابن
الحکم» نقل شده: کان من أجمل الناس، وكان أول من نطق بالدعوة العباسية، وقد
انتشرت دعوته، وكثرت شيعته، وبلغ من السن نيفاً وستين سنة وأوصى إلى ابنه ابراهيم.
وكان ابتداء دعوة بني العباس إلى محمد و لقبوه بالإمام.
او در سال ۱۲۴ یا ۱۲۵ هـ. درگذشت. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه، از
او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: جدش: ابن عباس [ولی ثابت نشده که از جدش حدیث شنیده باشد و لذا
باید به نحو ارسال، روایت کرده باشد، پس مُرسل است]، پدرش، عمر بن عبدالعزیز،
سعید بن جبیر، عبدالله بن محمد بن حنفیه، که برابر نوشته ابن سعد: «کان أبو هاشم عبدالله
ابن محمد بن الحنفیة أوصى إليه، و دفع إليه كتبه و قال له: هذا الأمر في ولدك».
راویان از او: پسرانش: سَفَّاح و ابوجعفر منصور، برادرش: عیسی بن علی؛ حبیب بن
ابی ثابت، هشام بن عروه، یزید بن ابی زیاد، و...^۲
راوی حدیث شماره: ۱۴۸.

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۱۶، ش ۲۹۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۱۸۱، ش ۶۱۵۱؛ تقریب
التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۶.
۲ - الطبقات، ج ۲، ص ۷۹۹، ش ۲۹۵۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۸، ص ۲۲۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص
۳۳۴، ش ۶۴۱۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۳.

محمد بن عمرو / ع

محتمل است محمود بن عمرو، تصحیف شده از محمد بن عمرو باشد که از ابوسلمة بن عبدالرحمن روایت می‌کند.

محمد بن عمرو بن علقمة بن وقاص لثیبی، ابو عبدالله یا ابوالحسن مدنی، از راویان صدوق طبقة ششم است که صاحبان صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد جسته‌اند. وی در سال ۱۴۵ هـ. وفات یافت.

مشایخ او: پدرش، ابوسلمة بن عبدالرحمن، سعید بن حارث، و...

راویان از او: موسی بن عقبه، شعبه، ثوری، حماد بن سلمه، معتز بن سلیمان، ذراوردی، ابن ابی عدی، معاذ بن معاذ، ابن عتیبه، ابوبکر بن عیاش، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۴۵.

مطر بن طهمان وراق / خت م ۴

مطر بن طهمان وراق، ابورجاء خراسانی، سلمی، ساکن بصره، از راویان صدوق ولی کثیرالخطا طبقة ششم. ابن ابی حاتم از پدرش نقل می‌کند که وی صالح الحدیث است، او در سال ۱۲۵ هـ. درگذشت. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او حدیث نقل کرده‌اند و نیز بخاری به روایت او استشهاد نموده است.

مشایخ او: عکرمه، عطاء، حمید بن هلال، معاویه بن قره، شهر بن حوشب، عکرمه ابن خالد، حسن بصری، قتاده، عمرو بن دینار، حکم بن عتیبه، نافع مولی ابن عمر، ابوالزبیر، و...

راویان از او: ابراهیم بن طهمان، ابوهلال راسبی، حمادین، معمر بن هشام دشتوائی،

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۵۲، ش ۶۴۴۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۶.

هَمَّام، شُعْبَه، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۸۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰.

مَطْرَفُ بْنُ طَرِيفِ كُوفِيِّ / ع

مَطْرَفُ بْنُ طَرِيفٍ، ابوبکر یا ابو عبدالرحمن کوفی، از راویان ثقه و فاضل طبقه ششم، متوفای سال ۱۴۱ یا ۱۴۲ و یا ۱۴۳ هـ. صاحبان صحاح شش گانه از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: شَعْبِيٌّ، ابواسحاق سَبْعِيٌّ، عبدالرحمن بن ابی لیلی، حبیب بن ابی ثابت، حَكَمُ بْنُ عَتِيْبَةَ، عَطِيْبَةُ عَوْفِيٌّ، عَطَاءُ بْنُ نَافِعٍ، و...

راویان از او: ابوعوانه، هُشَيْمٌ، ابوجعفر رازی، اسماعیل بن زکریا، سُفْيَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ابْنُ فَضَيْلٍ، عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ، و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۳۲.

موسی بن عبدالله جُهَنِّي / م ت س ق

موسی بن عبدالله، ابن عبدالرحمن جُهَنِّي، ابوسلمه کوفی، از راویان ثقه و عابد طبقه ششم، متوفای ۱۴۴ هـ. مُسْلِمٌ، تَرْمِذِيٌّ نَسَائِيٌّ و ابن ماجه از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: زید بن وَهَبٌ، شَعْبِيٌّ، مُجَاهِدٌ، نافع مولى ابن عمر، و...

راویان از او: شُعْبَه، يحيى بن سعيد قَطَّانٌ، ثَوْرِيٌّ، عَلِيُّ بْنُ مُسْهِرٍ، عبدالله بن نُمَيْرٍ،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۵۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۱۵، ش ۱۷۸۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص

۱۲۶، ش ۸۵۸۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۸، ص ۱۹۸، ش ۶۹۷۰؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۴۵؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۴، ش ۱۲۴۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۸، ص

۲۰۴، ش ۶۹۷۶؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۲۵۳.

مروان بن معاویه، ابن ابی زائده، جعفر بن عون، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۱۳، ۱۱۴.

موسی بن عبیده ربذی / ت ق

موسی بن عبیده بن نشیط بن عمرو بن حارث ربذی، ابوعبدالعزیز مدنی، از راویان ضعیف، صالح و عابد طبقه ششم. متوفای ۱۵۳ هـ. ترمذی و ابن ماجه، از او حدیث نقل کرده‌اند.

در میزان الاعتدال از «زید بن الحباب» نقل شده است: کُنَّا عِنْدَ مُوسَى بْنِ عَبِيدَةَ بِالرَّبَذَةِ، فَأَقَمْنَا عِنْدَهُ، وَرَمَضَ وَمَاتَ، فَأَتَيْنَا قَبْرَهُ وَمَعِيَ رَفِيقٌ لِي، فَجَعَلَ رِيحَ الْمِسْكِ يَفُوحٌ مِنْ قَبْرِهِ، فَجَعَلْتُ أَقُولُ لِرَفِيقِي: أَمَا تَشْمُ؟ أَمَا تَشْمُ؟ وَلَيْسَ بِالرَّبَذَةِ يَوْمَئِذٍ مِسْكَ وَلَا عَنَبٍ.
مشایخ او: برادرانش: عبدالله و محمد؛ عبدالله بن دینار، ایوب بن خالد، علقمة بن مرثد، قاسم بن مهران، محمد بن ثابت، و...

راویان از او: پسر برادرش: بکار بن عبدالله؛ ثوری، ابن مبارک، عیسی بن یونس درآوردی، زید بن الحباب، وکیع، عبدالله بن نمیر، جعفر بن عون، عبیدالله بن موسی، و...^۲
راوی حدیث شماره: ۵۸.

هشام بن حسان آزدی / ع

هشام بن حسان آزدی قردوسی، ابوعبدالله بصری، از راویان بلندپایه و از حافظان ثقه طبقه ششم، متوفای اول ماه صفر ۱۴۸ هـ. صاحبان صحاح شش‌گانه به روایت او

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۵۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۸۵، ش ۱۲۵۰؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۰۹، ش ۸۸۸۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۰۸، ش ۷۲۶۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۵.
۲ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۸۳، ش ۲۴۵۲؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۱۳، ش ۸۸۹۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۱۱، ش ۷۲۷۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۶.

استناد کرده‌اند.

مؤلف تذکرة الحقاظ، نوشته است: قال الفلاس: كان هشام بن حسان من البكائين، والعابدین، أحضرتُ إلى بابہ الجمل والزاد والسفرة ليحجّ، فشقّ علی أمّه وأخذها شبه الرّعدة فبطل من أجلها، فلما توفيتُ كان لا يدع الحجّ، وكان يديم الصوم سوى يوم الجمعة من أجل أمّه، فلما ماتت سرد الصوم.

وقال حمّاد بن سلمة: كانت رؤية هشام بن حسان تُبكي.

مشايخ او: حسن بصری، حمید بن هلال، محمد، انس و حفصه فرزندان سپرین، عکرمه، هشام بن عروه، و...

راویان از او: سفیانی، حمادین، عکرمه بن عمّار، شعبه، زائده، حفص بن غیاث، عبدالله بن ادریس، ابراهیم بن طهمان، ابن جریر، ابن علیّه، جریر بن عبدالحمید، هشیم، یزید بن زریع، ابن ابی عدی، یحیی القطان، ابن مبارک، عبدالاعلی، عبدالله بن نسیم، محمد بن عبدالله انصاری، نضر بن شمیل، وهب بن جریر، یزید بن هارون، ابو عاصم، فضیل بن عیاض، ابو معاویه الضریر، اسباط بن محمد، و...

راوی احادیث شماره: ۳۰، ۳۱.

یحیی بن اسماعیل / سی

یحیی بن اسماعیل بن جریر بن عبدالله، بَجَلِیّ کُوفِیّ، از راویان طبقه ششم^۲ که «ابن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۷۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۸، ش ۱۸۳۹؛ تذکرة الحقاظ، ج ۱، ص ۱۶۳، ش ۱۵۸؛ میزان الإحتدال، ج ۴، ص ۲۹۵، ش ۹۲۲۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۴۲، ش ۷۵۶۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱۸.

۲ - با توجه به اینکه یحیی بن اسماعیل.. از جعفر بن علی بن خالد بن جریر بن عبدالله بَجَلِیّ، روایت می‌کند و جعفر بن علی... نیز از ابوالأخوص سلّام بن سلیم روایت می‌کند که در طبقه هفتم قرار دارد، بعید است که یحیی بن اسماعیل در طبقه ششم باشد، بلکه محتمل است که جعفر بن علی... در طبقه

حَبَّان» وی را در الثقات آورده، ولی «ذَهَبِي» از «دَارْقُطَنِي» نقل می‌کند: لَا يُحْتَجُّ بِهِ، وَ «ابن حَجَر» نوشته است: لَيْسَ الْحَدِيثُ نَسَائِي. نَسَائِي از او حدیث نقل کرده است.

مشایخ او: شُعْبِي، نافع مولى ابن عمر و قَزَعَةَ بن يحيى.

راویان از او: عبدالعزیز بن عمر بن عبدالعزیز، هُشَيْم، حسن بن قُتَيْبَةَ مدائنی^۱.

راوی احادیث شماره: ۱۸۰، ۱۸۹.

→ هشتم و یحیی بن اسماعیل در طبقه دهم یا یازدهم باشد که طَبْرَانِي واقع در طبقه دوازدهم از او روایت می‌کند.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۶۱، ش ۹۴۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۹۸، ش ۷۷۸۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۴۲.

طبقه هفتم

آبان بن یزید عطار / خ م د ت س

آبان بن یزید عطار بصری، ابویزید، از راویان حافظ و ثقه طبقه هفتم، که در حدود سال ۱۶۰ هـ. درگذشت. بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: حسن، ابو عمران جونی، قتاده، عمرو بن دینار، یحیی بن ابی کثیر، یحیی ابن سعید انصاری، هشام بن عروه، عاصم بن یهدله، مَطَرُ الْوَرَّاقِ، و...
راویان از او: ابوداود، حبان، مسلم، عقیان، موسی تبوذکی، ابن مبارک، قطان، ابوالولید، یزید بن هارون، و...
راوی حدیث شماره: ۱۲۸.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۳۸، ش ۱۸۸۶؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۱۰، ش ۱۹۵؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۶، ش ۲۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۲۵، ش ۱۵۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۱.

ابوبکر بن عیاش آسیدی کوفی / خ مق ۴

ابوبکر بن عیاش بن سالم آسیدی، کوفی، حنّاط مُقری، که در نام وی اختلاف است تا جایی که تا ده نام گفته شده، از این رو مشهور به کنیه می‌باشد و به گفته رجال‌شناسان، قول صحیح‌تر این است که نام او همان کنیه‌اش می‌باشد.

ابوبکر بن عیاش، شیخ الاسلام کوفی از راویان حافظ، ثقه و عابد طبقه هفتم است که در اواخر زندگی دچار اختلال در قوه حافظه شده بود.

از پسرش، ابراهیم بن ابی‌بکر بن عیاش نقل شده که گفته است: لَمَّا نَزَلَ بِأَبِي الْمَوْتِ، قُلْتُ: يَا أَبَتِ مَا اسْمُكَ؟ قَالَ: يَا بُنَيَّ، إِنَّ أَبَاكَ لَمْ يَكُنْ لِي اسْمًا، وَإِنَّ أَبَاكَ أَكْبَرُ مِنْ سَفِيَانٍ بِأَرْبَعِ سِنِينَ، وَإِنَّهُ لَمْ يَأْتِ فَاخْشَةَ قَطًّا، وَإِنَّهُ يَخْتَمُ الْقُرْآنَ مِنْ ثَلَاثِينَ سَنَةً كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً. (تهذيب التهذيب)

در تذكرة الحفاظ آمده است: قَالَ يَحْيَى الْحِمَّانِيُّ: لَمَّا احْتَضَرَ أَبُو بَكْرٍ بَكَتْ أُخْتُهُ [ابنته]. فقال: ما يبكيك؟ انظري إلى تلك الزاوية قد ختمت فيها عشر ألف ختمة.

ابوبکر بن عیاش در سال ۹۵ یا ۹۶ و یا ۱۰۰ هـ. به دنیا آمد، و در سال ۱۹۴ هـ. در سن نزدیک به ۱۰۰ سالگی از دنیا رفت. صاحبان صحاح از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: پدرش، اسماعیل سُدی، عثمان بن عاصم، ابواسحاق سبّعی، عبدالملک ابن عمیر، عبدالعزیز بن رُفیع، یزید بن ابی‌زید، سفیان ثَمَار، ابواسحاق شَیثانی، عاصم ابن بَهْدَلَه، مُطَرِّف بن طَرِيف، ابوحمزه ثَمَالِيّ و...

راویان از او: ثوری، ابن مبارک، ابوداود طَیَالِسی، یعقوب قُمّی، ابن مَهْدی، ابن یونس، ابونعیم، ابن مدینی، احمد بن حنبل، ابن معین، پسران ابن شیبّه، اسماعیل بن ابان و رَاق، یحیی بن یحیی نیشابوری، ابوکریب، ابوهشام رِفَاعی، و...

راوی احادیث شماره: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۰۲.

۱- الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۸۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۸، ش ۱۲۹۹؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۶۵، ش ۲۵۰؛ تهذيب التهذيب، ج ۱۰، ص ۳۷، ش ۸۲۶۵؛ تفریب التهذيب، ج ۲، ص ۳۹۹.

اسرائیل بن یونس / ع

اسرائیل بن یونس بن ابی اسحاق همدانی السبیبی، ابویوسف کوفی، متولد سال ۱۰۰ هـ. و متوفای ۱۶۰ یا ۱۶۱ یا ۱۶۲ هـ. ق، از راویان طبقه هفتم که صاحبان صحاح شش گانه از وی روایت نقل کرده اند و نظر رجال شناسان درباره او به شرح زیر است:

«احمد»: ثِقَّةٌ ثَبَّتَ. «ابوحاتم»: صَدُوقٌ مِنْ أَتَقَنَ أَصْحَابِ أَبِي إِسْحَاقَ. «ابن حزم ظاهری»: ضَعِيفٌ. «نسائی»: لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ. «ذهبی»: قَلْتُ: إِسْرَائِيلَ اعْتَمَدَهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ فِي الْأَصُولِ، وَهُوَ فِي الثَّبَتِ كَالْأَسْطَوَانَةِ، فَلَا يُلْتَفَتُ إِلَى تَضْعِيفِ مَنْ ضَعَفَهُ. «ابن حَجَرٍ عَسْكَلَانِي»: ثِقَّةٌ تَكَلَّمَ فِيهِ بِالْحِجَّةِ.

مشایخ او: جدش: ابواسحاق عمرو بن عبدالله السبیبی؛ زیاد بن علاقه، زید بن جبیر، عاصم بن یهدله، عاصم الأحول، سیماک بن حرب، أعمش، اسماعیل بن عبدالرحمن سدی، ابراهیم بن مهاجر، جابر بن یزید جعفی، حماد بن عبدالرحمن أنصاری، منصور بن معتمر، هلال الوزان، و...

راویان از او: پسرش: مهدی؛ ابواحمد زبیری، نضر بن شمیل، ابوداود سلیمان بن داود طیبی، ابوالولید هشام بن عبدالملک طیبی، عبدالرزاق، وکیع بن جراح، یحیی ابن آدم، محمد بن سابق بغدادی، ابوغسان مالک بن اسماعیل النهدی، ابونعیم فضل بن دکن، علی بن جعد، قبیصة بن عقبه، و...

راوی حدیث شماره: ۵۰.

اسماعیل بن رافع بن عویمر أنصاری / بخ ت ق

اسماعیل بن رافع بن عویمر یا ابن ابی عویمر، أنصاری مدنی، ساکن بصره، دارای کنیه ابورافع، از راویان ضعیف الحفظ طبقه هفتم که در حدود ۱۵۰ هـ. درگذشت.

۱ - بنگرید به: تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۲، ص ۱۰۰، ش ۳۹۶؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۰۸، ش ۸۲۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۷۷، ش ۴۳۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۴، ش ۴۶۰.

بخاری در الأدب المفرد، و نیز ترمذی و ابن ماجه در سنن از او حدیث نقل کرده‌اند. مشایخ او: ابن ابی مُلَیْکَه، سعید مَقْبُرِی، زید بن أسلم، ابن مُنْکَدِر، و... راویان از او: برادرش: اسحاق؛ عبدالرحمن مُحَارِبِی، وَکِیع، و لَیْد بن مُسَلَم، ابوعاصم، لَیْث بن سعد و...^۱
راوی احادیث شماره: ۷۷، ۸۵، ۹۷، ۱۳۷.

حَمَزَة بن حَبِیب الزَّیَّات / م ۴

حَمَزَة بن حَبِیب بن عُمَارَة الزَّیَّات قاری، ابوعُمَارَة کوفی تَیْمِی، شیخ القراء، از راویان صدوق و زاهد طبقه هفتم، متولد سال ۵۸۰ هـ. و متوفای ۱۵۶ یا ۱۵۸ هـ. در «حُلوان». مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استناد کرده‌اند. «ابوبکر بن منجویه» گوید: کان من علماء زمانه بالقراءات، و کان من خيار عباد الله عبادَةً و فَضلاً و وَرَعاً و نُسْکاً، و کان یَجْلِبُ الزَّیْتِ مِنَ الْکَوْفَةِ إِلَى حُلْوَان. مشایخ او: حَکَم بن عَتِیْبَه، حَبِیب بن ابی ثابت، طلحة بن مُصَرِّف، عَدِی بن ثابت، ابواسحاق سَبِیعی، ابواسحاق شَیْبَانِی، أَعْمَش، منصور بن مُعْتَمِر و...
راویان از او: ابن مُبَارَک، حسن بن عَلِی جَعْفِی، مُحَمَّد بن فَضَیْل، وَکِیع، و...^۲
راوی حدیث شماره: ۱۸۳.

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۸۳، ش ۲۴۵۱؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۲۷، ش ۸۷۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۳۰۸، ش ۴۷۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۹.
۲ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۰۵، ش ۲۲۹۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۴۰، ش ۱۵۷۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۹.

رَازِینِ بِنِ حَبِیبِ جَهَنِّیِّ / ت

رَازِینِ بِنِ حَبِیبِ جَهَنِّیِّ، یَا بَکْرِیُّ کُوفِیُّ، رُمَانِیُّ، تَمَّار، بَیَّاعُ الْأَنْمَاطِ^۱، که به او رَازِینِ جَهَنِّیُّ رُمَانِیُّ گفته می‌شود، در مقابل رَازِینِ بَیَّاعِ الْأَنْمَاطِ که راوی دیگری است. رَازِینِ جَهَنِّیُّ رُمَانِیُّ، از راویان ثقه و صالح الحدیث طبقه هفتم است. در سنن ترمذی از او حدیثی درباره شهادت امام حسین علیه السلام نقل شده است. مشایخ او: أَصْبَغُ بِنِ نُبَاتَه، شَعْبِیُّ، أَبُو جَعْفَرِ الْبَاقِرِ، و... راویان از او: ثَوْرِیُّ، ابْنِ مَبَارَکِ، وَکِیع، عِیْسَى بِنِ یُونُسَ، عُبَیدُ اللَّهِ بِنِ مُوسَى، ابُو نُعَیْمِ، و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۷۹.

رِشْدِینِ^۳ بِنِ سَعْدِ مَهْرِیِّ^۴، ابوالْحَجَّاجِ / ت ق

رِشْدِینِ بِنِ سَعْدِ بِنِ مُفْلِحِ بِنِ هِلَالِ مَهْرِیِّ، ابوالْحَجَّاجِ مِصرِیِّ، از راویان ضعیف طبقه هفتم است. ابْنِ حَجَّرِ، از ابْنِ یُونُسَ نقل می‌کند: کَانَ صَالِحاً فِی دِینِهِ فَأَدْرَكَتَهُ غَفْلَةٌ الصَّالِحِینَ فَخَلَطَ فِی الْحَدِیْثِ. وی در سال ۱۱۰ هـ. زاده شد و در سال ۱۸۸ هـ. در ۷۸ سالگی درگذشت. در سنن ترمذی و ابن ماجه از او حدیث نقل شده است. مشایخ او: أَوْزَاعِیُّ، عمرو بن حارث، معاویه بن صالح، ضحاک بن سرحبیل، یونس ابن یزید، و... راویان از او: بَقِیَّه، ابْنِ مَبَارَکِ، مَرَوَانُ بِنِ مُحَمَّدٍ، پسرش: عبدالقاهر بن رِشْدِینِ،

۱ - التَّمَطُّ: ضَرْبٌ مِنَ الْبُسطِ . (لسان العرب).

۲ - تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۲۰۲، ش ۱۸۹۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۰۱، ش ۲۰۰۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۴۵.

۳ و ۴ - به کسر راء و سکون شین، «مَهْرِیُّ» به فتح میم و سکون هاء، (اللباب، و تقریب التهذیب).

ضمرة بن ربيعة، أبو كريب، قتيبه، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۴، ۵، ۶، ۸، ۲۳۰، ۲۳۵.

زائدة بن قدامة ثقفی / ع

زائدة بن قدامة ثقفی، ابوالصلت کوفی، از راویان ثقه و ثبت طبقه هفتم که «ابن حجر» نقل می‌کند: کان لأیحدث قَدْرِيًّا و لا صاحب بدعة يعرفه، و نیز از احمد بن یونس نقل می‌کند: رأيت زهير بن معاوية جاء إلى زائدة فكلّمه في رجل يحدثه فقال: من أهل السنة هو؟ قال: ما أعرفه ببدعة. فقال: من أهل السنة هو؟ فقال زهير: متى كان الناس هكذا؟ فقال زائدة: متى كان الناس يشتمون أبابكر و عمر رضي الله عنهما.

او در اوائل سال ۱۶۱ هـ. درگذشت، در صحاح شش‌گانه، به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: ابواسحاق سبیعی، عبدالملک بن عمیر، سلیمان تیمی، اسماعیل بن ابی خالد، اسماعیل سدی، سناک بن حرب، هشام بن عروه، ابواسحاق شیبانی، أعمش، هشام بن حسان، و...

راویان از او: ابن عیینه، حسین بن علی جعفی، ابن مهدی، معاویه بن عمرو، ابونعیم، ابن مبارک، ابواسامه، ابواسحاق قزازی، طینالسیان، طلح بن غنم، ابو حذیفه نهدی، احمد ابن یونس و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۹۲ تا ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۶۵، ش ۲۸۰۴؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۹،

ش ۲۷۸۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۰۳، ش ۲۰۰۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۷۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۶، ش ۱۲۹۱؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۱۵، ش ۲۰۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۳۱، ش ۲۰۴۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۵۶.

سعید بن عبدالعزیز تَنُوخِيّ^۱، دِمَشْقِيّ / بخ م ۴

سعید بن عبدالعزیز بن ابی یحیی تَنُوخِيّ دِمَشْقِيّ، فقیه و مُفتی اهل دمشق پس از اوزاعی، از راویان ثقه و حافظ طبقه هفتم که می‌گفت: ما کتبت حدیثاً قط، یعنی کان یحفظ.

از حاکم ابو عبدالله نقل شده است که او در تقدّم، فضل، فقه و امانت، برای مردم شام، همچون مالک برای مردم مدینه بود.

از او نقل شده است که: لا خیر فی الحیاة اِلَّا لِصَموتِ واعٍ و ناطقِ عارف. و نیز: «لا أدري» نصف العلم.

پاسخ نمی‌داد جز اینکه می‌گفت: لا حول و لا قوّة اِلَّا بالله، هذا رأی و الرأی یُخطئ ویُصیب. و نیز نقل شده، هرگاه موفق به نماز جماعت نمی‌شد، گریه می‌کرد.

مردی به او گفت: أطال الله بقاءك. او گفت: بل عجل الله بي إلى رحمته.

او در سال ۹۰ ه. زاده شد و در سال ۱۶۷ یا ۱۶۸ ه. درگذشت. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن و نیز بخاری در الأدب المفرد به روایت او استناد جسته‌اند.

مشایخ او: عبدالعزیز بن صُهَيب، زُهَير، ربیعة بن یزید دِمَشْقِيّ، بلال بن سعد، سلیمان بن موسی، عطیة بن قیس، مَكْحُول، ابوالزُبَیر، نافع، قَتَادَة، و...

راویان از او: ثَوْرِيّ، شُعْبَة، ابن مبارک، بقیة، حجاج بن محمد، مروان بن محمد، وکیع، ولید بن مُسلم، یحیی بن سعید قَطَّان، ابومُسَهر، و...

راوی احادیث شماره: ۸۲، ۱۲۳.

۱ - به فتح تاء و ضمّ نون مُخَفَّف، منسوب به شماری از قبایل در بحرین (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۶۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۰۹، ش ۳۰۲۴؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۱۹، ش ۲۰۵؛ میزان الاحتدال، ج ۲، ص ۱۴۹، ش ۳۲۳۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۳۴۹، ش

۲۴۳۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۰۱.

سُفیان بن حُسین / خت م ۴

سُفیان بن حُسین بن حَسَن، ابو محمد یا ابو حَسَن، واسِطیّ از راویان ثقه طبقه هفتم که در روزگار حکومت مهدیّ عبّاسی یا در آغاز حکومت هارون الرّشید، در «رئی» درگذشت. «بُخاری» به روایت وی استشهاد کرده و نیز در جزء القراءة خلف الامام، و الأدب المفرد، از او روایت کرده، در صحیح مُسلم، سنن ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه، به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: ایاس بن معاویه، حَسَن بَصْرِيّ، حَكَم بن عَتِيْبَه، حُمَيْد الطَّوْبِل، داود الوردّاق، علیّ بن زید بن جُدعان، محمد بن سپرین، محمد بن مُسلم بن شهاب زُهْرِيّ، و...
 راویان از او: ابراهیم بن صدّقه، حُصَيْن بن نُمَيْر، شُعْبَة بن حَجَّاج، عَبَّاد بن عَوَّام، عُمر ابن عبدالله بن رَزِين، عُمر بن علیّ مُقَدَّمِيّ، مُبَشَّر بن عبدالله بن رَزِين، محمد بن یزید واسِطِيّ، هُشَيْم بن بَشِير، یزید بن هارون، ابوسُفیان حِمَيْرِيّ، و...
 راوی حدیث شماره: ۵۱.

سُفیان ثَوْرِيّ / ع

سُفیان بن سعید بن مَسْرُوق ثَوْرِيّ، ابو عبدالله کوفیّ، منسوب به ثور بن عبد مناة بن اَدّ ابن طايبه، فقيه عابد بلند آوازه، راوی ثقه و حافظ نامدار طبقه هفتم، دارای تدلیس در حدیث، در سال ۹۷ هـ. متولد و در سال ۱۶۱ هـ. در ۶۴ سالگی در بصره درگذشت. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.
 از ثَوْرِيّ، نقل شده است: العالمُ طَبِيبُ الدِّينِ، والدُّرَّهم داءُ الدِّينِ، فإذا جَذَبَ الطَّبِيبُ الدَّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَمَنْ يُداوي غَيْرَهُ.

مشایخ او: پدرش، ابواسحاق شَيْبَانِيّ، ابواسحاق سَبِيعِيّ، عبدالملك بن عُمَيْر،

اسماعیل بن ابی خالد، حبیب بن ابی ثابت، اعمش، منصور، عمرو بن مرّه، فطر بن خلیفه، و... از اهل کوفه. زیاد بن علاقه، عاصم آحول، سلیمان تیمی، اسرائیل بن ابی موسی، خالد الحداء، داود بن ابی هند، ابن عون، و... از اهل بصره. عمرو بن دینار ایوب بن موسی ابن عجلان، ابن منکدر، ابوالزبیر، هشام بن عروه، یحیی بن سعید انصاری، و... از اهل حجاز، و بسیاری دیگر.

راویان از او: جعفر بن بُرقان، ابواسحاق قزاری، ابان بن تغلب، شعبه، زائده، أوزاعی، مالک، زهیر بن معاویه، مشعر، عبدالرحمن بن مهدی، یحیی بن سعید قطن، ابن مبارک، جریر، حفص بن غیاث، ابواسامه، زائده بن حباب، عبدالرزاق، عیسی بن یونس، عبدالله ابن نمیر، فضیل بن عیاض، ولید بن مسلم، یحیی بن یمان، وکیع، یزید بن زریح، یزید بن هارون، ابونعیم، ابوحنذیفه نهدی، و بسیاری دیگر^۱.

راوی احادیث شماره: ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۷۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۴، ۲۰۰.

۲۰۳، ۲۰۴.

سَلَامُ بْنُ سُلَيْمٍ = ابوالأخوص کوفی / ع

سَلَامُ بْنُ سُلَيْمٍ حَنْفِيٌّ، ابوالأخوص کوفی، از راویان ثقه، حافظ و متقن طبقه هفتم که با مالک و حماد بن زید در یک سال یعنی در ۱۷۹ هـ. درگذشتند، در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: ابواسحاق سبعی، عاصم بن سلیمان، سِمْكَانُ بْنُ حَرْبٍ، زیاد بن علاقه، منصور بن معتمر، اعمش، بیان بن بشر، سعید بن مسروق ثوری، عاصم بن کلب، عبدالعزیز بن رفیع، و...

۱- الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۷۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۵، ش ۱۲۸۵؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، صص

۲۰۳، تا ۲۰۷، ش ۱۹۸؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۶۹، ش ۳۳۲۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، صص

۳۹۷ تا ۴۰۰، ش ۲۵۱۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۱۱.

راویان از او: یحیی بن آدم، وکیع، ابن مهدی، ابونعیم، سعید بن منصور، پسران شیبه،
سُوید بن سعید، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۸۹.

سُلیمان بن قَرْم / خت دت س

سُلیمان بن قَرْم بن مُعَاذ تَبِیِّ ضَبِّی، ابوداود بَصْرِی نَحْوِی، «ابن حَجَر» او را از
راویان بد حافظه و شیعی طبقه هفتم، معرفی می کند. از «احمد» نقل شده: لا أرى به بأساً
لكنه يُقرط في التَّشيع. از «ابن حَبَّان» نقل شده: كان رافضياً، غالباً في الرفض.
در سنن ابوداود، ترمذی و نسائی از او حدیث، نقل شده است. بخاری نیز به روایت
وی استشهاد کرده است.

مشایخ او: ابواسحاق سَبِیعی، ابن مُنْكَدِر، أَعْمَش، سِمَاك بن حَرْب، عاصم بن بَهْدَلَه،

و...

راویان از او: سُفیان ثَوْرِی، حسین بن محمد مَرْوَزِی، یعقوب بن اسحاق حَضْرَمِی،
یونس بن محمد مُؤَدَّب، ابوالأخوص، بَکْر بن عَیَّاش، ابوداود طَيَالِسی، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۸۴، ۲۰۲.

۱- الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۷، ش ۱۲۹۷؛ تذکرة الحُفَاط، ج ۱، ص ۲۵۰، ش ۲۳۶؛ میزان الاعتدال، ج ۲،

ص ۱۷۶، ش ۳۳۴۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۵۶۹، ش ۲۷۷۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- به فتح قاف و سکون راء.

۳- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۱۹، ش ۳۵۹۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۹۸، ش ۲۶۷۵؛ تقریب

التهذیب، ج ۱، ص ۳۲۹.

سَوَيْدُ بْنُ اِبْرَاهِيمَ جَحْدَرِيٍّ / بَخ

سَوَيْدُ بْنُ اِبْرَاهِيمَ جَحْدَرِيٍّ، ابوحاتم حنّاط بَصْرِيٍّ، صاحب الطّعام، از راویان صدوق بد حافظه طبقه هفتم که در سال ۱۶۷ هـ. درگذشت بُخَارِيٍّ در الأدب المفرد از او حدیث نقل کرده است.

مشایخ او: حسن بصری، عبدالملیک بن ابی سلیمان، قتاده، مَطَرُ الوَرَّاق، حَجَّاجُ بْنُ اَرْطَاة، و...

راویان از او: یحیی بن سعید قَطَّان، یونس بن محمد مُوَدَّب، حسن بن بلال، صَفْوَانُ ابْنِ عَيْسَى، ابوالولید طَيَالِسِيٍّ، موسی بن اسماعیل، طالوت بن عباد صَيْرَفِيٍّ، شیبان قُرُوخ و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۲۵.

شُعْبَةُ بْنُ حَجَّاجٍ / ع

شُعْبَةُ بْنُ حَجَّاجٍ بْنُ وَرْدٍ عَتَكِيٍّ اَزْدِيٍّ، ابویسحاق واسِطِيٍّ، بَصْرِيٍّ، ساکن و محدث بصره. از راویان ثقه، حافظ و عابد طبقه هفتم که در سال ۸۲ هـ. زاده شد و در ماه رجب سال ۱۶۰ هـ. درگذشت. شُعْبَةُ نخستین شخصی است که در صدد بررسی محدثان برآمد. در تهذیب التهذیب آمده: *أَوَّلُ مَنْ تَكَلَّمَ فِي الرِّجَالِ شُعْبَةُ، ثُمَّ تَبِعَهُ القَطَّانُ، ثُمَّ أَحْمَدُ وَ یحیی ... وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ فَتَّشَ بِالعِرَاقِ عَنِ اَمْرِ المَحْدَثِیْنَ، وَ جَانِبَ الضُّعْفَاءِ وَ المَتْرُوكِیْنَ، وَ صَارَ عِلْمًا یُقْتَدَى بِهِ، وَ تَبِعَهُ عَلَیْهِ بَعْدَهُ اَهْلُ العِرَاقِ.*

از «حاکم» نقل شده که از چهارصد تن از تابعان، حدیث شنیده است. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: اَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ، اِبْرَاهِیْمُ بْنُ عَامِرِ بْنِ مَسْعُودٍ، معاویه بن قُرّه، عمرو بن مُرّه،

۱ - میزان الاحتیاج، ج ۲، ص ۲۴۷، ش ۳۶۱۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۵۵۷، ش ۲۷۶۳؛ تقریب

تهذیب، ج ۱، ص ۳۴۰.

آنس بن سیرین، یحیی بن ابی کثیر، قتاده، اسماعیل بن ابی خالد، اسماعیل بن علیّه، جابر جعفی، جعفر الصادق، حبیب بن ابی ثابت، حجاج بن عاصم، حکم بن عتیبه، خالد الحداء، داود بن ابی هند، داود بن یزید اودی، زید بن الحواری، سعید بن ابی بزرده، سعید ابن مسروق ثوری، سعید جریری، سفیان ثوری، سلمه بن کھیل، سلیمان اعمش، سلیمان تیمی، سلیمان شیبانی، سماک بن حرب، سوید بن عبید، عاصم بن بهدله، عاصم الأخول، عبدالله بن عون، عبدالرحمن اصبهانی، عبدالعزیز بن رفیع، عبدالعزیز بن صهیب، عبدالملک بن عمیر، عثمان بن غیاث، عطاء بن ابی مسلم خراسانی، عکرمه بن عمار، علقمه بن مرثد، علی بن زید بن جدعان، عماره بن ابی حفصه، عمرو بن دینار، عوف اعرابی، قاسم بن ابی بزه، قاسم بن مهران، لیث بن ابی سلیم، مالک بن آنس، مشعر ابن کدام، مسلم بن أعور، منصور بن معتمر، منهال بن عمرو، هشام دشتوائی، یحیی بن سعید انصاری، یزید بن ابی زیاد، و بسیار دیگر.

راویان از او: ایوب، اعمش، ثوری، یحیی القطان، ابن مهدی، وکیع، ابن ادريس، ابن مبارک، یزید بن زریع، ابوداود، ابن علیّه، ابراهیم بن طهمان، ابو أسامه، شریک قاضی، عیسی بن یونس، هشیم، یزید بن هارون، محمد بن جعفر، غندر، محمد بن ابی عدی، نصر بن شمیل، سلیمان بن حرب، و بسیاری دیگر^۱.

راوی احادیث شماره: ۳۹، ۹۱، ۱۸۶، ۲۰۰.

شیبان بن عبدالرحمن، ابومعاویه / ع

شیبان بن عبدالرحمن تمیمی، نحوی، ابومعاویه بصری، ساکن کوفه، مربی فرزندان امیر داود بن علی، از راویان ثقه، حافظ و صاحب کتاب طبقة هفتم، که منسوب به نحو بن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۰، الطبقات، ج ۱، ص ۵۳۵، ش ۱۸۶۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۱۹۳، ش ۱۸۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، صص ۶۲۸ تا ۶۳۳، ش ۲۸۶۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص

شمس از تبار آزد است و نه منسوب به علم نحو. متوفای ۱۶۴ هـ. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: حسن بصری، قتاده، حکم، یحیی بن ابی کثیر، زیاد بن علاقه، منصور بن معتمر، عبدالملک بن عمیر، سناک بن حرب، أعمش، و...

راویان از او: زائده بن قدامه، ابوحنیفه نعمان بن ثابت، ابوداود، طیالسی، معاویه بن هشام، حسن بن موسی، عبدالرحمن بن مهدی یونس بن محمد، ابوالنضر، یحیی بن ابی بکیر، ولید بن مسلم، ابونعیم، عبیدالله بن موسی و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۴.

عباد بن عباد بن حبیب / ع

عباد بن عباد بن حبیب بن مهلب بن ابی صفره آزدی عتکی، ابومعاویه بصری، از راویان ثقه طبقه هفتم، که به گفته احمد: لیس به بأس، وکان رجلاً عاقلاً أدیباً.

وی در ۱۸ رجب سال ۱۸۱ هـ. چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش گانه به روایت او استناد کرده اند.

مشایخ او: عاصم أحول، ابوجثره نصر بن عمران ضبعی، هشام بن عروه، عوف أعرابی، مجالد، یونس بن خباب، و...

راویان از او: احمد بن حنبل، یحیی بن معین، قتیبه، مسدد، احمد بن منیع، و...^۲

راوی حدیث شماره: ۱۳۱.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۷۷ و ج ۷، ص ۳۲۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۵، ش ۱۲۸۷ و ج ۲، ص

۸۵۰، ش ۳۲۰۵؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۱۸، ش ۲۰۴؛ تهذيب التهذيب، ج ۳، ص ۶۶۰، ش

۲۹۱۰؛ تقریب التهذيب، ج ۱، ص ۳۵۶.

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۶۰، ش ۲۴۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۱۸۵، ش ۳۲۱۸؛ تقریب

التهذيب، ج ۱، ص ۳۹۲.

عبّاس بن بَکّار

عبّاس بن بَکّار ضَبّی، بَصْرَی، متوفای سال ۲۲۲ هـ. در بصره در ۹۳ سالگی. با توجه به اینکه از راویان طبقه ششم روایت می‌کند و از مُعَمَّرین است، گویا از راویان طبقه هفتم باشد.

«دارقُطَنی» او را کَذّاب می‌داند. «ذَهَبی» و «ابن حَسَر» در میزان الاعتدال، و لسان المیزان، روایات زیر را به عنوان اباطیل مناکیر از او نقل می‌کنند:

۱ - عن خالد بن عبدالله، عن بیان، عن شُعْبَةَ، عن أَبِي جُحَيْفَةَ، عن عَلِيٍّ - مرفوعاً: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ: يَا أَهْلَ الْجَمْعِ، غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ عَنْ فَاطِمَةَ حَتَّى تَسْمَرَ عَلَى الصُّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ».

۲ - عن خالد بن أبي عمرو الأزدي، عن الكلبي، عن أبي صالح، عن أبي هريرة قال: «مكتوبٌ على العرش: لا إله إلا الله وحدي، محمد عبدي ورسولي، أيدهُ بعلي».

۳ - حدّثنا عبدالله زياد الكلابي [الكلبي] عن الأعمش، عن زِرِّ، عن حُدَيْقَةَ، - مرفوعاً - في المهديّ، فقال سلمان: يا رسول الله، من أيّ وُلْدِكَ؟

قال: «مِنْ وُلْدِي هَذَا» وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ.^۱

مشایخ او: ابوبکر هُذَلّی، خالد بن عبدالله، عبدالله بن مُثَنّی انصاری و ...

راویان از او: قَطَن بن ابراهیم، اسحاق بن وَهَب عَلاَف، محمد بن زکریّا غَلاَبی،

ابوحاتم رازی، محمد بن عثمان بن اَبی سُوَیْد و ...^۲

راوی حدیث شماره: ۷۴.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۸۷، ش ۴۱۶۰؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۳۸، ش ۱۰۵۲.

۲ - تاریخ الإسلام، ج ۱۶، ص ۲۱۴، ش ۱۹۶.

عبدالرحمن بن عمرو = اَوْزَاعِيّ ١ / ع

عبدالرحمن بن عمرو بن ابی عمرو یحید شامی، ابو عمرو اَوْزَاعِيّ، از فقیهان نام آور و از محدثان ثقه، جلیل القدر، کثیر العلم و الفقه و الحدیث، و از راویان طبقه هفتم، که در سال ۸۸ هـ. در بَعْلَبَك، به دنیا آمد، در تذکره الحُفَظ نوشته است: **وُلِدَ بِبَعْلَبَكِ وَرَبِّي يَتِيمًا فَقِيرًا فِي حِجْرِ أُمَّه، تَعَجَزَ الْمَلُوكُ أَنْ تُوَدَّبَ أَوْلَادُهَا أَدَبَهُ فِي نَفْسِهِ.**

از «ابن مهدي» نقل شده است که پیشوایان حدیث، چهار تن هستند: اَوْزَاعِيّ، مالک، ثَوْرِيّ و حَمَّاد بن زید.

و نیز در شرح حال اَوْزَاعِيّ آمده که به هفتاد هزار مسأله، پاسخ گفته است. از «ابومشهر» نقل می شود: **كَانَ الْأَوْزَاعِيّ يُحْيِي اللَّيْلَ صَلَاةً وَقِرَاءَةً وَبِكَاءً.** ابن حَجَر نوشته است: **أَرَادُوا الْأَوْزَاعِيّ عَلَى الْقَضَاءِ فَاَمْتَنَحَ.**

سرانجام در سال ۱۵۷ یا ۱۵۸ هـ. در بیروت چشم از جهان فرو بست، سبب درگذشت او را «ابن حَجَر» چنین نوشته است: **فَدَخَلَ الْحَمَّامُ فَزَلِقَ فَسَقَطَ وَغُشِيَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يُعْلَمَ بِهِ حَتَّى مَاتَ.** ولی «ذهبی» در تذکره الحُفَظ، سبب مرگش را در حَمَّام به صورت دیگری نقل می کند. صاحبان صحاح شش گانه، به روایات او استناد جسته اند.

مشایخ او: عَطَاء بن ابی رَبَاح، زُهْرِيّ، مُحَمَّد بن ابراهیم تَيْمِيّ، یحیی بن ابی کثیر، قَتَادَه، نافع مولی ابن عُمَر، مُحَمَّد بن سپرین، یحیی بن سعید انصاری و بسیاری دیگر. راویان از او: شُعْبَه، ابن مبارک، ولید بن مُسَلَم، هِثْل بن زِيَاد، یحیی بن سعید القَطَّان، عبدالرزاق، بَقِيَّه، ابواسحاق قَزَارِيّ، اسماعیل بن عِيَّاش، مَخْلَد بن یزید حَرَّانِيّ، هَيْثَم بن حُمَيْد، عیسی بن یونس، ابو عاصم التَّبِيل و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره ۵: ۱۰، ۲۰، ۱۳۸، ۲۴۳.

۱ - اَوْزَاعِيّ، منسوب به محله مشهوری است در دمشق.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۸۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۰۸، ش ۳۰۲۱؛ تذکره الحُفَظ، ج ۱، صص

۱۷۸ تا ۱۸۳، ش ۱۷۷؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۸۰، ش ۴۹۲۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، صص ۱۴۸

تا ۱۵۱، ش ۴۰۷۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۹۳.

عبدالله بن حکیم بن جبیر

عبدالله بن حکیم بن جبیر آسدی کوفی، با توجه به اینکه از راوی طبقه ششم، روایت می‌کند پس گویا از راویان طبقه هفتم است.

«ذَهَبِيَّ» درباره وی نوشته است: «رَافِضِيَّ غَالِي كَأَيْبِهِ».

او از پدرش روایت می‌کند، و ابراهیم بن اسحاق صپنی، از او حدیثی را که مشابه موضوع است روایت کرده است.^۱

راوی حدیث شماره: ۱۷۴.

عبدالله بن عمر بن حفص / م ۴

عبدالله بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن خطاب عدوی، مدنی، ابو عبدالرحمن عمری، از راویان ضعیف ولی عابد طبقه هفتم که «ابن حبان» درباره او می‌گوید: کان ممن غلب عليه الصّلاح والعبادة، حتى غفل عن حفظ الأخبار و جودة الحفظ للآثار، فلما فحش خطؤه استحق الترك.

او براساس نوشته «ابن سعد» به حمایت از «محمد بن عبدالله بن حسن» خروج کرد، «منصور دوانیقی» او را زندانی نمود و بعداً آزاد شد.

وی در سال ۱۷۱ یا ۱۷۲ یا ۱۷۳ هـ. دزگذشت. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، وابن ماجه، در صحیح و سنن از او حدیث، نقل کرده‌اند.

مشایخ او: نافع، زید بن اسلم، سعید مقبری، سالم بن ابی النضر، سعد بن سعید انصاری، برادرش: عبیدالله بن عمر بن حفص، و...

راویان از او: پسرش: عبدالرحمن؛ عبدالرحمن بن مهدی، کيث بن سعد، ابن وهب،

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۱۱، ش ۴۲۷۷؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۷۷، ش ۱۱۶۵.

عبدالرزاق، یزید بن ابی حکیم، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۴۹.

عبدالله بن لهیعه^۲ = ابن لهیعه / م د ت ق

عبدالله بن لهیعه بن عقیبه... حَضْرَمِیّ، ابو عبدالرحمن مصری، فقیه، قاضی، و محدث مصر، از راویان صدوق طبقه هفتم که پس از سوختن کتابهایش در سال ۱۷۰ هـ. دچار خلط گردید. وی در سال ۹۶ هـ. به دنیا آمد و در روز یکشنبه، نیمه ربیع الأول ۱۷۴ هـ. از دنیا رفت. مسلم، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه در صحیح و سنن، از او حدیث نقل کرده‌اند.

ابن لهیعه، در سال ۱۵۵ به مدت ۹ ماه، عهده‌دار منصب قضاء در مصر بود و «منصور» ماهانه ۳۰ دینار برای وی مقرر کرده بود.

مشایخ او: أَعْرَج، ابوالزبیر، عطاء بن ابی رباح، عطاء بن دینار، کعب بن علقمه، ابن مُنْكَدِر، یزید بن ابی حبیب، عبدالله بن هبیره، محمد بن عجلان و بسیاری دیگر.
راویان از او: نوه او: احمد بن عیسی بن عبدالله، پسر برادرش: لهیعه بن عیسی بن لهیعه، ثوری، شعبه، عمرو بن حارث، لیث بن سعد، ابن مبارک، ابن وهب، ولید بن مسلم، قتیبة بن سعید و بسیاری دیگر^۳.

راوی احادیث شماره: ۵۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۵.

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۷۲، ش ۲۴۰۳ و ص ۶۸۰، ش ۲۴۳۸؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۶۵، ش

۴۴۷۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۰۵، ش ۳۵۷۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۳۴.

۲ - به فتح لام و کسر هاء (تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۶۳، ش ۲۷۹۸؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۳۷، ش ۲۲۴؛ میزان الاعتدال، ج ۲، صص ۴۷۵ تا ۴۸۳، ش ۴۵۳۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، صص

۴۴۹ تا ۴۵۴؛ ش ۳۶۵۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۴۴.

در «میزان الاعتدال» احادیث زیر به روایت «ابن لهیعه» نقل شده است:
 عن النبي ﷺ «مَنْ نَامَ بَعْدَ الْعَصْرِ فَأَخْتَلَسَ عَقْلُهُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ».
 وَحَدَّثَنَا أَبُو يَعْلَى، حَدَّثَنَا كَامِلُ بْنُ طَلْحَةَ، حَدَّثَنَا ابْنُ لَهْيَعَةَ، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
 الْمَغَافِرِيُّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُبَلِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو - أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ فِي
 مَرَضِهِ: ادْعُوا لِي أَخِي، فَدُعِيَ أَبُو بَكْرٍ فَأَعْرَضَ عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ: ادْعُوا لِي أَخِي، فَدُعِيَ لَهُ
 عُثْمَانُ، فَأَعْرَضَ عَنْهُ، ثُمَّ دُعِيَ لَهُ عَلِيٌّ فَسْتَرَهُ بِثَوْبِهِ وَأَكْبَّ عَلَيْهِ، فَلَمَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ، قِيلَ
 لَهُ: مَا قَالَ لَكَ؟ قَالَ: عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ، كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ.
 قلتُ: كَامِلٌ صَدُوقٌ. وَقَالَ ابْنُ عَدِيٍّ: لَعَلَّ الْبَلَاءَ فِيهِ مِنْ ابْنِ لَهْيَعَةَ؛ فَإِنَّهُ مُفْرِطٌ فِي
 التَّشْيِيعِ.^۱

عبدالله بن محمد بن علی ... = ابوجعفر منصور دوانیقی

عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب بن هاشم، ابوجعفر
 منصور (۹۵ - ۱۵۸ هـ) با توجه به اینکه از پدرش (: محمد بن علی بن ...) که از راویان
 طبقه ششم می باشد روایت می کند، گویا وی از راویان طبقه هفتم است.
 شایان ذکر است که وی در ذیحجه سال ۹۵ هـ به دنیا آمد و در ذیحجه سال ۱۳۶ هـ
 به خلافت رسید و در ذیحجه سال ۱۵۸ هـ در ۶۳ سالگی در سفر مکه از دنیا رفت و در
 «حجون» به خاک سپرده شد.^۲
 راوی حدیث شماره: ۱۲۸.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۶۳، ش ۲۷۹۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۳۷، ش ۲۲۴؛ میزان الاعتدال، ج ۲، صص ۲۷۵ تا ۴۸۳، ش ۴۵۳۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، صص ۴۴۹ تا ۴۵۴؛ ش ۳۶۵۵؛ تفریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۴۴.
 ۲ - بنگرید به: الكامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۱۹ و نیز بنگرید: تاریخ الطبری، ج ۶، صص ۱۲ و ۳۰۷؛ تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۵۳، ش ۵۱۷۹.

عبدالملك بن حميد بن أبي غنیه^۱ / ع

عبدالملك بن حميد بن أبي غنیه خزاعی کوفی، اصفهانی الأصل، از راویان ثقه طبقه هفتم است که صاحبان صحاح شش گانه به حدیث او استناد کرده اند. مشایخ او: پدرش، ابواسحاق سبیعی، ابواسحاق شیبانی، ثابت بن عبید انصاری، حکم بن عتیبه، عاصم بن ابی النجود، حسن بن قیس، أعمش، و... راویان از او: پسرش، ثوری، ولید بن مسلم، وکیع، ابونعیم، یحیی بن ابی زائده، و...^۲ راوی حدیث شماره: ۱۷۸.

عثمان بن عبدالله شبرمه

«بخاری» به حدیث عثمان بن شبرمه درباره «مهدی» اشاره می کند. ابن ابی حاتم رازی نوشته است: وی از عاصم بن ابی النجود، روایت کرده است.^۳ پس گویا وی از راویان طبقه هفتم است. راوی از او: ابن فضیل. راوی احادیث شماره: ۱۵۴، ۱۵۵.

عدی بن ابی عماره بصری

عدی بن ابی عماره نمیری بصری الذارع^۴، با توجه به این که از راوی طبقه ششم،

۱ - به فتح غین و کسر نون و تشدید یاء (تقریب التهذیب).

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۹۴، ش ۴۳۰۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۱۸.

۳ - التاريخ الكبير، ج ۶ (قسم دوم از جزء دوم)، ص ۲۲۷، ش ۲۲۴۵؛ الجرح والتعديل، (قسم اول از جلد سوم)، ج ۶، ص ۱۵۴، ش ۸۴۳.

۴ - در «اللباب» ج ۱، ص ۴۴۱ آمده است: «الذارع» بفتح الذال المعجمة وبعد الألف راء، و فی آخرها عین مهملة، هذه النسبة إلى ذرع الثياب والأرض،...

روایت کرده، گویا وی از راویان طبقه هفتم است.
 «ذَهَبِيَّ» و «ابن حَجَر» نوشته‌اند: «عُقَيْلِيَّ» گفته است: در حدیث وی اضطراب است.
 ولی «ابن ابی حاتم» نوشته است: لیس به بأس. و «ابن حبان» نیز وی را در الثقات یاد آور
 شده است.

مشایخ او: قتاده، زیاد بن عبدالله نمیری، معاویه بن قره.
 راویان از او: علی بن مدینی، ابراهیم بن موسی، قطن بن نسیر، قاسم بن عیسی
 طائی، و محدثان بصره، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۸۸.

عُقَيْلُ بْنُ مَعْقِلِ يَمَانِيٍّ / د

عُقَيْلُ بْنُ مَعْقِلِ بْنِ مُنْبَهٍ يَمَانِيٍّ، پسر برادر وَهْبِ بْنِ مُنْبَهٍ، از راویان صدوق طبقه هفتم
 که در سنن ابوداود از او حدیث نقل شده است.
 مشایخ او: عموهایش: هَمَّامٌ وَ وَهْبٌ.
 راویان از او: پسرش ابراهیم، پسر برادرش: یوسف بن عبدالصمد بن معقل، غوث بن
 جابر بن غیلان بن مُنْبَهٍ، هشام بن یوسف صَنَعَانِيٍّ، عبدالرزاق.^۳
 راوی حدیث شماره: ۵۷.

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۲، ص ۴، ش ۱۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۲، ش ۵۵۹؛ لسان
 المیزان، ج ۴، ص ۱۶۰، ش ۳۸۱.
 ۲ - به فتح عین.

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۲۲، ش ۴۸۰۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹.

عِكرمة بن ابراهيم آزدي

عِكرمة بن ابراهيم آزدي مؤصلي، ابو عبدالله، قاضي رى، كه گويا از راويان طبقه هفتم است.

ديدگاه برخى از رجال شناسان درباره وي بدین شرح است:
 «ابن ابى حاتم رازى»: ليس بشيء. «نسائى»: ليس بثقة، ضعيف. «عقيلى»: في حفظه اضطراب. «ابن يونس»: قدم مصر ثم ولي قضاء الرى.
 مشايخ او: عاصم، عبدالملك بن عمير، ادریس بن يزيد، مطر، هشام بن عروه.
 راويان از او: على بن جعد، ابو جعفر ثقفلى، عمرو بن ربيع بن طارق، هشام بن عبيدالله.^۱

راوى حديث شماره: ۱۱۰.

على بن صالح بن حنى / م ۴

على بن صالح بن صالح بن حنى همدانى، ابو محمد يا ابوالحسن كوفى، برادر حسن بن صالح كه دو قلو بودند، وي از راويان ثقه و عابد طبقه هفتم است كه در سال ۱۵۱ يا ۱۵۴ هـ. چشم از جهان فرو بست. مسلم، ابوداود، ترمذى، نسائى و ابن ماجه در صحيح و سنن، از او حديث نقل کرده اند.

مشايخ او: پدرش، ابواسحاق سبيعى، سلمة بن كهيل، سناك بن حرب، اعمش، منصور، يزيد بن ابى زياد، عاصم بن بهدله، حكيم بن جبير، اشعث بن ابى الشعثاء، و...
 راويان از او: برادرش، ابن عيينه، وكيع، ابن نمير، على بن قادم، معاوية بن هشام،

۱ - بنگريد به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۲، ص ۱۱، ش ۴۲؛ ميزان الاعتدال، ج ۳، ص ۸۹، ش ۵۷۰۸؛ لسان الميزان، ج ۴، ص ۱۸۱، ش ۴۷۰.

خالد بن مخلد، عبیدالله بن موسی، ابونعیم، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲۰۵.

عمران بن داوَر^۲ = عمران قَطَّان = ابوالعوام قَطَّان / خت ۴

عمران بن داوَر العَمَّی، ابوالعوام، قَطَّان بَصْرِی، از راویان طبقه هفتم که به گفته «ابن حَجَر»: صدوق بهم، و رُمی برای الخوارج، که در یکی از سالهای میان ۱۶۰ و ۱۷۰ هـ. از دنیا رفت. در سنن ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او حدیث نقل شده و بخاری نیز به حدیث او استشهاد نموده است.

مشایخ او: قَتَادَه، محمد بن سپرین، ابوجَمْرَه ضَبَعِی، ابواسحاق شَیْبَانِی، ابان بن ابی عَیَّاش، سلیمان تَیْمِی، یحیی بن ابی کثیر، مَعْمَر بن راشد، و...
راویان از او: ابن مَهْدِی، ابوداود طَیَالِسی، سَهْل بن تَمَّام بن بَزِیع، شَعِیْب بن بیان، محمد بن بلال، عبدالله بن رجاء، ابوعاصم ضَحَّاك بن مَخْلَد، عمرو بن عاصم، عمرو بن مرزوق، و...^۳

راوی احادیث شماره: ۸۱، ۸۹، ۹۰، ۲۶۳ تا ۲۶۶.

در میزان الاعتدال درباره «عمران قَطَّان» از «ابوداود» نقل شده است: أفتی فی ایام ابراهیم بن عبدالله بن حسن بفتوی شدیدة فیها سَفَك الدماء.
در تهذیب التهذیب از «یزید بن زُرَّیْع» نقل شده است: کان حُرُورِیًّا، کان یرى السیفَ علی اهل القبلة.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۷۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۵، ش ۱۲۸۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص

۶۹۶، ش ۴۸۹۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۸.

۲ - به فتح واو (تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۳۲، ش ۱۸۵۶؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص

۲۳۶، ش ۶۲۸۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۳۸، ش ۵۳۴۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۸۳.

قلت: في قوله حُرُورِيًّا نظر، ولعله شَبَّهَهُ بِهِمْ، وقد ذكر أبو يعلى في مُسْنَدِهِ القِصَّةَ عن أبي المنهال في ترجمة قَتَادَةَ عن أَنَسٍ ولفظه: قال يزيد كان إبراهيم - يعني ابن عبد الله بن حسن - لما خرج يطلب الخلافة استفتاه عن شيءٍ فأفتاه بفتيا قُتِلَ بها رجال مع إبراهيم، انتهى. وكان إبراهيم و محمد خرجا على المنصور في طلب الخلافة؛ لأنَّ المنصور كان في زمن بني أمية بايع محمداً بالخلافة، فلما زالت دولة بني أمية و ولي المنصور الخلافة تطلب محمداً فألح في طلبه، فظهر بالمدينة وبايعه قوم، وأرسل أخا إبراهيم إلى البصرة فملكها وبايعه قوم فقد أنهما قُتِلَا وقُتِلَ معهما جماعة كثيرة، وليس هؤلاء من الحُرُورِيَّةِ في شيءٍ.

فَضِيلُ بِنِ مَرَزُوقِ / ا ي م ۴

فَضِيلُ بِنِ مَرَزُوقِ الْأَعْرَجِيُّ، رَقَاشِيٌّ، كُوفِيٌّ، أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ، از راویان صدوق طبقه هفتم و مرمی به تشیع است که در حدود سال ۱۶۰ هـ. درگذشت.

دیدگاه برخی از رجال شناسان درباره او به این شرح است:

«ابن معین»: صالح الحديث إلا أنه شديد التشيع. «احمد»: لا أعلم إلا خيراً. «ذهبي»: كان معروفاً بالتشيع من غير سب. «هيثم بن جميل»: فضيل بن مرزوق - که از پیشوایان هدایت، زهد و فضل بود - به نزد «حسن بن صالح بن حنی» آمد، فأخبره أنه ليس عنده شيء، فقام الحسن فأخرج ستة دراهم، وأخبره أنه ليس عنده غيرها، فقال: سبحان الله! ليس عندك غيرها وأنا آخذها، فأخذ ثلاثة وترك ثلاثة.

در صحیح و سنن مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او حدیث نقل شده و نیز بخاری در رفع الیدین فی الصلاة، از او حدیث نقل کرده است.

مشایخ او: ابواسحاق سبیعی، عدی بن ثابت، عطیه عوفی، أعمش، میسرة بن حبیب، شقیق بن عقبه، حسن مثلث یعنی حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب، و...
راویان از او: زهیر بن معاویه، وکیع، یزید بن هارون، عبدالغفار بن حکم، حسین بن

علی جعفی، ابواسامه، فضل بن موقق، یحیی بن آدم، محمد بن فضیل، زید بن حباب، ابونعیم، علی بن جعد، و...^۱

از او حدیثی نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: ... وَإِنْ تَوَمَّرُوا عَلَيًّا - وَلَا أَظُنُّكُمْ قَاعِلِينَ - تَجِدُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا، يَسْلُكُ بِكُمْ الطَّرِيقَةَ^۲.

راوی حدیث شماره: ۱۳۴.

قاسم بن فضل حدانی^۳ / بخ م ۴

قاسم بن فضل بن معدان حدانی ازدی، ابومغیره بصری، ساکن در میان بنی حدان، از راویان ثقه طبقه هفتم، مرمی به ارجاء که در سال ۱۶۷ هـ. درگذشت. در صحیح مسلم و سنن ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه و نیز بخاری در الأدب المفرد از او حدیث نقل کرده‌اند. مشایخ او: پدرش، ابونضره، سعید بن مهلب، نضر بن شیبان، ابوجعفر محمد بن علی ابن الحسین، یوسف بن سعد، و...

راویان از او: ابن مهدی، وکیع، یونس بن محمد، ابوداود طیالسی، ابن هشام مخزومی، نضر بن شمیل، ابن مبارک، قبیصه، موسی بن اسماعیل، مسلم بن ابراهیم، ابولید طیالسی، شیبان بن فروخ، عبدالله بن معاویه جمحی، و...^۴

راوی حدیث شماره: ۸۴.

۱ - بنگرید به: تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۱۵، ص ۱۱۹، ش ۵۳۵۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص

۳۶۲، ش ۶۷۷۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۲۵، ش ۵۶۲۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۶۲.

۳ - به ضم حاء و تشدید دال (تقریب التهذیب).

۴ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۷۷، ش ۶۸۳۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۵۸، ش ۵۶۷۰؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۹.

قیس بن ربیع آسیدی / د ت ق

قیس بن ربیع آسیدی، ابو محمد کوفی، از حافظان نامدار و راوی صدوق طبقه هفتم. «ابن حجر» درباره او نوشته است: صدوق تغیر لما کبر، أدخل علیه ابنه ما لیس من حدیثه فحدّث به.

«ابو داود طیالسی» گفته است: إنما أتى قیس من قبل ابنه، کان ابنه یأخذ حدیث الناس فیدخلها فی فرج کتاب قیس ولا یعرف الشیخ.

از احمد پرسیده شد: لم ترک الناس حدیثه؟ فقال: کان یتشیع، ویخطئ فی الحدیث. از «محمد بن عبید» نقل شده است: استعمل أبو جعفر قیساً علی المدائن، فکان یعلق النساء بثدیهن ویرسل علیهن الزنا بیر. ونیز از او نقل شده است: مازال أمره مستقیماً حتی استقضی، فقتل رجلاً، یعنی اقام علیه الحدّ فمات.

وی در یکی از سالهای ۱۶۵ تا ۱۶۸ هـ. درگذشت. در سنن ابوداود، ترمذی و ابن ماجه، از او حدیث نقل شده است.

مشایخ او: ابواسحاق سبعی، عمرو بن مرّه، ابن ابی لیلی، ابوهاشم رُمّانی، سِماک بن حرب، أعمش، سُدی، أسود بن قیس، هشام بن عروه، و...

راویان از او: ابن تغلب، شعبه، ثوری، عبدالله بن نمیر، ابومعاویه، عبدالرزاق، وکیع، ابوداود طیالسی، یزید بن هارون، عفان، عبدالکریم بن محمد جرجانی، موسی بن داود ضبّی، ابوالولید، یحیی بن عبدالحمید حِمّْانی، علی بن جعد، و...

راوی احادیث شماره: ۲۰۲، ۷۶.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۷۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۵، ش ۱۲۸۸؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۲۶، ش ۲۱۱؛ میزان الاعتدال، ج ۳، صص ۳۹۳ تا ۳۹۶، ش ۶۹۱۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، صص ۵۲۷ تا ۵۳۰، ش ۵۷۶۳؛ تفریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۲۸.

لَیْثُ بْنُ سَعْدٍ فَهْمِي / ع

لَیْثُ بْنُ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَهْمِي، ابوالحارث، مصري، اصفهاني الأصل، از فقیهان بلندآوازه و از راویان ثقه طبقه هفتم که در شب جمعه، نیمه شعبان سال ۱۷۵ هـ. در ۸۱ سالگی، چشم از جهان فرو بست. در صحاح شش گانه به حدیث او استناد شده است. از «شافعی» نقل شده است: اللَّيْثُ أَفْقَهُ مِنْ مَالِكٍ إِلَّا أَنْ أَصْحَابَهُ لَمْ يَقُومُوا بِهِ. و از یحیی بن بُكَيْرٍ نقل شده است: هو أفقه من مالك، لكن الحظوظ لمالك.

خلیفه عباسی ابوجعفر منصور، حکومت مصر را به او پیشنهاد کرد، نپذیرفت و گفت: أضعفُ عن ذلك: لا تأتي من الموالی، قال: ما بك ضعف معي، ولكن ضعفك نيتك.

از «عثمان بن صالح سهمی» نقل شده است: كان أهل مصر ينتقصون عثمان حتى نشأ فيهم الليث، فحدثهم بفضائل عثمان، فكفوا، وكان أهل حمص ينتقصون علياً حتى نشأ فيهم إسماعيل بن عيَّاش، فحدثهم بفضائل علي، فكفوا عن ذلك.

لَیْثُ شَخْصٌ مَتَمَكِّنٌ، مَتَمَوِّلٌ وَبِأَسْخَاوَتِي بُوِدَ، نَقْلٌ شَدِيدٌ اسْت:

«منصور بن عمار» بر او وارد شد، هزار دینار به منصور داد، پس از آتش سوزی خانه «ابن لهیع» هزار دینار به وی پرداخت، و نیز هزار دینار به «مالک بن انس» پرداخت و... مشایخ او: عطاء بن ابی رباح، ابن ابی مُلَيْكَةَ، مُحَمَّدُ بْنُ عَجْلَانَ، زُهْرِي، ابوالزُبَيْرِ مَكِّي، يَزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ، يَحْيَى بْنُ سَعِيدِ انصاري، هشام بن عروه، سعيد مقبري، قتاده، عبدالله بن عمر، ابوقبيل، كَثِيرُ بْنُ قَرْقَدٍ، صَفْوَانُ بْنُ سُلَيْمٍ، يَحْيَى بْنُ أَيُّوبَ، عَقِيلٌ، يُونُسُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ مُحَمَّدِ قُرَشِيٍّ، و بسیاری دیگر.

راویان از او: مُحَمَّدُ بْنُ عَجْلَانَ (استاد لَیْثِ)، يَحْيَى بْنُ يَحْيَى نیشابوری، يَحْيَى بْنُ يَحْيَى قُرْطُبِيٍّ، قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، هشام بن سعد، ابن لهیع، قَيْسُ بْنُ رَبِيعٍ، ابن مُبَارَكٍ، ابن وَهْبٍ، مروان بن محمد، ابوالنضر، ابوالولید بن مسلم، ابوسلمه خزاعی، یحیی بن عبدالله

ابن بُکَیْر و بسیاری دیگر^۱.

راوی احادیث شماره: ۱۳، ۲۱.

مالک بن آنس اصْبَحِيّ / ع

مالک بن آنس بن مالک بن ابی عامر بن عمرو بن حارث... اصْبَحِيّ جَمِيْرِيّ، ابو عبدالله مدَنِيّ، پیشوای مذهب مالِکِيّ، شیخ الإسلام از راویان طبقة هفتم، که در سال ۹۳ هـ. به دنیا آمد و در سال ۱۷۹ هـ. در ۸۶ سالگی از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

«ابن سعد» او را چنین توصیف می کند: كان يَثِقَةً، مأموناً، ثَبْتاً، ورعاً، فقيهاً، عالماً، حُجَّةً.

از مالک نقل شده که ابو جعفر منصور، خلیفه عباسی، به او گفت: أنت والله أعقلُ الناس وأعلم الناس، قلتُ: لا والله يا أمير المؤمنين. قال: بلى ولكنك تكتم، لئن بقيت لأكتبن قولك كما تكتب المصاحف، ولأبعثن به إلى الآفاق فأحملهم عليه (تذكرة الحفاظ). برابر نوشته «ابن خلدون» وی کتاب الموطأ را به اشاره «منصور» نوشته است.

«أحمد بن حنبل» علّت کتک خوردن او را چنین گفته است: ضربه بعضُ الولاية في طلاق المُكره و كان لا يجيزه.

مشایخ او: نافع مولى ابن عمر، زُهْرِيّ، عامر بن عبدالله بن زُبَيْر بن عوام، ابن مُنْكَدِر، سعيد مقْبُرِيّ، صفوان بن سُليْم، عبدالله بن دينار، علاء بن عبدالرحمن، هشام بن عُزْوَه، ابوالزُبَيْر مَكِّيّ، أيّوب سَخْتِيَانِيّ، جعفر بن محمّد الصّادق، و بسیاری دیگر.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۶۳، ش ۲۷۹۹؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۲۴، ش ۲۱۰؛ ميزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۲۳، ش ۶۹۹۸؛ تهذيب التهذيب، ج ۶، ص ۶۰۶، ش

۵۸۸۰؛ تفریب التهذيب، ج ۲، ص ۱۳۸.

راویان از او: ابن مبارک، ابن وهب، یحیی بن یحیی نیشابوری، یحیی بن سعید انصاری، یحیی بن یحیی اندلسی، یحیی بن بُکَیْر، قُتیبَه، أوزاعی، ثوری، شُعْبَة بن حَجَّاج، ابن جُرَیج، ابراهیم بن طَهْمَان، لَیْث بن سَعْد، ابن عَیْثَه، ابواسحاق فزازی یحیی ابن سعید قَطَّان، عبدالرحمن بن مَهْدِی، زید بن حُبَاب، شافعی، ابونُعَیم، ابوعاصم، ابوالولید طَیَالِسی، اسماعیل بن ابی اُوَیْس، ابومُشَهر، و بسیاری دیگر.^۱

راوی حدیث شماره: ۷۲.

مَالِک بن مِغْوَل ۲ / ع

مَالِک بن مِغْوَل بن عاصم ... بَجَلِی، کُوفِی، ابو عبدالله، از راویان ثقه و ثَبِت طبقه هفتم است که در سال ۱۵۹ هـ. درگذشت در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است. مشایخ او: ابواسحاق سَبِیعی، سِمَاک بن حَرْب، نافع مولی ابن عمر، ابوالأشقر، حَکَم ابن عَتِیْبَه، و...

راویان از او: ابواسحاق (استادش)، شُعْبَه، مِشْعَر، ثُورِی، زانده، ابن عَیْثَه، اسماعیل ابن زکریّا، یحیی بن سعید قَطَّان، وَکِیع، ابن مبارک، ابومعاویه ابن نُمَیْر، ابواسامه، زید بن حُبَاب، عبدالرحمن بن مَهْدِی، ابونُعَیم، عمرو بن مرزوق، و...^۳

راوی حدیث شماره: ۵۳.

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۸۸، ش ۲۴۷۹؛ تذکرة الحُفَاف، ج ۱، صص ۲۰۷ تا ۲۱۳، ش ۱۹۹؛ مقدمه ابن خَلْدُون، صص ۱۷ و ۱۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۶، ش ۶۶۸۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۳.

۲ - به کسر میم و سکون غین و فتح واو (تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۶۵؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۴، ش ۱۲۷۷؛ تذکرة الحُفَاف، ج ۱، ص ۱۹۳، ش ۱۸۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۳، ش ۶۷۱۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۶.

مُثَنَّى بن صَبَّاح / د ت ق

مُثَنَّى بن صَبَّاح يَمَانِيّ، اَبْنَاوِيّ^۱، ابو عبدالله يا ابويحيى، ساكن مَكّه، از راويان ضعيف و عابد طبقه هفتم كه در پايان زندگى دچار اختلاط شده است. وى در سال ۱۴۹ هـ. درگذشت. در سُنن ابوداود، تِرْمِذِيّ و ابن ماجه از او حديث، نقل شده است.

مشايخ او: طاووس، مُجاهد، عبدالله بن ابى مُلَيْكَه، عَطَاء بن ابى رَبَاح، عمرو بن دِينَار، عمرو بن شُعَيْب، عَطَاء خراسانى، قاسم بن ابى بَزّه، و...

راويان از او: ابن مبارك، عيسى بن يونس، فِطْر بن خَلِيفَه، عبدالرّزّاق، وُلَيْد بن مُسَلَم، محمّد بن سَلَمَه حَرّانِيّ، عَلِيّ بن عِيّاش جِمَصِيّ و...^۲

راوى حديث شماره: ۱۳۹.

محمّد بن ابراهيم ابوشهاب كِنَانِيّ

گويا از راويان طبقه هفتم است.

عبدالرحمن بن ابى حاتم محمّد رازي، از پدرش نقل مى كند كه محمّد بن ابراهيم ابوشهاب كِنَانِيّ كوفي، مشهور نيست ولى حديث وى نوشته مى شود.

«ابن حَبّان» او را در الثقات، يادآور شده و «بُخارى» نوشته است: او از «عاصم بن يَهْدَلَه»، حديثى درباره «مهدى» روايت كرده و «مُسَدَّد بن مُسَرّهَد» از او روايت مى كند.^۳

راوى احاديث شماره: ۱، ۱۶۲، ۱۶۳.

۱ - به فتح همزه، سكون باء و سپس نون (تقريب التهذيب).

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۹۱؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۱۱، ش ۲۵۸۱؛ ميزان الاعتدال، ج ۳، ص

۴۳۵، ش ۷۰۶۱؛ تهذيب التهذيب، ج ۸، ص ۳۹، ش ۶۷۳۵؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۲۲۸.

۳ - بنگريد به: الجرح والتعديل، ج ۷ (قسم دوم از جلد سوم)، ص ۱۸۵، ش ۱۰۴۶؛ التاريخ الكبير، ج ۱

(قسم اول از جزء اول)، ص ۲۵، ش ۲۶؛ الثقات، ج ۹، ص ۳۹ و درج ۵ (تحقيق شده)، ص ۴۱۱، ش

۳۰۴۲؛ لسان الميزان، ج ۵، ص ۲۵.

محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی = ابن ابی لیلی / ۴

محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی انصاری، ابوعبدالرحمن، کوفی، فقیه قرآن شناس مفتی و قاضی کوفه، از راویان صدوق بد حافظه طبقه هفتم که در ماه رمضان سال ۱۴۸ هـ. چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح شش گانه، احادیثی از او نقل کرده اند. پدر او از تابعان بوده است.

وی نخستین کسی است که یوسف بن عمر ثقفی از او درخواست قضاوت در کوفه را نمود.

مشایخ او: برادرش: عیسی، پسر برادرش: عبدالله بن عیسی، نافع مولی ابن عمر، ابوالزبیر مکی، شعبی، عطاء (عطاء بن ابی رباح)، عطیه، حکم بن عتیبه، عمرو بن مره، سلمه بن کهیل، منهل بن عمرو، داود بن علی، و...

راویان از او: پسرش عمران، شعبه، سفیان بن سنیان (سفیان ثوری و سفیان بن عیینه)، زانده، وکیع، ابن جریج، قیس بن ربیع، ابوالأخوص، عیسی بن یونس، محمد بن ربیع، علی بن هاشم بن برید، عبیدالله بن موسی، ابونعیم، و...

راوی حدیث: بدون شماره پس از شماره ۲۰۶.

محمد بن عبدالرحمن بن مغیره = ابن ابی ذئب / ۵

محمد بن عبدالرحمن بن مغیره بن حارث بن ابی ذئب هشام بن... قرشی عامری، ابو حارث مدنی، از راویان ثقه، فقیه و فاضل طبقه هفتم، متولد سال ۸۰ هـ. و متوفای ۱۵۸ یا ۱۵۹ هـ. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد کرده اند. «بغوی» از «احمد» نقل می کند: کان رجلاً صالحاً یأمر بالمعروف.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۷۱، ش ۱۶۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۸۲، ش ۶۳۲۶؛ تفریب

التهذیب، ج ۲، ص ۱۸۴ حرف میم شماره ۴۶۰.

«واقیدی» گفته است: کان من أوزع الناس و أفضلهم و كانوا يَزْمُونَهُ بِالْقَدَرِ، و ما كان قَدْرِيًّا، لقد كان يَنْفِي قولهم و يعيبه، ولكنّه كان رجلاً كريماً يجلسُ إليه كلُّ واحد... و كان يُصَلِّي اللَّيْلَ أَجْمَع، و يجتهد في العبادة... و أخبرني أخوه أنّه كان يصومُ يوماً و يُفِطِرُ يوماً. مشايخ او: برادرش: مُغِيرَه؛ عِكْرِمَه مولى ابن عباس، شُعْبَة بن دينار، زُهْرِيّ، سعيد ابن سَعْنان، مُحَمَّد بن مُنْكَدِر، مُحَمَّد بن قَيْس مدنيّ، و...

راویان از او: ابن مبارک، يحيى قطان، ابونعیم، قَعْنَبِيّ، أسد بن موسى، احمد بن يونس، ثَوْرِيّ، وُلَيْد بن مُسَلِم، عبدالله بن نَعْمِر، اسحاق بن سليمان رازيّ، عبدالله بن وَهَب، و...

راوی احادیث شماره: ۱۵، ۱۸، ۲۲ تا ۲۹.

مِشْعَرُ بْنُ كِدَامٍ / ع

مِشْعَرُ بْنُ كِدَامِ بْنِ ظَهْرٍ... هِلَالِيّ، عَامِرِيّ، ابوسلمه كُوفِيّ، از راویان حافظ و نامدار، و راوی ثقه، ثبت و فاضل طبقه هفتم که در سال ۱۵۳ یا ۱۵۵ ه. وفات یافت. در صحاح شش گانه به روایات او استناد شده است.

از او نقل شده که ابو جعفر منصور، منصب دولتی به او پیشنهاد کرد و او پوزش خواست: دعاني أبو جعفر المنصور ليوليتي، فقلت: إن أهلي يقولون لي: لا نرضى اشتراك لنا في شيءٍ بدرهمين و أنت توليتني - أصلحك الله - أن لنا قرابةً و حقاً، فأعفاني.

مِشْعَرُ، معتقد به مذهب مُرْجئه بود، از این رو سُفیان و حسن بن صالح، در تجهیز جنازه او حاضر نشدند.

«ذَهَبِيّ» در میزان الاعتدال می نویسد: قلت: الإرجاء مذهب لعدّةٍ من أجلة العلماء،

۱ - الطبقات، ج ۲، ص ۶۸۴، ش ۲۴۵۹؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۹۱، ش ۱۸۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳،

ص ۶۲۰، ش ۷۸۳۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۷، ص ۲۸۶، ش ۶۳۲۸؛ تريب التهذيب، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲ - «مِشْعَرُ» به كسر ميم و سکون سين و فتح عين، «كِدَامُ» به كسر كاف و تخفيف دال (تريب التهذيب).

لا ینبغی التحامل علی قائله.

مشایخ او: عدی بن ثابت، حکم بن عتیبه، قتاده، عمرو بن مره، عطاء، عبدالملک بن عمیر، ابواسحاق سبیبی، حبیب بن ابی ثابت، عمرو بن عامر، علقمة بن مرثد، اعمش، منصور، و...

راویان از او: سفیان بن عیینه، یحیی قطان، ابونعیم، خلاد بن یحیی، سلیمان تیمی، شعبه، ثوری، مالک بن مغول، ابن مبارک، ابن نمیر، وکیع، محمد بن بشر عدی، یحیی بن سعید انصاری، ابواسامه، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۳۳.

معلی بن زیاد قزوینی^۲ / خت م ۴

معلی بن زیاد قزوینی، ابوالحسن بصری، از راویان صدوق، قلیل الحدیث و زاهد طبقه هفتم است. «ابوحاتم» و «ابن حبان» او را به ثقه توصیف کردند. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن، و نیز بخاری از باب استشهاد از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: حسن بصری، معاویه بن قره، علاء بن بشیر، و...

راویان از او: هشام بن حسان، حماد بن زید، جعفر بن سلیمان، یوسف بن عطیه صفار، سعید بن عامر ضبیبی و...^۳

۱- الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۶۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۳، ش ۱۲۷۲؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۸۸، ش ۱۸۳، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۹۹، ش ۸۴۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۱۳۶، ش ۶۸۷۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲- به ضم قاف و سکون راء، منسوب به قرادیس، ثباری از آزد، ساکن بصره (تقریب التهذیب).

۳- میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۴۸، ش ۸۶۷۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۷۶، ش ۷۰۸۲؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۶۵.

راوی احادیث شماره: ۹۳، ۹۴، ۹۵.

مَعْمَرُ بْنُ رَاشِدٍ بَصْرِيٌّ / ع

مَعْمَرُ بْنُ رَاشِدٍ أَرْدَبِيٌّ، حُدَّائِيٌّ، أَبُو عُرْوَةَ بَصْرِيٌّ، ساکن یَمَن از محدثان سرشناس و از راویان ثقه و ثَبَّتْ طَبَقَهُ هَفْتَم، که به گفته خود از ۱۴ سالگی از قَتَادَه، حدیث فرا گرفت. وی نخستین مُصَنِّفِ یَمَن است.

«ابن حَبَّان» در الثَّقَاتِ او را این چنین توصیف می‌کند: کان فقیهاً، حافظاً، مُتَّقِناً، وَرِعاً. «عبدالرزاق» گفته است: ده هزار حدیث از مَعْمَرِ یادداشت کردم.

او در تجهیز جنازه حسن بصری، حضور داشت.

در میزان الاعتدال آمده است: و روی أن مَعْنُ بْنُ زَائِدَةَ أمير اليمن بعث إلى مَعْمَرٍ بَدَهَبٍ، فَرَدَّهُ، وَقَالَ لزوجته: إن علم بهذا أحد فارقك.

او در رمضان سال ۱۵۳ هـ. در ۵۸ سالگی رخت از جهان بر بست. در صحاح شش‌گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: زُهْرِيٌّ، قَتَادَه، عمرو بن دينار، زياد بن علاقه، يحيى بن ابي كثير، عاصم، أَحْوَل، أيوب، هشام بن عُرْوَه، محمد بن مُنْكَدِر، عطاء خُراساني، عبدالكريم جَزْرِيٌّ و...

راویان از او: سُفْيَانِیْن، ابن مُبَارَك، عُثْمَر، ابن عَلِيَّه، يزيد بن زُرَيْع، عبدالرزاق،

استادانش: يحيى بن ابي كثير، ابواسحاق سَبِيْعِيٌّ، أيوب و عمرو بن دينار، ابان عَطَّار، ابن

جُرَيْج، عمران قَطَّان، هشام دَسْتَوَائِيٌّ، شُعْبَه، هشام بن يوسف، عبدالله بن مُعَاذ، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۹۸، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۸۱ تا ۲۸۴.

۱ - به سکون عین بر وزن «جَعْفَر» (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۵۴۶، الطبقات، ج ۲، ص ۷۳۶، ش ۲۶۶۵؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۱۹۰، ش ۱۸۴، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۵۴، ش ۸۶۸۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۸۲، ش

۷۰۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۶۶.

مهاجر بن مسمار زهری / م ت فق

مهاجر بن مسمار، زهری، مولی ساعد، مدنی، از راویان مشهور، مقبول و صالح الحدیث طبقه هفتم که در صحیح مسلم، سنن ترمذی، و تفسیر ابن ماجه قزوینی از او حدیث روایت شده است.

وی در سال ۱۰۵ هـ. درگذشت ابن حبان او را در الثقات یادآور شده است.

مشایخ او: عامر و عایشه فرزندان سعد بن ابی وقاص.

راویان از او: ابن ابی ذئب، موسی بن یعقوب زمعی، یعقوب بن جعفر بن ابی کثیر، خالد بن الیاس، حاتم بن اسماعیل^۱.

راوی حدیث شماره: ۲۸.

واسط بن حارث

واسط بن حارث بن حوشب، پسر برادر العوام، از اهل واسط که «ابن حبان» وی را در الثقات یادآور شده است. گویا وی از راویان طبقه هفتم باشد.

مشایخ او: عاصم، نافع العمری، عطاء، قتاده.

راویان از او: یوسف بن حوشب، عبدالله بن خراش و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۸۷، ۱۹۱.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۳۷۳، ش ۷۲۰۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۲۸، ش ۹۳۲۱؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۱۴، ش ۷۵۱؛ تاریخ الإسلام، ج

۹، ص ۶۵۹؛ (وفیات، ۱۴۱ - ۱۶۰ هـ).

وَهَيْبُ بْنُ خَالِدِ بَصْرِيِّ / ع

وَهَيْبُ بْنُ خَالِدِ بْنِ عَجَلَانَ بَاهِلِيِّ، ابوبکر بَصْرِيِّ، از راویان ثقه و ثبت طبقه هفتم که در اواخر زندگی اندکی دچار دگرگونی شده است. وی در سال ۱۶۵ و یا ۱۶۹ هـ. در ۵۸ سالگی درگذشت. در صحاح شش گانه از او حدیث، نقل شده است.

مشایخ او: منصور بن مُعْتَمِر، ایوب، عبدالله بن طاووس، سَهْلُ بْنُ صَالِحٍ، خَالِدُ الْحَدَّادِ، دَاوُدُ بْنُ أَبِي هِنْدٍ، سعید جَرَّيْرِيُّ، یحیی بن سعید انصاری، جعفر الصادق علیه السلام، هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ، عبیدالله بن عمر، ابن شُبْرَمَه، و...

راویان از او: اسماعیل بن عَلِيَّه، عَقَّانُ، مُسْلِمُ بْنُ اِبْرَاهِيمَ، ابن مبارک، ابن مَهْدِيٍّ، قَطَّانُ، یحیی بن آدم، ابوداود، ابوالولید طَيَالِسِيَّانُ، ابوهشام مخزومی، سلیمان بن حَرْبِ، موسی بن اسماعیل، سَهْلُ بْنُ بَكَّارٍ، سفیان بن قُرُوح، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۴۴، ۴۷.

هشام بن ابی عبدالله دَسْتَوَائِيٌّ / ع

هشام بن ابی عبدالله سَنَبَرِيُّ^۴، ابوبکر بَصْرِيِّ، دَسْتَوَائِيٌّ، از راویان ثقه و ثبت طبقه هفتم و دارای مذهب قَدْرِيَّه، که در سال ۱۵۴ هـ. در ۷۸ سالگی وفات یافت. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: قَتَادَةُ، حَمَّادُ بْنُ أَبِي سَلِيْمَانَ، یحیی بن ابی کثیر، مَطَرُ الْوَرَّاقِ، بَقِيَّه،

۱ - به تصغیر، (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۲۸۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۰؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۳۵، ش ۲۲۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۸۶، ش ۷۷۶۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳ - به فتح دال، سکون سین و فتح تاء، منسوب به دَسْتَوَاءِ که قریه‌ای است در آهواز، و هشام، تاجر و فروشنده پارچه‌هایی از آنجا بود، از این رو منسوب به آنجاست. (اللُّبَابُ، ج ۱، ص ۴۱۸).

۴ - سَنَبَرٌ بِرِوْزَنِ جَعْفَرٍ (تقریب التهذیب).

اسماعیل بن عیّاش، سعید، و...

راویان از او: عبدالصّمد بن عبدالوارث، محمّد بن ابی عدیّ، عبدالرحمن بن مهّدیّ، ابوداود، نسائی، ابن ماجه، ابوزرّعه، ابوحاتم، محمّد بن عوف طائی، یعقوب بن سفیان، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۸۸، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹.

همّام بن یحییٰ عوذیّ^۲ / ع

همّام بن یحییٰ بن دینار آزدیّ عوذیّ، ابو عبدالله یا ابوبکر بصریّ، از راویان ثقه طبقه هفتم، که در رمضان سال ۱۶۴ یا ۱۶۵ هـ. درگذشت. صاحبان صحاح شش گانه از او حدیث نقل کرده اند.

مشایخ او: حسن، عطاء بن ابی ریاح، یحییٰ بن ابی کثیر، ابوجمّره ضبیعیّ، قتاده، نافع مولى ابن عمر، انس بن سپرین، ابن جرّیج، و...

راویان از او: حبان بن هلال، عفّان، حجاج بن منّهال، ثوریّ، ابن مبارک، ابن علیّه، وکیع بن مهّدیّ، عبدالصّمد بن عبدالوارث، یزید بن هارون، ابوداود، عمرو بن عاصم، موسی بن اسماعیل، ابونعیم و...^۳

راوی حدیث شماره: ۲۸۰.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۷۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۳۱، ش ۱۸۵۱؛ تهذیب الکمال، ج ۱۹، ص

۲۵۸، ش ۷۱۷۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۴، ش ۱۵۹؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۰۰، ش ۹۲۲۹؛

تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۵۱، ش ۷۵۷۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱۹.

۲ - به فتح عین و سکون واو و کسر ذال (تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۳۶، ش ۱۸۷۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۰۱، ص ۱۹۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۷۴، ش ۷۵۹۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۲۱.

ياسين عَجَلِيّ = ياسين بن شيبان = ياسين بن سيار يا ابن سنان / ق

ياسين بن شيبان يا ابن سنان عَجَلِيّ كوفي، از راويان طبقه هفتم كه «ابن ماجه» از او روايت نقل کرده است، «ابن حجر»، درباره او نوشته است: لأبأس به.

در ميزان الاعتدال آمده: أبونُعَيْمٍ، حَدَّثَنَا يَاسِينَ الْعَجَلِيّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ - مَرْفُوعاً: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ».

راويان از او: وَكَيْعٌ، ابْنُ نُمَيْرٍ، قَاسِمُ بْنُ مَالِكٍ مُزَنِّيٌّ، أَبُو دَاوُدَ الْحَقَرِيُّ، وَأَبُونُعَيْمٍ.^۱
راوی احادیث شماره ۵: ۲۱۴ تا ۲۲۳.

يحيى بن ثعلبه

گویا وی از راويان طبقه هفتم باشد.

ذَهَبِيّ نوشته است: يحيى بن ثعلبه، ابوالمَقُومِ، كه دارقُطْنِيّ او را ضعيف مي داند. وی از حَكَمِ بْنِ عَتَّيْبَةَ روايت کرده است.

ابن حَجَرٍ مي نويسد: يحيى بن ثعلبه، ابوالمَقُومِ، عن الحكم بن عبدالله ضَعْفَهُ الدارقُطْنِيّ.^۲

راوی حدیث شماره ۵: ۲۰۲.

يونس بن يزيد آيَلِيّ ٣ / ع

يونس بن يزيد بن ابي نَجَّاد، يا ابن نَجَّاد آيَلِيّ، ابوزيد، مولى معاوية بن ابي سفيان، از

۱ - ميزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۵۹، ش ۹۴۴۴؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۱۹۱، ش ۷۷۷۳؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲ - ميزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۶۷، ش ۹۴۷۲؛ لسان الميزان، ج ۶، ص ۲۴۴، ش ۸۶۰.

۳ - به فتح الف و سکون ياء (تقريب التهذيب).

راویان ثقه طبقه هفتم، که در سال ۱۵۹ هـ. وفات یافت. صاحبان صحاح شش گانه از او حدیث نقل کرده‌اند.

مشایخ او: برادرش: ابوعلی بن یزید؛ زهری، نافع مولی ابن عمر، هشام بن عروه، عکرمه، و...

راویان از او: جریر بن حازم، لیث بن وهب، عمرو بن حارث، پسر برادرش: عبّسه ابن خالد بن یزید ائلی، اوزاعی، سلیمان بن بلال، ابن مبارک، قاسم بن مبرور، بقیه بن ولید، حسان بن ابراهیم کیرمانی، عثمان بن عمر بن فارسی، و...

راوی احادیث شماره: ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۳، ۱۴.

۱ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۵۲۰؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۶۲، ش ۲۷۹۷؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۲، ش ۱۵۶؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۸۴، ش ۹۹۲۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۴۷۰، ش ۸۲۰۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۶.

طبقه هشتم

ابراهیم بن اسحاق صینی^۱

ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق صینی جُفَیّی کوفی، متوفای سال ۲۳۰ هـ. با توجه به اینکه برخی از مشایخ وی از راویان طبقه هفتم می‌باشند، گویا او از راویان طبقه هشتم باشد.

«دارقُطَیّی» درباره او گفته است: متروک الحدیث، اما «ابن ابی حاتم» فلم يذكر فيه جرحاً. و «ابن حبان» وی را در الثقات، یاد آور شده و نیز در تاریخ الاسلام، آمده است: كان صدوقاً ضريباً.

مشایخ او: قیس بن ربیع، مالک بن انس، فضیل بن عیاض، و...
راویان از او: موسی بن اسحاق انصاری خَطْمی، محمد بن عثمان بن ابی شیبّه، مُطَیّن، حَضْرَمی.^۲

راوی حدیث شماره: ۱۷۴.

۱ - «شمعانی» در الأنساب، نوشته است: «الصینی، منسوب إلى صینیة، مدينة بين واسط والصلیق بالعراق».

۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۱، قسم ۱، ص ۸۵، ش ۲۰۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۸، ش ۳۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۶، ص ۵۶، ش ۳۱؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۰، ش ۵۱.

ابراهیم بن عقیل صنعائی / د

ابراهیم بن عقیل بن معقل بن منبه صنعائی، از راویان صدوق طبقه هشتم، که به گفته احمد بن حنبل دسترسی به او دشوار بود: کان عسیراً، أقت علی بابه یوماً أو یومین حتی وصلتُ إلیه فحدّثنی بحدیثین.

یحیی بن معین می گوید: ابراهیم و پدرش از راویان ثقه هستند.

مشایخ او: پدرش، و «ابن حبان» در الثقات می نویسد: وی از عموی پدرش وهب ابن منبه، نیز روایت می کرد.

راویان از او: احمد بن حنبل، پسر عمویش: اسماعیل بن عبدالکریم بن معقل بن منبه، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۵۷.

ابراهیم بن محمد بن حارث ابواسحاق فزاری / ع

ابواسحاق فزاری، ابراهیم بن محمد بن حارث بن أسماء... فزاری، ابواسحاق کوفی، ساکن مصیصه، از راویان ثقه، حافظ و صاحب تصانیف طبقه هشتم و پسر عموی مروان ابن معاویه فزاری. و نیز صاحب کتاب السیر که مدافع سرسخت سنت بود که «عجلی» درباره او گفته است: کان ثقیّاً، رجلاً صالحاً، صاحب سنّه، وهو الذی أدب أهل الثغر وعلّمهم السنّه، وکان یأمر وینهی، واذ دخل الثغر رجلٌ مبتدعٌ أخرجّه، وکان کثیر الحدیث، وکان له فقه. و نیز «ابومشهر» می گوید: قدیم ابواسحاق دمشق فاجتمع علیه الناس لیسمعوا منه، فقال لی: أخرج إلى الناس فقل لهم: من کان یری القدر فلا یحضر مجلسنا، ومن کان یری رأی فلان فلا یحضر مجلسنا، ومن کان یأتی السلطان فلا یحضر مجلسنا، فخرجت فأخبرتهم.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۶۶، ش ۲۳۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۰.

«ابن ندیم» در الفهرست، نوشته است: **إِنَّ أَوَّلَ مَنْ عَمِلَ فِي الْإِسْلَامِ اصْطِرْلَابًا، وَ لَهُ فِيهِ تَصْنِيفٌ.**

ابو اسحاق قزازی در سال ۱۸۵ هـ. درگذشت، در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: عبدالملک بن عمیر، ابواسحاق سبیعی، أعمش، أوزاعی، موسی بن عقبه، یحیی بن سعید انصاری، مالک، شعبه، ثوری، ابان بن ابی عیاش، و...

راویان از او: عبدالله بن مبارک، محمد بن عبدالرحمن بن سہم، استادش: أوزاعی؛ محمد بن سلام بپکندی، محمد بن کثیر مصیصی، و...

راوی حدیث شماره: ۱۷۶.

اسماعیل بن ابراهیم بن مقسم أسدی = ابن علیہ ۲ / ع

اسماعیل بن ابراهیم بن مقسم أسدی، ابوبشر بصری، معروف به ابن علیہ، از راویان ثقه و حافظ طبقه هشتم، نام مادرش علیہ، و جدش مقسم که به گفته «ابن سعد»: **كَانَ مِنْ سَبِي الْقَيْثَانِيَّةِ مَا بَيْنَ خِرَاسَانَ وَ زَابُلِسْتَانَ، وَ كَانَ إِبرَاهِيمَ بنَ مِقْسَمٍ تاجراً بالكوفة، فَيَقْدُمُ البصرةَ بِتِجَارَتِهِ، فَيَبِيعُ وَ يَرْجِعُ فَيُخْلَفُ، فَتَزَوَّجَ عَلِيَّةَ بنتَ حَسَّانَ، وَ كَانَتْ نَبِيلَةً عاقلةً و...** ابن علیہ در سال ۱۱۰ هـ. زاده شد و در سال ۱۹۳ هـ. یعنی در ۸۳ سالگی درگذشت. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: ایوب سختیانی، علی بن جدعان، محمد بن منکدر، عبدالله بن ابی نجیح، جریری، سلیمان تیمی، عاصم أحول، ابن عون، معمر، عوف أعرابی، و بسیاری دیگر.

راویان از او: ابن جریج، شعبه، عبدالرحمن بن مهدی، احمد، اسحاق، بُنْدَار، بقیه، حماد

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۸۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۱۵، ش ۳۰۵۳؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۷۳، ش ۲۵۹؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۱۷۱، ش ۲۴۴؛ تفریب التهذيب، ج ۱، ص ۴۱.

۲ - به ضم عین، فتح لام و تشدید یاء مفتوحه.

بن زید، ابن وهب، ابوخیثمه، پسران ابی شیبّه، علی بن حجر، ابن نمیر، و بسیاری دیگر.^۱
 راوی احادیث شماره: ۶۲ ۶۵ ۶۹ ۱۲۰، ۱۲۹.

اسماعیل بن عیاش جمصی / ی ۴

اسماعیل بن عیاش بن سلیم عنسی^۲، ابو عبته جمصی، محدث شام، و از راویان طبقه هشتم که به گفته «ابن حجر»: صدوق فی روایتہ عن اهل بلده مخلط فی غیرهم. در میزان الاعتدال از «عثمان بن صالح سہمی» نقل شده است: کان اهل جمص یتنقصون علیاً حتی نشأ فیہم اسماعیل بن عیاش، فحدّثہم بفضائلہ، فکفّوا عن ذلك.^۳ در تذکرۃ الحفاظ آمده است: وی در سال ۱۰۶ هـ. متولد شد و در سال ۱۸۱ هـ. درگذشت. بخاری، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او حدیث نقل کرده‌اند. مشایخ او: صفوان بن عمرو، اوزاعی، زبیدی، یحیی بن سعید، هشام بن عروہ، ابن جریر و بسیاری دیگر.

راویان از او: ابومشہر، ابوالیمان، عثمان بن ابی شیبّه، ثوری، اعمش، لیث بن سعد، بقیّه، ولید بن مسلم، ابن مبارک، ابوداود طیالسی، یحیی بن معین، یحیی بن یحیی نیشابوری و بسیار دیگر.^۴

راوی احادیث شماره: ۱۳۹، ۱۵۰، ۱۵۳.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۲۵؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۵۲، ش ۳۲۱۱؛ تذکرۃ الحفاظ، ج ۱، ص ۳۲۲، ش ۳۰۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، صص ۲۱۶ تا ۲۲۰، ش ۸۴۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۹۰، ش ۴۵۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۵.

۲ - منسوب به عنس بن مالک.

۳ - بنگرید به شرح حال «لیث بن سعد قہمی» از راویان طبقه هفتم.

۴ - الطبقات، ج ۲، ص ۸۱۱، ش ۳۰۳۸؛ تذکرۃ الحفاظ، ج ۱، ص ۲۵۳، ش ۲۴۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، صص ۲۴۰ تا ۲۴۴، ش ۹۲۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، صص ۳۳۱ تا ۳۳۵، ش ۵۱۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۷۳.

پِشْر بن مَفْضَل رَقَاشِيّ / ع

پِشْر بن مَفْضَل بن لَاحِق رَقَاشِيّ، ابواسماعيل بَصْرِيّ، از راویان حافظ، ثقه، ثبت و عابد طبقه هشتم، که در سال ۱۸۶ یا ۱۸۷ هـ. وفات یافت در صحاح ششگانه به روایت او استناد شده است.

از «علی بن مدینی» نقل شده است: هر روز، چهارصد رکعت نماز می خواند و یک روز در میان روزه می گرفت.

مشایخ او: یحیی بن سعید انصاری، جَرِيْرِيّ، خالد الحَدَّاء، محمد بن مُنْكَدِر، ابن عَوْن، داود بن ابی هند، سُهَيْل بن ابی صالح، و...

راویان از او: علی بن مدینی، احمد بن حنبل، نصر بن علی، عثمان بن ابی شیبّه، یحیی بن یحیی نیشابوری، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۲۰.

بُهْلُول بن مَوْرِق ² / ق

بُهْلُول بن مَوْرِق، ابو غَسَّان مِصرِيّ، شامِيّ الأَصْل، از راویان صدوق طبقه هشتم که ابوزُرْعَه و ابوحاتم درباره او گفته اند: لا بأس به. ابن حبان وی را در الثقات یاد آور شده است، و ابن ماجه، از او حدیث نقل کرده است.

مشایخ او: أَوْزَاعِيّ، موسی بن عبیدّه، ثور بن یزید جَمْصِيّ و پِشْر بن منصور سلیمی.^۳

راویان از او: اسحاق بن منصور کَوْسَج، بُنْدَار، ابوموسی، عمرو بن علی، ابوخیثمه،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۱، ش ۱۹۰۴؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص

۳۰۹، ش ۲۸۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۴۷۸، ش ۷۴۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۰۱.

۲ - به ضم میم، و فتح واو، و کسر راء مشدّد.

۳ - به فتح سین (بنگرید به: تقریب التهذیب).

حَقَّصَ بِنِ عَبْدِ اللَّهِ حُلُوانِيٍّ وَ...^۱

راوی حدیث شماره: ۵۸.

تَلِیدِ بِنِ سُلَیْمَانَ كُوفِيٍّ / ت

تَلِیدِ بِنِ سُلَیْمَانَ بِنِ مُحَارِبِيٍّ، ابوسلیمان یا ابوادریس کوفی، اَعْرَجَ، که به گفته «ابن حَجْر» از راویان رافِضِيٍّ ضعیف طبقه هشتم است که در سُنَنِ تِرْمِذِيٍّ از او حدیث نقل شده است.

در تهذیب التهذیب نظرات برخی از عالمان رجالی درباره او به این شرح نوشته شده است: احمد بن حنبل: کان مذهبه التشیع، ولم تر به بأساً. قال عَبَّاسُ الدُّورِيِّ، عن يحيى بن معين:

کان ببغداد، وقد سمعت منه، وليس بشيء. وقال في موضع آخر: كذاب، کان یستم عثمان، وكل من شتم عثمان أو طلحة أو واحداً من أصحاب رسول الله ﷺ دَجَّالٌ، لا یکتب عنه، وعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين. وقال أيضاً: قَعَدَ فَوْقَ سَطْحٍ مَعَ مَوْلَى لِعِثْمَانَ، فَتَذَاكَرُوا أَمْرَ عِثْمَانَ، فَتَنَاولَهُ تَلِيدٌ، فَأَخَذَهُ مَوْلَى عِثْمَانَ، فَرَمَى بِهِ مِنْ فَوْقِ السَّطْحِ فَكَسَرَ رِجْلَيْهِ، فَكَانَ يَمْشِي عَلَى عَصَا.

قال أبو داود: رافِضِيٌّ خبيث، رجلٌ سَوءٌ يَشْتُمُ أَبابَكَرٍ وَعُمَرَ، وَ...

مشايخ او: ابوالجَحَافُ^۲، يحيى بن سعيد انصاري، عبدالملك بن عُمَيْرٍ، حمزة الزِّيَّات، عطاء بن سائب.

راویان از او: احمد بن حنبل، اسحاق بن موسى، ابن نُعْمَيْرٍ، يحيى بن يحيى نیشابوري،

۱ - تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۱۷۰، ش ۷۶۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۳، ش ۸۱۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲ - به فتح جیم و حاء مشدد (تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۰۵).

نَعِيمُ بْنُ حَمَّادٍ خُزَاعِيٌّ، وَ...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۸۳.

جعفر بن سلیمان ضَبَعِيٌّ^۲ / بخ م ۴

جعفر بن سلیمان ضَبَعِيٌّ، ابوسلیمان بَصْرِيٌّ ساکن در میان طایفه بنی ضَبَيْعَه، از راویان صدوق طبقه هشتم که «ابن حَجَر» درباره او نوشته است: صدوق زاهد لکنه کان یتشیع. در میزان الاعتدال و تهذیب التهذیب آمده که به «عبدالرزاق» گفته شد: مذهب تشیع را از چه کسی گرفتی. عَمَّنْ أَخَذْتَ هَذَا الْمَذْهَبَ؟ فَقَالَ: قَدِمَ عَلَيْنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ فَرَأَيْتُهُ فَاضِلًا حَسَنَ الْهَدْيِ، فَأَخَذْتُ هَذَا عَنْهُ.

«ابن حَبَّان» در الثقات نقل می کند که به جعفر بن سلیمان گفته شد: إِنَّكَ تَسُبُّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ قَالَ: أُمَّا السَّبُّ فَلَا، وَلَكِنَّ الْبَغْضَ مَا شئت، فَإِذَا هُوَ رَافِضِيٌّ مِثْلَ الْحَمَارِ.

و نیز «ابن حَبَّان» گفته است: کان جعفر من الثقات في الروايات، غير أنه ينتحل الميل إلى أهل البيت، ولم يكن بداعية إلى مذهبه، وليس بين أهل الحديث من أئمتنا خلاف أن الصّدوق المتّقين - إذا كانت فيه بدعة ولم يكن يدعو إليها - الاحتجاج بخبره جائز.

قال الدُّورِيُّ: كان جعفر إذا ذكر معاوية شتمه، وإذا ذكر علياً قعد يبكي.

از جمله احادیثی که درباره علی بن ابی طالب روایت کرده این است:

«ما تريدون من علي! علي مني وأنا منه، وهو ولي كل مؤمن بعدي».

او در ماه رجب سال ۱۷۸ هـ. چشم از جهان فرو بست. صاحبان صحاح از او روایت

نقل کرده اند.

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۱۳۶، ش ۳۵۸۲؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۵۸، ش ۱۳۳۹؛ تاریخ

الإسلام، ج ۱۳، ص ۱۳۸، ش ۵۸ (وفیات سال ۱۹۲ - ۲۰۰)؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۵۳۶، ش

۸۴۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲ - به ضم ضاد و فتح باء (تقریب التهذیب).

مشایخ او : ثابت البتانی، جعد ابی عثمان یشکرری، جریری، حمید بن قیس أعرج، ابن جریرج، عوف أعرابی، عطاء بن سائب، كهمس بن حسن، مالك بن دینار، و...
 راویان از او : ثوری، ابن مبارك، عبدالرحمن بن مهدي، عبدالرزاق، سیار بن حاتم، یحیی بن یحیی نیشابوری، قتیبة بن سعید، و...^۱
 راوی احادیث شماره: ۹۳، ۹۵.

حارث بن نبهان جزمی / ات ق

حارث بن نبهان جزمی، ابو محمد بصری که به گفته «ابن حجر» راوی متروک طبقة هشتم است. وی پس از سال ۱۶۰ هـ درگذشت و به گفته «احمد» رجل صالح، لم یکن يعرف الحدیث، و لا یحفظ منکر الحدیث. ترمذی و ابن ماجه از او روایت نقل کرده‌اند.
 مشایخ او : ابواسحاق، عاصم بن یهدله، عبثة بن یقظان، أعمش، ایوب، معمر، ابوحنیفة و...
 راویان از او : جعفر بن سلیمان ضبعی، ابن وهب، مسلم بن ابراهیم، عبدالواحد بن غیاث، طالوت بن عبّاد و...^۲
 راوی احادیث شماره: ۷۹، ۸۳، ۸۶، ۸۷

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۰، ش ۱۸۹۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۴۱، ش ۲۲۷؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۰۸، ش ۱۵۰۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۷۶۱، ش ۹۸۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۳۱.
 ۲ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۴۴، ش ۱۶۴۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۲۸، ش ۱۰۹۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۴۴.

حسن بن عمر، ابوالملیح الرقی^۱ / بخ د س ق

حسن بن عمر یا حسین بن عمرو بن یحییٰ قزاری، ابوالملیح الرقی، از راویان ثقه طبقه هشتم که در سال ۱۸۱ هـ. در سنّ بیش از ۹۰ سالگی درگذشت. ابوداود، نسائی و ابن ماجه در سنن، و نیز بخاری در الأدب المفرد از او روایت نقل کرده‌اند. مشایخ او: میمون بن مهران، زیاد بن بیان رقی، علی بن نفیل، زهری، و... راویان از او: ابن مبارک، بقیه، عمرو بن خالد حرانی، احمد بن عبدالملک، ابن واقد حرانی، عبدالله بن جعفر الرقی، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۲۴۶ تا ۲۵۳.

حمّاد بن زید بن درهم / ع

حمّاد بن زید بن درهم^۳ آزدی، جهضمی، ابواسماعیل بصری (۹۸ - ۱۷۹ هـ.)، از محدثان ثقه، ثبت، و فقیه طبقه هشتم که گفته شده ضرپر بوده است که ممکن است بر او عارض شده باشد، چون نقل شده که او را در حال نوشتن حدیث دیده‌اند. «عجلی» گفته است: کان له أربعة آلاف حدیث، کان یحفظ ولم یکن له کتاب. «عبدالرحمن بن مهدی» او را یک تن از چهار پیشوای مردم زمان خویش، معرفی می‌کند: سفیان ثوری در کوفه، مالک در حجاز، أوزاعی در شام و حمّاد بن زید در بصره. و نیز می‌گوید: ما رأیتُ أحداً أعلمَ من حمّاد بن زید، ولا سفیان ولا من مالک. «ابن حجر» می‌نویسد: وی در ماه رمضان سال ۱۷۹ هـ. در ۸۱ سالگی درگذشت.

۱ - در اللباب، آمده است: «الرقي» بفتح الراء وتشديد القاف، هذه النسبة إلى الرقة، وهي مدينة على طرف الفرات.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۸۴؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۲۷، ش ۳۰۹۸؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۲، ص ۴۹۳، ش ۴۵۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۵، ش ۱۳۲۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳ - در «تذكرة الحفاظ» آمده است: «و درهم جدّه من سبني سجستان من موالی آل جریر بن خازم».

در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: ابان بن تغلب، ایوب سختیانی، محمد بن زیاد، ابو حمزه ضبعی، انس بن سپرین، عمرو بن دینار بصری، ثابت البتانی، عبدالعزیز بن صهیب، عاصم بن بهدله، عاصم آحول، ابو عمران جونی، هشام بن عروه، عبیدالله بن عمر عمری و بسیاری دیگر.
راویان از او: عبدالرحمن بن مهدی، علی بن مدینی، عبدالله بن مبارک، عبدالله بن وهب، قطان، سفیان بن عیینه، سفیان ثوری، مسلم بن ابراهیم، مسدد، ابواسامه، سلمان ابن حرب، عفان بن مسلم، قتیبة بن سعید، و بسیاری دیگر.^۱

راوی حدیث شماره: ۹۴.

حماد بن سلمة بن دینار بصری / ختم ۴

حماد بن سلمة بن دینار بصری، ابوسلمه، عالم برجسته نحوی، فصیح، شیخ الاسلام، حافظ، محدث ثقه و عابد طبقه هشتم که در سال ۱۶۷ هـ. در سن نزدیک به ۸۰ سالگی درگذشت.

مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت او استناد جسته اند و نیز بخاری به روایت او استشهاد کرده است.

نقل شده است که او از «أبدال» شمرده می شود و علامه الأبدال أن لا یولد لهم، تزوج سبعین امرأة فلم یولد له.

مشایخ او: دائی اش: حمید الطویل؛ ابن ابی ملیکه، ابو جمره ضبعی، انس بن سپرین، ابو عمران جونی، قتاده، سماک بن حرب، ثابت البتانی، محمد بن زیاد قرشی، ابوالزبیر مکی، عبدالملک بن عمیر، عمرو بن دینار، هشام بن عروه، یحیی بن سعید انصاری،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۰، ش ۱۸۹۵؛ تهذیب الکمال، ج ۵، ص

۱۶۷، ش ۱۴۶۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۲۸، ش ۲۱۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۱، ص ۹۴، ش ۶۷؛

تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۲۱، ش ۱۵۵۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۷.

ایوب سَخْتِيَانِي، خالد الحَدَّاء، داود بن ابی هند، سلیمان تیمی و بسیاری دیگر.
 راویان از او: ابن مبارک، قَطَّان، ابن مَهْدِي، عَفَّان، ابن جَرِيح، ثَوْرِي، شُعْبَه، ابوداود،
 ابوسلمه تبوذکي، ابونصر تَمَّار، هُدْبَه بن خالد، شيبان بن قَرُوخ، و بسیاری دیگر.^۱
 راوی احادیث شماره: ۴۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۳۰، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۳۷.

حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ صَيْرَفِيٍّ (= حَبَّانُ بْنُ سَدِيرٍ، حَبَّانُ بْنُ مَدِيرٍ صَيْرَفِيٍّ^۲)

حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ بْنُ حُكَيْمِ بْنِ صُهَيْبِ صَيْرَفِيٍّ كُوفِيٍّ كَهْ گویا از راویان طبقه هشتم
 است. «ابن حَبَّان» وی را در الثقات نام می‌برد.

مشایخ او: پدرش: سَدِير، عمرو بن قَيْسِ مُلَاتِيٍّ، جعفر بن محمد، أُمِّي الصَّيْرَفِيٍّ،
 محمد بن طلحة بن مُصَرِّفٍ و دیگران.

راویان از او: علاء بن عمرو حنفي، علي بن محمد طَنَافِسيٍّ، عيسى بن سعيد مرادي
 رازی، عباد بن يعقوب، محمد بن ثواب هَبَّارِيٍّ، محمد بن جُنَيْدِ عَابِدِ.

در پاورقی لسان المیزان نوشته است: «فی فهرس الطوسي - حَنَانُ أَبُو الْفَضْلِ الصَّيْرَفِيٍّ ...
 واقفي، روى عن أبي عبدالله وأبي الحسن، و عُمَرُ عَمْرًا طَوِيلًا، ثِقَّةٌ إِلَّا أَنَّ بَعْضَ الْأَصْحَابِ
 تَوَقَّفَ فِي رِوَايَتِهِ».^۴

راوی احادیث شماره: ۲۰۷، ۲۱۱.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۳۷، ش ۱۸۷۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص
 ۲۰۲، ش ۱۹۷؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۹۰، ش ۲۲۵۱؛ تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۴۲۳، ش
 ۱۵۵۸؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲ - به تخفيف نون.

۳ - ابن حجر در لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۶۶، نوشته است: «وَأَنَا أَخْشَى أَنْ يَكُونَ هَذَا هُوَ حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ،
 تصحف اسمه واسم أبيه».

۴ - بنگرید به: لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۶۷، ش ۱۵۱۰؛ الجرح والتعديل، ج ۱، ق ۲ (قسم دوم از جلد
 اول) ص ۲۹۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۳، ص ۱۶۴، ش ۸۳ (وفیات ۱۹۱ - ۲۰۰ هـ).

خالد بن عبدالله طحان / ع

خالد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن یزید طحان واسطی، مُزنی، ابوالهیثم، راوی ثقة و ثبت طبقة هشتم، کثیر المال، آمر بالمعروف، متولد ۱۱۰ هـ. و متوفای ۱۸۲ هـ.

«احمد بن حنبل» درباره او گفته است: کان ثقةً صالحاً فی دینه، بلغنی أنه اشتری نفسه من الله ثلاث مراتٍ أو أربعاً فتصدق بوزن نفسه فضةً.

صاحبان صحاح شش گانه به روایت او استناد جسته‌اند.

مشایخ او: اسماعیل بن ابی خالد، بیان بن بشر، حمید الطویل، سلیمان تیمی، ابن عون، خالد الحداء، مطرف بن طریف، داود بن ابی هند، ابواسحاق شیانی و...

راویان از او: زید بن الحباب، عبدالرحمن بن مهدی، وکیع، یحیی قطان، عفان، عمرو بن عون، مسدد، سعید بن منصور، محمد بن الصباح الدولابی، قتیبه و...^۱

راوی حدیث شماره ۵: ۲۰۹.

خلف بن ولید

خلف بن ولید، ابوجعفر یا ابوالولید عتکی بغدادی جوهری، ساکن مکه، متوفای سال ۲۱۲ هـ. در مکه، از راویان ثقة که گویا در طبقة هشتم قرار دارد.

مشایخ او: شعبة بن حجاج، اسرائیل بن یونس، مبارک بن فضاله، ایوب بن عتبّه، شریک، هشیم، شهاب بن خراش، عباس بن عبّاد مهلبی، ابوجعفر رازی، یحیی بن سلمه، ابن ابی زانده، عبدالله اشجعی، مروان بن معاویه قزاری.

راویان از او: احمد بن حنبل، ابراهیم بن سعید جوهری، یعقوب دوقی، ابراهیم بن هانی نیشابوری، محمد بن اسحاق صاغانی، عباس الدوری.

در تاریخ بغداد آمده است: أخبرنا أبو عمر بن مهدی، أخبرنا محمد بن مخلد العطار،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۱۳؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۴۷، ش ۳۱۹۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۵۹، ش ۲۴۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۵۱۸، ش ۱۷۰۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۱۵.

حدَّثنا ابراهيم بن هاني، حدَّثنا يحيى بن عبدالله و خلف بن الوليد قالا: حدَّثنا أبو جعفر الرازي، عن قتادة، عن أنس قال: قال رسول الله ﷺ: «تَسَحَّرُوا؛ فَإِنَّ فِي السَّحُورِ بَرَكَةً»^۱.
راوی احادیث شماره ۵: ۱۳۱.

داهر بن يحيى رازی

وی احتمالاً از راویان طبقه هشتم باشد.

در میزان الاعتدال آمده است: رافضی بغیض.

ذكر العُقَيْلِيِّ من حديث عَبْدِ اللَّهِ بن داهر، عن أبيه، عن الأعمش، عن عباية الأَسَدِيِّ، عن ابن عباس، عن النبي ﷺ أَنَّهُ قَالَ: يَا أُمَّ سَلَمَةَ، إِنَّ عَلِيًّا لَحَمُّهُ مِنْ لَحْمِي، وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى مِنِّي، غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.

قال ابن عباس: ستكونُ فتنَةٌ، فَمَنْ أدركها فعليه بخصلتين: كتاب الله، و عليّ بن أبي طالب، فَإِنِّي سمعتُ رسولَ الله ﷺ يقول وهو آخذ بيد عليّ: «هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَأَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَهُوَ يَعْسُوبُ الدِّينِ، وَالْمَالِ يَعْسُوبُ الظُّلْمَةِ، وَهُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، وَهُوَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي». فهذا باطل.

«ابن حجر» در لسان الميزان نوشته است: وإنما لم يذكره؛ لأنَّ البلاء كلُّه من ابنه عبدالله، و قد ذكره واكتفوا به، و قد ذكره العُقَيْلِيُّ كما مضى، و قال: كان يغلو في الرِّفْضِ، ثمَّ ساق الحديث المذكور و قال: قوله: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» صحيح، و أمَّا سائر الحديث فليس بمعروف، ثمَّ أخرج في ترجمته طعنًا في عباية شيخ الأعمش.^۲

راوی حدیث: بدون شماره پس از شماره ۲۰۶.

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۱، ق ۲، ص ۳۷۰، ش ۱۶۸۷؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۲۰، ش ۴۴۱۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۵، ص ۱۴۴، ش ۱۲۴.

۲ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳، ش ۲۵۸۷؛ لسان الميزان، ج ۲، صص ۴۱۳ تا ۴۱۴، ش ۱۷۰۴.

سعید بن حسن

سعید بن حسن بن سعید اسکاف، وی از عیسی بن زریق بَجَلِّی و او از اعمش روایت کرده است و ابو حامد از او روایت می‌کند.^۱ گویا وی از راویان طبقه هشتم باشد.
راوی احادیث شماره: ۱۵۹، ۱۶۰.

سُفیان بن عُیَیْنَة هِلَالِی کُوفِی / ع

سُفیان بن عُیَیْنَة بن ابی عمران، میمون هِلَالِی، ابو محمد کُوفِی، ساکن مکه، از عالمان بلند پایه، ثقه، حافظ، فقیه و حجت طبقه هشتم که سرانجام دچار دگرگونی در حافظه شد.

«ابن عُیَیْنَة» هفتاد بار موفق به انجام حج شد که از خود وی نقل می‌شود: قد وافیتُ هذا الموضع سبعین مرّةً أقول في كل سنة: اللَّهُمَّ لا تجعله آخر العهد من هذا المكان، وإني قد استخيتُ من الله من كثرة ما أسأله ذلك، فرجع فتوفي في السنة الداخلة.

«ابن حَجَر» نوشته است: او در ماه رجب ۱۹۸ هـ. در ۹۱ سالگی درگذشت. در صحاح شش‌گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: عمرو بن دینار، زُهْرِي، زياد بن علاقه، ابواسحاق سَبْعِي، ابواسحاق شَيْبَانِي، أسود بن قيس، عبدالله بن دینار، منصور بن مُعْتَمِر، عبدالملك بن عُمَيْر، أبان بن تَغْلِب، أيوب سَخْتِيَانِي، اسماعيل بن ابی خالد، جعفر الصادق، حُمَيْد الطَّوِيل، عاصم الأحول، عاصم بن يَهْدَلَه، علي بن زيد بن جُدْعان، ابن عَجْلان عمرو بن عَلَقْمه، مُطَرِّف ابن طريف، أَعْمَش، و بسیاری دیگر.

راویان از او: استادانش: أَعْمَش، ابن جُرَيْج، شُعْبَة، ثَوْرِي و مِسْعَر؛ ابن مبارک، ابن مَهْدِي، شافعی، احمد بن حنبل، يحيى بن معين، ابن نُمَيْر، ابو خَيْثَمه، فُلَّاس، زَعْفَرَانِي،

۱ - بنگرید به: اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۳۲۹.

ابو اسحاق قزازی، حماد بن زید، ابوالأخوص، ابو معاویه، وکیع، یحیی قطان، ابواسامه، ابو نعیم، عبدالرزاق، علی بن مدینی، پسران ابی شیبّه و بسیاری دیگر.^۱
 راوی احادیث شماره: ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۸۵، ۲۳۶، ۲۶۲.

سورة بن الحکم، صاحب الرأی

سورة بن الحکم، صاحب الرأی، کوفی ساکن بغداد. گویا از راویان طبقه هشتم باشد.
 مشایخ او: عبدالله بن حبیب بن ابی ثابت، شیبان بن عبدالرحمن، سلیمان بن ارقم، سوید بن ابراهیم جحدری ابوحاتم.
 راویان از او: محمد بن هارون الفلاس المعمری، حسن بن داود بن مهران المؤدب، عباس بن محمد الدوری، احمد بن ابی عمران الخیاط.^۲
 راوی حدیث شماره: ۲۰۲.

سهل بن عامر بجلی

با توجه به اینکه از راویان طبقه هفتم، روایت می کند، گویا وی از راویان طبقه هشتم است.

دیدگاه برخی از رجال شناسان درباره او بدین شرح است:
 «ابن ابی حاتم رازی»: سمعتُ ابي يقول: ... هو ضعيف الحديث... «ذهبي»: كذبه
 ابوحاتم، وقال البخاري: منكر الحديث. «ابن حجر»: «ابن حبان» او را در الثقات یاد کرده
 و گفته است: يعقوب بن ابی سفیان، از او روایت می کند. «ابن عدي»: درباره او می گوید:

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۹۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۱۸، ش ۲۵۹۶؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۶۲، ش ۲۴۹؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۷۰، ش ۳۲۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۳، ص ۴۰۳، ش ۲۵۲۵؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۲۲۷، ش ۴۸۰۲.

أرجو أنه لا يستحق الترك.

مشایخ او: مالک بن مِفْوَل، جعفر الأحمر، اسرائیل، شَرِیک، فُضَیل بن مَرزُوق، یزید ابن عمر، عبیده بن حُمَید.

راویان از او: ابوشیبہ ابراهیم بن عبدالله بن ابی شیبہ، داود جعفری، حسن بن علی ابن عقیان، احمد بن عثمان بن حکیم، احمد بن إشکاب^۱، ابو عبدالله صقار^۲.
راوی حدیث شماره: ۱۳۴.

شَرِیک بن عبدالله نَخَعِی / خت م ۴

شَرِیک بن عبدالله بن ابی شَرِیک نَخَعِی، ابو عبدالله کوفی، قاضی واسط و سپس قاضی کوفه، از راویان صدوق و کثیر الخطاء طبقه هشتم که پس از بر عهده گرفتن منصب قضا در کوفه، دچار دگرگونی در حافظه شد.

شَرِیک در سال ۱۷۷ یا ۱۷۸ هـ. در ۸۳ سالگی درگذشت. در صحیح مسلم و سنن ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او روایت نقل کرده‌اند و نیز بخاری به روایت او استشهاد نموده است.

دیدگاه برخی از رجال‌شناسان درباره او به این شرح است:

«ابن حَجَر»: کان عادلاً فاضلاً عابداً، شدیداً علی اهل البدع.

«احمد بن حنبل»: کان عاقلاً صدوقاً محدثاً، شدیداً علی اهل الریب والبدع.

ساجی می‌گوید: ینسب إلى التشیع المفرط ... و کان فقیهاً، و کان یُقدِّم علیاً علی عثمان. در میزان الاعتدال آمده است: «ابن معین» گفته است: جدّ شَرِیک بن عبدالله، سنان

۱ - به فتح همزه و کسر آن، قیل منصرف، و قیل غیر منصرف كما فی المغنی، والصفار بائع الأوانی الصُفْرَیة. (بنگرید به: تقریب التهذیب).

۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۲، ق ۱، ص ۲۰۲، ش ۸۷۳؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۳۹، ش ۳۵۸۳؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۱۱۹، ش ۴۱۳.

ابن انس نَخَعِيّ، قاتل حُسَيْن بن عَلِيٍّ عليه السلام است.

از او روایت شده که می گفت: عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ، فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ.

و نیز این حدیث را، روایت کرده است: لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَ وَاِثٌ، وَ اِنْ عَلِيًّا وَ وِصِيَّ وَ وَاِثِي.

درباره او آمده است: اِنْ شَرِيكًا دَخَلَ عَلِيَّ الْمَهْدِيَّ فَقَالَ: لَا بَدَّ مِنْ ثَلَاثٍ: اِمَّا اَنْ يَلِيَّ الْقَضَاءَ، اَوْ اَنْ تُؤَدَّبَ وَ وُلْدِي وَ وِتْحَدُّهُمْ، اَوْ اَنْ تَاكُلَ عِنْدِي اَكْلَةً، فَفَكَرَ سَاعَةً فَقَالَ: الْاَكْلَةُ اَخْفُّ عَلَيَّ.

فَأَمَرَ الْمَهْدِيَّ بِعَمَلِ الْوَانِ مِنَ الْمُنْحِ الْمَعْقُودِ بِالسُّكَّرِ وَ وِغَيْرِ ذَلِكَ، فَأَكَلَ. فَقَالَ الطَّبَّاخُ: لَيْسَ يُفْلِحُ بَعْدَهَا.

فَحَدَّثَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ، وَ وِعَلَّمَهُم الْعِلْمَ، وَ وَوَلَّى الْقَضَاءَ.

مشایخ او: زِيَاد بن عَلَاقَه، ابواسحاق سَبِيْعِيّ، عبدالملك بن عُمَيْر، اسماعيل بن ابى خالد، عاصم بن سليمان أَحول، سِمَاك بن حَرْب، أَعْمَش، منصور، عاصم بن بَهْدَلَه، هِشَام ابن عُرْوَه و...

راویان از او: استادانش: أَبَان بن تَغْلِب و مُحَمَّد بن اسحاق؛ ابن مَهْدِيّ، وَ وَاكِيْع، ابوالنَّضْر هَاشِم بن قَاسِم، ابواسَامَه، يَزِيد بن هَارُون، ابونُعَيْم، پسران ابى شَيْبَه، قُتَيْبَه بن سَعِيد، پسرش: عبدالرَّحْمَن بن شَرِيك؛ عَبَاد بن يعقوب رواجِنِيّ و...

راوی احادیث شماره: ۳۷، ۳۸.

۱ - بنگرید به: الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۷۸؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۷، ش ۱۲۹۵؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۲۰؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۳۲، ش ۲۱۸؛ میزان الاعتدال، ج ۲، صص ۲۷۰ تا ۲۷۴، ش ۳۶۹۷؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۱، صص ۱۶۵ تا ۱۷۷، ش ۱۳۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۶۲۲، ش ۲۸۶۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۵۱.

عبدالله بن ادریس اودی^۱ / ع

عبدالله بن ادریس بن یزید بن عبدالرحمن اودی، ابومحمد کوفی، فقیه نامدار، متصّلب و پای‌بند به سنت، راوی ثقه و عابد طبقه هشتم، متولد ۱۲۰ هـ. و متوفای ۱۹۲ هـ. در ۷۲ سالگی. صاحبان صحاح شش‌گانه به روایت او استناد جسته‌اند.

از «خطیب» روایت شده است: **إِنَّ الرَّشِيدَ عَرَضَ عَلَيْهِ الْقَضَاءَ فَأَبَى، وَوَصَلَهُ فَرَدَّ عَلَيْهِ، وَ سَأَلَهُ أَنْ يَحَدِّثَ ابْنَهُ (الْمَأْمُونِ)، فَقَالَ: إِذَا جَاءَنَا مَعَ الْجَمَاعَةِ حَدَّثْنَا، فَقَالَ لَهُ: وَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ رَأَيْتُكَ، وَأَنَا وَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ رَأَيْتُكَ.**

«ابوخیثمه» گفته است: از ابن ادریس شنیدم، می‌گفت:

كُلُّ شَرَابٍ مُسْكِرٍ كَثِيرُهُ فَإِنَّهُ مُحَرَّمٌ يَسِيرُهُ إِنِّي لَكُمْ مِنْ شُرْبِهِ نَذِيرُهُ.

مشایخ او: پدرش، عمویش: داود؛ هِشام بن عروه، اَعْمَش، ابن جُرَيْج، منصور، عبیدالله بن عمر، اسماعیل بن ابی خالد، داود بن ابی هند، ابن عَجَلان، یحیی بن سعید انصاری، مالک بن انس، شُعْبَةَ، یزید بن ابی زیاد و...

استادش: مالک بن انس، ابن مبارک، پسران ابی شیبّه، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، ابوخیثمه، ابوموسی محمد بن مثنیٰ و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۰۶.

عبدالوارث بن سعید / ع

عبدالوارث بن سعید بن ذکوان تمیمی عنبری، ثُورِی^۳، ابو عبیده بصری، از راویان ثقه، ثبت و حافظ طبقه هشتم، ضرب المثل در فصاحت و مرمی و متهم به مسلك قدری،

۱ - به سکون واو (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۸۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۹، ش ۱۳۰۳؛ تذکرة الحُفَاف، ج ۱، ص

۲۸۲، ش ۲۶۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۳۲، ش ۳۲۹۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ش ۴۰۱.

۳ - به فتح تاء و تشدید نون (تقریب التهذیب).

از این رو «حسن بن ربیع» گفته است: كُنَّا نَسْمَعُ مِنْ عَبْدِ الْوَارِثِ، فَإِذَا أَقْبَمَتِ الصَّلَاةُ ذَهَبْنَا، فَلَمْ نُصَلِّ خَلْفَهُ.

«ابو عمر جریمی» می گوید: ما رأیت فقیهاً أفصح من عبدالوارث وكان حمّاد بن سلمه أفصح منه.

عبدالوارث در سال ۱۰۲ هـ. به دنیا آمد و در ماه محرم سال ۱۸۰ هـ. در بصره در ۷۸ سالگی از دنیا رفت. صاحبان صحاح شش گانه به روایت او استناد کرده اند.

مشایخ او: ایوب سختیانی، عبدالعزیز بن صهیب، داود بن ابی هند، خالد الحذاء، سعید جریری، سلیمان تمیمی، قاسم بن مهران و...

راویان از او: مسدد، قتیبه، پسرش: عبدالصمد، ثوری، عقان بن مسلم، ابوسلمه، یحیی بن یحیی نیشابوری، شیخان بن فروخ، علی بن مدینی، بشر بن هلال و...

راوی احادیث شماره: ۶۸۶۶، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۳.

عبدالوهاب بن عبدالمجید ثقفی / ع

عبدالوهاب بن عبدالمجید بن الصلت بن عبیدالله بن حکم بن ابی العاص ثقفی، ابومحمد بصری، از راویان بلند پایه، ثقه و حافظ طبقه هشتم که سرانجام دچار دگرگونی و اختلاط شد، وی در سال ۱۹۴ هـ. در ۸۴ سالگی درگذشت. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: ایوب سختیانی، مالک بن دینار، خالد الحذاء، حمید الطویل، ابن عون، داود بن ابی هند، سعید جریری، عوف اعرابی، عبیدالله بن عمر، یحیی بن سعید انصاری، جعفر بن محمد بن علی، ابن جریر و...

۱- الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۱، ش ۱۹۰۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۵۷،

ش ۲۲۳؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۷۷، ش ۵۳۰۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۴۲، ش ۴۳۷۴؛

تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۷.

راویان از او: شافعی، احمد بن حنبل، بُنْدَار، حَفْص بن عمر بن رَبَّال، پسران ابن شیبّه، ابوخیثمه، ابوموسی، مُسَدَّد، قُتیبَة بن سعید، سُوید بن سعید، ابوغَسَّانِ مِشَمَعِی و...^۱
 راوی احادیث شماره ۵: ۶۴ ۶۷ ۷۱.

عَبْدَاللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَسَدِي رَقِي ٢ / ع

عَبْدَاللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بن ابی الولید ابووهب اَسَدِي، جَزْرِي رَقِي، فقیه و مُفتی جزیره،
 راوی ثقه طبقه هشتم، متولد ۱۰۱ هـ. و متوفای ۱۸۰ هـ در رَقّه. در صحاح شش گانه به
 حدیث او استناد شده است.
 مشایخ او: زید بن ابی اَنَسَه، عبدالملک بن عُمیر، مَعْمَر، یحیی بن سعید انصاری،
 اَعْمَش، ایوب سَخْتِیَانِي، ثَوْرِي، عبدالکریم بن مالک و...
 راویان از او: عبدالله بن جعفر رَقِي، بَقِيه، اسماعیل بن عبدالله رَقِي و...^۳
 راوی احادیث شماره ۵: ۲۵۷، ۲۵۸.

عَلِيّ بن حَوْشَب فَزَارِي ٤ / د

عَلِيّ بن حَوْشَب فَزَارِي، ابوسلیمان دِمَشَقِي، از راویان طبقه هشتم که «ابن حَجَر»
 درباره او نوشته است: لا بأس به، و «ابن حَبَّان» او را در الثقات یادآور شده است.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۲، ش ۱۹۰۵؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۲۱، ش ۳۰۰؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۸۰، ش ۵۳۲۱؛ تهذيب التهذيب، ج ۵، ص ۳۵۰، ش ۴۳۸۴؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۵۲۸.

۲ - اهل رَقّه (الطبقات).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۸۴؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۲۷، ش ۳۰۹۷؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۴۱، ش ۲۲۸؛ تهذيب التهذيب، ج ۵، ص ۴۰۲، ش ۴۴۵۹؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۵۳۷.

۴ - بر وزن جعفر (تقريب التهذيب).

«عَجَلِيٌّ» نیز وی را توثیق می‌کند. در سنن ابوداود از او حدیث نقل شده است.
 مشایخ او: پدرش، مَكْحُول شامی، ابوسلام الأَسود، ابوقبیل مَغافِرِيٌّ.
 راویان از او: ولید بن مُسلم، مروان بن محمد، زید بن یحیی بن عبید و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۲۲۹.

علی بن مُشهر^۲ / ع

علی بن مُشهر قُرَشِيٌّ، ابوالحسن کوفی، حافظ، قاضی مؤصل، راوی ثقة طبقه هشتم
 که به گفته «عَجَلِيٌّ»: جامع فقه و حدیث است.
 از «یحیی بن معین» نقل شده است وی پس از عهده‌دار شدن منصب قضا در
 «ارمنستان»، دچار ناراحتی چشم شد و بر اثر دسیسه قاضی پیشین، نابینا شد و به کوفه
 برگشت:

و عن یحیی بن معین أنه ولی قضاء أرمينية، فاشتكى عيته فدس القاضي الذي كان
 بأرمينية إليه طبيياً. فقال قاضٍ كان قبله للكحال: أذهب بصره وأعطيك مالاً، ففعل، ورجع
 إلى الكوفة أعمى.

وی در سال ۱۸۹ هـ. درگذشت. صاحبان صحاح شش‌گانه به روایت او استناد
 کرده‌اند.

مشایخ او: ابواسحاق شیبانی، داود بن ابی هند، اسماعیل بن ابی خالد، عاصم
 الأحول، یحیی بن سعید انصاری، هشام بن عروه، عبیدالله بن عمر، موسی جُهَنِيٌّ،
 أَعْمَش، عبدالملك بن ابی سلیمان، مُطَرِّف بن طریف، عبدالملك بن عبدالعزیز بن
 جَرِيح و...

راویان از او: بشر بن آدم، سُویّد بن سعید، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبّه، علی بن

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۷۹، ش ۴۸۶۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۶.

۲ - به ضم میم و سکون سین و کسر هاء.

حُجْر، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۷۳.

عمر بن عبید طنافِسی^۲ / ع

عمر بن عبید بن ابی اُمیّه طنافِسی حنَفی، الإیادی، ابو حَفْص کوفی، راوی صدوق طبقه هشتم، متوفای سال ۱۸۵ یا ۱۸۷ یا ۱۸۸ هـ، «ابن حَبّان» او را در الثقات یادآور شده است و نیز مؤلف میزان الاعتدال، وی را ثقه معرفی می‌کند. در صحاح شش‌گانه از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: پدرش، سِمَاک بن حَرْب، ابواسحاق سَبِعی، عبدالملک بن عمر، سعید بن مسروق، أَعْمَش و...

راویان از او: احمد بن حنبل، ابوکریب، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبّه، محمد بن عبدالله بن نمیر، و...^۳

راوی احادیث شماره: ۴۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۹.

عمرو بن ابی قیس رازی^۴ / خت ۴

عمرو بن ابی قیس رازی، اَزْرَق، کُوفی ساکن ری، راوی صدوق طبقه هشتم که «ابن حَبّان» او را در الثقات یادآور شده است.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۹۰، ش ۲۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۷۴۲، ش ۴۹۵۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۴.

۲ - به فتح طاء و نون، و کسر فاء (تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۸۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۸، ش ۱۲۹۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص

۲۱۳، ش ۶۱۶۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۸۶، ش ۵۱۰۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۶۰.

۴ - منسوب به «ری» که بر خلاف قیاس است.

شماری از اهل رَی به حضور «ثَوْرِيّ» رسیدند و از او حدیث پرسیدند. در پاسخ گفت: مگر «أَزْرَق» یعنی عمرو بن ابی قیس در نزد شما نیست؟ در سنن ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه از او روایت نقل شده و نیز بخاری به روایت او استشهاد کرده است.

مشایخ او: عاصم بن ابی النجود، ابواسحاق سبیعی، منصور بن معتیر، منهل بن عمرو، ایوب سختیانی، سیماک بن حرب، حجاج بن أرطاة، مطرف بن طریف، محمد بن منکدر و...
راویان از او: هارون بن مغیره، یحیی بن ضریس رازی و... و اهل رَی.^۱
راوی حدیث شماره: ۱۹۸.

عمرو بن عبدالغفار

احتمالاً عمرو بن عبدالغفار فقیمی^۲ پسر برادر حسن بن عمرو فقیمی است گویا وی از راویان طبقه هشتم باشد که دیدگاه رجال شناسان درباره او بدین شرح است: «ابن ابی حاتم رازی»: ضعیف الحدیث. «ذهبی»: متروک الحدیث و متهم به وضع. «ابن مدینی»: رافضی، ترکته لأجل الرّفوض... «ابن حبان» وی را در الثقات، یادآور شده است.
مشایخ او: أعمش، عمویس حسن بن عمرو، ابو حمزه ثمالی.
راویان از او: حسین بن علی بن یزید صدائی^۳ اکفانی، قتیبة بن سعید.^۴
راوی حدیث شماره: ۱۸۶.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۸۵، ش ۶۴۲۹: تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۰۰، ش ۵۲۷۹: تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۷۷.

۲ - به ضم فا و فتح قاف.

۳ - به ضم صاد و تخفیف دال، منسوب به «صداء». (بنگرید به: تقریب التهذیب)

۴ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۱، ص ۲۴۶، ش ۱۳۶۳؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۷۲، ش

۶۴۰۳؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۶۹، ش ۱۰۸۶.

عَنْبَسَةَ بْنِ أَبِي صَغِيرَةَ

گویا وی از راویان طبقه هشتم است.
در میزان الاعتدال، آمده است: «أُتِيَ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ بِخَبَرٍ بَاطِلٍ».
«ابن حَجَر» پس از ذکر حدیث، به روایت «عَنْبَسَةَ بْنِ أَبِي صَغِيرَةَ» از «أَوْزَاعِيِّ»
نوشته است:

«وَمَا أُدْرِي لِمَ حَكَمَ عَلَيَّ هَذَا الْحَدِيثُ بِالْبَطْلَانِ، وَلَمْ يُحَكَّ تَضَعِيفُ عَنْبَسَةَ عَنْ غَيْرِهِ»^۱.
راوی حدیث شماره: ۱۳۸.

قَاسِمِ بْنِ مَالِكِ مَزْنِيِّ / خ م ت س ق

قاسم بن مالک مَزْنِيّ، ابوجعفر کوفی، راوی صدوق طبقه هشتم، که «ابن حِبَّان» او را
در الثقات، یاد آور شده و نیز «ابن معین» وی را توثیق کرده است.
تاریخ درگذشت وی در تهذیب التهذیب پس از ۱۹۰ هـ. و در تقریب التهذیب پس از
۱۷۰ هـ. ذکر شده است. بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن از او
روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: ابن عون، خالد الحذاء، سعید جریری و...

راویان از او: احمد، ابن مدینی، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبّه، یحیی بن معین،
محمد بن عبدالله بن نمیر، زهیر بن حرب، عمرو بن زراره نیشابوری، زیاد بن ایوب
طوسی و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۱۵.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۰۱، ش ۶۵۱۱؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۸۳.
۲ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۷۸، ش ۶۸۳۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۶۱، ش ۵۶۷۵؛ تقریب
التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۹.

کثیر بن جعفر

کثیر بن جعفر بن ابی کثیر، برادر اسماعیل^۱ بن جعفر بن جعفر مولی بنی زُرَیق انصاری، گویا از راویان طبقه هشتم است.
مشایخ او: پدرش، زید بن سالم، ابوطواله، علاقه و زیاده پسران عبدالله بن زید، از بنی حارثه.

راویان از او: ابراهیم بن مُنذر، ابو ثابت محمد بن عبدالله.^۲
راوی حدیث شماره: ۱۴۹.

کدام بن مسعر بن کدام

گویا از راویان طبقه هشتم است.
مشایخ او: شعبه، سعید بن عبید، صلت بن بهرام، علاء بن عبدالکریم.
راویان از او: یحیی بن سعید قَطَّان، عبدالله بن داود خُرَیْبِی^۳.
راوی حدیث شماره: ۳۳.

مؤمل^۵ بن عبدالرحمن ثقفی

مؤمل بن عبدالرحمن بن عباس بن عبدالله ثقفی بصری، ساکن مصر، از راویان ضعیف طبقه هشتم.
در تهذیب التهذیب آمده است: قلت: و ساق له ابن عدیّ عدّة أحادیث واهیه، و منها

۱ - اسماعیل بن جعفر... از راویان ثقه و ثبت طبقه هشتم می باشد (تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۸).

۲ - الجرح والتعديل، ق ۲، ج ۳، ص ۱۵۰، ش ۸۳۶.

۳ - منسوب به «خُرَیْبِیّه» محلی است در بصره (بنگرید به: تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۱۲).

۴ - الجرح والتعديل، ج ۷ (قسم دوم از جلد سوم)، ص ۱۷۴، ش ۹۸۹.

۵ - به همزه و بر وزن مُحمَّد (تقریب التهذیب).

من رواية الوقار، عنه، عن عوف، عن محمد، عن أبي هريرة - مرفوعاً: يكون في آخر الزمان خليفة لا يفضل عليه أبو بكر وعمر.

مشایخ او: حمید الطویل، محمد عجلان، عوف اعرابی، حماد بن سلمه و...

راویان از او: ابویحیی الوقار، محمد بن میمون، ابوکریب، محمد بن العلاء همدانی

کوفی و...^۱

راوی حدیث شماره: ۳.

مَحَبَّر بن قَحْذَم

گویا وی از راویان طبقه هشتم است.

«ذَهَبِي» نوشته است: وی پدر داود است و از پدرش: «قَحْذَم» روایت می‌کند و

ضعیف می‌باشد.^۲

در «لسان المیزان» می‌نویسد: ذكره العُقَيْلِيُّ فقال روى عن أبيه، وفي حديثهما وهم و

غلط، ثم روى عن محفوظ عن داود بن المحبّر عن أبيه عن جدّه عن معاوية بن قرّة، عن

أنس في المهديّ، ثم أخرج من طريق معمر عن أبي هارون عن معاوية بن قرّة عن أبي

الصّدِّيق عن أبي شُعْبَةَ، وقال هذا أولى.^۳

راوی احادیث شماره: ۲۳۹، ۲۴۰ تا ۲۴۲.

محمد بن ابراهیم بن... عباس بن عبدالمطلب

محمد بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب هاشمی، که

۱ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۲۹، ش ۸۹۵۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۳۸، ش ۷۳۱۲؛ تقریب

تهذیب، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۱، ش ۷۰۸۰.

۳ - لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۷، ش ۶۱.

از سوی مهدی عباسی و رشید، والی دمشق بوده، پدرش ابراهیم معروف به ابراهیم امام متوفای ۱۳۲ هـ. گویا وی از راویان طبقه هشتم است.

محمد بن ابراهیم در زمان خلافت منصور، چندین سال، امیرالحاج بود و در زمان خلافت هارون الرشید در سال ۱۸۵ هـ. در ۶۳ سالگی در بغداد درگذشت و «امین» پسر و ولیعهد «هارون» بر او نماز خواند و در گورستان معروف به «عباسیه» به خاک سپرده شد. مشایخ او: جعفر بن محمد بن علی بن الحسین، عبدالصمد بن علی، ابن ابی لیلی، عمویش: ابوجعفر منصور عبدالله بن محمد بن علی.

راویان از او: پسرش: موسی، نوه اش: عبدالصمد بن موسی هاشمی.^۱
راوی حدیث شماره: ۱۴۸.

محمد بن اسماعیل بن ابی قَدَيْك ۲ / ع

محمد بن اسماعیل بن مُسَلِم بن ابی قَدَيْك، دپلی، ابواسماعیل مدنی، از محدثان حافظ و صدوق طبقه هشتم، «ابن حَبَّان» او را در الثقات یادآور شده و «ابن معین» و برخی دیگر وی را توثیق کرده اند. وی در حدود سال ۲۰۰ هـ. درگذشت، اما «ابن حَجَر» سال وفات او را ۱۸۰ هـ. می داند. صاحبان صحاح شش گانه به روایت او استناد جسته اند. مشایخ او: پدرش، سَلَمَة بن وَرْدَان، محمد بن عبدالرحمن بن ابی ذُنْب، ضحاک بن عثمان، هشام بن سعد و...

راویان از او: محمد بن عبدالله بن عبدالحکم، شافعی، احمد، حُمَیْدی قَتیبیه، دُحَیْم و...^۳
راوی حدیث شماره: ۴۸.

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۸۴، ش ۳۵۷؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۲، ص ۳۵۵، ش ۳۰۶.

۲ - به شکل مصفّر و نامش دینار است (تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۳۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۶۹۳، ش ۲۵۰۱؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۴۵، ش ۳۳۰؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۸۳، ش ۷۲۳۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۵۳، ش

۵۹۴۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۵.

محمد بن دینار / د ت

محمد بن دینار، اَزْدِیّ، سپس طاحیّ، ابوبکر بن ابی القرات، از راویان صدوق طبقه هشتم که «ابن حَجَر» درباره او نوشته است: صدوق بد حافظه، مَرْمِیّ به قَدَر، که پیش از درگذشت دچار دگرگونی شد. ابوداود و تِرْمِذِیّ به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: ابومسلمه سعید بن یزید، هشام بن عُرْوَه، یونس بن عبید، سعید بن ایاس جُرَیْرِیّ، قُرّة بن خالد و...

راویان از او: عبدالصّمد بن عبدالوارث، ابوسلمه، قَعْبِیّ، قُتَيْبَة بن سعید، ابوالولید طیّالِسیّ، عَفّان و...

راوی روایت عایشه: أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقْبَلُهَا وَيَمُصُّ لِسَانَهَا.^۱
راوی حدیث: پس از شماره ۱۳۳.

محمد بن مروان بن قدامه عقیلی / مدق

محمد بن مروان بن قدامه عقیلیّ، ابوبکر بَصْرِیّ یا عِجْلِیّ، راوی صدوق طبقه هشتم، که «ابن حَبَّان» و «ابن مَعین» وی را توثیق کرده‌اند، اما «ابن حَجَر» نوشته است: صدوق له أَوْهَام. ابوداود و ابن ماجه از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: یونس بن عبید، داود بن ابی هند، عبدالملك بن ابی نصره، هشام بن حَسَّان، عُمارة بن ابی حَفْصَه و...

راویان از او: مُسَدَّد، یحیی بن مَعین، ابوبکر بن ابی شیبّه، محمد بن ابی السّریّ عَشْقَلَانِیّ، نصر بن علیّ جَهْضَمِیّ و...^۲

۱ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۴۱، ش ۷۵۰۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۱۲۳، ش ۶۰۸۸؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۳، ش ۸۱۵۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۱۰، ش ۶۵۳۴؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۲۰۶.

راوی احادیث شماره ۵: ۳۰، ۳۱، ۱۱۵ تا ۱۱۹.

مَرَجِيّ^۱ بن رَجَاءِ يَشْكُرِيّ / خت

مَرَجِيّ بن رَجَاءِ يَشْكُرِيّ، ابورَجَاءِ بَصْرِيّ، از راویان صدوق طبقه هشتم که بخاری به روایت او استشهاد کرده است.

مشایخ او: ایوب سَخْتِيَانِيّ، حُمَيْد الطَّوِيل، هِشَام بن عُرْوَه، عُمَارَة بن اَبِي حَفْصَه و...
راویان از او: ابوالنَّضَر، عبدالصَّمَد بن عبدالوارث، حَرَمِيّ بن عُمَارَة بن اَبِي حَفْصَه و...^۲

راوی حدیث شماره ۵: ۲.

مَرَوَان بن مُعَاوِيَه فَزَارِيّ / ع

مَرَوَان بن مُعَاوِيَه بن حَارِث بن اَسْمَاء... فَزَارِيّ، ابو عبدالله كُوفِيّ، ساكن مكّه، و سپس دمشق، پسر عموی ابواسحاق فَزَارِيّ، محدث ثقه، حافظ و راوی طبقه هشتم و دارای تدلیس که در ذیحجه سال ۱۹۳ هـ. یک روز پیش از ترویج به مرگ مفاجات درگذشت. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: اسماعیل بن اَبِي خَالِد، عَاصِم الأَحْوَل، حُمَيْد الطَّوِيل، سَلِيْمَان تَيْمِيّ، يَحْيَى بن سَعِيد اَنْصَارِيّ، عَوْف اَعْرَابِيّ، مَالِك بن مِقْوَل و بسیاری دیگر.

راویان از او: احمد بن حَنْبَل، اسماعیل بن رَاهُوِيَه، ابو خَيْثَمَه، ابو كُرَيْب، يحيى بن معين، حُمَيْدِيّ، عَلِيّ بن مَدِيْنِيّ، ابوبكر بن اَبِي شَيْبَه، ابن نُمَيْر، دُحَيْم، قُتَيْبَه و بسیاری

۱ - به ضم میم و فتح راء و تشدید جیم (تقریب التهذیب).

۲ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۸۷، ش ۸۴۱۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۱۰۰، ش ۶۸۲۰؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۷.

دیگر^۱

راوی حدیث شماره: ۴۳.

مَطْلِب^۲ بن زیاد / بخ ص ق

مَطْلِب بن زیاد بن ابی زُهیر تَقَفی، قُرَشی، کوفی، راوی صدوق طبقه هشتم، متوفای ۱۸۵ هـ. بخاری، در الأدب ابن ماجه در سنن و نیز نسائی در خصائص علی از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: لَیث بن ابی سُلَیْم، زیاد بن عِلاقه، سُدّی، عبدالله بن محمد بن عَقیل، ابوبکر بن عبدالله اصفهانی، زید بن علی بن الحسین و...

راویان از او: احمد، اسحاق، ابن مبارک، ابوالولید طِیَالِسی، ابن مَعین، ابوبکر عثمان پسران ابن ابی شیبّه، محمد بن عبدالله بن نُمَیر، سُفیان بن وَکیع و...^۳
راوی حدیث شماره: ۲۶۷.

ولید بن محمد مَوْقَرِی^۴ / ت ق

ولید بن محمد مَوْقَرِی قرشی، ابوبشر بَلْقَاوی، مولی بنی امیه (مولی یزید بن عبدالملک) از راویان طبقه هشتم، که پیش از ماه رمضان سال ۱۸۲ هـ. درگذشت. که تَرْمِذِی و ابن ماجه قزوینی در سنن از او حدیث نقل کرده‌اند.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۹۵، ش ۲۷۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۹۳، ش ۸۴۳۷؛ تهذیب التهذیب،

ج ۸، ص ۱۱۶، ش ۶۸۴۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲ - به تشدید طاء.

۳ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۲۸، ش ۸۵۹۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۰۹، ش ۶۹۸۴؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۲۵۴.

۴ - به ضم میم، فتح واو و قاف مُشدّد. بنگرید به: تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۳۵.

نظر برخی از رجال شناسان درباره او بدین شرح است:
 «ابن معین»: لیس پشیمان. «علی بن مدینی»: ضعیف لایکتب حدیثه. «جو زجانی»:
 کان غیر ثقة. «نسائی»: لیس بثقة، منکر الحدیث. «ابوزرعه رازی»: لیس الحدیث.
 مشایخ او: عطاء خراسانی، زهری، نوز بن یزید، ضحاک بن مسافر.
 راویان از او: عبدالله بن عثمان خراسانی، وشاح بن عقبه، محمد بن عائد، ابومشهر،
 عبدالله بن یوسف التیمی، علی بن حجر، ابونعیم حلبی، مسیب بن واضح و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۷۵.

ولید بن مسلم دمشقی / ع

ولید بن مسلم قرشی، ابوالعباس دمشقی، عالم شام، فقیه نامدار، محدث ثقة و حافظ
 طبقه هشتم که «ابن حجر» نوشته است: ثقة، لکنه کثیرالتدلیس والتسویه.
 از «احمد بن حنبل» نقل شده: در میان شامیان، خردمندتر از او ندیدم. مصنفات ولید
 ابن مسلم، هفتاد کتاب است.
 او در سال ۱۱۹ هـ. به دنیا آمد و در پایان سال ۱۹۴ یا در آغاز ۱۹۵ هـ. از دنیا رفت.
 صاحبان صحاح به روایت او استناد جسته‌اند.
 مشایخ او: اوزاعی، صفوان بن عمرو، ابن جریر، ابن ابی ذئب، سعید بن عبدالعزیز،
 ثوری، اسماعیل بن رافع، زهیر بن محمد تمیمی، شیخان نحوی، عبدالرحمن بن نمیر،
 هشام بن حسان، ابوغسان، محمد بن مطرف و بسیاری دیگر.
 راویان از او: احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، علی بن مدینی، دحیم، هشام بن
 عمار، ابوخیثمه، لیث بن سعد، بقیه بن ولید، حمیدی، اسحاق بن منصور انصاری،

۱ - بنگرید به: تهذیب الکمال، ج ۱۹، ص ۴۵۰، ش ۷۳۲۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۴۶، ش ۹۴۰۰؛
 تاریخ الإسلام، ج ۱۲، ص ۴۴۱، ش ۳۹۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۶۵، ش ۷۷۳۴؛ تقریب
 التهذیب، ج ۲، ص ۳۳۵، حرف میم شماره ۸۶.

ابوقدّامه، سُویّد بن سعید و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره: ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۷، ۸۲، ۸۵، ۹۷، ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۷۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۴، ۲۴۵.

یزید بن زُرَیْع ^۲ بَصْرِيّ / ع

یزید بن زُرَیْع عَيْشِيّ، تَمِيْمِيّ، ابومُعاوِیه بَصْرِيّ، محدّث بصره، از راویان ثقه و ثبت طبقه هشتم، که در چهارشنبه هشتم شوال ۱۸۲ هـ در ۸۱ سالگی وفات یافت. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: ایوب سَخْتِيَانِيّ، خالد الحَدَّاء، سُليمان تَمِيْمِيّ، سعید بن ایاس جُرَيْرِيّ، هشام بن حَسَّان، ابن عَوْن، شُعْبَة، ثَوْرِيّ، مَعْمَر بن راشد، هِشام دَسْتَوَائِيّ، عَوْف أعرابيّ و...
راویان از او: نَصْر بن عَلِيّ جَهْضَمِيّ، عَلِيّ بن مَدِيْنِيّ، ابن مَهْدِيّ، ابن مبارک، عَفَّان، يحيى بن يحيى نيشابوريّ، مُسَدَّد، خليفة بن خياط و...^۳

راوی حدیث شماره: ۴۲.

يَعْقوب بن عبدالله قَمِّيّ ^۴ / خت ۴

يعقوب بن عبدالله بن سعد بن مالك بن هانئ بن عامر بن ابي عامر أشعريّ، ابوالحسن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۷۰؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۱۳، ش ۳۰۴۶؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۰۲، ش ۲۸۲؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۲۷، ش ۹۴۰۵؛ تاريخ الإسلام، ج ۱۳، ص ۴۵۶، ش ۳۲۴؛

تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۱۶۷، ش ۷۷۳۷؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۳۳۶.

۲ - به تصغير (تقريب التهذيب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۸۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۱، ش ۱۹۰۱؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۵۶، ش ۲۴۲؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۳۴۰، ش ۷۹۹۲؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۳۶۴.

۴ - در «تقريب التهذيب» آمده است: قَمِّيّ، به ضم قاف و تشديد ميّم.

قُمّی، از راویان طبقه هشتم که «ابن حَجَر» درباره وی نوشته است: صدوق یهم، ولی «ابوالقاسم طَبْرَانِی» گفته است: کان ثَقَّةً. و نیز «ابن حَبَّان» وی را در الثقات یادآور شده است.

«ابونُعَیم اصفهانی» می گوید: هنگامی که «جَریر بن عبدالحمید» او را دید، گفت: هذا مُؤْمِن آل فِرْعَوْنَ. «محمد بن حُمید رازی» گفته است: وارد بغداد شدم «احمد» و «ابن معین» به استقبال آمدند و از احادیث یعقوب قُمّی پرسیدند.

یعقوب قُمّی در سال ۱۷۴ هـ. چشم از جهان فرو بست. ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت او استناد کرده اند و بخاری نیز به آن استشهاد نموده است.

مشایخ او: برادرش: عبدالرحمن؛ أعمش، حفص بن حُمید قُمّی، لیث بن ابی سلیم، و...

راویان از او: ابن مهدی، ابوالربیع زهرانی، ابوداود الحفّری، عمرو بن رافع قزوینی، محمد بن حُمید رازی، منصور بن سلّمه خُزاعی و...

راوی احادیث شماره: ۱۵۹، ۱۶۰.

یوسف بن حَوْشَب شَیْبَانِی

یوسف بن حَوْشَب شَیْبَانِی کوفی، وی از ابن یزید أعور، درباره مهدی روایت کرده، و عبدالله بن عمر مُشکدانه از او حدیث نقل کرده است.^۲ بنابراین گویا از راویان طبقه هشتم باشد.

راوی احادیث شماره: ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۱.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۵۲، ش ۹۸۱۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۴۰۸، ش ۸۱۰۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۶۳، ش ۹۸۶۲؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۳۲۰، ش ۱۱۴۶.

یونس بن ابی یَعْفُور^۱ / م ق

یونس بن ابی یَعْفُور وَقْدَان یا واقِد، عَبْدِيّ كُوفِيّ، از راویان طبقه ہشتم، کہ مُسلم و ابن ماجہ، از او روایت نقل کردہ اند، و ابن حَبَّان، او را در الثقات، یاد آور شدہ است. دیدگاہ رجال شناسان دربارہ وی:

«ابن معین»، «نسائی» و «أحمد»: ضعيف. «ابوحاتم»: صدوق. «ابن عدي»: هو عندي ممن يكتب حديثه. «ساجي»: فيه ضعف، وكان ممن يفرط في التشيع. «دارقطني»: ثقة. «ابن حجر»: صدوق يخطئ كثيراً.

مشايخ او: عَون بن ابی جُحَيْفَه، پدرش: ابو یَعْفُور عَبْدِيّ، برادرش: عبد الله بن ابی یَعْفُور، اسماعیل بن کثیر سُلَيميّ، أشود بن قيس، حمّاد بن عبد الرحمن أنصاريّ، سُفيان ثوريّ، عليّ بن زيار بن حَيّان، عمّار دُهْنِيّ، ليث بن ابی سُلَيم، زُهْرِيّ.

راویان از او: سعيد بن منصور، محمد بن سعيد اصبهانيّ، اسماعيل بن أبان الوراق، جعفر بن حميد كوفيّ، عبّاد بن زياد أسديّ، ساجيّ، عبّاد بن يعقوب أسديّ الرواجنيّ، عثمان بن محمد بن ابی شَيْبَه، فضيل بن عبد الوهاب الشكريّ، محمد بن بَكِيْر حَضْرَمِيّ، يحيى بن عبد الله الرقيّ، و...^۲

راوی حدیث شماره: ۴۹.

۱ - با فتح باء، سکون عین و ضم فاء (تقریب التهذیب).

۲ - تهذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۵۶۹، ش ۷۷۸۳؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۸۵، ش ۹۹۲۵؛ تهذیب

التهذیب، ج ۹، ص ۴۷۲، ش ۸۲۰۲؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۲، ش ۴۹۷.

طبقه نهم

ابراهيم بن حسين همداني^۱ = ابن ديزيل^۲

ابو اسحاق ابراهيم بن حسين بن علي بن مهران بن ديزيل كسائي همداني، معروف به لقب «دابه عقان»^۳ و «سيفته»^۴ از راويان ثقة، مأمون و حافظ طبقه نهم، كه در پايان ماه شعبان سال ۲۸۱ هـ. درگذشت. «حاكم» درباره او گفته است: ثقة مأمون.

مشايخ او: ابو مسهر، عقان، ابو نعيم ملاتي، مسلم بن ابراهيم، علي بن عياش و...
راويان از او: ابو عوانه، احمد بن هارون برديحي، احمد بن مروان ديتوري، ابو الحسن علي بن ابراهيم قطان، عبدالرحمن بن حمدان الجلاب، احمد بن اسحاق بن مجاب الطبسي و...^۵

راوی حدیث: ۲۶۶.

۱ - به فتح هاء و میم، و ذال (الباب، ج ۲، ص ۲۹۳).

۲ - به فتح دال و کسر آن.

۳ - لكثرة ملازمته إياه.

۴ - «سيفته» طائر لا يحط على شجرة إلا أكل ورقها، وكذا كان إبراهيم لا يأتي شيخاً إلا وينزفه.

۵ - بنگريد به: تاريخ مدينة دمشق، ج ۴، ص ۳۸۷، ش ۳۹۲؛ تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۰۸، ش ۶۳۳؛

تاريخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۱۰۶، ش ۱۱۳ (وفيات ۲۸۱ - ۲۹۰ هـ)؛ لسان الميزان، ج ۱، ص ۴۸، ش ۱۰۸.

أَزْهَرُ بْنُ سَعْدِ سَمَّانٍ / خ م د ت س

أَزْهَرُ بْنُ سَعْدِ سَمَّانٍ، ابوبكر باهليّ بَصْرِيّ، راوي ثقة طبقة نهم، متوفای ۲۰۳ هـ. در ۹۴ سالگی. بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و نسائی در صحیح و سنن به روایت او استناد جسته‌اند.

«عُقَيْلِيّ» می‌گوید حدیثی به روایت او در امر فاطمه علیها السلام به تسبیح است.

مشایخ او: سلیمان تیمی، یونس بن عبید، ابن عون، هشام دَسْتَوَائِيّ.

راویان از او: علی بن مدینی، اسحاق، بُنْدَار، ذُهَلِيّ، ابن مُبارک، ابومسعود رازی،

کَدَيْمِيّ و...^۱

راوی حدیث شماره: ۴۲.

أَسْبَاطُ بْنُ مُحَمَّدٍ قُرَشِيّ / ع

أَسْبَاطُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ... قُرَشِيّ، كُوفِيّ، ابومحمد، راوي ثقة طبقة نهم. متولد سال ۱۰۵ هـ. و متوفای ۲۰۰ هـ. در صحاح شش‌گانه به روایت او استناد شده است. مشایخ او: أَعْمَش، مُطَرِّفُ بْنُ طَرِيفٍ، ابواسحاق شَيْبَانِيّ، محمد بن عَجْلان، ثَوْرِيّ و...

راویان از او: پسرش: عبید بن أسباط، احمد بن حنبل، ابن ابی شیبّه، ابن نمیر،

اسحاق بن راهویه و...^۲

راوی حدیث شماره: ۱۶۸.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۴، ش ۱۹۱۹؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۴۲، ش ۳۲۵؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۷۲، ش ۶۹۶؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۲۲۱، ش ۳۳۵؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۵۱.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۹۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۳، ش ۱۳۲۷؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۷۵، ش ۷۱۱؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۲۳۰، ش ۳۴۸؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۵۳.

اسحاق بن سلیمان رازی / ع

اسحاق بن سلیمان رازی، ابویحیی، کوفی الأصل، ساکن رزی، دانشمند برجسته محدث ثقه و فاضل طبقه نهم، متوفای سال ۲۰۰ یا ۱۹۹ هـ. در ری، صاحبان صحاح به روایت او استناد کرده‌اند.

مشایخ او: مالک، ابن ابی ذئب، حریر بن عثمان، حنظله بن ابی سفیان، عبس بن سعید رازی، ابوجعفر رازی و...

راویان از او: احمد بن حنبل، ابوخیثمه، قتیبه، ابن نمیر، ابوکریب، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۲۶، ۲۸، ۲۹.

اسحاق بن منصور سلولی / ع

اسحاق بن منصور سلولی، ابوعبدالرحمن، راوی صدوق طبقه نهم، متوفای ۲۰۴ یا ۲۰۵ هـ. که به خاطر تشیع، درباره او حرف است، «ابن حبان» وی را در الثقات یادآور شده و «عجلی» گفته است: کوفی، ثقه، وکان فیه تشیع. در صحاح شش گانه به حدیث او استناد شده است.

مشایخ او: اسرائیل، زهیر بن معاویه، ابراهیم بن یوسف بن ابی اسحاق سبعی و...
راویان از او: ابونعیم، پسران ابی شیبه، ابوکریب، ابن نمیر عباس الدوری^۲ و...^۳
راوی حدیث شماره: ۱۸۴.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۸۱؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۴۲، ش ۳۱۷۰؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۵۴، ش ۳۲۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۵۲؛ ش ۳۸۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۸.

۲ - به ضم دال و سکون واو، منسوب به «الدور» محلی است در بغداد.

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۶۶، ش ۴۱۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۱.

آسد بن موسی أموی / خت د س

آسد بن موسی بن ابراهیم بن ولید بن عبدالملک بن مزوان أموی، مُلقَّب به «آسد السنّه» متولد سال ۱۳۲ هـ. (سال نابودی حکومت امویان). متوفای ۲۱۲ هـ. در ۸۰ سالگی، راوی صدوق طبقه نهم که «ابن حَجَر» نوشته است: فیه نَصَب. وی دارای تصانیفی است که «نَسَائِي» درباره آن گفته است: لو لم یصنّف کان خیراً له. ابوداود و نَسَائِي به روایت او استناد کرده‌اند و بخاری نیز به روایت وی استشهاد کرده است.

مشایخ او: ابن ابی ذئب، حمّاد بن سلّمه، شُعْبَه، شَیْبَان، مسعودی، لیث بن سعد، معاویه بن صالح و...

راویان از او: ربیع بن سلیمان مرادی، دُحَیْم، احمد بن صالح مصری و...^۱
راوی احادیث شماره: ۲۹، ۱۰۳.

اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی / د فق

اسماعیل بن عبدالکریم بن معقل بن مُنَبّه، ابوهشام صنعانی، راوی صدوق طبقه نهم، متوفای ۲۱۰ هـ. ابوداود و ابن ماجه از او روایت، نقل کرده‌اند.

مشایخ او: پسر عمویش: ابراهیم بن عقیل، عمویش: عبدالصّمد بن معقل و...
راویان از او: احمد بن حنبل، حارث بن ابی أسامه، ذُهَلِي، ابوالأزهر، اسحاق بن راهویه، ابوخیثمه، محمّد بن رافع، محمّد بن عوف و...^۲
راوی حدیث شماره: ۵۷.

۱ - تذکرة الحُفَاف، ج ۱، ص ۴۰۲، ش ۴۰۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۰۷، ش ۸۱۵؛ تهذیب التهذیب،

ج ۱، ص ۲۷۶، ش ۴۳۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۳.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۵۴۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۳۹، ش ۲۶۷۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص

۳۲۶، ش ۵۰۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۷۲.

بِشْرُ بِنِ مَوْسَى

بِشْرُ بِنِ مَوْسَى ابوعلیّ اسدیّ بغدادیّ، که «ذَهَبِیّ»^۱ وی را از محدّثان طبقه نهم می‌داند.^۲ متولد ۱۹۰ هـ. و متوفای ۲۸۸ هـ.

«خطیب» می‌گوید: کان ثقة، أمیناً، حافظاً عاقلاً، رکنیاً.

مشایخ او: رَوْحُ بِنِ عُبَادَةَ، ابونعیم، هُوذَةَ بِنِ خَلِيفَةَ، ابوعبدالرحمن مُقْرِئ، اصمعیّ، خلّاد بن یحیی، یحیی بن اسحاق، حُمَیْدِیّ، حسن بن موسی الأشّیب، و...

راویان از او: اسماعیل صَفَّار، ابن نجیح، محمّد بن مَخْلَد، النَّجَّاد، ابوعلیّ بن الصّوّاف،

ابوبکر شافعی، ابوبکر بن مالک قطیعیّ، ابوالقاسم طبرانی.^۳

راوی احادیث شماره: ۵۰، ۱۰۹.

حَارِثُ بِنِ ابِیْ اَسَامَةَ

حارث بن محمّد بن ابی أسامه داهر، ابومحمّد تمیمیّ بغدادی، از محدّثان و حافظان صاحب مُسْنَد، متولد ۱۸۶ هـ. و متوفای روز عرفه سال ۲۸۲ هـ. که مؤلف تذکرة الحفّاظ وی را در طبقه نهم ذکر نموده است.

شماری از عالمان رجالی، وی را توثیق کرده‌اند و برخی گفته‌اند: صدوق، و برخی نیز او را ضعیف دانسته‌اند.

۱ - بنگرید به: تذکرة الحفّاظ، ج ۲، ص ۶۱۱، ش ۶۳۶.

۲ - ولی بر حسب طبقه بندی «ابن حَجَر» در تقریب التهذیب که ملاک کار نویسنده است، هُوذَةَ بِنِ خَلِيفَةَ (یعنی استاد بِشْرُ)، در طبقه نهم قرار دارد که قهراً باید «بِشْرُ» در طبقه دهم و یا یازدهم باشد. خاطر نشان می‌سازد که شماره‌های طبقه‌بندی ذَهَبِیّ در تذکرة الحفّاظ، معمولاً، چند شماره کمتر از شماره‌بندی طبقات ابن حَجَر است.

۳ - الجرح والتعديل، ج ۱، ق ۱، ص ۳۶۷، ش ۱۴۱۵؛ تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۸۶، ش ۳۵۲۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۱۳۳، ش ۱۶۲ (وفیات ۲۸۱ - ۲۹۰ هـ).

مشایخ او: یزید بن هارون، عبدالوهاب الخفاف، علی بن عاصم، عبدالله بن بکر، رُوْح بن عبّاده و...

راویان از او: ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ابوبکر نجّاد، ابوبکر بن خلّاد نصیبی، ابوبکر شافعی، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۵۷، ۱۱۱.

حجاج بن محمد مصیبی^۲ آغور / ع

حجاج بن محمد مصیبی آغور، ابومحمد، ترمذی الأصل، ساکن بغداد و سپس مصیبه، محدث ثقه، حافظ و ثبت طبقة نهم، که در پایان عمر، دچار اختلاط شد. «ابن معین» درباره وی به پسرش گفته است: لا تدخل علیه أحداً. و او در سال ۲۰۶ هـ. در بغداد، چشم از جهان فرو بست. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

مشایخ او: ابن جریر، حرّیز^۳ بن عثمان، ابن ابی ذئب، لیث، شعبه، یونس بن ابی اسحاق، حمزة الزّیّات و...

راویان از او: احمد، یحیی بن معین، یوسف بن سعید بن مسلم، یحیی بن یحیی، ابوخیثمه، قتیبه، الدوری و بسیاری دیگر.^۴

راوی احادیث شماره: ۵۲، ۵۶، ۵۹ تا ۶۱، ۱۴۲.

۱ - تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۱۸، ش ۴۳۳۲؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۱۹، ش ۶۴۶؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۴۲، ش ۱۶۴۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۱۴۶، ش ۱۹۳ (وفیات ۲۸۱ - ۲۹۰ هـ)؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۷۲، ش ۶۲۶.

۲ - به کسر میم و تشدید صاد.

۳ - به فتح حاء و کسر راء. (بنگرید به: تقریب التهذیب).

۴ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۸۹؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۱۵، ش ۳۰۵۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۴۵، ش ۳۲۹؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۶۴، ش ۱۷۴۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۸۲، ش ۱۱۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۵۴.

حَسَن بن موسی أَشَّیْب / ع

حسن بن موسی أَشَّیْب، ابوعلیٰ بغدادی، بزرگ مقام و عهده‌دار منصب قضا در حیص و سپس طبرستان و مؤصل، از راویان ثقه و حافظ طبقه نهم، که در سال ۲۰۹ یا ۲۱۰ هـ. در ری وفات یافت، «ابوحاتم» می‌گوید: در تشییع جنازه او در ری حضور داشتم. صاحبان صحاح به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: حمادین، ابن ابی ذئب، شُعْبَه، سُفیان، جریر بن حازم، زُهَیْر بن معاویه، ابن لهیعه، حرز بن عثمان، لیث و...

راویان از او: احمد بن حنبل، ابوخیثمه، ابواسحاق جوزجانی، حجاج بن شاعر، بشر ابن موسی، پسران ابی شیبّه، عباس الدوری، حارث بن ابی أسامه و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۰۲.

حَسین بن عمرو عَنقَرِی^۲

با توجه به اینکه وی مروی عنه طبقه دهم می‌باشد پس گویا از راویان طبقه نهم است.

«ذَهَبِی» از «ابوزرعه» نقل می‌کند: کان لا یصدق. در لسان المیزان، آمده است: قال ابوحاتم: لَیْن یتکلمون فیه.

مشایخ او: پدرش: عمرو بن محمد، عثمان بن علی، ابراهیم بن یوسف بن اسحاق بن ابی اسحاق سبعی، یونس بن بُکیر، عیسی بن حنیفه.

۱ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۳۳۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۵۴، ش ۳۲۲۶؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۶۹، ش ۳۶۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۲۴، ش ۱۹۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۶، ش ۱۳۴۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲ - به فتح عین و قاف، منسوب به «عَنقَر» که نوعی از گل می‌باشد. (بنگرید به: لسان المیزان).

راویان از او: ابوحاتم رازی و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۸۱.

حَفْصُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مَيْمُونِ عَدَنِيِّ / ق

حَفْصُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مَيْمُونِ عَدَنِيِّ صَنْعَانِيٌّ، ابواسماعيل، مُلقَّبُ به فَرَّخٌ^۲، راوی ضعیف طبقه نهم. در سنن ابن ماجه از او روایت نقل شده است.

مشایخ او: مالك بن مِغْوَل، ثور بن یزید، حکم بن أبان، شُعْبَةُ، مالك، ابن ابی ذئب و...
راویان از او: نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ جَهْضَمِيُّ، ابوالربیع زهرانی، عَبَّاسُ تَرْقُفِيُّ و...^۳
راوی حدیث شماره: ۵۳.

حَمَّادُ بْنُ أَسَامَةَ = ابواسامه / ع

حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ قُرَشِيٌّ، مشهور به كُنْيَةُ ابواسامه كوفيٌّ، از راویان طبقه نهم، که در سال ۲۰۱ هـ. در سنّ هشتاد سالگی وفات یافت. روایات وی در صحاح شش گانه، نقل شده است.

در میزان الاعتدال، از «احمد بن حنبل» نقل شده: «ابواسامه، ثقة، كان أعلم الناس بأخبار أهل الكوفة، كان ثبّاتاً لا يكاد يُخطئ».
در تقریب التهذیب، آمده است: «ثقة، ثبت، ربّما دلّس، وكان بآخره يُحدّث من كتب غیره».

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۱، ق ۲، ص ۶۱، ش ۲۷۸؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۴۵، ش ۲۰۲۷؛

لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۰۷، ش ۱۲۶۱.

۲ - به فتح فاء و سکون راء (تقریب التهذیب).

۳ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۶۰، ش ۲۱۳۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۷۳، ش ۱۴۷۷؛ تقریب

التهذیب، ج ۱، ش ۱۸۸.

مشایخ او: هشام بن عروّه، اسرائیل بن یونس، اسماعیل بن ابی خالد، سفیان ثوری، سلیمان اعمش، شریک بن عبدالله نخعی، شرحبیل بن مدرك جعفی، مجالد بن سعید همدانی، عبدالرزاق بن همام، سعد بن سعید انصاری، کهمس بن حسن، ابن جریج، فطر ابن خلیفه، شعبه بن حجاج، مشعر بن کدام، حماد بن زید، عوف اعرابی.

راویان از او: شافعی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، اسحاق بن راهویه، ابراهیم بن سعید جوهری، حسن بن علی حلوانی، حسین بن جنید دامغانی، ابوخیثمه، زهیر بن حرب، قتیبة بن سعید، عبدالله و عثمان پسران محمد بن ابی شیبه، محمد بن رافع نیشابوری، محمد بن عبدالله بن نمیر، محمود بن غیلان مروزی، عبدالرحمن بن مهدی، و بسیاری دیگر^۱.

راوی حدیث شماره: ۴۶.

داود بن محبّر^۲ / قدق

داود بن محبّر بن قحذم^۳ بن سلیمان طائی، ثقفی، بکراوی، ابوسلیمان بصری، ساکن بغداد، صاحب کتاب العقل، از راویان طبقه نهم که «ابن حجر» نوشته است: متروک، و اکثر کتاب العقل الذي صنّفه موضوعات. «ابن معین» درباره او گفته است: ما زال معروفاً بالحديث، يكتب الحديث، وترك الحديث، ثم ذهب فصحب قوماً من المعتزلة فأفسدوه، وهو ثقة.

او در هشتم جمادی الأولى سال ۲۰۶ هـ در بغداد، از دنیا رفت. ابوداود و ابن ماجه

۱ - بنگرید به: تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۱۵۵، ش ۱۴۵۳؛ تذکرة الحفاظ، ش ۳۰۱، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸۸، ش ۲۲۳۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۱۵، ش ۱۵۴۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۵، ش ۵۲۹.

۲ - به فتح باء مشدد (تقریب التهذیب).

۳ - به فتح قاف، و سکون حاء و فتح ذال (تقریب التهذیب).

از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: حمّاد بن، أسود بن شیبان، خلیل بن احمد، ربیع بن صبیح، همام بن یحیی، شعبه و...

راویان از او: محمد بن یحیی بن عبدالکریم ازدی، فضل بن سهل اعرج، حسین بن عیسی بسطامی، حسن بن مکرم، حارث بن ابی اسامه و...^۱
راوی احادیث: ۲۳۹ تا ۲۴۲.

داود بن منصور نسائی / س

داود بن منصور نسائی، ابوسلیمان ثعربی^۲، ساکن بغداد که پس از عهده‌دار شدن منصب قضا در مصیبه، ساکن آنجا شد. وی در سال ۲۲۳ هـ. درگذشت. «ابن حَجَر» درباره او نوشته است: صدوق یهم، کرهه احمد للقضاء.
«ابن حبان» وی را در الثقات یادآور شده است. و «نسائی» او را توثیق کرده و به روایت او استناد جسته است.

مشایخ او: لیث، ابراهیم بن طهمان، جریر بن حازم، حماد بن زید، عبدالوارث بن سعید، قیس بن ربیع، ابوبکر بن عیاش و...

راویان از او: یوسف بن سعید بن مسلم، ابراهیم بن سعید جوهری، ابو حاتم و...^۳
راوی حدیث شماره: ۴۷.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۰، ش ۲۶۴۶: تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۰، ش ۱۸۷۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲ - ثاء و غین (تقریب التهذیب).

۳ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۱، ش ۲۶۵۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۳، ش ۱۸۷۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۳۴.

رَوَادُ بِنِ جَرَّاحِ عَسْقَلَانِيٍّ / ق

رَوَادُ بِنِ جَرَّاحِ، ابوعِصَامِ عَسْقَلَانِيٍّ، خِرَاسَانِيٍّ الْأَصْلُ، از راویان صدوق طبقه نهم که سرانجام، دچار اختلاط شد. «ابن حجر» نوشته است: و في حديثه عن الثوري ضعف شديد. مشايخ او: ثوري، ابوسعید ساعدی، سعید بن عبدالعزیز، ابراهیم بن طهمان و ... راویان از او: پسرش: عصام، ابوبکر بن ابی شیبّه، اسحاق بن راهویه، یحیی بن معین، عباس ترقفی و ...^۲
 راوی حدیث شماره: ۷۳.

زکریا بن یحیی مصری مالکی = ابویحیی الوقار^۳

با توجه به اینکه مروی عنه او در طبقه هشتم قرار دارد گویا وی از راویان طبقه نهم باشد.
 در لسان المیزان، آمده است: او متولد سال ۱۷۴ هـ. و متوفای جمادی الآخرة سال ۲۵۴ هـ. می باشد.
 «ذهبی» دیدگاه رجال شناسان را درباره زکریا بن یحیی مصری، بدین گونه نگاشته است: «ابن عدی»: يضع الحديث، كذبه صالح جزرة.
 «ابن یونس»: كان فقيهاً صاحب حلقه، عاش ثمانين سنة. وقيل: كان من الصلحاء والعباد الفقهاء، نرح عن مصر أيام ميحنة القرآن إلى طرابلس الغرب.
 «عقيلي» او را در الضعفاء و «ابن حبان» در الثقات، یاد آور شده اند. در تاریخ الإسلام آمده است: وكان من كبار الفقهاء المالكية و صلحاتهم.

۱ - به تشدید واو (تقریب التهذیب).

۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۵، ش ۲۷۹۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۱۴، ش ۲۰۲۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳ - به فتح واو، و قاف مُخَفَّف (اللباب).

مشایخ او: ابن القاسم، ابن عیثه، ابن وهب، سعید الآدم و محدثان پس از او.
 راویان از او: ابوحاتم رازی، محمد بن المغافی البیروتی، محمد بن اسماعیل المهدی،
 حسن بن سفیان، حسن بن علی بن قنید و...^۱
 راوی حدیث شماره ۵: ۳.

زید بن حباب عکلی^۲ / ز م ۴

زید بن حباب بن ریّان، ابوالحسین عکلی، کوفی، خراسانی الأصل، ساکن کوفه، از
 راویان صدوق و صالح طبقه نهم، متوفای سال ۲۰۳ هـ. که برای فراگیری حدیث به
 مصر، خراسان و اندلس سفر کرد.

«ابن حجر» نوشته است: صدوق یخطی فی حدیث الثوری. بخاری در جزء القراءة
 خلف الإمام، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن، به روایت او
 استناد کرده‌اند.

مشایخ او: ابن ابی ذئب، عکرمه بن عمّار یمامی، مالک بن انس، ثوری، یونس بن
 ابی اسحاق و بسیاری دیگر.

راویان از او: احمد، یحیی بن ابی طالب، پسران ابی شیبه، ابوخیثمه، ابوکریب، علی
 ابن مدینی، محمد بن عبدالله بن نمیر، ابراهیم جوزجانی، محمد بن رافع نیشابوری، و
 بسیاری دیگر.^۳

راوی احادیث شماره: ۲۴، ۹۴، ۹۵.

۱ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۷، ش ۲۸۹۲ و ج ۴، ص ۵۸۷، ش ۱۰۷۳۱؛ تاریخ الإسلام، ج

۱۹، ص ۱۴۱، ش ۲۱۱؛ لسان المیزان، ج ۲، صص ۴۸۵ تا ۴۸۸، ش ۱۹۵۰.

۲ - به ضم حاء «حباب» و ضمّ عین و سکون کاف، و کسر لام «عکلی» (اللباب و تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۴۰۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۵، ش ۱۳۳۵؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۵۰، ش ۳۳۸؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۰۰، ص ۲۹۹۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۱۹، ش

۲۱۹۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۷۳.

زید بن ابی الزرقاء / د س

زید بن ابی الزرقاء یزید ثعلبی، موصلی ابو محمد، ساکن رمله، از راویان ثقه طبقه نهم که بر اثر فتنه‌ای که در سال ۹۳ هـ در موصل پدید آمد، وی به رمله مهاجرت کرد و در سال ۱۹۴ هـ درگذشت. ابوداود و نسائی به روایت او استناد کرده‌اند.
 / مشایخ او: ابو حذیفه الیمان، عیسی بن طهمان، اوزاعی، مالک، ثوری، لیث، سعید، جعفر بن بزقان، جریر بن حازم، حماد بن سلمه، مشعر بن کدام، و...
 راویان از او: پسرش: هارون، قاسم بن یزید جریمی، ابراهیم بن سعید جوهری و...
 راوی حدیث شماره: ۲۳۳.

سعید بن هبیره

سعید بن هبیره بن عدیس بن انس بن مالک کعبی، ابومالک مروزی که «ابوحاتم» درباره او گفته است: لیس بالقوی. گویا از راویان طبقه نهم باشد.
 مشایخ او: داود بن ابی الفرات، سعید بن زید برادر حماد بن زید، ابوهلال راسبی، حماد بن سلمه، جریر بن حازم، جویره بن أسماء.
 راویان از او: عبده بن عبدالرحیم مروزی، احمد بن سعید دارمی، احمد بن منصور مروزی معروف به «زاج»، رجاء بن مرجا مروزی، سری بن خزیمه.
 راوی حدیث شماره: ۲۱۳.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۰۳، ش ۳۰۰۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۲۷، ش ۲۲۱۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۲، ق ۱، ص ۷۰، ش ۲۹۷؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۶۲، ش ۳۲۸۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۴، ص ۱۷۱، ش ۱۶۷ (وفیات، ۲۰۱ - ۲۱۰ هـ)؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۸، ش

سَلَمَة بن فَضْل أَبْرَش / د ت فق

سَلَمَة بن فَضْل أَبْرَش أَنْصَارِيّ، ابو عبدالله، قاضی رَیّ و راوی مَغَازِي از ابن اسحاق، از راویان صدوق و کثیر الخطاء طبقه نهم که پیش از منصب قضا، مُعَلِّم بود. از «ابن معین» روایت شده که گفته است: سَلَمَة الْأَبْرَش رَازِيّ يَتَشَيِّع، قد كتب عنه، وليس به بأس. و نیز از او نقل شده: ثَقَّةٌ، كَتَبْنَا عَنْهُ، كان كتب مغازيه أتمّ، ليس في الكتب أتمّ من كتابه. أمّا ابوزُرْعَه گفته است: كان أهل الرّبي لا يرغبون فيه لسوء رأيه وظلم فيه. او در سال ۱۹۱ هـ. در رَیّ در ۱۱۰ سالگی درگذشت. ابوداود و ترمذی در سنن و نیز ابن ماجه به روایت او استناد جسته‌اند.

مشایخ او: محمد بن اسحاق بن یسار، ابوجعفر رَازِيّ تَمِيمِيّ، ابراهیم بن طَهْمَان، ثورِيّ، ابو خَيْثَمَه جُعْفِيّ و...

راویان از او: کاتبش: عبدالرحمن بن سلمه رَازِيّ، ابن معین، عثمان بن ابی شیبّه، محمد بن حُمید رَازِيّ، محمد بن عیسی دامغانی، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲۷۱.

سَلِيمَان بن دَاوُد، ابوداود طَيَالِسِيّ / خ ت م ۴

سَلِيمَان بن دَاوُد بن جَارُود، ابوداود طَيَالِسِيّ بَصْرِيّ، فارسی الأصل، از محدثان و راویان ثقه و حافظ طبقه نهم، متوفای ۲۰۴ هـ. در هفتاد و چند سالگی.

مشایخ او: ابن عَوْن، هِشَام بن ابی عبدالله دَسْتَوَائِيّ، جَرِير بن حَازِم، حَمَادِیْن، زَائِدَه، زُهَيْر بن معاویه، شُعْبَه، ثورِيّ، سَلِيمَان بن قَرْم، شَيْبَان نَحْوِيّ، عِمْرَان قَطَّان، ابو عَوَانَه و...
راویان از او: احمد بن حَنْبَل، عمرو بن عَلِيّ فَلَاس، بُنْدَار، ابن فُرَات، عَبَّاس الدُّورِيّ،

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۹۲، ش ۳۴۱۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۳۹، ش ۲۵۸۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۱۸.

علی بن مدینی، حجاج بن شاعر، ابوموسی، یونس بن حبيب اصفهانی و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲۲.

طالوت بن عبّاد

طالوت بن عبّاد صیرفی ضبعی، ابو عثمان بصری پدر عثمان بن طالوت جحدری،
شیخ معمر، متوفای سال ۲۳۸ هـ. در سنّ پیش از ۹۰ سالگی، از راویان صدوق که «ابن
حبّان» وی را در الثقات یاد آور شده است.^۲
گویا از راویان طبقه نهم باشد.

مشایخ او: فضال بن جبیر، ابو امامه باهلی، ربیع بن مسلم، حمّاد بن سلمه، ابو هلال
محمد بن سلیم، یمان ابو حذیفه، سعید بن ابراهیم و...

راویان از او: یحیی بن محمد حنّائی، علی بن سعید بن رازی.^۳
راوی حدیث شماره: ۱۴۵.

عامر بن ابراهیم بن واقد اصفهانی / س

عامر بن ابراهیم بن واقد بن عبدالله اصفهانی مؤذن، مولی ابوموسی اشعری، از راویان
نقه طبقه نهم، متوفای سال ۲۰۱ یا ۲۰۲ هـ. نسائی به روایت وی استناد جسته است.
در اخبار اصبهان آمده: عامر بن ابراهیم، به نزد یعقوب قُمّی رفت و یک ماه در خانه وی
ماند تا تمام کتابهای او را نوشت.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۵۱، ش ۳۴۰؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۰۳، ش ۳۴۵۰؛ تهذیب التهذیب،
ج ۳، ص ۴۶۹، ش ۲۶۲۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۲۳.
۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۲، ق ۱، ص ۴۹۵، ش ۲۱۷۸؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۸۶، ش ۱۰۷۱؛
میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۳۴، ش ۳۹۷۵؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۰۵، ش ۹۲۶.
۳ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۱۷، ص ۲۰۴، ش ۱۹۳.

مشایخ او: یعقوب بن عبدالله قُمّی، مالک بن آنس، خطاب بن جعفر بن ابی مُغیره، حمّاد بن سلّمه، اسماعیل بن خلیفه قاضی اصفهان، مبارک بن فضّالّه و...
 راویان از او: پسرانش: محمّد و ابراهیم، عمرو بن علیّ قَلّاس، یونس بن حبیب عِجلیّ، آسد بن عاصم، حفص بن عمر مَهْرَقانی^۱ و...^۲
 راوی احادیث شماره: ۱۵۹، ۱۶۰.

عبدالحمید بن ابراهیم حَضْرَمِیّ / س

عبدالحمید بن ابراهیم حَضْرَمِیّ، ابوتقیّ حِمِصِیّ، از راویان طبقه نهم که «ابن حَبّان» وی را در الثقات یاد آور شده و «ابن حَجَر» نوشته است: صدوق إلاّ أنّه ذَهَبَتْ کُتُبُهُ فِساء حِفْظَه.

مشایخ او: عبدالله بن سالم أشعریّ، سلّمه بن کلثوم، عُبّیة بن مَعْدان، عمرو بن واقد، اسماعیل بن عیّاش.

راویان از او: صَفْوَان بن عمرو صَغیر، عمران بن بَکّار، سلیمان بن عبدالحمید بَهْرانیّ، محمّد بن عَوْف طائیّ و...^۳
 راوی حدیث شماره: ۲۳۸.

۱ - به کسر میم، سکون هاء، کسر راء و فتح قاف، منسوب به قریه‌ای در رَمّی (بنگرید به: پاورقی تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۸۷).

۲ - اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۳۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۲، ش ۳۱۶۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۸۶.

۳ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۳۷، ش ۴۷۶۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۵، ص ۲۴۹، ش ۲۲۲ (وفیات ۲۱۰ - ۲۲۰ هـ)؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۹، ش ۳۸۵۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۸۶.

عبدالحمید بن عبدالرحمن حِمَّانِی^۱ / خ م د ت ق

عبدالحمید بن عبدالرحمن حِمَّانِی، ابو یحیی کوفی، خوارزمی الأصل، مُلقَّب به «بشمین»^۲، از راویان طبقه نهم، متوفای سال ۲۰۲ هـ. که «ابن حَجَر» درباره وی نوشته است: صدوق یخطئ و رُمی بالإرجاء.

بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: یزید بن ابی بُزده، أَعْمَش، سُفیانین، مالک بن مِغُول، مِسْعَر بن کِدام، ابوحنیفه و...

راویان از او: ابوبکر محمد بن خلف حَدَّادِی، ابوکریب، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبّه، سُفیان بن وَکیع، حسین بن یزید کوفی و...^۳

راوی حدیث شماره: ۱۰۰.

عبدالرحمن بن مَهْدِیّ = ابن مَهْدِیّ / ع

عبدالرحمن بن مَهْدِیّ بن حَسَّان بن عبدالرحمن عَنَبَرِیّ، ابوسعید بَصْرِیّ، از عالمان نامدار و محدث ثقه، ثبت، حافظ و رجال شناس طبقه نهم که در سال ۱۳۵ هـ. به دنیا آمد و در سال ۱۹۸ هـ. در ۶۳ سالگی از دنیا رفت. صاحبان صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد جسته‌اند.

«ابراهیم بن زیاد سَبْلان»^۴ گفته است: «ابن مَهْدِیّ» به من گفت: لوکان لی سلطان

۱ - به کسر حاء و تشدید میم (تقریب التهذیب).

۲ - به فتح باء و سکون شین و کسر میم (تقریب التهذیب).

۳ - الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۹۹؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۳، ش ۱۳۲۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۴۲، ش ۴۷۸۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۰، ش ۳۸۷۷، تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۹.

۴ - به فتح سین و باء (تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۵).

لَأَلْقِيَتْ مَنْ يَقُولُ: إِنَّ الْقُرْآنَ مَخْلُوقٌ، فِي دِجْلَةَ بَعْدَ أَنْ أُضْرِبَ عُنُقَهُ.
 «ساجی» از «علی بن مدینی» نقل می کند: مارأیتُ أعلم بالرجال من يحيى القَطَّان،
 ولا رأيتُ أعلم بصواب الحديث والخطأ من ابن مهدي^۱.
 مشایخ او: ایمن بن نابل، هشام دشتوائی، شعبه، سفیانی، حمادین، جریر بن حازم،
 عکرمه بن عمّار، مالک بن انس، مالک بن مغول، وهیب، عمران قَطَّان، و بسیاری دیگر.
 راویان از او: ابن مبارک، احمد، ابن مدینی، بُنْدَار، عبدالرحمن بن عمر رُشته، ابن
 وهب، یحیی بن معین، یحیی بن یحیی، ابوخیثمه، پسران ابی شیبه، قلاس و بسیاری
 دیگر.^۲

راوی حدیث شماره: ۲۰۴.

عبدالرزاق صنعانی / ع

عبدالرزاق بن همام بن نافع حِمیری، ابوبکر صنعانی، از عالمان ثقه، حافظ، و
 صاحب تصانیف طبقه نهم که «ابن حجر» نوشته است: این مُصنّف مشهور در پایان عمر،
 نابینا شد و دچار دگرگونی گشت و شیعه بود. وی در سال ۱۲۶ هـ. به دنیا آمد و در
 بیست سالگی دنبال فراگیری دانش رفت.

از «ابن معین» نقل شده که گفته است: سمعتُ من عبدالرزاق كلاماً يوماً فاستدللتُ به
 علی تشیعهِ، فقلتُ: إن أستاذيك الذين أخذت عنهم أصحابُ سنة: معمر، ومالك،
 وابن جريج، و سفیان، والأوزاعي - فَعَمَّنْ أخذت هذا المذهب؟

قال: قَدِمَ عَلَيْنَا جعفر بن سليمان الضُّبَيعي، فرأيتُهُ فاضلاً حسنَ الهدى، فأخذتُ هذا منه.
 از «مخلد شعیری» نقل شده: در نزد عبدالرزاق بودیم، مردی، معاویه را یاد کرد،

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۲۳۵: شرح حال یحیی بن سعید قَطَّان، ش ۷۸۳۶.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۵۷۱، ش ۱۹۳۳؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۲۹، ش ۳۱۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۸۲، ش ۴۱۳۳؛ تفریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۹۹.

عبدالرزاق گفت: لا تقدر مجلسنا بذكر ولد أبي سفيان.

او در سال ۲۱۱ هـ. در ۸۵ سالگی چشم از جهان فرو بست، در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: پدرش، عمویش: وهب؛ مَعْمَر، سُفْيَانِثْن، جعفر بن سلیمان، أَوْزَاعِي، مالك، یونس بن سُلَيْمِ صَنْعَانِي، أَيْمَن بن نَابِل، عِكْرِمَةَ بن عَمَّار، ابن جُرَيْج، اسماعیل بن عیّاش و بسیاری دیگر.

راویان از او: احمد، احمد بن یوسف سُلَمِي، سُفْيَان بن عُيَيْنَه، وَكَيْع، ابواسامه، ابوخیثمه، علی بن مدینی، عمرو بن ناقد، حجاج بن شاعر، محمد بن مهران جَمَّال، ابومسعود رازی و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث: ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۳۴، ۳۶، ۹۳، ۲۸۱ تا ۲۸۴.

عبدالسلام بن عبدالحمید

عبدالسلام بن عبدالحمید بن سُؤید، ابوالحسن امام مسجد حَرَّان، متوفای سال ۲۴۴ هـ. که گویا از راویان طبقه نهم باشد.

دیدگاه برخی از عالمان رجالی درباره وی بدین شرح است: «ابن عدی»: لا أعلم بحديثه بأساً. «أزدی»: تركوه. «ابن حبان» وی را در الثقات، یاد کرده است.

مشایخ او: زُهَيْر بن معاویه، موسی بن أعین، و...

راویان از او: محمد بن محمد باغندی، ابو عمرو، برادرش: ابومعشر الفضل و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۴۹.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۵۴۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۳۸، ش ۲۶۷۳؛ تهذیب الکمال، ج ۱۱، ص

۲۴۷، ش ۳۹۹۷؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۶۴، ش ۳۵۷؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۰۸، ش ۵۰۴۱؛

تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۱۳، ش ۴۱۸۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۱۶، ش ۵۰۵۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۳۳۱، ش ۲۷۷؛

لسان المیزان، ج ۴، ص ۱۳، ش ۲۹.

عبدالصمد بن عبدالوارث بن سعید / ع

عبدالصمد بن عبدالوارث بن سعید بن ذکوان تَمِیْمِی عَنبَرِی، تَنْوَرِی^۱، ابوسهیل بَصْرِی، محدث بصره، از راویان صدوق طبقه نهم، متوفای پایان سال ۲۰۶ هـ. و آغاز سال ۲۰۷ هـ. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد کرده‌اند.

مشایخ او: پدرش، ابان عطار، حماد بن سلمه، همام بن یحیی، عکرمه بن عمّار، شعبه، هشام دَسْتَوَائِی و...

راویان از او: پسرش: عبدالوارث بن عبدالصمد؛ احمد، ابوخیثمه، هارون حَمَّال، حجاج بن شاعر، ابوموسی، بُنْدَار، علی بن مسلم طُوسِی و...

راوی احادیث: ۶۳ ۶۶ ۶۸ ۱۰۱ ۱۲۱ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۳۲ ۱۳۳، و بی شماره پس از

شماره ۱۳۳، ۲۵۵، ۲۸۰.

عبدالغفار بن عبدالله مؤصلی

عبدالغفار بن عبدالله بن زبیر، ابونصر تَمَّار مَوْصِلِی، متوفای سال ۲۴۳ هـ. که گویا از راویان طبقه نهم باشد. «ابن حبان» وی را در الثقات، یادآور شده است.

مشایخ او: ابوشهاب حنّاط، مُعافی بن عمران، علی بن مُشهر، عبّاس بن فضل مُقْرِی، عبدالله بن عطار د طائِی مَغْرِبِی.

راویان از او: ابویعلی مؤصلی، ابراهیم بن یوسف هِسْنَجَانِی و...

راوی حدیث شماره: ۱۷۳.

۱ - به فتح تاء و ضمّ نون مُشَدَّد (تقریب التهذیب).

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۴۴، ش ۳۲۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۹، ش ۴۲۰۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۰۷.

۳ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۱، ص ۵۲، ش ۲۸۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۳۳۴، ش ۲۸۲، (وفیات ۲۴۱ - ۲۵۰ هـ).

عبدالله بن عبدالقُدّوس / خ ت

عبدالله بن عبدالقُدّوس تَمِيْمِي السَّعْدِيّ، كوفي ساكن رَيّ، از راویان طبقه نهم که «ابن حَجَر» درباره او نوشته است: صدوق رُمِي بالرَّفْض، وكان أيضاً يُخطئ. «ابن عَدِيّ» گفته است: عامّة ما يرويه في فضائل أهل البيت. از «ابن مَعِين» نقل شده که درباره او می گوید: رَافِضِيٌّ خَبِيثٌ.

تَرْمِذِيّ به روایت وی استناد و بخاری استشهاد کرده است.
مشایخ او: جابر جُعْفِيّ، أَعْمَش، عبدالملك بن عُمَيْر، لَيْث بن ابی سُلَيْم و...
راویان از او: عَبَّاد بن يعقوب رَوَاجِنِيّ، مُحَمَّد بن حُمَيْد رَازِيّ، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۶۴، و تکرار آن در شماره ۱۹۰.

عبدالله بن مُعَاذ = ابن مُعَاذ / ت ق

عبدالله بن مُعَاذ بن نَشِيْط صَنْعَانِيّ، از راویان طبقه نهم، متوفای پیش از ۱۹۰ هـ. که «ابن حَجَر» درباره او نوشته است: صدوق تحامل عليه عبدالرزاق. از ابن مَعِين، نقل شده: كان ثقة إلا أن عبدالرزاق يُكذِّبه. تَرْمِذِيّ و ابن ماجه به روایت وی، استناد کرده اند.
مشایخ او: مَعْمَر، يونس بن يزيد.

راویان از او: ابراهيم بن مُنْذِر حِزَامِيّ، ابو عُبَيْدَة بن فَضَيْل بن عِيَّاض، ابو خَيْثَمه، زُهَيْر ابن حَرْب، زُبَيْر بن بَكَّار و...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۸۳.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۵۷، ش ۴۴۳۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۸۲، ش ۳۵۲۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۳۰.
۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۰۶، ش ۴۶۱۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۹۶، ش ۳۷۲۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۵۲.

عبدالله بن نمیر^۱ همدانی / ع = ابن نمیر

عبدالله بن نمیر همدانی خاریفی، ابوهشام کوفی، از محدثان ثقه طبقه نهم، پدر حافظ بزرگ، محمد بن عبدالله بن نمیر «ابن حجر» درباره او نوشته است: ثقه، صاحب حدیث، من أهل السنة. متولد ۱۱۵ هـ. و متوفای ۱۹۹ هـ. در ۸۴ سالگی. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: موسی جهنی، اسماعیل بن ابی خالد، أعمش، یحیی بن سعید، هشام بن عروه، یزید بن ابی زیاد، عبید الله بن عمر، ثوری، ابن ابی ذئب، مالک بن مغول و...
راویان از او: پسرش: محمد؛ احمد بن حنبل، ابن معین، علی بن مدینی، ابوخیثمه، یحیی بن یحیی، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبه، ابوکریب، ابوموسی، ابومسعود رازی و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۲۳.

عبدالله بن وهب مضرّی / ع

عبدالله بن وهب بن مسلم قرشی، ابومحمد مصری الفقیه، از عالمان برجسته، ثقه، حافظ و عابد طبقه نهم، متولد ۱۲۵ هـ. و متوفای روز یکشنبه ۲۶ شعبان ۱۹۷ هـ. در ۷۲ سالگی. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.
وی در ۱۷ سالگی دنبال فراگیری علم رفت. از «احمد» نقل شده که گفته است: کان ابن وهب له عقل و دین و صلاح.
«هارون بن عبدالله زهری» گفته است: کان الناس بالمدينة یختلفون فی الشیء عن

۱ - به تصغیر (تقریب التهذیب).

۲ - الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۹۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۴، ش ۱۳۲۹؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۲۷، ش ۳۱۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۵۱۶، ش ۳۷۶۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۵۷.

مالك فينتظرون قدوم ابن وهب حتى يسأله عنه.

«يونس بن عبد الأعلى» می گوید: منصب قضا به ابن وهب پیشنهاد شد، فَجَنَّنَ نَفْسَهُ وَلَزِمَ بَيْتَهُ، فاطَّلَعَ عَلَيْهِ رِشْدِينَ بْنَ سَعْدٍ (از راویان طبقه هفتم)، وهو يتوضأ في صحن داره، فقال له: يا أبا محمد، لِمَ لا تخرج إلى الناس تقضي بينهم بكتاب الله وسنة رسول الله؟ فرجع إليه رأسه وقال: إلى هاهنا انتهى عقلك؟! أما علمت أن العلماء يُحشرون مع الأنبياء، وأن القضاة يُحشرون مع السلاطين.

مشایخ او: یونس بن یزید، ابن جُرَیج، مالک، سُفیان ثورِی، سُفیان بن عُیینه، لیث بن سعد، ابن لهیعه، هشام بن سعد و بسیاری دیگر.

راویان از او: حَزْمَلَةُ بْنُ یحیی، پسر برادرش: احمد بن عبدالرحمن بن وهب، استادش: لیث بن سعد، عبدالرحمن بن مَهْدِی، سعید بن ابی مریم، یحیی بن یحیی نیشابوری، علی بن مدینی، یونس بن عبدالأعلى، ربیع بن سلیمان مرادی، قُتیبه و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره: ۱۲، ۷۹، ۸۳، ۸۶، ۸۷

عبدالملك بن قریب = أضَمَعِي بَصْرِيّ / م د ت

عبدالملك بن قُریب بن عبدالملك بن عَلِيّ أَضَمَعٍ... ابوسعيد باهليّ، أَضَمَعِيّ، بصريّ، از راویان صدوق سنی طبقه نهم، متوفای ۲۱۶ هـ. ^۲ نزدیک ۹۰ سالگی.

مشایخ او: ابن عَوْن، سلیمان تيميّ، حَمَّادِیْن، خلیل بن احمد، مالک بن آنس، مُعْتَمِر ابن سلیمان و...

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۵۱۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۶۵، ش ۲۸۰۵؛ تهذيب الكمال، ج ۱۰، ص ۶۱۹، ش ۳۶۲۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۰۴، ش ۲۸۳؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۲۱، ش ۴۶۷۷؛ تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۵۳۰، ش ۳۷۹۳؛ تفریب التهذيب، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲ - مؤلف اخبار اصبهان سال وفات وی را ۲۱۲ هـ. نوشته است.

راویان از او: نصر بن علی جهضمی، یحیی بن معین، ابوحاتم، ابوقلابه، ابوحاتم سجستانی، پسر برادرش: عبدالرحمن بن عبدالله بن قریب، پسر بن موسی آسدی و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۳۳

عبدالوهاب بن عطاء خفاف / ع م ۴

عبدالوهاب بن عطاء خفاف، ابونصر عجللی، بصری ساکن بغداد، از راویان صدوق طبقه نهم، متوفای ۲۰۴ یا ۲۰۶ هـ.

«ابن حجر» درباره وی نوشته است: صدوق ربما أخطأ، أنكروا علیه حدیثاً^۲ فی العباس یقال دكسه عن ثور. بخاری در افعال العباد و دیگر صاحبان صحاح از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: سلیمان تیمی، حمید الطویل، خالد الحداء، جریری، ابن عون، ابن جریج، مالک، هشام بن حسان، عبدالله بن عمرو...

راویان از او: احمد، حسن بن محمد بن صباح زعفرانی، حارث بن ابی أسامه، اسحاق بن منصور کوسج، ابن معین، عمرو بن زراره نیشابوری، عباس الدوری، یحیی ابن ابی طالب و...^۳

راوی حدیث شماره: ۷۰

۱- اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۳۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۴، ش ۴۳۲۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۱.

۲- ... عن ابن عباس، قال: قال رسول الله ﷺ: اللهم اغفر للعباس وولده مغفرة ظاهرة وباطنة، لا تغادر ذنباً، اللهم اخلفه في ولده. (میزان الاعتدال).

۳- الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۳۳؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۵۳، ش ۳۲۱۷؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۳۹، ش ۳۲۱؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۸۱، ش ۵۳۲۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۵۱، ش ۴۳۸۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۸.

عَبِيدُ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَبْسِيِّ / ع

عَبِيدُ اللَّهِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَاذَامِ عَبْسِيِّ، كُوفِيٌّ، أَبُو مُحَمَّدٍ، مِنْ حَافِظَانِ ثِقَةٍ، مُقَرَّبِيٌّ وَعَابِدُ وَشِيعِيٌّ طَبَقَةُ نَهْمٍ، مَوْلِدُهُ ۱۲۸ هـ. وَمُتَوَفَاي ۲۱۳ هـ. فِي ۸۵ سَالِكِي. فِي صَحَاحِ شَشِّ گَانِهْ بِه رَوَايَتِ وَي اسْتِنَادِ شُدِه اسْت.

«ذَهَبِيٌّ» فِي تَذَكْرَةِ الْحَفَاطِ نُوْشْتِه اسْت: وَي از عالمان بزرگ شیعه است. وَ فِي مِيزَانِ الْاِعْتِدَالِ مِي نُويسد: عَبِيدُ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، شَيْخُ الْبُخَارِيِّ، ثِقَةٌ فِي نَفْسِه، لَكِنَّه شِيعِيٌّ مُتَحَرِّقٌ^۱، وَ كَانَ ذَا زُهْدٍ وَ عِبَادَةٍ وَ اِتِّقَانٍ. از «ابو مسلم بغدادی» نقل شده: تَرَكَه أَحْمَدُ لِتَشْيِعه^۲، وَ لِي «بُخَارِيٌّ» ۲۷ حَدِيثٌ از او رَوَايَتِ مِي كَنْد.

مَشَايِخِ او: هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ، اِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ، اَعْمَشُ، ثَوْرِيٌّ، اِبْنُ جُرَيْجٍ، اَوْزَاعِيٌّ، اَيْمَنُ بْنُ نَابِلٍ، شَيْبَانُ، مُوسَى بْنُ عَبِيدَةَ رَبِذِيِّ وَ بَسِيَارِي دِيگَر.

رَاوِيَانِ از او: بُوخَارِيٌّ، اَحْمَدُ بْنُ اِبْرَاهِيمَ دَوْرَقِيِّ، رَازِيٌّ، اَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ، اِسْحَاقُ، يَحْيَى، عَثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، عَبَّاسُ الدُّوْرِيِّ، دَارِمِيُّ، حَجَّاجُ بْنُ شَاعِرٍ، مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ، سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، وَ كَيْعُ بْنُ جَرَّاحٍ، اِبْرَاهِيمُ بْنُ جَوْزَجَانِيِّ، مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدِ كَاتِبِ وَاقِدِي وَ بَسِيَارِي دِيگَر.^۳

رَاوِي احَادِيثِ شَمَارَه: ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶.

۱ - فِي پاورقی آن آمده است: مَنْحَرَفٌ. وَ فِي تَهذِيبِ الْكَمَالِ، آمَدَه: كَانَ مُخْتَرِفًا شِيعِيًّا.

۲ - بِنْگَرِيدِ بَه: تَهذِيبِ التَهذِيبِ .

۳ - الطَّبَقَاتُ الْكُبْرَى، ج ۶، ص ۴۰۰؛ الطَّبَقَاتُ، ج ۱، ص ۴۰۲، ش ۱۳۲۱؛ تَذَكْرَةُ الْحَفَاطِ، ج ۱، ص

۳۵۳، ش ۳۲۳؛ مِيزَانُ الْاِعْتِدَالِ، ج ۳، ص ۱۶، ش ۵۴۰۰؛ تَهذِيبُ التَهذِيبِ، ج ۵، ص ۴۱۱، ش

۴۴۷۷؛ تَقْرِيبُ التَهذِيبِ، ج ۱، ص ۵۳۹.

عثمان بن سعید دارمی

عثمان بن سعید بن خالد سیجستانی، محدث هرات، دارای مُسند بزرگ، و صاحب تصانیفی در ردّ «جَهْمِيَّة»^۱، متولد سال ۲۰۰ هـ، و متوفای ذیحجه ۲۸۰ هـ. مشایخ او: ابوالیمان بهرانی، سعید بن ابی مریم، سلیمان بن حرب و...
راویان از او: ابو عمرو احمد بن محمد الجُمیری، محمد بن یوسف هروی، احمد بن محمد بن عبْدُوس الطرائفی، ابوالنضر محمد بن محمد الفقیه و...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۵۱.

عثمان بن عَمْر بن فارس / ع

عثمان بن عَمْر بن فارس عبْدی بصری، بُخاریّ الأصل، از محدثان ثقه طبقه نهم، متوفای دوم ربیع الأوّل سال ۲۰۹ هـ. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد جسته‌اند.
مشایخ او: ابن ابی ذئب، ابن عَوْن، هِشام بن حَسَّان، یونس بن یزید ایللی، أسامة بن زید لیبی، شُعْبَه، علی بن مبارک، صالح بن رُشتم، مالک بن آنس، و...
راویان از او: احمد، اسحاق، ابوخیثمه، عمرو بن علی، فُلّاس، بُنْدَار، ابوموسی،

۱ - پیروان «ابومُخْرِز جَهْم بن صَفْوَان» که جبری مسلک و در نفی صفات باری تعالی، با معتزله موافق بوده‌اند، از این رو در پایان روزگار حکومت بنی اُمیّه، سالم [سلم، مسلم] بن أَخُوَز مازنی، وی را در سال ۱۲۸ هـ ق در مرو کشته است. بنگرید به: شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۱۳؛ الجَهْمِيَّة؛ أصحاب جَهْم بن صَفْوَان، وهو من الجَبْرِيَّة الخالصة ظهرت بدعته بتزويد، وقتله سلم بن أَخُوَز المازني بمَرُو في آخر ملك بني أمية، ووافق المعتزلة في نفى الصفات الأزليّة، وزاد عليهم بأشياء... و نیز بنگرید به: ابن اثیر جزری، الكامل فی التاريخ، ج ۵، ص ۳۴۲.

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۲۱، ش ۶۴۸؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۷۴، ش ۶۲۸.

حجاج بن شاعر، احمد بن منصور الرمادی، ابو غسان مشععی و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۸.

علی بن جمیل

علی بن جمیل رقی، ابوالحسن متوفای سال ۲۴۷ هـ. که «ابن حبان» وی را کذاب، قلمداد می‌کند. گویا از راویان طبقه نهم است.

مشایخ او: جریر بن عبدالحمید، عیسی بن یونس، ولید بن مسلم.
راویان از او: حسین بن عبدالله بن یزید قطان، ابو عمرویه، فضل بن عبدالله بن مخلد.^۲
راوی حدیث شماره: ۲۵۰.

علی بن حجر^۳ سعیدی مروزی / خ م ت س

علی بن حجر بن ایاس... السعیدی، ابوالحسن مروزی، ساکن بغداد و سپس مرو، از محدثان ثقة و حافظ طبقه نهم، متوفای سال ۲۴۴ هـ. در حدود ۱۰۰ سالگی که در صحیح بخاری و مسلم، و سنن ترمذی و نسائی به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: پدرش، اسماعیل بن علیّه، اسماعیل بن جعفر، جریر، ابن مبارک، دراوردی، ولید بن مسلم، علی بن مشیر، بقیّه، اسماعیل بن عیّاش، هشام بن بشیر و...
راویان از او: بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی، ابوبکر بن خزیمه، عبدان بن محمد

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۲۵، ش ۱۹۲۴؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۷۸، ش ۳۷۶؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۹، ش ۵۵۲۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۵۰۴، ش ۴۶۴۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۳.

۲ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۱۷، ش ۵۸۰۰؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۰۹، ش ۵۵۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۳۵۴، ش ۳۱۷.

۳ - به ضم حاء و سکون جیم. (تقریب التهذیب).

مروزی و...^۱

راوی احادیث شماره: ۶۲، ۱۲۰.

علی بن زیاد یمامی = ابوالعلاء بن زیاد = عبدالله بن زیاد / ق

علی بن زیاد یمامی از راویان طبقه نهم که «ابن حجر» درباره او نوشته است: صوابه: ابوالعلاء بن زیاد، واسمه عبدالله و از راویان ضعیف است. ولی «ابن ابی حاتم» درباره او جرحی را یاد آور نشده و «ابن حبان» نیز وی را در الثقات نگاشته است.

در تهذیب التهذیب آمده: عن عكرمة بن عمار، عن اسحاق بن عبدالله بن أبي طلحة، عن أنس حديث: «نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ» الحديث. و عنه سعد بن عبد الحميد. و نیز نوشته است: قلت: هو أبو العلاء عبدالله بن زیاد، فلعله كان في الأصل حدثنا أبو العلاء بن زیاد، فتغيّرت، فصارت علي بن زیاد و عبدالله بن زیاد، هذا ذكره البخاري.^۲

در سنن ابن ماجه از او روایت نقل شده است.

راوی حدیث شماره: ۳۲.

علی بن عبدالعزیز بَعَوِي

علی بن عبدالعزیز بن مرزبان بن سابور، بَعَوِي، مُجاور مکه و مصنف مُسْنَد، متوفای سال ۲۸۶ هـ. که مؤلف تذکرة الحفاظ وی را از راویان حافظ و صدوق طبقه نهم می داند، و

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۵۰، ش ۴۵۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۵۹، ش ۴۸۴۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۳.

۲ - تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۶۹، ش ۴۶۵۳؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۲۴، ش ۴۳۲۶ (عبدالله ابن زیاد ابوالعلاء) و ج ۳، ص ۱۲۷، ش ۵۸۴۳ (علی بن زیاد یمامی)؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۶۸۵، ش ۴۸۷۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۷.

در میزان الاعتدال آمده است: ثقة، لکنه یطلب علی التحدیث، و یعتذر بأنه محتاج.
 مشایخ او: ابونعیم، عفان، مسلم بن ابراهیم، قعنبری، علی بن جعد و...
 راویان از او: پسر برادرش: ابوالقاسم بغوی، طبرانی، علی بن محمد بن مهران
 قزوینی، ابوعلی حامد الرقاع و...
 / راوی دعای علی رضی الله عنه: اللَّهُمَّ بُنِّسْنَا عَلَى كَلِمَةِ الْعَدْلِ وَالْهُدَى وَالصَّوَابِ، وَقَوِّمِ
 الْكِتَابَ، هَادِنِ مَهْدِيَّيْنِ، رَاضِيْنَ مَرْضِيَّيْنِ، غَيْرِ ضَالِّيْنَ وَلَا مُضِلِّيْنَ.^۱
 راوی حدیث شماره: ۱۹۹.

عمر بن سعد، ابوداؤد الحفري ۲ / م ۴

عمر بن سعد بن عبید، ابوداؤد الحفري، کوفی، نام جدش: عبید، از راویان ثقه و عابد
 طبقه نهم، متوفای ۲۰۳ هـ. صاحبان صحاح بجز بخاری به روایت وی استناد کرده‌اند.
 «عجلی» گفته است: کان رجلاً صالحاً، متعبداً، حافظاً لحدیثه ثبتاً، وکان فقیراً متعقفاً.
 مشایخ او: یاسین عجلی، ثوری، مسعر، مالک بن مغول، حفص بن غیاث، یعقوب
 قمی، ابوالأخوص، شریک، صالح بن حسان و...
 راویان از او: ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبه، احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه،
 علی مدینی، قاسم بن زکریا بن دینار، و...^۳
 راوی احادیث شماره: ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۹.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۲۲، ش ۶۴۹؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۴۳، ش ۵۸۸۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۲۷، ش ۳۶۴؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۴۱، ش ۶۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۷۲۱، ش ۴۹۱۵.

۲ - به فتح حاء و فاء، منسوب به مکانی است در کوفه (تقریب التهذیب).

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۵۷، ش ۵۰۶۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۵۶.

عمر بن عبدالله بن رزین / م د

عمر بن عبدالله بن رزین بن محمد... سلمی، ابوالعباس نیشابوری، از راویان صدوق طبقه نهم متوفای سال ۲۰۳ هـ. «ابن حجر» درباره او نوشته است: صدوق له غرائب. مشایخ او: برادرش: مبشر، ابراهیم بن طهمان خراسانی، سفیان بن حسین واسطی ابواسحاق و...

راویان از او: احمد بن یوسف سلمی، ابوالأزهر، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۵۱

عمرو بن عاصم کلابی / ع

عمرو بن عاصم بن عبیدالله بن وازع کلابی قیسی، ابوعثمان بصری، از محدثان صدوق طبقه نهم، متوفای سال ۲۱۳ هـ. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: عمران قطان، شعبه، جریر بن حازم، همام بن یحیی، جدش: عبیدالله بن وازع، حماد بن سلمه، معتیر بن سلیمان و...

راویان از او: بخاری، دارمی، ابوخیثمه، ابوداود سجزی، بئدار، ابراهیم جوزجانی و...^۲

راوی احادیث شماره: ۹۰، ۲۶۶.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۷۴، ش ۵۰۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۵۸.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۹۲، ش ۳۹۱؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۶۹، ش ۶۳۹۱؛ تهذیب

التهذیب، ج ۶، ص ۱۶۷، ش ۵۲۲۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۷۲.

فضل بن دُکَین، ابونُعَیم / ع

فضل بن دُکَین^۱ عمرو بن حمّاد بن زُهَیر، ابونُعَیم مُلَائی^۲ کوفی آخول، مشهور به کنیه «ابونُعَیم»، از محدثان ثِقّه ثَبّت طبقه نهم و از استادان بُخاری، متولد ۱۳۰ هـ. و متوفای ۲۱۸ یا ۲۱۹ هـ. در ۸۸ یا ۸۹ سالگی. در صحاح شش گانه به روایت وی استدلال شده است.

در میزان الاعتدال آمده است: فضل بن دُکَین، ابونُعَیم، حافظ حُجّه إلاّ انه یتشیّع من غیر غُلُوّ ولا سَبّ.

«ابن جنید ختلی گوید: از «ابن معین» شنیدم که می گفت: کان ابونُعَیم إذ ذکر انساناً فقال هو جَید و اثنی علیه، فهو شیعیّ، و إذا قال: فلان کان مُرجئاً، فأعلم انه صاحب سنّه لأبّاس به.

قلت: هذا قول دالّ علی أنّ یحیی کان یمیل إلى الإرجاء، وهو خیر من القدر بکثیر. در تهذیب التهذیب آمده است: «خَطِیب» در تاریخ خود، گفته است: کان ابونُعَیم مَزَاحاً ذا دُعابة، مع تدینّه وثقتّه و أمانته.

«ابوعوف الدُّوری» از «ابونُعَیم» نقل کرده است که: قال لی سُفیان مرّةً و سألته عن شیء، فقال لی: أنت لا تُبصر النُّجوم بالنَّهار، فقلت: وأنت لا تُبصرها کلّها باللیل، فضحک. مشایخ او: فطر بن خلیفه، أعمش، ایمن بن نابل، یونس بن ابی اسحاق، ثوری، مالک ابن مغول، مالک بن انس، ابن ابی ذئب، هشام دَسْتَوَائِی، همام بن یحیی، اسرائیل، مسعر ابن کدّام، ابوخیثمّه، زُهَیر بن معاویه، شییان نَحْوِی، ابن عَیْثَه و بسیاری دیگر.

راویان از او: بُخاری، ابوبکر بن ابی شیبّه، محمّد بن عبدالله بن نُمَیر، احمد بن حنبل، علی بن عبدالعزیز بَغَوِی، ابوخیثمّه، عبّاس الدُّوری، محمّد بن اسماعیل بن عَلَیّه، عثمان

۱ - «دُکَین» لقب پدرش عمرو بن حمّاد است (تقریب التهذیب).

۲ - به ضم میم (تقریب التهذیب).

ابن ابی شیبّه، یحیی بن معین و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره: ۱۴۱ تا ۱۴۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵ تا

۲۲۸.

کثیر بن یحیی بن کثیر

کثیر بن یحیی بن کثیر، ابومالک حنفی بصری، از اصحاب بصری، متوفای سال ۲۳۲ هـ. از راویان صدوق که در میزان الاعتدال درباره او نوشته است: شیعی، نهی عباس الغبری الناس عن الأخذ عنه، گویا از راویان طبقه نهم باشد.

مشایخ او: ابو عوانه، سفیان بن عیینه، ثابت بن یزید آحول، مطر بن عبدالرحمن و... راویان از او: عبدالله بن احمد بن حنبل در زیادات المسنند، ابراهیم بن هاشم بغوی، عبید الله بن نعمان منقری، هشام بن علی السدوسی، ابو حاتم رازی، ابوزرعه، و... در میزان الاعتدال، از وی نقل شده است: عن ابی عوانه، عن خالد الحذاء، عن عبدالرحمن بن ابی بكرة عن ابیه، سمعت علیاً یقول: «ولی ابوبکر و کنتُ أحقَّ الناس بالخلافة»

قلت: هذا موضوع علی ابی عوانه، ولم أعرف من حدّث به عن کثیر.^۲

راوی حدیث شماره: ۳۷

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۴۰۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۳، ش ۱۳۲۴؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۷۲، ش ۳۶۹؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۵۰، ش ۶۷۲۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، صص ۳۹۷ تا

۴۰۲، ش ۵۵۸۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۲، ص ۱۵۸، ش ۸۸۵؛ تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۳۸۷، ش

۵۵۵۲؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۱۰، ش ۶۹۵۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۷، ص ۳۰۴، ش ۳۳۱؛ لسان

المیزان، ج ۴، ص ۴۸۴، ش ۱۵۳۴.

مَبْشَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ / س

مَبْشَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَزِينِ ^۱ سُلَمِيِّ، ابوبکر شَمَنْدَرِي نیشابوری، برادر بزرگتر عُمَر، و مسعود، فرزندان عبدالله بن رزین، از راویان ثقه طبقه نهم، متوفای سال ۱۸۹ هـ. که «نسائی» به روایت وی استناد کرده است.

مشایخ او: ابراهیم بن طهمان، ابوالأشهب جعفر بن حارث نخعی، حجاج بن أُرطاة، سُفیان بن حُسین واسطی، سُفیان ثوری، محمد بن اسحاق بن یسار، هارون بن موسی نخوی.

راویان از او: بِشَرُ بْنُ حَكَمِ عَبْدِی، نواده پسر برادرش: حُسین بن منصور بن جعفر سُلَمِی، برادرش: عُمَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَزِينِ سُلَمِی نیشابوری. ^۲

راوی حدیث شماره: ۵۱.

محمد بن ابراهیم بن ابی عدی = ابن ابی عدی / ع

محمد بن ابراهیم بن ابی عدی که گاهی منسوب به جدش می‌شود، ابو عمرو بَصْرِي، از راویان ثقه و حافظ طبقه نهم، متوفای ۱۹۴ هـ. در الطبقات آمده: محمد بن ابی عدی، و نام ابی عدی، ابراهیم است. در صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: داود بن ابی هند، عَوْفُ أَعْرَابِي، سلیمان تیمی، حَمِيدُ الطَّوِيل، ابن عون، شُعْبَةُ، هِشَامُ بْنُ حَسَّان، هِشَامُ دَسْتَوَائِي، خالد الحذاء و...

راویان از او: احمد بن حنبل، بُنْدَار، یحیی بن معین، پسران ابی شیبه، قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيد،

۱ - به فتح راء و کسر زاء. (بنگرید به: تقریب التهذیب).

۲ - الجرح والتعديل، ج ۴، ق ۱، ص ۳۴۴، ش ۱۵۷۵؛ تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۴۳۲، ش ۶۳۵۹؛ تاریخ

الإسلام، ج ۱۲، ص ۳۵۳، ش ۳۰۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۳۵، ش ۶۷۲۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲،

ص ۲۲۸، ش ۹۰۵.

ابوغسانِ مِشَمَعِی و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۰۹، ۱۲۶.

محمد بن ثور صنَعَانِی = ابن ثور / د س

محمد بن ثور صنَعَانِی، ابو عبدالله عابد، از راویان ثقه طبقه نهم، متوفای سال ۱۹۰ هـ. در سن ابوداود و نسائی به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: مَعْمَر، ابن جُرَیج، عَوْفِ اَعْرَابِی، یحیی بن علاء رازی.

راویان از او: پسرش: عبدالجبار، عبدالرزاق، فضیل بن عیاض، زید بن مبارک، نُعَیم

ابن حَمَادِ مَرْوَزِی، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۲۸۱، ۲۸۳.

محمد بن جعفر هَدَلِی بَصْرِی = عُنْدَر / ع

محمد بن جعفر، مدنی، بصری، ابو عبدالله، معروف به «عُنْدَر» از راویان طبقه نهم، که «ابن حَجَر» درباره او نوشته است: ثقة، صحیح الکتاب إلا أن فیهِ غفلة. متوفای سال ۱۹۳ یا ۱۹۴ هـ. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد کرده اند.

در تهذیب التهذیب از «یحیی بن معین» نقل شده است: اشتری عُنْدَر سَمَكًا وَقَالَ لِأَهْلِهِ: أَصْلِحُوهُ، وَنَامَ؛ فَأَكَلُوا السَّمَكَ وَلَطَّخُوا يَدَهُ، فَلَمَّا اتَّبَعَهُ قَالَ: هَاتُوا السَّمَكَ، فَقَالُوا: قَدْ أَكَلْتُ، قَالَ: لَا، قَالُوا: فَسَمَّ يَدَكَ، ففَعَلَ، فَقَالَ: صَدَقْتُمْ وَلَكِنِّي مَا شَبِعْتُ.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۴، ش ۱۹۱۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۲۴، ش ۳۰۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۱۲، ش ۵۸۹۸؛ تفریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲ - الطبقات، ج ۲، ص ۷۳۹، ش ۲۶۷۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۷۹، ش ۵۹۸۸؛ تفریب التهذیب، ج

۲، ص ۱۴۹.

۳ - به ضمّ غین، سکون نون و فتح دال.

ولی در میزان الاعتدال آمده که «عُنْدَر» داستان ماهی را انکار کرد و گفت: أما كان يدلني بطني.

مشایخ او: شُعْبَه، عَوْفُ أَعْرَابِيٍّ، مَعْمَرُ بْنُ رَاشِدٍ، حُسَيْنُ الْمُعَلَّمِ، ابْنُ جُرَيْجٍ، هِشَامُ بْنُ حَسَّانٍ، ثَوْرِيٌّ، ابْنُ عُيَيْثَةَ وَ...

راویان از او: احمد بن حنبل، بُنْدَار، عَلِيُّ بْنُ مَدِينَةَ، اسحاق بن راهویه، يحيى بن معين، ابو خيثمه، ابوبكر و عثمان پسران ابی شیبته، محمد بن أبان و...^۱
راوی احادیث شماره: ۳۹، ۹۱، ۱۰۴.

محمد بن حماد طهرانی^۲ / ق

محمد بن حماد طهرانی، ابو عبدالله رازی، عبد صالح، ساکن عسقلان، از محدثان ثقه و حافظ طبقه نهم، متوفای ربیع الآخر سال ۲۷۱ هـ. در عسقلان، در سنّ بیش از ۸۰ سالگی. ابن ماجه به روایت وی استناد جسته است. «ابن ابی حاتم» گفته است: با پدرم از او در «رزی»، «بغداد» و «اسکندریه» حدیث شنیدم، او صدوق و ثقه است.

«محمد بن یعقوب قرجی» می گفت: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ وَإِسْحَاقَ وَ تِلْكَ الطَّبَقَةِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى ابْنِ الطَّهْرَانِيِّ.

مشایخ او: عبدالرزاق بن همام، عبیدالله بن موسی، یعلی بن عبید، ابوعلی حنفی، ابو عاصم النبیل ضحاک بن مخلد، عَفَّان، اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی، مکئی بن

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۴، ش ۱۹۲۰؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۰۰، ش ۲۸۱؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۰۲، ش ۷۳۲۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، صص ۸۷ تا ۸۹، ش ۶۰۰۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲ - به کسر طاء و سکون هاء (تقریب التهذیب) و در پاورقی آن آمده: الطهرانی: ينسب إلى طهران: قرية على باب اصبهان، كما في اللباب. در پاورقی میزان الاعتدال آمده: الضبط في خ، و اللباب، والتقريب، وفي س: الطهراني، بالطاء (میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۶۰).

ابراهیم و...

راویان از او: ابن ماجه در سنن، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن ابی ثابت، عبدالرحمن بن ابی حاتم، ابن ابی الدُّنیا، ابوعلی اسماعیل بن حسن عَشْقَلَانِی و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲۲۰.

محمد بن خازم، ابومعاویه ضرپر / ع

محمد بن خازم تمیمی سعیدی، ابومعاویه ضرپر کوفی که در کودکی (۴ یا ۸ سالگی) نابینا شد. از محدثان ثقه، حافظ و ثبت طبقة نهم، متوفای ۱۹۵ هـ. در ۸۲ سالگی و صاحبان صحاح شش گانه از او روایت نقل کرده اند.
وی مریمی به ارجاء است و حتی «آجری» از «ابوداود» نقل کرده که رئیس مذهب مُرَجَّئَه در کوفه بود.

«ابن حبان» در الثقات نوشته است: کان حافظاً مُتَقِناً وَلَكِنَّه كان مُرَجَّئاً خَبِيثاً. در میزان الاعتدال آمده است: وقد اشتهر عنه الغلوّ أي التشييع.

مشایخ او: اعمش، داود بن ابی هند، هشام بن عروه، لیث بن ابی سالم، ابواسحاق شیبانی، اسماعیل بن ابی خالد، عاصم الأخول، حجاج بن أرطاة، مالک بن مغول، هشام ابن حسان و بسیاری دیگر.

راویان از او: احمد بن حنبل، ابن معین، ابوخیثمه، ابن جریر، یحیی القطان، ابوالولید طیبی، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبه، علی بن عبدالله مدینی، یحیی بن نیشابوری، ابوکریب، محمد بن عبدالله بن نمیر، قتیبة بن سعید و بسیاری دیگر.^۲

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۱۰، ش ۶۳۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۲۷، ش ۷۴۴۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۴۴۲، ش ۵۵۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۱۱۵، ش ۶۰۴۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۵۵.
۲ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۹۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۹، ش ۱۳۰۴؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰۰.

راوی احادیث شماره: ۸۰، ۹۹، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵.

محمد بن غالب تفتام

ابوجعفر محمد بن غالب بن حرب ضَبِّي بصری تَمَار، ساکن بغداد که «ذهبی» وی را از اصحاب شعبه و ثوری، و از حافظان طبقة نهم، متولد سال ۱۹۳ هـ. متوفای رمضان سال ۲۸۳ هـ. معرفی کرده، و «ابن حبان» او را در الثقات یاد آور شده است.

مشایخ او: ابونعیم فضل بن دُکَین، مُسلم بن ابراهیم، عَفَّان بن مُسلم، عبدالله بن مَسْلَمَه قَعْنَبِي، عبدالصمد بن نُعمان، ابو حذیفه.

راویان از او: ابوجعفر بن البختری، اسماعیل صفار، عثمان بن السمّاک، ابوسهل بن زیاد قَطَّان، ابوبکر شافعی و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۵۳.

محمد بن فضیل بن عَزْوَان ۲ / ع

محمد بن فضیل بن عَزْوَان بن جَرِير ضَبِّي، ابو عبدالرحمن کوفی، از محدثان صدوق، عارف و مرمی به تشیع طبقة نهم، متوفای ۱۹۵ هـ. که صاحب چندین کتاب است و در صحاح شش گانه از او روایت نقل شده است.

دیدگاه برخی از عالمان رجالی درباره او بدین گونه است:

→ ۲۹۴، ش ۲۷۴؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۵۷۵، ش ۱۰۶۱۸ و ج ۳، ص ۵۳۳، ش ۷۴۶۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۱۲۷، ش ۶۰۵۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۵۷.

۱ - تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۴۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۱۵، ش ۶۴۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۸۳، ش ۴۹۱؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۳۷، ش ۱۱۱۵؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۷۰، ش ۶۱۹؛ و نیز بنگرید: الجرح والتعديل، الثقات، تاریخ جرجان و...

۲ - به فتح غین و سکون زاء (تقریب التهذیب).

«ابن معین»: وی ثقة است. «احمد»: حسن الحدیث شیعی. «ابن حبان» در الثقات: کان یغلو فی التشیع. «ابوداود»: کان شیعیاً مُحْتَرِفاً. «علی بن مدینی»: کان ثقةً، ثبتاً فی الحدیث. مشایخ او: پدرش، اسماعیل بن ابی خالد، عاصم آحول، ابواسحاق شیبانی، هشام ابن عروہ، یحیی بن سعید انصاری، اعمش، ابو حیان تیمی و بسیاری دیگر.

راویان از او: احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویث، ثوری، ابو خنیسه، قتیبه، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبه، ابوکریب، ابوهشام رفاعی، واصل بن عبدالاعلی، محمد بن عبدالله بن نمیر، حسن بن عرقه و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره: ۲۰۶، ۲۲۴.

مُسلِم بن حَجَّاج نیشابوری / ت

مُسلِم بن حَجَّاج بن مُسلِم قُشَیری، ابوالحُسن نیشابوری، محدث ثقة، حافظ، صاحب تصانیف چون صحیح مسلم، متولد ۲۰۶ هـ و متوفای ۲۶۱ هـ. که در تذکره الحُفَّاظ وی را در طبقه نهم یاد آور شده و ترمذی به روایت وی استناد جسته است.

مشایخ او: یحیی بن یحیی نیشابوری، قُعبی، احمد بن یونس یربوعی، اسماعیل بن ابی اویس، سعید بن منصور، احمد بن حنبل، شیبان بن فروخ و بسیاری دیگر.

راویان از او: ابوعوانه اشقرانی، ترمذی، ابراهیم بن ابی طالب، ابن خزیمه، محمد ابن مخلد عطار، ابومحمد بن ابی حاتم رازی و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۴، ۱۵، ۴۰ تا ۴۲، ۵۴، ۶۲، ۶۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۸۸، ۲۶۱.

۱ - بنگرید به: تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۱۵۵؛ تذکره الحُفَّاظ، ج ۱، ص ۳۱۵، ش ۲۹۴؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۹، ش ۸۰۶۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۳، ص ۱۶۴، ش ۸۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۸۰، ش ۶۴۸۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲ - تذکره الحُفَّاظ، ج ۲، ص ۵۸۸، ش ۶۱۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۱۵۰، ش ۶۸۹۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۴۵.

مُعَاذُ بِنِ هِشَامِ دَسْتَوَائِيّ ١ / ع

مُعَاذُ بِنِ هِشَامِ بِنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَنَبَرِ دَسْتَوَائِيّ بَصْرِيّ، سَاكِنُ يَمَنَ، از محدّثان صدوق طبقه نهم، متوفای سال ۲۰۰ هـ. در صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد شده است.
مشایخ او: پدرش: هِشَامُ دَسْتَوَائِيّ، ابنِ عَوْنِ، شُعْبَةُ، أَشْعَثُ بِنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، يَحْيَى بِنِ عَلَاءِ رَازِيّ و...

راویان از او: ابوغَسَّانُ مِسْمَعِيّ، احمد، اسحاق، ابنِ مَدِينِيّ، ابنِ مَعِينِ، بُنْدَارُ، فَلَاسُ، عَفَّانُ، ابُو خَيْثَمَةَ، ابُو قُدَامَةَ سَرْحَسِيّ و...^۲
راوی احادیث شماره ۵: ۱۸۸، ۲۵۴.

مَعَاوِيَةُ بِنِ هِشَامِ قَصَّارٍ / بَخ م ۲

مَعَاوِيَةُ بِنِ هِشَامِ قَصَّارِ أَرْدِيّ، ابُو الْحَسَنِ كُوفِيّ، مَوْلَى بَنِي أَسَدٍ، از راویان طبقه نهم که «ابن حَجَر» نوشته است: صدوق له أوهام. متوفای ۲۰۴ هـ. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه و نیز بخاری در الأدب المفرد از او روایت نقل کرده‌اند.
مشایخ او: عَلِيّ بِنِ صَالِحٍ، سُفْيَانُ ثَوْرِيّ، شَيْبَانُ نَخْوِيّ، مَالِكُ بِنِ أَنَسٍ، هِشَامُ بِنِ سَعْدٍ، حَمَزَةُ بِنِ حَبِيبِ الزِّيَّاتِ، شَرِيكٌ و...
راویان از او: ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبّه، احمد، اسحاق، ابوکرئیب، و...^۳
راوی حدیث شماره ۵: ۲۰۵.

۱ - به فتح دال و سکون سین و فتح تاء (تقریب التهذیب در ضمن نام هشام).

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۲۵، ش ۳۰۷؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۳۳، ۸۶۱۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۳۰، ش ۷۰۲۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۵۷.

۳ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۳۸، ش ۸۶۳۴؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۷۲۳، ش ۴۸۷۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۵۲، ش ۷۰۴۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۶۱.

مُعْتَمِر بن سلیمان تیمی / ع

مُعْتَمِر بن سلیمان بن طَرْخَانِ تَمِیِّی، ابو محمد بَصْرِی، مُلقَّب به الطُّفَیْل، محدِّث بصره از راویان ثقه طبقه نهم، متولد ۱۰۶ هـ. و متوفای سال ۱۸۷ هـ. در ۸۱ سالگی. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: پدرش، عبدالملک بن عُمَیر، منصور بن مُعْتَمِر، ایوب سَخْتِیَانِی، داود بن ابی هند، اسماعیل بن ابی خالد، خالد الحَدَّاء، اَیْمَن بن نَابِل، هِشَام بن حِطَّان و...
راویان از او: احمد بن حَنْبَل، اسحاق، خلیفه بن خَیَّاط، ابن مبارک، یحیی بن یحیی نیشابوری، قَعْنَبِی، ابو کَرِیْب و...^۱

راوی احادیث شماره: ۷۸، ۸۴

موسی بن اسماعیل مَنقَرِی^۲، ابوسلمه تَبُوذَکِی^۳ / ع

موسی بن اسماعیل مَنقَرِی، ابوسلمه تَبُوذَکِی بَصْرِی، مشهور به نام و کنیه، از راویان ثقه و ثبت طبقه نهم، متوفای ماه رجب سال ۲۲۳ هـ. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد کرده‌اند.

در میزان الاعتدال آمده: تکلّموا فیه بانه ثقة ثبت یا رافضی. «ابن حَجَر» نوشته است: ولا التفات إلى قول ابن خراش: تکلّم الناس فیه.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۱، ش ۱۹۰۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۶۶، ش ۳۵۱؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۴۲، ش ۸۶۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۶۳، ش ۷۰۶۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲ و ۳ - «مَنقَرِی»، به کسر میم، و سکون نون و فتح قاف. «تَبُوذَکِی»، به فتح تاء، ضم باء سکون واو و فتح ذال. درباره نام گذاری او به «تَبُوذَکِی» در «تذکرة الحفاظ» آمده: چون خانه ای در تَبُوذَک، خریده بود و یا قومی از تَبُوذَک بر خانه او وارد شده بودند. در الطبقات آمده: هو رجل من أهل رام هُرْمُز، من قرية يقال لها: تَبُوذَک فنسب إليها فقیل: تَبُوذَکِی.

مشایخ او: وهیب بن خالد، شعبه، حماد بن سلمه، جریر بن حازم، یزید بن ابی ابراهیم
 شترى، ابان عطار، همام بن یحیی، عبدالوارث بن سعید، ابو عوانه و بسیاری دیگر.
 راویان از او: ابوداود، ابوحاتم، ذهللی، بخاری، یحیی بن معین، احمد بن ابی حنیفه،
 ابوزرعه، ابوالأخوص عکبری، محمد بن غالب تمتاز و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۴۴.

موسی بن داود ضبّی / م د س ق

موسی بن داود ضبّی، ابو عبدالله طرسوسی خُلُقانی^۲، کوفی الأصل، ساکن بغداد،
 قاضی طرسوس، و مُصَنَّف، از راویان صدوق، فقیه و زاهد طبقه نهم، متوفای سال ۲۱۷
 هـ. «ابن حجر» درباره او نوشته است: صدوق، فقیه، زاهد، له أوهام. مسلم، ابوداود،
 نسائی و ابن ماجه به روایت وی استناد نموده‌اند.
 «ابن سعد» نوشته است: وی عهده‌دار منصب قضا در طرسوس بود تا در همانجا
 درگذشت.

مشایخ او: شعبه، سفیان، جریر بن حازم، مالک، لیث، ابوالأخوص، یزید بن ابراهیم
 شترى، حماد بن سلمه و...
 راویان از او: احمد بن حنبل، ذهللی، عباس الدوری، بشر بن موسی، علی بن مدینی،
 حجاج بن شاعر، ابوموسی، ابوالأخوص عکبری، عیسی بن یونس طرسوسی و...^۳
 راوی حدیث شماره: ۵۵.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۰۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۵۷۵، ش ۱۹۵۲؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص
 ۳۹۴، ش ۳۹۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۰۰، ش ۸۸۴۷؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۷۳۳، ش ۴۹۵۵؛
 تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۳۸۷، ش ۷۲۲۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۰.
 ۲ - به ضم خاء و سکون لام (تقریب التهذیب).
 ۳ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۷۸، ش ۳۷۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۰۴، ش ۸۸۶۰؛ تهذیب التهذیب،
 ج ۸، ص ۳۹۶، ش ۷۲۴۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۲.

موسی بن محمد بَلْقَاوِيّ

موسی بن محمد بن عطاء بن طاهر بَلْقَاوِيّ مَقْدِسِيّ، که گویا از راویان طبقه نهم باشد، دیدگاه برخی از رجال شناسان درباره وی بدین شرح است: «نَسَائِيّ» می گوید: لیس بثقة. «ابوزُرْعَه» او را رَمِيّی به کِذْب می کند. و «دَارَقُطْنِيّ» می گوید: مَتْرُوك.

مشایخ او: مالک، شَرِيْكَ، عَطَّاف بن خالد، ابوالمليح، وليد بن محمد المَوْقَرِيّ، حُجْر ابن حارث، هَيْثَم بن حُمَيْد.

راویان از او: ربيع بن محمد لاَذِقِيّ، احمد بن خُلَيْد حَلَبِيّ، بكر بن سهل الدُّمِيَّاطِيّ، عثمان بن سعيد دارميّ، ابوالأخوص عُكْبَرِيّ^۱ و...

راوی حدیث شماره: ۷۵.

نَضْر بن شَمِيْل مَازِنِيّ / ع

نَضْر بن شَمِيْل بن ... مَازِن بن عمرو بن تميم، ابوالحسن نَحْوِيّ بَصْرِيّ، ساكن مَرُو، از عالمان در نحو و حدیث و از راویان ثقه و ثبّت طبقه نهم که در سال ۱۲۲ هـ. در مَرُو به دنیا آمد و در سال ۲۰۴ هـ. در ۸۲ سالگی از دنیا رفت.

آن گونه که در تذکرة الحُفَظ آمده در ۵ یا ۶ سالگی با پدرش در فتنه خروج ابومسلم (سال ۱۲۸ هـ.) از مَرُو خارج و در بصره ساکن شد.

او با منصب قضا به مَرُو برگشت و نخستین شخصی است که احکام اسلامی را در مَرُو و خراسان رواج داد، وی دارای کتابهای زیادی است. صاحبان صحاح به روایت وی استناد جسته اند.

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۴، ق ۱، ص ۱۶۱، ش ۷۱۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۱۹، ش

۸۹۱۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۶، ص ۴۱۹، ش ۴۴۰؛ (وفیات ۲۲۱ - ۲۳۰ هـ.)؛ لسان المیزان، ج ۶، ص

۱۲۷، ش ۴۴۲.

مشایخ او: هشام بن عروه، حمید الطویل، اسماعیل بن ابی خالد بن عون، هشام بن حسان، ابن جریر، شعبه، حماد بن سلمه، خلیل بن احمد نحوی، یونس بن ابی اسحاق و...
 راویان از او: سعید بن مسعود مروزی، اسحاق بن راهویه، یحیی بن یحیی نیشابوری، یحیی بن معین، علی بن مدینی، احمد بن سعید دارمی ابوقدامة سرخسی، و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۱۱۲.

وکیع بن جراح / ع

وکیع بن جراح بن ملیح رؤاسی، ابوسفیان کوفی، محدث عراق، از راویان ثقه، حافظ برجسته و عابد طبقه نهم، که در روز عاشورای سال ۱۹۷ هـ. در بازگشت از سفر حج در ۷۰ سالگی درگذشت. صاحبان صحاح به روایت وی استناد جسته‌اند.
 گفته شده که وی نیشابوری الأصل بوده و نیز به روایتی متولد یکی از آبادیهای اصفهان است.^۲

«هارون الرشید» از او خواست عهده‌دار منصب قضا در کوفه شود، ولی او نپذیرفت. از «احمد بن حنبل» پرسیده شد، در نزد تو وکیع محبوب‌تر است یا یحیی بن سعید؟ پاسخ داد: وکیع. برای اینکه وکیع با «حفص بن غیاث» دوست بود، و همین که حفص، قاضی شد، وکیع از او کناره گرفت، ولی یحیی بن سعید که با «معاذ بن معاذ» دوست بوده پس از قاضی شدن معاذ، از او کناره نگرفت.
 درباره وی نقل شده که: یصوم الدهر، و یختم القرآن کلّ لیلته. «یحیی بن معین» گفته است: وکیع فی زمانه کالأوزاعی فی زمانه.

۱ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۳۷۳؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۳۷، ش ۳۱۴۵؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۱۴، ش ۲۹۳؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۵۸، ش ۹۰۶۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۵۰۲، ش ۷۴۱۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۱.
 ۲ - بنگرید به: تهذیب الکمال، ج ۱۹، ص ۳۹۱، ش ۷۲۸۹.

«ذهبی» در میزان الاعتدال از «ابن مدینی» نقل می‌کند: وَكَيْعُ كَانِ فِيهِ تَشْيِيعٌ قَلِيلٌ. در تهذیب التهذیب از «ابن معین» نقل شده است: رأيت عند مروان بن معاوية لَوْحاً مكتوب فيه أسماء شيوخ فلان كذا و فلان كذا، و وَكَيْعُ رَافِضِيٍّ.

«سعید بن منصور» گفت: قَدِمَ وَكَيْعُ مَكَّةَ وَكَانَ سَمِيناً فَقَالَ لَهُ الْفَضِيلُ بْنُ عِيَّاضٍ: مَا هَذَا السَّمْنُ وَأَنْتَ رَاهِبُ الْعِرَاقِ؟! قَالَ: هَذَا مِنْ قَرَحِي بِالْإِسْلَامِ، فَأَفْحَمَهُ.

مشایخ او: پدرش، هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ، أَعْمَشُ، إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ، ابْنُ عَوْنٍ، ابْنُ جَرِيحٍ، سُفْيَانُ ثَوْرِيٌّ، أَوْزَاعِيُّ، جَعْفَرُ بْنُ بُرْقَانَ، شُعْبَةُ، فَضَيْلُ بْنُ غَزْوَانَ، مَالِكُ بْنُ مِغْوَلٍ، ابْنُ أَبِي ذُئْبٍ، هِشَامُ دَسْتَوَائِيٌّ، حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، فَضَيْلُ بْنُ مَرْزُوقٍ، سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ تَوْخِيٍّ وَبِضَائِرٍ دِيْغَرٍ.

راویان از او: احمد، ابن مدینی، ابن مبارک، یحیی بن معین، پسران ابی شیبه، ابوکریب، عبدالرحمن بن مهدی، ابوخیثمه، حمیدی، قعنی، یحیی بن یحیی نیشابوری و بسیاری دیگر.^۱

راوی حدیث شماره: ۳۸.

وَهْبُ بْنُ جَرِيرٍ / ع

وَهْبُ بْنُ جَرِيرِ بْنِ حَازِمِ بْنِ زَيْدٍ - ابوالعباس^۲ آزدی بصری، از محدثان و راویان ثقه طبقه نهم، متوفای ۲۰۶ هـ. در صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: پدرش، هِشَامُ دَسْتَوَائِيٌّ، هِشَامُ بْنُ حَسَّانٍ، عِكْرِمَةُ بْنُ عَمَّارٍ، ابْنُ عَوْنٍ، قُرَّةُ ابْنُ خَالِدٍ، شُعْبَةُ، حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ وَ...

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۹۴؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۰، ش ۱۳۰۸؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۰۶، ش ۲۸۴؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۳۵، ش ۹۳۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، صص ۱۳۹ تا

۱۴۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲ - در «تقریب التهذیب» آمده: ابوعبدالله.

راویان از او: احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، علی مدینی، ابوخیثمه، یحیی بن معین، محمد بن رافع، ابوقدامة سرخسی، نصر بن علی جهضمی، بُندارو...^۱
راوی احادیث شماره: ۲۵۶، ۲۵۹.

هارون بن مغیره بجلی^۲ / د ت

هارون بن مغیره بن حکیم بجلی، ابوحمزه مروزی یا رازی، از راویان ثقه طبقة نهم، «آجرى» از «ابوداود» نقل می کند: لیس به بأس، هو من الشیعة.
مشایخ او: عمرو بن ابی قیس ملائی، عبّسة بن سعید قاضی ری، حجاج بن أرطاة، ثوری و...

راویان از او: پسرش: ابراهیم؛ محمد بن حمید رازی، ابن مبارک، یحیی بن معین و...^۳
راوی احادیث شماره: ۱۹۸، ۲۳۲.

هاشم بن قاسم لیثی، ابوالنضر / ع

هاشم بن قاسم بن مسلم بن مقسم لیثی، ابوالنضر بغدادی، خراسانی الأصل، مُلقب به قیصر، محدث بغداد، از راویان ثقه و ثبت طبقة نهم، متولد ۱۳۴ هـ. و متوفای ماه ذیقعده سال ۲۰۷ هـ. در ۷۳ سالگی. صاحبان صحاح به روایت وی استناد جسته اند.
«احمد بن حنبل» گفته است: کان من الأمرین بالمعروف والنّاهین عن المنکر. و

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۵۷۲، ش ۱۹۳۶؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۳۶، ش ۳۱۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۵۰، ش ۹۴۲۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۷۷، ش ۷۷۵۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲ - به فتح باء و جیم (تقریب التهذیب).

۳ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۸۷، ش ۹۱۷۳؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۷۴۷، ش ۵۰۷۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۴، ش ۷۵۲۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱۳.

«عِجْلِيٌّ» گفته است: مردم بغداد به او افتخار می کردند.

مشایخ او: ابن ابی ذئب، شُعْبَةُ، عِكْرِمَةُ بن عَمَّار، حَرِيز بن عثمان، زُهَيْر بن معاویه، سُفْيَان، لَيْث و...

راویان از او: پسر یا نوه اش: ابوبکر بن ابی النَّضْرِ، احمد بن حَنْبَل، اسحاق بن راهویه، عَلِيُّ بن مَدِينِيٌّ، يحيى بن مَعِين، عَبَّاس الدُّورِيٌّ، ابوبکر بن ابی شَيْبَةَ، ابو خَيْثَمَةَ، حجاج بن شاعر، ابومسعود رازی، حارث بن ابی أسامة و...^۱

راوی احادیث شماره: ۲، ۲۶، ۱۰۵، ۱۰۸.

هُدْبَةُ^۲ بن خالد / خ م د

هُدْبَةُ بن خالد بن أشود بن... قَيْسِي ثَوْبَانِيٌّ، ابو خالد بَصْرِيٌّ، مُلقَّب به هَدَّاب^۳ (هداب ابن خالد)، محدث بصره، از راویان ثقه و عابد طبقه نهم، متوفای ۲۳۵ تا ۲۳۹ هـ. که بخاری، مسلم، ابوداود در صحیح و سنن از او روایت نقل کرده اند.

وی در هنگام وفات «شُعْبَةُ» حضور داشت و بر جنازه او نماز خواند.

«عَبْدَانِ أَهْوَازِيٌّ» گفته است: به خاطر طولانی بودن نماز هُدْبَةُ، پشت سر او نماز

نمی خواندیم. در سجود نماز، سی و چند بار، ذکر تسبیح داشت.

مشایخ او: حمَّاد بن، جریر بن خازم، أبان بن یزید عَطَّار، برادرش: أُمِّيَّة بن خالد،

هَمَّام بن يحيى و...

راویان از او: مسلم، بخاری، ابوداود، ابوحاتم، حارث بن ابی أسامة، بَزَّار، عَبْدَان

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۳۵؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۵۴، ش ۳۲۲۰؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص

۳۵۹، ش ۳۵۰؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۹۰، ش ۹۱۸۸؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۲۱، ش

۷۵۳۶؛ تفریب التهذيب، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲ و ۳ - «هُدْبَةُ» به ضمّ هاء و سکون دال، «هَدَّاب» به فتح هاء و تشدید دال (تفریب التهذيب).

أهوازي، بَغَوِيّ و...^۱

راوی احادیث شماره: ۴۱ و پس از شماره ۴۶.

هُوَذَةُ بْنُ خَلِيفَةَ / ق

هُوَذَةُ بْنُ خَلِيفَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ ثَقَفِيّ، بَكْرَاوِيّ، ابوالأشهب بَصْرِيّ، أصمّ، ساكن بغداد، از راویان صدوق طبقه نهم، متوفای ۲۱۶ هـ. در بیش از ۹۰ سالگی. در سنّ ابن ماجه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: عَوْفُ أَعْرَابِيّ، سُلَيْمَانُ تَيْمِيّ، عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَوْنٍ، ابْنُ جُرَيْجٍ، هِشَامُ بْنُ حَسَّانٍ، يُونُسُ بْنُ عُبَيْدٍ، ابُو حَنِيْفَةَ و...

راویان از او: پسرش: عَبْدُ الْمَلِكِ؛ پسر بن مُوسَى، حَارِثُ بْنُ أَبِي أَسَامَةَ، أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ، أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ابْنُ سَعْدٍ، يَعْقُوبُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ دَوْزَقِيّ، ابُو حَاتِمٍ، عَبَّاسُ الدُّورِيّ و...^۲

راوی احادیث شماره: ۱۰۹، ۱۱۱.

يَحْيَى بْنُ سَعِيدِ بْنِ فَرُّوخٍ^۳ = يَحْيَى قَطَّانٍ / ع

يَحْيَى بْنُ سَعِيدِ بْنِ فَرُّوخِ قَطَّانِ تَمِيمِيّ، ابوسعيد بَصْرِيّ، محدث زمان خویش، از عالمان برجسته و راوی ثقة، متقن و حافظ طبقه نهم، متولد ۱۲۰ هـ. و متوفای سال

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۰۱؛ الطبقات، ج ۲، ص ۵۷۷، ش ۱۹۶۴؛ تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۶۵، ش ۴۷۶؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۹۴، ش ۹۲۱۲؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۲۸، ش ۷۵۲۹؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲ - بنگريد به: میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۱۱، ش ۹۲۵۷؛ تاريخ الإسلام، ج ۱۵، ص ۴۳۳، ش ۴۳۵ (وفيات ۲۱۱ - ۲۲۰ هـ)؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۸۳، ش ۷۶۰۷؛ تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳ - به فتح فاء و ضمّ راه مُشَدَّد و سکون واو (تقريب التهذيب).

۱۹۸ هـ. در ۷۸ سالگی. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استدلال کرده‌اند.
 «إسحاق بن ابراهیم بن حبیب الشَّهيدی» گفته است: كُنْتُ أرى يحيى القطان يُصلي
 العصر، ثمَّ يستندُ إلى أصل منارة مسجده، فيقفُ بين يديه عليّ بن المديني وأحمد بن حنبل،
 ويحيى بن معين، والشاذكوني، وعمرو بن عليّ، يسألونه عن الحديث وهم قيامٌ هيبَةً له.
 نوهُ او: «أحمد بن محمد بن يحيى» می‌گوید: لم يكن جدِّي يمزح ولا يضحك إلا
 تَبَسُّماً.

«ساجی» از «علی بن مدینی» نقل می‌کند: ما رأيتُ أعلمَ بالرجال من يحيى القطان،
 ولا رأيتُ أعلمَ بصواب الحديث والخطأ من ابن مَهديّ.

«ابن معین» گفته است: يحيى قطان، ۲۰ سال، هر شب ختم قرآن داشت.
 «محمد بن ابی صفوان» می‌گوید: كانت نفقة يحيى القطان من غلته حنطة وشعير وتمر.
 «ابوقدامة سرخسی» گوید: از يحيى بن سعيد شنيدم، می‌گفت: كلٌّ من أدركتُ
 يقولون: الإيمان قولٌ وعملٌ و...

مشايخ او: عَوْفُ أعرابيّ، سُفيان ثوريّ، سُفيان بن عُيينه، جعفر بن محمد بن عليّ بن
 الحسين، سليمان تميميّ، حُميد الطويل، هشام بن عروّه، يحيى بن سعيد انصاريّ،
 أعشى، عكرمة بن عمار، ابن جريج، أوزاعيّ، مالك، شعبه و بسیاری دیگر.

راویان از او: پسرش: محمد بن يحيى بن سعيد، نوه‌اش: احمد بن محمد؛ مُسَدَّد،
 احمد، ابوخیثمه، علی بن مدینی، يحيى بن معين، استادانش: شعبه و سُفيانين، ابوبکر بن
 ابی شيبه، عبدالرحمن بن مهديّ، مُعتمر بن سليمان، ابوقدامة سرخسی و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۵.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۲۹۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۵۴۲، ش ۱۹۰۹؛ تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص
 ۲۹۸، ش ۲۸۰؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۸۰، ش ۹۵۲۲؛ تهذيب التهذيب، ج ۹، صص ۲۳۴ تا
 ۲۳۷، ش ۷۸۳۶؛ تفریب التهذيب، ج ۲، ص ۳۴۸.

یَحْیٰی بن یَمَان عِجَلِیّ / بخ م ۴

یحیی بن یمان عِجَلِیّ، ابوزکریّا، کوفیّ، از راویان و حافظان صدوق و کثیرالخطاء طبقه نهم، متوفای سال ۱۸۹ هـ. که پس از فلج شدن در پایان عمر دچار دگرگونی شد. وی از اصحاب ثوریّ بود، و کان فقیراً صبوراً.

مسلم، ابوداود، ترمذیّ، نسائیّ، ابن ماجه در صحیح و سنن، و بخاریّ در الأدب المفرد از او روایت نقل کرده‌اند.

«ابن ابی شیبّه» گفته است: کان سریع الحفظ، سریع النسیان، به گونه‌ای که در یک مجلس، ۵۰۰ حدیث را از بر می‌کرد و سپس فراموش می‌کرد.

وی از آنس روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «کاد الحسدُ أن یغلبَ القدر، وکاد الفقرُ أن یكونَ کفراً».

مشایخ او: پدرش، سُفیان ثوریّ، هشام بن عروّه، اسماعیل بن ابی خالد، مِثَال بن خَلِیفه، أَعْمَش، مَعْمَر، حَمَزَة الزَّیَّات و...

راویان از او: پسرش: داود، پسر بن حارث، ابوکریب، پسران ابی شیبّه، یحیی بن معین، عمرو بن الناقد، ابوهشام رفاعیّ، محمد بن عبدالله بن نمیر و...

راوی احادیث شماره ۵: ۱۹۴، ۲۰۳.

یَزِید بن هَارُون بن زاذان / ع

یزید بن هارون بن زاذان بن ثابت سلمیّ، ابو خالد واسطیّ، بخاریّ الأصل، از عالمان نامدار و از راویان ثقه، حافظ، متقن و عابد طبقه نهم، متولد ۱۱۷ یا ۱۱۸ هـ. و متوفای

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۹۱؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۳، ش ۱۳۲۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص

۲۸۶، ش ۲۶۵؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۱۶، ش ۹۶۶۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۳۲۱، ش

۷۹۵۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۶۱.

۵۲۰۶ هـ، نزدیک به ۹۰ سالگی. در صحاح شش‌گانه به روایت وی استناد شده است. او و «هشیم» در طول دادن نماز معروف بودند. از «عاصم بن علی» نقل شده که: کان یزید یقوم اللیل ویصلی الصبح بوضوء العتمة (ثلث اول شب، هنگام نماز عشاء) نیفاً و أربعین سنة. وی در پایان عمر، نابینا شد.

مشایخ او: عاصم آخول، یحیی بن سعید انصاری، سلیمان تیمی، سعید جریری، داود بن ابی هند، ابن عون، حمید الطویل، اسماعیل بن ابی خالد، هشام بن حسان، شعبه، ثوری، سلیمان بن کثیر، هشام دستوائی، هشیم و...

راویان از او: احمد، ابوبکر بن ابی شیبه، ابوخیثمه، حارث بن ابی أسامة، اسحاق بن راهویه، یحیی بن معین، علی بن مدینی، بُندار، ابن نمیر، عبدالله بن نمیر، ابوقدامة، عباس الدوری،...^۱

راوی احادیث شماره: ۲۳، ۲۵، ۲۱۲.

یونس بن حبیب اصفهانی

یونس بن حبیب اصفهانی، صاحب ابوداود طیالسی از محدثان حافظ طبقه نهم، متوفای سال ۲۶۷ هـ.^۲

راوی حدیث شماره: ۲۲.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۱۴؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۴۸، ش ۳۱۹۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، صص ۳۱۷ تا ۳۲۰، ش ۲۹۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، صص ۳۸۱ تا ۳۸۴، ش ۸۰۶۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۶۶، در ضمن شرح حال اسماعیل بن عبدالله بن مسعود عبدی اصفهانی به شماره ۵۹۱.

طبقه دهم

ابراهیم بن ابی طالب، ابواسحاق نیشابوری = ابن ابی طالب

ابراهیم بن محمد بن نوح بن عبدالله، حافظ، شیخ خراسان، ابواسحاق نیشابوری
المزکی الزاهد، از محدثان و راویان طبقه دهم، متوفای ماه رجب ۲۹۵ هـ.
«حاکم» گفته است: امام عصره بنیساپور فی معرفة الحدیث والرجال.
درباره هبیت او از «احمد بن اسحاق فقیه» نقل شده: در میان محدثان با هبیت تراز
ابراهیم بن ابی طالب ندیدم، کنا نجلس بین یدیه، کأن علی رؤوسنا الطیر، لقد عطس
أبوزکریا العنبري فأخفى عطاسه، فقلت له سراً: لا تخف [لا تخف]؛ فلست بين يدي الله
تعالی.

مشایخ او: اسحاق بن راهویه، محمد بن ابان بلخی، محمد بن مهرا، داود بن
رشید و...

راویان از او: ابن خزیمه، ابوالولید حسان بن محمد و...

راوی حدیث شماره: ۱۱۹.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۳۸، ش ۶۶۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۹۴، ش ۹۸؛ الوافی بالوفیات،
ج ۶، ص ۱۲۸، ش ۲۵۶۴.

ابراهیم بن اسحاق نیشابوری = اَنماطی

در تذکرة الحفاظ آمده است: ابواسحاق، ابراهیم بن اسحاق نیشابوری، از حافظان و راویان ثبوت طبقه دهم، مُصنّف تفسیر، متوفای ۳۰۳ هـ.
مشایخ او: اسحاق بن راهوئیه، عثمان بن ابی شیبّه، عبدالله بن رمّاح، محمد بن حمید رازی، و...

راویان از او: ابن الشَّرقی، ابو عبدالله آخرم، یحیی بن محمد عَنبرِی و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۱۹.

ابراهیم بن سعید جوهری / م ۴

ابواسحاق طَبْرِی الأصل، ساکن بغداد، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، مُصنّف و مُسنِد، متوفای حدود ۲۵۰ هـ. که مُسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استناد کرده‌اند.

در میزان الاعتدال آمده است: پدرش سرمایه‌دار بود، از ابراهیم هروی نقل شده: حَجَّ سَعِيدُ الْجَوْهَرِيِّ، فحمل معه أربعمئة رجل سوی حَشَمِه، وكان فيهم إسماعيل بن عيَّاش وهُشَيْم وكنْتُ أنا معهم.

مشایخ او: مروان بن معاویه، ابواسامه، ابن عُيَيْتَه، ابوَضْرَه، واقدی، عبدالوهاب ثَقَفِي و...

راویان از او: صاحبان صحاح شش‌گانه بجز بخاری، زکریّا سجزی، ابوحاتم موسی ابن هارون و...^۲
راوی حدیث شماره: ۱۴۶.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۰۱، ش ۷۲۰؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۰۴، ش ۶۹۸.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۱۵، ش ۵۳۲؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۵، ش ۹۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۴۶، ش ۱۹۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۵.

ابراهیم بن عامر

ابراهیم بن عامر بن ابراهیم بن واقد بن عبدالله، ابواسحاق اشعری، مدنی، اصفهانی، مؤذن، گویا از راویان طبقه دهم باشد، متوفای سال ۲۶۰ هـ. که برادرش محمد بر او نماز خوانده است.

مشایخ او: پدرش، ابوهانی، مُسَدَّد، احمد بن عبدالله بن یونس، سعید بن منصور، حسین بن حفص.^۱

راویان از او: پسرانش: عامر و محمد، عبدالله بن جعفر بن فارس.^۲
راوی احادیث شماره: ۱۵۹، ۱۶۰.

احمد بن ابراهیم دُورَقِی / م د ت ق

احمد بن ابراهیم بن کثیر بن زَید دُورَقِی، نُکَرِی^۳، بَغْدَادِی، ابوعبدالله، معروف به دُورَقِی، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، متوفای سال ۲۴۶ هـ. در حدود ۸۰ سالگی. مسلم، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت او استناد جستند.
مشایخ او: حفص بن غیاث، جریر، هُشَیْم، اسماعیل و رَبِیعِی پسران ابن عَلَیْه، یزید ابن هارون و...

راویان از او: مُسَلِم، ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، عبدالله بن احمد بن حنبل، یعقوب ابن شیبّه و...^۴

راوی احادیث شماره: ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۴۶.

۱ - بنگرید به: أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۱۹، ص ۶۸، ش ۷۲.

۳ - به ضم نون، منسوب به بنی نکر از تبار عبدالقیس. (تقریب التهذیب).

۴ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۰۵، ش ۵۲۰؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۳۱، ش ۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۱،

ص ۴۲، ش ۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۹.

احمد بن حنبل شیبانی مروزی / ع

احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد شیبانی، ابو عبدالله مروزی، ساکن بغداد، از محدثان و راویان بلند آوازه ثقه، حافظ، فقیه و حجت طبعه دهم، متولد ۱۶۴ هـ و متوفای ۲۴۱ هـ در ۷۷ سالگی. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استدلال کرده‌اند.

مادرش آبستن او بود که از «مرو» خارج شد و او در بغداد به دنیا آمد. پسرش عبدالله گوید: پدرم در شبانه روز، ۳۰۰ رکعت نماز می‌خواند. در تهذیب التهذیب آمده: او در قضیه «مخنت»، ثابت قدم ماند. و بذل نفسه لله حتی ضرب بالسیاط للقتل، فعصمه الله تعالى عن الكفر وجعله علماً يقتدى به و ملجأً يلجأ إليه. «ابوالحسن بن زاغونی» گفته است: کشف قبر احمد حين دفن الشريف أبو جعفر بن ابي موسى إلى جانبه فوجد كفته صحيحاً لم يتبل و جنبه لم يتغير، وذلك بعد موته بمائتين و ثلاثين سنة.

مشایخ او: هشیم، ابراهیم بن سعد، سفیان بن عیینه، یحیی بن ابی زائده، بشر بن مفضل، اسماعیل بن علیّه، جریر بن عبدالحمید، یحیی بن سعید قطان، ابوداود طیالسی، عبدالله بن نمیر، عبدالرزاق، شافعی، غندر، معتیر بن سلیمان و بسیاری دیگر. راویان از او: بخاری، مسلم، ابوداود، ابوزرعه، مطین، پسرانش: عبدالله و صالح، ابوالقاسم بغوی، ابن مهدی، شافعی، ابوالولید، عبدالرزاق، وکیع، یزید بن هارون، قتیبه، یحیی بن معین، علی بن مدینی، دحیم، ابوقدومه سرخسی، حرب کرمانی و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره: ۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۸، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۵۶، ۶۵، ۶۶، ۹۲ تا ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۲۷ تا ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۵۵، ۲۷۵، ۲۷۶.

۱ - الجرح والتعديل، ج ۱، ق ۱، ص ۶۸، ش ۱۲۶؛ حلیة الأولیاء، ج ۹، ص ۱۶۱، ش ۴۴۵؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۳۱، ش ۴۳۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۹۷ تا ۱۰۰، ش ۱۰۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۴.

احمد بن عبدالمَلِك بن واقد حَرَائِيّ / خ س ق

احمد بن عبدالمَلِك بن واقد حَرَائِيّ، ابویحیی اَسَدِيّ، که گاهی منسوب به جدش می‌شود. از راویان ثقه و سُنَّت‌گرای طبقه دهم، متوفای ۲۲۱ هـ. بخاری، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استدلال کرده‌اند.

مشایخ او: حَمَّاد بن زید، ابراهیم بن سَعَد، زُهَیْر بن مُعاویه، ابوالمَلِیح رَقِيّ، ابوعَوَّانَة الوَضَّاح، و...

راویان از او: ابن ابی شَیْبَه، احمد بن حَنْبَل، ابوزُرَّعَه، ابوحاتِم، تَمْتَم، یعقوب بن شَیْبَه و...^۱

راوی احادیث شماره: ۲۲۷ و ۲۵۳.

احمد بن علی مَثْنِيّ = ابویَعْلَى مَوْصِلِيّ^۲

ابویَعْلَى مَوْصِلِيّ، احمد بن علی بن مَثْنِيّ بن یحیی بن عیسی بن هِلَال تَمِیْمِيّ، از محدثان ثقه و حافظ طبقه دهم، صاحب المَشْنَد الکبیر، متولد شوال ۲۱۰ هـ. و متوفای ۳۰۷ هـ. «سَمْعَانِيّ» از «اسماعیل بن محمّد بن فضل» نقل می‌کند: قرأتُ المَسَانِدِ کُمَشْنَدِ العَدَنِيّ، و مَشْنَدِ ابْنِ مَنِيْع، وهي كالأنهار، و مَشْنَدِ ابِي يَعْلَى كَالْبَحْرِ يَكُونُ مُجْتَمَعِ الْأَنْهَارِ، به تعبیری: المَسَانِدُ كُلُّهَا كَالْأَنْهَارِ، و مَشْنَدِ ابِي يَعْلَى كَالْبَحْرِ يَكُونُ مَجْمَعِ الْأَنْهَارِ. «یزید بن محمّد اَزْدِيّ» گفته است: كان أبويعلى من أهل الصدق والأمانة والدين والحلم، در روز درگذشت او بیشتر بازارها بسته شد و برای تشییع جنازه او جمعیت عظیمی حضور یافتند.

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۶۳، ش ۴۷۴؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۸۳، ش ۷۶؛ تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۲۰.

۲ - منسوب به «مَوْصِل» به فتح میم، سکون واو و کسر صاد (بنگرید به: پاورقی تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۹).

مشایخ او: علی بن جَعْد، یحیی بن معین، محمد بن منْهال ضَرِیر، غَسَّان بن رَبِیع، شَیْبَانِی بن قُرُوخ، یحیی حِمَّانِی و ...
 راویان از او: ابوحاتم بن حَبَّان، ابوعلی نَسائی، حمزة بن محمد کِنَانِی، ابوبکر اسماعیلی، ابوبکر بن مُقَرِّی، ابوعمرو بن حَمْدان، نصر بن احمد المُرْجئی و ...^۱
 راوی احادیث شماره: ۲، ۲۸، ۵۸، ۶۸، ۶۹، ۸۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۳، (و بی شماره پس از آن)، ۱۳۲، ۲۱۹، ۲۵۶، ۲۵۹.

احمد بن عمرو بن عبدالخالق بَصْرِی = بَزَّار

ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق بَصْرِی، صاحب مُسْنَد از محدثان و راویان ثقه و صدوق بلند آوازه طبقة دهم، متوفای ۲۹۲ هـ. وی در پایان عمر، برای گسترش علم به اصفهان، شام و ... کوچ کرد.
 مشایخ او: هُدَیْبَة بن خالد، عبدالاعلی بن حماد نَزَیسی، حسن بن علی بن راشد، عبدالله بن معاویه جُمَحِی، محمد بن یحیی بن فیاض زَمَانِی حَنْفِی و ...
 راویان از او: عبدالباقی بن قانع، محمد بن عَبَّاس بن نَجِیح، ابوبکر الخَتَلِی، عبدالله ابن حسن، ابوالشیخ و ...^۲
 راوی حدیث شماره: ۲۳۹.

احمد بن محمد بن صدقه

ابوبکر احمد بن محمد بن عبدالله بن صدقه بغدادی از محدثان حافظ و راوی موصوف به ضَبْط و اِثْقَان طبقة دهم، متوفای ماه محرم سال ۲۹۳ هـ.

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۰۷، ش ۷۲۶؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۰۶، ش ۷۰۳.
 ۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۵۳، ش ۶۷۵؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۲۴، ش ۵۰۵؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۳۷، ش ۷۵۰؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۸۵، ش ۶۵۲.

مشایخ او: اسماعیل بن مسعود جَحْدَرِیّ، محمّد بن مسکین یمامیّ، محمّد بن حرب نسائی و...

راویان از او: ابوالقاسم طَبْرانیّ، ابن قانع، ابوبکر شافعی و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲۴۱.

احمد بن یحیی صوفیّ

مؤلف «تذکرة الحفاظ»^۲، در ضمن شرح حال حافظان طبقه دهم مانند «عبدان آهوازی»، سال وفات وی را ۳۰۶ هـ. نوشته است: «وفیها مات شیخ الصوفیة أبو عبدالله أحمد بن یحیی بن الجلاء».
راوی حدیث شماره: ۱۸۴.

احمد بن موسی شامیّ [سامیّ] بَصْرِیّ

«ذَهَبِیّ» در تاریخ الإسلام^۴، نوشته است:
احمد بن موسی بن یزید سامیّ بَصْرِیّ از مُسلم بن ابراهیم آزَدِیّ قَراهِیْدِیّ روایت کرده و طَبْرانیّ از او روایت می‌کند. گویا وی از راویان طبقه دهم است.
راوی حدیث شماره: ۲۶۲.

۱ - طبقات الحنابلة، ابن ابی یعلیّ، ج ۱، ص ۶۴، ش ۵۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۴۵، ش ۷۴۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۶۴.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۸۹، ش ۷۰۹.

۳ - در الْمُعْجَم الصَّغیر، ج ۱، ص ۶۷، ش ۱۳۵، «الشامی» است.

۴ - تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۹۰، ش ۹۲ (وفیات، ۲۸۱ - ۲۹۰ هـ).

اسماعیل بن عبدالله بن اُوَیْس / خ م د ت ق

اسماعیل بن عبدالله بن اُوَیْس بن مالک بن ابی عامر اَصْبَحِیّ، ابو عبدالله بن ابی اُوَیْس مدنی، پسر خواهر مالک بن اَنَس، از راویان صدوق طبقه دهم^۱. «ابن حَجَر» نوشته است: صدوق اُخْطَأُ فی اَحَادِیْث مِنْ حَفْظِهِ. متوفای سال ۲۲۶ هـ. بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه، در صحیح و سنن از او روایت نقل کرده‌اند.

مشایخ او: دایی اش: مالک بن اَنَس، پدرش، برادرش: عبدالحمید؛ سَلَمَة بن وَرْدَان، و...

راویان از او: بخاری، مسلم، ابوخیثمه، دارمی، اسماعیل بن اسحاق قاضی، ابوحاتم، قُتیبَة، نصر بن علی جَهْضَمِیّ، حارث بن ابی اَسَمَة و...^۲
راوی حدیث شماره: ۷۲.

اسماعیل بن موسی فزاری = سُدّی / ع خ د ت ق

اسماعیل بن موسی فزاری (اسماعیل بن بنت السُدّی) کوفی، ابو محمد یا ابواسحاق، پسر دختر یا پسر خواهر سُدّی، از راویان صدوق طبقه دهم، «ابن حَجَر» نوشته است: صَدُوقٌ یُخْطِئُ، رُمِی بِالرَّفْضِ. «ابن عَدِیّ» گفته است: اُنْكَرُوا مِنْهُ غُلُوقاً فی التَّشِیْعِ. متوفای سال ۲۴۵ هـ. ابوداود، ترمذی، ابن ماجه و نیز بخاری در کتاب افعال العباد به روایت وی استناد کرده‌اند.

دیدگاه برخی از عالمان رجالی درباره وی بدین صورت است: «ابن ابی حاتم»، و «مُطِیْن»: صَدُوقٌ. «نَسَائِیّ»: لَیْسَ بِهِ بَأْسٌ. «ابن حَبَّان» در الثقات: یُخْطِئُ.
مشایخ او: مالک، شَرِیک، ابن عُمَیْئَة مالک بن اَنَس، ولید بن مُسَلَم و...

۱ - ذهبی در «تذکره الحفاظ» وی را از حافظان طبقه هفتم شمرده است.

۲ - بنگرید به: تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۴۰۹، ش ۴۱۵؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۲۲، ش ۸۵۴؛ تهذیب

التهذیب، ج ۱، ص ۳۲۱، ش ۴۹۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۷۱.

راویان از او: ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، ابو عروبه، ابن خزيمه، ساجی، ابویعلی،
مطین، بقی بن مخلد و...^۱

راوی احادیث شماره: ۲۰۸، ۲۱۰.

حامد بن ابی حامد مقرئ

حامد بن ابی حامد محمود بن حرب نیشابوری، ابوعلی مقرئ، متوفای سال ۲۶۶ هـ.
که گویا از راویان طبقه دهم باشد.

مشایخ او: اسحاق بن سلیمان رازی، مکی بن ابراهیم بلخی، عبدالرحمن بن عبدالله
دشتکی، یحیی بن یحیی و...

راویان از او: ابوالعباس سراج، ابن خزیمه، ابو عبدالله بن آخرم، احمد بن علی بن
حسنه.^۲

راوی حدیث شماره: ۲۹.

حامد بن یحیی بن هانی بلخی / د

حامد بن یحیی بن هانی بلخی، ابو عبدالله ساکن طرسوس، از محدثان و راویان ثقه و
حافظ طبقه دهم، متوفای سال ۲۴۲ هـ. ابوداود به روایت وی استناد جسته است.

مشایخ او: سفیان بن عیینه، ایوب نجار، یحیی بن سلیم طائفی، حسین جعفی، عمر
ابن هارون بلخی، عبدالله بن حارث مخزومی و...

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۴۱ در ضمن شماره ۵۵۹؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۵۱، ش ۹۵۸؛ تاریخ
الإسلام، ج ۱۸، ص ۱۷۸، ش ۹۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۳۴۴، ش ۵۳۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱،
ص ۷۵.

۲ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۷۶، ش ۵۱.

راویان از او: ابوداود، ابوزرعه، ابوحاتم، ابوامیه طرسوسی، ابوخیثمه و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۸۵.

حسن بن سفیان نسوی

حسن بن سفیان بن عامر، ابوالعباس شیبانی نسوی، شیخ خراسان، صاحب «المسند الکبیر» و «الأربعین» از محدثان ثقه و راوی طبقه دهم، متوفای ماه رمضان سال ۳۰۳ هـ. در قریه «بالوز» واقع در سه فرسخی «نساء» که «ابن حبان» گفته است: در هنگام دفن او حضور داشتم.

مؤلف لسان المیزان از «یحیی بن زکریا بن سنان بن عقیده» نقل می‌کند: کان من رجال الشیعة وله کتاب النوادر.

مشایخ او: اسحاق، یحیی بن معین، شیبان بن فروخ، قتیبه، عبدالرحمن بن سلام جمحی و...

راویان از او: ابوعمر بن حمدان، ابن خزیمه، یحیی بن منصور قاضی، ابوعلی ابوحاتم بن حبان و...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۲۳.

حسن بن صالح بن ابی الأسود

با توجه به اینکه مروی عنه وی در طبقه نهم قرار دارد، پس گویا از راویان طبقه دهم باشد.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۷۹، ش ۴۹۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۱، ش ۱۱۱۸؛ تفریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۷۰۳، ش ۷۲۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۹۲، ش ۱۸۵۳؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۱۱، ش ۹۳۴.

«أَزْدِيٌّ» درباره او گفته است: زَائِعٌ حَائِدٌ عَنِ الْحَقِّ. «ابن حَبَّان» وی را در الشقات یاد آور شده و گفته است: حسن بن صالح بن اسود لَيْثِيٌّ.
مشایخ او: عموی او: منصور بن ابی الأسود و محدثان عراق.
راوی از او: احمد بن عبدة الضَّبِّيُّ^۱.
راوی حدیث شماره ۵: ۲۲۴.

حَسَنُ بْنُ عَرَفَةَ بْنِ يَزِيدَ عَبْدِ قَاتِسِ بْنِ سَقِ

حَسَنُ بْنُ عَرَفَةَ بْنِ يَزِيدَ عَبْدِ قَاتِسِ بْنِ سَقِ، ابوعليّ بَغْدَادِيٌّ مَوْدُبٌّ، از راویان صدوق طبقه دهم، متوفای سال ۲۵۷ هـ. در پیش از ۱۰۰ سالگی. تِرْمِذِيٌّ، نَسَائِيٌّ و ابن ماجه به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: عَمَّارُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثَوْرِيٌّ (پسر خواهر ثَوْرِيٌّ)، عَيْسَى بْنُ يُونُسَ، هُشَيْمٌ، ابن مبارك، ابوبکر بن عِيَّاشُ، ابن إدريس، اسماعیل بن عِيَّاشُ، ابن عَلِيَّهِ، یزید بن هارون و...
راویان از او: تِرْمِذِيٌّ، ابن ماجه، ابویعلی، اسماعیل بن عَبَّاسِ وَرَّاقِ، ابن ابی حاتم، محمد بن اسحاق صَاغَانِيٌّ، بَقَوِيٌّ، حسین بن یحیی قَطَّانُ، اسماعیل صَفَّارُ و...^۳
راوی حدیث شماره ۵: ۱۰۸.

۱ - منسوب به ضَبَّه، به فتح ضاد و تشدید باء. (تقریب التهذیب).

۲ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۹۶، ش ۱۸۶۷؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۱۴، ش ۹۴۸.

۳ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۰۲ (ضمن شماره ۵۱۷)؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۷۱، ش ۱۳۱۲؛

تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۶۸.

حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مَعْمَرِيٍّ^۱

ابوعلی حسن بن علی بن شیبب بغدادی، از عالمان راوی صدوق و حافظ طبقه دهم، متوفای ماه محرم سال ۲۹۵ هـ. در ۸۲ سالگی.

مشایخ او: خلف بن هشام، ابونصر تمار، علی بن مدینی، شیخان بن فروخ، دحیم و...
راویان از او: ابوالقاسم طبرانی، ابوبکر النجاد، احمد بن کامل، مفید و...^۲
راوی حدیث شماره: ۱۷۳.

حُسَيْنُ بْنُ حَسَنِ أَشَقْرِيٍّ / س

حسین بن حسن اشقر فزاری، کوفی، از راویان صدوق طبقه دهم که «ابن حجر» درباره او نوشته است: صدوق بهم و يغلو في التشيع. متوفای سال ۲۰۸ هـ. «نسائی» از او روایت نقل کرده است. «ابن حبان» وی را در الثقات یاد آور شده، و در میزان الاعتدال از او حدیثی نقل می کند که: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ: يَا أَهْلَ الْجَمْعِ، غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ فَاطِمَةُ، فَتَمُرَّ وَمَعَهَا سَبْعُونَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ.
مشایخ او: قیس بن ربیع، شریک، زهیر، ابن عیثه، هشیم و...
راویان از او: احمد بن حنبل، ابن معین، فلاس، ابن سعد، و...^۳
راوی حدیث شماره: ۷۶.

۱ - علت اینکه به او معمری گفته شده این است که جد مادری اش ابوسفیان معمری، یا «معمر» بوده است.

۲ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۶۷، ش ۶۸۷؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۰۴، ش ۱۸۹۴؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۹۰، ش ۶۶۵.

۳ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۳۱، ش ۱۹۸۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۴، ص ۱۰۶، ش ۸۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۹، ش ۱۳۷۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۵.

حُسین بن حَفْص هَمْدَانِی / م ق

حُسین بن حَفْص بن فَضْل بن یحیی بن ذَکْوَان هَمْدَانِی، ابومحمّد اصفهانی، کُوفِی الأصل، از راویان صدوق طبقه دهم، متوفای سال ۲۱۰ یا ۲۱۱ یا ۲۱۲ هـ. که در صحیح مسلم و سنن ابن ماجه به روایت وی استناد شده است.

مادرش «خَالِدَه» دختر عَطَاء بن سائب است. عَطَاء، اصفهانی الأصل بود که در اصفهان به دنیا آمد و در خُراسان رُشد کرد و در نزد راویان، معروف به عَطَاء خُراسانی است.

حسین بن حَفْص، دانش کوفیان را به اصفهان منتقل کرد و عهده‌دار منصب قضا و فتوا در اصفهان بود (وکان إليه القضاء والفتوی والریاسته بها).

مشایخ او: سُفیان ثَوْرِی، سُفیان بن عُیَیْنَه، اسرائیل، فَضَیْل بن عِیَاض، ابویوسف قاضی (یعقوب بن ابراهیم)، وَکِیع بن جَرّاح و...

راویان از او: فُلّاس، یحیی بن حکیم، ابوقلابه رَقَاشِی، ابومسعود رازی، کُدَیْمِی و...
راوی احادیث شماره: ۳۵، ۱۱۰.

حَفْص بن عَمْر بن صَبّاح رَقِی

حَفْص بن عمر بن صَبّاح رَقِی متوفای سال ۲۸۵ یا ۲۸۸ هـ. که در روزگار خویش، مُسْنِد رَقّه بوده است، با توجه به اینکه از محدثان طبقه هشتم و نهم، روایت می‌کند و از مشایخ طبرانی است، گویا از راویان طبقه دهم می‌باشد.

«ابن حَبّان» وی را در الثقات، یاد آور شده و گفته است: رَبّما أخطأ.

مشایخ او: ابونُعَیم، قَبِیصَة بن عُقبه، عبدالله بن رَجاء، فیض بن فَضْل بَجَلِی و...

۱- أخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۷۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۵، ص ۱۲۰، ش ۹۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص

۳۱۰، ش ۱۳۷۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۵.

راویان از او: عباس بن محمد رافقی، ابوالقاسم طبرانی، ابن صاعد، ابو عمرو، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲۵۸.

حَفْصُ حُلْوَانِي

حَفْصُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حُلْوَانِي، از راویان صدوق طبقه دهم، که ابن ابی حاتم درباره اش گفته است: سمع منه ابی سنة ۲۳۶ هـ. بحُلْوَانِ، وقال صدوق.
مشایخ او: بکّار بن عبدالله بن عبیدة رِبْدِي، حَفْصُ بْنُ سَلِيمَانَ قَارِي، عَبْدَةُ بْنُ سَلِيمَانَ، مروان بن معاوية قَزَارِي، وَكَيْعُ بْنُ جِرَّاحٍ، ابوبکر بن عیّاش و...
راویان از او: ابوحاتم، طبرانی.^۲
راوی حدیث شماره: ۵۸.

حَكَمُ بْنُ نَافِعٍ = ابوالیمان / ع

حَكَمُ بْنُ نَافِعٍ يَهْرَانِي^۳، ابوالیمان حَمِصِي مشهور به کنیه از محدثان برجسته و راوی ثقه، ثبت و حافظ طبقه دهم، از موالی بهراء، متولد سال ۱۳۸ هـ. و متوفای ماه ذیحجه ۲۲۲ هـ. در حِمص در ۸۴ سالگی. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.
مشایخ او: حَرِيزُ بْنُ عَثْمَانَ، صَفْوَانُ بْنُ عَمْرٍو، شُعَيْبُ بْنُ أَبِي حَنْزَلَةَ، سعید بن عبدالعزیز و...

راویان از او: ابوزُرْعَةَ دِمَشْقِي، بُخَارِي، احمد بن حنبل، يحيى بن معين، محمد بن يحيى ذُهَلِي، ابراهيم بن سعيد جَوْهَرِي، عبدالله دَارِمِي، رَجَاءُ بْنُ مُرْجِي، ابوحاتم،

۱ - بنگرید به: الْمُفْجَمُ الصَّغِيرُ، ج ۱، ص ۱۵۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۳۳۹، ش ۲۵۱ و ج ۲۱، ص ۱۶۸، ش ۲۳۸؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۶۶، ش ۲۱۵۵؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۲۸، ش ۱۳۴۲.
۲ - تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۵۶، ش ۱۳۹۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۷۶، ش ۱۴۸۱.
۳ - به فتح باء (تقریب التهذیب).

ابومسعود احمد بن قُرات رازی و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۳۹.

زکریا بن حکیم

گویا از راویان طبقه دهم باشد.

زکریّا حکیم حَبَطِيّ، بصری، ابویحیی، که توثیق نشده است.^۲

راوی حدیث شماره: ۲۲۱.

زُهَیر بن حَرْب، ابوخیثمه نسائی / خ، م، د، س، ق

زُهَیر بن حَرْب بن شَدَاد^۳ حَرَشِيّ، ابوخیثمه نسائی ساکن بغداد، از محدثان ثقه، ثبت و حافظ طبقه دهم، متوفای سال ۲۳۴ هـ. در ۷۴ سالگی.

بخاری، مسلم، ابوداود، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: هُشَیم، ابن عَیْثَه، جَریر بن عبدالحَمید، عبدالله بن ادریس، حَفْص بن غیاث، ابن عُلَیْه، عبدالله بن نُمَیر، عبدالرِزّاق، مُعَاذ بن هِشام، یحیی قَطّان، ابوالنَّضْر و...

راویان از او: پسرش: ابوبکر احمد بن اَبی خَیثمه؛ مُسلم که بیش از هزار حدیث از او

روایت کرد، بخاری، ابوداود، قزوینی، ابویعلی مؤصلی، بغوی، ابوزُرْعَه، ابوحاتم و...^۴

راوی احادیث شماره: ۱۵، ۲۸، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۳۳، و نیز بی شماره

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۱۲، ش ۴۱۸؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸۱، ش ۲۲۰۵؛ تهذیب التهذیب،

ج ۲، ص ۴۰۱، ش ۱۵۲۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۲، ش ۲۸۷۳؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۷۸، ش ۱۹۲۷.

۳ - نام جَدّ ابوخیثمه، «أشْتال» بود که مُعَرَّب به «شَدَاد» شد (تهذیب التهذیب).

۴ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۳۷، ش ۴۴۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۶۹، ش ۲۱۰۸؛ تقریب

التهذیب، ج ۱، ص ۲۶۴.

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَعْفَرِ / ت س ق

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَكَمٍ... أَنْصَارِيُّ، أَبُو مُعَاذٍ مَدَنِيٌّ، سَاكِنُ بَغْدَادٍ. أَرَاوِيانُ صَدُوقِ طَبَقَةِ دَهْمٍ، مَتَوَقَّأَي ۲۱۹ هـ. كَه «ابن حَجَرٍ» دَرِبَارَةُ أَوْ نُوْشْتَه اسْت: صَدُوقٌ لَهُ أَغَالِيْطٌ. دَرِ سُنَنِ تِرْمِذِيٍّ، نَسَائِيٍّ وَابْنِ مَاجَهَ بِه رَوَايَتِ وَی اسْتِنَادِ شَدَه اسْت. مَشَايِخُ أَوْ: عَلِيُّ بْنُ زِيَادٍ يَمَامِيٍّ، (عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ يَمَامِيٍّ)، ابْنُ أَبِي الزُّنَادِ وَ... رَاوِيَانُ أَرَاوِيَانُ: هَدِيَّةُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، اِبْرَاهِيْمُ بْنُ سَعِيْدِ جَوْهَرِيٍّ، حَجَّاجُ بْنُ شَاعِرٍ، اِبُوْبِكْرُ ابْنِ أَبِي خَيْثَمَةَ، عَبَّاسُ الدُّورِيِّ وَ...^۱ رَاوِي حَدِيْثِ شَمَارَه: ۳۲.

سَعِيْدُ بْنُ مَسْعُوْدٍ مَرْوَزِيٍّ

اِبُوْعَثْمَانُ سَعِيْدُ بْنُ مَسْعُوْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ سُلَيْمِيٍّ مَرْوَزِيٍّ، مُحَدِّثٌ وَ مُسْنِدٌ، يَكِيْ اَرَاوِيَانُ مَوْرِدٌ وَثُوْقٌ، مَتَوَقَّأَي سَالِ ۲۷۱ هـ. دَرِ ۹۰ سَالِكِي. بِا تُوْجَّهَ بِه اِيْنَكِه مَرْوِيٍّ عَنَه وَی دَرِ طَبَقَةِ نَهْمٍ وَ رَاوِي اَرَاوِيَانُ دَرِ طَبَقَةِ يَازْدَهْمِ قَرَارِ دَارِنْدِ، پَسْ گُوِيَا وَی اَرَاوِيَانُ طَبَقَةِ دَهْمِ مِيْ بَاشَد. مَشَايِخُ أَوْ: اِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُوْرٍ السَّلُوْلِيٍّ، رُوْحُ بْنُ عُبَادَةَ، خَلْفُ بْنُ تَمِيْمٍ، مُحَمَّدُ بْنُ مُصْعَبِ قُرْطَسَانِيٍّ، نَضْرُ بْنُ شَمِيْلٍ، يَزِيْدُ بْنُ هَارُوْنِ، يَعْقُوْبُ بْنُ اِبْرَاهِيْمِ بْنِ سَعْدِ، شَبَابَه، اَزْهَرُ بْنُ سَعْدِ سَمَّانٍ وَ... رَاوِيَانُ اَرَاوِيَانُ: عُمَرُ بْنُ اَحْمَدِ بْنِ مَالِكٍ [عَلَّكَ]، مُحَمَّدُ بْنُ نَصْرِ مَرْوَزِيٍّ فُقِيْهٍ، مُحَمَّدُ بْنُ

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۲۴، ش ۳۱۱۹؛ تهذيب التهذيب، ج ۳، ص ۲۸۷، ش ۲۳۲۱؛ تقريب

التهذيب، ج ۱، ص ۲۸۸.

احمد بن محبوب، و محدثان مرو. ^۱

راوی حدیث شماره: ۱۱۲.

سعید بن منصور بن شعبه خراسانی / ع

سعید بن منصور بن شعبه خراسانی، ابو عثمان مروزی طالقانی، ساکن مکه، حافظ، مؤلف و صاحب سنن، از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای سال ۲۲۷ هـ، که صاحبان صحاح شش گانه به روایات وی استناد جسته اند.

دیدگاه برخی از رجال شناسان درباره وی: أَحْسَنَ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ الثَّنَاءَ عَلَيْهِ وَفَحَّمَ أَمْرَهُ. «ابوحاتم»: ثِقَّةٌ، مِنَ الْمُتَّقِينَ الْأَثْبَاتِ.

مشایخ او: یونس بن ابی یغفور عبیدی، مالک بن انس، حماد بن زید، اسماعیل بن علیّه، اسماعیل بن عیاش، جریر بن عبدالحمید، حسان بن ابراهیم کرمانی، خلف بن خلیفه، داود بن عبدالرحمن العطار، سفیان بن عیینه، ابوالأحوص سلام بن سلیم، عبدالله ابن وهب، ابوشهاب عبد ربّه بن نافع الحنطاط، عبدالعزیز بن محمد الدراوردی، عبدالوارث بن سعید، لیث بن سعد، ابومعاویه محمد بن خازم الضریر، معتمر بن سلیمان، مهدی بن میمون، هشیم بن بشیر، و...

راویان از او: محمد بن علی بن زید الصائغ المکی، مسلم، ابوداود، ابوثور ابراهیم بن خالد کلبی، عبدالله دارمی، عباس بن عبدالله سندی، محمد بن یحیی ذهلی، ابوحاتم رازی، ابوبکر احمد بن محمد بن هانی الأثرم، حرب کرمانی، احمد بن حنبل، حسن بن محمد الصبّاح زعفرانی، حسین بن اسحاق شستری، خلف بن عمرو عکبری، ابوزرعه رازی، ابوزرعه دمشقی، بشر بن موسی آسدی، احمد بن خلید حلبی، عثمان بن خرزاد انطاکی، علی بن عبدالعزیز بغوی، محمد بن اسحاق صاغانی، محمد بن یونس کدیمی،

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۲، ق ۱، ص ۹۵، ش ۴۱۷؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۵۰۴، ش

۱۸۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۳۵۵، ش ۳۸۷.

مُعَاذُ بْنُ مُتَّى بْنِ مُعَاذِ عَنَبْرِيِّ، هَارُونَ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حَمَّالٌ، وَ...^۱
 راوی حدیث شماره: ۴۹.

سَلِيمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ دِمَشْقِيٍّ / خ ۴

سَلِيمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَيْسَى بْنِ مَيْمُونِ تَمِيمِيِّ دِمَشْقِيٍّ، أَبُو أَيُّوبٍ، پسر دختر
 شُرْحَبِيلِ بْنِ مُسْلِمِ خَوْلَانِيِّ، از فقیهان مُفْتَى دِمَشَقِ و محدث راوی طبقه دهم که «ابن
 حَجْر» درباره اش نوشته است: صَدُوقٌ يُخَطُّ. متولد ۱۵۳ هـ. و متوفای ماه صفر ۲۳۳ هـ.
 در ۸۰ سالگی. بُخَارِيُّ، ابوداود، تَرْمِذِيُّ، نَسَائِيُّ و ابن ماجه به روایت وی استناد جسته اند.
 مشایخ او: اسماعیل بن عیّاش، یحیی بن حمزه حَضْرَمِيِّ، ولید بن مُسَلَم، ابن عُیَیْثَه،
 محمد بن شُعَیْب بن شاپور، ابن وَهَب وَ...

راویان از او: ابوزُرَّعَه رَازِيٌّ، بُخَارِيُّ، ابوداود، ابراهیم جَوَزْجَانِيٌّ، ابوحاتم، دِمَشْقِيٌّ،
 عمر بن منصور نَسَائِيُّ، جعفر بن محمد فَرِیَابِيٌّ وَ...^۲
 راوی حدیث شماره: ۲۴۳.

سَهْلُ بْنُ تَمَّامِ بْنِ بَزِيعٍ / ۳ / ۵

سَهْلُ بْنُ تَمَّامِ بْنِ بَزِيعٍ، سَعْدِيُّ، بَصْرِيٌّ، ابوعمر، از راویان طبقه دهم که «ابن حَجْر»
 درباره اش نوشته است: صَدُوقٌ يُخَطُّ. ابوداود به روایت او استناد کرده است.
 مشایخ او: پدرش، عِمْرَانُ قَطَّانٌ، ابوهاشم عَمَّارُ بْنُ عُمَارَةَ زَعْفَرَانِيٌّ، ابوالأشهب،

۱ - تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۳۰۵، ش ۲۴۴۳؛ تذکرة الحفاظ، ش ۴۲۲؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۵۹،
 ش ۳۲۷۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۳۷۶، ش ۲۴۷۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۰۶، ش ۲۶۳.
 ۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۳۸، ش ۴۴۴؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۱۲، ش ۳۴۸۷؛ تهذیب التهذیب،
 ج ۳، ص ۴۹۱، ش ۲۶۶۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۲۷.
 ۳ - به فتح باء و کسر زاء (تقریب التهذیب).

یزید بن ابراهیم تُشتری و...

راویان از او: ابوداود، ابوحاتم، ابوزرعه رازی، ابوقلابه رقاشی، محمد بن محمد تمار بصری، و...^۱

راوی احادیث شماره: ۸۱، ۲۶۴.

سَوید بن سعید هَرَوِیّ / م ق

سَوید بن سعید بن سَهْل بن شَهْرِبَار هَرَوِیّ، ابومحمد حَدَثَانِیّ^۲، أَنبَارِیّ هَرَوِیّ الأَصْل، ساکن حدیثه النُّورَة^۳، تحت غابه و فوق الأنبار.

از راویان صدوق، حافظ و از قدیمیهای طبقه دهم که در اواخر عمر نابینا شد و در ماه شوال سال ۲۴۰ هـ در ۱۰۰ سالگی وفات یافت. مُسلم در صحیح و ابن ماجه در سنن به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: مالک، حَفْص بن مِیسَره، مُسلم بن مِیسَره، ابن عُیَیْثه، شَرِیْک قاضی، ابراهیم بن سعد، عَلِیّ بن مُشَیْر، حَمَّاد بن زَید، دَرَاوَزْدِیّ، وَلِید بن مُسَلِم، عبدالوَهَّاب ثَقَفِیّ و...

راویان از او: مُسلم، ابن ماجه، اسحاق بن ابراهیم مَنجَنِبِقِیّ، ابوزرعه رازی، ابوحاتم، یعقوب بن شَیْبَه، عبدالله بن احمد، مُطَیْن، قاسم بن زکریّا المَطْرُز، محمد بن محمد بن سلیمان بن باغَنْدِیّ، ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بَغَوِیّ و...

از جمله احادیثی که روایت کرده، عبارت است از: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة». «أنا مدينة العلم و علیّ بابها، فمن أراد المدينة فلیأت باب المدینة». «تفترق

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۳۷، ش ۳۵۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۵۳۵، ش ۲۷۲۶؛ تقریب

التهذیب، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲ - به فتح حاء و ثاء (تقریب التهذیب).

۳ - در اللباب، آمده است: وهی مدینة علی الفرات.

هَذِهِ الْأُمَّةُ بِضَعًا وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، قَوْمٌ يَقْبِسُونَ الرَّأْيَ يَسْتَحِلُّونَ بِهِ الْحَرَامَ وَيُحَرِّمُونَ بِهِ الْحَلَالَ، وَ...^۱

راوی احادیث شماره: ۷، ۹، ۱۵۶، ۱۵۷.

عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ رَوَّاجِنِي^۲ / خ ت ق

عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ رَوَّاجِنِي، أَسَدِي، أَبُو سَعِيدٍ كُوفِيٍّ، مِنْ رَوَّايَانِ طَبَقَةِ دَهْمٍ، مَتَوَفَايَ ۲۵۰ هـ. «ابن حجر» درباره او نوشته است: صَدُوقٌ رَافِضِيٌّ.

بُخَارِيٌّ، تِرْمِذِيٌّ، وَابْنُ مَاجَهٍ مِنْ رَوَّايَاتِ تَقْلٍ كَرْدِهَانِد.

در میزان الاعتدال آمده: مِنْ غُلَاةِ الشَّيْعَةِ وَرُؤُوسِ الْبِدْعِ، لَكِنَّهُ صَادِقٌ فِي الْحَدِيثِ، وَاز «عَبْدَانِ اَهْوَازِيٍّ» مِنْ ثَقَفَائِهِ، تَقْلٌ مِي كَنْد: اِنَّ عَبَادُ بْنَ يَعْقُوبَ كَانَ يَشْتَمُ السَّلْفَ. «صَالِحِ جَزْرَه» كَقْتَهْ اَسْت: كَانَ عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ يَشْتَمُ عَثْمَانَ، وَ سَمِعْتَهُ يَقُولُ: اَللّٰهُ اَعْدَلُ مِنْ اَنْ يَدْخُلَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ الْجَنَّةَ، قَاتِلًا عَلِيًّا بَعْدَ اَنْ بَايَعَاهُ.

وی نخستین نویسنده کتاب، درباره «مَهْدِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» است.

مؤلف میزان الاعتدال نوشته است: «قاسم بن زكريا مطرزي» می گوید: دَخَلْتُ عَلَيَّ عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ... كَانَ مَكْفُوفًا فَرَأَيْتُ سَيْفًا، فَقُلْتُ: لِمَنْ هَذَا؟ قَالَ أَعَدَدْتُهُ، لِأُقَاتِلَ بِهِ مَعَ الْمَهْدِيِّ...»

راوی حدیث: «إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ عَلَيَّ مِنْبَرِيٍّ فَاقْتُلُوهُ».

مشايخ او: شَرِيكُ نَخَعِيٍّ، عَبَادُ بْنُ عَوَّامٍ، إِسْمَاعِيلُ بْنُ عِيَّاشٍ، حُسَيْنُ بْنُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَوِيِّ، حَنَّانُ بْنُ سَدِيرٍ صَيْرَفِيٍّ، مُحَمَّدُ بْنُ فَضَيْلِ بْنِ غَزْوَانَ، وَ...»

۱ - بنگرید به: تهذیب الکمال، ج ۸، ص ۲۰۵، ش ۲۶۲۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۵۴، ش ۴۶۲؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۴۸، ش ۳۶۲۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۵۵۹، ش ۲۷۶۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲ - به تخفیف واو، جیم مکسوره و نون خفیفه (تقریب التهذیب).

راویان از او: بخاری مقروناً، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، ابوبکر بزار، علی بن سعید
پسر رازی، صالح بن محمد جزره، ابن خزیمه، ابن صاعد، ابن ابی داود، قاسم بن زکریا و
مطرز و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۱۰.

عبدان بن احمد اهوازی

عبدان بن احمد بن موسی بن زیاد، ابو محمد اهوازی جو الیقّی قاضی، معروف به
عبدان اهوازی (۲۱۶ - ۳۰۶ هـ)، صاحب تصانیف و از حافظان طبقه دهم می باشد.
حاکم از ابوعلی حافظ، نقل کرده که می گوید: چهار تن از پیشوایان حدیث را
دیده ام: ابراهیم بن ابی طالب، ابن خزیمه در نیشابور، نسائی در مصر و عبدان در اهواز
که صد هزار حدیث از برداشت.

مشایخ او: هدّبه بن خالد، کامل بن طلحه، محمد بن بکار بن ریان، سهل بن عثمان
عسکری، هشام بن عمار، خلیفه بن خیاط، وهب بن بقیّه، ابوبکر و عثمان پسران
ابوشیبّه، زید بن حریش.

راویان از او: یحیی بن محمد بن صاعد، عبدالباقی بن قانع، حمزه کِنّانی، ابوالقاسم
طبرانی، ابوبکر اسماعیلی، ابو عمرو بن حعدان، ابوبکر بن مقری، و...^۲
راوی حدیث شماره: ۱۸۷.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۴۱، ضمن شماره ۵۶۰؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹، ش ۴۱۴۹؛ تهذیب
التهذیب، ج ۴، ص ۱۹۸، ش ۳۲۳۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۴.
۲ - تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۳۷۸، ش ۴۹۵۵؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۸۸، ش ۷۰۹؛ تاریخ الإسلام، ج
۲۳، ص ۱۸۸، ش ۲۸۵؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۹۹، ص ۶۸۷.

عبدالأعلى بن حماد تزیسی / خ م د س

عبدالأعلى بن حماد بن نصر باهلی، بصری، ابویحیی، معروف به تزیسی، پسر عموی محدث، عباس بن ولید تزیسی از راویان طبقه دهم، متوفای ۲۳۷ هـ. که ابوحاتم، ابن حبان در الثقات و برخی دیگر وی را ثقه می‌دانند و ابن حجر نوشته است: لا بأس به. بخاری، مسلم، ابوداود و نسائی در صحیح و سنن به روایت او استناد جسته‌اند. مشایخ او: مالک، وهیب بن خالد، حمادین، یزید بن زریع، معتیر بن سلیمان، سلام ابن ابی مطیع، ابوالأخوص سلام بن سلیم، عبدالرحمن بن مهدی، و... راویان از او: بخاری، مسلم، ابوداود، ابوحاتم رازی، ابوزرعه رازی، عبدالله بن ناجیه، ابوالقاسم بقوی، ابویعلی مؤصلی و...^۲ راوی حدیث شماره: ۱۹۶.

عبدالجبار بن عطار / م ت س

عبدالجبار بن علاء بن عبدالجبار عطار ابوبکر بصری، ساکن مکه، از راویان طبقه دهم، متوفای اول جمادی الأولى سال ۲۴۸ هـ. که «ابن حجر» درباره‌اش نوشته است: لا بأس به. مسلم، ترمذی و نسائی در صحیح و سنن به روایت وی استناد کرده‌اند. مشایخ او: پدرش، سفیان بن عیینه، ابن مهدی، مروان بن معاویه قزاری، وکیع و... راویان از او: مسلم، ترمذی، نسائی، حسن بن محمد بن صباح زعفرانی، ابوحاتم، ابن خزیمه، ابن ابی عاصم و...^۳ راوی حدیث شماره: ۱۵۸.

۱ - به فتح نون و سکون راء (تقریب التهذیب).

۲ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۶۷، ش ۴۷۸؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۷، ص ۲۳۵، ش ۲۳۵؛ تهذیب التهذیب،

ج ۵، ص ۳، ش ۳۸۳۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۳، ش ۳۸۴۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۶.

عبدالرحمن بن ابراهیم = دَحِيم / خ م د س ق

عبدالرحمن بن ابراهیم بن عمرو...، ابوسعید دمشقی، قاضی، معروف به لقب «دَحِيم»، ابن الیتم، مُحدث شام و عهده‌دار منصب قضا در اردن و فلسطین، از راویان ثقة، حافظ، مُتقِن و فقیه طبقة دهم، متولد شوال ۱۷۰ هـ. و متوفای رمضان سال ۲۴۵ هـ. در فلسطین در ۷۵ سالگی.

«حسن بن علی بن بحر» گفته است: در سال ۲۱۲ هـ. دَحِيم وارد بغداد شد، دیدم پدرم، احمد، ابن معین و خلف بن سالم در جلو او مانند کودکان نشسته‌اند. مشایخ او: ولید بن مسلم، سُفیان بن عُیَیْثَه، مروان بن مُعاویه، ابن ابی قَدَیْک، ابوضمره و...

راویان از او: بخاری، مسلم، ابوداود، نسائی، ابن ماجه، ابوزرعه رازی دمشقی، ابوحاتم، پسرانش: ابراهیم و عمرو، بقی بن مَخْلَد، حسن بن محمد بن صباح زَعْفَرَانِی و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۰.

عبدالرحمن بن سلمه رازی

عبدالرحمن بن سلمه رازی، کاتب سلمه بن فضل [ابومحمد ازدانی] اَبْرَش انصاری رازی، قاضی رزی بوده است.

با توجه به اینکه مشایخ روایی او در طبقة نهم قرار دارند، گویا وی از راویان طبقة دهم باشد.

مشایخ او: یحیی بن ضَرِیْس، سلمه بن فضل.

۱ - به تصغیر (تقریب التهذیب)، تصغیر دحمان است.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۸۰، ش ۴۹۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۴۴، ش ۳۸۹۹؛ تقریب التهذیب،

ج ۱، ص ۴۷۱.

راویان از او: محمد بن ایوب، محمد بن عباس بن یسّام مولی بنی هاشم رازی.^۱
راوی حدیث شماره: ۲۷۱.

عبدالغفار بن داؤد حرّائی / خ د س ق

عبدالغفار بن داؤد بن مهران... ابوصالح حرّائی، ساکن مصر، کاتب ابن لهیعه، از راویان ثقه و فقیه حنفی طبقه دهم، متولد سال ۱۴۰ هـ. در آفریقا، او با پدرش به بصره رفت و در آنجا رشد کرد و فقیه شد سپس به مصر بازگشت و آنجا را وطن گزید، و در سال ۲۲۴ هـ. در مصر درگذشت. «ابن عدی» گفته است: وی کاتب ابن لهیعه بود. بخاری، ابوداؤد، نسائی و ابن ماجه به روایت او استدلال کرده‌اند. مشایخ او: ابن لهیعه، حمّاد بن سلّمه، لیث، ابن عیینّه، شریک، اسماعیل بن عیّاش، زهیر بن معاویه و...

راویان از او: بخاری، ابوداؤد، ابراهیم سعید جوهری، حرّملة بن یحیی، ابوزرعه دمشقی، ابوحاتم، عثمان داریمی، ذهلّی، یحیی بن معین، اثرم و...^۲
راوی احادیث شماره: ۱۴۶، ۲۴۸.

عبداللّه بن جعفر رقیّ / ع

عبداللّه بن جعفر بن غیلان رقیّ، ابوعبدالرحمن قرشی، از راویان ثقه طبقه دهم، که سرانجام دچار دگرگونی شد ولی اختلاط او فاحش نبود. «هلال بن علاء» گفته است: وی در سال ۲۱۶ هـ. بینایی خود را از دست داد و در ۲۱۸ هـ. دچار دگرگونی شد و در سال ۲۲۰ هـ. چشم از جهان فرو بست.

۱ - الجرح والتعديل، ج ۲، ق ۲ (قسم دوم از جلد دوم)، ص ۲۴۱، ش ۱۱۴۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۳۹، ش ۲۸۵۰.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۶۶، ش ۴۲۶۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۱۴.

در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.
مشایخ او: ابوالملیح حسن بن عمر رَقَّی، عبیدالله بن عمرو، عبدالعزیز دراوَزْدی،
مُعْتَمِر بن سلیمان، موسی بن اَعْنَن و...
راویان از او: احمد بن ابراهیم دَوْرَقِی، ابوحاتم رازی، داریمی، ابوالأزهر نیشابوری،
اسماعیل بن عبدالله رَقَّی، محمد بن ابی الحسین سَمْنَانِی، ابوزُرْعَه دِمَشْقِی و...^۱
راوی احادیث شماره: ۲۴۶، ۲۵۷.

عبدالله بن حسن بن ابراهیم آنباری

با توجه به اینکه از راوی طبقه نهم روایت می کند، گویا از راویان طبقه دهم است.
در میزان الاعتدال^۲، آمده است: عن الأصمعی بخبر باطل في المهدی.
در لسان المیزان^۳، آمده است: رواه الخطیب في تاریخه عن أبي نُعَیم، ثنا الحسين بن
محمد الزُّعْفَرَانِی...
در تاریخ بغداد^۴، می نویسد: عبدالله بن الحسن بن ابراهیم الأنباری، روی عن
الأصمعی حديثاً أخبرناهُ أبو نُعَیم الحافظ قال: حدَّثنا الحسين بن محمد بن علي
الزُّعْفَرَانِی، حدَّثنا علي بن محمد ... حدَّثنا عبدالمك بن قُریب - یعنی الأصمعی - قال:
سمعت كدام...
راوی حدیث شماره: ۳۳.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۰۳، ش ۴۲۴۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۵، ص ۲۰۳، ش ۲۰۰؛ تهذیب
التهذیب، ج ۴، ص ۲۵۸، ش ۳۳۴۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۰۶.
۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۰۶، ش ۴۲۶۴.
۳ - لسان المیزان، ج ۳، صص ۲۷۰ و ۲۷۱، ش ۱۱۵۲.
۴ - تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۳۴.

عبدالله بن حسین بن جابر مصیبی

عبدالله بن حسین بن جابر، ابومحمد بغدادی، سپس مصیبی بزار که گویا از راویان طبقه دهم باشد.

«ذهبی» درباره وی از «ابن حبان» نقل می‌کند: «لایجوز الاحتجاج به، کان یسرق الحدیث». ولی «حاکم» او را ثقه می‌داند.

مشایخ او: علی بن عیاش حمصی، آدم بن ابی ایاس، حسن بن موسی آشیب، عفان ابن مسلم، هوزة بن خلیفه و...

راویان از او: ابو عوانه، خیثمة الأطربلسی، ابوالحسن بن حدلم، ابوالقاسم طبرانی^۱.
راوی حدیث شماره: ۷۵.

عبدالله بن داهر = ابن داهر

عبدالله بن داهر بن یحیی بن داهر رازی، ابوسلیمان، معروف به احمری، با توجه به اینکه از راوی طبقه نهم روایت می‌کند پس گویا از راویان طبقه دهم است. وی از پدرش روایت می‌کند و احمد بن ابی خیثمة از او روایت می‌کند.

تعبیر برخی از عالمان رجالی درباره او بدین شرح است: «یحیی بن معین»: «ما یکتب حدیثه، انسان فیہ خیر». «احمد» و «یحیی»: «لیس بشيء». «عقیلی»: «رافضی خبیث».

در لسان المیزان، از «صالح بن محمد» درباره او نقل شده که «إنه شیخ صدوق».

برخی از احادیثی که توسط او روایت شده بدین قرار است:

حدثنا ابی، عن الأعمش، عن عباية الأسدی، عن ابن عباس - مرفوعاً: یا أم سلمة، إن علیاً لحمه من لحمی، ودمه من دمی ... الحدیث.

۱ - بنگرید به: لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۷۲، ش ۱۱۵۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۰۳ (وفیات)، ۲۸۱ -

عن ابن عباس: ستكون فتنة، فمن أدركها فعليه بالقرآن و علي بن أبي طالب، فإنني سمعتُ رسولَ الله ﷺ وهو آخذٌ بيدي علي، يقول: هذا أولُ مَنْ آمَنَ بي، وأولُ مَنْ يُصافحني، وهو فاروق الأُمّة، وهو يعسوب المؤمنین، والمال يعسوب الظلّمة، وهو الصّدّيق الأكبر، وهو خليفتي من بعدي.

«ابن عدی» درباره او گفته است: عامّة ما یرویه فی فضائل علی، وهو متّهم فی ذلك.^۱
راوی احادیث شماره: ۱۶۴ و تکرار آن در شماره ۱۹۰ و نیز حدیث بی شماره پس از شماره ۲۰۶.

عبدالله بن صالح / خت د ت ق

عبدالله بن صالح بن محمد بن مسلم جُهَنّی، ابو صالحِ مصری، شاگرد و کاتب لیث بن سعد، از راویان صدوق طبقة دهم، متوفای سال ۲۲۲ هـ. در ۸۵ سالگی. ابوداود، ترمذی و ابن ماجه به روایت وی استدلال کرده اند و بخاری نیز استشهاد نموده است.

«ابن حجر» درباره او نوشته است: صدوق کثیر الغلط، ثبت فی کتابه، و کانت فیہ غفلة. مشایخ او: موسی بن علی^۲ بن ربّاح، معاویة بن صالح حَضْرَمی، سعید بن عبدالعزیز ثُوخی، لیث بن سعد، ابن لهیعه، ابن وهب، نافع بن یزید و...

راویان از او: بخاری، ابوحاتم رازی، یحیی بن معین، دارمی، محمد بن اسماعیل ترمذی،...^۳

راوی حدیث شماره: ۲۵۱.

۱ - الکامل، ج ۴، ص ۲۲۸، ش ۱۰۴۶؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۱۶، ش ۴۲۹۵؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۸۲، ش ۱۱۹۰.

۲ - «علی» به تصغیر، (بنگرید به: تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۶).

۳ - تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۸۸، ش ۳۸۹؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۴۰، ش ۴۳۸۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۳۸، ش ۳۴۷۴؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۲۳.

عبدالله بن عمر مُشکدانه / م د س

عبدالله بن عمر بن محمد بن أبان بن صالح بن عمیر أموی، جُعْفِیّ (منسوب به دایی اش: حسین بن علی جُعْفِیّ)، ابو عبدالرحمن قُرَشِیّ کوفی محدث خراسان، مُلقَّب به «مُشکدانه»، از راویان صدوق طبقه دهم، که «ابن حَجَر» درباره او نوشته است: صدوقُ فیه تشیع، متوفای سال ۲۳۹ هـ. «ابن حَبَّان» وی را در الثقات یاد آور شده است. مُسلم، ابوداود و نسائی به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: دایی اش، حسین بن علی جُعْفِیّ، ابوالأخوص، ابن مُبارک، ابن نُسمیر، دَرَاوَزْدِیّ، أسباط بن محمد، محمد بن فضیل و...

راویان از او: مسلم، ابوداود، بَغَوِیّ، ابوزُرَّعَه، ابوحاتم و...

راوی احادیث شماره: ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۹۱.

عبدالله بن محمد بن ابراهیم، ابوبکر بن ابی شیبَه / خ م د س ق

عبدالله بن محمد بن ابی شیبَه ابراهیم بن عثمان بن خَواستِیّ عَبَسِیّ، واسطیُّ الأصل، ابوبکر بن ابی شیبَه، کوفی برادر عثمان بن ابی شیبَه، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم و صاحب تصانیف از مُسَنَد و مُصَنَّف. متوفای سال ۲۳۵ هـ. صاحبان صحاح شش‌گانه بجز تِرْمِذِیّ، به روایت وی استناد کرده‌اند.

«ابوعبید القاسم» گفته است: انتهى العلم إلى أربعة: فأبو بكر أسردهم له، وأحمد أفتهم فيه، و يحيى بن معين أجمعهم له، و علي بن المديني أعلمهم به.

مشایخ او: شَرِیْک قاضی، ابوالأخوص، ابن مُبارک، ابن عُیَیْثَه، جَرِیر بن عبدالحمید، هُشَیْم، ابوبکر بن عَیَّاش، اسماعیل بن عَیَّاش، ابواسامه، ابن مَهْدِیّ، یزید بن هارون و...

۱ - به ضم میم، و کاف و شین ساکن، به فارسی و زبان اهل خراسان یعنی ظرف مشک (تقریب التهذیب).

۲ - میزان الاhtدال، ج ۲، ص ۴۶۶، ش ۴۴۷۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۱۰، ش ۳۵۸۳؛ تقریب

التهذیب، ج ۱، ص ۴۲۵.

بسیاری دیگر.

راویان از او: ابو زُرْعَه رازی، بُخاری، مسلم، ابوداود، ابن ماجه، ابوالقاسم بَغَوِي، جعفر فَرَّیابی، احمد بن حنبل، ابوحاتم، ابویعلی، عبدان آهوازی، یوسف بن یعقوب نیشابوری و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره: ۲۳، ۹۶، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۱، ۱۹۵، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۶۳، ۲۸۳

عبدالله بن محمد بن علی بن نُفَیل^۲، ابوجعفر / خ ۴

عبدالله بن محمد بن علی بن نُفَیل ... ابوجعفر نُفَیلِی حَرَّانِی، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، متوفای ۲۳۴ هـ. بخاری، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت وی استدلال کرده‌اند. احمد بن حنبل از او به عظمت، یاد می‌کرد.

مشایخ او: ابوالملیح رَقَّی، خَطَّاب بن قاسم حَرَّانِی، مالک، زُهَیْر بن مُعاویه، دَرَاوَزْدِی، ابن ابی حاتم، ابن مبارک و...

راویان از او: ابوداود، ابراهیم جَوَزْجَانِی، عمرو بن منصور نَسَائِی، ابوداود حَرَّانِی، یحیی بن مَعِیْن، احمد، ذُهَلِی، ابوحاتم و...^۳

راوی حدیث شماره: ۱۳۵.

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۴۱۳؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۰۷، ش ۱۳۴۱؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۳۲، ش ۴۳۹؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۹۰، ش ۴۵۴۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۶۴، ش ۳۶۷۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۴۵.

۲ - به تصغیر (تقریب التهذیب).

۳ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۴۴۰، ش ۴۴۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۴۷۷، ش ۳۶۸۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۴۸.

عبدالله بن محمد بن ناجیه = عبدالله بن ناجیه = ابن ناجیه

ابومحمد عبدالله بن محمد بن ناجیه بن نجبه بربری، سپس، بغدادی، در تذکره الحفاظ از محدثان حافظ طبقه دهم به شمار آمده است متوفای ماه رمضان ۳۰۱ هـ. مشایخ او: سوید بن سعید، ابومعمر هذلی، عبدالواحد بن غیاث، عبدالاعلی بن حماد، ابوبکر بن ابی شیبه و ...

راویان از او: ابوبکر شافعی، ابن الجعفی، عمر بن محمد الزیثات و ...
راوی حدیث شماره: ۱۸۲.

عبدالوهاب بن ضحاک / ق

عبدالوهاب بن ضحاک بن ابان سلمی عزی^۲، ابوالحارث حمصی، ساکن سلمیه، (از نواحی حمص)، از راویان طبقه دهم، متوفای ۲۴۵ هـ. ابن ماجه به روایت وی استناد کرده است.

«ابن حجر» می گوید: او متروک و مورد تکذیب ابوحاتم است.

مشایخ او: اسماعیل بن عیاش، و بقیه بن ولید، عیسی بن یونس، ابن ابی قذیک، ولید بن مسلم، ابن عیینه و ...

راویان از او: ابن ماجه، عبدالوهاب بن نجده، ابن ابی عاصم، بقی بن مخلد و ...

مؤلف میزان الاعتدال حدیث مربوط به مهدی را به روایت وی نقل می کند.^۳

راوی حدیث شماره: ۱۵۳.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۹۶، ش ۷۱۷؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۶۸، ش ۳۸ (وفیات)، ۳۰۱ - ۳۱۰ هـ.؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۰۲.

۲ - به ضم عین و سکون راء، (تقریب التهذیب).

۳ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۷۹، ش ۵۳۱۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۴۸، ش ۴۳۸۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۲۷.

عبدالوہاب بن نجدہ^۱ / د س

عبدالوہاب بن نجدہ، حَوْطِيّ، ابو محمد جبَلِيّ، از راویان ثقہ طبقه دهم، متوقای سال ۲۳۲ هـ. در سنن ابوداود، و نسائی به روایت وی استدلال شده است.

مشایخ او: اسماعیل بن عیّاش، دَرَاوَزْدِيّ، بَقِيّه، ولید بن مسلم، ابوالیمان و...

راویان از او: ابوداود، نسائی، ابراهیم بن محمد حَمِصِيّ، ابن ابی خَیثَمه، و...

راوی حدیث شماره: ۱۵۰.

عثمان بن محمد بن ابراهیم = عثمان بن ابی شیبہ / خ م د س ق

عثمان بن محمد بن ابراهیم بن عثمان بن خُوَاسْتِيّ عَبْسِيّ، ابوالحسن بن ابی شیبہ کوفی، برادر بزرگ تر ابوبکر بن ابی شیبہ، صاحب مُسْنَد و تفسیر، از حافظان بلند آوازه و راوی ثقہ طبقه دهم و اهل مزاح، متولد ۱۵۶ هـ. و متوقای محرم ۲۳۹ هـ. در ۸۳ سالگی. بخاری، مسلم، ابوداود، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت وی استدلال نموده‌اند.

«ابن حَجَر» درباره او نوشته است: ثِقَّةٌ حَافِظٌ شَهِيْرٌ وَلَهُ أَوْهَامٌ، وَقِيلَ لَا يَحْفَظُ الْقُرْآنَ.

مشایخ او: جَرِيْر بن عبدالحمید، شَرِيْكَ، هُشَيْم، اسماعیل بن عیّاش، ابن مبارک،

وکیع، قاسم بن مالک و ...

راویان از او: صاحبان صحاح بجز تِرْمِذِيّ، ابویعلی، ابوزرعه، ابوحاتم، ذُهَلِيّ، جعفر

فَرِيْابِيّ، بَغَوِيّ و...^۳

۱ - «نجدہ» به فتح نون و سکون جیم. «حَوْطِيّ»، به فتح حاء و سکون واو (تقریب التهذیب).

۲ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۳، ش ۱۹۹ (در ضمن ترجمه ابراهیم بن محمد حَمِصِيّ)؛ تهذیب

التهذیب، ج ۵، ص ۳۵۴، ش ۴۳۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ش ۵۲۵.

۳ - الطبقات الکبری، ج ۶، صص ۴۱۲ و ۴۱۳، ش ۱۳۴۲؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۴۴، ش ۴۵۰؛ میزان

راوی احادیث شماره: ۱۴۰، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۶۰.

عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ / ع

عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَفَّارٍ، ابوعثمان بَصْرِيِّ، ساکن و مُحدِّث بغداد، از راویان ثقه، ثَبَّت و سُنَّت گرای طبقه دهم، متولد پس از ۱۳۰ هـ. و متوفای ۲۱۹ یا ۲۲۰ هـ. در صحاح شش گانه به روایت وی استدلال شده است.

«عِجْلِيٌّ» می گوید: در یک قضیه قضایی، برای او ده هزار دینار مقرر شد تا در مورد شخصی سکوت کند و تعدیل نماید، نپذیرفت و گفت: حقی را باطل نمی کنم. و نیز در مسأله مِخْنَت، به فرمان «مَأْمُون» از او خواسته شد که قائل به خَلْق قرآن شود و گرنه حقوقش که ماهیانه پانصد درهم بود قطع می شود، نپذیرفت و گفت: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾.^۱

مشایخ او: شُعْبَةُ، هِشَامُ دَسْتَوَائِيٌّ، حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، وَهَيْبُ بْنُ خَالِدٍ، هَمَّامُ بْنُ يَحْيَى، ابوعوانه، عبدالوارث بن سعید و...

راویان از او: ابوبکر بن ابی شیبّه، عثمان بن ابی شیبّه، احمد بن حنبل، بخاری، علی ابن مدینی، ابن معین، ابوزرعه دمشقی، ابوقدامة سرخسی، عبدالله دارمی، اسحاق بن راهویه، فضل بن سهل و...^۲

راوی احادیث شماره: ۸۹، ۱۳۰، ۲۶۳، ۲۶۵.

→ الاعتدال، ج ۳، ص ۳۵، ش ۵۵۱۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۵۱۰، ش ۴۶۴۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۳.

۱ - سورة الذاریات، آیه ۲۲.

۲ - الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۲۹۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۵۷۳، ش ۱۹۴۲؛ تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۷۹، ش ۳۷۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۸۱، ش ۵۶۷۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۵۹۶، ش ۴۷۶۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۵.

علی بن سعید رازی

علی بن سعید بن بشیر بن مهران، ابوالحسن رازی حافظ رَحَّال، جوَّال، ساکن و مُحدِّث مصر، از حافظان و راویان طبقه دهم، متوفای ذی‌قعدة ۲۹۷ هـ. یا ۲۹۹ هـ. از ابن یونس نقل شده: تَكَلَّمُوا فِيهِ. ابن حَجَر در لسان المیزان نوشته است: قلتُ: لعلَّ كلامهم فيه من جهة دُخوله في أعمال السُّلطان، و حكي حمزة بن محمد الكتّاني أنَّ عبدان بن أحمد الجواليقي كان يعظّمه.

مشایخ او: جُبارة بن مُقلِّس، عبدالأعلى بن حمّاد، عبدالرحمن بن خالد بن نجیح، محمد بن هاشم بَعْلَبَكِّي، نوح بن عمرو سَكْسَكِي و...

راویان از او: ابوالقاسم طَبْرَانِي، حسن بن رشيق، ابوسعد ابن الأعرابي و...

راوی احادیث شماره: ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۸۱، (بی شماره پس از شماره ۲۰۶)، ۲۳۳، ۲۷۱.

علی بن مُنذِر طَرِيقِي ۲ / ت س ق

علی بن مُنذِر طَرِيقِي، كُوفِي از راویان صدوق طبقه دهم، متوفای سال ۲۵۶ هـ. که دیدگاه برخی از عالمان رجالی درباره او بدین شرح است:

«ابن حَجَر»: صدوقٌ يتشيع. «نَسَائِي»: شيعيٌّ مَحْضٌ، ثقة. «ابن حَبَّان» وی را در الثقات یادآور شده و «ابن نُعْمِر» می‌گوید: ثقة صدوق. در سنن ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: پدرش، ابن عُبَيْتِه، ابن فَضَيْل، ابن نُعْمِر، وَكَيْع، وَليد بن مُسلم و...

راویان از او: تَرْمِذِي، نَسَائِي، ابن ماجه، عبدالرحمن بن ابی حاتم، مُطَيِّن، يحيى بن

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۵۰، ش ۷۵۱؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۳۱، ش ۵۸۵۰؛ لسان المیزان، ج

۴، ص ۲۳۱، ش ۶۱۵.

۲ - به فتح طاء و کسر راء، (تقریب التهذیب)؛ در تهذیب التهذیب آمده: به او طریق گفته می‌شود چون در راه به دنیا آمد.

صاعد و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۵۵.

عمران بن موسی بن مجاشع = سختیانی

ابو اسحاق عمران بن موسی بن مجاشع جرجانی از حافظان ثقه و ثبت طبقه دهم،
محدث جرجان، صاحب تصانیف، متوفای ماه رجب سال ۳۰۵ هـ.
مشایخ او: هدیه بن خالد، ابراهیم بن منذر حزامی، سؤید بن سعید، ابوالربیع زهرانی،
ابوکامل جحدری و...

راویان از او: ابراهیم بن یوسف هسنبجانی، ابو عبدالله بن آخرم، ابوعلی نیشابوری،
ابوعمر بن نجید، ابوعمر بن حمدان و...^۲
راوی حدیث شماره: بعد از شماره ۴۶.

عمرو بن خالد حرّانی / خ ق

عمرو بن خالد بن فروخ بن سعید... تمیمی حنظلی، خزاعی، ابوالحسن حرّانی،
جزری، ساکن مصر، از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای سال ۲۲۹ هـ. در مصر. بخاری و
ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت وی استدلال کرده‌اند.
مشایخ او: ابوالملیح رقی، زهیر بن معاویه، لیث، ابن لهیعه، حماد بن سلمه، محمد
ابن سلمه حرّانی و...

راویان از او: بخاری، ابن ماجه، ابوالأخوص محمد بن هیثم، یونس بن

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۵۶؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۵۷، ش ۵۹۴۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص

۷۴۴، ش ۴۹۵۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۴.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۶۲، ش ۷۶۳؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۲۰، ش ۷۳۶.

عبدالاعلی و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۵۲.

عمرو بن عثمان بن سعید بن کثیر / د س ق

عمرو بن عثمان بن سعید بن کثیر بن دینار قرشی، ابوحنص حنصی محدث حنص، از راویان صدوق طبقه دهم، متوفای سال ۲۵۰ هـ.

در سنن ابوداود، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: پدرش، مروان بن معاویه، ولید بن مسلم، اسماعیل بن عیاش، سفیان بن

عیثه، بقیه و...

راویان از او: ابوداود، نسائی، ابن ماجه، ابوزرعه، ابوحاتم، ذهلی، ابن ابی عاصم،

عبدان اهوازی، و...^۲

راوی حدیث شماره: ۴۳.

عمرو بن علی فلاس / ع

عمرو بن علی بن بحر بن کنیز^۳ باهلی، ابوحنص بصری، صیرفی فلاس، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، متوفای ذیقعده سال ۲۴۹ هـ. در سامرا. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد جسته اند. او بارها به اصفهان تردد کرده بود.

مشایخ او: ابن مهدی، عبدالوهاب ثقفی، یزید بن زریع، ابوداود طیالسی، غندر، ابن

۱ - میزان الاستدال، ج ۳، ص ۲۵۸، ش ۶۳۶۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۲۷، ش ۵۱۸۴؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۶۹.

۲ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۰۹، ش ۵۲۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۸۳، ش ۵۲۴۵؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۷۴.

۳ - به ضم کاف و فتح نون و سکون یاء.

ابی عدی، یحیی بن سعید قَطَّان، یزید بن هارون، ابن عیینة، محمد بن فضیل، مُعْتَمِر بن سلیمان و...

راویان از او: صاحبان صحاح شش گانه، ابوزرعه، ابوحاتم، عبدالله بن احمد، محمد ابن جریر طبری و...^۱

راوی احادیث شماره: ۶۷، ۲۰۴ و پاورقی شماره ۱۷۳.

عمرو بن عون واسطی / ع

عمرو بن عون بن اوس بن جعد، ابوعثمان واسطی، بزار، ساکن بصره، از راویان ثقه و ثبت طبقه دهم، متوفای سال ۲۲۵ هـ. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: خالد بن عبدالله، حماد بن هشیم، شریک، ابو عوانه، ابو معاویه، وکیع و...
راویان از او: بخاری، ابوداود، ابوحاتم، ابوزرعه، علی بن عبدالعزیز بغوی، حجاج ابن شاعر، عبدالله دارمی، یحیی بن معین، ابوقدامة سرخسی و...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۰۹.

فضل بن حباب، ابوخلیفه

فضل بن حباب، ابوخلیفه جمحی، بصری و محدث بصره. در «تذکره الحفاظ» وی را از راویان طبقه دهم معرفی می کند، متوفای ماه جمادی الأولى سال ۳۰۵ هـ. در میزان

۱ - بنگرید به: تهذیب الکمال، ج ۱۴، ص ۲۹۷، ش ۵۰۰۰؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۸۷، ش ۵۰۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۳۷۷، ش ۳۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۸۷، ش ۵۲۵۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۷۵.

۲ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۱۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۴۹، ش ۳۲۰۰؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۲۶، ش ۴۳۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۹۳، ش ۵۲۶۳؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۷۶.

الاعتدال و لسان المیزان آمده: وی عالم ثقه است و «ابن حبان» او را در الثقات یاد آور شده، ولی «سلیمان» می گوید: وی رافضی است.

مشایخ او: قَعْنَبِي، مُسَلِم بن ابراهیم، مُسَدَّد، سلیمان بن حَرْب، ابوالولید طَيَالِسِي و...
راویان از او: طَبْرَانِي، اسماعیلی، ابن عَدِي، ابوالشیخ، و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱، ۱۶۳.

قاسم بن خلیفه

گویا وی از راویان طبقه دهم است.

«ابن ابی حاتم» نوشته است: قاسم بن خلیفه کوفی، از عمرو بن محمد عَنَقَزِي روایت کرده، و علی بن حسین بن جنید رازی، معروف به مالکی، از او روایت می کند. و نیز نوشته است که شیعه و از اصحاب حسن بن صالح بوده است.^۲
راوی حدیث شماره: ۱۰۰.

قَتِيْبَةُ^۳ بن سعید بَغْلَانِي^۴ / ع

قَتِيْبَةُ بن سعید بن جمیل بن طَرِيف... تَقْفِي، ابورجاء بَغْلَانِي، از راویان ثقه و ثبت طبقه دهم، متولد ۱۵۰ هـ. و متوفای ۲۴۰ هـ. در ۹۰ سالگی. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: رِشْدِين بن سعد، مالك، لَيْث، ابن لَهْبَعَه، داود بن عبدالرحمن عَطَّار،

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۷۰، ش ۶۹۰؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۵۰، ش ۶۷۱۷؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۲۸، ش ۱۳۴۰.

۲ - الجرح والتعديل، ج ۷ (قسم دوم از جلد سوم)، ص ۱۰۹، ش ۶۳۰.

۳ و ۴ - «ابن عَدِي» گفته است: نامش یحیی، ولقبش قَتِيْبَةُ، و «ابن مَنْدَه» می گوید: نامش علی است. «بَغْلَانِي» منسوب به «بَغْلَان» بلده ای است در نواحی بَلخ. (اللباب).

عبدالوارث بن سعید، حمّاد بن زید، حفص بن غیاث، جریر بن عبدالحمید، ابوالأحوص، شریک، عبدالوہاب ثقفی، فضیل بن عیاض، ہشیم، ابو عوانہ، ابن عیینہ، اسماعیل بن علیہ، ابواسامہ، محمد بن فضیل بن غزوان و...

راویان از او: نعیم بن حمّاد، احمد بن حنبل، ترمذی و دیگر صاحبان صحاح بجز ابن ماجہ، احمد بن سعید دارمی، ابوبکر بن ابی شیبہ، علی بن مدینی، محمد بن عبداللہ نمیر، یحییٰ بن معین، ابوخیثمہ، زہیر بن حرب، زعفرانی، ابو حاتم، ابو زرعہ، حارث بن ابی اسامہ، عبدان بن محمد مروزی و ...^۱

راوی احادیث شماره: ۴، ۵، ۶، ۲۶۱.

قطن^۲ بن نسیر بصری / م د ت

قطن بن نسیر، ابو عبّاد بصری، غبری، معروف به ذراع، از راویان صدوق طبقہ دہم کہ «ابن حجر» درباره او نوشته است: صدوق یخطئ. مسلم، ابوداود و ترمذی بہ روایت وی استناد کردہ اند.

مشایخ او: عدی، بن ابی عمارہ نمیری، جعفر بن سلیمان ضبعی، عبدالرحمن بن مهدی، بشر بن منصور سلیمی، عمرو بن نعمان باہلی و...

راویان از او: ابویعلیٰ موصلی، مسلم، ابوداود، ترمذی، ابراہیم بن ہاشم بغوی، عبدان آہوازی، ابوالقاسم بغوی و ...^۳

از او روایت شدہ کہ پیامبر ﷺ فرمود: «لَيْسَ أَلْأَحَدُكُمْ رَبُّهُ حَاجَتَهُ حَتَّىٰ فِي شِئْخِ نَعْلِهِ

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۷۹؛ الطبقات، ج ۲، ص ۸۴۰، ش ۳۱۶۱؛ تہذیب التہذیب، ج ۶، ص

۴۸۸، ش ۵۷۱۰؛ تہذیب التہذیب، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲ - «قطن» بہ فتح قاف و طاء «نسیر» بہ تصغیر (تہذیب التہذیب).

۳ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۹۱، ش ۶۹۰۱؛ تہذیب التہذیب، ج ۶، ص ۵۱۶، ش ۵۷۴۶؛ تہذیب

التہذیب، ج ۲، ص ۱۲۶.

إِذَا انْقَطَعَ».

راوی حدیث شماره: ۸۸.

مَالِكُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ، ابُوغَسَّانِ مِسْمَعِيٍّ / م د

مَالِكُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ، ابُوغَسَّانِ مِسْمَعِيٍّ بَصْرِيٌّ، از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای سال ۲۳۰ هـ. مُسْلِمٌ و ابوداود در صحیح و سنن به روایت وی استناد کرده‌اند. مشایخ او: مُعَاذُ بْنُ هِشَامٍ، عَبْدِ الْأَعْلَى بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى، عَبْدِ الْوَهَّابِ ثَقَفِيٍّ، مُعْتَمِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ، ابْنُ أَبِي عَدِيٍّ، يَشْرُ بْنُ مَفْضَلٍ، مُعَاذُ بْنُ مُعَاذٍ، يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ، مُعَاذُ بْنُ مُثَنَّى وَ...^۱ راویان از او: مُسْلِمٌ، ابوداود، عثمان بن خُرَزَادِ أَنْطَاكِيٍّ، مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ كُدَيْمِيٍّ، مُعَاذُ ابْنِ مُثَنَّى وَ...^۲

راوی حدیث شماره: ۱۸۸.

مُحَمَّدُ بْنُ أَبَانَ وَاسِطِيٍّ / بخ

مُحَمَّدُ بْنُ أَبَانَ بْنِ عِمْرَانَ بْنِ زِيَادٍ... وَاسِطِيٍّ از راویان طبقه دهم متولد ۱۴۷ هـ. و متوفای ۲۳۸ یا ۲۳۷ هـ. در ۹۰ سالگی. «ابن حبان» در الثقات او را یادآور شده ولی «أزدي» درباره او حرف دارد، بخاری به روایت وی استناد کرده است. مشایخ او: أَبَانَ بْنُ يَزِيدِ عَطَّارٍ، جَرِيرُ بْنُ حَازِمٍ، حَمَّادُ بْنُ أَبِي الْأَخْوَصِ، عَبْدِ الْوَارِثِ، هُشَيْمٌ، ابُو عَوَانَةَ الْوَضَّاحِ، وَ...

راویان از او: پسرش: أَحْمَدُ، بَقِيٌّ بْنُ مَخْلَدٍ، ابُو زُرْعَةَ رَازِيٍّ، ابُو يَعْلَى وَ...^۳
راوی احادیث شماره: ۱۷۹، ۱۸۲.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۱، ش ۶۷۰۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲ - تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۴۰۳، ش ۶۳۳۷.

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳، ش ۵۸۸۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۰.

محمد بن احمد بن ابی خنیثمه

محمد بن ابی بکر احمد بن ابی خنیثمه زهیر بن حرب، نسائی و سپس بغدادی از راویان حافظ طبقه دهم می باشد.

مشایخ او: نصر بن علی جهضمی، عباد بن یعقوب، عمرو بن علی فلاس و ...

راویان از او: ابوالقاسم طبرانی، احمد بن کامل، ابوبکر بن مقسم مرقی و ...^۱

راوی احادیث شماره: ۳۱، ۱۸۶.

محمد بن اسحاق امام = ابن خزیمه

«ذهبی» درباره او می نویسد: حافظ بزرگ طبقه دهم، امام الأئمة، شیخ الإسلام، ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه بن مغیره بن صالح بن بکر سلمی نیشابوری (۲۲۳ - ۳۱۱ هـ)، «...وانتهت إليه الإمامة والحفظ في عصره بخراسان».

از زاهد ابو عثمان حیری نقل می کند: «إن الله ليدفع البلاء عن أهل هذه المدينة بمكان ابی بکر محمد بن اسحاق».

شیخان یعنی بخاری و مسلم از او روایت کرده اند.

ابو احمد حسینک، گوید: سمعتُ إمام الأئمة ابن خزيمه يحكي عن علي بن خنرم، عن إسحاق بن راهويه أنه قال: أحفظ سبعين ألف حديث. فقلت لابن خزيمه: فكم يحفظ الشيخ؟ فضرني على رأسي وقال: ما أكثر فضولك! ثم قال: يا بُني، ما كتبتُ سواداً في بياضٍ إلا وأنا أعرفه.

ابن خزيمه گوید: كنتُ إذا أردتُ أن أصنّف الشيء دخلتُ الصلاة مُستخيراً حتى يفتح لي فيها، ثم أبتدئُ التصنيف.

ابوبکر محمد بن جعفر گفته است: سمعتُ ابن خزيمه يقول، و سُئل: من أين أوتيت

العلم؟ فقال: قال رسول الله ﷺ: «ماء زمزم لما شرب له»، وإني لما شربت ماء زمزم سألت الله علماً نافعاً.

«ابن حجر عسقلاني» می نویسد^۱:

از «أبو بكر محمد بن مؤمل بن حسن بن عيسى» نقل شده است:

خرجنا مع إمام أهل الحديث أبي بكر بن خزيمة وعديله أبي علي الثقفى مع جماعة من مشايخنا، وهم إذ ذاك متوافرون إلى زيارة قبر علي بن موسى الرضا بطوس، قال: فرأيت من تعظيمه - يعني ابن خزيمة - لتلك البقعة وتواضعه لها وتضرعه عندها ماتحيرنا.

مشايخ او: اسحاق بن راهويه، محمد بن حميد رازي، محمود بن غيلان، محمد بن اَبان مُسْتَمْلِي، اسحاق بن موسى خَطْمِي، عُثْبَةُ بن عبد الله يَحْمُدِي، علي بن حُجْر، ابوقدامة سرخسي، احمد بن منيع، بشر بن معاذ، ابوكريب، عبدالجبار بن علاء، يونس بن عبدالاعلى، و...

راويان از او: بخاري و مسلم در غير صحيح، محمد بن عبدالله بن عبدالحكيم، ابو عمرو بن مبارك، ابراهيم بن ابي طالب (با اينكه نامبرده گان از او بزرگ تر بودند) ابو علي نيشابوري، اسحاق بن سعد نسوي، ابو عمرو بن حمدان، ابو حامد احمد بن محمد ابن بالويه، ابوبكر احمد بن مهران مقرئ، محمد بن احمد بن علي بن نصير معدل، نواده اش: محمد بن فضل بن محمد بن اسحاق، و...^۲

راوی حدیث: ۱۰۹.

۱ - تهذيب التهذيب، ج ۵، ص ۷۴۵، ش ۴۹۵۴.

۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۲، ص ۱۹۶، ش ۱۱۰۳؛ تذكرة الحفاظ، ش ۷۳۲؛ تاريخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۴۲۲، ش ۳۹.

محمد بن اسحاق بن منصور = محمد بن ابی یعقوب کرمانی / خ

محمد بن اسحاق بن منصور، ابو عبدالله بن ابی یعقوب کرمانی، ساکن بصره، و از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای ۴۴۴ هـ. بخاری به روایت او استناد جسته است. ذهبی گفته است: محمد بن ابی یعقوب کرمانی از استادان بخاری است، و نام پدرش اسحاق بن منصور می باشد.

مشایخ او: حسان بن ابراهیم کرمانی، عبدالوهاب ثقفی، ابن عیثه، معتیر بن سلیمان، وکیع، ابن مهدی، بشر بن مفضل، غندر، و...
 راویان از او: بخاری، عمر بن خطاب سجستانی، عبدالله بن یعقوب بن اسحاق کرمانی، عباس بن محمد بن مجاشع و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۱۹۷.

محمد بن اسماعیل بن ابی سمیئه^۲ / خ د

محمد بن اسماعیل بن ابی سمیئه، ابو عبدالله بصری، از راویان طبقه دهم، متوفای سال ۲۳۰ هـ. بخاری و ابوداود در صحیح و سنن به روایت وی استناد کرده اند.
 مشایخ او: معتیر بن سلمان، عبدالوهاب ثقفی، معاذ بن هشام، یزید بن زریع، ابوبکر ابن عیاش و...
 راویان از او: ابوداود، بخاری، محمد بن ابی غالب، قومیسی، ابوزرعه، ابوحاتم، ابویعلی مؤصلی، موسی بن هارون، معاذ بن مثنی و...^۳
 راوی حدیث شماره: ۱۰.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۷۰، ش ۸۳۳۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۴، ش ۵۹۲۸؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۱ و ۱۴۴.
 ۲ - به فتح سین و کسر میم (تقریب التهذیب).
 ۳ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۸۲، ش ۷۲۲۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۵۱، ش ۵۹۳۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۲۵.

محمد بن بشار، بَندار^۱ / ع

محمد بن بشار بن عثمان بن داود کِیسان عبَدی، ابوبکر، بَصْرَی، بَندار، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، متولد ۱۶۷ هـ. و متوفای ۲۵۲ هـ. در ۸۵ سالگی. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استناد جسته اند.

او تا وقتی مادرش زنده بود به خاطر نیکی به مادرش، از بصره به جایی سفر نکرد. مشایخ او: عبدالوهاب ثقفی، ابن ابی عدی، غنَدر، مُعْتَمِر بن سلیمان، یحیی بن سعید، مُعَاذ بن هِشام، ابن مَهْدِی، ابوداود طَیَالِسی، یزید بن زُرَیج، یزید بن هارون، عبدالصمد بن عبدالوارث و...

راویان از او: صاحبان صحاح شش گانه، بَغَوِی، ابن خَزِیمَه، ابوزُرَّعَه، ابوحاتم، ابن ناجیه، ابوخلیفه و...^۲

راوی احادیث شماره: ۷۱، ۹۱، ۱۰۹.

محمد بن حمید بن حیان رازی / د ت ق

محمد بن حمید بن حیان، تمیمی، ابو عبدالله رازی، از راویان حافظ طبقه دهم که «ابن حجر» درباره او نوشته است: حافظ ضعیف، وکان ابن معین حسن الرأي فیه. «عبدالله بن احمد» از پدرش نقل می کند: لا يزال بالريِّ عِلْمٌ مادام محمد بن حمید حیاً.

«ابن حجر» تاریخ درگذشت او را ۲۳۰ هـ. ولی «ذهبی» و نیز نویسندۀ تهذیب التهذیب ۲۴۸ هـ. نوشته اند. ابوداود، ترمذی و ابن ماجه در سنن به روایت وی استناد کرده اند.

۱ - به ضم باء و فتح آن، و سکون نون (تقریب التهذیب).

۲ - بنگرید به: تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۱۳۲، ش ۵۶۷۳؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۱۱، ش ۵۲۶؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۹۰، ش ۷۲۶۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۶۳، ش ۵۹۶۲؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۷.

مشایخ او: هارون بن مُغیره، یعقوب بن عبدالله قُسمی، ابن مبارک، جریر بن عبدالحمید، زید بن حُبَاب، ابوداود طیالسی، و...

راویان از او: ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، محمد بن محمد باغندی، محمد بن جریر طبری، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، عبدالله بن احمد بن حنبل، عبدالله بن محمد بغوی، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۹۸.

محمد بن عبدالرحمن بن سَهْم أَنطَاقِی / م

محمد بن عبدالرحمن بن حکیم بن سَهْم أَنطَاقِی، از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای سال ۲۴۳ هـ. در صحیح مسلم به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: ابواسحاق قَزَارِی، ولید بن مُسلم، عیسی بن یونس، بقیه، ابن مبارک، مُعْتَمِر بن سلیمان و...

راویان از او: مُسلم، حسین بن اسحاق تُسْتَرِی، عبدالله بن احمد بن حنبل، موسی بن هارون، ابویعلی مَوْصِلِی، ابوالقاسم بغوی و...^۲

راوی حدیث شماره: ۱۷۶.

محمد بن عبدالله بن نَمِیر = ابن نَمِیر / ع

محمد بن عبدالله بن نَمِیر هَمْدَانِی خَارِجِی، ابوعبدالرحمن کُوفِی از محدثان نامدار و از راویان ثقه، حافظ و فاضل طبقه دهم، متوفای سال ۲۳۴ هـ. صاحبان صحاح شش گانه به روایت وی استدلال کرده‌اند.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۹۰، ش ۵۰۶؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۳۰، ش ۷۴۵۳؛ تهذیب التهذیب،

ج ۷، ص ۱۱۸، ش ۶۰۴۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۵۶.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۷۹، ش ۶۳۱۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۸۳.

«ابن جنید» گفته است: او جامع علم، فهم، سنت و زهد و در عین حال فقیر بود.
 مشایخ او: پدرش، سفیان بن عیینه، مروان بن معاویه، اسماعیل بن علیّه، عبدالله بن
 ادريس، حفص بن غياث، زيد بن حباب، وکیع بن جراح، و...
 راویان از او: بخاری، مسلم، ابوداود، ابن ماجه، ابوزرعه، ابویعلی و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۲۲۳.

محمد بن عبدالله خضرمی = مطین

ابوجعفر محمد بن عبدالله بن سلیمان خضرمی کوفی، مطین، محدث کوفه و صاحب
 مُسند، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم. در تذکره الحفاظ آمده است: متولد ۲۰۲ هـ. و
 متوفای ۲۹۷ هـ. و نیز می نویسد: به سخنان همسالان درباره یکدیگر اعتناء نمی شود.
 مشایخ او: احمد بن یونس، یحیی جمانی و...
 راویان از او: ابوالقاسم طبرانی، ابوبکر النجاد، ابوبکر اسماعیلی و...^۲
 راوی حدیث شماره: ۱۷۷.

محمد بن عبیدوس بن کامل سراج = ابن عبیدوس

ابواحمد محمد بن عبیدوس بن کامل سلمی بغدادی سراج، نام پدرش عبدالجبار، در
 تذکره الحفاظ آمده: از راویان ثقه، حافظ و ثبت طبقه دهم است. متوفای سال ۲۹۳ هـ.
 مشایخ او: علی بن الجعد، داود بن عمرو ضبی، احمد بن حبان، ابوبکر بن ابی
 شیبه، و...

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۳۹، ش ۴۴۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۶۵، ش ۶۲۹۸؛ تقریب
 التهذیب، ج ۲، ص ۱۸۰.

۲ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۶۲، ش ۶۸۲؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۰۷، ش ۷۸۰۱.

راویان از او: طبرانی، جعفر خَلْدِي^۱ (جعفر بن محمد بن نصیر بن قاسم...) ابوبکر النَّجَّاد، و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۴۱.

محمد بن عثمان بن ابی شیبّه

محمد بن عثمان بن ابی شیبّه، ابوجعفر عَبَسِي كوفي، محدث کوفه، متوفای ۲۹۷ هـ. که مؤلف تذکرة الحفاظ وی را از راویان حافظ و صاحب تألیفات طبقه دهم، شمرده است. درباره او سخنان متناقضی بدین شرح گفته شده: «صالح جزره» گوید: ثقه است. «ابن عدی» گفته است: از او حدیث منکری ندیدم که یادآور شوم، «عبدان» وی را برایم توصیف کرد: لا بأس به. «ابن حبان» او را در الثقات یادآور شده، اما «عبدالله بن احمد ابن حنبل» او را تکذیب کرده و «مُطِين» گفته است: هُوَ عَصَا مُوسَى يَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ. بنابراین همان گونه که ابن حَجَر عَسْقَلَانِي^۳ گفته است، «ابونعیم بن عدی» حافظ نیز می گوید: راه درست این است که از قبول سخنان اقران و همسالان در حق یکدیگر، خودداری شود. زیرا «مُطِين» با او رابطه خوبی نداشته است.^۴

مشایخ او: پدرش، عموهایش: ابوبکر و قاسم، علی بن مدینی، یحیی بن معین، احمد بن یونس و...

۱ - به ضمّ خاء و سکون لام، منسوب به «خُلْد» محله‌ای است در بغداد، جعفر بن محمد بن نصیر بن قاسم خَلْدِي ابومحمد م ۳۴۸ هـ. (بنگرید به: الأنساب، ج ۵، ص ۱۷۶).

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۸۳، ش ۷۰۴؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۹۷، ش ۶۸۲.

۳ - لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۰۱، ش ۶۳۷، در شرح حال ابونعیم اصفهانی.

۴ - لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۸۱، ش ۹۶۵: «قال ابونعیم بن عدی الحافظ: وقفت علی تعصب بین مُطِين و بین محمد بن عثمان بن ابی شیبّه حتی ظهر لی أنّ الصواب الإمساك عن قبول کل واحد منهما فی صاحبه».

راویان از او: طَبْرَانِيّ، ابوبکر شافعی، جعفر الخَلْدِيّ، ابوعلی الصوّاف، و...^۱
راوی حدیث شماره ۵: ۲۶۷.

محمد بن علاء، ابوکَرِيب كُوفِيّ / ع

محمد بن علاء بن كُرَيْب هَمْدَانِيّ، ابوکَرِيب كُوفِيّ، مشهور به كُنْيَةُ ابوکَرِيب، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، متوفای سال ۲۴۷ یا ۲۴۸ هـ. در ۸۷ سالگی. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

در تهذیب التهذیب آمده است: قال صالح جَزْرَةَ: غلبت اليُوسَة مرّةً علی رأس أبي كُرَيْب، فغَلَّف الطَّيِّبُ رَأْسَهُ بالفالودج، فأخذه من رأسه، فوضعه في فيه وقال: بطني أحوج إلى هذا.

مشایخ او: ابوبکر بن عیّاش، عمرو بن عبّید، ابن عیّته، ابن مبارک، هُشَيْم، عبدالله ابن ادريس، حَفْص بن غِيَاث، مُعْتَمِر، ابومعاويه ضَرِير، وَكَيْع، اسماعيل بن عَلِيّه، ابواسامه و...^۲

راویان از او: صاحبان صحاح شش گانه بجز نسائی، ابوحاتم رازی، ابوزرعه رازی، عثمان بن خُرَزَاد، ذُهَلِيّ، ابن احمد، بَقِيّ بن مَخْلَد، ابویعلی مَوْصِلِيّ و...
راوی احادیث شماره ۵: ۱۶۷، ۴۵.

محمد بن عمران بن ابی لَيْلِيّ / بخت

محمد بن عمران بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی لَيْلِيّ انصاری، ابوعبدالرحمن،

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۶۱، ش ۶۸۱؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۴۲، ش ۷۹۳۴؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۸۰، ش ۹۶۵.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۹۷، ش ۵۱۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۶۲، ش ۶۴۵۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۷.

کوفی، از راویان صدوق طبقه دهم. ترمذی، در سنن و بخاری در الأدب المفرد به روایت وی استناد کرده‌اند.

مشایخ او: پدرش، ایوب بن جابر، عیسی بن یونس، محمد بن سلیمان اصفهانی و...
 راویان از او: بخاری در کتاب الأدب، ترمذی با واسطه، عثمان بن ابی شیبّه، ابوبکر ابن ابی شیبّه، عباس الدوری، ابو زرعه رازی، ابوحاتم، عثمان دارمی، محمد بن عبدالله حصرمی، محمد بن غالب تمام و...^۱
 راوی حدیث شماره: ۲۶۷.

محمد بن عیسی زجاج، ابو عبدالله اصفهانی زجاج

ابونعیم اصفهانی نوشته است: محمد بن عیسی بن خالد زجاج، امام مسجد جامع، ابو عبدالله، از محدثان و راویان ثقه و امین است.
 مشایخ او: عبید الله بن موسی، ابونعیم، ابو عاصم النبیل، حسین بن حفص، محمد بن زیاد اصفهانی، موسی بن تبوذکی، یحیی بن حماد، فضل بن موقق.
 راویان از او: محمد بن علی بن جارود، (ابوبکر بن جارود)، محمد بن احمد بن یزید زهری و...^۲
 راوی حدیث شماره: ۲۰۱.

محمد بن مثنی، ابو موسی / ع

محمد بن مثنی بن عبید ... عنزی^۳، ابو موسی بصری محدث بصره، معروف به «زمن»

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۵۸، ش ۶۴۵۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۷.
 ۲ - اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۹۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۹، ص ۳۰۸، ش ۴۷۶ (وفیات سال ۲۵۱ - ۲۶۰ هـ).

۳ - به فتح نون و زاء (تقریب التهذیب).

و مشهور به کنیه و نام، از راویان ثقه، حافظ و ثبت طبقه دهم، متولد سال ۱۶۷ هـ. و متوفای ۲۵۲ هـ. در صحاح شش گانه به روایت او استناد شده است.

«ابوالحسین سمنانی» گفته است: کان أهل البصرة یقدمون أباموسی علی بُندار، وکان الغرباء یقدمون بُنداراً.

«ابن حجر» می گوید: وکان هو و بُندار قرسی رِهان و در یک سال درگذشتند. مشایخ او: عبدالوهاب ثقفی، معاذ بن هشام بن جریر، یزید بن زریع، معتیر بن سلیمان، سفیان بن عیینه، غندر، ابن نمیر، ابن مهدی، قطان، معاذ بن معاذ، عقان، محمد ابن عبدالله انصاری و ...

راویان از او: صاحبان صحاح، و نسائی نیز با واسطه، ابوزرعه، ابوحاتم، زکریا ساجی، ابویعلی و ...^۱

راوی احادیث شماره: ۳۹، ۷۱، ۲۵۴.

محمد بن منذر بن سعید هروی

ابوعبدالرحمن محمد بن منذر بن سعید هروی، معروف به شکر، از راویان حافظ طبقه دهم، متوفای ۳۰۳ هـ. در هرات.

مشایخ او: محمد بن رافع، احمد بن عیسی مصری، علی بن خشرم، و ...
راویان از او: ابوالولید حسان بن محمد، ابوعمر بن مطر، ابوبکر احمد بن علی رازی و ...^۲

راوی حدیث شماره: ۶۰

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۱۲، ش ۵۲۷؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۴، ش ۸۱۱۵؛ تهذیب التهذیب،

ج ۷، ص ۴۰۱، ش ۶۵۱۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۰۴.

۲ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۷۴۸، ش ۷۴۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۱۲۹.

محمد بن منصور طوسی / د س

محمد بن منصور بن داؤد بن ابراهیم طوسی، ابوجعفر عابد، ساکن بغداد، از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای ۲۵۴ یا ۲۵۶ هـ. در ۸۰ سالگی. ابوداود و نسائی به روایت وی استناد کرده‌اند.

مشایخ او: ابن عیینه، ابن علیّه، قطن، معروف کرخی و...

راویان از او: ابوداود، نسائی، ابوحاتم، محمد بن عبدالله خضرمی، ابوبکر بزار، عباس الدوری، ابن ناجیه، عبدان اهوازی، ابن جریر، ابن خزیمه، بقوی و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۴۹.

محمد بن یحیی بن ابی عمر عدنی = ابن ابی عمر / م ت س ق

محمد بن یحیی بن ابی عمر عدنی، ابوعبدالله، مجاور مکه، مُصَنَّفِ مُسْنَدِ، از راویان صدوق طبقه دهم که ملازم ابن عیینه بود، متوفای ۲۴۳ هـ. مسلم، ترمذی، نسائی و ابن ماجه، در صحیح و سنن به روایت وی استناد کرده‌اند. او هفتاد و هفت بار موفق به انجام حج شد.

مشایخ او: پدرش، سفیان بن عیینه، فضیل بن عیاض، عبدالعزیز درآوردی، معتمر، عبدالوهاب ثقفی، عبدالرزاق، عبیدالله بن معاذ صنعانی، ولید بن مسلم، یزید بن هارون و...

راویان از او: مسلم، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، ابوزرعه رازی، ابوزرعه دمشقی، بقی بن مخلد، عثمان بن خرزاد و...^۲
راوی حدیث شماره: ۴۰.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۴۴، ش ۶۵۸۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۱۰.

۲ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۰۱، ش ۵۱۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۸۷، ش ۶۶۴۹؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۲۱۸.

محمد بن یزید بن رفاعه = ابوهشام رفاعی / م ت ق

محمد بن یزید بن محمد بن کثیر بن رفاعه، ابوهشام رفاعی کوفی، قاضی مدائن، از راویان طبقه دهم، متوفای سال ۲۴۸ هـ.

«ابن حجر» درباره وی نوشته است: قوی نیست. «ابن عدی» او را در شمار استادان بخاری یاد آور شده است. مسلم، ترمذی و ابن ماجه به روایت او استناد کرده‌اند.

مشایخ او: عبدالله بن ادریس، عبدالله بن نمیر، حفص بن غیاث، ابواسامه، محمد بن فضیل، ابوبکر بن عیاش، معاذ بن هشام و...

راویان از او: مسلم، ترمذی، ابن ماجه، ابن ابی خثیمه، ابن خزیمه، محمد بن هارون حَضْرَمِی و...

راوی احادیث شماره: ۲۵۶، ۲۵۹.

مُسَدَّدُ^۱ بن مُسْرَهْد بَصْرِی / خ د ت س

مُسَدَّدُ بن مُسْرَهْد بن مُسْرَبَلِ اسَدِی، بَصْرِی، ابوالحسن، از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، متوفای سال ۲۲۸ هـ. بخاری، ابوداود، ترمذی و نسائی به روایت وی استناد کرده‌اند.

گفته می‌شود: او نخستین شخصی است که در بصره «مُسَدَّد» را تصنیف کرد. و نیز گفته می‌شود: نامش عبدالملک بن عبدالعزیز و لقبش «مُسَدَّد» است.

مشایخ او: حماد بن زید، یزید بن زریع، هُشَیْم، فَضَیْل بن عِیَاض، جُوَیْرِیة بن اَسْمَاء، ابوالأخوص، عبدالوارث بن سعید، ابوَعَوَانَه، جَرَّاح و پسرش وَکِیْع بن جَرَّاح، قَطَّان، ابن عَلِیَّه، پسر بن مُفَضَّل و...

۱ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۶۸، ش ۸۳۲۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۹۳، ش ۶۶۶۰؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲ - به ضم میم، فتح سین و فتح دال مُسَدَّد (تقریب التهذیب).

راویان از او: ابوزرعه رازی، بخاری، ابوداود، اسماعیل قاضی، ابوخلیفه جمحی، ابوحاتم رازی، معاذ بن مثنی و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۵.

موسی بن محمد بلقاوی

موسی بن محمد بن عطاء بن طاهر دمیاطی بلقاوی مقدسی ابوالطاهر که گویا از راویان طبقه دهم می باشد و «ذهبی» در تاریخ الإسلام وی را در حوادث سال ۲۲۱ تا ۲۳۰ هـ یادآور شده است.

دیدگاه برخی از رجال شناسان درباره او بدین شرح است:
نسائی: لیس بثقة. دارقطنی: متروک. عقیلی: منکر الحدیث. ابونعیم اصفهانی: لاشيء.
مشایخ او: مالک، شریک، ابوالملیح، عطف بن خالد، ولید بن محمد الموقری، و...
راویان از او: ربیع بن محمد لاذقی، عثمان بن سعید دارمی، بکر بن سهل دمیاطی، ابوالأحوص عکبری، احمد بن خلید حلبی.^۲
راوی حدیث شماره: ۷۵.

نضر بن علی جهضمی / ع

نضر بن علی بن نضر بن علی... جهضمی بصری، نوه نضر بن علی بن صهبان ازدی جهضمی، از عالمان و راویان حافظ و ثبت طبقه دهم، متوفای سال ۲۵۰ هـ. در صحاح شش گانه به روایت وی استناد شده است.

در تهذیب التهذیب آمده که به خاطر نقل حدیثی درباره حسنین، به دستور متوکل،

۱ - الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۳۰۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۵۷۷، ش ۱۹۶۳؛ تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۲۱، ش ۴۲۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۱۳۰، ش ۶۸۷۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۴۲.
۲ - لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۲۷ و ۱۲۸، ش ۴۴۲ حرف میم. تاریخ الإسلام، ج ۱۶، ص ۴۱۹، ش ۴۴۰.

محکوم به هزار تازیانه شد.

لَمَّا حَدَّثَ نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ بِهَذَا الْحَدِيثِ - يَعْنِي حَدِيثَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: «مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، أَمَرَ الْمُتَوَكَّلُ بِضَرْبِهِ أَلْفَ سَوْطٍ.

در تهذیب الکمال آمده است: «قال الحافظ أبو بكر: إنما أمر المتوكل بضربه، لأنه ظنه رافضياً، فلما علم أنه من أهل السنة تركه».

«ابوبکر بن ابی داود» گفته است: كان المستعين بعث إلى نصر بن علي ليؤليه القضاء، فقال لأمير البصرة: أرجع فأستخير الله تعالى، فرجع إلى بيته، فصلّى ركعتين، ثم قال: اللهم إن كان لي عندك خير فاقبضني إليك، فنام فنبهوه فإذا هوميئت.

مشايخ او: پدرش، يزيد بن زريع، بشر بن مفضل، نوح بن قيس، مرحوم بن عبدالعزيز عطار، سفيان بن عيينه، وهب بن جرير بن حازم، وكيع و...

راویان از او: صاحبان صحاح، زكريا ساقي، احمد بن علي مروزي، ابن خزيمه، ابن ابی داود، محمد بن هارون حصرمي، ابو زرعه، ابو حاتم، ذهلي، عبدان اهوازي، اسماعيل قاضي و...^۱

راوی احادیث شماره: ۴۲، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۶۲.

نَعِيمُ بْنُ حَمَّادٍ مَرْوَزِيٍّ / خ م ق د ت ق

نَعِيمُ بْنُ حَمَّادِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَارِثِ بْنِ هَمَّامِ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ مَالِكٍ... خَزَاعِيٍّ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَرْوَزِيٍّ، سَاكِنٌ مِصْرَ، مِنْ حَافِظَانَ فُقِهٍ، مُحَدِّثٌ وَرَاوِيٌّ طَبَقَةُ دَهْمٍ، مِتُّوْقَايَ سَالِ ۲۲۸ هـ. تَرْمِذِيٌّ وَابْنُ مَاجَهَ، بِهِ رِوَايَتُ وَیِ اسْتِنَادُ كَرْدَهَانَد.

دیدگاه شماری از عالمان رجالی درباره او بدین شرح است:

۱ - تهذیب الکمال، ج ۱۹، ص ۶۹، ش ۷۰۰۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۱۹، ش ۵۳۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۹۴، ش ۷۴۰۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۰.

«جلال الدین سُیوطی» می‌نویسد: وی یکی از استادان بخاری است.^۱
 احمد بن حنبل و ابن معین، او را به ثقه توصیف کرده‌اند: «احمد عَجَلی» گفته است:
 ثقه صدوق. «ابوزکریا» نیز گفته است: صدوق ثقه، رجل صدق، أنا أعرفُ الناسَ به، کان
 رفیقی بالبصرة. «ابوحاتم». می‌گوید: محلّه الصدق.
 «ابن حجر» می‌نویسد: صدوق یخطئ كثيراً، فقیه عارف بالفرائض، وقد تتبّع ابن
 عدی ما أخطأ فيه، وقال: باقی حدیثه مستقیم.
 او کتابهایی در ردّ «جهمیّه»^۲ نگاشته و گفته است: أنا کنتُ جهمیّاً، فلذلك عرفتُ
 کلامهم، فلما طلبتُ الحدیثَ عرفتُ أنّ أمرهم یرجع إلى التعطیل.
 «خطیب» گوید: گفته می‌شود نَعِیم بن حمّاد، نخستین شخصی است که مُسَبّد را
 گرد آورد.

او بیش از چهل سال در مصر اقامت داشت تا اینکه در مسأله میحنت در عصر
 حکومت «معتصم» او و «بویطی» را به صورت مُقید و کت بسته، به عراق آوردند، از او
 درباره حدوث قرآن، پرسیده شد، اما او از پاسخ دادن خودداری کرد فحسب بسامیراء،
 فلم یزل محبوساً حتّی مات فی السّجن (جمادی الأولى سال ۲۲۸ هـ).

وی شدیداً با اهل رأی و قیاس مخالف بود، و این حدیث را روایت می‌کرد که:
 «تَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى بَضْعٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، أَعْظَمُهَا فِرْقَةٌ عَلَى أُمَّتِي قَوْمٌ يَقِيسُونَ الْأُمُورَ
 بِرَأْيِهِمْ، فَيُحِلُّونَ الْحَرَامَ وَيُحَرِّمُونَ الْحَلَالَ».

مشایخ او: ابراهیم بن طهمان، هُشَيم بن بشیر، عبدالله ابن مُبارک، ابوبکر بن عیاش،
 سُفیان بن عیینّه، عبدالوهاب تَقَفی، فَضیل بن عیاض، ابوداود طَیَالِسی، عبدالعزیز
 دَرَاوَزِدی، مُعْتَمِر بن سلیمان، بقیة بن ولید، جریر بن عبدالحمید، ابوحمزه سُکَری،

۱ - العاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ «الفتن»، لنعیم بن حمّاد، وهو أحد الأئمة الحفاظ، وأحد شیوخ
 البخاری»

۲ - در ضمن ترجمه «عثمان بن سعید دارمی» توضیح مختصری درباره فرقه «جهمیّه» ارائه شده است، به
 پاورقی ص ۲۵۷ مراجعه شود.

عیسی بن عبید کندی، نوح بن ابی مریم، خارجه بن مُصعب، یحیی بن حمزه، و دیگر محدثان از شام، عراق، مصر و خراسان.

راویان از او: بخاری، عبدالله بن عبدالرحمن دارمی، ابوحاتم رازی، یحیی بن معین، ابوزرعه دمشقی، ابوالأحوص عکبری، یعقوب قسوی، احمد بن یوسف سلمی، عبدالعزیز بن منیب، عبید بن شریک بزاز، محمد بن اسماعیل ترمذی، بکر بن سهل دمیاطی و...^۱

راوی احادیث شماره: ۵، ۱۶، ۶۴، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲ تا ۸۷، ۹۷، ۹۸، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴.

واصل بن عبدالأغلی / م ۴

واصل بن عبدالأغلی بن هلال آسیدی، ابوالقاسم یا ابومحمد کوفی، از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای سال ۲۴۴ هـ. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن، به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: ابن فضیل، ابوبکر بن عیاش، وکیع، أسباط بن محمد، ابواسامه، یحیی بن آدم.

راویان از او: صاحبان صحاح بجز بخاری، ابوحاتم، ابوزرعه، ابن ابی عاصم، یحیی ابن مخلص، مطین، محمد بن عثمان بن ابی شیبه، ابویعلی و...^۲
راوی حدیث شماره: ۱۵۴.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۱۸، ش ۴۲۴؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۶۷، ش ۹۱۰۲؛ تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۶، ص ۴۲۴، ش ۴۴۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۵۲۶، ش ۷۴۴۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۱۶، ش ۷۶۶۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۲۸.

ولید بن شجاع / م د ت

ولید بن شجاع بن ولید بن قیس سکونی کندی، ابوهمام بن ابی بدر کوفی، ساکن بغداد، از راویان ثقه طبقه دهم، متوفای ۲۴۳ هـ. مسلم، ابوداود و ترمذی به روایت وی استناد کرده‌اند.

مشایخ او: ابن عیینته، ابن ابی زانده، ولید بن مسلم، بقیه، حجاج بن محمد، ابن وهب، علی بن مشهر و ...

راویان از او: پدرش: ابوبدر، مسلم، ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، موسی بن هارون، ابوبکر بن ابی خنیتمه، ابویبید سرخسی، ابویعلی مؤصلی و ...^۱
راوی حدیث شماره: ۵۴

هارون بن عبدالله / م ۴

هارون بن عبدالله بن مروان بغدادی، ابوموسی بزاز، معروف به حمّال،^۲ از راویان ثقه و حافظ طبقه دهم، متوفای ۲۴۳ هـ. مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت وی استناد جسته‌اند.

مشایخ او: سفیان بن عیینته، ابواسامه، ابن ابی قَدَیْک، جعفر بن عون، حمّاد بن مسعود، عبدالصمد بن عبدالوارث، یزید بن هارون، وهب بن جریر و ...
راویان از او: فرزندش: موسی، ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، ابوالقاسم بقوی، ابوحاتم،

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۵۰، ش ۷۷۰۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲ - در تهذیب التهذیب آمده است: سُمِّيَ بِذَلِكَ، لِأَنَّهُ كَانَ بَرَّازًا فَتَزَهَّدَ، فَصَارَ يَحْمِلُ الشَّيْءَ بِالْأَجْرَةِ وَيَأْكُلُ مِنْهَا.

ابوزرعه، بقی بن مخلد، یحیی بن صاعد و...^۱

راوی احادیث شماره: ۵۴، ۲۸۰.

هدیه^۲ بن عبدالوهاب مروزی / ق

هدیه بن عبدالوهاب، مروزی، ابوصالح، از راویان صدوق طبقه دهم، متوفای ۲۴۱

ه. که ابن ماجه به روایت وی استناد کرده است.

مشایخ او: سعید بن عبدالحمید بن جعفر، ابن عیینه، ولید بن مسلم، وکیع، نضر بن

شمیل و...

راویان از او: ابن ماجه، ابوزرعه، عثمان بن خرزاد، عبدالله بن احمد، ابن ابی عاصم،

بقی بن مخلد و...^۳

راوی حدیث شماره: ۳۲.

هیثم بن حبیب

از راویان طبقه دهم، مؤلف میزان الاعتدال نوشته است: الهیثم بن حبیب عن سفیان

ابن عیینه بخبر باطل فی المهدی، هو المتهم به. رواه أبو نعیم عن الطبرانی، عن محمد بن

رزق بن جامع عنه.

در تهذیب التهذیب آمده است: روی عن ابن عیینة بإسناد صحیح خبراً طویلاً ظاهر

البطلان فی ذکر المهدی و غیر ذلك.

«ابن حجر» می نویسد: هیثم بن حبیب، استاد محمد بن رزق استاد طبرانی، متروک

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۷۸، ش ۴۹۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۰، ش ۷۵۱۵؛ تقریب التهذیب،

ج ۲، ص ۳۱۲.

۲ - به فتح هاء، کسر دال و تشدید یاء (تقریب التهذیب).

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۳۱، ش ۷۵۵۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱۵.

است.^۱

راوی حدیث شماره: ۲۳۶.

یحیی بن ابی طالب، جعفر بن زبرقان

از محدثان مشهور که مؤلف تذکرة الحفاظ وی را در طبقه دهم شمرده است. وی در سال ۲۷۵ هـ. در ۹۵ سالگی درگذشت.
مشایخ او: یزید بن هارون، عبدالوهاب بن عطاء الخفاف، علی بن عاصم، ابوداود طیالسی و...

راویان از او: ابن السّمّاک، محمد بن بختری^۲، ابوبکر نجّاد و...^۳
راوی حدیث شماره: ۷۰

یحیی بن عبدالله بن بکیر = ابن بکیر / خ م ق

یحیی بن عبدالله بن بکیر قرشی مخزومی، مصری، از راویان حافظ طبقه دهم، متولد سال ۱۵۴ هـ. و متوفای ۲۳۱ هـ. در ۷۷ سالگی. بخاری، مسلم و ابن ماجه به روایت او استدلال کرده‌اند.

«ابوحاتم» گفته است: یکتب حدیثه ولا یحتجّ به. «ذهبی» می‌گوید: قلت: قد علمت أنّ ابی حاتم فی الرجال، وإلا فالشیخان قد احتجّا به. «نسائی» نیز او را ضعیف

۱ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۲۰، ش ۹۲۹۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۰۲، ش ۷۶۴۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲ - به فتح باء، سکون خاء و فتح تاء (تقریب التهذیب).

۳ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۴، ق ۲، ص ۱۳۴، ش ۵۶۷؛ تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۲۰، ش ۷۵۱۲؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۳۳ در پایان شماره ۶۵۷؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۸۶، ش ۹۵۴۷؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۴۸۹، ش ۶۴۸؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۶۲، ش ۹۲۱.

دانسته است. «ابن حَجَر» نوشته است: ثقة في اللَّيْث.

مشایخ او: مالک (ولی در اینکه او از مالک، حدیث شنیده باشد، حرف است)، لیث، حماد بن زید، عبدالله بن لهیعه، عبدالعزیز دراوردی و...
راویان از او: بخاری، ابوزرعه رازی، ابوحاتم، محمد بن عبدالله بن نمیر، یحیی بن معین، دحیم و...^۱

راوی احادیث شماره: ۱۳، ۲۱.

یحیی بن غیلان خُزاعی / م ت س

یحیی بن غیلان بن عبدالله بن أسماء بن حارثه خُزاعی، یا اسلمی، ابوالفضل بغدادی، از راویان ثقة و مأمون طبقه دهم، متوفای ۲۲۰ هـ. مسلم، ترمذی و نسائی در صحیح و سنن به روایت وی استدلال کرده‌اند.

مشایخ او: مالک، یزید بن زریع، رشدین بن سعد، ابن ابی عوانه و...
راویان از او: احمد بن حنبل، فضل بن سهل اعرج و...^۲
راوی حدیث شماره: ۶.

یعقوب بن حمید بن کاسب / ع خ ق

یعقوب بن حمید بن کاسب، عالم مدینه و ساکن مکه، که گاهی منسوب به جدش می‌باشد و گفته می‌شود: یعقوب بن کاسب، از راویان صدوق طبقه دهم، متوفای سال ۲۴۱ هـ. ق که بخاری در افعال العباد و ابن ماجه در سنن از او حدیث نقل کرده‌اند.
مشایخ او: ابراهیم بن سعد، عبدالعزیز بن ابی حازم، عبدالله بن وهب و...

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۲۰، ش ۴۲۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۲۵۳، ش ۷۸۶۱؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۲۸۰، ش ۷۹۰۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۵۵.

راویان از او: بخاری، ابن ماجه، عبدالله بن احمد، اسماعیل قاضی، ابوبکر بن ابی
عاصم و...^۱

راوی حدیث شماره: ۳۶.

یونس بن سابق بغدادی

گویا وی از راویان طبقه دهم باشد.

ابن حجر درباره او نوشته است: یونس بن سابق کوفی، شناخته شده نیست، دارقطنی
گفته است: «کان أبو العباس بن عقدة إذا ضاق علیه مخرج حدث فی مستخرجه علی
صحیح البخاری أخرجه عن یونس بن سابق، وهذا یونس بن سابق لا یعرف فی الدنيا
ولا یدری من هو»^۲.

راوی حدیث شماره: ۵۳.

۱ - بنگرید به: تهذیب الكمال، ج ۲۰، ص ۴۲۱، ش ۷۶۸۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۴۶۶، ش ۴۷۷؛

تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۵۵۴، ش ۶۰۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲ - لسان المیزان، ج ۶، ص ۳۳۲، ش ۱۱۸۱.

طبقه یازدهم

ابراهیم بن دَحیم دمشقی

ابراهیم بن دَحیم عبدالرحمن بن میمون دمشقی، از محدثان مقبول، که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

مشایخ او: پدرش: دَحیم، هشام بن عمار، سلیمان بن عبدالحمید بهرانی، ابی عمیر النخاس و...

راویان از او: پسر برادرش: عبدالرحمن بن عمرو بن دَحیم، علی بن ابی العقب، ابو عمرو بن مطر نیشابوری، طبرانی، ابن عدی و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۷۸.

ابراهیم بن محمد حنفی

«ذَهَبِي» نوشته است: وی استاد طبرانی، و غیر معتمد است آن گاه حدیث شماره ۱۵۲ را نقل می کند.^۲ بنابراین محتمل است که از راویان طبقه یازدهم باشد.
راوی حدیث شماره: ۱۵۲.

۱ - تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۳۰۰، ش ۵۲۶. (وفیات ۳۰۱ - ۳۱۰ هـ).

۲ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۳، ش ۱۹۹.

ابوبکر بن ابی النضر / م د ت س

ابوبکر بن نضر بن ابی النضر هاشم بن قاسم بغدادی، که منسوب به جدش می باشد و گفته می شود: ابوبکر بن ابی النضر، نام و کنیه اش یکی است و گفته شده نامش محمد یا احمد است. از راویان ثقه طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۴۵ هـ: مسلم، ابوداود، ترمذی و نسائی به روایت وی استناد کرده اند.

مشایخ او: جدش: ابوالنضر هاشم بن قاسم، یعقوب بن ابراهیم بن سعد، حجاج بن محمد، ابوعاصم و...

راویان از او: مسلم، ترمذی، نسائی، ابوقدامة عبیدالله بن سعید سرخسی، ابن ابی خنیمة، ابن ابی عاصم، عبیدان اهوازی، جعفر بن محمد فریابی، ابویعلی، السراج و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲.

احمد بن اسحاق بن آیوب = ابوبکر بن اسحاق = ابوبکر صبیعی

احمد بن اسحاق بن آیوب بن یزید، ابوبکر نیشابوری شافعی فقیه، معروف به «صبیعی»، (۲۵۸ - ۳۴۲ هـ) که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

صاحب کتابهایی مانند: «الطهاره»، «الصلاة»، «الزکاة»، «المسوط»، «الأسماء والصفات»، «الإیمان والقدیر»، «فضل الخلفاء الأربعة»، «الزئویة»، «الأحكام»، «الإمامة». وی حدود ده سال جانشین «ابن خزیمه» در فتوا بود. در سفر و حضر، نماز نافله شب را ترک نکرد.

از «حاکم» نقل شده است: «رأیته غیر مرّة إذا أذن المؤذن یدعو بین الأذان والإقامة ثم ینبکی، وربّما کان یضرب برأسه الحائط، حتی خشیتُ يوماً أن یدمی رأسه». وی یحیی بن ذهلّی و ابوحاتم رازی را دیده بود.

مشایخ او: فضل بن محمد شعرانی بیهقی، اسماعیل بن قتیبه، یعقوب بن یوسف

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۴، ش ۸۲۷۴؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۰۰.

قزوینی، محمد بن ایوب، حارث بن ابی اسامه، اسماعیل قاضی، هشام بن علی، علی بن عبدالعزیز.

راویان از او: حمزة بن محمد الزیدی، ابوعلی حافظ، ابوبکر اسماعیل، ابواحمد حاکم، ابو عبدالله حاکم، محمد بن ابراهیم جرجانی،^۱ و...
راوی احادیث شماره: ۲۱، ۱۰۹.

احمد بن حفص سعیدی جرجانی

احمد بن حفص بن عمر بن حاتم بن نجم بن ماهان، ابومحمد جرجانی، گویا از راویان طبقه یازدهم باشد، متوفای سال ۲۹۳ یا ۲۹۴ هـ: از مشایخ ابن عدی است که «ذہبی» و «ابن حجر» درباره او نوشته اند: صاحب مناکیب - لم یتعمد الکذب.^۲
مؤلف تاریخ جرجان نوشته است: ابومحمد احمد بن حفص بن عمر بن حاتم بن نجم ابن ماهان سعیدی جرجانی، معروف به «حمدان».

از ابوبکر اسماعیل شنیدم می گفت: وی حدیث شناس صدوق بود و کان مروراً.^۳
مشایخ او: علی بن الجعد، سؤید بن سعید، محمد بن عبدالله بن نمیر، ابوبکر و عثمان پسران ابوشیبہ، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، یحیی بن اکثم و...
مؤلف «تاریخ الإسلام» وی را محدث عالم ضعیف قلمداد کرده و راویان از او را چنین نوشته است: ابواحمد بن عدی، ابوبکر اسماعیل و اهل جرجان.
راوی احادیث شماره: ۷، ۹.

۱ - بنگرید به: تاریخ نیشابور، به کوشش: شفیمی کدکنی، ص ۱۷۹، در ضمن شماره ۲۳۰۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۲۵۶، ش ۴۱۳. (وفیات ۳۴۱ - ۳۵۰ هـ).

۲ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۹۴، ش ۳۵۳؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۶۲، ش ۵۱۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۴۳، ش ۱۴؛ طبقات الحنابلہ، ابن ابی یعلی، ج ۱، ص ۴، ش ۱۷.

۳ - تاریخ جرجان، = کتاب معرفة علماء أهل جرجان، ابوالقاسم حمزة بن یوسف بن ابراهیم سہمی، متوفای ۴۲۷ هـ. ق چاپ حیدرآباد، هند، ۱۳۸۷ هـ. ق = ۱۹۶۷ م.

احمد بن عبید صفار

احمد بن عبید بن اسماعیل، ابوالحسن بصری صفار، صاحب تصنیف، متوفای ۲۴۱ هـ. که «ذهبی» وی را از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم می‌داند، گفته می‌شود: او پسر همسر «کدیمی» بوده است.

مشایخ او: محمد بن غالب تئام، محمد یونس کدیمی، محمد بن الفرج الأزرق، ابواسماعیل ترمذی و...

راویان از او: علی بن احمد بن عبدان شیرازی، دارقطنی، قاضی، ابو عمر هاشمی، علی بن قاسم نجار، و...^۱

راوی حدیث شماره: ۳۷.

احمد بن عثمان نوقلی / م ت س

احمد بن عثمان بن ابی عثمان عبدالنور بن عبدالله بن سنان نوقلی، ابو عثمان، بصری، معروف به لقب «ابوالجوزاء»، از راویان ثقه طبقه یازدهم، متوفای ۲۴۶ هـ. مسلم، ترمذی و نسائی به روایت وی استدلال کرده‌اند.

مشایخ او: ازهر بن سعد، ابوداود طیالسی، ابن عاصم و...

راویان از او: مسلم، ترمذی، نسائی، ابوزرعه، ابوحاتم، ابن خزیمه، ابن ابی عاصم، ابن جریر و...^۲

راوی حدیث شماره: ۴۲.

۱ - تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۶۱، ش ۲۰۰۲؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۷۶، ش ۸۴۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۴۵۷.

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۸۸، ش ۸۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۲.

احمد بن محمد بن اسماعیل الهپتی^۱

احمد بن محمد بن اسماعیل، ابوبکر الهپتی، متوفای سال ۳۱۷ ه.ق، از راویان مورد وثوق که گویا از راویان طبقه یازدهم می باشد.

مشایخ او: یعیش بن الجهم الحریشی، حسن بن عرقه، حمزة بن عباس مروزی، عبیدوس بن بشر، احمد بن منصور الزیادی و...

راویان از او: ابوالفتح ازدی موصلی، ابوبکر بن شاذان، ابوالحسن دارقطنی^۲.
راوی حدیث شماره: ۱۸۴.

احمد بن محمد بن حجاج = احمد بن رشدین

احمد بن محمد بن حجاج بن رشدین بن سعد، ابوجعفر مصری [مهبری] مقری، از محدثان و راوی حافظ و از مشایخ ابوالقاسم طبرانی، که در روز عاشورای سال ۲۹۲ ه. در هشتاد و چند سالگی وفات یافت. بنابراین گویا از راویان طبقه یازدهم می باشد. در میزان الاعتدال، آمده که «ابن عدی» درباره او گفته است: کذبوه و انکرت علیه اشیاء. قلت: فمن أباطيله رواية الطبراني وغيره عنه... حدیث: قالت الجنة: يا رب، أليس وعدتني أن تزینني برکنین؟ قال: ألم أزينك بالحسن والحسين! فماست الجنة كما تميس العروس^۳.

مشایخ او: عمرو بن خالد، یحیی بن بکیر، ابن ابی مریم، سعید بن عقیق، یحیی بن سلیمان جعفی و...

۱ - در اللباب، آمده است: «الهپتی»، بکسر الهاء وسكون الياء وبعدها تاء... النسبة إلى هبت، وهي مدينة على الفرات فوق الأنبار.

۲ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۸۸، ش ۲۲۷۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۵۳۰، ش ۲۸۶.

۳ - تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۳۸، ش ۶۹۷.

راویان از او: عبدالله بن جعفر الورد، عمر بن دینار، ابوالقاسم طبرانی و...^۱
 راوی احادیث شماره: ۱۴۷، ۲۳۴.

ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید کوفی = ابن عقیده

احمد بن سعید بن عقیده، ابوالعباس، مُحدِّث کوفه، شیعی متوسط، معروف به «ابن عقیده»، پدرش ملقب به «عقیده» لعلمه بالتصريف والنحو. از محدثان برجسته و راوی حافظ طبقه یازدهم، متولد ۲۴۹ هـ. و متوفای ذی‌قعدة ۳۳۲ هـ.

از وی نقل شده که گفته است: «أجيب في ثلاث مائة ألف حديث من حديث أهل البيت و بني هاشم» و نیز گفته است: «أحفظ مائة ألف حديث بأسانيدها»:
 از «دارقطنی» شنیده شده است که: «أجمع أهل الكوفة أنه لم ير بالكوفة، من زمن ابن مسعود رضی اللہ عنہ إلى زمن أبي العباس ابن عقیده، أحفظ منه».

در تذكرة الحفاظ آمده است: و كان إليه المنتهى في قوة الحفظ وكثرة الحديث... مُقت لتشيعة؛ و نیز «ذهبي» می گوید: قلت: وكلّ أحدٍ يخضع لحفظ ابن عقیده، ولكنّه ضعيف.
 درباره کتابهای او نقل شده: أراد ابن عقیده أن يتحوّل، فكانت كتبه ستمائة حملة.
 «ابوعمر بن حیوئه» گفته است: كان ابن عقیده يُملي مئالِب الصّحابة - أو قال: مئالِب الشّیخین - فتركتُ حديثه.

مشایخ او: ابوجعفر بن عبیدالله بن المنادی، حسن بن علی بن عفان، یحیی بن ابی طالب، احمد بن عبدالحمید حارثی، حسن بن مُکرم، و...

راویان از او: جعابی، طبرانی، ابن عدی، دارقطنی، ابوحفص کتانی، ابوالحسن بن الصّلت، ابوالحسین بن مُتیم و...^۲

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۱، ق ۱، ص ۷۵، ش ۱۵۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۳، ش ۵۳۸؛

تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۶۳، ش ۵۷؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۵۷، ش ۸۰۴ و ص ۱۷۲.

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۳، صص ۸۳۹ تا ۸۴۲، ش ۸۲۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۶، ش ۵۴۸؛ تاریخ

راوی احادیث شماره: ۵۳، ۱۸۳.

احمد بن محمد بن نیزک^۱

احمد بن محمد بن یحیی بن نیزک بن صالح همدانی، ابوالعباس قومیسی، از راویان صدوق طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۷۵ هـ. در سمرقند، که محمد بن نصر بر او نماز خوانده است.

مشایخ او: سلیمان بن حرب، مُسَدَّد و...

راویان از او: محمد بن صالح سمرقندی، ابوالحارث أسد بن حمدویه نسفی و...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۴۱.

احمد بن محمد جمال اصفهانی = احمد بن محمد بن عبدالله...

احمد بن محمد بن عبدالله بن مُصْعَب، ابوالعباس جمال اصفهانی، عالم و فقیه که در سال ۳۰۱ هـ. در راه سفر حج درگذشت.

با توجه به اینکه وی از مشایخ طبرانی است، گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

مشایخ او: عبدالرحمن بن بشر بن حکم عبیدی نیشابوری، قطن بن ابراهیم بن عیسی ابن مسلم قشیری نیشابوری، ابومسعود.^۳

راویان از او: طبرانی، ابوالشیخ و...

راوی حدیث شماره: ۱۵۹.

→ الإسلام، ج ۲۵، ص ۶۷؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۴۸، ش ۷۹۱.

۱ - به کسر نون، سکون یاء، و فتح زاء. (تقریب التهذیب).

۲ - تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۰۲، ش ۱۱۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۵.

۳ - بنگرید به: أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۱۲۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۵۳ (وفیات ۳۰۱ - ۳۲۰ هـ).

احمد بن هیثم بن منصور، الدوری

گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

در تاریخ بغداد، آمده است: احمد بن هیثم بن منصور، الدوری، حدّث عن سَوْرَةَ بن الحکم، روی عنه ابنه محمّد^۱.
راوی حدیث شماره: ۲۰۲.

احمد بن یحیی بن خالد بن حیان

ابوالعبّاس رقیّ سپس مصری متوفای سال ۲۹۴ هـ. از مشایخ طبرانی، که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

مشایخ او: احمد بن حنبل، یحیی بن سلیمان جعفی.

راویان از او: ابوالقاسم طبرانی و...^۲

راوی حدیث شماره: ۲۳۱.

احمد بن یوسف = حَمْدَان / م د س ق

احمد بن یوسف بن خالد مهلبی، آزدی، ابوالحسن سلمی نیشابوری و محدّث نیشابوری، معروف به «حَمْدَان»، از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۶۴ هـ. در ۸۰ یا ۸۲ سالگی. مُسلم، ابوداود، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استدلال کرده‌اند.

او می‌گفت: من آزدی هستم و مادرم سلمی است.

۱ - تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۹۲، ش ۲۶۵۴.

۲ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۸۸، ش ۸۲؛ طبقات العنابله، ابن ابی یعلی، ج ۱، ص ۸۴، ش

مشایخ او: عبدالرزاق، ابوالنضر، خالد بن مخلد، محمد بن عبید طنافسی و...
راویان از او: مسلم، ابوداود، نسائی، ابن ماجه، استادش: یحیی بن یحیی؛ ابن
خزیمه، ابو عوانه، سراج، صالح جزره، ابراهیم بن ابی طالب و...^۱
راوی حدیث شماره: ۳۴.

احمد رقی

«ذهبی» در تاریخ الإسلام^۲، نوشته است: احمد بن علاء بن هلال، برادر هلال ابوالعلاء
رقی، کنیه اش: ابو عبدالرحمن، فقیه فاضل و قاضی دیار مصر، متوفای سال ۲۷۴ یا ۲۷۵
ه. که از عبدالله بن جعفر رقی، روایت کرده است.

راویان از او: خیمه بن الأُطربلسی، ابوالمیمون راشد، ابن حزم.
و نیز در تاریخ الإسلام^۳، آمده است: احمد بن اسحاق خشاب رقی.^۴
مشایخ او: عفان، عبیدالله بن جناد حلبی.
راوی از او: طبرانی.

بنابراین آنچه مسلم است، احمد رقی، یکی از مشایخ طبرانی است و گویا از راویان
طبقة یازدهم باشد.

راوی حدیث شماره: ۲۵۷.

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۶۵، ش ۵۹۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۱۴، ش ۱۴۰؛ تقریب التهذیب،
ج ۱، ص ۲۹.

۲ - تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۲۶۷، ش ۲۳۰.

۳ - همان، ج ۲۰، ص ۲۶۹ (وفیات، ۲۷۱ - ۲۸۰ ه.).

۴ - المعجم الصغير، ج ۱، ص ۲۵، ش ۱۴ و ۱۵.

اسماعیل بن ابی حارث / د ق

اسماعیل بن ابی حارث آسد بن شاهین بغدادی، ابواسحاق، از راویان صدوق طبقه یازدهم، متوفای روز جمعه، ۱۶ جمادی الأولى، سال ۲۵۸ هـ. در سنن ابوداود و ابن ماجه به روایت وی استناد شده است.

مشایخ او: داود بن مُحَبَّر بن قَحْدَم، ابوبدر شُجاع بن ولید، جعفر بن عون، حَجَّاج أعور، عبدالوَهَّاب بن عَطَاء، آزدی، یزید بن هارون و...

راویان از او: یَزَّار، ابوداود، ابن ماجه، حَرَبی، ابن ابی حاتم، ابوالعبَّاس السَّرَّاج، ابن ابی داود، ابن صاعد، ابن مَخْلَد و...^۱
راوی حدیث شماره: ۲۳۹.

ابو احمد بکر بن محمد صیرفی

بکر بن محمد بن حَمْدان، ابو احمد مَرُوزی صیرفی مُحدِّث مَرُو، مُلقَّب به «دُوخَمْسین»^۲، که در سال ۳۴۵ هـ. در بخارا وفات یافت. «ذَهَبی» وی را از حافظان راوی طبقه یازدهم نگاشته که «حاکم» و دیگران از او حدیث شنیده‌اند.

مشایخ او: عبدالعزیز بن حاتم، عبدالصمد بن فضل، ابوحاتم رازی، احمد بن عبید الله نَرَسِی و...

راویان از او: عبدالله بن عدی، ابن منده، محمد بن احمد غنَّجار، حسین بن محمد ماسرَجِسی، ابوالفضل منصور کاغدی.^۳
راوی حدیث شماره: ۲۵۲.

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۹۶، ش ۴۵۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۷.

۲ - چون می‌گفت: «زِدْ خَمْسین»، از این رو به «دُوخَمْسین» ملقب شد.

۳ - بنگرید به: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۵۷، ضمن شماره ۸۳۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۳۲۵، ش ۵۴۴ و ص ۳۹۶، ش ۶۵۶.

حجاج بن یوسف بن حجاج ثقفی = حجاج بن شاعر / م د

حجاج بن ابی یعقوب یوسف بن حجاج ثقفی بغدادی، معروف به «ابن الشاعر» از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۵۹ هـ. مسلم و ابوداود به روایت وی استدلال کرده‌اند.

مشایخ او: حجاج بن محمد، ابوداود طیالسی، یعقوب بن ابراهیم، ابوالنضر، عبدالرزاق، یزید بن هارون و ...

راویان از او: مسلم، ابوداود، بقی بن مخلد، ابویعلی، عبدالرحمن بن ابی حاتم، حسن مخاملی و ...^۱

راوی احادیث شماره: ۵۴، ۵۶.

حزب بن حسن طحان

وی صاحب کتاب و شیعی مورد وثوق است که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد. «ابن ابی حاتم رازی» می‌گوید: از پدرم درباره او پرسیدم. در پاسخ گفت: شیخ او از مطلب بن زیاد، روایت می‌کند.

راویان از او: احمد بن یحیی صوفی، یحیی بن زکریا لؤلؤی.^۲

راوی حدیث شماره: ۷۶.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۴۹، ش ۵۶۹؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۶۶، ش ۱۷۵۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۸۶، ش ۱۱۹۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۱، ق ۲، ص ۲۵۲، ش ۱۱۲۶؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۶۹، ش ۱۷۶۸؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۸۴، ش ۸۲۷.

حَزْمَلَةُ بْنُ يَحْيَى / م س ق

حَزْمَلَةُ بْنُ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَزْمَلَةَ بْنِ عِمْرَانَ، تُجَيْبِيُّ^۱، أَبُو حَفْصٍ مِصْرِيُّ، صَحَابِيُّ شَافِعِيٍّ، مِنْ رَاوِيَانِ صَدُوقِ طَبَقَةِ يَازِدِ هَمٍّ. «ذَهَبِيُّ» نُوْشْتَه اسْت: مَتَوْلِد ۱۶۶ هـ. وَ مَتَوَفَايِ مَآه شَوَالِ سَالِ ۲۴۳ هـ. دَر ۷۷ سَالِگِي.

مُسلِم، نَسَائِي وَ ابْنِ مَآجَه بَه رَوَايَتِ وَيِ اسْتِدْلَالِ كَرْدَه‌آنْد.

مَشَايِخِ اُو: عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَهَبٍ، أَبُو صَالِحِ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ دَاوُدَ حَرَّانِيٍّ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ شَافِعِيٍّ، أَيُّوبُ بْنُ سُؤَيْدِ الرُّمَلِيِّ، يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ وَ...
رَاوِيَانِ اَزِ اُو: مُسلِم، ابْنِ مَآجَه قَزْوِينِيٍّ، بَقِيٌّ بْنُ مَخْلَدٍ، ابْنُ قُتَيْبَةَ عَسْقَلَانِيٍّ، أَبُو زُرَّعَةَ، أَبُو حَاتِمٍ وَ...^۲

رَاوِيِ اَحَادِيْثِ شِمَارَه: ۱۲، ۱۴۶.

حَسِينُ بْنُ إِسْحَاقَ تَشْتَرِيٍّ

حَسِينُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ اِبْرَاهِيْمَ تَشْتَرِيٍّ دِمَشْقِيٍّ، اَزِ مَحْدَثَانِ حَافِظِ وَ رَحَّالِ، مَتَوَفَايِ سَالِ ۲۸۹ يَآ ۲۹۰ هـ. بَآ تَوْجِه بَه اَيْنَكِه اَزِ رَاوِيَانِ طَبَقَةِ دَهَمِ رَوَايَتِ مِي‌كَنْد، گُوِيَا اَزِ رَاوِيَانِ طَبَقَةِ يَازِدِ هَمِّ بَآشَد.

مَشَايِخِ اُو: هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ، سَعِيْدُ بْنُ مَنْصُورٍ، يَحْيَى بْنُ جِمَّانِيٍّ، شَيْبَانُ قُرُوْحُ اَبُلُّيٍّ^۳، عَبْدِ اللَّهِ بْنُ ذَكْوَانَ، دُحَيْمٌ، عَلِيُّ بْنُ بَاحِرِ قَطَّانٍ، حَامِدُ بْنُ يَحْيَى بَلْخِيٍّ، يَحْيَى بْنُ سَلِيْمَانَ.
رَاوِيَانِ اَزِ اُو: پَسْرَش: عَلِيُّ، سَهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ تَشْتَرِيٍّ، اِبُو جَعْفَرِ عُقَيْلِيٍّ، سُلَيْمَانَ

۱ - بَه ضَمِ تَاءِ، كَسْرِ جِيْمِ، سَكُوْنِ يَآءِ (تَقْرِيْبِ التَّهْدِيْبِ).

۲ - تَذَكْرَةُ الْحَفَآظِ، ج ۲، ص ۴۸۶، ش ۵۰۰؛ مِيزَانُ الْاِحْتِدَالِ، ج ۱، ص ۴۷۲، ش ۱۷۸۳؛ تَهْدِيْبِ التَّهْدِيْبِ،

ج ۲، ص ۲۱۰، ش ۱۲۲۹؛ تَقْرِيْبِ التَّهْدِيْبِ، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳ - بَه ضَمِ هَمْزِهِ وَ بَآءِ وَ تَشْدِيْدِ لَامِ. (بَنْگَرِيْدِ بَه: تَقْرِيْبِ التَّهْدِيْبِ).

طَبْرَانِيّ، و...، ابوالقاسم طَبْرَانِيّ از او بسیار روایت کرده است.^۱
راوی احادیث شماره: ۱۵۴، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۸، ۲۴۹.

حسین بن عبدالله قَطَّان

حسین بن عبدالله بن یزید قَطَّان، ابو عبدالله رَقِيّ مالکي جصاص ازرق که «دارقُطَنِيّ»
وی را توثیق کرده است، گویا وی از راویان طبقه یازدهم باشد.
مشایخ او: ابراهیم بن هشام غَسَّانِيّ، هشام بن عَمَّار، وَلِيد بن عَثْبَه، اسحاق بن موسی
انصاری و...

راویان از او: ابوعلی حسین بن علی نیشابوری، ابوبکر سُنِّيّ، ابن عَدِيّ، ابوحاتم بن
حَبَّان، ابوبکر بن مُقَرِّی^۲، و...
راوی حدیث شماره: ۲۵۰.

رَبِيع بن سليمان مُرَادِيّ / ۴

رَبِيع بن سُلَيْمان بن عبدالجَبَّار... مُرَادِيّ، ابومحمّد آزديّ، مِصرِيّ، أَعْرَج محدث دیار
مصر، از راویان ثقه طبقه یازدهم^۳، متولد سال ۱۷۴ هـ. و متوفای ۲۷۰ هـ. در ۹۶
سالگی، در سنن ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه به روایت وی استناد شده است.
مشایخ او: أسد بن موسی، ابن وَهَب، شُعَيْب بن لَيْث، بِشْر بن بَكْر و...
راویان از او: ابوالعبّاس محمّد بن یعقوب أصمّ، ابوداود، نسائی، ابن ماجه، ابوزُرْعَه

۱ - بنگرید به: سیر أعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۵۷، ش ۲۸؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۱۵۷، ش ۲۲۰ و ج
۲۲، ص ۱۳۶؛ و نیز بنگرید: المُعْجَم الصَّغِير، ج ۱، ص ۱۳۹؛ طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۱۴۲، ش
۱۸۴.

۲ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۳۱۰، ش ۵۵۶ (حوادث و وفیات سال ۳۱۰ هـ.ق).

۳ - ذَهَبِيّ، وی را در طبقه نهم یادآور شده است.

رازی، ابوحاتم، ابن ابی حاتم، ابونعیم عبدالملک جرّجانی، ابوبکر بن زیاد نیشابوری
و...

راوی احادیث شماره: ۲۹، ۱۰۳.

سَلیمان بن أَشعث، ابوداود سیجستانی / ت س

سَلیمان بن أَشعث بن اسحاق بن بشیر بن شدّاد بن عمرو بن عامر، یا عمران اَزْدی،
ابوداود سیجستانی، (سیستانی)، ساکن بصره، صاحب «السُّنن»، از محدّثان برجسته و از
راویان حافظ و ثقة طبقة یازدهم^۲، متولد سال ۲۰۲ هـ. و متوفای ۱۶ شوال ۲۷۵ هـ. در
بصره. ترمذی و نسائی به روایت وی استدلال کرده‌اند.

در تهذیب التهذیب آمده است: گفته می‌شود: جدّش عمران، در جنگ صفین، با علی
ابن ابی طالب، بود و کشته شد.

«محمد بن اسحاق صاغانی» می‌گوید: حدیث، رام ابوداود بود، همچنان که آهن
برای حضرت داود، رام بود. «موسی بن هارون» گفته است: ابوداود، در دنیا برای
حدیث و در آخرت برای بهشت آفریده شد.

«ابوحاتم بن حبان» می‌گوید: کان أحد أئمة الدنيا فقهاً و علماً و حفظاً و نسكاً و ورعاً
و إتقاناً، جمع و صنّف، و ذبّ عن السُّنن.

«ابوعبدالله بن منده» گفته است: الذین أخرجوا و میزوا الثابت من المعلول، والخطأ من
الصّواب أربعة: البخاری، و مسلم، و بعدهما ابوداود، و النسائی.

در تهذیب التهذیب آمده: «سهل بن عبدالله تُسْتَرِي» به ابوداود گفته است: زیانت را که با
آن احادیث رسول خدا ﷺ را نقل می‌کنی، بیرون بیاور تا بیوسم، فأخرج إليه لسانه فقَبَلَه.

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۶، ش ۶۱۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۷۰، ش ۱۹۵۶؛ تقریب التهذیب،
ج ۱، ص ۲۴۵.

۲ - ولی در تذكرة الحفاظ، وی را در طبقة نهم یادآور شده است.

مشایخ او: در حدود ۳۰۰ تن استاد حدیث دارد از عراقیان، خراسانیان، شامیان، مصریان، جزریان و... مانند: ابو عمر ضریح، مسلم بن ابراهیم، قَعْنَبِيّ، عبدالله بن رجاء، سلیمان بن حرب، ابولید طَيَالِسِيّ.

راویان از او: ترمذی، نسائی، ابو عوانه اسفراینی، حرب بن اسماعیل کرمانی، زکریّا ساجی، و بسیاری دیگر.^۱

راوی احادیث شماره: ۴۳، ۸۱، ۱۴۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۴۶، ۲۵۴.

۲۶۰، ۲۸۰.

سَلیمان بن عبد الجَبَّار، ابو ایوب / ت

سَلیمان بن عبد الجَبَّار زُرَیْق ^۲ خِیَاط، ابو ایوب بَغْدَادِيّ، ساکن سَامِرَّاء، از راویان صدوق طبقه یازدهم، ترمذی در سُنَن به روایت وی استناد کرده است.

مشایخ او: علی بن قادم، عَفَّان، عبیدالله بن موسی، ابو عاصم، ابو نُعَیْم، و...

راویان از او: ابو یَعْلَى، ترمذی، ابوبکر بن ابی عاصم، محمد بن سلیمان باغندی،

ابوالعبّاس سَرَّاج، ابن صاعد و...^۳

راوی حدیث شماره: ۱۳۴.

عَبَّاس بن ابراهیم

عَبَّاس بن ابراهیم، ابوالفضل قرطیسی بَغْدَادِيّ اَیْلِيّ، از راویان ثقه، مستوفای روز

پنجشنبه ششم محرم سال ۳۰۴ هـ. با توجه به اینکه برخی از مشایخ روایی او در طبقه

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۹۱، ش ۶۱۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۵۷، ش ۲۶۰۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲ - به تقدیم زاء و تصغیر (تقریب التهذیب).

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۹۰، ش ۲۶۵۹؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ش ۳۲۷.

دهم قرار دارند، پس گویا از راویان طبقه یازدهم است.
مشایخ او: اسحاق بن زیاد آیلی، مالک بن خلیل یحمدی^۱، محمد بن مثنیٰ عنزی^۲،
عبدالله بن یوسف جبیری، حسین بن عمرو عنقری، ابراهیم بن راشد آدمی، بحر بن نصر
مصری.

راویان از او: احمد بن سلیمان نجّاد، سلیمان بن احمد طبرانی، ابوالفتح محمد بن
حسین ازدی، محمد بن مظفر^۳.
راوی حدیث شماره: ۲۱۱.

عبّاس بن حمّدان

عبّاس بن حمّدان بن محمد بن سلّم حنّفی، ابوالفضل اصفهانی، متوفای چهارم
جمادی الآخر سال ۲۹۴ هـ. از عباد الصّالحین و راوی ثقة، صاحب مُسند که از محدّثان
عراق و اصفهان روایت می‌کند. با توجه به اینکه از راویان طبقه دهم روایت می‌کند پس
گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

«ذهبی» درباره وی نوشته است: کان ثقةً ثبّتاً صالحاً عابداً.

مشایخ او: محمد بن عیسی دامغانی، یوسف بن محمد بن سابق، حاتم بن بکر و...
راویان از او: احمد بن عسّال، ابوالقاسم طبرانی، ابوالشیخ و...^۴
راوی حدیث شماره: ۱۶۰.

۱ - به فتح باء، سکون حاء و فتح میم. (اللباب).

۲ - به فتح عین و نون.

۳ - تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۵۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۱۴۳، ش ۱۹۲؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص
۲۱۱.

۴ - أخبار اصفهان، ج ۲، ص ۱۴۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۱۷۱، ش ۲۳۰.

عبّاس بن محمّد بن حاتم = عبّاس الدُّورِيّ / ۴

عبّاس بن محمّد بن حاتم الدُّورِيّ، ابوالفضل بغدادیّ، خوارزمیّ الأصل از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم (۱۸۵ - ۲۷۱ هـ).

مشایخ او: احمد بن حنبل، سعید بن عامر ضُبَیعیّ، اسود بن عامر شاذان، اسحاق بن منصور السُّلُویّ، حسن بن موسیٰ أَشِیب، حسین بن علیّ جُعْفَیّ خَلَف بن تمیم، ابوداود طَبَالِیسیّ، یونس بن محمّد المؤدّب، ابونعیم فضل بن دُکَیْن و...
راویان از او: صاحبان سُنن چهارگانه، عبدالله بن احمد بن حنبل، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازیّ، بقویّ، اسماعیل صفار، ابوالعبّاس اصمّ، و...^۱
راوی حدیث شماره: ۵۹.

عبّاس بن محمّد مُجاشِعیّ اصفهانیّ

«ذَهَبِيّ» نوشته است: ابونعیم حافظ، وی را توثیق کرده است.
در اخبار اصفهان، عبّاس بن محمّد بن مُجاشِعیّ، ابوالفضل را از راویان ثقه بر می شمرد. با توجه به اینکه مشایخ روایی او در طبقه دهم و راویان از او در طبقه دوازدهم قرار دارند پس گویا وی از راویان طبقه یازدهم باشد.
مشایخ او: محمد بن یعقوب کِرمانیّ.
راویان از او: ابن عَسّال، طَبْرانیّ و ابوالشیخ.^۲
راوی حدیث شماره: ۱۹۷.

۱ - تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۴۷۶، ش ۳۱۲۴؛ تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۷۹، ش ۶۰۳؛ تهذیب

التهذیب، ج ۴، ص ۲۱۸، ش ۳۲۷۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۹.

۲ - اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۱۴۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۱۷۳، ش ۲۳۴.

عبدالرحمن بن حاتم مُرادِی

ابوزید مُرادِی مصری، متوفای سال ۲۹۴ ق. مؤلف میزان الاعتدال، درباره او نوشته است: ما علمتُ به بأساً. وی از نُعیم بن حَمَّاد و گروهی از راویان روایت می‌کند. با توجه به اینکه در میان طبقه دهم و دوازدهم قرار دارد گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

مشایخ او: عبدالله بن صالح، اصْبَغ بن قَرَج، نُعیم بن حَسَّان^۱.
 راویان از او: طبرانی و ...^۲
 راوی حدیث شماره: ۲۰۳.

عبدالرحمن بن عمرو، ابوزُرْعَه، دِمَشْقِی / د

عبدالرحمن بن عمرو بن عبدالله بن صفوان بن عمرو نصری، ابوزُرْعَه، دِمَشْقِی، شیخ شام در زمان خودش، از راویان ثقه، حافظ و مُصَنِّف طبقه یازدهم، متوفای ماه جمادی الآخرة ۲۸۱ ه. ابوداود به روایت وی استناد کرده است.
 مشایخ او: ابوالیمان، هُوذَة بن خلیفه، ابونُعیم، احمد بن خالد وَهَبِی، ابومُشَهر غَسَّانِی، سلیمان بن حَرْب، احمد بن حَنْبَل و ...
 راویان از او: ابوالقاسم طَبْرانِی، ابوداود، ابن صاعد، ابوالعبَّاس أَصَم، ابوجعفر طَخَّاوِی، ابن ابی حاتم، عَبْدان اَهْوازی و ...^۳
 راوی حدیث شماره: ۱۳۹.

۱ - ظاهراً نُعیم بن حَمَّاد صحیح باشد.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۵۴، ش ۴۸۳۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۱۹۳، ش ۲۷۰.

۳ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۲۶، ش ۶۵۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۲۶، ش ۴۰۷۶؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ش ۴۹۳.

عبدالله بن محمد بن مسلم اسفراینی

عبدالله بن محمد بن مسلم، ابوبکر اسفراینی، از راویان حافظ طبقه یازدهم، متولد ۲۳۹ هـ. و متوفای ۳۱۸ هـ.

مشایخ او: محمد بن یحیی ذهلّی، حسن بن محمد زعفرانی، یونس بن عبدالاعلی، ابوزرعه و...

راویان از او: ابوعبدالله بن آخرم، ابوعلی حافظ، ابواحمد حاکم، محمد بن فضل بن خزیمه، ابواحمد بن عدی و...

راوی حدیث شماره: ۲۰.

عبدالله بن یحیی بن معاویه = ابوبکر طلحی

عبدالله بن یحیی بن معاویه، ابوبکر تیمی طلحی کوفی که گویا از محدثان و راویان طبقه یازدهم باشد. حافظ محمد بن احمد بن حماد، وی را توثیق کرده است.

مشایخ او: عبید بن غنم، مطین و...

راویان از او: ابونعیم حافظ^۱، و...

راوی حدیث شماره: ۲۲۴.

عبید^۳ بن اسباط بن محمد کوفی / ز [ر] ات ق

عبید بن اسباط بن محمد بن عبدالرحمن... قرشی، ابومحمد، کوفی، از راویان صدوق طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۵۰ هـ. بخاری در جزء القراءة خلف الإمام، ترمذی و ابن ماجه

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۷۹۲، ش ۷۸۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۵۶۴.

۲ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۲۱۰ (وفیات سال ۳۶۰ هـ.ق).

۳ - به تصغیر (تقریب التهذیب).

در سنن به روایت وی استناد کرده‌اند.

مشایخ او: پدرش، عبدالله بن ادریس، سفیان بن عقیبه سوائی، یحیی بن یمان و ...
راویان از او: ترمذی، محمد بن عبدالله حَضْرَمِی، بخاری در جزء القراءة خلف الإمام ابن
ماجه، ابوحاتم، ابواسحاق هاشمی و ...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۶۸، ۱۷۷.

علی بن اسحاق بن وزیر = علی بن الوزير

علی بن اسحاق بن ابراهیم، ابوالحسن اصفهانی مُلقَّب به وزیر، متوفای سال ۲۹۷
ه.ق، که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.
مشایخ او: اسماعیل بن موسی، ابوکریب، حسن بن قزعه، عبدالجبار بن علاء مکی،
حسین مروزی، محمد بن یزید آدمی و ...
راویان از او: ابواحمد عَسَّال، احمد بن بُنْدَار، طَبْرَانِی.^۲
راوی حدیث شماره: ۲۰۸.

علی بن حَمَّشَاد^۳، نیشابوری

علی بن حَمَّشَاد بن سَخْتَوِیْه بن نصر، ابوالحسن نیشابوری، صاحب تصانیف، از
حافظان عدل رحال و مُتَقِن طبقه یازدهم، متوفای ماه شوال ۳۳۸ ه. «ومات فجأة فی
الحمام».
مشایخ او: حسین بن فضل، فضل شَعْرَانِی، حارث بن ابی أسامه، ابراهیم بن دَیْزِیل،

۱ - تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۴۱۸، ش ۴۴۹۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۴۱.

۲ - بنگرید به: المعجم الصغیر، چاپ مدینه، ج ۱، ص ۱۹۸ و چاپ بیروت، ص ۲۳۸، حدیث شماره

۵۴۸؛ أخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۲۰۷، ش ۲۹۸.

۳ - به فتح حاء، سکون میم و فتح شین (الأنساب، ج ۴، ص ۲۴۸).

اسماعیل قاضی و ...

راویان از او: حاکم نیشابوری، ابواحمد حاکم، ابن مندّه و ...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۰۹، ۲۶۶.

علی بن محمد بن جعفر بن عنبسه و راق عبّدان

گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.
«ابن حجر» در لسان المیزان^۲، فقط به ذکر نام وی که از روایت گرفته، اکتفا نموده و چیزی درباره او ننوشته است.
راوی حدیث شماره: ۳۳.

عمرو بن یزید جزمی بصری / س

عمرو بن یزید، ابویزید^۳ جزمی بصری، از راویان صدوق طبقه یازدهم: نسائی به روایت وی استناد کرده است.
مشایخ او: أمیّة بن خالد، ابوداود طیالسی، عبدالصمد بن عبدالوارث، محمد بن ابی عدی، عبدالرحمن بن مهدی، غنّدر و ...
راویان از او: نسائی، ابوبکر بزار، ابوحاتم و ...^۴
راوی احادیث شماره: ۳۰، ۳۱.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۵۵ ش ۸۲۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۱۶۵؛ المنتظم فی تاریخ الملوک والأئمة، ج ۱۴، ص ۷۶؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۵۸، ش ۸۱۵.

۲ - لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۵۸.

۳ - در تقریب التهذیب آمده است: «أبو یزید» باء و راء به صورت تصغیر و «جزمی» به فتح جیم.

۴ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۹۴، ش ۶۴۷۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۲۸، ش ۵۳۲۶؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۸۱.

فَضْلُ بِنِ مُحَمَّدِ بَيْهَقِيِّ، شَعْرَانِيِّ

فَضْلُ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ مُسَيَّبِ بَيْهَقِيِّ ابُو مُحَمَّدٍ، شَعْرَانِيُّ نِيشَابُورِيٌّ مَتَوَقَّايِ مَحْرَمِ سَالِ ۲۸۲ هـ. از تبار «بِأَذَانَ» پادشاه «يَمَن» که با نامه پیامبر ﷺ مسلمان شده بود. وی به گفته «ذَهَبِيٌّ» از حافظان جَوَالِ طَبَقَةُ نَهْم^۱ می باشد که «حاکم» از «ابوبکر بن مؤمِّل» نقل می کند: «كُنَّا نَقُولُ: مَا بَقِيَ فِي الدُّنْيَا مَدِينَةٌ لَمْ يَدْخُلْهَا الْفَضْلُ الشُّعْرَانِيُّ فِي طَلَبِ الْحَدِيثِ إِلَّا الْأَنْدَلُسُ».

«حاکم» درباره او می گوید: كَانَ الْفَضْلُ أَدِيبًا عَابِدًا عَارِفًا بِالرِّجَالِ، وَكَانَ يَرْسِلُ شَعْرَهُ فَلَقَّبَ بِالشُّعْرَانِيِّ وَنِيزَ نَقَلَ مِی كُنْدَ كِه: صَدُوقٌ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ غَالِيًا فِي التَّشْيِيعِ. «مسعود سِجَزِيٌّ» می گوید: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَاكِمَ عَنِ الْفَضْلِ الشُّعْرَانِيِّ، فَقَالَ: ثِقَةٌ مَأْمُونٌ لَمْ يُطْعَنَ فِي حَدِيثِهِ بِحِجَّةٍ.

مشایخ او: اسماعیل بن اُوَيْس، سعید بن ابی مریم (سعید بن حَكَم)، کاتب اللیث، سعید بن منصور، عبدالله بن صالح، عیسی بن قالون، سلیمان حَرْب، احمد بن یونس یَزْبُوعِيٌّ، اسحاق قَرَوِيٌّ، ابوجعفر نُفَيْلِيٌّ و دیگر محدثان شام، حجاز، مصر، عراق، خراسان و جزیره.

راویان از او: ابن خَزِيمَةَ، ابوحامد بن شَرَقِيٌّ، علی بن حَمَّشَاد، مُحَمَّدُ بِنِ مُؤَمِّل، مُحَمَّدُ بِنِ قَاسِمِ عَتَكِيٍّ، علی بن حَمَّاد، ابوعبدالله مُحَمَّدُ بِنِ يَعْقُوبِ، نَوْهٌ اُو: اسماعیل بن مُحَمَّدُ بِنِ فَضْلِ^۲.

راوی حدیث شماره: ۱۵۲.

۱ - ولی براساس طبقه بندی «ابن حجر» و با توجه به اینکه برخی از مشایخ وی در طبقه دهم و راویان از او در طبقه دوازدهم قرار دارند، پس گویا وی از راویان طبقه یازدهم باشد.

۲ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۲، ص ۶۹، ش ۳۹۳؛ تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۲۶، ش ۶۵۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۳۹، ش ۳۸۳.

فضیل بن محمد مَلَطِیّ

فضیل بن محمد بن فضیل، ابو یحیی مَلَطِیّ، امام مسجد مَلَطِیّه، متوفای سال ۲۸۴ هـ. گویا از راویان طبقة یازدهم باشد.

مشایخ او: ابوتوبه ربیع بن نافع، ابونعیم فضل بن دُکَیْن، موسی بن داود، محمد بن عیسی بن الطباع، سعید بن منصور، اسماعیل بن اویس، محمد بن موسی بن أعین، ابوالولید طیبالیسی.

راویان از او: ابوالقاسم طبرانی، عبدالرحمن ابی حاتم، ابو عمرو بن حافظ.^۱
راوی حدیث شماره: ۲۲۲.

قاسم بن محمد بن حماد دلال کوفی

قاسم بن محمد بن حماد دلال کوفی، متوفای سال ۲۸۶ یا ۲۹۵ یا ۲۹۹ هـ. گویا از راویان طبقة یازدهم باشد. «دارقطنی» وی را ضعیف شمرده، ولی «ابن حبان» او را در الثقات، یاد آور شده است.

مشایخ او: ابولباب اشعری، قُطَیْبَة بن عَلاء بن مِثَال، مَخْوَل، و ابونعیم، أسید بن زید.
راویان از او: طبرانی، خالدی، ابن عقیده.^۲
راوی حدیث شماره: ۱۷۴.

۱ - بنگرید به: الجرح والتعديل، ج ۳، ق ۲، ص ۷۶، ش ۴۲۷؛ المعجم الصغیر، (چاپ بیروت)، ص ۳۱۵،

ش ۷۵۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۴۱، ش ۳۸۶.

۲ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۷۸، ش ۶۸۳۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۲۳۲، ش ۳۴۸؛ وج

۲۱، ص ۲۴۳، ش ۳۹۲؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۶۵، ش ۱۴۴۳.

کَهْمَس بن مَعْمَر

کَهْمَس بن مَعْمَر بن مُحَمَّد بن مَعْمَر بن کَهْمَس مصری که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد. وی از مُحَمَّد بن رُمح و دیگران روایت می‌کند.^۱
راوی حدیث شماره: ۳.

محمّد بن ابراهیم بن کثیر

محمّد بن ابراهیم بن کثیر الصُّوری، ابوالحسن از محدّثان مشهور، گویا از راویان طبقه یازدهم است.
«ذَهَبِي» می‌نویسد: روى عن رواد بن الجراح خيراً باطلاً و منكرأ في ذكر المهدى، قال الجلاب: هذا باطل و محمد الصوري لم يسمع من رواد، وكان مع هذا غالباً في التشيع.
ولى «ابن حَجَر» می‌نویسد: «ابن حَبَّان» وی را در الثقات، یاد آور شده است.
مشایخ او: مُحَمَّد بن یوسف فَرَّیابی، مُؤَمَّل بن اسماعیل.
راویان از او: عَمْرُو بن عَصِيم الصُّوری، ابراهیم بن عبدالرزاق أَنطاكی، عبدالرحمن ابن حَمْدان جَلَّاب و...^۲
راوی حدیث شماره: ۷۳.

محمّد بن احمد بن ابی عَوْن رَيَّانِيّ = مُحَمَّد بن ابی عَوْن نَسَوِيّ

محمّد بن احمد بن عبدالله بن ابی عَوْن، ابوجعفر نَسَوِيّ (نَسَائِيّ) رَيَّانِيّ، متوفای سال ۳۱۳ هـ.ق، از راویان ثقه که گویا در طبقه یازدهم باشد.

۱ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۳۲۵، ش ۶۰۶ (وفیات ۳۰۱ - ۳۰۳ هـ).

۲ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۴۹، ش ۷۱۱۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۴۲۹، ش ۵۳۵

(حوادث و وفیات، ۲۷۱ - ۲۸۰ هـ)؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۳، ش ۸۹.

مشایخ او: علی بن حجر، ابراهیم بن سعید جوهری، احمد بن ابراهیم دوزقی، حمید ابن زنجویه نسائی.

راویان از او: یحیی بن منصور، عبدالله بن سعد، ابوالفضل محمد بن ابراهیم، ابو عمرو ابن حمدان، عبدالباقی بن قانع قاضی، ابوالقاسم طبرانی، ابواحمد بن عدی، ابوبکر اسماعیلی، الغطریفی، محمد بن محمد بن سمعان و محمد بن مخلد الدوری، اسماعیل بن علی الخطیبی.^۱

راوی حدیث شماره: ۱۵۵.

محمد بن احمد محبوبی، ابوالعباس

ابوالعباس محبوبی محمد بن احمد بن محبوب مروزی، صاحب ترمذی، متوفای سال ۳۴۶ هـ.^۲ که در تذکرة الحفاظ وی را در طبقة یازدهم یاد آور شده است. وی از مشایخ حاکم نیشابوری است.^۳

راوی حدیث شماره: ۱۱۲.

محمد بن اسحاق صغانی^۴ یا صغانی / م ۴

محمد بن اسحاق بن جعفر، ابوبکر صغانی، خراسانی الأصل، ساکن و محدث بغداد، از راویان ثقه و ثبت طبقة یازدهم، متوفای روز پنجشنبه هفتم ماه صفر ۲۷۰ هـ. مسلم،

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۱۱، ش ۱۹۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۴۵۸، ش ۱۱۸.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۶۳ در ضمن نام محمد بن یعقوب ابوالعباس، اصم نیشابوری به شماره

۳ - بنگرید به: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۳۹، ش ۹۶۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۱۲۲، ش ۱۸۳.

۴ - در تقریب التهذیب آمده: به فتح صاد و سپس غین. و در تذکرة الحفاظ و تهذیب التهذیب آمده

ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه در صحیح و سنن به روایت وی استدلال کرده‌اند.
 مشایخ او: یزید بن هارون، رَوْح بن عُبَادَه، سعید بن ابی مریم، احمد بن اسحاق
 حَضْرَمِی، محمد بن جعفر مدائنی، عَفَّان، ابومُشَهر و ...
 راویان از او: صاحبان صحاح بجز بخاری، ابوبکر بن خُزَیْمَه، ابوعَوَّانَه، ابوالعبَّاس
 اَصَم، اسماعیل صفَّار، عبَّدان اهوازی، موسی بن هارون، ابن ابی حاتم، رویانی، ابن
 مَخْلَد و ...^۱

راوی احادیث شماره: ۸، ۶۱، ۹۰.

محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مُغْبِرَه = بُخَارِی / ت س

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مُغْبِرَه بن بَرْدَزَبَه جُعْفِی، معروف به
 بُخَارِی، از حافظان بلندآوازه و محدث و راوی طبقه یازدهم، صاحب صحیح و
 تصانیف، او در سال ۱۹۴ هـ. متولد شد و در سال ۲۵۶ هـ. یعنی در ۶۲ سالگی
 درگذشت.

درباره وضعیت جسمی وی نقل شده است: نحیف الجسم لیس بالطویل ولا القصیر.
 مشایخ او: مکی بن ابراهیم بلخی، ابونعیم فضل بن دُکَیْن، عبیدالله بن موسی، محمد
 ابن عبدالله انصاری، عَفَّان، ابومُشَهر، و بسیاری دیگر.

راویان از او: ترمذی در جامع، مُسلم در غیر جامع، محمد بن نصر فقیه مروزی، صالح
 بن محمد جَزَرَه، مُطَیْن، ابن خُزَیْمَه و بسیاری دیگر.^۲

راوی احادیث شماره: ۱۳، ۳۹، ۲۴۸، ۲۱۸.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۷۳، ش ۵۹۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۲، ش ۵۹۲۵؛ تقریب التهذیب،
 ج ۲، ص ۱۴۴.

۲ - بنگرید به: تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۵۵۵، ش ۵۷۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۱، ش ۵۹۳۱؛
 تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۴.

محمد بن اسماعیل صائغ / د

محمد بن اسماعیل بن سالم، صائغ، ابوجعفر بغدادی، ساکن مکه، از راویان صدوق طبقه یازدهم، متوفای ۲۷۶ هـ. در ۸۸ سالگی، ابوداود به روایت وی استناد کرده است. مشایخ او: پدرش، حجاج بن محمد، عفان، ابوداود حفری، ابوالنضر، علی بن مدینی، احمد، و...

راویان از او: ابوداود، موسی بن هارون حمّال، ابن ابی حاتم، ابوجعفر عقیلی و...^۱
راوی احادیث شماره: ۵۹، ۲۰۹.

محمد بن ثواب / ق

محمد بن ثواب بن سعید بن حصن هباری^۴، ابوعبدالله کوفی، از راویان صدوق طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۶۰ هـ. در سنّ ابن ماجه به روایت وی استناد شده است. «مسلمه» بدون دلیل، او را ضعیف دانسته است.

مشایخ او: عبدالله بن نمیر، ابواسامه، ابوداود حفری، زید بن حباب، معاویه بن هشام، یونس بن بکر و...

راویان از او: ابن ماجه، ابن عوانه اسفراینی، ابوبکر بزار، یعقوب بن شیبه، ابونعیم بن عدی، ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد بن حمّاد طهرانی و...^۳
راوی حدیث شماره: ۲۱۱.

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۳۱، در ضمن شماره ۶۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۵۰، ش ۵۹۳۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۵.

۲ و ۴ - به فتح ثاء و تخفیف واو «هباری» به تشدید باء (تقریب التهذیب).

۳ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۷۸، ش ۵۹۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۹.

محمد بن رزین، یا محمد بن رزین

«ابن حَجْر» می نویسد: محمد بن رزین، شیخ طبرانی، و راوی از هیثم بن حبیب است.^۱

اما به نظر این جانب، همان گونه که در المعجم الصغیر^۲ آمده است؛ محمد بن رزین بن جامع المصری، ابو عبدالله المعدل، صحیح است که از مشایخ طبرانی و راوی از هیثم بن حبیب می باشد و با توجه به اینکه از مشایخ طبقه دهم، روایت می کند پس گویا از راویان طبقه یازدهم است.

مشایخ او: سعید بن منصور، هیثم بن حبیب، سفیان بن بشر، ابراهیم بن منذر حزامی، ابو مضعب زهری و ...

راویان از او: علی بن محمد واعظ، طبرانی، حسن بن رشیق.^۳
راوی حدیث شماره: ۲۳۶.

محمد بن زکریا هلالی

گویا از راویان طبقه یازدهم است.

محمد بن زکریا بن دینار، ابو جعفر، غلابی بصری اخباری، متوفای پس از سال ۲۹۰ هـ. در بصره، «ذهبی» وی را ضعیف شمرده ولی «ابن حبان» او را در کتاب الثقات، ذکر کرده و گفته است: اعتبار حدیث او منوط به این است که از شخص موثقی روایت کند.

مشایخ او: عبدالله بن رجاء غدانی، بکار بن محمد سپرینی، عباس بن بکار، یعقوب ابن جعفر بن سلیمان عباسی امیر، ابوالولید طیالیسی، شعیب بن واقد، ابوزید أنصاری

۱ - تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲ - المعجم الصغیر، چاپ مدینه طیبه، ج ۲، ص ۷۱ و چاپ بیروت، ص ۴۰۰، ش ۹۶۴.

۳ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۲۶۸، ش ۴۱۷ (وفیات ۲۹۱ - ۳۰۰ هـ).

نحوی و...

راویان از او: ابوالقاسم طبرانی، هلال بن محمد، فهد بن ابراهیم بن فهد. در میزان الاعتدال، و لسان المیزان، آمده است:

الصولی، حدَّثنا الغلابی، حدَّثنا ابراهیم بن بشار، عن سفیان، عن اَبی الزُّبیر، قال: کنا عند جابر، فدخَلَ عَلَیَّ بنِ الحُسَینِ، فقال جابر: دخل الحُسَینِ، فضَمَّه النَبِیُّ ﷺ إلیه وقال: «یُولد لابنی هذا ابنُ یقال له عَلِیٌّ، إذا کان یومُ القِیامَةِ نادِی منادٍ: لیقم سَیِّدُ العابدِینِ، فیقوم هذا. ویولد له [ولدٌ یقال له] مُحَمَّد، إذا رأیته یا جابر فاقرأ علیه مِنِّی السَّلَام».^۱

راوی حدیث شماره: ۷۴.

محمد بن السَّری بن مهران ناقد بغدادی

با توجه به اینکه مشایخ وی در طبقه دهم، و راوی از او در طبقه دوازدهم قرار دارند پس گویا از راویان طبقه یازدهم باشد. بر حسب آنچه خطیب بغدادی نوشته است وی از راویان مورد وثوق است.

مشایخ او: ابراهیم بن زیاد سَبَلان، اسماعیل بن عیسی عطَّار، محمد بن عبدالله اَرزُی^۲، یوسف بن موسی قَطَّان.

راویان از او: عبدالباقی بن قانع، محمد بن علی بن جیش الناقد، ابوالقاسم طبرانی.^۳

راوی حدیث شماره: ۱۷۲.

۱ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۵۰، ش ۷۵۲۷؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۶۸، ش ۵۷۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۵۹، ش ۴۳۴.

۲ - با راه مضموم و زاء مُشَدَّد. (تقریب التهذیب).

۳ - تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۱۸، ش ۲۸۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۲۶۹، ش ۴۲۱. (وفیات سال ۲۹۱ - ۳۰۰هـ).

محمد بن عبدالله بن احمد = ابو عبدالله صفار^۱

محمد بن عبدالله بن احمد زاهد ابو عبدالله صفار اصفهانی ساکن نیشابور، متوفای روز دوشنبه، ۱۲ ذیقعدة سال ۳۳۹ هـ. در ۹۸ سالگی که در خانه اش دفن گردید. وی در روزگار خود، محدث خراسان بود و از راویان طبقه یازدهم شمرده می شود.

«سَمْعَانِي» درباره او نوشته است: كان زاهداً حسنَ السيرة، ورعاً كثيراً الخير، و «حاكم نيشابوري» در تاريخ نيشابور، نقل می کند: أبو عبدالله الصفار الإصبهاني، محدث عصره بخراسان و كان مُجاب الدعوة و نیز نقل شده: أقام أربعين سنة لم يرفع رأسه إلى السماء حياةً من الله، وكان يقول: اسمي اسم رسول الله، و اسم أبي اسم أبيه، و اسم أمي آمنة.

مشايخ او: در اصفهان: احمد بن عصام انصاری، أسيد بن عاصم ثقفی، احمد بن مهدي بن رستم، عبید غزال؛ در فارس: احمد بن مهران بن خالد؛ در بغداد: احمد بن عبدالله [عبیدالله] الثرسي، محمد بن فرج ازرق، ابواسماعيل ترمذی؛ در مکه: علی بن عبدالعزیز و....

راویان از او: حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله البیج حافظ، محمد بن ابراهیم جرجانی، ابوعلی حسین بن علی نیشابوری حافظ، ابوالحسین محمد بن محمد حجاجی حافظ، ابوسعید محمد بن موسی بن فضل صیرفی، ابو عبدالله بن منده و...^۲

راوی حدیث شماره: ۳۵.

۱ - به فتح صاد و تشدید فاء، یعنی رویگر. (بنگرید به: الأنساب).

۲ - بنگرید به: تاریخ نیشابور، ص ۱۸۳، ش ۲۳۸۶؛ أخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۷۱؛ الأنساب، ج ۸، ص ۳۱۵؛ تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۵۱ (در ضمن شماره ۸۲۹، تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۱۷۹؛ الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۳۱۶، ش ۱۳۶۸).

محمد بن عبدالله بن عبدالحکم مِصریّ / س

محمد بن عبدالله بن عبدالحکم بن أعین بن لیث، ابو عبدالله مِصریّ از فقیهان مُفتی مصر و راوی ثقه طبقه یازدهم، متولد ۱۸۲ هـ. و متوفای ۲۶۸ هـ. در ۸۶ سالگی. نسائی به روایت وی استناد کرده است.

«ابن خُزَیمَه» گفته است: ما رأیتُ فی فقهاء الإسلام أعرَفَ بأقاویل الصَّحابة والتابعین منه.

مشایخ او: پدرش، ابن وهب، شافعی، ابن ابی فُدَیک، قَعَنَبیّ و ...
راویان از او: نسائی، ابن خُزَیمَه، ابوحاتم، ابوبکر بن زیاد نیشابوری، محمد بن یعقوب أصمّ و ...^۱

راوی حدیث شماره ۵: ۴۸.

محمد بن علی بن جارود = ابوبکر بن جارود

ابوبکر اصفهانی، محدث ثقه که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.
ابونعمان اصفهانی درباره او نوشته است: از راویان ثقه، کثیرالحدیث، صاحب اصول، متوفای سال ۳۲۵ هـ. که از یونس بن حبیب و دیگران حدیث شنیده است.
مشایخ او: یونس بن حبیب، احمد بن معاویه، یحیی بن نصر، ابوداود طیالسی.
راویان از او: ابواسحاق بن حمزه، ابوبکر بن مُقرئ، محمد بن عبدالرحمن بن مخلد.^۲
راوی حدیث شماره ۵: ۲۰۱.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۴۶، ش ۵۶۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۴۶، ش ۶۲۷۲؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲ - بنگرید به: اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۲۴۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۴، ص ۱۷۹، ش ۲۵۰ (حوادث و رFIات ۳۲۱ - ۳۳۰ هـ).

محمد بن علی بن خلف أطروش دمشقی

گویا وی از راویان طبقه یازدهم است.

مشایخ او: هشام بن عمار، احمد بن ابی الحواری (= احمد بن عبدالله بن میمون، دَحَیم) ^۱.

راویان از او: عبدالله بن الورد مصری، عبدالمؤمن نسفی، طبرانی.
راوی حدیث شماره: ۲۲۴.

محمد بن عمرو بن موسی، عقیلی

ابوجعفر محمد بن عمرو بن موسی بن حماد عقیلی صاحب کتاب الضعفاء در رجال شناسی، از راویان نامدار، حافظ و ثقة طبقه یازدهم، متوفای سال ۳۲۲ هـ.

مشایخ او: جدش: یزید بن محمد عقیلی، محمد بن اسماعیل صائغ، ابویحیی بن ابی مسرّه، عبدالله بن احمد بن حنبل، یحیی بن ایوب علاف، محمد بن اسماعیل ترمذی، علی بن عبدالعزیز بقوی، محمد بن خزیمه، محمد بن موسی بلخی و ...

راویان از او: ابوالحسن محمد بن نافع خزاعی، یوسف بن احمد بن دخیل مصری، ابوبکر بن مقرئ و ... ^۲

راوی حدیث شماره: ۲۰۹.

ابوجعفر محمد بن محمد بن عبدالله بغدادی

محمد بن محمد بن عبدالله بن حمزة بن جمیل، ابوجعفر بغدادی، جمال محدث، ساکن سمرقند، متوفای سال ۳۴۶ هـ. در سمرقند که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

۱ - تاریخ الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۸۱، ش ۴۸۵ (وفیات سال ۲۸۱ - ۲۹۰ هـ).

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۳۳، ش ۸۱۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۴، ص ۱۱۱، ش ۱۰۳.

«ذَهَبِيَّ» درباره او از «حاکم» نقل می‌کند: هو محدث عصره بخراسان، و أكثر رجلة و أثبتهم أصولاً، و اتَّجَرَ إِلَى الرَّيِّ و سكنها مدة، فقیل له: الرَّازِيَّ. و كان صاحب جمال، فقیل له الجمال.

مشایخ او: عبید بن محمد کشوری^۱، ابوزرعه دمشقی، و ...

راویان از او: ابن منده، ابو عبدالله حاکم نیشابوری، ابوسعید ادریسی، محمد بن ابراهیم جرجانی^۲.

راوی حدیث شماره: ۷۵.

محمد بن مخلد^۳ عطار

محمد بن مخلد بن حفص، ابو عبدالله الدوری عطار، مُسْنِدُ بَغْدَادِ، از راویان موصوف به صدق، ثقه و صلاح و مأمون طبقه یازدهم، متولد سال ۲۳۴ یا ۲۳۳ و متوفای جمادی الآخره سال ۳۳۱ هـ.

مشایخ او: أصْبَغُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ابُو حِذَافَةَ سَهْمِيَّ، يَعْقُوبُ بْنُ دَوْرَقِيَّ، مُسْلِمُ بْنُ حَجَّاجٍ، أَحْمَدُ بْنُ عَثْمَانَ بْنِ أُوْدِيَّ، عَبْدُ وُصِّ بْنِ بِشْرِ، أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى قَطَّانٌ، زَعْفَرَانِيُّ و ...
راویان از او: ابوبکر بن جعابی، ابو عمر بن مهدی، دارقطنی، ابن الصلت اهوازی و ...^۴

راوی احادیث شماره: ۳۶، ۵۲.

۱ - به فتح کاف و یا کسر آن، منسوب به «کشور» آبادی است در صنعاء یمن (بنگرید به: الأنساب).

۲ - بنگرید به: تاریخ نیشابور، ص ۱۸۶، ش ۲۴۷۲؛ تاریخ بغداد، ج ۳، صص ۲۱۷ و ۲۱۸، ش ۱۲۷۱؛

سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۴۶، ش ۳۲۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۳۶۱، ش ۶۰۹.

۳ - به فتح میم و لام، و سکون خاء.

۴ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۳، صص ۳۱۰ و ۳۱۱، ش ۱۴۰۶؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۲۸، ش ۸۱۱؛

تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۶۲، ش ۳۰؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۷۴، ش ۱۲۱۸.

محمد بن هيثم قاضي، ابوالأخوص / ق

محمد بن هيثم بن حماد بن واقد ثقفی، ابوالأخوص بغدادی، عكبري^۱، قاضي عكبراء، معروف به ابوالأخوص، از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۹۹ هـ. ابن ماجه به روایت وی استدلال کرده است.

مشایخ او: ابونعیم، عبدالله بن رجاء، مسلم بن ابراهیم، ثقیلی، موسی بن داود ضبی، قعنبي، ابوالولید طيالیسی نعیم بن حماد، و ...

راویان از او: ابن ماجه، ابو عوانه اسفرائینی، عثمان بن السّمّاک، ابوبکر اشکافی، ابوبکر شافعی، ابن ناجیه، وکیع، محمد بن عبدالله حَضْرَمِي، و ...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۵۲.

محمد بن يحيى أزدي / قدت ق

محمد بن يحيى بن عبدالکریم بن نافع أزدي، بصري، ساکن بغداد، از راویان ثقه طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۵۲ هـ. ابوداود در کتاب القدر، ترمذی و ابن ماجه به روایت وی استدلال کرده اند.

مشایخ او: پدرش، داود بن مُحَبَّر، حجاج بن محمد، عبدالصمد بن عبدالوارث، محمد بن اسحاق، حسین محمد مَرَوَزِي، ابوالنضر، وهب بن جرير بن حازم، يزيد بن هارون، و ...
راویان از او: ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، ابن ابی عاصم، احمد بن يحيى بن زهير، سُتْرِي، حرب کرمانی و ...^۳

۱ - منسوب به عكبراء، به ضم عين، سکون کاف و فتح باء، شهرکی است در نواحی بغداد (تقریب التهذيب).

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۰۵، ش ۶۳۰؛ تهذيب التهذيب، ج ۷، ص ۴۶۹، ش ۶۶۲۵؛ تقریب التهذيب، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۱۱ در ضمن شماره ۵۲۶؛ تهذيب التهذيب، ج ۷، ص ۴۸۵، ش ۶۶۴۷؛

راوی احادیث شماره: ۲۴۰، ۲۴۱.

محمد بن یحییٰ ذُهَلِی، نیشابوری / خ ۴

ابو عبدالله، محمد بن یحییٰ بن عبدالله بن خالد بن فارس بن ذُوَیْبِ ذُهَلِی (مَوْلَى بَنِي ذُهَل)، نیشابوری، شیخ الإسلام نیشابور، از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم، متوفای ۲۵۸ هـ. در ۸۶ سالگی. بخاری، ابوداود، ترمذی، نسائی و ابن مساجه به روایت وی استدلال کرده‌اند.

«محمد بن سَهْل بن عَسْكَر» گفته است: در حضور احمد بن حنبل بودیم که محمد بن یحییٰ «ذُهَلِی» وارد شد، احمد، به احترام او برخاست، حاضران تعجب کردند، آن‌گاه احمد به فرزندان و اصحابش گفت: اذهبوا إلى أبي عبدالله فاکتُبوا عنه.

«محمد بن داود مِصْبِی» گفت: در نزد احمد بن حنبل بودیم، محمد بن یحییٰ، حدیثی را یادآور شد که در آن ضعف بود. پس احمد گفت: لا یذکر مثلك مثل هذا؛ فخیل محمد، فقال له أحمد: إنما قلتُ هذا إجلالاً لك یا أبا عبدالله.

مشایخ او: عبدالرزاق، عبدالرحمن بن مَهْدِی، ابوداود طَبَالِیسی، عبدالصمد بن عبدالوارث، عبدالله بن جَعْفَر رَقِی و دیگر محدثان حَرَمِین، شام، مصر، عراق، رَی، خراسان، یمن و جزیره.

راویان از او: پسرش: یحییٰ بن محمد بن یحییٰ ملقب به «حَیْكَان»، صاحبان صحاح بجز مُسَلِم، محمد بن اسحاق صاغانی، عبّاس الدُّورِی، ابوحاتم، ابوزرعه، ابن خُزَیْمَه، محمد بن اسحاق بن ابراهیم السَّرَاج، ابوعوانه إسفراینی، ابوبکر بن زیاد نیشابوری، حاجب بن احمد طوسی و ...^۱

راوی حدیث شماره: ۳۴.

→ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۱۷.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۳۰، ش ۵۴۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۸۱، ش ۶۶۴۴؛ تقریب

التهذیب، ج ۲، ص ۲۱۷.

ابوعبدالله محمد بن یعقوب = ابن آخرم

ابوعبدالله محمد بن یعقوب بن یوسف شیبانی نیشابوری، ابن آخرم (۲۵۰ - ۳۴۴ هـ.ق) از راویان طبقه یازدهم، صاحب المُنشد الکبیر، و المستخرج علی الصحیحین. پدرش معروف به ابن کِرمانی بود، وی بر جنازه محمد بن یحیی ذهلّی نماز خوانده است. مشایخ او: علی بن حسن هلالی، ابراهیم بن عبدالله سعدنی، محمد بن عبدالوهاب الفراء، یحیی بن محمد ذهلّی، علی بن حسن هلالی و ...
 راویان از او: ابوبکر بن اسحاق الصبغی، حسان بن محمد الفقیه، ابوعبدالله حاکم، یحیی بن ابراهیم المُرکّی، محمد بن اسحاق بن منده و ...^۱
 راوی حدیث شماره: ۲۹.

ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم

ابوالعباس محمد بن یعقوب بن یوسف معقل بن سنان اموی، نیشابوری، از محدثان و راویان ثقه طبقه یازدهم، متولد ۲۴۷ هـ. و متوفای ۳۴۶ هـ. خوش نداشت که به او «اصم» گفته شود، ناشنوایی بر او عارض شده بود تا جایی که نهیق حمار را هم نمی شنید. مشایخ او: در اصفهان: هارون بن هارون بن سلیمان، أسید بن عاصم؛ در مکه: احمد ابن شیبانی رملی؛ در مصر: ربیع، بحر بن نصر و ...؛ در عسقلان: احمد بن فضل صائغ؛ در بیروت: عباس بن ولید؛ در دمشق: یزید بن عبدالصمد، و نیز، طرسوس، کوفه، بغداد و ...
 راویان از او: حاکم ابوعبدالله بن منده، محمد بن ابراهیم جرجانی و ... ابوبکر حیری، ابوسعید صیرفی، ابوصادق محمد بن احمد بن ابی الفوارس عطار و ...^۲
 راوی احادیث شماره: ۸، ۲۹، ۶۱، ۹۰، ۱۰۳.

۱ - بنگرید به: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۶۴ ش ۸۳۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۳۱۲، ش ۵۲۰.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۶۰ ش ۸۳۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۳۶۲، ش ۶۱۰.

مُعَاذُ بْنُ مُثَنَّى

مُعَاذُ بْنُ مُثَنَّى بْنِ مُعَاذٍ، ابُو الْمُثَنَّى الْعَنْبَرِيُّ بَصْرِيُّ سَاكِنٌ بَغْدَادَ، وَیْ دَرِ سَالِ ۲۰۸ هـ. مَتَوْلَدٌ شَدَّ وَ دَرِ سَالِ ۲۸۸ هـ. یَعْنَى دَرِ ۸۰ سَالِکِی وَفَاتِ یَافَتْ. اَز رَاوِیَانِ ثَقَه وَ جَلِیلِ کِه گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.

مَشَايِخُ اَوْ: پَدْرَش، عِبْدَاللّٰهُ بْنُ عِبْدِالْوَهَّابِ الْحَجَبِيِّ، قَعْنَبِيِّ، شَيْبَانَ بْنِ فَرُّوخٍ، مُحَمَّدُ ابْنِ عِبْدَاللّٰهِ خُزَاعِيِّ، مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ عَبْدِيِّ، مُسَدَّدُ بْنُ مُسْرَهْدٍ.

رَاوِیَانِ اَز اَوْ: اَبُو بَكْرٍ شَافِعِيٍّ، یَحْيَى بْنُ صَاعِدٍ، مُحَمَّدُ بْنُ مُخَلَّدٍ، عِبْدَالْبَاقِيَّ بْنِ قَانِعٍ، جَعْفَرُ بْنُ حَكَمِ الْمُؤَدَّبِ، عَمْرُ بْنُ مَسْلَمٍ، اَبُو الْقَاسِمِ طَبْرَانِيِّ^۱.

رَاوِی اَحَادِيْث: ۱۶۲، ۱۷۵.

مُوسَى بْنُ هَارُونَ

مُوسَى بْنُ هَارُونَ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مِرْوَانَ، بَغْدَادِيٍّ، بَزَّازٌ، مَحْدَثٌ عِرَاقَ، اَز رَاوِیَانِ ثَقَه وَ حَافِظِ طَبَقَه یَاَزْدَهَمِ، مَتَوْلَدٌ ۲۱۴ هـ. وَ مَتَوَقَّای ۲۹۴ هـ.

مَشَايِخُ اَوْ: پَدْرَش؛ اَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ، یَحْيَى بْنُ حِمَّانِيٍّ، خَلْفُ بْنُ هِشَامٍ وَ...

رَاوِیَانِ اَز اَوْ: طَبْرَانِيٍّ، اَبُو سَهْلٍ قَطَّانٍ، اَبُو طَاهِرٍ ذُهَلِيٍّ، اَبُو بَكْرٍ شَافِعِيٍّ وَ...

رَاوِی اَحَادِيْث: ۱۶۴، ۱۹۰ (تَكَرَّارِ شَمَارَه ۱۶۴).

یَحْيَى بْنُ عَبْدِالْبَاقِي

یَحْيَى بْنُ عَبْدِالْبَاقِيَّ بْنِ یَحْيَى بْنِ یَزِيْدِ بْنِ اِبْرَاهِيْمِ عَبْدِاللّٰهِ، اَبُو الْقَاسِمِ الثَّغْرِيِّ الْأَذَنِيِّ،

۱ - بَنگَرِيْد بَه: تَارِيْخِ بَغْدَادَ، ج ۱۳، ص ۱۳۶، ش ۷۱۲۱؛ تَارِيْخِ الْاِسْلَامِ، ج ۲۱، ص ۳۰۸، ش ۵۳۷.
۲ - تَذَكْرَةُ الْحَقَّافِ، ج ۲، ص ۶۶۹، ش ۶۸۹؛ تَقْرِيْبِ التَّهْذِيْبِ، ج ۲، ص ۲۸۹ (دَر تَهْذِيْبِ التَّهْذِيْبِ یَافَتْ نَشَد).

متوفای سال ۲۹۳ ه.ق، از محدثان ثقه که گویا از راویان طبقه یازدهم باشد.
مشایخ او: محمد بن سلیمان بن لوین، ابراهیم بن سعید جوهری، سعید بن عمرو
سکونی حمصی، ابوعمیر نحاس رملی، اسماعیل بن ابی خالد مقدسی، یحیی بن عثمان
حمصی، و ...

راویان از او: یحیی بن محمد بن صاعد، ابوالحسین بن المنادی، احمد بن اسحاق بن
وهب بُنْدَار، ابوعمرو بن السَّمَاك، عبدالباقی بن قانع، ابوالقاسم طبرانی.^۱
راوی حدیث شماره: ۲۳۸.

یعقوب بن اسحاق، ابوَعَوَانَه اسفرائینی

یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بن یزید، ابوَعَوَانَه اسفرائینی، نیشابوری الأصل،
صاحب مُسْنَد، از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم، متوفای سال ۳۱۶ ه.وی از محدثان
خراسان، عراق، حجاز، یمن، شام، فارس، اصفهان، مصر، و ... استفاده کرده است.
مؤلف تذکرة الحفاظ نوشته است: علی قبر ابي عوانة مشهد مبنی باسفرائین، یزار، و هو
بداخل المدينة [البلد]، وکان هو أول من أدخل کتُب الشافعی و مذهبه إلى اسفرائین.
«حاکم» گفته است: ابوَعَوَانَة من علماء الحديث وأثباتهم.

راوی حدیث: «الْمُتَّبَاعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَفْتَرِقَا».

مشایخ او: محمد بن یحیی، مُسَلِم بن حجاج، عمر بن شَبَه، شُعَيْب بن عمرو ضُبَعِي،
علی بن آشکاب، سَعْدَان بن نصر، حسن بن محمد زَعْفَرَانِي، ربیع مُرَادِي، محمد بن
عبدالله بن عبدالحکَم، و ... یونس بن عبدالأعلى، احمد بن أزهر، زَعْفَرَانِي، علی بن
حَرَب، محمد بن یحیی ذُهَلِي و ...

راویان از او: طَبْرَانِي، احمد بن علی رازی حافظ، ابوعلی نیشابوری، یحیی بن
منصور قاضی، عبدالله بن عَدِي، ابوبکر اسماعیلی، حُسَيْنُك بن علی، فرزندش:

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۲۷، ش ۷۵۲۸؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۲، ص ۳۲۲، ش ۵۴۴.

ابومُصعب محمد بن یعقوب، پسرِ پسرِ خواهرش: ابونُعَیم عبدالمک بن حسن اسفراینی.^۱
راوی احادیث شماره: ۴۷، ۴۸، ۵۹، ۸۹، ۱۸۸، ۲۶۵.

یوسف بن سعید بن مسلم / س

یوسف بن سعید بن مسلم مِصْبِی، ابویعقوب انطاکی، از راویان ثقه و حافظ طبقه یازدهم، متوفای سال ۲۷۱ هـ. در سنّ نسائی به روایت وی استناد شده است.
مشایخ او: داود بن منصور، حجاج بن محمد أعور، محمد بن مُصعب، عبیدالله بن موسی، ابومُشهر، هُوْدَة بن خلیفه، قَبِیصَه، موسی بن داود ضَبّی، ابونُعَیم و ...
راویان از او: نسائی، ابوعوانه، محمد بن مُنذر هَرَوِی، شکر، ابوبکر بن زیاد نیشابوری و ...^۲

راوی احادیث: ۴۷، ۵۹.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۷۷۹، ش ۷۷۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۵۲۵، ش ۲۷۷.
۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۳، ش ۶۰۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۴۳۵، ش ۸۱۴۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۱.

طبقه دوازدهم

ابواسحاق بن حمزه = ابراهیم بن محمد

ابراهیم بن محمد بن حمزه بن عماره اصفهانی، یکی از راویان نامدار و حافظ طبقه دوازدهم، متوفای سال ۳۵۳ هـ. در حدود ۸۰ سالگی؛ پدرش از مشایخ بزرگ اصفهان بود. جدش: عماره، پسر حمزه بن یسار بن عبدالرحمن بن حفص که حفص، برادر ابومسلم خراسانی مشهور بود.

مشایخ او: ابوشعیب حرانی، محمد بن عبدالله مطینی، یوسف بن یعقوب قاضی، محمد بن عثمان عبسی، ابوخلیفه جمحی و ...

راویان از او: ابونعیم اصفهانی، ابو عبدالله بن منده، ابویکر بن مزدویه، و ...^۱
راوی حدیث شماره: ۵۱.

احمد بن بندار

احمد بن بندار بن اسحاق ابو عبدالله شاعر، اصفهانی، متوفای ۳۵۹ هـ. ق، که ابونعیم

۱ - تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۹۱۰، ش ۸۷۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۸۴ (وفیات، ۳۵۱ - ۳۸۰ هـ)؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۱۷، ش ۸۴۴.

اصفهانى دربارهٔ وی نوشته است: ثقة، كان ظاهريّ المذهب.
با توجه به اینکه وی از مشایخ روایی ابونعیم اصفهانى است، پس گویا از راویان طبقه دوازدهم باشد.

مشایخ او: ابراهیم بن سعدان، عبید الغزال، عمر بن مرداس، محمد بن زکریّا، خزاعی، محمد بن یوسف، ابن ابی عاصم، محمد بن ایوب رازی^۱، سلّمه بن شیبب.
راویان از او: احمد بن اسحاق، محمد بن احمد بن یعقوب شیبانی^۲.
راوی حدیث شماره: ۱۶۰.

ابومحمد احمد بن عبدالله مزنّی

احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر بن معقل بن حسان بن عبدالله ابن معقل، المزنّی، صحابی رسول الله ﷺ و كان إمامَ أهل العلم والجدود في عصره بلامدافعة، وكان من أولياء السّلطان. معروف به ابومحمد مزنّی.
وی هروی بود ولی در «بخارا» از دنیا رفت،^۳ گویا از راویان طبقه دوازدهم باشد.
راوی حدیث شماره: ۱۰.

احمد بن محمد بن السّریّ، ابوبکر بن ابی دارم کوفی

احمد بن محمد بن السّریّ بن یحیی بن السّریّ ابوبکر بن ابی دارم تمیمی کوفی، از حافظان طبقه دوازدهم مُسنَد شیعی، مُحدّث کوفه که در محرم سال ۳۵۱ یا ۳۵۲ ه.ق، چشم از جهان فرو بست.

مؤلف تذکرة الحفاظ نوشته است: جمع في الحطّ علی الصّحابة، وكان یترقّض، وقد

۱ - اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۱۵۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۱۸۷.

۲ - تاریخ الإسلام، ج ۲۳، ص ۲۹۳، ش ۵۰۱؛ (احمد بن بُندار خَبّال اصفهانى).

۳ - بنگرید به: تاریخ نیشابور، ص ۱۴۹، ش ۱۶۹۷.

أُتِهم في الحديث... و كان موصوفاً في الحفظ، له ترجمة... سيئة في الميزان ذكرنا فيها ما حدث به من الإفك المبين، لا رعاه الله. در ميزان الاعتدال آمده است: أبوبكر الكوفي، رافضي كذاب،...

«محمد بن احمد بن حماد كوفي» گفته است: كان مُستقيمَ الأمر عامّةً دهره، ثمّ في آخر أيامه كان أكثر ما يقرأ عليه المثالب، حضرته ورجل يقرأ عليه: إنَّ عُمَرَ رفس فاطمة حتّى أسقطت بمُحسِن، وفي خبر آخر في قوله تعالى: «وجاء فرعون» عمر و قبله أبوبكر «والموتفكات» عائشة و حفصة، فوافقته على ذلك، ثمّ إنّه حين أذن الناس بهذا الأذان المُحدث وضع حديثاً مثله: تخرج نار من قعر عدن تلتقط مُبغضي آل محمد، و وافقته عليه. و نيز روايت: اجعل في آخر أذانك حيّ على خير العمل. وهذا حدثنا به جماعة عن الحضرمي، عن يحيى الحماني. وإنما هو: اجعل في آخر أذانك: الصلاة خير من النوم. تركته ولم أحضر جنازته.

مشايخ او: ابراهيم بن عبدالله صفار، احمد بن موسى الحمّار، موسى بن هارون الجمال، مُطّين و...

راويان از او: حاكم، ابوبكر بن مردويه، يحيى بن ابراهيم المزكي، ابوبكر الحيري قاضي و...

أخبرنا أبو علي الحسن بن علي، أنا جعفر بن منير، أنا أبو طاهر السلفي، أنا أبو عبد الله الثقفي، أنا أبو زكريا المزكي، أنا أبو بكر بن أبي دارم بالكوفة، أنا أحمد بن موسى بن إسحاق، أنا أبو نعيم، عن زكريا، عن الشعبي سمعتُ النعمان بن بشير يقول: قال رسول الله ﷺ: الحلال بين والحرام بين، وبين ذلك مُشبهات، لا يعلمها كثير من الناس، من ترك المُشبهات استبرأ لدينه وعرضه، ومن وقع في المُشبهات وقع في الحرام، كالراعي إلى جنب الحمى يوشك أن يواقعها - الحديث.

أخرجه البخاري عن أبي نعيم، وأخرجه مسلم عن ابن نمير عن أبيه كلاهما عن

زکریّا.^۱

راوی حدیث شماره: ۲۰۷.

احمد بن یوسف = ابوبکر بن خلّاد

احمد بن یوسف بن احمد بن خلّاد بن منصور بن احمد بن خلّاد، ابوبکر عطار، نصیبی، سپس بغدادی، از نصیبین است و با توجه به اینکه از راویان طبقه یازدهم، روایت می‌کند گویا از راویان طبقه دوازدهم باشد.

«خطیب بغدادی» درباره وی نوشته است: کان ابن خلّاد لا يعرف من العلم شیئاً غیر أنّ سماعه صحیحاً و از حافظ «ابونعیم» نقل می‌کند که ابن خلّاد ثقه بود و در ماه صفر سال ۳۵۹ هـ. درگذشت.

مشایخ او: محمد بن فرج آزر، حارث بن ابی أسامه، اسماعیل بن اسحاق قاضی، محمد بن غالب حرب تمّام، عبید بن شریک بزّاز، احمد بن ابراهیم بن ملحان، محمد بن یونس کذیمی، احمد بن محمد بن صاعد، ابراهیم بن اسحاق حربی، اسحاق بن حسن حربی، محمد بن عثمان بن ابی شیبّه.

راویان از او: ابوالحسن دارقطنی، ابوالحسن بن رزقویه، محمد بن ابی الفوارس، قاضی ابوالفرج بن سُمیّکه، هلال بن محمد حقّار، حسین بن شجاع صوفی، علی بن محمد الأیادی، ابوعلی بن شاذان، ابونعیم اصفهانی.^۲

راوی حدیث شماره: ۱۱۱.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۸۴، ش ۸۵۲؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹، ش ۵۵۲؛ تاریخ الإسلام، ج

۲۶، ص ۴۹؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۸، ش ۸۲۴؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۶۲، ش ۸۲۴.

۲ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۲۰، ش ۲۶۹۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۱۹۰؛ (حوادث و

وفیات سال ۳۵۱ هـ تا ۳۸۰ هـ).

اسحاق بن ابراهیم بن یونس منجینی / س

اسحاق بن ابراهیم بن یونس بن موسی بن منصور، وراق، ابویعقوب بغدادی، معروف به منجینی، ساکن و مُسند مصر، از راویان ثقه و حافظ طبقة دوازدهم، متوفای ۳۰۴ هـ. در مصر، نسائی به روایت وی استناد جسته است.

مشایخ او: ابوکریم، عبدالله بن ابی رومان اسکندرانی، عبدالاعلی بن حماد تریسی و...
راویان از او: نسائی، حسن بن سفیان، ابوعلی اشیوطی، ابوالقاسم طبرانی و...^۱
راوی احادیث شماره: ۱۱۸، ۱۵۶.

حسن بن یعقوب بن یوسف العدل

حسن بن یعقوب بن یوسف العدل، ابوالفضل بخاری سپس نیشابوری، گویا از راویان طبقة دوازدهم باشد.

«ذهبی» می نویسد: پدرش از ثروتمندان بود، فأنفق الأموال علی العلماء والصالحین، وبقی یاوی إلى المسجد.

مشایخ او: محمد بن عبدالوهاب قراء، ابو حاتم رازی، یحیی بن ابی طالب، ابراهیم ابن عبدالله قصار، ابویحیی بن ابی مرّه.

راویان از او: ابوعلی حافظ، ابواسحاق مزکی، ابو عبدالله حاکم، ابن منده، یحیی بن ابی اسحاق مزکی.^۲

راوی حدیث شماره: ۷۰.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۸۹ در ضمن شماره ۸۵۵: تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۳۹، ش ۳۶۳؛

تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۵.

۲ - بنگرید به: تاریخ نیشابور، ص ۱۵۹، ش ۱۸۹۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۲۶۲، ش ۴۲۳ (حوادث

وفیات سال ۳۴۱ - ۳۵۰ هـ.ق).

حُسَيْن بن عَلِيّ بن مُحَمَّد بن يحيى = حُسَيْنَك

ابو احمد حُسَيْن بن عَلِيّ بن مُحَمَّد بن يحيى تميمي، نيشابوري، مشهور به حُسَيْنَك، از بزرگان اهل خراسان و از راويان ثقه و حافظ طبقه دوازدهم، متوفای ۳۷۵ هـ. مشايخ او: ابن خُزَيْمَه، عَبَّاس ثَقْفِي، عمر بن ابي غَيْلان، ابوالقاسم بَغَوِي و... راويان از او: حاكم، ابوبكر بَرَقَانِي، ابوحفص بن مسرور، ابوسعيد كَنْجَرُوذِي، و...^۱ راوی حدیث شماره: ۱۰۰.

حسین بن محمد بن زیاد / خ

حسین بن محمد بن زیاد عبّدي نيشابوري، ابوعلی قَبَانِي، از محدثان و راويان ثقه، حافظ و مُصَنِّف طبقه دوازدهم، متوفای ۲۸۹ هـ. مشايخ او: اسحاق بن راهويه، سهل بن عثمان، ابراهيم بن مُنْذِر، ابوبكر بن ابي شيبه، منصور بن ابي مُزَاحِم، فُلَّاس و... راويان از او: بُخَارِي و... وی درباره لقب «قَبَانِي» گفته است: كان لِجَدِّي «زيد» قَبَان و ما كان و زَانَا، فكان النَّاس يَسْتَعِيرُونَهُ مِنْهُ فَشُهِرَ بِالْقَبَانِي، ولم يكن و زَانَا.^۲ راوی حدیث شماره: ۷۱.

حسین بن محمد بن علی اصفهانی = زَعْفَرَانِي

ابوسعید حسین بن محمد بن علی اصفهانی معروف به زَعْفَرَانِي، دارای تصنیف در

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۶۸، ش ۹۰۹؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۸۶، ش ۸۷۹.
۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۸۰، ش ۷۰۲؛ تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۳۳۵، ش ۱۴۰۵؛ تفریب التهذيب، ج ۱، ص ۱۷۹.

مُسْنَد، تفسیر و ...، از راویان طبقه دوازدهم، متوفای سال ۳۶۹ هـ.

مشایخ او: ابوالقاسم بَعَوِيّ، ابو محمد بن صاعد، حسین بن علی بن زید و...

راویان از او: ابونُعَيْم، ابوبکر بن ابی علی، عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز کرخی و ...^۱

راوی حدیث شماره: ۳۳.

زکریّا بن یحیی، ساجی بصری

ابویحیی زکریّا بن یحیی بن عبدالرحمن... بصری، ساجی، از راویان ثقه، حافظ، و فقیه طبقه دوازدهم، متوفای ۳۰۷ هـ. در «لسان المیزان» آمده است: صاحب تألیفات در رجال (علل الحدیث)، اختلاف العلماء، أحكام القرآن.

راوی حدیث: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يُصَلِّي فَلَا يَدْعُ أَحَدًا يَمْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ فَإِنْ أَبَى فَلْيَدْفَعْهُ، فَإِنْ مَعَهُ شَيْطَانًا».

مشایخ او: عبیدالله بن مُعَاذِ عَنَبْرِيّ، هُدْبَةَ بن خالد، ابوالربیع سلیمان بن داود زَهْرَانِيّ، عبدالأعلى بن حمّاد نَرْسِيّ، طالوت بن عبّاد، سلیمان بن داود مَهْرِيّ و...

راویان از او: ابواحمد بن عَدِيّ، ابوبکر اسماعیلیّ، ابو عمرو محمد بن احمد بن حمّاد، قاضی یوسف مِيَانَجِيّ، عبدالله بن محمد بن سَقَاءِ واسطیّ و ...^۲

راوی حدیث شماره: ۱۰.

سلیمان بن احمد، ابوالقاسم طبرانی

سلیمان بن احمد بن آیوب لَخْمِيّ شامی، ابوالقاسم طَبْرَانِيّ، مشهور به «مُسْنَد الدُّنْيَا».

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۵۶، ش ۹۰۱.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۰۹، ش ۷۲۷؛ طبقات الشافعية الكبرى، ج ۳، ص ۲۹۹، ش ۱۸۶؛ لسان

الميزان، ج ۲، ص ۴۸۸، ش ۱۹۵۳؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۰۶، ش ۷۰۴.

از محدثان علامه، حجّت و راوی طبقه دوازدهم، متولد ماه صفر سال ۲۶۰ هـ. در عکا^۱، و متوفای ۲۸ ذیقعده سال ۳۶۰ هـ. در بیش از ۱۰۰ سالگی (صد سال و ده ماه)^۲. صاحب تألیفات فراوان، از قبیل: المعجم الکبیر، المعجم الأوسط و المعجم الصغیر، که در کتاب اخیر از هر استادی یک حدیث نقل می‌کند.

مشایخ او: وی از سیزده سالگی در صدد استماع و فراگیری حدیث برآمد و از محدثان شام، حرمین، یمن، مصر، بغداد، کوفه، بصره، اصفهان، جزیره و... حدیث شنیده است. تا جایی که از بیش از هزار استاد، حدیث نقل می‌کند، مانند هاشم بن مرثد طبرانی، ابوزرعه ثقفی، ادریس عطار، بشر بن موسی، علی بن عبدالعزیز بغوی، عبدان ابن احمد اهوازی، عبدان بن محمد مروزی^۳.

راویان از او: ابوخلیفه جُمحی، حسین بن احمد مرزبان، ابونعیم حافظ، محمد بن عبیدالله بن شهریار، عبدالرحمن بن احمد صفار و...

«ابونعیم» گفته است: طبرانی در سال ۲۹۰ هـ. وارد اصفهان شد و حدیث فرا گرفت و مسافرت کرد، و بعداً وارد اصفهان شد و ۳۰ سال اصفهان را وطن گزید.

«ابن مرثدویه» گفته است: قدیم الطبرانی سنه عشر و ثلاثمائة إلى أصفهان فقبله أبوعلی ابن رستم العامل وضمه إليه، وجعل له معلوماً من دار الخراج، وكان يتناوله إلى أن مات.

«ابوعمر بن عبدالوهاب سلمی» گفته است: از طبرانی شنیدم: لما قدیم ابن رستم من فارس أعطاني خمس مائة درهم، فلما كان في آخر أمره أخذ يتكلم في أبي بكر وعمر رضی الله عنهما ببعض الشيء، فخرجت ولم أعد إليه بعد.

قال ابن فارس صاحب اللغة سمع الأستاذ ابن العميد يقول: ما كنت أظن في الدنيا كحلاوة الوزارة والرياسة التي أنا فيها، حتى شاهدتُ مذاكرة الطبراني وأبي بكر الجعابي بحضرتي، وكان الطبراني يغلبه بكثرة حفظه، وكان أبو بكر يغلبه بفطنته، حتى ارتفعت

۱ - مادرش عكاويه است. (تذكرة الحفاظ).

۲ - «ابن ریشه» از اصحاب طبرانی تا سال ۴۴۰ هـ. باقی بود.

۳ - بنگرید به: المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۲۷۹، احادیث شماره ۶۵۷، ۶۵۸ و ۶۵۹.

أصواتهما، إلى أن قال الجعافي: عندي حديث ليس في الدنيا إلا عندي؛ فقال: هات؛ قال: أنا أبو خليفة، أنا سليمان بن أيوب [وحدثت بحديث]، فقال: الطبراني: أنا سليمان بن أيوب وميني سمعته أبو خليفة، فأشعته مني عالياً؛ فخجل الجعافي. فوددت أن الوزارة لم تكن وكنت أنا الطبراني وفرحت كفرحه.^۱

راوی احادیث شماره: ۳۱، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۷۳، ۷۶، ۸۹، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵ تا ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰ (تکرار ۱۶۴)، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۱.

عبدالله بن احمد بن محمد بن حنبل / س

عبدالله بن احمد بن محمد بن حنبل ... شیبانی، ابو عبدالرحمن بغدادی، محدث عراق، فرزند احمد بن حنبل شیبانی، مروزی الأصل، بغدادی، از راویان ثقه و حافظ طبقه دوازدهم، متولد سال ۲۱۳ هـ. و متوفای سال ۲۹۰ هـ. در ۷۷ سالگی، نسائی به روایت وی استناد کرده است.

«ابوبکر الخلال» گفته است: کان عبدالله رجلاً صالحاً، صادق اللہجة، كثير الحياء.

مشایخ او: پدرش؛ یحیی بن عبدویہ صاحب شعبه، ہیثم بن خارجه، شیبان بن فروخ، ابوبکر بن ابی شیبه، یحیی بن معین و ...

راویان از او: نسائی، یحیی بن صاعد، ابوبکر شافعی، ابوالقاسم طبرانی، ابو عوانه اسفراینی و ...^۲

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۱۲، ش ۸۷۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۹۵، ش ۳۴۲۳؛ تاریخ الإسلام، ج

۲۶، ص ۲۰۲؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۷۳، ش ۲۷۵؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷۲، ش ۸۴۶.

۲ - تذكرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۶۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۳۰، ش ۳۲۹۳؛ تقریب التهذیب، ج ۱،

راوی احادیث: ۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۸، ۳۶، ۳۷، ۵۵، ۵۶، ۶۵، ۶۶، ۹۲ □ ۹۵،
۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۲۷ □ ۱۳۲، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۷،
۲۲۸، ۲۳۷، ۲۵۵، ۲۷۵، ۲۷۶.

عبدالله بن عدی = ابن عدی = ابن قطن

ابو احمد عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد بن مبارک جرجانی، معروف به ابن قطن، صاحب کتاب الكامل فی الجرح والتعديل، از محدثان نامدار و از راویان حافظ طبقة دوازدهم، متولد سال ۳۷۷ هـ. و متوفای جمادی الآخره سال ۳۶۵ هـ. که ابوبکر اسماعیلی بر او نماز خواند.

مشایخ او: بهلول بن اسحاق أنباری، محمد بن عثمان بن ابی شیبه، محمد بن یحیی مروزی، ابو عبدالرحمن نسائی، عبدان أهوازی، ابو یعلی مؤصلی و ...
راویان از او: ابوالعباس بن عقیده، ابوسعید مالینی، حسن بن رامین، حمزة بن یوسف سنجی و ...^۱

راوی احادیث: ۳، ۷، ۹، ۱۱۸، ۱۵۶، ۱۸۳، ۱۹۱، بی شماره پس از شماره ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۵۰.

ابوالشیخ عبدالله بن محمد بن جعفر = ابومحمد بن حیان

ابومحمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان أنصاری، معروف به ابوالشیخ اصفهانی، صاحب تألیفات مانند طبقات المحدثین بأصبهان و الواردین علیها، از محدثان حافظ و راوی ثقة، ثبت و متقن طبقة دوازدهم، متولد سال ۲۷۴ هـ. و متوفای سال ۳۶۹ هـ. در ۹۶ سالگی.

۱ - تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۴۰، ش ۸۹۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۳۳۹.

از برخی عالمان، نقل شده: ما دخلت علی الطَّبْرَانِيَّ إِلَّا وَهُوَ يَمْزِحُ أَوْ يَضْحَكُ، وَ مَا دَخَلْنَا عَلَيَّ أَبِي الشَّيْخِ إِلَّا وَهُوَ يُصَلِّي.

«ابونعیم» گفته است: کان أحدَ الأعلام، صنّف الأحكام والتفسیر.

مشایخ او: جدّ مادری اش: محمود بن فرج الزاهد، ابراهیم بن سعدان، محمد بن آسد مدینتی صاحب ابی داود، محمد بن عبدالله بن حسن بن حفص همدانی رئیس اصفهان، احمد بن محمد بن علی خزاعی، ابوبکر بن ابی عاصم، اسحاق بن اسماعیل الرّملیّ، ابویعلی مؤصلی و...

راویان از او: ابوبکر احمد بن عبدالرحمن شیرازی، ابوبکر بن مرّدویه، ابونعیم، فضل ابن محمد قاسانی و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۰۱.

علی بن حسین امویّ = ابوالفرج اصفهانی

علی بن حسین بن محمد بن احمد بن هیثم بن عبدالرحمن بن مروان بن عبدالله بن مروان حمار بن محمد بن مروان بن حکم بن ابی العاص، ابوالفرج اصفهانی، کاتب ساکن بغداد، صاحب کتاب معروف الأغانی، و مقاتل الطالیین، متولد سال ۲۸۴ هـ. و متوفای ۳۵۶ هـ. در بغداد که گویا از راویان طبقه دوازدهم باشد.

«ذهبی» درباره او نوشته است: شیعی، وهذا نادر فی امویّ... والظاهر أنّه صدوق. «ابوعلی تنوخی» می گوید: کان ابوالفرج یحفظ من الشعر، والأغانی والأخبار والمُسندات، والأنساب، ما لم أرَ قطُّ مَنْ یحفظ مثله، ویحفظ سوی ذلك من علوم آخر، منها اللّغة والنحو والمغازی والسیر، وله تصانیف عديدة... کتاب الدیارات، وهذا عجیب إذ هو مروانیّ یتشیع.

۱- اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۶۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۴۵، ش ۸۹۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص

مشایخ او: محمد بن عبدالله بن سلیمان حَضْرَمِيّ (مُطَيَّن)، علی بن عباس منقاعی کوفی، جعفر بن مروان، حسین بن عمر بن ابی الأحوص ثقفی، محمد بن جعفر القتات و...
راویان از او: دارقطنی، ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبرانی [طبری]، ابراهیم بن مخلد، ابوالفتح محمد بن ابی الفوارس، علی بن احمد رزاق^۱ و...
راوی حدیث شماره: ۱۳۶.

علی بن عیسی

علی بن عیسی وراق هروی، صاحب تصانیف، متوفای سال ۳۴۴ هـ. در ۸۵ سالگی که گویا از راویان طبقة دوازدهم باشد.
مشایخ او: احمد بن نجده، محمد بن عمرو حرشی، و...
راوی از او: ابو عبدالله حاکم^۲.
راوی حدیث شماره: ۷۱.

عمر بن ابراهیم بغدادی / س

عمر بن ابراهیم بن سلیمان بن بغدادی، ابوبکر، معروف به لقب «ابو الآذان»^۳ جزری الأصل، ساکن سامرا، از راویان ثقه و حافظ طبقة دوازدهم، متوفای سال ۲۹۰ هـ. در ۶۳ سالگی، نسائی به روایت وی استناد کرده است.
«اسماعیلی» گفته است: یحکى أن أبا الآذان طالت خصومة بينه وبين يهودي، فقال له: أدخل يدي و يدك في النار، فمن كان مُحِقًّا لم تحترق يده؛ ففعل، فذُكر أن يده

۱ - بنگرید به: اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۲؛ تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۹۸، ش ۶۲۷۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۲۳، ش ۵۸۲۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۱۴۳.
۲ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۳۰۱ (وفیات ۳۴۱ - ۳۵۰ هـ).
۳ - جمع أذن (تقریب التهذیب).

لم تحترق وأنَّ يد اليهوديَّ احترقت.

مشایخ او: ابوموسی محمد بن مُثنی، اسماعیل بن مسعود الحَجْدَری، ابوکَرِیب و ...
راویان از او: ابوالقاسم طَبْرانی، نَسائی، ابن عَقْدَه، ابوالحسین بن قانع، و ...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۸۶.

قاسم بن زکریا مَقْرئ = مُطَرِّز^۲

قاسم بن زکریا بن یحیی بغدادی، ابوبکر مَقْرئ، معروف به مُطَرِّز از راویان حافظ و
ثقه طبقه دوازدهم، متوفای سال ۳۰۵ هـ. در ۸۵ سالگی.
مشایخ او: سُوید بن سعید، اسحاق بن موسی انصاری، ابوکَرِیب، ابوهَمَّام سَکُونی، و ...
راویان از او: ابوالقاسم طَبْرانی، ابوبکر جَعَابی، ابوبکر شافعی، و ...^۳
راوی حدیث شماره: ۵۱.

ابوبکر محمد بن احمد بن بِالْوَيْه

محمد بن احمد بن بِالْوَيْه، ابوبکر نیشابوری جَلَّاب، از محدثان برجسته و از
شخصیتهای نیشابور، متوفای ماه رجب سال ۳۴۰ هـ. که گویا از راویان طبقه دوازدهم
باشد.

مشایخ او: محمد بن غالب تَمَّتَم، محمد بن رُمح بَزَار، محمد بن یونس کُدَیْمی، یَشْر
بن موسی، موسی بن حسن نَسائی.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۴۴، ش ۷۴۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۰، ش ۵۰۱۲؛ تقریب التهذیب،
ج ۲، ص ۵۱.

۲ - به کسر راء مشدّد (پاورقی تقریب التهذیب).

۳ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۱۷، ش ۷۳۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۴۳، ش ۵۶۴۸؛ تقریب
التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۶.

راویان از او: ابوعلی حسین بن علی نیشابوری حافظ، حاکم نیشابوری، ابو عبدالله ابن منده و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۰۹.

محمد بن احمد بن حمدان = ابو عمرو بن حمدان نیشابوری

محمد بن احمد بن حمدان بن علی بن عبدالله بن سنان، ابو عمرو نیشابوری، برادر ابوالعباس محمد ساکن خوارزم شیخ بَرَقانی.

«ابن حجر» درباره او نوشته است: محمد بن احمد بن حمدان، ابو عمرو، محدث نیشابور، زاهد ثقه، از شاگردان «حسن بن یوسف بن عامر» که «ابن طاهر» گفته است: وی شیعه بود. قلت: ما كان الرجل والله الحمد غالباً في ذلك وقد اثنى عليه غير واحد. «حاکم» درباره وی می گوید: كان من القراء المجتهدين والنسحاة، وله السماعات الصحيحة والأصول المتقنة. وُلد له بنت وهو ابن تسعين سنة.

او در ماه ذیقعده سال ۳۷۶ هـ. در ۹۳ یا ۹۴ سالگی درگذشت. گویا وی از راویان طبقه دوازدهم باشد.

مشایخ او: ابوبکر محمد بن زنجویه بن هیثم، ابو عمرو احمد بن نصر، جعفر بن احمد حافظ، حسن بن سفیان - مُسند او و نیز مُسند ابوبکر بن ابی شیبّه را از او شنید - ابوعلی مؤصلی، عبدالله اهوازی، عمران بن موسی بن مجاشع، زکریّا بن یحیی ساجی، احمد بن یحیی صوفی، هیثم بن خلف الدوری، حامد بن شعیب، محمد بن جریر طبری، محمد بن عبدالله بن یوسف دوپری^۲، علی بن سعید عسکری، محمد بن حسین بن مُکرم، ابوالعباس سراج، ابن خزیمه.

راویان از او: حاکم ابو عبدالله، ابونعیم حافظ، ابوسعید محمد بن علی نقاش، ابوالعلاء

۱ - بنگرید به: تاریخ نیشابور، ص ۱۲۲، ش ۱۱۴۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۱۹۳، ش ۳۲۱.

۲ - منسوب به قریه ای است در نیشابور (الباب، ج ۱، ص ۴۳۲).

صاعد بن محمد هروی، ابوحفص بن مسرور، عبدالغافر بن محمد فارسی، ابوسعید محمد بن عبدالرحمن کنجروزی، محمد بن محمد بن حمدون سلمی، ابوعثمان سعید بن محمد بحیری و...^۱

راوی حدیث شماره: ۲۲۳.

محمد بن احمد بن هیثم الدوری

محمد بن احمد بن هیثم بن منصور، ابوجعفر الدوری، متوقای شنبه ۸ محرم سال ۳۰۴ هـ. از محدثان ثقه که گویا از راویان طبقه دوازدهم باشد.

مشایخ او: پدرش: احمد بن هیثم، هارون بن اسحاق همدانی، احمد بن منصور مروزی معروف به «زاج»، محمد بن عبدالملک الدقیقی.

راویان از او: ابوبکر شافعی، احمد بن عبدالله الذراع نهروانی، محمد بن حسن یقطنی، محمد بن مظفر حافظ. «خطیب بغدادی» حدیث شماره ۲۰۲ را در ضمن نام او یاد آور می‌شود.^۲

راوی حدیث شماره: ۲۰۲.

محمد بن جعفر

محمد بن جعفر، ابوالحسن اصفهانی واعظ آبخ، کثیرالحدیث، متوقای شعبان ۳۷۰ هـ. که گویا از راویان طبقه دوازدهم باشد.

مشایخ او: محمد بن سهل، ابو عمرو بن عقبه، احمد بن محمد بن اسید، هذیل بن

۱ - بنگرید به: اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۱۷۰؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۵۷. ش ۷۱۴۱؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۵۹۸؛ (نقل از طبقات الشافعية الكبرى، ج ۲، ص ۱۰۷)؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۸، ش ۱۲۷ (حرف میم) و ج ۶، ص ۴۱۹، ش ۹۱۰ (باب کنیه حرف عین).

۲ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۷۰، ش ۳۱۷.

عبدالله.

راویان از او: ابوبکر بن ابی، ابونعیم.^۱

راوی حدیث: ۱۱۰.

محمد بن حبان^۲ = ابن حبان = بُسْتِی^۳

ابوحاتم محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن مُعَاذ... تَمِیمِ بُسْتِی، از حافظان برجسته طبقه دوازدهم و از فقیهان عالم به طب و نجوم، بانی خانقاه در نیشابور، و صاحب تصانیف مانند: المُسْنَدُ الصَّحِیح، التَّارِیخ، الضَّعْفَاء، الجرح و التَّعْدِیل و... متولد ۲۷۰ هـ. و متوفای ماه شوال سال ۳۵۴ هـ. در هفتاد سالگی.

«حاکم» درباره وی گفته است: کان ابن حبان من أوعية العلم في الفقه واللغة والحديث والوعظ، و من عقلاء الرجال.

«ابواسماعیل هروی» می گوید: از «یحیی بن عمار» درباره او پرسیدم، در پاسخ گفت: نحن أخرجناه من سجستان، كان له علم كبير ولم يكن له كثير دين، قدم علينا فأنكر الحمد لله، فأخرجناه.

«ابن حبان» می گفت: النبوة: العلم والعمل، فحكموا عليه بالزندقة وهجر و...

مشایخ او: حسین بن ادریس هروی، ابوخلیفه فضل بن حباب جُسمَجی، زکریا ساجی، ابو عبدالرحمن نسائی، اسحاق بن یونس مَنجَنِیقِی، عمران بن موسی بن مُجاشع سَخْتِیَانِی، حسن بن سُفیان، ابویعلی احمد بن علی مَوْصِلِی، احمد بن حسن بن عبدالجبار صوفی، جعفر بن احمد دمشقی، ابوبکر محمد بن اسحاق بن خُرَیْمَه،

۱ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۴۴۳.

۲ - در کتاب رِیْعَانَةُ الْأَدَب، «حَبَّان» بر وزن عطار آمده، ولی در الْأَنْسَاب، ج ۴، ص ۳۹، ش ۱۰۶۲؛ و الْأَبَاب فی تَهْدِیْب الْأَنْسَاب، آمده است: به کسر حاء و تشدید باء.

۳ - شهری است میان سِجِسْتَان و غَزْنِین و هرات.

ماسرّجیسی، و دیگر محدّثان و راویان از مصر تا خراسان که در حدود دو هزار تن می‌باشند.

راویان از او: حاکم، منصور بن عبدالله خالدی، ابومُعَاذ عبدالرحمن بن محمد بن رزق الله سیجستانی، ابوالحسن محمد بن احمد بن هارون زوزنی، محمد بن احمد بن منصور نوقانی و...^۱

راوی احادیث شماره ۵: ۱، ۲۰، ۲۸، بی شماره پس از ۳۱، ۴۶، ۶۰، ۶۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۵۵، ۱۶۳، ۲۰۴، ۲۵۹.

محمد بن حسین، ابوالفتوح آزدی

ابوالفتوح آزدی، محمد بن حسین بن احمد بن حسین بن عبدالله بن یزید النعمان مؤصّلی، ساکن بغداد، از محدّثان طبقه دوازدهم، متوفای ۳۷۴ هـ.^۲ یا ۳۶۷ یا ۳۹۴ هـ. «ابوالنجیب عبدالغفار از مؤوی» گفته است: مردم مؤصّل را دیدم که به ابوالفتح توهین می‌کنند و او را چیزی نمی‌شمرند. «ذهبی» نوشته است: له کتاب کبیر فی الجرح والضّعفاء، و هو قوی النفس فی الجرح، وهاه جماعة بلا مستند طائل.

مشایخ او: ابویعلی مؤصّلی، علی بن سراج مصری، احمد بن حسن بن عبدالجبار الصوفی، محمد بن جریر طبری، محمد بن محمد باغندی، ابو عمرویه حرّانی، و هیثم بن خلف الدوری.

راویان از او: ابراهیم بن عمر برمکی، ابونعیم حافظ محمد بن جعفر بن علان الشروطی، عبدالغفار بن محمد المؤدّب، ابوطالب محمد بن حسین بن احمد بن بکیر،

۱ - بنگرید به: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۲۰، ش ۸۷۹؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۱۱۲.

۲ - در تاریخ بغداد ۳۶۷ هـ. و در میزان الاعتدال، ۳۹۴ هـ. نوشته است.

احمد بن الفتح بن فرحان و...^۱

راوی حدیث شماره: ۱۸۴.

محمد بن عبدالله بن ابراهیم، ابوبکر شافعی

محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن عبدویه بغدادی ابوبکر، شافعی بزّاز، [بزار] معروف به شافعی، محدث عراق و از راویان طبقه دوازدهم، متولد سال ۲۶۰ هـ. در «جَبَل»^۲ و متوفای ۳۵۴ هـ.

«ذهبی» می نویسد: «دارقُطنی» درباره او گفته است: ثقة مأمون.

مشایخ او: محمد بن جهم سمری^۳، محمد بن شداد مسَمعی، موسی بن سهل الوشاء، ابوقلابه رقاشی، عبدالله بن رُوح مدائنی، محمد بن اسماعیل ترمذی، محمد بن فرج أزرَق، محمد بن غالب ثَمّام و...

راویان از او: ابن رزقویه، دارقُطنی، عمر بن شاهین، ابوعلی بن شاذان، ابوطالب غیلان و...^۴

«خطیب» درباره وی نوشته است: «کان ثقة ثبتاً». «ذهبی» در حوادث سال ۴۱۸ هـ. از «خطیب» نقل می کند: ولما منعت الدیلم - یعنی بنی بویه - الناس عن ذکر فضائل الصحابة، وکتبوا سب السلف علی أبواب المساجد، کان ابوبکر الشافعی یتعمّد إملاء الفضائل فی الجامع بیاب الشام، ویفعل ذلك حِسْبَةً وَقُرْبَةً.^۵

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۴۳، ش ۷۰۹؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۶۷، ش ۹۰۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۲۳، ش ۷۴۱۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۵۶۴ (حوادث ووفیات سال ۳۷۴ هـ. ق)؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۳۹، ش ۴۶۴.

۲ - به فتح جیم و تشدید «باء» مضموم.

۳ - به کسر سین و تشدید میم مفتوح. (اللُّباب، ج ۱، ص ۵۶۲).

۴ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۸۰، ش ۸۴۹؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۶۰، ش ۸۲۰.

۵ - تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۴۵۶، ش ۲۹۹۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۱۱۵.

راوی حدیث شماره: ۲۰۲.

محمد بن علی بن حبیش

محمد بن علی بن حبیش، ابوالحسن الناقد، بغدادی، متوفای ۳۵۹ هـ. که گویا از راویان طبقه دوازدهم باشد. «ابونعیم» و نیز «ابن ابی الفوارس» وی را توصیف به ثقه کرده‌اند.

مشایخ او: ابوشعب حرانی، احمد بن یحیی خلوانی، محمد بن عبدالله مطین، هیشم ابن خلف الدوری و ...

راویان از او: ابن رزقویه، ابوعلی بن شاذان، ابونعیم.^۱

راوی حدیث: ۵۱.

محمد بن علی بن حسن

ابن حجر نوشته است: محمد بن حسن بن علی بن راشد انصاری، عن وراق الحمیدی، ...

و وجدتُ في كتاب معاني الأخبار للكلاباذي خبراً موضوعاً حدث به عن محمد بن علي بن الحسن عن... (حدیث شماره ۷۲). وقد غلبَ علي ظني أنه هذا و شيخه ما عرفته بعد البحث عنه، وهو في طبقة وراق الحميدي^۲.

راوی حدیث شماره: ۷۲.

۱ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۱۹۷.

۲ - لساق الميزان، ج ۵، ص ۱۳۰، ش ۴۳۷.

محمد بن علی علوی

محمد بن علی بن حمزه بن حسن بن عبید الله بن عباس بن علی بن ابی طالب هاشمی، ابو عبدالله علوی عباسی بغدادی، از راویان صدوق و ثقة طبقه دوازدهم، متوفای ۲۸۶ هـ. که «خطیب» درباره وی گفته است: کان أحد الأدباء العلماء بروایة الأخبار.

مشایخ او: پدرش: علی بن حمزه علوی، عمر بن شبه^۱، نعیری، حسن بن داود بن عبدالله جعفری، عباس بن فرج ریاشی، ابو عثمان مازنی نحوی، عبدالصمد بن موسی هاشمی و...

راویان از او: محمد بن خلف، وکیع قاضی، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی، محمد ابن مخلد الدوری، محمد بن عبدالملک تاریخی و...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۲۴.

محمد بن عمر بن سالم = ابن الجعابی = ابوبکر جعابی

ابوبکر محمد بن عمر بن محمد بن مسلم تمیمی بغدادی ابن الجعابی، قاضی مؤصل، از حافظان برجسته طبقه دوازدهم، متولد ۲۸۴ هـ. و متوفای ۳۵۵ هـ. ق در بغداد، که در کثرت حافظه مشهور بود به گونه ای که می گفت: چهار صد هزار حدیث را از بر دارم، و با شش صد هزار حدیث مذاکره می کنم.

«دارقطنی» وی را از پیروان مذهب تشیع معرفی کرده است، از «أزهری» نقل شده که «ابن الجعابی» وصیت کرد کتابهای او سوزانده شود و چنین شد.

۱ - به فتح شین و تشدید با، (تقریب التهذیب).

۲ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۶۳، ش ۱۰۱۶؛ الجرح والتعديل، ج ۴، ق ۱، ص ۲۸، ش ۱۲۹؛ تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۷۷، ش ۶۰۶۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۲، ش ۶۴۰۵؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۲.

مشایخ او: محمد بن حسن بن سماعه، یوسف بن یعقوب قاضی، محمد بن یحیی مروزی، یحیی بن محمد حنّائی، عبدالله بن محمد بلخی، ابوخلیفه جمحی، محمد بن حبان، جعفر قزیابی و...

راویان از او: دارقطنی، ابن شاهین، ابن رزقونه، محمد بن حسین بن فضل قطان، ابو عبدالله حاکم، قاضی ابو عمر هاشمی، ابونعیم اصفهانی.^۱
راوی حدیث شماره: ۱۸۲.

محمد بن عیسی بن سوره = ابو عیسی ترمذی^۲

ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن ضحاک سلمی ترمذی (۲۰۹ - ۲۷۹ هـ) صاحب الجامع والعلل، یکی از محدثان برجسته و ثقه و حافظ نابینای طبقه دوازدهم، که در تذکره الحفاظ و طبقات الحفاظ، در طبقه دهم قرار داده شده ولی همان گونه که در مقدمه یادآور شده ایم ملاک ما، طبقه بندی «ابن حجر» است.

وی در قوه حافظه، ضرب المثل بود و از شاگردان بخاری به شمار می آید. و از وی نقل شده که قال لی محمد بن اسماعیل (بخاری): ما انتفعتُ بِكَ أَكْثَرَ مِمَّا انتفعتُ بِی.

مشایخ او: محدثان خراسانی، عراقی، حجازی و...

راویان از او: مکحول بن فضل، محمد بن محمود بن عنبر، حماد بن شاکر، هیثم بن کلب شاشی، ابو حامد احمد بن عبدالله بن داود مروزی تاجر، محمد بن یعقوب ابوالعباس محبوبی مروزی، احمد بن یوسف نسفی و...

مؤلف تهذیب التهذیب نوشته است: قال الترمذی فی حدیثه، عن علی بن المنذر بن

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶، ش ۹۵۳؛ تذکره الحفاظ، ج ۳، صص ۹۲۵ تا ۹۲۹، ش ۸۸۱؛

تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۱۲۶؛ طبقات الحفاظ، ص ۳۷۵، ش ۸۵۱.

۲ - منسوب به ترمذ: بر وزن «فُلُقُل» یا بر وزن «بُلْبُل» و یا بر وزن «مَسْجِد» شهری است در «جیحون».

(بنگرید به: تفریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۸).

فُضِّلَ، عن سالم بن أبي حفصة، عن عطية، عن أبي سعيدٍ أن النبي ﷺ قال لعلي: «لا يحل لأحدٍ يُجَنَّبُ في هذا المسجدِ غَيْرِي وَغَيْرِكَ»: سَمِعَ مِنِّي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ - يعني البخاري - هذا الحديث.^۱

راوی احادیث شماره: ۴، ۳۵، ۹۱، ۱۵۸، ۱۶۸

محمد بن مؤمل = ما سَرَجِسِي

ابوبکر محمد بن مؤمل بن حسن بن عیسی بن ما سَرَجِسِي نیشابوری، از رؤسای بلیغ و فصیح خراسان، متوفای شب عید فطر سال ۳۵۰ هـ. در ۸۹ سالگی. با توجه به اینکه پدرش در طبقه یازدهم، و راوی از او یعنی «حاکم نیشابوری» در طبقه سیزدهم قرار دارند، گویا، وی از راویان طبقه دوازدهم باشد. «ذَهَبِي» درباره او می نویسد: ابوعلی حسین بن علی حافظ، تاریخ احمد بن حنبل را بر او قرائت کرد. لم یکن یتکلم بالفارسیة إلا مع من لا یُحسِن ... و قد بئنی بنیشابور داراً لأهل الحدیث، و کان یُجری علیهم الأرزاق.^۲

مشایخ او: فضل بن محمد شعرانی، حسین بن فضل و ...

راویان از او: ابو عبدالرحمن سلمی، حاکم، سعید بن محمد بن محمد بن عبدان.^۳ حاکم نیشابوری نوشته است: حدَّثنا ابوبکر محمد بن المؤمل بن حسن بن عیسی، ثنا الفضل بن محمد الشعرانی، ثنا نَعِیم بن حمَّاد، ثنا بقیة بن الولید و عبدالقُدوس بن الحجاج قالوا: ثنا ابوبکر بن أبي مریم، عن راشد بن سعد، عن أبي ذرٍّ قال: سمعتُ رسول الله ﷺ

۱ - بنگرید به: تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۳۳، ش ۶۵۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۷۸، ش ۸۰۳۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۶۴، ش ۶۲۵۹؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۸؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۷۸، ش ۶۳۵.

۲ - در سیر أعلام النبلاء، آمده است: «وبئنی داراً للمحدِّثین و أدُرُّ علیهم الأرزاق».

۳ - بنگرید به: سیر أعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۳، ش ۱۰؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۴۵۲، ش ۷۴۸.

يقول:

«إِذَا بَلَغَتْ بَنُو أُمِّيَّةٍ أَرْبَعِينَ اتَّخَذُوا عِبَادَةَ اللَّهِ خَوْلًا، وَمَالَ اللَّهِ نَحْلًا، وَكِتَابَ اللَّهِ دَغْلًا»^۱.
در تاریخ نیشابور آمده که از اشعار اوست^۲:

وَمَا حَالَاتُنَا إِلَّا ثَلَاثٌ شَبَابٌ ثُمَّ شَيْبٌ ثُمَّ مَوْتٌ
وَنِيْزُ دَرِ هِنْكَامٍ وَرُودٌ بِرِ بَرِخِيْ مِنْ أَرْوَاحِ وَزِيْرَانٍ، سُرُودَةٌ اسْتِ:
أَلَمْ تَرَ أَنِّي أُرْوِرُ الْوَزِيْرَ وَأَمْدَحُهُ ثُمَّ أَسْتَفْغِرُ
وَأَنْتِي عَلَيْهِ وَيُسْثِي عَلَيَّ وَكُلُّ بِصَاحِبِهِ يَسْخَرُ؟!
راوی حدیث شماره: ۱۵۲.

ابوالنضر فقیه، محمد بن محمد بن یوسف طوسی

محمد بن محمد بن یوسف طوسی، ابوالنضر فقیه، شیخ شافعیه، از راویان حافظ طبقه دوازدهم، متوفای ماه شعبان سال ۳۴۴ هـ. وی صائم النهار و قائم اللیل بود، مازاد بر نیاز را صدقه می داد، و نیز امر به معروف و ناهی از منکر بود.

«حاکم» از «ابوالنضر» نقل می کند که شب را سه قسمت می کرد: یک سوم آن برای تصنیف، یک سوم برای خواندن قرآن و یک سوم برای خواب.
راوی حدیث: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالذَّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ».
مشایخ او: عثمان بن سعید داریمی، تمیم بن محمد، حسین بن محمد قبانی، حارث ابن ابی أسامه، محمد بن مَرْوَزِيٍّ و...^۳

۱ - المستدرک، ج ۴، ص ۴۷۹. در صفحه ۴۸۰ آن درباره بنی العاص نیز آمده است: «اتَّخَذُوا مَالَ اللَّهِ دَوْلًا، وَ عِبَادَةَ اللَّهِ خَوْلًا، وَ دِينَ اللَّهِ دَغْلًا».

۲ - تاریخ نیشابور، ص ۱۸۸، ش ۲۵۲۶.

۳ - تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۹۳، ش ۸۶۱.

ابوالحسین محمد بن مظفر بن موسی = ابن المظفر

محمد بن مظفر بن موسی بن عیسی بن محمد بن عبدالله بن سلمه بن ایاس، ابوالحسین بزّاز بغدادی، محدث عراق، (۲۸۶ - ۳۷۹ هـ). از حافظان ثقه و حجّت طبقه دوازدهم که برخی وی را از تبار ایاس بن سلمه بن اکوع، صحابی پیامبر ﷺ قلمداد کرده‌اند.

«ذَهَبِي» می‌نویسد: قال السُّلَمِيُّ: سألتُ الدَّارِقُطَنِيَّ عن أبي المظفر، فقال: ثقة مأمون. فقلتُ: يقال: إنّه يميل إلى التشيع؟ فقال: قليلاً بمقدارٍ لا يضرّ إن شاء الله.

و نیز می‌نویسد: حافظ، ثقه، حجة معروف، إلا أنّ أبا الوليد الباجي قال: فيه تشيع. مشايخ او: احمد بن حسن صوفی، حامد بن شعيب، قاسم بن زكريّا المظفر، عمر بن ابی غیلان، محمد بن جریر طبری، باغندی، عبدالله بن زیدان بجلی، ابو عمرو به حرانی، علی بن احمد علان، هیثم بن خلف الدوری، عبدالله بن صالح بخاری، محمد بن ابراهیم و... راویان از او: ابوالحسن دارقطنی، ابو حفص بن شاهین، ابو الفتح بن ابی الفوارس، ابوسعید مالینی، ابوبکر برقانی، ابونعمان اصفهانی، محمد بن احمد الجارودی، حسن بن محمد الخلال، علی بن محسن ثوخی، عبدالوهاب بن برهان، ابو محمد حسن بن علی جوهری، محمد بن زبّان، و...^۱

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶۲، ش ۱۳۵۵؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۸۰، ش ۹۱۶؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۳، ش ۸۱۸۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، ص ۶۵۲؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۸۳، ش ۱۲۴۴.

محمد بن یزید = ابن ماجه قزوینی

ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی، ابن ماجه ربیعی^۱، صاحب تصنیف در سنن، تفسیر و تاریخ و محدث دیار قزوین. براساس طبقه‌بندی «ابن حجر» از راویان حافظ طبقه دوازدهم است، ولی «ذهبی» وی را در طبقه دهم شمرده است. متولد سال ۲۰۹ هـ. و متوفای ۲۲ رمضان ۲۷۳ هـ. در ۶۴ سالگی.

مشایخ او: از محدثان خراسان، عراق، حجاز، مصر، شام و...، مانند: محمد بن عبدالله بن نمیر، ابراهیم بن منذر حزامی، عبدالله بن معاویه، هشام بن عمار، و...
راویان از او: احمد بن ابراهیم قزوینی، اسحاق بن محمد قزوینی، محمد بن عیسی ابهری، احمد بن محمد بن حکیم اصفهانی هـ. ابوالحسن قطان، و...^۲

راوی احادیث شماره: ۳۲، ۳۳، ۱۱۵، ۱۴۶، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۶۲

۱ - به فتح راء و باء (تقریب التهذیب): «قزوینی» منسوب به قزوین شهری است که فاصله آن تا ری ۲۷ فرسخ، و تا ابهر ۱۲ فرسخ و تا دیلم کوهی است (پاورقی تقریب التهذیب).
۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۳۶، ش ۶۵۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۹۸، ش ۶۶۶۷؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۰؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۷۸، ش ۶۳۶.

طبقة سيزدهم و پس از آن

احمد بن عبدالله بن احمد، ابونعیم اصفهانی

احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسى بن مهران مهرانى، ابونعیم اصفهانی صوفی، سبط زاهد محمد بن یوسف بناء. «ذهبی» درباره او می نویسد: کان أحد الأعلام، و من جمع الله له بين العلو في الرواية والمعرفة التامة والدراية. محدث عصر، از راویان حافظ طبقة سيزدهم، متولد ۳۳۶ هـ. و متوفای ۲۰ محرم ۴۳۰ هـ. در ۹۴ سالگی، صاحب کتاب های فراوان مانند: حلیة الأولیاء، دلائل النبوة، تاریخ اصفهان، أخبار اصفهان، معرفة الصحابة و ...

در تذكرة الحفاظ آمده است: لم يكن له غذاء سوى التسميع والتصنيف.
در میزان الاعتدال، آمده است: وكلام ابن مئده في أبي نعیم فظيع، لا أحب حكايته، ولا أقبل قول كل منهما في الآخر، بل هما عندي مقبولان.
قلت: كلام الأقران بعضهم في بعض لا يُعْبَأُ به، لا سيما إذا لاح لك أنه لعداوة أو لمذهب أو لحسد، ما ينجو منه إلا من عصم الله، وما علمت أن عصراً من الأعصار سليم من ذلك، سوى الأنبياء، ولو شئت لسردت من ذلك كراريس، اللهم ﴿لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ

آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ^۱.

مشایخ او: از شش سالگی در صدد فراگیری حدیث برآمد، و از افراد ذیل حدیث شنید: از واسط: عبدالله بن عمر بن شوذب؛ از نیشابور: ابوالعباس اصم؛ از شام: خثیمه بن سلیمان طرابلسی؛ از بغداد: جعفر الخلدی، ابوسهل بن زیاد؛ از مُسند اصفهان: ابومحمد ابن فارس. و نیز از احمد بن بُندار شَعَار، ابوبکر جعابی، محمد بن عمر بن سالم، ابوالقاسم طبرانی، ابوالشیخ، ابوبکر عبدالله بن یحیی طَلحی و ...

راویان از او: کوشیار بن لیالیزور الجیلی^۲، خطیب، ابوصالح مؤذن، ابوبکر بن محمد ابن ابراهیم عطار، سلیمان بن ابراهیم، هبة الله بن محمد شیرازی، محمد بن حسن بکری و ...^۳

راوی احادیث شماره: ۳۳، ۵۱، ۷۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۸۲، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۸.

۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۲.

احمد بن محمد بن احمد ... = ابوالحسن بن الصلت اهوازی

ابوالحسن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن هارون بن الصلت اهوازی الأصل، بغدادی (۳۲۴ - ۴۰۹ هـ) که «خطیب» وی را از راویان صدوق و صالح، معرفی می‌کند. مؤلف «تذکره الحفاظ» وی را در زمره طبقه سیزدهم از راویان و حافظان بر شمرده است.^۴

مشایخ او: حسین بن اسماعیل مخاملی، محمد بن مخلد عطار، عبدالغافر بن سلامه

۱ - سورة حشر، آیه ۱۰.

۲ - منسوب به کیل و کیلان = جیلی و جیلانی، واقع در وراء طبرستان (بنگرید به: الأنساب).

۳ - بنگرید به: تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۹۲، ش ۹۹۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۱۱، ش ۴۳۸؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۹، ص ۲۷۴، ش ۳۲۸؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۰۱، ش ۶۳۷؛ طبقات الحفاظ، ص ۴۷۳، ش ۹۶۰.

۴ - تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۴۹، در ضمن شماره ۹۶۴.

حِمْصِيٌّ، حسين بن يحيى بن عيَّاش قَطَّان، محمد بن جعفر المَطِيرِيٌّ، ابوالعبَّاس بن عُقْدَه،
حسين بن احمد بن صدَّقه فرائِضِيٌّ.

راویان از او: خطیب بغدادی، عبدالرحمن بن مَنْدَه.^۱

راوی حدیث شماره: ۵۳

ابوالفوارس حسن بن احمد بزَّاز

حسن بن احمد بن محمد بن فارس بن سَهْل بغدادی، ابوالفوارس^۲ بزَّاز (۳۴۴ - ۴۲۱ هـ)،
برادر ابوالفتح بن ابی الفوارس (= محمد بن احمد بن محمد بغدادی ابوالفوارس)
متولد ۳۴۴ و متوفای ۴۲۱ هـ (ق. ۳)، که گویا از راویان ثقه طبقه سیزدهم است.

مشایخ او: ابوبکر شافعی، ابوعلی بن صَوَّاف، احمد بن ابراهیم القُدَيْسِيٌّ، اسحاق بن
محمد النِّعَالِيٌّ، محمد بن حسن یَقْطِينِيٌّ.^۴

راوی حدیث شماره: ۲۵۳.

ابوالقاسم عبدالعزیز بن محمد بن نصر السُّتُورِيٌّ

عبدالعزیز بن محمد بن نصر بن فضل بن إدريس، ابوالقاسم السُّتُورِيٌّ، متوفای ذیقعدہ
سال ۴۰۸ هـ.

گویا از راویان طبقه سیزدهم باشد.

مشایخ او: اسماعیل بن محمد الصَّفَّار، ابو عمرو بن سَمَّاك، جعفر الخُلْدِيٌّ، احمد بن

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۷۰، ش ۲۲۴۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۲، ش ۵۳۲؛ تاریخ

الإسلام، ج ۲۸، ص ۱۰۹، ج ۲۸، ص ۱۸۴، ش ۲۶۷.

۲ - ابوالفوارس، کنیه «سهل» است (بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۳۰۲، ش ۵۴).

۳ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۵۲، ش ۳۵۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۳۰۲، ش ۵۴.

۴ - تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۷۸، ش ۳۷۷۰؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۹، ص ۵۳، ش ۱۳.

سلیمان نَجَّاد، ابوبکر شافعی، علی بن احمد معروف به بادویه قزوینی، عمر بن جعفر بن سلم، احمد بن عیسی بن محمد خرقی، فارس بن محمد غوری.
«خطیب بغدادی» می‌نویسد: کتبتنا عنه بانتخاب محمد بن ابی الفوارس، و کان لا بأس به^۱.

راوی حدیث شماره: ۲۰۲.

عبدالغفار بن محمد بن جعفر المؤدب

عبدالغفار بن محمد بن جعفر بن زید ابوطاهر المؤدب بغدادی، متولد ذیحجه سال ۳۴۵ هـ. متوفای ربیع الأول سال ۴۲۸ هـ.

با توجه به اینکه راوی از محدثان طبقه دوازدهم، و مروی عنه طبقه چهاردهم می‌باشد، پس گویا، وی از راویان طبقه سیزدهم است.

مشایخ او: ابوبکر شافعی (محمد بن عبدالله بن ابراهیم)، ابن صواف (ابوعلی صواف)، ابن محرّم (محمد بن محرّم)، ابوالفتح ازدی، ابن شاهین.

راویان از او: خطیب، علی بن حسین بن ایوب بزّاز، ابومنصور محمد بن احمد خیاط که مُسند حُیّدی، را از او شنیده است.^۲

راوی حدیث شماره: ۱۸۴.

عبدالواحد بن محمد بن مهدی فارسی = ابوعمر بن مهدی فارسی

در تاریخ بغداد آمده است: عبدالواحد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن مهدی بن خُشنام بن نُعمان بن مَخَلد، ابوعمر بزّاز فارسی، رومی الأصل. متولد سال ۳۱۸ و متوفای

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۴۶۷، ش ۵۶۴۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۱۷۶، ش ۲۵۳.

۲ - بنگرید به: تاریخ الإسلام، ج ۲۹، ص ۲۳۸، ش ۲۷۱ و نیز بنگرید: تاریخ بغداد، ج ۱۱، صص ۱۱۶ و

۱۱۷، ش ۵۸۱۱؛ شذرات الذهب، ص ۲۳۸؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۳، ش ۱۲۴.

رجب سال ۴۱۰ هـ.

اما مؤلف تاریخ الإسلام نوشته است: عبدالواحد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن مهدی، ابو عمر فارسی کازرونی، سپس بغدادی، بزاز.

وی از محدثان ثقه و آمین به شمار می رود که گویا از راویان طبقه سیزدهم باشد. مشایخ او: ابو عبدالله المحاملی، محمد بن مخلد، ابن عیاش قطان، ابوالعباس بن عقیده، محمد بن احمد بن یعقوب السدوسی، عبدالله بن اسحاق مصری جوهری، محمد ابن اسماعیل فارسی، محمد بن عمرو رزاز، ابو عمرو بن سَمَک.

راویان از او: ابوبکر خطیب، هبة الله بن حسین بزاز، ابوالغنائم محمد بن علی بن ابی عثمان، عاصم بن حسن، علی بن محمد بن محمد الأنباری، ابویوسف عبدالسلام بن محمد قزوینی رئیس معتزله، رزق الله بن عبدالوهاب تمیمی، ابو عبدالله بن طلحه النعالی.^۱

راوی حدیث شماره: ۵۲.

علی بن احمد بن عبّدان

علی بن احمد بن عبّدان بن فرج بن سعید بن عبّدان، ابوالحسن شیرازی نیشابوری متوفای ربیع الأول سال ۴۱۵ هـ. از راویان ثقه که گویا از محدثان طبقه سیزدهم باشد. مشایخ او: پدرش، احمد بن عبید صفار، ابوالقاسم طبرانی، ابوبکر محمد بن عمر جعابی.

راویان از او: ابوبکر بیهقی، ابو عبدالله ثقفی، ابوالقاسم قشیری، و...^۲

راوی حدیث: ۳۷.

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۱۳، ش ۵۶۷۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۲۰۷، ش ۳۲۰.

۲ - تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۳۸۱، ش ۲۰۴ (وفیات، ۴۰۱ - ۴۲۰ هـ).

علی بن احمد بن محمد رزّاز

علی بن احمد بن محمد بن داود بن موسی بن بیان، ابوالحسن بغدادی، معروف به ابن طیب رزّاز که در ربیع الأول سال ۳۳۰ هـ، زاده شد و در ۱۷ ربیع الآخر ۴۱۹ هـ چشم از دنیا فرو بست.

گویا از راویان طبقه سیزدهم باشد.

مشایخ او: ابو عمرو السّمّاک، ابوبکر نجّاد، جعفر الخُلدّی، ابو عمر الزّاهد، عبدالصّمد الطّستّی، ابن زُبَیر کوفّی، ابوسهل بن زیاد، محمد بن حسن نقاش، ابوبکر جعابی، علی بن حمّاد قاضی، ابوالفرج اصفهانی، میمون بن اسحاق الصّوّاف، ابوبکر شافعی، ابوعلی بن الصّوّاف و...^۱

راویان از او: ابوبکر بیهقی، ابوبکر طریثی^۲.

راوی حدیث شماره: ۲۰۲.

محمد بن عبدالله، حاکم نیشابوری، ابو عبدالله بن البیع^۳

ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمّدویّه بن نُعیم بن حکم ضبّی طهمانی^۴ نیشابوری، معروف به «ابو عبدالله الحاکم»، و «ابن البیع»، که به گفته «خطیب بغدادی» دارای فضل، علم، معرفت و حفظ و صاحب کتابهایی در علوم حدیث است، و به گفته

۱ - بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۳۰، ش ۶۱۵۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۴۶۶، ش ۳۷۰.

۲ - منسوب به «طریثیث»، ناحیه بزرگی از نواحی نیشابور که به فارسی آن را «ترتسین» می‌گویند که ظاهراً همان «کاشمر» است. (اللباب، ج ۲، ص ۸۶).

۳ - ظاهراً شغل نیاکان او بوده است، «بیع»، «بایع» و «بیاع» کسی است که در کاروانسراها و محل کار، میان فروشنده و خریدار واسطه می‌شود. (بنگرید به: الأنساب).

۴ - به فتح «طا» و سکون «ها» و فتح میم، منسوب به ابراهیم بن طهمان (بنگرید به: الأنساب، ج ۹، ص ۱۰۸، ش ۲۶۱۸).

«ذَهَبِي»^۱ وی حافظ کبیر، امام المحدثین، در روز دوشنبه، سوم ربیع الأول سال ۳۲۱ هـ. در نیشابور زاده شد و در ماه صفر سال ۴۰۵ هـ. در ۸۴ سالگی در حالی که از حمام بیرون آمده بود و هنوز لنگ حمام را باز نکرده بود که لباس بپوشد، بر اثر سگته درگذشت و قاضی ابوبکر حیرتی بر او نماز خواند.

او در جوانی، یعنی بیست سالگی سفری به عراق نمود و حج انجام داد، سپس در بلاد خراسان و ماوراءالنهر، از دو هزار یا حدود دو هزار تن از مشایخ، حدیث فرا گرفت و نخستین باری که حدیث فرا گرفت در سال ۳۳۰ هـ. بود.

وی از محدثان ثقه و حافظان بلند پایه طبقه سیزدهم می باشد.

مشایخ او: پدرش که مُسلم بن حجاج نیشابوری را دیده بود، محمد بن علی بن عمر المذکر، ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم، ابوجعفر محمد بن صالح بن هانی، محمد ابن عبدالله بن احمد ابوعبدالله صفار اصفهانی ساکن نیشابور، محمد بن یعقوب بن آخرم ابوعبدالله، ابوالعباس محمد بن احمد بن محبوب مروزی، ابوحامد احمد بن علی بن حسنویه مُقری، حسن بن یعقوب بخاری، ابوالنضر محمد بن محمد بن یوسف الفقیه، ابوالولید حسن بن محمد المُرکئی الفقیه، ابوعمر و عثمان بن السمّاک، ابوبکر احمد بن سلمان النّجّاد، ابومحمد عبدالله بن جعفر بن دُرُستویه، ابوسهل بن زیاد، ابومحمد عبدالرحمن بن حمدان الجلاب همدانی، علی بن محمد بن عقبه شیبانی کوفی، ابوعلی حسین بن علی نیشابوری حافظ، حسین بن حسن طوسی، عبدالباقی بن قانع اموی حافظ و ...

راویان از او: ابوالحسن دارقطنی، ابوالفتح محمد بن ابی الفوارس، ابوالعلاء محمد بن علی واسطی، محمد بن احمد بن یعقوب، ابوذر عبدالله بن احمد هروی، ابویعلی خلیل ابن عبدالله قزوینی، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن

۱ - «وانتخب علی خلق کثیر، و جرح و عدل، و قبل قوله في ذلك، لسعة علمه و معرفته بالعلل و الصّحیح والسّقیم».

قشيري، ابوصالح احمد بن عبدالملك مؤذن، الزكي عبدالحميد بن ابي نصر البحيري، عثمان بن محمد لمحمي، ابوبكر احمد بن علي بن خلف شيرازي و ...
 «خطيب بغدادى» مى نويسد: كان ابن البيع يميل إلى التشيع، فحدثني ابواسحاق ابراهيم بن محمد الأرموي بنيسابور - وكان شيخاً صالحاً فاضلاً عالماً - قال: جمع الحاكم أبو عبدالله أحاديث زعم أنها صحاح على شرط البخاري و مسلم يلزمهما إخراجهما في صحيحهما، منها الحديث الطائر، و «من كنت مولاه فعلي مولاه».
 فأنكر عليه أصحاب الحديث ذلك، ولم يلتفتوا فيه إلى قوله ولا صوبوه في فعله.
 «ذهبي» پس از نقل عبارت «خطيب»: «أبو عبدالله الحاكم كان ثقة، كان يميل إلى التشيع...» مى نويسد:

قال الحسن بن أحمد السمرقندي الحافظ: سمعت أبا عبدالرحمن الشاذلي يروي الحاكم يقول: كنا في مجلس السيد أبي الحسن، فسئل أبو عبدالله الحاكم عن حديث الطائر فقال: لا يصح، ولو صح لما كان أحداً أفضل من علي بن أبي طالب بعد النبي ﷺ.
 قلت: ثم تغير رأي الحاكم وأخرج حديث الطائر في مستدركه، ولا ريب أن في المستدرك أحاديث كثيرة ليست على شرط الصحة، بل فيه أحاديث موضوعة شأن المستدرك بإخراجها فيه.

و أما حديث الطائر فله طرق كثيرة جداً قد أفردتها بمصنف، و مجموعها هو يوجب أن يكون الحديث له أصل، و أما حديث: من كنت مولاه، فله طرق جيدة، و قد أفردت ذلك ايضاً.

قال عبدالغافر بن اسماعيل: أبو عبدالله الحاكم هو إمام أهل الحديث في عصره، العارف به حق معرفته، يقال له الضبي، لأن جدته هي سبطه عيسى بن عبدالرحمن الضبي، ووالدة عيسى هذا هي منوية بنت ابراهيم بن طهمان الفقيه، و بيته بيت الصلاح والورع والتأدين في الإسلام.

«قال محمد بن طاهر الحافظ: سألت أبا اسماعيل الأنصاري^۱ عن الحاكم، فقال: ثقةٌ في الحديث، رافِضِيٌّ خَبِيثٌ - ثمَّ قال ابن طاهر: كان شديدَ التَّعَصُّبِ للشيعة في الباطن، وكان يُظهِرُ التَّسَنُّنَ في التَّقْدِيمِ والخِلافةِ، وكان منحرفاً عن معاوية وآله متظاهراً بذلك ولا يعتذر منه.

قلت: أمّا انحرافه عن خصوم عليّ فظاهر، وأمّا أمر الشَّيْخِينَ فمعظمُ لهما بكلِّ حال، فهو شيعيٌّ لا رافِضِيٌّ، وليتَّه لم يصنّف المُشْتَدْرَكَ؛ فإنَّه غَضَّ من فضائله بسوء تصرّفه.

قال الحافظ أبو موسى: كان الحاكم دخل الحمام واغتسل وخرج فقال: آه، فقُبِضَ روحه وهو متّزر لم يلبس قميصه بعد، و صَلَّى عليه القاضي أبو بكر الحِمْيَرِيُّ^۲». ^۳

راوی احادیث شماره: ۸، ۱۰، ۲۱، ۲۹، ۳۵، ۳۶، ۶۱، ۷۰، ۷۱، ۷۵، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۵۲، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۶.

احمد بن حسين بن عليّ - بَيْهَقِيّ

احمد بن حسين بن عليّ بن موسى خُشْرُوچِرْدِيّ بَيْهَقِيّ، ابوبكر شيخ خراسان و صاحب تصانيف، از محدثان و راویان فقيه و حافظ طبقه چهاردهم، متولد ماه شعبان سال ۳۸۴ هـ. و متوفای جمادی الأولى سال ۴۵۸ هـ. در نیشابور؛ ولی تابوت وی را دو روزه به بیهق منتقل کردند و در آنجا به خاک سپرده شد.

«ذَهَبِيّ» نقل می کند: ما مِنْ شَافِعِيٍّ إِلَّا وَلِلشَّافِعِيّ عَلَيْهِ مِئَةٌ إِلَّا الْبَيْهَقِيّ؛ فَإِنَّ لَهُ عَلِيّ

۱ - خواجه عبدالله انصاري (بنگريد به: مقدمه تاريخ نيشابور، ص ۳۶).

۲ - قاضي ابوبكر حيمري احمد بن حسن احمد بن محمد بن احمد بن حفص حيمري، قاضي نيشابور (م ۴۲۱ هـ).

۳ - تاريخ بغداد، ج ۵، ص ۴۷۳، ش ۳۰۲۴؛ تذكرة الحفاظ، ج ۳، صص ۱۰۳۹ تا ۱۰۴۵، ش ۹۶۲؛ و بنگريد به: ميزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۰۸، ش ۷۸۰۴؛ تاريخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۱۲۲، ش ۱۸۳؛ لسان الميزان، ج ۵، ص ۲۳۲، ش ۸۱۳؛ طبقات الحفاظ، ص ۴۰۹، ش ۹۲۹.

الشافعی منة.

مشایخ او: ابوالحسن محمد بن حسین علوی، ابوعبدالله حاکم، ابوبکر بن قورک، ابوعلی رُودباری طوسی، و دیگر محدثان خراسان، بغداد، مکه، کوفه و ...
صاحب تألیفاتی مانند: الأسماء والصفات، السنن الکبیر، السنن والآثار، شعب الإيمان، دلائل النبوة، السنن الصغیر، الزهد، البعث، الترغیب و الترہیب و ...^۱
راوی احادیث: ۸، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۶۱

احمد بن علی = خطیب بغدادی

ابوبکر احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مہدی بغدادی، معروف به خطیب بغدادی (۳۹۲ - ۴۶۳ هـ)، از حافظان برجسته طبقه چهاردهم، محدث شام و عراق، فقیه بزرگ شافعی که بر اساس نقل «ابن عساکر» هنگام نوشیدن آب زمزم در زمان انجام حج با توجه به حدیث مربوط، از خداوند متعال، سه حاجت را درخواست کرده است «لما حج، شرب من ماء زمزم ثلاث شربات، وسأل الله ثلاث حاجات؛ اخذاً بالحدیث «ماء زمزم لما شرب له»، فالحاجة الأولى أن يحدث بتاريخ بغداد بها، الثانية أن یملي الحدیث بجامع المنصور، الثالثة أن یدفن عند بشر الحافی، فقضى الله له ذلك».
وی صاحب تصانیف فراوانی است از قبیل:

تاریخ بغداد، الجامع لأدب الراوی والسماع، الکفایة فی قوانین الروایة، السابق واللاحق، المستفق والمفترق، تلخیص المشابه و ...
وی در هفتم ذیحجه ۴۶۳ هـ در ۷۱ سالگی رخت از جهان بر بست. ابواسحاق شیرازی از حاملان جنازه او بوده است.
وی کتابهای خود را وقف و دارایی خویش را به امور خیریه، اختصاص داده است.

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۳، صص ۱۱۳۲ تا ۱۱۳۵، ش ۱۰۱۴؛ تاریخ الإسلام، ج ۳۰، ص ۴۳۸؛ طبقات الحفاظ، ص ۴۳۳، ش ۹۸۱.

مشایخ او: ابوالحسن [ابن] الصَّلْتِ أهوازی، ابوعمر بن مَهْدِيّ فارسی، حسین بن حسن جوالیقی، ابوالفتح بن ابی الفوارس، هلال حفّار، ابراهیم بن مَخْلَد باخرجی، و دیگر راویان بغداد؛ از بصره: ابوعمر قاسم بن جعفر هاشمی، علی بن قاسم الشاهد، حسن بن علی نیشابوری؛ از نیشابور: ابوالقاسم عبدالرحمن [محمد] السَّرَاج و...؛ از اصفهان: محمد بن عبدالله شهریار، ابونعیم اصفهانی و... از دینور: ابونصر احمد بن حسین الکسّار، و...

راویان از او: استادش: بَرْقَانِيّ، ابوالفضل احمد بن خَيْرُون، فقیه نصر مَسْقُودِيّ، ابوعبدالله حُمَيْدِيّ، عبدالعزيز کتّانی، ابونصر علی بن ماکولا، عبدالله بن احمد سَمَرْقَنْدِيّ، مبارک بن طُيُورِيّ، محمد بن مرزوق زَعْفَرَانِيّ، ابوالغنائم اَبِي نَزِيْسِيّ، محمد بن علی بن ابی العلاء مِصِّيَصِيّ، ابوالفتح نصرالدین محمد مِصِّيَصِيّ، عبدالکریم بن حمزه، طاهر بن سهل اسفراینی، یوسف بن آیوب همدانی و...^۱

راوی احادیث شماره: ۵۲، ۵۳، ۱۵۳، ۱۸۲، ۲۰۲، ۲۰۳.

قاضی ابوالقاسم علی بن مُحَسَّن بن علی تَنُوخِيّ

علی بن مُحَسَّن بن علی بن محمد بن اَبِي الفهم، ابوالقاسم تَنُوخِيّ، قاضی صاحب «الطّوالات»، متولد نیمه شعبان سال ۳۶۵ هـ. در بَصْرَه.

پدرش: قاضی ابوالقاسم علی بن محمد، جدّش: قاضی ابوعلی مُحَسَّن بن علی تَنُوخِيّ، متوفای ۳۸۴ هـ. صاحب کتاب نشوار المحاضرة وأخبار المذاكرة.

گویا وی از راویان طبقه چهارم باشد که دیدگاه برخی از عالمان رجالی درباره وی بدین شرح است: «ابن خَيْرُون»: قیل: کان رأیه الرّفُض والاعتزال. «ذَهَبِيّ»: سماعاته

۱ - بنگرید به: المنتظم، ج ۸، ص ۲۶۵، ش ۳۱۲ و چاپ جدید، ج ۱۶، ص ۱۲۹، ش ۳۴۰۷؛ الأنساب، ج ۵، ص ۱۶۶، ش ۱۴۲۹؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، صص ۱۱۳۵ تا ۱۱۴۶، ش ۱۰۱۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۳۱، ص ۸۵، ش ۶۴؛ طبقات الحفاظ، ص ۴۳۴، ش ۹۸۲.

صحیحة، محلّه الصدق والستر. «ابن حَجْر»: كان صدوقاً في الحديث، تولى القضاء بنواح كثيرة.

وی عهده دار قضاوت نواحی مانند: مدائن، بردان، قِزْمِیسپِن، و... بوده و در دوم محرم سال ۴۴۷ هـ. درگذشت و در خانه اش دفن گردید و «خطیب» بر جنازه اش نماز خوانده است.

كان قد قُبِلت شهادته عند الحکّام في حدائته، ولم يزل على ذلك مقبولاً إلى آخر عمره، وكان متحفظاً في الشهادة عند الحکّام، صدوقاً في الحديث. همان گونه که گفته شد وی شیعه و دارای مذهب اعتزال بوده است.

مشایخ او: ابوالقاسم عبدالله بن ابراهیم زینبی، علی بن محمد بن سعید رزاز، علی بن محمد بن کیسان، ابوسعید الحُرَفی، اسحاق بن سعد بن حسن بن سُفیان، ابوعبدالله حسین بن محمد عسکری، عبیدالله بن محمد حَوْشَبی، ابراهیم بن احمد خِرَقی، عبدالعزیز بن جعفر خِرَقی، و...

راویان از او: اَبی التَّرِیسی، نورالهدی ابوطالب حسین بن محمد زینبی، ابوعلی محمد ابن محمد بن المهدی، ابوشجاع بهرام بن بهرام و...^۱
راوی حدیث شماره: ۱۲۸.

ابوطاهر ابراهیم بن حسن فقیه

ابراهیم بن حسن بن طاهر، ابوطاهر حَمَوی، معروف به حِصْنی از فقیهان دمشق،

۱ - بنگرید به: نشوات المعاصرة وأخبار المذاكرة، ج ۱، ص ۵، مقدّمه محقق، (نقل از مُعْجَم الأدباء، ج ۵، ص ۳۰۱)؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۱۵، ش ۶۵۵۸؛ تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۷۰، ضمن شرح حال «ابن مهران» از حافظان طبقة دوازدهم؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۵۲، ش ۵۹۲۰؛ تاریخ الإسلام، ج ۳۰، ص ۱۶۱، ش ۲۲۳؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۵۲، ش ۶۸۸ و نیز تاریخ مدینه دمشق، ج ۷، ص ۳۲۱.

متولد ذیحجه سال ۴۸۵ هـ. در حماة و متوفای سال ۵۶۱ هـ. که گویا از راویان طبقة پانزدهم باشد.

مشایخ او: ابوعلی بن نبهان کاتب، ابوطالب زینبی، ابوطاهر حنّانی، ابن العوازینی.
راویان از او: ابن سمعان، ابن عساکر و پسرش قاسم بن عساکر، ابوالقاسم بن صصری، ابونصر شیرازی.^۱
راوی حدیث شماره: ۱۲۸.

احمد بن حسن بن خَیرون = ابوالفضل بن خَیرون

ابوالفضل احمد بن حسن بن احمد بن خَیرون بغدادی معروف به ابن باقلانی، از حافظان، ثقه، ثبت، محدث بغداد متولد ۴۰۶ هـ. که در ماه رجب سال ۴۸۸ هـ. در ۸۴ سالگی درگذشت. خَیرون، جد پدرش می باشد پس احمد پسر حسن بن احمد بن خَیرون است، از آنجا که نظر جرح و تعدیل او منصفانه بود، لذا به او گفته می شد «یحیی بن معین» روزگار خویش است.

مشایخ او: ابوعلی بن شاذان، ابوبکر بَرَقانی، احمد بن عبدالله بن محاملی، ابو عمرو ابن دوست العلاف، ابویعلی احمد بن عبدالواحد و ...
راویان از او: شیخ او: ابوبکر خطیب، ابوعلی بن سُکره، ابوالقاسم بن سَمَرَقندی، اسماعیل بن محمد حافظ، ابوبکر قاضی، اسماعیل بن سعد صوفی، ابوالفضل بن ناصر، عبدالوهاب أَنماطی، ابوالفتح بن البَطّی و ...^۲
راوی حدیث شماره: ۲۵۳.

۱ - بنگرید به: طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۷، ص ۳۲، ش ۷۲۲.

۲ - الكامل فی التاريخ، ج ۱۰، ص ۲۵۳؛ تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۲۰۷، ش ۱۱۰۳۵؛ الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۳۲۰؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۵۵، ش ۴۹۶، حرف الف، ج ۶، ص ۴۲۴، ش ۱۹۷۱؛ طبقات الحفاظ، ص ۴۴۵، ش ۱۰۰۱.

ابوطالب حسین بن محمد بن علی زینبی

در تذکرة الحفاظ، در زمرة راویان طبقة پانزدهم آمده است:^۱
ابوطالب حسین بن محمد بن علی هاشمی زینبی، متوفای ۵۱۲ هـ.
راوی حدیث شماره: ۱۴۸.

علی بن حسن بن هبة الله = ابن عساكر

ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله بن عبدالله بن حسین بن عساكر دمشقی شافعی
ملقب به ثقة الدین، موصوف به حافظ کبیر، مشهور به ابن عساكر، مورخ، فقیه، محدث و
از حافظان طبقة شانزدهم (۴۹۹ - ۵۷۱ هـ).
از فرزندش: محدث بهاء الدین قاسم نقل شده که: کان ابي رجّمه الله مواظباً علی
الجماعة.

نیز درباره او نوشته شده است: وأخذ نفسه بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، لا
تأخذه في الله لومة لائم». والتلاوة يختم كل جمعة ويختم في رمضان كل يوم... و كان
يحاسب نفسه على لحظة تذهب.

وی به منظور استماع حدیث و تکمیل مراتب علمی به بلاد مختلف سفر کرده و
دارای مشایخ فراوانی است که برخی شمار آنان را هزار و سیصد مرد و هشتاد زن نقل
کرده اند، چنان که در تذکرة الحفاظ، آمده است: «و عدد شیوخه ألف و ثلاث مائة شیخ،
و نیتف و ثمانون امرأة».

وی دارای تألیفات فراوانی است مانند تاریخ مدینه دمشق، الموافقات و...^۲
مشایخ او: ابوالقاسم بن النسیب، قوام بن زید، ابوطاهر الحنّائی، ابوالحسن دینوری،

۱ - تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۲۴۹، ش ۱۰۵۶.

۲ - تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۲۸، ش ۱۰۹۴؛ طبقات الحفاظ، ص ۴۷۴، ش ۱۰۶۱.

تمیم بن ابی سعید جرجانی و ...

راویان از او : معمر بن الفاخر، ابوالعلاء همدانی، ابوسعید سمعانی، فرزندش: قاسم،

ابوجعفر قرطبی و ...

راوی احادیث شماره: ۱۴۸، ۷۵.

محمد بن عبدالباقی بن احمد البَطَّی = ابوالفتح بن البَطَّی^۱

ابوالفتح محمد بن عبدالباقی بن احمد بن سلمان ابن البَطَّی بغدادی الحاجب، مُسِنِد

بغداد، (۴۷۷ - ۵۶۴ هـ).

مشایخ او : ابوالفضل احمد بن الحسن بن خیرون، احمد بن علی بن حسین بن

زکریاء الطَّرِیْثِی، محمد بن فرج بن منصور بن ابراهیم سُلَمِی...^۲

راوی حدیث: ۲۵۳.

۱ - «البَطَّی» به فتح باء و تشدید طاء مکسوره، منسوب به بَطَّه (الأنساب، و اللباب، ج ۱، ص ۱۳۰).
۲ - الأنساب، ج ۲، ص ۲۶۲؛ اللباب، ج ۱، ص ۱۳۰؛ تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۲۱، در ضمن شرح حال «معمر بن عبدالواحد» ش ۱۰۹۱؛ طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۴، ص ۳۹ و ۱۹۴.

بخش دوم

احادیث نبوی دربارۀ مهدی علیہ السلام

روایاتی از ابوهریره

ظهور مردی از خاندان پیامبر ﷺ قطعی است

۱- الإحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۵۷۶، حدیث شماره ۵۹۲۲:

موارد الظمان، ج ۶، ص ۱۲۸، حدیث شماره ۱۸۷۶:

باب ما جاء فی المهدی:

أخبرنا الفضل بن حباب، قال: حَدَّثَنَا مُسَدَّدُ بْنُ مُسْرَهْدٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْرَاهِيمَ أَبُو شِهَابٍ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ بَهْدَلَةَ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ لَمَلَكَ فِيهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ ﷺ».

ظهور مردی از خاندان پیامبر ﷺ برای احقاق حق، قطعی است

۲- مُسْنَدُ أَبِي يَعْنَى، ج ۱۲، ص ۱۹، حدیث شماره ۶۶۶۵:

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي النَّضْرِ، حَدَّثَنَا أَبُو النَّضْرِ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْمَرْجِيُّ بْنُ رَجَاءِ الْيَشْكُرِيُّ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ هِلَالٍ، عَنْ بَشِيرِ بْنِ نَهْيكٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاهُ رِيرَةَ، يَقُولُ: حَدَّثَنِي خَلِيلِي أَبُو الْقَاسِمِ ﷺ قَالَ:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَضْرِبُهُمْ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى

الْحَقَّ».

قال: قلت: وكم يَكُونُ؟ قال: خَمْسُ واثْنَتَيْنِ.
قال: قلت: ما خَمْسُ واثْنَتَيْنِ؟ قال: لا أُدرِي.^۱

مقام والای مهدی علیه السلام

۳ - الکامل، ابن عدی، ج ۶، ص ۴۴۰ در ترجمه مؤمل بن عبدالرحمن ثقفی.
ثنا كهَمَسُ بنُ مَعْمَرٍ، و موسى بن الحسن الكوفی جميعاً بمصر، قالوا: ثنا أبو يحيى
الوقار، ثنا مؤمل بن عبدالرحمن الثقفی، عن عوف، عن ابن سيرين، عن أبي هريرة، عن
النبي صلى الله عليه وسلم قال:

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ لَا يُفْضَلُ عَلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ وَلَا عُمَرُ».^۲

و نیز در کتابهای زیر، از «ابن سيرين» نقل شده است:

الفتن والملاحم، نعيم بن حماد، مروزي، ص ۲۰۰، باب «سيرة المهدي وعدله و...»:
وحدَّثنا ضمرة، عن ابن شوذب، عن محمد بن سيرين، أنه ذكر فتنة تكون، فقال: «إذا
كان ذلك فاجلسوا في بيوتكم حتى تسمعوا على الناس يخير من أبي بكر وعمر رضي الله
عنهما».

قيل: يا أبا بكر^۳، خير من أبي بكر وعمر؟

قال: «قد كان يُفْضَلُ عَلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ».

المصنّف، ابن أبي شيبة، ج ۸، ص ۶۷۹ (۱۹۶):

أبو أسامة، عن عوف، عن محمد، قال:

۱ - ابن حجر عسقلاني، المطالب العالیه، ج ۵، ص ۷۷، ش ۴۴۸۱، باب فی المهدي و...؛ هيثمي، مجمع

الزوائد، ج ۷، ص ۶۱۳، ش ۱۲۴۰۱، باب ماجاء فی المهدي.

۲ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۲۹، ش ۸۹۵۳، مؤمل بن عبدالرحمن ثقفی.

۳ - ابوبکر، کنیه محمد بن سیرین است.

«يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ خَلِيفَةٌ لَا يُفْضَلُ عَلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ»^۱.

در کتاب الحاوی للفتاوی (ج ۲، ص ۱۵۳) پس از نقل این اثر نوشته است: قلت: هذا

إِسْنَادٌ صَحِيحٌ.

نشانه‌های پیش از ظهور

۴ - سُنَنِ التِّرْمِذِيِّ، ج ۳، ص ۳۶۲؛ حَدِيثُ شِمَارَةَ ۲۳۷۱، آخِرُ كِتَابِ الْفِتَنِ، وَ

عَارِضَةُ الْأَخْوَذِيِّ، بِشَرْحِ صَحِيحِ التِّرْمِذِيِّ، ج ۹، ص ۱۲۲:

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ، أَخْبَرَنَا رِشْدِ بْنِ بِنِ سَعْدٍ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ ابْنِ شِهَابِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ قَبِيصَةَ

ابن ذُوَيْبٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتُ سُودٍ، لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ

بِإِيلِيَاءَ»^۲. هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ حَسَنٌ.

۵ - الْفِتْنُ وَالْمَلَاجِمِ، نُعَيْمِ بْنِ حَمَّادٍ، ص ۱۱۹:

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا رِشْدِ بْنِ بِنِ سَعْدِ الْمَهْرِيِّ، عَنْ يُونُسِ بْنِ يَزِيدِ الْأَيْلِيِّ، عَنْ

ابن شِهَابٍ، عَنْ قَبِيصَةَ بْنِ ذُوَيْبٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتُ سُودٍ، لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ

بِإِيلِيَاءَ؛ يَعْنِي بَيْتَ الْمَقْدِسِ».

۶ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۲، ص ۳۶۵:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ غَيْلَانَ، وَقُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا

رِشْدِ بْنِ بِنِ سَعْدٍ، قَالَ: يَحْيَى بْنُ غَيْلَانَ فِي حَدِيثِهِ: ثَنَى يُونُسُ بْنُ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ،

عَنْ قَبِيصَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ:

۱ - بنگرید به: سیوطی، جلال‌الدین، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲ - نیز بنگرید به: ابن کثیر، کتاب النهایة أو الفتن والملاجیم، ج ۱، ص ۲۹.

درباره مراد از پرچمهای سیاه، به یادآوری ضمن حدیث شماره ۳۸ مراجعه شود.

«يَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتُ سُودٍ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاءَ».

٧-الكامل، ج ٣، ص ٨٥:

حدَّثنا أحمدُ بنُ حَفْصِ السَّعْدِيِّ، ثنا سُوَيْدُ بنُ سَعِيدٍ، ثنا داودُ بنُ عبدِ الجُبَّارِ الأودِيِّ، عن أبي شِراعة^١، عن أبي هُرَيْرَةَ:

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّاياتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ المَشْرِيقِ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاءَ»^٢.

٨-دلائل النبوة، ج ٦، ص ٥١٦:

أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، وأبو صادق محمد بن أبي الفوارس العطار، قالوا: حَدَّثَنَا أبو العباس محمد بن يعقوب، حَدَّثَنَا محمد بن إسحاق، حَدَّثَنَا عبد الله بن يوسف، حَدَّثَنَا رِشْدِينُ بنُ سَعْدٍ، عَن يونس بن يزيد، عَن ابن شهاب، عَن قبيصة بن ذؤيب، عَن أبي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قال:

«تَخْرُجُ رَايَاتُ سُودٍ مِنْ خُرَاسَانَ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاءَ»^٣.

٩-ميزان الاعتدال، ج ٢، ص ١٠، شماره ٢٦٢٢.

داود بن عبد الجبار الكوفي المؤذن، عن التابعين ... ابن عدي، حَدَّثَنَا أحمد بن حَفْصِ، حَدَّثَنَا سُوَيْدُ بنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا داودُ بنُ عبدِ الجُبَّارِ الأودِيِّ، عَن أبي شِراعة، عَن أبي هُرَيْرَةَ - مرفوعاً:

«إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّاياتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ المَشْرِيقِ فَلَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاءَ».

١- نام او سلمة بن مجنون است.

٢- نیز بنگرید به: لسان المیزان، ج ٢، ص ٤١٩، ش ١٧٣٦ ترجمه داود بن عبد الجبار الأودی کوفی.

٣- نیز بنگرید به: شیوطی، جلال الدین، اللآلی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، ج ١، ص ٤٣٧.

خروج سفیانی از نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام

۱۰- المُسْتَدْرَك، ج ۴، ص ۵۲۰:

حدَّثنا أبو محمد أحمد بن عبد الله المزني، ثنا زكريا بن يحيى الساجي، ثنا محمد بن اسماعيل بن أبي سميئة، ثنا الوليد بن مسلم، ثنا الأوزاعي، عن يحيى بن أبي كثير، عن أبي سلمة، عن أبي هريرة، قال:

قال رسول الله ﷺ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقِ دِمَشْقَ، وَعَامَةٌ مَن يَتَّبِعُهُ مِنْ كَلْبٍ، فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ، وَيَقْتُلَ الصَّبِيَانَ، فَتَجْمَعُ لَهُمْ قَيْسٌ، فَيَقْتُلُهَا، حَتَّى لَا يُتَمَّعَ ذَنْبٌ تَلْعَةً، وَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَّةِ، فَيَبْلُغُ السُّفْيَانِيَّ، فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جُنْدًا مِنْ جُنُودِهِ فَيَهْزِمُهُمْ فَيَسِيرُ إِلَيْهِ السُّفْيَانِيُّ بِمَنْ مَعَهُ، حَتَّى إِذَا صَارَ بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا الْمُخْبِرُ عَنْهُمْ».

هذا حديث صحيح الإسناد على شرط الشيخين ولم يخرجاه.

خاطر نشان می‌سازد درباره ارتباط این گونه از احادیث (حدیث شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲) به موضوع مهدویت، بنگرید به مقدمه حدیث شماره ۲۵۴، (تحت عنوان، موضوع خسف).

۱۱- مُسْنَنُ النَّسَائِيِّ بِشَرْحِ الْحَافِظِ جَلَالِ الدِّينِ السُّيُوطِيِّ وَحَاشِيَةِ الْإِمَامِ السَّنْدِيِّ، ج ۵، ص ۲۰۶:

أخبرنا عمران بن بكار قال حدثنا بشر، أخبرني أبي عن الزهري، أخبرني سحيم، أنه سمع أبا هريرة يقول:

قال رسول الله ﷺ: «يَغْزُو هَذَا الْبَيْتَ جَيْشٌ فَيُخَسَفُ بِهِمُ بِالْبَيْدَاءِ».

أخبرنا محمد بن إدريس أبو حاتم الرازي قال حدثنا عمرو بن حفص بن غياث، قال حدثنا أبي عن مسعر، قال أخبرني طلحة بن مصرف، عن أبي مسلم الأغر، عن أبي هريرة، عن النبي ﷺ قال:

«لَا تَنْتَهِي الْبُعُوثُ عَنْ غَزْوِ هَذَا الْبَيْتِ حَتَّى يُخَسَفَ بِجَيْشٍ مِنْهُمْ».

۱۲ - حِلْيَةُ الْأَوْلِيَاءِ، ج ۷، ص ۲۴۴:

حَدَّثَنَا اِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حُصَيْنٍ، ثنا عبيد بن غنم بن حفص بن غياث، قال: وجدتُ في كتاب عمي عمرو بن حفص بن غياث، ثنا أبي عن مسعر، عن طلحة بن مضر، عن أبي مسلم الأغر، عن أبي هريرة، عن النبي ﷺ قال: «لا تلتنه البُعوثُ عن غزوة بيت الله حتى يُخسفَ بجيشٍ منهم». تفرّد به حفص عن مسعر.

نزول حضرت عیسیٰ ﷺ و امامت حضرت مهدی ﷺ

۱۳ - صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، کتاب بدء الخلق، باب نزول عیسی بن

مریم علیها السلام:

حَدَّثَنَا ابْنُ بُكَيْرٍ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ نَافِعِ مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ، أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ رضي الله عنه، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ».

ابن حجر عسقلانی در فتح الباری بشرح البخاری در ذیل حدیث مزبور می نویسد: و قال... الأبرئ في مناقب الشافعي: «تواتر الأخبار بأن المهدي من هذه الأمة وأن عيسى يُصلي خلقه». و نیز نوشته است: و في صلاة عيسى خلف رجل من هذه الأمة مع كونه في آخر الزمان و قرب قيام الساعة دلالة للصحيح من الأقوال أن الأرض لا تخلو عن قائم لله بحجة. والله أعلم.

در التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۵۸، آمده است: حدیث مزبور را بخاری، مسلم و احمد، روایت کرده اند و در شرح آن آمده است:

۱ - فتح الباری بشرح صحیح البخاری، دارالکتب العلمیة، بیروت - لبنان، چاپ اول ۱۴۱۰ ق / ۱۹۸۹ م،

ج ۶، ص ۶۱۱ (کتاب احادیث الانبیاء، باب ۴۹، باب نزول عیسی بن مریم علیها السلام در ذیل حدیث شماره

«إنه الخليفة الذي ينزل عيسى بن مريم عليه السلام في زمنه، وهو المهدي عليه السلام، وفي حديث أحمد: فإذا هم بعيسى، فيقال: تقدم يا روح الله، فيقول: ليتقدم إمامكم فليصل بكم».

١٤ - صحيح مسلم بشرح النووي، ج ٢، ص ١٩٢ (باب نزول عيسى بن مريم عليه السلام):
حدثني حزملة بن يحيى، أخبرنا ابن وهب، أخبرني يونس، عن ابن شهاب، قال:
أخبرني نافع مولى أبي قتادة الأنصاري، أن أبا هريرة قال:
قال رسول الله ﷺ: «كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وإمامكم منكم».

١٥ - صحيح مسلم، ج ٢، ص ١٩٣:

وحدثنا زهير بن حرب، حدثني الوليد بن مسلم، حدثنا ابن أبي ذئب، عن ابن شهاب،
عن نافع مولى أبي قتادة، عن أبي هريرة، أن رسول الله ﷺ قال:
«كيف أنتم إذا نزل فيكم ابن مريم فأمامكم منكم».

فقلت لابن أبي ذئب: إن الأوزاعي حدثنا عن الزهري، عن نافع، عن أبي هريرة، «و
إمامكم منكم».

قال: ابن أبي ذئب: تدري ما أمامكم منكم؟ قلت: تخبرني.

قال: فأمامكم بكتاب ربكم تبارك وتعالى، وسنة نبيكم.

١٦ - الفتن والملاحم، نعيم بن حماد، ص ٣١٩:

عبد الرزاق، عن معمر، عن الزهري، قال الزهري: عن نافع مولى أبي قتادة، عن
أبي هريرة عليه السلام قال:

قال رسول الله ﷺ: «كيف بكم إذا نزل بكم ابن مريم فأمامكم» - أو قال: «إمامكم منكم».

١٧ - مسند أحمد بن حنبل، ج ٢، ص ٢٧٢، المسند أحمد بن حنبل، شرح أحمد

محمد شاكر، ج ١٤، ص ٩٣، حديث شماره ٧٦٦٦:

ثنا عبد الرزاق، أنا معمر، عن الزهري، عن نافع - مولى أبي قتادة - عن أبي هريرة قال:

قال رسول الله ﷺ: «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا نَزَلَ بِكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ فَأَمَّكُمْ - أَوْ قَالَ - إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ»^١.

١٨ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ٢، ص ٣٣٦:

ثَنَا عَثْمَانُ بْنُ عَمْرٍو، ثَنَا ابْنُ أَبِي ذَيْبٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنِ نَافِعٍ - مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ - عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ:

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا نَزَلَ فِيكُمْ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ».

١٩ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ، ج ٢، ص ٢٧٢، المُسْنَدُ، أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَنْبَلٍ، شَرْحُ أَحْمَدَ

مُحَمَّدُ شَاكِرٌ، ج ١٤، ص ٩٣، حَدِيثُ شِمَارِهِ ٧٦٦٦:

ثَنَا عَبْدِ الرَّزَّاقِ، أَنَا مَعْمَرٌ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنِ نَافِعِ مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ، عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ:

قال رسول الله ﷺ: «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَأَمَّكُمْ - أَوْ قَالَ - إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ».

٢٠ - الإِحْسَانُ بِتَرْتِيبِ صَاحِبِ ابْنِ حَبَّانٍ، ج ٨، ص ٢٨٣ و ٢٨٤، شِمَارُهُ ٦٧٦٤:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: ثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: ثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ

مُسْلِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْأَوْزَاعِيُّ، عَنِ ابْنِ شِهَابٍ، أَنَّ نَافِعَ بْنَ أَبِي نَافِعٍ - مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ - أَخْبَرَهُ، أَنَّ أَبَاهُ هُرَيْرَةَ قَالَ:

قال رسول الله ﷺ: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ».

٢١ - الأَسْمَاءُ وَالصِّفَاتُ، بَيْهَقِيُّ، ج ٢، ص ١٦٦:

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، أَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ إِسْحَاقَ، أَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، ثَنَا ابْنُ بُكَيْرٍ،

حَدَّثَنِي اللَّيْثُ، عَنِ يُونُسَ، عَنِ ابْنِ شِهَابٍ، عَنِ نَافِعِ - مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ - قَالَ: إِنَّ

أَبَاهُ هُرَيْرَةَ قَالَ:

قال رسول الله ﷺ: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ مِنَ السَّمَاءِ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ».

محل بیعت با مهدی علیه السلام در میان رکن و مقام است

۲۲ - مِنْحَةَ الْمَعْبُودِ فِي تَرْتِيبِ مُسْنَدِ الطَّيَالِسِيِّ، أَبُو دَاوُدَ، ج ۲، ص ۲۱۶ (باب مَا جَاءَ فِي بَيْعَةِ الْمَهْدِيِّ وَ خَرَابِ الْكَعْبَةِ آخِرَ الزَّمَانِ):

حَدَّثَنَا يُونُسُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ، قَالَ:

حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي ذَيْبٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي سَعِيدُ بْنُ سَمْعَانَ مَوْلَى الْمُشَمِّعِلِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاهُ رِيرَةَ يُحَدِّثُ أَبَا قَتَادَةَ وَهُوَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ، فَقَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يُنَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَأَوَّلُ مَنْ يَسْتَحِلُّ هَذَا الْبَيْتَ أَهْلُهُ، فَإِذَا اسْتَحَلُّوهُ فَلَا تَسْأَلُ عَنْ هَلَكَةِ الْعَرَبِ، ثُمَّ تَجِيءُ الْحَبَشَةُ فَيُخْرِبُونَهُ خَرَابًا لَا يُعْمَرُ بَعْدَهُ وَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ».

۲۳ - الْمُصَنَّفُ، ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ج ۸، ص ۶۱۲، كِتَابُ الْفِتَنِ، ۴۰، حَدِيثُ شِمَارِهِ ۱۳۶:

حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا ابْنُ ذَيْبٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَمْعَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاهُ رِيرَةَ يُخْبِرُ أَبَا قَتَادَةَ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ:

«يُنَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَلَنْ يَسْتَحِلَّ الْبَيْتَ إِلَّا أَهْلُهُ، فَإِذَا اسْتَحَلُّوهُ فَلَا تَسْأَلُ عَنْ هَلَكَةِ الْعَرَبِ، تَأْتِي الْحَبَشَةُ فَيُخْرِبُونَ خَرَابًا لَا يُعْمَرُ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ».

۲۴ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ، ج ۲، ص ۳۱۲:

ثَنَا يَزِيدُ بْنُ الْحُبَابِ، ثَنَا ابْنُ أَبِي ذَيْبٍ، حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ سَمْعَانَ، سَمِعْتُ أَبَاهُ رِيرَةَ، يُحَدِّثُ أَبَا قَتَادَةَ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يُنَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَلَنْ يَسْتَحِلَّ الْبَيْتَ إِلَّا أَهْلُهُ، فَإِذَا اسْتَحَلُّوهُ فَلَا تَسْأَلُ عَنْ هَلَكَةِ الْعَرَبِ، ثُمَّ تَجِيءُ الْحَبَشَةُ فَيُخْرِبُونَهُ خَرَابًا لَا يُعْمَرُ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ».

۲۵ - هَمَانُ، ج ۲، ص ۲۹۱، الْمُسْنَدُ، شَرَحَ أَحْمَدُ مُحَمَّدَ شَاكِرَ، ج ۱۵، ص ۳۵، حَدِيثُ

شماره ۷۸۹۷:

ثنا یزید^۱، أنا ابن أبی ذئب، عن سعید بن سمعان، قال: سمعت أبا هريرة يُخبر أبا قتادة أن رسول الله ﷺ قال:

«يُنَايِعُ لِرَجُلٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَلَنْ يَسْتَحِلَّ الْبَيْتَ إِلَّا أَهْلُهُ، فَإِذَا اسْتَحَلُّوهُ فَلَا يُسْأَلُ عَنِ هَلَكَةِ الْعَرَبِ، ثُمَّ تَأْتِي الْحَبَشَةُ فَيُخْرِبُونَهُ خَرَابًا لَا يُعْمَرُ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَهُمْ الَّذِينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ».

۲۶ - مُسْنَدُ أَحْمَد، ج ۲، ص ۳۲۸:

ثنا ابوالنضر، عن ابن أبی ذئب، وإسحاق بن سليمان قال: حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي ذئبٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَمْعَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يُحَدِّثُ أَبَا قَتَادَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ:

«يُنَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَلَنْ يَسْتَحِلَّ الْبَيْتَ إِلَّا أَهْلُهُ، فَإِذَا اسْتَحَلُّوهُ، فَلَا تُسْأَلُ عَنِ هَلَكَةِ الْعَرَبِ، ثُمَّ تَأْتِي الْحَبَشَةُ، فَيُخْرِبُونَهُ خَرَابًا لَا يُعْمَرُ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَهُمْ الَّذِينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ».

۲۷ - همان: ص ۳۵۱:

«حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، أَنَا ابْنُ أَبِي ذئبٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَمْعَانَ، أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يُخْبِرُ أَبَا قَتَادَةَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ:

يُنَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَلَنْ يَسْتَحِلَّ هَذَا الْبَيْتَ إِلَّا أَهْلُهُ، فَإِذَا اسْتَحَلُّوهُ فَلَا تُسْأَلُ عَنِ هَلَكَةِ الْعَرَبِ، ثُمَّ تَأْتِي الْحَبَشَةُ فَيُخْرِبُونَهُ خَرَابًا لَا يُعْمَرُ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَهُمْ الَّذِينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ».

۲۸ - الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان^۲، ج ۸، ص ۲۹۲، شماره ۶۷۸۸، ذکر

۱ - مراد «یزید بن هارون» است.

۲ - هر چند در کتاب رِیْعَانَةُ الْأَدَبِ، در عنوان «ابن حبان» آن را بر وزن عَطَّار می‌دانند، ولی ابن اثیر در الْکِتَابِ فِي تَهْلِيلِ الْأَنْسَابِ، ج ۱، ص ۲۷۳ می‌نویسد: به کسر حاء و تشدید باء.

الموضع الذي يُبایع فيه المهدی:

أخبرنا أبو یعلیٰ، قال: ثنا أبو خثیمه، قال: حدّثنا إسحاق بن سلیمان الرازی، قال: سمعت ابن أبي ذئب، يذكر عن سعید بن سمعان، أنه سمع أبا هريرة يُحدّث أبا قتادة، أن رسول الله ﷺ قال:

«يُبایع لرجل بين الركن والمقام، ولن يستحل هذا البيت إلا أهله، فإذا استحلوه فلا تسأل عن هلكة العرب، ثم تظهر الحبشة فيخربونه خراباً لا يعمر بعده أبداً، وهم الذين يستخرجون كنزَهُ».

۲۹ - المستدرک، ج ۴، ص ۴۵۲^۱

حدّثنا أبو العباس محمد بن یعقوب، ثنا الربیع بن سلیمان، ثنا أسد بن موسى، ثنا ابن أبي ذئب، وحدّثنا أبو عبد الله محمد بن یعقوب الحافظ - واللفظ له - ثنا حامد بن أبي حامد المقرئ، ثنا إسحاق بن سلیمان الرازی، قال: سمعت ابن أبي ذئب، يُحدّث عن سعید بن سمعان، قال: سمعت أبا هريرة، يُحدّث أبا قتادة أن النبي ﷺ قال:

«يُبایع رجل بين الركن والمقام، ولن يستحل هذا البيت إلا أهله، فإذا استحلوه فلا تسأل عن هلكة العرب، ثم تجيء الحبشة فتخربنه خراباً لا يعمر بعده أبداً، وهم الذين يستخرجون كنزَهُ».

وفور نعمت در حکومت مهدی ﷺ

۳۰ - كشف الأستار عن زوائد البزار، ج ۴، ص ۱۱۴، حدیث شماره ۳۳۲۶ «باب

المهدی»:

حدّثنا أبو بريد^۲ عمرو بن يزيد الجرمي، ثنا محمد بن مروان العقيلي، ثنا هشام، عن

۱ - با دو طریق، نقل می‌کند.

۲ - همان گونه که در تهذیب التهذیب آمده، ابویزید، درست است که در روایت شماره ۳۱ نیز ابویزید آمده

محمد، عن أبي هريرة قال: ذكر رسول الله ﷺ «المهدي» قال:
«إِنْ قَصَرَ فَسَبْعٌ، وَإِلَّا فَثَمَانٍ وَإِلَّا فَتِسْعٌ، وَلَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا
وظُلْمًا». قال الهيثمي: رواه البزار.

۳۱ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۶، ص ۱۹۳، شماره ۴۵۰۲:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي خَيْثَمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ الْجَزَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
ابْنُ مَرْوَانَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ حَسَّانٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
قال:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصَرَ فَسَبْعٌ، وَإِلَّا فَثَمَانٍ، وَإِلَّا فَتِسْعٌ، يَنْعَمُ أُمَّتِي فِيهِ نِعْمَةً
لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا، يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ، وَالْمَالُ
كُدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ، فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي؛ فَيَقُولُ: خُذْهُ»^۱.

همان گونه که در روایت زیر آمده، فراوانی مال به اندازه‌ای است که پرداخت کنندۀ
زکات، کسی را نمی‌یابد که آن را بپذیرد.

الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۴۰، شماره ۶۶۴۶:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ مَوْلَى ثَقِيفٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ:
حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ سَهِيلِ بْنِ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ:
قال رسول الله ﷺ «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكْتَثِرَ الْمَالُ وَيَقْبِضَ، حَتَّى يُخْرِجَ الرَّجُلُ زَكَاةَ
مَالِهِ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُهَا مِنْهُ».

→ است.

۱ - نیز بنگرید به: نور الدین هيثمي، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۶۱۶، ش ۱۲۴۱۱، هيثمي، مجمع البحرين
فی زوائد المعجمين، ج ۴، ص ۱۶۸، ش ۴۴۶۰، جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۱؛
مُنْقَى هِنْدِي، كُنْزُ الْعَمَالِ، ج ۱۴، ص ۲۷۴، ش ۳۸۷۰۶.

روایاتی از آنس بن مالک

مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب و از سروران بهشت است

۳۲ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، حدیث شماره ۴۰۸۷:

حَدَّثَنَا هَدِيَّةُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، ثنا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زِيَادِ الْيَمَامِيِّ، عَنْ عِكْرِمَةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا، وَحَمْرَةُ، وَعَلِيٌّ، وَجَعْفَرٌ، وَالْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ، وَالْمَهْدِيُّ»^۱.

۳۳ - أخبار اصبهان ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۱۳۰:

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، ثنا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَنَبَسَةَ وَرَاقِ عَبْدِ اللَّهِ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمِ الْأَنْبَارِيِّ، ثنا عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ قُرَيْبٍ، سَمِعْتُ كِدَامَ بْنَ مِسْعَرَ ابْنَ كِدَامٍ، يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ:

قال رسول الله ﷺ: «نَحْنُ سَبْعَةٌ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: أَنَا، وَعَلِيٌّ أَخِي،

۱ - واژه «وُلِد» و نیز «وُلْد» در لغت، به معنای فرزند و بچه است که بر مفرد و جمع، اطلاق می‌شود و گاهی واژه «وُلْد» برای جمع به کار می‌رود. در مختار الصحاح، آمده است: «(الْوُلْدُ) يَكُونُ وَاحِدًا وَ جَمْعًا وَ كَذَا (الْوُلْدُ) بوزن القفل؛ وَ قد يَكُونُ (الْوُلْدُ) جَمْعَ وَ لِدٍ كَأَسَدٍ وَأُسْدٍ». راغب، در المفردات، می‌نویسد: «الْوُلْدُ: المَوْلُود، يُقالُ لِلواحدِ وَالجَمعِ وَالصَّغِيرِ وَالكَبِيرِ... وَقيلَ: الوُلْدُ، جَمْعُ وُلْدٍ، نَحْوُ أُسْدٍ وَأُسْدٍ، وَيجوزُ أَنْ يَكُونَ وَاحِدًا نَحْوَ بُخْلِ وَبُخْلٍ، وَعَرَبٍ وَعَرَبٍ» و نیز بنگرید به بسان العرب، ماده «ولد».

۲ - نیز بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۳۴؛ دینلمی، الفرزدوس بِمَثُورِ النِخَابِ، ج ۴، ص ۲۸۴، ش ۶۸۴۰؛ تهذیب الکیمال فی أسماء الرجال، ج ۱۳، ص ۲۶۹ ش ۴۶۵۳ - در شرح حال علی بن زیاد یمامی؛ تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، ج ۱، ص ۸۶، ش ۱۹۵؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ والمُسْتَد الجامع، ج ۲، ص ۴۴۶، ش ۱۴۹۶ و ۱۲۹۳.

وَعَمِّي حَمْزَةٌ، وَجَعْفَرٌ، وَالْحَسَنُ، وَالْحُسَيْنُ، وَالْمَهْدِيُّ»^۱.

روایاتی از ثوبان هاشمی

نشانه‌ای از ظهور و لزوم پیوستن و بیعت با مهدی علیه السلام

۳۴ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، حدیث شماره ۴۰۸۴:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ وَأَحْمَدُ بْنُ يُوسُفَ، قَالَا: ثنا عبد الرزاق، عن سفیان الثوری، عن خالد الحذاء، عن أبي قلابه، عن أبي أسماء الرحبي، عن ثوبان، قال: قال رسول الله ﷺ: «يقتل عند كنزكم ثلاثة كلهم ابن خليفة، ثم لا يصير إلى واحد منهم، ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق، فيقتلونكم قتلاً لم يقتله قوم» ثم ذكر شيئاً لا أحفظه. فقال: «فإذا رأيتموه فبايعوه ولو حبواً على الثلج؛ فإنه خليفة الله المهدي»^۲.

۳۵ - المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۳:

أخبرنا أبو عبد الله الصفار، ثنا محمد بن ابراهيم بن أرومة، ثنا الحسين بن حفص، ثنا سفیان، عن خالد الحذاء، عن أبي قلابه، عن أبي أسماء، عن ثوبان رضي الله عنه قال رسول الله ﷺ: «يقتل عند كنزكم ثلاثة كلهم ابن خليفة، ثم لا يصير إلى واحد منهم، ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق، فيقاتلونكم قتلاً لم يقاتله قوم» ثم ذكر شيئاً، فقال: إذا رأيتموه فبايعوه ولو حبواً على الثلج؛ فإنه خليفة الله المهدي».

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين.

۳۶ - دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۵:

أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، أخبرنا أبو عبد الله بن محمد بن مخلد بن أبان الجوهري

۱ - همان،

۲ - نیز ر.ک: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۶۳، ش ۳۸۶۵۸؛ التمسند الجامع، ج ۳، ص ۳۴۵، ش ۲۰۶۵.

ببغداد، حَدَّثَنَا عبد الله بن أحمد بن ابراهيم الدُّورِيُّ، حَدَّثَنَا يعقوب بن حُمَيد بن كاسب، حَدَّثَنَا عبد الرزاق، أَخْبَرَنَا الثَّوْرِيُّ، عن خالدِ الحَدَّاءِ، عن أبي قِلَابَةَ. عن أبي أسماء، عن ثوبان، قال:

قال رسول الله ﷺ: «يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ هَذِهِ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ وَوَلَدُ خَلِيفَةٍ لَا تَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ، ثُمَّ تُقْبَلُ الرَّاياتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ فَيَقْتُلُونَكُمْ مَقْتَلَةً لَمْ تَرَوْا مِثْلَهَا». ثم ذكر شيئاً: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَاتَّوَهُ وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى التَّلْجِ؛ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ».

وفي رواية ابن عبدان: «ثُمَّ تَجِيءُ الرَّاياتُ السُّودُ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلَهُ قَوْمٌ، ثُمَّ يَجِيءُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ، فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَاتَّوَهُ فَبَايِعُوهُ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ».

۳۷ - دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۶:

أخبرنا علي بن أحمد بن عبدان، أخبرنا أحمد بن عبيد الصغار، حَدَّثَنَا محمد بن غالب، حَدَّثَنَا كثير بن يحيى، حَدَّثَنَا شريك، عن علي بن زيد، عن أبي قِلَابَةَ، عن أبي أسماء، عن ثوبان قال:

قال رسول الله ﷺ: «إِذَا أَقْبَلُوا بِالرَّاياتِ السُّودِ مِنْ عَقِبِ خُرَاسَانَ فَأُتُوها وَلَوْ حَبَوًّا؛ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ».^۱

مهدي ﷺ، خليفة الله است

۳۸ - مُسْنَدُ أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۷:

حَدَّثَنَا عبد الله، حَدَّثَنَا أبي، ثَنَا وَكَيْع، عن شريك، عن علي بن زيد، عن أبي قِلَابَةَ، عن ثوبان، قال:

قال رسول الله ﷺ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ فَأُتُوها، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ».^۲

۱ - بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۲۷.

۲ - نیز بنگرید: الخاوری للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۳.

چند یادآوری :

- ۱ - اضافه خلیفه به «الله» اضافه تشریف است مانند «نَاقَةَ اللَّهِ» «بیت الله» و «أهل الله». بنابراین، مهدی خلیفه الله است.
 - ۲ - همان گونه که ابن کثیر گفته است، منظور از پرچمهای سیاه، پرچمهای سیاه به رهبری ابومسلم خراسانی به حمایت از عباسیان، علیه امویان نیست، بلکه مراد پرچمهای سیاه دیگری است.
- «وهذه الرايات ليست هي التي أقبل بها أبو مسلم الخراساني، فاستلَبَ بها دولة بني أمية في سنة ثنتين وثلاثين ومائة، بل رايات سود آخر، تأتي صُحْبَةَ الْمَهْدِيِّ»^۱.
- خاطر نشان می‌سازد که پرچم پیامبر اسلام ﷺ نیز، سیاه بود و به آن «عُقَاب» گفته می‌شد «لأنّ راية رسول الله كانت سوداء، يُقال لها العقاب»^۲.

روایاتی از جابر بن سمرة بن جناده سوائی و ابوجحيفة

مهدی عليه السلام، یکی از دوازده خلیفه پیامبر اسلام ﷺ است

ابن کثیر، در تفسیر آیه مبارکه: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»^۳ پس از توجه دادن به حدیثی که در صحیح بخاری و مسلم آمده است و نقل حدیث مذکور در صحیح مسلم: «لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَا ضِيَاءَ مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا» «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». نوشته است:

و معنی هذا الحدیث، البشارة بوجود اثني عشر خليفة صالحا يُقيم الحق و يعدل

۱ - کتاب النهایة أو القتن والملاحم، ج ۱، ص ۲۹.

۲ - همان .

۳ - سوره مائده، آیه ۱۲.

فیهم».

آن گاه می نویسد: والظاهر أن منهم المهدي المبشر به في الأحاديث الواردة بذكره. باری روایات فراوانی درباره دوازده خلیفه و امیر از پیامبر اکرم ﷺ رسیده که پاره ای از آن را یاد آور می شود:

۳۹ - صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۲۷، أواخر كتاب الاحكام، باب الاستخلاف: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ، سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ، يَقُولُ:

«يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا» فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

۴۰ - صحیح مسلم، بشرح النووی، كتاب الإمارة، ج ۱۲، ص ۲۰۲: حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي عُمَرَ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ، يَقُولُ:

«لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِيًا مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا».

ثُمَّ تَكَلَّمَ النَّبِيُّ ﷺ بِكَلِمَةٍ خَفِيَّتْ عَلَيَّ، فَسَأَلْتُ أَبِي مَاذَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؟ فَقَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

۴۱ - همان، حَدَّثَنَا هَدَّابٌ^۱ بْنُ خَالِدِ الْأَزْدِيِّ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً» ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا، فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ؟ فَقَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

۴۲ - صحیح مسلم بشرح النووی، كتاب الأماره، ج ۱۲، ص ۲۰۳: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَهْضِيُّ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ زُرَيْعٍ، حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ ح. وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُثْمَانَ

۱ - «هَدَّابَةٌ» به ضم هاء و سکون دال، یا «هَدَّاب» بنگرید به: تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱۵ و تهذیب

التَّوْفَلِيُّ - وَاللَّفْظُ لَهُ - حَدَّثَنَا أَزْهَرُ، حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ، عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: انْطَلَقْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَعِيَ أَبِي، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيعًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً» فَقَالَ كَلِمَةً صَمَّنِيهَا النَّاسُ، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». در صحیح مسلم، این دسته از احادیث تا هفت طریق نقل شده است.

۴۳ - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۱، «کتاب المهدی»؛ و بذل المجتهد فی حل ابی داود، ج ۱۷، ص ۱۸۶:

حدَّثنا عمرو بن عثمان، نا مروان بن معاوية، عن إسماعيل يعني ابن أبي خالد، عن أبيه، عن جابر بن سمرة، قال: سمعتُ رسول الله ﷺ يقول:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ تَجْتَمِعُ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ». فَسَمِعْتُ كَلِمًا مِنَ النَّبِيِّ ﷺ لَمْ أَفْهَمُهُ، قُلْتُ لِأَبِي: مَا يَقُولُ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

۴۴ - همان، ص ۱۸۷: حدَّثنا موسى بن إسماعيل، نا وهب^۱، نا داود^۲، عن عامر^۳ عن جابر بن سمرة، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً».

قال: فكبر الناس وضجوا، ثم قال: كَلِمَةٌ خَفِيفَةٌ. قُلْتُ لِأَبِي: يَا أَبَتَ مَا قَالَ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

در کتاب «بذل المجتهد» ج ۱۷، ص ۱۸۸، پس از بیان دیدگاههای مختلف پیروان مذاهب اسلامی در صفحه ۱۹۰ آمده است:

وآخرهم الإمام المهدي ﷺ و عندي هذا هو الحق. (به نظر من، قول حق همین است که امام مهدی - ﷺ - دوازدهمین خلیفه پیامبر اسلام ﷺ است.)

۴۵ - سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۰، شماره ۲۳۲۳، (باب ما جاء في الخلفاء):
 عارضة الأخوذی بشرح صحیح الترمذی، ج ۹، ص ۶۶، ابواب الفتن، باب ما جاء في
 الخلفاء:

حدَّثنا أبو كريب محمد بن العلاء، حدَّثنا عمر بن عبید الطنافسی، عن سمالک بن حرب،
 عن جابر بن سمرة، قال:

قال رسول الله ﷺ: «يكون من بعدي اثنا عشر أميراً».

قال: ثم تكلم بشيء لم أفهمه، فسألت الذي يليني، فقال: قال: «كلهم من قريش».

قال أبو عيسى: هذا حديث حسن صحيح^۱.

حدَّثنا أبو كريب، حدَّثنا عمر بن عبید، عن أبيه، عن أبي بكر بن أبي موسى، عن جابر

ابن سمرة، عن النبي ﷺ، مثل هذا الحديث، قد روي من غير وجه عن جابر بن سمرة.

۴۶ - مسند أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۸۷، حديث شماره ۲۰۸۴۰:

«تثنا حماد بن أسامة، ثنا مجالد، عن عامر، عن جابر بن سمرة السوائي، قال: سمعتُ

رسول الله ﷺ يقول في حجة الوداع:

«إن هذا الدين لا يزال ظاهراً على من ناواه، لا يضروه مخالف ولا مفارق حتى يمضي

من أمتي اثنا عشر خليفة».

قال: ثم تكلم بشيء لم أفهمه، فقلت لأبي: ما قال؟ قال: كلهم من قريش.

خاطر نشان می‌سازد که مضمون حدیث یادشده در مسند احمد، جلد ۵، در

صفحات زیر نیز از چند طریق، روایت شده است:

۱ - نیز بنگرید به: المنار المنيف، ص ۱۴۳.

در کتاب علوم الحدیث، ابن الصلاح، ص ۳۵ (تنبيه هشتم از نوع دوم)؛ مقدمة ابن الصلاح ومحاسن

الإصطلاح، ص ۱۱۳، و تدریب الراوی، ج ۱، ص ۱۶۱، آمده است: «أما قول الترمذی و غيره: هذا

حديث حسن صحيح، فمعناه روي بإسنادين: أحدهما يقتضي الصحة، والآخر الحسن، فصح أن يقال

فيه: إنه حديث حسن صحيح، أي أنه حسن بالنسبة إلى إسناد، و صحيح بالنسبة إلى إسناد آخر».

۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰ (سه حدیث)، ۹۲، ۹۳، (سه حدیث)، ۹۴، ۹۵، ۹۶ (دو روایت)،
 ۹۷، ۹۸ (شش حدیث)، ۱۰۰، ۱۰۱ (دو حدیث)، ۱۰۶ (دو حدیث)، ۱۰۷ (دو حدیث)،
 ۱۰۸.

الإحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۳۰، روایت شماره ۶۶۲۷:
 أخبرنا عمران بن موسى بن مجاشع، قال: حَدَّثَنَا هُدْبَةُ بن خَالِدٍ، قال: حَدَّثَنَا حَمَادُ بنُ
 سَلَمَةَ، عن سِنَاك بن حَرْبٍ، قال: سمعتُ جَابِرَ بنَ سَمْرَةَ يقول: سمعتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يقول:
 «لا يزالُ الإسلامُ عزيزاً إلى اثني عشرَ خليفةً»، قال: فقال كلمةٌ لم أفهمها، فقلتُ لأبي
 ما قال؟ قال: «كُلُّهُم مِّن قُرَيْشٍ».

و نیز شماره ۶۶۲۸.

۴۷ - مُسْنَدُ أَبِي عَوَّانَةَ، ج ۴، ص ۳۹۴، زیر عنوان: بیان عدد الخلفاء بعد رسول الله ﷺ
 که مایه عزت دین می باشند و همه آنان قریشی هستند؛ بیش از ۲۰ روایت را درباره
 «اثنی عشر خلیفه» یاد آور شده که از باب نمونه، تنها روایت نخست و روایت آخر آن را
 می آوریم:

حَدَّثَنَا يَوْسُفُ بنِ مَسْلَمٍ، قال: ثنا داود بن منصور القاضي، قال: ثنا وَهَيْبٌ، عن ابن
 عون، عن الشَّعْبِيِّ، عن جَابِرِ بنِ سَمْرَةَ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا - قال:
 قال النبي ﷺ: «لا يزالُ هذا الأمرُ عزيزاً مُنِيفاً لا يضرُّهُ مَنْ نَواهُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ إلى
 اثني عشرَ خليفةً، كُلُّهُم مِّن قُرَيْشٍ».

۴۸ - همان: ص ۴۰۱:

أخبرنا محمد بن عبد الله بن عبد الحَكَمِ المِصرِي، قال: ثنا ابن أبي فُدَيْكٍ^۱، عن مُهاجِرٍ

۱ - گفتنی است، در مُسْنَدِ اَحْمَد بن حَنْبَلٍ، ج ۵، صص ۸۶ و ۸۸ و نیز در المُعْجَمِ الكَبِيرِ، ج ۲، ص ۱۹۹،
 ش ۱۸۰۸، از «ابن اَبِي ذُنْبٍ» روایت شده است.

ابن مِشمار، عن عامر بن سعد أنه أرسل إلى ابن سمرة العدوي^۱، حَدَّثَنَا مَا سَمِعْتُ^۲ مِنْ رَسُولٍ «لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى يَكُونَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً مِنْ قُرَيْشٍ...».

۴۹ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۷، ص ۱۱۸، حَدِيثُ شِمَارَةَ ۶۲۰۷:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّائِغُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ، عَنْ عَوْنِ بْنِ أَبِي جُحَيْفَةَ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ عَمِّي عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ، وَهُوَ يَخْطُبُ فَقَالَ: «لَا يَزَالُ أَمْرُ أُمَّتِي صَالِحًا حَتَّى يَمُضِيَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً».

وَحَفِضَ بِهَا صَوْتَهُ، فَقُلْتُ لِعَمِّي وَكَانَ أَمَامِي: مَا قَالَ يَا عَمُّ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

یادآور می شود، مضمون حدیث یادشده، در همان کتاب، جلد ۱، ص ۴۷۴، حدیث

شماره ۸۶۳ و نیز در شماره ۳۹۵۰ از راویان دیگر، نقل شده است.

۵۰ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ: ج ۲، ص ۲۲۳، حَدِيثُ شِمَارَةَ ۱۹۲۳:

حَدَّثَنَا يَشْرُ بْنُ مُوسَى، ثنا خَلْفُ بْنُ الْوَلِيدِ، ثنا إِسْرَائِيلُ، عَنْ سِمَاكٍ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا». ثُمَّ تَكَلَّمَ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ، فَسَأَلْتُ الْقَوْمَ، فَقَالُوا: «كُلُّهُمْ

مِنْ قُرَيْشٍ».

گفتنی است که مضمون حدیث یادشده در شماره های زیر نیز از چند طریق در کتاب

یادشده، روایت شده است:

۱۷۹۱ تا ۱۸۰۱، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۴۱، ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۲، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۸۳،

۱۸۹۶، ۱۹۳۶، ۲۰۰۷، ۲۰۴۴، ۲۰۵۹ تا ۲۰۶۳، ۲۰۶۷ تا ۲۰۷۱ و ۲۰۷۳.

۵۱ - حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ، ج ۴، ص ۳۳۳: که با سه طریق نقل می شود:

۱ - در پاورقی آن، آمده است: «قال النووي: كذا هو في جميع النسخ العدوي، قال القاضي: هذا تصحيف،

فليس هو بعدوي، إنما هو عامري من بني عامر بن صعصعة، فتصحف بالعدوي، والله اعلم.

۲ - هر چند در چاپ مورد استفاده «سمعت» آمده است ولی به نظر می رسد که «سمِعَ» درست باشد.

حدَّثنا أبو إسحاق بن حمزة، وسليمان بن أحمد، ومحمد بن علي بن حبيش، قالوا: ثنا القاسم بن زكريا المقرئ، قال: ثنا محمد بن عبد الحليم النيشابوري، قال: ثنا مبشر بن عبد الله، عن سفيان بن حسين، عن سعيد بن عمرو بن أشوع، عن الشعبي، عن جابر بن سمرة، قال: جئت مع أبي إلى المسجد والنبى ﷺ يخطب. قال: فسَمِعْتُهُ يقول: «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً».

ثم خفض صوته فلم أدر ما يقول، فقلت لأبي: ما يقول؟ قال: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

رواه عمر بن عبد الله بن رزين، عن سفيان مثله.

٥٢ - تاريخ بغداد، ج ٢، ص ١٢٦:

أخبرنا أبو عمر بن مهدي قال: أنبأنا محمد بن مخلد العطار، قال: أنبأنا محمد بن جعفر لفلوق قال: أنبأنا عبدة الله بن تمام، قال: أنبأنا داود^١، عن عامر، عن جابر بن سمرة، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً».

قال: فكبر الناس وضحجوا وقال كلمة خفيفة، فقلت لأبي: يا أبا ما قال؟ فقال: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

٥٣ - تاريخ بغداد، ج ١٤، ص ٣٥٣:

أخبرنا أبو الحسن أحمد بن محمد بن أحمد بن موسى بن هارون بن الصلت الأهوازي، حدَّثنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد بن عقدة الحافظ - املاء - حدَّثنا يونس بن سابق البغدادي، حدَّثنا حفص بن عمر بن ميمون، حدَّثنا مالك بن مغول، حدَّثنا صالح بن مسلم، عن الشعبي، عن جابر بن سمرة، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا».

ثم تكلم بشيء خفي عليّ، فقال: «كلّهم من قرّيش».

روایاتی از جابر بن عبدالله انصاری

نماز خواندن حضرت عیسیٰ علیه السلام به امامت حضرت مهدی علیه السلام

۵۴- صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۲، ص ۱۹۳:

حدّثنا الولید بن شجاع، وهارون بن عبدالله، وحجاج بن الشاعر، قالوا: حدّثنا حجاج (وهو ابن محمد)، عن ابن جریج، قال: أخبرني أبو الزبير، أنه سمع جابر بن عبدالله، يقول: سمعتُ النبيَّ صلى الله عليه وآله يقول:

«لا تزال طائفة من أمتي يُقاتلون على الحقّ ظاهرين إلى يوم القيامة. قال: فسئل عيسى بن مريم فيقول أميرهم: تعال صل لنا. فيقول: لا، إن بعضكم على بعض أمراء. تكريم الله هذه الأمة».

۵۵- مسند احمد، ج ۳، ص ۳۲۵: حدّثنا موسى^۱، حدّثنا ابن لهيعة، عن أبي الزبير،

عن جابر، أنه سمع النبيَّ صلى الله عليه وآله يقول:

«لا تزال طائفة من أمتي يُقاتلون على الحقّ ظاهرين إلى يوم القيامة. قال: فسئل عيسى بن مريم عليه السلام، فيقول أميرهم: تعال صل بنا. فيقول: لا، إن بعضكم على بعض أمراء. ليكرم الله هذه الأمة».

۵۶- همان، ج ۳، ص ۳۸۴:

حدّثني حجاج، قال ابن جریج: أخبرني أبو الزبير، أنه سمع جابر بن عبدالله، يقول:

سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وآله يقول:

«لا تزال طائفة من أمتي يُقاتلون على الحقّ ظاهرين إلى يوم القيامة» قال: «فسئل

۱- ظاهراً «موسی بن داود ضبی» است.

عيسى بن مريم عليه السلام فيقول اميرهم: تعال صل بنا. فيقول: لا، ان بعضكم على بعض امراء. تكرمته الله عز وجل هذه الامة».

٥٧- المنار المنيف في الصحيح والضعيف، ص ١٤٧، حديث شماره ٣٣٨:

قال الحارث بن ابي اسامة في «مسنده»: حدثنا اسماعيل بن عبدالكريم، حدثنا ابراهيم بن عقيل، عن ابيه، عن وهب بن منبه، عن جابر، قال:

قال رسول الله ﷺ: «ينزل عيسى بن مريم عليه السلام، فيقول اميرهم المهدي: تعال صل بنا، فيقول: لا، ان بعضهم امير بعض، تكرمته لهذه الامة». وهذا اسناد جيد.

٥٨- مسند ابي يعلى، ج ٤، ص ٥٩، حديث شماره ٢٠٧٨:

حدثنا حفص الحلواني، حدثنا بهلول بن مورق الشامي، عن موسى بن عبيدة، عن اخيه،^١ عن جابر، قال:

قال رسول الله ﷺ: «لا تزال امتي ظاهرين على الحق، حتى ينزل عيسى بن مريم عليه السلام فيقول امامهم: تقدم. فيقول: انتم احق، بعضكم امراء بعض، امر اكرم الله به هذه الامة».

٥٩- مسند ابي عوانه، ج ١، ص ١٠٦: حدثنا يوسف بن مسلم، وعباس الدوري^٢، و

محمد بن اسماعيل الصائغ، قالوا: ثنا حجاج بن محمد، عن ابن جريج، قال اخبرني ابو الزبير انه سمع جابر بن عبد الله، يقول: سمعت رسول الله ﷺ يقول:

«لا تزال طائفة من امتي يقاتلون على الحق ظاهرين الى يوم القيامة. قال: فينزل عيسى بن مريم عليه السلام فيقول اميرهم: تعال صل بنا. فيقول: لا، ان بعضكم على بعض امراء؛ تكرمته الله هذه الامة».

٦٠- الاحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ج ٨، ص ٢٨٩، شماره ٦٧٨٠: اخبرنا

١- يعني عبدالله بن عبيدة.

٢- ظاهراً عباس بن محمد بن حاتم الدوري است.

محمد بن المنذر بن سعید قال: حَدَّثَنَا يَوْسُفُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ مُسْلِمٍ، حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ^۱ عَنْ ابْنِ جُرَيْجٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلِّ لَنَا. فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ؛ لِتَكْرِمَةِ اللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ».

۶۱- السُّنَنِ الْكُبْرَى بَسْمَتَيْنِ، ج ۹، ص ۳۹: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، وَابُوبَكْرُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَاضِي، وَابُوسَعِيدُ بْنُ أَبِي عَمْرٍو، قَالُوا: ثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثَنَا مُحَمَّدُ ابْنُ إِسْحَاقَ الصَّغَانِيُّ، ثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي جُرَيْجٍ، أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

خاطر نشان می سازد آنچه با توجه به مجموع احادیث یادشده استنباط می شود این است که این احادیث، جز درباره مهدی ﷺ، مصداق ندارد.

بخشش بی شمار مهدی ﷺ

۶۲- صحیح مسلم، بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۳۸: حَدَّثَنَا: زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ وَ عَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ (وَاللَّفْظُ لَزُهَيْرٍ) قَالَا: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبرَاهِيمَ، عَنِ الْجُرَيْرِيِّ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ... قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْتَمِلُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدَاءً».

قال: قلتُ لأبي نَضْرَةَ وَأبي العلاء: أتريَانِ أَنَّهُ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ؟

فقالا: لا.

۶۳- صحیح مسلم،، بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۳۹: وَحَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا

عَبْدُ الصَّمَدِ بْنِ عَبْدِ الْوَارِثِ، حَدَّثَنَا دَاوُدُ عَنْ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،
قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ».

٦٤- الفتن و الملاحم، نعيم بن حماد، ص ٢٠٣.

حَدَّثَنَا عَبْدِ الْوَهَّابِ الثَّقَفِيُّ، عَنِ الْجُرَيْرِيِّ، عَنِ أَبِي نَضْرَةَ، عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْتَوِي الْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدًّا».

٦٥- مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ٣، ص ٣١٧:

ثَنَا إِسْمَاعِيلُ - هُوَ ابْنُ عَلِيٍّ - عَنِ الْجُرَيْرِيِّ، عَنِ أَبِي نَضْرَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،
قَالَ...: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْتَوِي الْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدًّا».

قَالَ الْجُرَيْرِيُّ: فَقُلْتُ لِأَبِي نَضْرَةَ وَأَبِي الْعَلَاءِ: أَتَرَيَانِهِ عُمَرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ ﷺ؟ فَقَالَا: لَا.
٦٦- هَمَانُ، ج ٣، ص ٣٣٣:

ثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ، ثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا دَاوُدُ، عَنِ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ».

٦٧- كَشَفُ الْأَسْتَارِ، ج ٤، ص ١١٤، حَدِيثُ شِمَارِهِ ٣٣٢٧: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ، ثَنَا

عَبْدُ الْوَهَّابِ، ثَنَا الْجُرَيْرِيُّ، عَنِ أَبِي نَضْرَةَ، عَنِ جَابِرِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي
أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْتَوِي الْمَالَ فِي النَّاسِ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدًّا»، ثُمَّ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ،
لَتَعُودَنَّ». رَوَاهُ الْبَزَّازُ.

٦٨- مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى، ج ٢، ص ٤٢١، حَدِيثُ شِمَارِهِ ١٢١٦: أَخْبَرَنَا أَبُو يَعْلَى أَحْمَدُ بْنُ

عَلِيٍّ بْنِ الْمُثَنَّى الْمُؤَصِّلِيُّ، حَدَّثَنَا أَبُو خَيْثَمَةَ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا دَاوُدُ عَنْ
أَبِي نَضْرَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ».

۶۹- الإحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۴۰، شماره ۶۶۴۷:
أخبرنا أبو يعلى. قال: حدثنا أبو خيثمة، قال: حدثنا إسماعيل بن إبراهيم، قال: حدثنا
الجريري، عن أبي نضرة، قال: كنا عند جابر بن عبدالله، قال:
قال رسول الله ﷺ: «يكون في آخر أمتي خليفة يجيء^۱ المال حثياً لا يعده عداً».

۷۰- المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۴:

أخبرنا الحسن بن يعقوب بن يوسف العدل، ثنا يحيى بن أبي طالب، ثنا عبدالوهاب^۲
ابن عطاء، أنبا سعيد بن إياس الجريري، عن أبي نضرة، عن جابر بن عبدالله رضي الله
عنهما، قال: ...

قال رسول الله ﷺ: «يكون في أمتي خليفة يحثي المال حثياً ولا يعده عداً...»
هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يُخرجاه بهذه السياقة، إنما أخرج مسلم
حديث داود بن أبي هند، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد، عن النبي ﷺ: «يكون في آخر
الزمان خليفة يُعطي المال ولا يعده عداً». وهذا له علة.

۷۱- همان: حدّثناه علی بن عیسی، ثنا الحسین بن محمد بن زیاد، ثنا ابوموسی و
محمد بن بشّار، قالوا: عبدالوهاب بن عبدالمجید، ثنا داود بن أبي هند، عن أبي نضرة، عن
جابر أو أبي سعيد أن نبي الله ﷺ قال:
«يكون في آخر هذه الأمة خليفة يقسم المال لا يعده عداً».

انکار ظهور مهدی علیه السلام، موجب کفر است

۷۲- إسان المیزان، ج ۵، ص ۱۳۰، شماره ۴۳۷، در ضمن شرح حال محمد بن حسن
ابن علی بن راشد انصاری:

۱- هر چند در چاپ مورد استفاده «يجيء» است، ولی ظاهراً باید «يحثي» باشد.

۲- هر چند در چاپ مورد استفاده «عبدالوهاب، عن عطاء» آمده است ولی طبق بررسی انجام گرفته
ظاهراً باید «عبدالوهاب بن عطاء» درست باشد که نگاشته شد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبِي أُوَيْسٍ، عَنِ مَالِكٍ، عَنِ ابْنِ الْمُثَنِّدِ، عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ (قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَمَنْ أَنْكَرَ نَزُولَ عِيسَى فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّ جِبْرَائِيلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ فَلَيْسَ خِذْ رَبًّا غَيْرِي».

روایاتی از حدیفة بن یمان

مهدی ﷺ از نسل پیامبر ﷺ و چهره‌اش همچون ستاره درخشان است
 ۷۳ - میزان الاعتدال^۲، ج ۳، ص ۴۴۹، شماره ۷۱۱۴: در شرح حال محمد بن ابراهیم بن کثیر الصوری، ابوالحسن... آمده:
 «قال أبو نعیم: حدَّثنا سليمان بن أحمد، حدَّثنا محمد بن ابراهيم كثیر، حدَّثنا رواد، حدَّثنا سفيان، عن منصور، عن ربيع، عن حدیفة:
 قال رسول الله ﷺ «المهديُّ رجلٌ من وُلدي، وجهه كالكوكبِ الدرِّيِّ»^۳.

۱ - در الرَّؤُوسِ الْأَنْفِ فِي تَفْسِيرِ السَّيْرِ النَّبَوِيَّةِ لِابْنِ هِشَامٍ (م ۲۱۳ ق)، للفقیه المحدث ابی القاسم عبدالرحمن الشَّهَلِيُّ (۵۰۸ - ۵۸۱ هـ ق) تحقیق طه عبدالرؤف سعد، دارالفکر - بیروت، ج ۱، ص ۲۸۰. (کتاب المبعث - الموازنة بين خديجة و عائشة و فاطمة).

در باره فضیلت حضرت فاطمه نوشته است: «و من سُودِدِهَا ايضاً أَنَّ الْمَهْدِيَّ الْمُبَشَّرَ بِهِ آخِرَ الزَّمَانِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا، فَهِيَ مَخْصُوصَةٌ بِهَذَا كَلْمِهِ، وَالْأَحَادِيثُ الْوَارِدَةُ فِي أَمْرِ الْمَهْدِيِّ كَثِيرَةٌ، وَقَدْ جَمَعَهَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي خَيْثَمَةَ فَأَكْثَرَ، وَمِنْ أَغْرِبِهَا اسْنَاداً مَا ذَكَرَهُ أَبُو بَكْرٍ الْإِسْكَافِيُّ فِي فَوَائِدِ الْأَخْبَارِ مَسْنُوداً إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنِّدِ، عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ كَذَّبَ بِالذُّجَالِ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ».

۲ - نیز بتگرید به: لسان المیزان، ج ۵، صص ۲۳ و ۲۴، ش ۲۸۹.

۳ - نیز بتگرید به: الفِرْدَوْسُ، ج ۴، ص ۲۲۱، ش ۶۶۶۷؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۷۲، ش ۹۲۲۵.

۷۴ - همان، قال الطَّبْرَانِيُّ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْهَلَالِيُّ، حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ زُرَّ بْنِ حُبَيْشٍ، عَنْ حُدَيْفَةَ قَالَ: خَطَبَنَا النَّبِيُّ ﷺ فَذَكَرَ مَا هُوَ كَائِنٌ، ثُمَّ قَالَ:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْتَغِثَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي،^۱ فَقَالَ سَلْمَانُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مِنْ أَيِّ وُلْدِكَ؟ قَالَ: مِنْ وُلْدِي هَذَا. وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ».^۲

در ذخائر العقبی، طبری، ص ۱۳۶ بعد از این حدیث آمده: فَيُحْمَلُ مَا وَرَدَ مُطْلَقًا...
علی هذا المقید.

روایتی از حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مهدی علیه السلام از تبار فاطمة زهراء علیها السلام است

۷۵ - تاریخ مدینه دمشق، حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله بن عبدالله شافعی، معروف به ابن عساکر (۴۹۹ - ۵۷۱ ه. ق.)، تحقیق علی شیری، دارالفکر، بیروت لبنان، سال ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۱۹، ص ۴۷۴ و ۴۷۵ (ضمن نام زید بن علی بن الحسین علیه السلام):

حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْبُسْتِيُّ^۳، أَنبَأَ أَبُو بَكْرٍ بْنُ خَلْفٍ، أَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَاكِمُ، أَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَغْدَادِيُّ، نَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَابِرِ

→ حدیث صحیح؛ فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۷۸، ش ۹۲۴۵؛ جمع الجوامع، ج ۷، ص ۳۳۱، ش ۲۳۵۷۳؛

کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۵، ش ۳۸۶۶۶؛ التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۳.

۱ - المنار المنیف، ص ۱۴۸، ش ۳۳۹.

۲ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۸۷، ش ۴۱۶۰؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۳۸، ش ۱۰۵۲.

۳ - بُسْت، شهری است میان سیجستان (= سیستان) و غزنین و هرات.

المصيصي، نا موسى بن محمد البلقاوي، نا الوليد بن محمد الموقري، قال:
 كُنَّا عَلَى بَابِ الزُّهْرِيِّ إِذْ سَمِعَ جَلْبَةً، فَقَالَ: مَا هَذَا يَا وَلِيدُ؟
 فَنظَرْتُ فَإِذَا رَأْسُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ يُطَافُ بِهِ بِيَدِ اللَّعَّابِينَ، فَأَخْبَرْتُهُ، فَبَكَى الزُّهْرِيُّ ثُمَّ قَالَ:
 أَهْلَكَ أَهْلَ هَذَا الْبَيْتِ الْعَجَلَةُ؛ قُلْتُ: وَيَمْلِكُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ
 أَبِيهِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِفَاطِمَةَ:
 «أُبَشِّرِي الْمَهْدِيَّ مِنْكَ»^١.

روایتی از ابو ایوب انصاری خزرجی = خالد بن زید بن کلینب

مهدی ﷺ از خاندان پیامبر ﷺ است

٧٦ - الْمُعْجَمُ الصَّغِيرُ، طَبْرَانِي، تَحْقِيقُ سَلِيمِ اِبْرَاهِيمَ سَمَارَه، دَارُ اِحْيَاءِ التُّرَاثِ الْعَرَبِيِّ،
 ص ٥٢، شماره ٩٤، و تَحْقِيقُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدِ عَثْمَانَ، عَرَبِيسْتَانِ سَعُودِي، مَدِينَه
 مَنْوَرَه، الْمَكْتَبَةُ السَّلْفِيَّة... ج ١، ص ٣٧، سال ١٣٨٨ هـ.ق:
 حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْمُرِّي الْقَنْطَرِيُّ، حَدَّثَنَا حَرْبُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّحَّانُ،
 حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَشْقَرُ، حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ عُبَايَةَ - يَعْنِي
 ابْنَ رَبِيعٍ - عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِفَاطِمَةَ: «نَبِيُّنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ أَبُوكَ، وَشَهِيدُنَا خَيْرُ الشُّهَدَاءِ وَهُوَ
 عَمُّ أَبِيكَ حَمْرَةَ، وَمِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَ وَهُوَ ابْنُ عَمِّ أَبِيكَ
 جَعْفَرٌ، وَمِنَّا سِبْطًا هَذِهِ الْأُمَّةِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَهُمَا ابْنَاكَ، وَمِنَّا الْمَهْدِيُّ»^٢.

١ - الْحَاوِي لِلْفَتَاوَى، ج ٢، ص ١٣٧؛ جَمْعُ الْجَوَامِعِ، ج ١، ص ٣٥، ش ٩٦ - (ز)؛ كَثْرَةُ الْعُقَالِ، ج ١٤، ص ٥٨٤، ش ٣٩٦٥٣.

٢ - مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ، كِتَابُ الْمَنَاقِبِ - بَابُ فَضْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - ج ٩، ص ١٦٦.

روایاتی از ابوسعید خدری = سعد بن مالک

مهدی علیه السلام، همنام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است

۷۷ - الفتن والملاحم، نعیم بن حمّاد، باب اسم المهدي، ص ۲۰۶:

حدّثنا الوليد، عن أبي رافع، عمّن حدّثه، عن أبي سعيد الخدری رضی الله عنه، عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «اسمُ المهديّ اسمي».

مهدي علیه السلام، از تبار پیامبر صلی الله علیه و آله است

۷۸ - همان، نعیم بن حمّاد، باب نسبة المهدي، ص ۲۰۷:

حدّثنا المعتّمير عن رجل، عن أبي الصّدّيق، عن أبي سعيد الخدری رضی الله عنه، عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «هُوَ رَجُلٌ مِنْ عِشْرَتِي - أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ بَيْتِي».

همان، ص ۲۰۸: حدّثنا الوليد، عن سعيد، عن قتادة، عن أبي الصّدّيق، عن أبي سعيد الخدری رضی الله عنه - عن النبي صلی الله علیه و آله: «هُوَ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي».

۷۹ - الفتن والملاحم، ص ۲۰۹:

حدّثنا ابن وهب، عن الحارث بن نبهان، عن عمرو بن دينار، عن أبي نصرّة، عن أبي سعيد رضی الله عنه - عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «هُوَ رَجُلٌ مِنْي».

۸۰ - همان: حدّثنا أبو معاوية، عن الأعمش، عن عطية العوفی، عن أبي سعيد الخدری رضی الله عنه عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «هُوَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي».

سیمای مهدي علیه السلام و مدت حکومت عدل جهانی آن حضرت

۸۱ - سنن أبي داود، ج ۲، ص ۴۲۲، کتاب المهدي:

حدّثنا سهل بن تمام بن بزيع، ثنا عمران القطان، عن قتادة، عن أبي نصرّة، عن أبي سعيد الخدری رضی الله عنه، قال:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «المهديّ مني: أجلى الجبهة، أقى الأنف، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً»

كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَيَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ».^۱

خاطر نشان می‌سازد حدیث یادشده، مجموعی از چند حدیث است که در کتاب *الفتن والملاحم*، نعیم بن حماد باب «صفة المهدي ونفته» ص ۲۰۴ آمده است:

۸۲- همان منبع: حدثنا الوليد، عن سعيد، عن قتادة، عن أبي نضرة، أو أبي الصديق، عن أبي سعيد الخدري، عن رسول الله ﷺ: «المهدي أجلى الجبين، أفتى الأتف».

۸۳- سنن أبي داود، ج ۲، ص ۲۰۵:

حدثنا ابن وهب، عن الحارث بن نبهان، عن عمرو بن دينار، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد الخدري، عن النبي ﷺ قال: «المهدي أفتى الأتف، أجلى الجبين».

۸۴- همان: ج ۲، ص ۲۰۴:

حدثنا المعتبر بن سليمان، عن القاسم بن الفضل، عن أبي الصديق، عن أبي سعيد - ﷺ -، عن النبي ﷺ: «المهدي أفتى وأجلى».

۸۵- همان: قال الوليد، عن أبي رافع، اسماعيل بن رافع، عن أبي سعيد الخدري، عن النبي ﷺ قال: «المهدي أفتى، أجلى».

۸۶- همان: ص ۱۹۸: حدثنا ابن وهب، عن الحارث بن نبهان، عن عمرو بن زياد، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد، عن النبي ﷺ قال:

۱- نیز بنگرید به: *الخواوي ليلقناوي*، ج ۲، ص ۱۲۴؛ *الجامع الصغير*، ج ۲، ص ۶۷۲ (حرف میم) ش

۹۲۴۴؛ *فيض القدير*، ج ۶، ص ۲۷۸، ش ۹۲۴۳، درباره قسط و عدل، و ظلم و جور می‌نویسد:

«الجمع للإطناط والعطف تفسيري؛ *بدل المجتهد*، ج ۱۷، ص ۱۹۳؛ *المستند الجامع*، ج ۶، ص ۵۱۸،

ش ۴۷۱۱؛ *میرقاة المفاتیح*، ج ۹، ص ۳۵۱، ش ۵۴۵۴.

۲- ابورافع، کنیه اسماعیل بن رافع است.

۳- با توجه به سلسله سند احادیث شماره ۸۳، ۸۷، ظاهراً «عمرو بن دینار»، صحیح است.

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ».

۸۷- همان: باب «قدر ما يملك المهدي»، ص ۲۱۱:

حدَّثنا ابن وهب، عن الحارث بن تهبان، عن عمرو بن دينار، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد عن النبي ﷺ قال:
«يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ».

۸۸- مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى مَوْصِلِي، ج ۲، ص ۳۶۷، شماره ۱۱۲۸:

حدَّثنا قطن بن نسير، حدَّثنا عدي بن أبي عمارة، حدَّثنا مطر الوراق، عن أبي الصديق، عن أبي سعيد، عن رسول الله ﷺ قال:
«لَيَقُومَنَّ عَلَيَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَقْنَى، أَجْلَى، يُوسِعُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا وَسِعَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ».

۸۹- الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۱۰، ص ۲۰۹، حديث شماره ۹۴۵۶:

حدَّثنا يعقوب بن اسحاق، قال: حدَّثنا عفان، قال: حدَّثنا عمران، قال: حدَّثنا قتادة، قال: حدَّثني أبو نضرة، عن أبي سعيد الخدري، عن النبي ﷺ قال:
«يَمْلِكُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجْلَى الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَعِيشُ هَكَذَا، وَيَسْطُ كَفَّهُ الْيُمْنَى، وَيَسْطُ إِلَى جَنْبِهَا إِصْبَعَيْنِ^۱ وَيَسْطُ كَفَّهُ الْيُسْرَى».

۹۰- الْمُسْتَدْرَكُ، ج ۴، ص ۵۵۷:

حدَّثنا أبو العباس محمد بن يعقوب، ثنا محمد بن إسحاق الصغاني، ثنا عمرو بن عاصم الكلابي، ثنا عمران القطان، ثنا قتادة، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ:

۱- واژه «اضبع» در مذکر و مؤنث، به کار می‌رود و هر چند دارای لغات گوناگونی از مثلث الهمزة، و مثلث

الباء و نیز «أضبوع» بر وزن «عُضْفُور» است ولی مشهور آن به کسر همزه و فتح باء می‌باشد.

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، أَسْمُ الْأَنْفِ، أَقْنَى، أَجْلَى، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَعِيشُ هَكَذَا - وَبَسْطَ يَسَارَهُ وَأَصْبَعَيْنِ مِنْ يَمِينِهِ الْمُسَبَّحَةَ وَالْإِيهَامَ وَعَقَدَ ثَلَاثَةً».

هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يُخرجاه.

وفور ثروت، با ظهور آن حضرت

٩١ - سنن الترمذی، ج ٣، ص ٣٤٣، حدیث شماره ٢٣٣٣ (باب ما جاء في المهدي) و عارضة الأحوذی بشرح صحيح الترمذی، ج ٩، ص ٧٥:

حدَّثنا محمد بن بشار، حدَّثنا محمد بن جعفر، حدَّثنا شعبة، قال: سمعت زيدا العمي، قال: سمعت أبا الصديق الناجي يحدث عن أبي سعيد الخدري، قال: خشينا أن يكون بعد نبينا حدث، فسألنا نبي الله ﷺ فقال:

«إن في أمتي المهدي، يخرج، يعيش خمسا أو سبعا أو تسعا».

- زيد الشاك - قال: قلنا: وما ذاك؟

قال: سنين.

قال: «فيجيء إليه رجل، فيقول: يا مهدي أعطني أعطني».

قال: فيخفي له في ثوبه ما استطاع أن يخمله».

قال ابو عيسى ترمذی: «هذا حديث حسن» وقد روى من غير وجه عن أبي سعيد، عن النبي ﷺ و أبو الصديق الناجي، اسمه بكر بن عمرو، ويقال: بكر بن قيس.

٩٢ - مسند احمد بن حنبل، ج ٣، ص ٢١ و ٢٢:

ثنا محمد بن جعفر، ثنا شعبة، قال سمعت زيدا أبا الحواري، قال: سمعت أبا الصديق، يحدث عن أبي سعيد الخدري، قال: خشينا أن يكون بعد نبينا حدث، فسألنا

١ - نیز بنگرید به: الجامع الصغير، ج ٢، ص ٦٧٢، ش ٩٢٤٤.

٢ - نیز بنگرید به: الحواصی لیلقتاوی، ج ٢، ص ١٢٦؛ كنز العمال، ج ١٤، ص ٢٦٢، ش ٣٨٦٥٤؛ التاج

الجامع للأصول، ج ٥، ص ٣٤٢ و ٣٤٣.

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا».

- زید الشاک - قال: قلت: أي شيء؟ قال: «سین».

ثم قال: «يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئًا، وَيَكُونُ الْمَالُ

كُدُوسًا» قال: «يَجِيءُ الرَّجُلُ إِلَيْهِ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي، أَعْطِنِي».

قال: «فَيَحْتِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَ»^۱.

روزگار بی نیازی بر اثر اجرای عدالت

۹۳ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۳، ص ۳۷:

ثَنَا عَبْدِ الرَّزَّاقِ، ثَنَا جَعْفَرٌ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ زِيَادٍ، ثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ بَشِيرٍ، عَنِ أَبِي الصَّدِّيقِ

الطَّائِبِيِّ، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ،

وَزَلَزِلَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ

وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، يُقْسِمُ الْمَالَ صَحَاحًا».

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا صَحَاحًا؟

قَالَ: «بِالسُّوِّيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ». قَالَ: «وَيَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ غِنَى، وَيَسَعُهُمْ عَدْلُهُ،

حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا فَيُنَادِي، فَيَقُولُ: مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ؟ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ،

فَيَقُولُ: إِبْتِ [السَّادِنَ] - يَعْنِي الْخَازِنَ - فَقُلْ لَهُ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا، فَيَقُولُ

لَهُ: احْبِ، حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَأَبْرَزَهُ نَدِمَ، فَيَقُولُ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا، أَوْ

عَجَزَ عَنِّي مَا وَسِعَهُمْ! قَالَ: فَيَرُدُّهُ، فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ. فَيَقَالُ: إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أَعْطَيْنَاهُ. فَيَكُونُ

كَذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ - أَوْ ثَمَانِ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ - ثُمَّ لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ بَعْدَهُ». أَوْ قَالَ: «ثُمَّ

۱ - نیز بنگرید به: المُسْنَدُ الْجَامِعُ، ج ۶، ص ۵۱۹، ش ۴۷۱۳.

لا خیر فی الحیاة بعدہ»^۱.

۹۴ - همان: ص ۵۲، حدیث شماره ۱۱۴۸۴:

حدَّثنا عبد الله، حدَّثني أبي، ثنا زيد بن الحُبَاب، حدَّثني حماد بن زيد، ثنا المَعْلَى بن زياد المَعولِيّ، عن العلاء بن بشير المُرَنيّ، عن أبي الصّدِّيق النّاجِيّ، عن أبي سعيد الخُدَريّ، قال:

قال رسول الله ﷺ: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلَزِلَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَيَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، وَيَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ عَنِّي، فَلَا يَحْتَاجُ أَحَدٌ إِلَى أَحَدٍ. فَيُنَادِي الْمُنَادِي: مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ؟».

قال: فَيَقُومُ رَجُلٌ فَيَقُولُ: أَنَا. فَيُقَالُ لَهُ: إِنَّتِ السَّادِنَ - يَعْنِي الْخَازِنَ - فَقُلْ لَهُ: قَالَ لَكَ الْمَهْدِيُّ: أُعْطِنِي.

قال: فَيَأْتِي السَّادِنَ فَيَقُولُ لَهُ: فَيُقَالُ لَهُ: احْتَبْتِ فَيَحْتَبِنِي، فَإِذَا أَحْرَزَهُ قَالَ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا، أَوْ عَجَزَ عَنِّي مَا وَسِعَهُمْ!

قال: فَيَمُكُّ سَبْعَ سِنِينَ - أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ - ثُمَّ لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ - أَوْ فِي الْعَيْشِ - بَعْدَهُ -.

۹۵ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۳، ص ۵۲:

ثنا زيد بن الحُبَاب، حدَّثني جعفر بن سليمان، ثنا المَعْلَى بن زياد، عن العلاء بن بشير المُرَنيّ - وكان بكاءً عند الذكر، شجاعاً عند اللقاء - عن أبي الصّدِّيق النّاجِيّ، عن أبي سعيد الخُدَريّ،... (با اندک تفاوتی، مانند متن یاد شده در شماره ۹۴ می باشد).

۱ - نیز بنگرید به: مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۶۱۰، ش ۱۲۳۹۳؛ کتاب الفتن، باب ما جاء فی المهدي؛

الخواص للفتاوى، ج ۲، ص ۱۲۴؛ المسند الجامع، ج ۶، ص ۵۲۰، ش ۴۷۱۴؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص

۹۷، ش ۵۷۱۹؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۱، ش ۳۸۶۵۳.

إخبار از عدالت جهانی، وفور نعمت آسمانی و زمینی در حکومت مهدی علیه السلام پس از فتنه فراگیر

۹۶ - المصنف، عبدالرزاق صنعانی، (باب المهدي)، ج ۱۱، ص ۳۷۱، حدیث شماره ۲۰۷۷۰:

أخبرنا عبدالرزاق، قال: أخبرنا معمر، عن أبي هارون، عن معاوية بن قرة، عن أبي الصديق التاجي، عن أبي سعيد الخدري، قال:

ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَلَاءَ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَتْهُ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، حَتَّى تَتَمَنَّيَ الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ. يَعِيشُ فِي ذَلِكَ سِتْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانًا، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ.

۹۷ - الفتن والملاحم، نعیم بن حماد، ص ۲۹ باب «تسمية الفتن التي هي كائنة»:

حدَّثنا الوليد بن مسلم، عن إسماعيل بن رافع، عن حماد بن عمار، عن أبي سعيد الخدري عليه السلام، قال:

قال رسول الله ﷺ: «سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ مِنْهَا فِئْتَةٌ الْأَخْلَاسِ، يَكُونُ فِيهَا حَرْبٌ وَهَرَبٌ، ثُمَّ بَعْدَهَا فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ تَكُونُ فِئْتَةٌ، كُلَّمَا قَبِلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ، حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلَتْهُ وَلَا مُسْلِمٌ إِلَّا صَكَّتُهُ، حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي».

۹۸ - همان: ص ۲۰۱ باب «سيرة المهدي و عدله و...»: قال معمر: وأنا أبوهارون، عن

معاوية، عن أبي الصديق التاجي، عن أبي سعيد الخدري عليه السلام، عن النبي، قال: «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَتْهُ، وَلَا الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّى تَتَمَنَّيَ الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ».

۹۹ - همان: ص ۲۱۱ باب «قدر ما يملك المهدي»:

حدَّثنا أبو معاوية، عن موسى الجهني، عن زيد العمي عن أبي الصديق، عن أبي سعيد

الخُدْرِيُّ - رضی اللہ عنہ -، عن النبي قال:

«الْمَهْدِيُّ يَعْيشُ فِي ذَلِكَ - يَعْنِي بَعْدَ مَا يَمْلِكُ - سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ، أَوْ تِسْعَ».

۱۰۰ - الْمُسْتَدْرَك، ج ۴، ص ۴۶۵:

أخبرني الحسين بن علي بن محمد بن يحيى التَّمِيمِيُّ، أنبأ أبو محمد الحسن بن ابراهيم ابن حيدر الحِمَيْرِيُّ، بالكوفة، ثنا القاسم بن خليفة، ثنا أبو يحيى عبد الحميد بن عبد الرحمن الحِمَازِيُّ، ثنا عمر بن عبيد الله العَدَوِيُّ، عن معاوية بن قُرَّة، عن أبي الصديق التاجي، عن أبي سعيد الخُدْرِي - رضی اللہ عنہ - قال:

قال رسول الله ﷺ: «يَنْزِلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ، لَمْ يُسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدُّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ عَنْهُمْ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ، وَحَتَّى يُمَلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً يَلْتَجِي إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبْتَغِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، وَلَا السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا. يَعْيشُ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانَ أَوْ تِسْعَ؛ تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ»^۱.

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يُخرجاه.

حاکم دادگستر جهانی از خاندان پیامبر ﷺ است.

۱۰۱ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۳، ص ۲۸:

ثنا عبد الصمد، ثنا حماد بن سلمة، أنا مطرف المعلى، عن أبي الصديق، عن أبي سعيد: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

«تُمَلَأُ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي يَمْلِكُ سَبْعًا - أَوْ تِسْعًا - فَيَمْلَأُ

۱ - نیز بنگرید به: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۵، کنز العمال، ج ۱۴، ش ۳۸۷۰۸، مرقاة المفاتیح، ج ۹،

ص ۳۵۸، ش ۵۴۵۷ (در شرح عبارات یادشده).

الأرض قسماً وعدلاً».

۱۰۲ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۳، ص ۷۰:

ثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: ثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ، وَمَطَرِ الْوَرَّاقِ،
عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «تُمَلَأُ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي، يَمْلِكُ سَبْعًا
- أَوْ تِسْعًا - فَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا».

۱۰۳ - الْمُسْتَدْرَكُ، ج ۴، ص ۵۵۸:

حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثَنَا حَجَّاجُ بْنُ الرَّبِيعِ ابْنِ سَلِيمَانَ، ثَنَا أَسَدُ بْنُ
مُوسَى، ثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ مَطَرٍ، وَابْنِ هَارُونَ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي
سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

«تُمَلَأُ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي»، الْحَدِيثُ.

هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ وَلَمْ يُخْرَجْ.

ظهور مهدی عجل الله فرجه از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و اقامه عدل جهانی، پس از ظلم و ستم
فراگیر، قطعی است.

۱۰۴ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۳، ص ۳۶:

ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، ثَنَا عَوْفٌ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِئَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا قَالَ: ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ
عِثْرَتِي - أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَمَلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا».

۱۰۵ - هَمَّانُ، ج ۳، ص ۱۷:

۱ - ظاهراً باید ربیع بن سلیمان باشد که شیخ ابوالعباس و شاگرد آسد بن موسی است بنگرید به: تذکرة

الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۶، ش ۶۱۱.

ثنا أبو النَّضْرِ، ثنا أبو معاوية شَيْبَان، عن مَطَرِ بْنِ طَهْمَانَ، عن أَبِي الصُّدَيْقِ النَّاجِيِّ، عن أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قال:

قال رسول الله ﷺ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجْلِي، أَقْنَى، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا، يَكُونُ سَبْعَ سِنِينَ».

و نیز بنگرید به مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى مَوْصِلِي، ج ٢، ص ٣٦٧، شماره ١١٢٨ که در حدیث شماره ٨٨ یاد شده است.

١٠٦ - مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى، ج ٢، ص ٢٧٤، حدیث شماره ٩٨٧:

حَدَّثَنَا أَبُو يَعْلَى أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْمُثَنَّى الْمَوْصِلِيُّ، حَدَّثَنَا زُهَيْرٌ، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ عَوْفٍ، حَدَّثَنَا أَبُو الصُّدَيْقِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِي الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - أَوْ قَالَ: مِنْ عِثْرَتِي - فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا».

١٠٧ - الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ذكر البيان بأن خروج المهدي إنما يكون بعد ظهور الظلم والجور في الدنيا و غلبها على الحق، ج ٨، ص ٢٩٠ شماره ٦٧٨٤:

أخبر أحمد بن علي بن المثنى، قال: حدثنا أبو خيثمة، قال: حدثنا يحيى بن سعيد، قال: حدثنا عوف، قال: حدثنا أبو الصديق، عن أبي سعيد الخدري، عن النبي ﷺ قال: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِي الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَوْ عِثْرَتِي، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

١٠٨ - همان: ص ٢٩١، شماره ٦٧٨٧:

أخبرنا محمد بن علي بن العباس المروزي بالبصرة، قال: حدثنا الحسن بن عرفة، قال: حدثنا هاشم بن القاسم، قال: حدثنا شيبان بن عبد الرحمن، عن مَطَرِ الْوَرَّاقِ، عَنْ أَبِي الصُّدَيْقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ:

قال رسول الله ﷺ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَقْنَى، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ».

ابوالصدیق، اسمہ: بکر بن قیس الناچی.

۱۰۹ - المُستدرک، ج ۴، ص ۵۵۷، کہ با چہار طریق نقل می کند:

حدَّثنا الشيخ ابوبكر بن إسحاق، و علي بن حمشاذ العدل، وأبو بكر محمد بن أحمد بن بالويه، قالوا: ثنا بشر بن موسى الأسدي، ثنا هُوذة بن خليفة، ثنا عوف بن أبي جميلة و حدَّثني الحسين بن علي الدارمي، ثنا محمد بن إسحاق الإمام، ثنا محمد بن بشار، ثنا ابن أبي عدي، عن عوف، ثنا أبوالصديق الناچی، عن أبي سعيد الخدری - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله ﷺ: «لا تقوم الساعة حتى تُمَلَأَ الأرضُ ظلماً وجوراً وعدواناً، ثم يخرج من أهل بيتي من يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً».

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه.

۱۱۰ - أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۸۴:

حدَّثنا محمد بن جعفر، ثنا أحمد بن الحسين الأنصاري، ثنا أحمد بن محمد بن الحسين بن حفص، ثنا جدِّي الحسين، ثنا عكرمة بن إبراهيم، عن مطر الوراق، عن أبي الصدِّيق الناچی، عن أبي سعيد الخدری، قال: قال رسول الله ﷺ: «لا تقوم الساعة حتى يستخلف رجلٌ من أهل بيتي أجناً، أقتى، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت قبل ذلك ظلماً، يملك سبع سنين».

ظهور مهدی عجل الله فرجه برای اقامه عدل جهانی، قطعی است

۱۱۱ - حلیة الأولیاء، ج ۳، ص ۱۰۱:

حدَّثنا أبو بكر بن خلاد، قال: ثنا الحارث بن أبي أسامة، قال: ثنا هُوذة، قال: ثنا عوف الأعرابي، عن أبي الصدِّيق، عن أبي سعيد - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله ﷺ: «لَتَمَلَأَنَّ الأرضُ ظلماً وعدواناً، ثمَّ لَيُخْرِجَنَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - أَوْ قَالَ: عِثْرَتِي - مَنْ يَمَلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْماً وَعُدْوَانًا»^۱.

حصول مواهب الهی، اجرای عدالت اجتماعی و عظمت اُمت اسلامی در ظهور

مهدی علیه السلام

۱۱۲ - المَستَدْرَك، ج ۴، ص ۵۵۷ و ۵۵۸:

أخبرني أبو العباس محمد بن أحمد المَحْبُوبِيُّ بِمَرَوْ، ثنا سعيد بن مسعود، ثنا النَّضْرُ بن سَمَيْلٍ، ثنا سُلَيْمَانُ بن عُبَيْدٍ، ثنا أَبُو الصَّدِيقِ النَّاجِي، عن أَبِي سَعِيدِ الخُدْرِيِّ رضي الله عنه - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ:

«يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي المَهْدِيُّ، يَسْقِيهِ اللهُ الغَيْثَ، وَتُخْرِجُ الأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَيُعْطِي المَالَ صَاحِبًا، وَتَكْثُرُ المَاشِيَةُ، وَتَعْظُمُ الأُمَّةُ، يَعِيشُ سَبْعًا أَوْ ثَمَانِيًا - يَعْنِي حِجْبًا»^۱.

بروز انواع نعمتهای زمینی و آسمانی، و زندگی نمونه در حکومت عدل جهانی

مهدی علیه السلام

۱۱۳ - المَصْنَف، ابن أبي شَيْبَةَ، ج ۸، ص ۶۷۸، كتاب ۴۰، ح ۱۸۴:

أبو معاوية، وابن ثَمِيرٍ، عن مُوسَى الجُهَنِيِّ، عن زَيْدِ العَمِّي، عن أَبِي الصَّدِيقِ النَّاجِي، عن أَبِي سَعِيدِ الخُدْرِيِّ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي المَهْدِيُّ، إِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ عُمُرُهُ، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانِي سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، تُمَطِّرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا، وَتُخْرِجُ الأَرْضُ بَرَكَتَهَا» قَالَ: «وَتَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ»^۲.

در کتاب «الفتن والملاحم»، نُعَيْم بن حَمَّاد، ص ۲۰۶، آمده است:

ثنا أبو معاوية، عن موسى الجهني، عن زيد العمي، عن أبي الصديق، عن أبي سعيد، عن

النبي صلى الله عليه وآله قال:

۱ - همان .

۲ - نیز بنگرید به: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۷.

«يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ سَبْعَ، ثَمَانٍ، تِسْعَ سِنِينَ».

۱۱۴ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۳، ص ۲۶ و ۲۷:

ثَنَا ابْنُ نُمَيْرٍ، ثَنَا مُوسَى يَعْنِي الْجُهَنِيَّ، قَالَ: سَمِعْتُ زَيْدَ الْعَمِّيَّ، قَالَ: ثَنَا أَبُو الصَّدِّيقِ النَّاجِيَّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ، قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، فَإِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ عَاشَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضَ نَبَاتَهَا، وَتُمْطِرُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا».

وفور نعمت بی مانند، در عصر حکومت مهدی ﷺ

۱۱۵ - سُنَنِ ابْنِ مَاجَةَ، ج ۲، ص ۱۳۶۶ شماره ۴۰۸۳:

حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَهْضِيُّ، ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ الْعُقَيْلِيُّ، ثَنَا عُمَارَةُ بْنُ أَبِي حَفْصَةَ، عَنْ زَيْدِ الْعَمِّيِّ، عَنْ أَبِي صَدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصُرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتِسْعٌ، فَتَنْعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تُؤْتِي أَكْلَهَا، وَلَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئًا، وَالْمَالُ يَوْمئِذٍ كُدُوسٌ، فَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ اعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ».

۱۱۶ - الْفِتْنِ وَالْمَلَأِجِمِ، نُعَيْمِ بْنِ حَمَّادٍ، ص ۲۱۲، بَابُ «قَدْرُ مَا يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ»:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ الْعِجْلِيُّ، عَنْ عُمَارَةَ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ، عَنْ زَيْدِ الْعَمِّيِّ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، - ﷺ -، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي، إِنْ قَصُرَ فَسَبْعًا وَإِلَّا فَثَمَانٍ وَإِلَّا فَتِسْعًا».

۱۱۷ - هَمَانَ: ص ۲۰۲ بَابُ «سِيرَةُ الْمَهْدِيِّ وَعَدْلُهُ وَ...»:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ، عَنْ عُمَارَةَ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ، عَنْ زَيْدِ الْعَمِّيِّ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ - ﷺ -، عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ:

تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا

وَلَا تَزْرَعُ الْأَرْضَ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ إِلَّا أَخْرَجْتَهُ، وَالْمَالُ كُدُوسٌ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ.

۱۱۸ - الكامل، ج ۳، ص ۲۰۱:

ثنا إسحاق بن إبراهيم بن يونس، ثنا يحيى بن خلف، نامحمد بن مروان، ثنا عمارة بن أبي حفصة، عن زيد العمي، عن أبي الصديق الناجي، عن أبي سعيد الخدري، قال: قال رسول الله ﷺ: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصَرَ فَسَبْعٌ وَالْأَقْشَانِ وَإِلَّا فَتِسْعٌ، تَنَعَّمُ فِيهَا أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَّعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، يُرْسِلُ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ مِدْرَارًا لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ، وَالْمَالُ كُدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ، فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ».

۱۱۹ - المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸:

حدَّثنا عبدالله بن سعد الحافظ، ثنا إبراهيم بن أبي طالب، وإبراهيم بن إسحاق، و جعفر بن محمد بن أحمد الحافظ، قالوا: حدَّثنا نصر بن علي، ثنا محمد بن مروان، ثنا عمارة ابن أبي حفصة، عن زيد العمي، عن أبي الصديق الناجي، عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه -، عن النبي ﷺ، قال:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ قَصَرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتِسْعٌ، تَنَعَّمُ أُمَّتِي فِيهِ نِعْمَةً لَمْ يَتَّعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا، لَا تَدَّخِرُ عَنْهُمْ شَيْئًا، وَالْمَالُ يَوْمئِذٍ كُدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي. فَيَقُولُ: خُذْ».

بخشش بی شمار، در حکومت مهدی علیه السلام

۱۲۰ - صحیح مسلم، بشرح النووي (کتاب الفتن وأشراف الساعة). ج ۱۸، ص ۳۹:

حدَّثنا نصر بن علي الجهضمي، حدَّثنا بشر - يعني ابن المفضل؟ - وحدَّثنا علي بن حُجر السعدي، حدَّثنا إسماعيل - يعني ابن علية - كلاهما عن سعيد بن يزيد، عن أبي نصر، عن أبي سعيد، قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مِنْ خُلَفَائِكُمْ خَلِيفَةٌ يَخْتُو الْمَالَ حَتَّى لَا يَعْدَهُ عَدًّا». و في رواية ابن حُجْرٍ: يَخْتِي الْمَالَ.

در شرح التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۲ آمده است:
«هذا هو المَهْدِيُّ - ﷺ -، بدليل الحديث الآتي^۱، وذلك لِكثْرَةِ الغنائم والفتوحات مع سخاء نفسه وبذله الخَيْرَ لِكُلِّ النَّاسِ».

۱۲۱ - صحيح مسلم، بشرح النووي، ج ۱۸، ص ۳۹:
حدَّثني زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا دَاوُدُ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ:
قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعْدُهُ».
و حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي هِنْدٍ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ بِمِثْلِهِ.

۱۲۲ - الفتن والملاحم، نعيم بن حماد، باب «سيرة المهدي وعدله و...» ص ۲۰۰:
حدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ، عَنْ دَاوُدَ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ - ﷺ -، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ:
«يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُعْطِي الْمَالَ بِغَيْرِ عَدَدٍ».^۲

۱۲۳ - همان، ص ۲۰۱:
حدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ سَعِيدٍ^۳، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ - ﷺ -، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ:

«يَخْتِي الْمَالَ حَتَّى لَا يَعْدَهُ عَدًّا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

۱ - یعنی حدیث منقول از کتاب سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، ش ۲۳۳۳، که در صفحات قبل این کتاب به شماره ۹۱، نگاشته شد.

۲ - نیز بنگرید به: الفرةوس، ج ۵، ص ۵۱۰، ش ۸۹۱۸.

۳ - ظاهراً باید مراد از آن، سعید بن عبدالعزیز باشد، زیرا آنچه مسلم است ولید از سعید بن عبدالعزیز، و نیز سعید از قتاده روایت کرده است. (بنگرید به: تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۱۹، ش ۲۰۵).

۱۲۴ - المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۶:

أبو معاوية، عن داود، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد، عن النبي ﷺ قال: «يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُعْطِي الْحَقَّ بِغَيْرِ عَدْوٍ».

۱۲۵ - همان، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۵:

أبو معاوية، عن الأعمش، عن عطية، عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله ﷺ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ، يَكُونُ عَطَاوَةً حَنِيئًا».

۱۲۶ - همان، ج ۳، ص ۵:

حدثنا ابن أبي عدي، عن داود، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُعْطِي الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ عَدًّا».

۱۲۷ - مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۸:

ثنا عبد الصمد بن عبد الوارث، حدثني أبي، ثنا داود، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد وجابر، قالوا: قال رسول الله ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ».

۱۲۸ - همان، ج ۳، ص ۴۸ و ۴۹:

ثنا عبد الصمد، ثنا أبان، ثنا سعيد بن زيد،^۱ عن أبي نضرة، عن أبي سعيد، عن النبي ﷺ قال:

«يَكُونُ بَعْدِي خَلِيفَةٌ يَحْتِي الْمَالَ حَنِيئًا وَلَا يَعُدُّهُ عَدًّا».

۱۲۹ - همان، ج ۳، ص ۶۰:

ثنا إسماعيل، أنا سعيد بن يزيد، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد الخدري، قال: قال رسول الله ﷺ: «مِنْ خُلَفَائِكُمْ خَلِيفَةٌ يَحْتِي الْمَالَ حَنِيئًا، لَا يَعُدُّهُ عَدًّا».

۱۳۰ - همان، ج ۳، ص ۹۶:

۱ - ظاهرآباید سعید بن یزید، باشد و نه سعید بن زید، مانند حدیث بی شماره پس از شماره ۱۳۳.

ثنا عفان، ثنا حماد بن سلمة، عن علي بن زيد، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد الخدرى، أن رسول الله ﷺ قال:

«لَيَبْعَثَنَّ اللهُ عزَّوجلَّ في هذه الأمة خليفةً يحثي المالَ حثياً ولا يعدُّه».

١٣١ - مسند احمد بن حنبل، ج ٣، ص ٩٨:

ثنا خلف بن الوليد، ثنا عباد بن عباد، ثنا مجالد، عن أبي الوداك، عن أبي سعيد الخدرى، قال: سمعتُ رسول الله ﷺ يقول:

«إنَّ مِنْ أُمْرَائِكُمْ أميراً يحثي المالَ حثياً، ولا يعدُّه عدّاً، يأتيه الرجلُ فيسأله، فيقول: خذ، فييسطُ الرجلُ ثوبه، فيحثي فيه».

ويسطُ رسولُ الله ﷺ ملحفةً غليظةً كانت عليه يحكي صنيعَ الرجلِ، ثمَّ جمع إليه أكتافها. قال: «فياخذُه ثمَّ يتطلق».

١٣٢ - همان: ج ٣، ص ٣٣٣:

ثنا عبد الصمد، ثنا داود، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد و جابر بن عبدالله، قال:

قال رسولُ الله ﷺ: «يكونُ في آخرِ الزمانِ خليفةٌ يقسيمُ المالَ ولا يعدُّه».

١٣٣ - مسند أبي يعلى، ج ٢، ص ٤٢١، حديث شماره ١٢١٦:

أخبرنا أبو يعلى أحمد بن علي بن المثنى الموصلى، حدثنا أبو خيثمة، حدثنا

عبد الصمد، حدثنا أبي، حدثنا داود، عن أبي نضرة، عن أبي سعيد و جابر بن عبدالله، قال:

قال رسولُ الله ﷺ: «يكونُ في آخرِ الزمانِ خليفةٌ يقسيمُ المالَ ولا يعدُّه».

و نیز در صفحه ٤٧٠ حديث شماره ١٢٩٤: حدثنا أبو خيثمة، ثنا عبد الصمد بن

عبدالوارث، ثنا محمد بن دينار، عن أبي مسلمة سعيد بن يزيد عن أبي نضرة، عن أبي

سعيد الخدرى قال: قال رسول الله ﷺ: «يكونُ خليفةٌ يحثي المالَ لا يعدُّه عدّاً».

١٣٤ - همان: ص ٣٥٦، حديث شماره ١١٠٥:

حدثنا سليمان بن عبد الجبار أبو أيوب، حدثنا سهل بن عامر، حدثنا فضيل بن

مرزوق، عن عطية، عن أبي سعيد، قال:

قال رسول الله ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى تَظَاهِرِ الْعُمَرِ وَانْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ إِمَامٌ يَكُونُ أُعْطِيَ النَّاسَ، يَجِيبُهُ الرَّجُلُ فَيُحِثُّوهُ فِي حِجْرِهِ، يَهْمُهُ مَنْ يَقْبَلُ عَنْهُ صَدَقَةٌ ذَلِكَ الْمَالِ، مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَهْلِهِ، لِمَا يُصِيبُ النَّاسَ مِنَ الْخَيْرِ».

احیای سنت نبوی، نزول برکات آسمانی و زمینی، و اجرای عدالت در ظهور مهدی علیه السلام و سکونت آن حضرت در بیت المقدس

۱۳۵ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۲، ص ۴۷، حدیث شماره ۱۰۷۹:

حدَّثَنَا أَحْمَدُ، ثنا أَبُو جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي الْوَاصِلِ، عَنْ أَبِي الصَّدِّيقِ النَّاجِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يَزِيدَ السَّعْدِيِّ أَحَدِ بَنِي بَهْدَلَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي، يَقُولُ بِسُنَّتِي، يُنْزِلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ مِنْ بَرَكَاتِهَا، تُمَلَأُ الْأَرْضُ مِنْهُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَعْمَلُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُنْزَلُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ»^۱.

«بخاری» در التاریخ الكبير، ج ۳، ق ۲ (قسم دوم از جزء سوم) ص ۴۵، شماره ۱۶۵۴ نوشته است:

وقال محمد ابو يحيى أخبرنا اسماعيل بن عبيد بن أبي كريمه، حدثنا محمد بن سلمة، عن أبي واصل عبد الحميد الباهلي البصري، عن أبي الصديق الناجي، عن الحسن بن يزيد السعدي أحد بني بهدلة، عن أبي سعيد - عليه السلام -، عن النبي ﷺ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي».

۱ - نیز بنگرید به: العاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۱، و نیز در پاورقی الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، آمده که هیشمی، این حدیث را در مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۶۱۷، ش ۱۲۴۱۲؛ کتاب الفتن، باب ما جاء فی المهدي، آورده است.

نماز خواندن عیسی بن مریم علیه السلام به امامت مهدی علیه السلام

۱۳۶ - المَنَارُ الْمُنِيفُ فِي الصَّحِيحِ وَالضَّعِيفِ، ابن قَيِّم جَوَزِيَّةً، ص ۱۴۷، شماره ۳۳۷:
وقال أبو نَعِيمٍ: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَرَجِ الْأَصْبَهَانِيُّ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرِ بْنِ طَارِقٍ، عَنْ الْجَيْدِ بْنِ نَظِيفٍ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ خَلْفَهُ»^۱.

مهدی علیه السلام، پناهگاه امت و مجری عدالت جهانی است، خوابیده‌ای را بیدار
نمی‌کند و خونی را نمی‌ریزد.

۱۳۷ - الفِتْنُ وَالْمَلَأِجِمِ، نَعِيمٌ بْنُ حَمَّادٍ، ص ۲۰۱ باب «سِیرَةُ الْمَهْدِيِّ وَعَدْلُهُ وَ...»:
قال الوليد، عن أبي رافع اسماعيل بن رافع، عن حدثه، عن أبي سعيد الخدري، عن
النبي ﷺ، قال:

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ يَغْسُو بِهَا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا، حَتَّى
يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ. لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يَهْرِيقُ دَمًا.^۲

روایتی از ابوامامه باهلی = صدی بن عجلان

سیمای مهدی علیه السلام

۱۳۸ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۸، ص ۱۰۱، حدیث شماره ۷۴۹۵:
حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ الرَّازِيُّ، ثنا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثنا عَنبَسَةَ بْنُ أَبِي صَغِيرَةَ، ثنا
الْأَوْزَاعِيُّ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا أَمَامَةَ يَقُولُ:

۱ - نیز بنگرید به: العاوی لِقَتَاوِي، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲ - همان، ج ۲، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «سَيَكُونُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعُ هُدَنٍ، تَقُومُ الرَّابِعَةُ^۱ عَلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ هِرَقْلَ يَدُومُ سَبْعَ سِنِينَ».

فقال لَهُ رَجُلٌ مِنْ عَبْدِ الْقَيْسِ - يقال له: المُسْتَوْرِدُ بن خَيْلان - : يا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ؟ قال:

«المَهْدِيُّ^۲ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً، كَانَ وَجْهُهُ كَوَكَبٍ دُرِّيٍّ، فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ، عَلَيْهِ عَبَاءُ تَانٍ، قَعْوَانِيتَانِ^۳، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، يَسْمَلِكُ عِشْرِينَ سَنَةً^۴، يَسْتَخْرِجُ الْكَنْوزَ، وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرِكِ»^۵.

روایتی از طلحة بن عبیدالله

اخبار از پیدایش آشوب

۱۳۹ - المَعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۵، ص ۳۳۸، حدیث شماره ۴۶۶۳:

حدَّثنا عبدالرحمن بن عمرو أبو زُرْعَةَ، قال: حدَّثنا ابواليمان، قال: حدَّثنا اسماعيلُ بنُ عِيَّاشٍ، عن المُثَنَّى بن الصَّبَّاحِ، عن عمرو بن دينارٍ المَكِّيِّ، عن سعيدِ بن المسيَّبِ، عن طلحة بن عبیدالله، عن النَّبِيِّ ﷺ قال:

«سَتَكُونُ فِتْنَةٌ لَا يَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ مِنْهَا جَانِبٌ، حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ».

هر چند در حدیث یاد شده تصریح به مهدی نشده است لیکن محدثان آن را در باب

۱ - در الخاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۶ و کَنْزُ الْعَمَالِ، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ش ۳۸۶۸۰: يوم الرابعة آمده است.

۲ - عبارت یاد شده از کتاب الخاوی است، و در المعجم الكبير، آمده: «مِنْ وُلْدِ أَرْبَعِينَ سَنَةً».

۳ - در الخاوی و كَنْزُ الْعَمَالِ، «قَطْوَانِيتَانِ» آمده است.

۴ - جمله «يَسْمَلِكُ عِشْرِينَ سَنَةً» در الخاوی نیست.

۵ - نیز بنگرید به: لِسَانُ الْمِيزَانِ، ج ۴، ص ۳۸۳، ش ۱۱۵۳ در ترجمه عَبَّاسَةَ بن أبي صغيره.

مهدی علیه السلام، ذکر کرده‌اند.^۱

روایاتی از ابوظفیل عامر بن وائله لیبی

ظهور مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قطعی است.

۱۴۰ - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۲ «کتاب المهدی»:

حدَّثنا عثمان بن أبي شيبة، ثنا الفضل بن دكين، ثنا فطر، عن القاسم بن أبي بزة، عن أبي الطفيل، عن علي، عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «لَوْ لَمْ يَتَّقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا».

۱۴۱ - المصنّف، ابن أبي شيبة، ج ۸، ص ۶۷۸ کتاب ۴۰، ح ۱۹۴:

الفضل بن دكين، قال حدَّثنا فطر، عن القاسم بن أبي بزة، عن أبي الطفيل، عن علي عن النبي صلی الله علیه و آله قال:

«لَوْ لَمْ يَتَّقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا».

۱۴۲ - مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۹۹:

ثنا حجاج^۲ وأبو نعيم، قالوا: ثنا فطر، عن القاسم بن أبي بزة، عن أبي الطفيل، قال

۱ - بنگرید به: مجمع الزوائد، باب ما جاء في المهدی، ج ۷، ص ۶۱۵، ش ۱۲۴۰۸؛ مجمع البحار، ج ۴،

ص ۱۶۳، ش ۴۴۴۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲ - ظاهراً مراد، حجاج بن محمد مصیبی أغور، (م ۲۰۶ ق) و از راویان طبقه نهم باشد. در تقریب

التهدیب، ج ۱، و تهذیب التهذیب، ش ۱۱۸۷، آمده است: «رؤی عنه أحمد»؛ و یا حجاج بن نصیر (م

۲۱۴ هـ ق) از راویان طبقه نهم باشد که در تقریب، ج ۱ و تهذیب التهذیب، ش ۱۱۹۱، آمده است:

«رؤی عن فطر بن خليفة».

حَجَّاج: ^۱ سَمِعْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِنَّا، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا».^۲

۱۴۳ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۱، ص ۹۹:

قال أبو نعيم: رَجُلًا مِنَّا. قال: وَسَمِعْتُهُ مَرَّةً يَذْكُرُهُ عَنْ حَبِيبٍ ^۳، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه، عَنْ النَّبِيِّ ﷺ.

در مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، تَحْقِيقُ أَحْمَدَ مُحَمَّدَ شَاكِرَ، ج ۲، ص ۱۱۷، شِمَارَهُ ۷۷۳ آمده است:

إِسْنَادُهُ صَحِيحَانِ. فِطْرٌ: هُوَ ابْنُ خَلِيفَةَ، وَهُوَ ثِقَةٌ صَالِحُ الْحَدِيثِ، وَثَقَّهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَعِينٍ وَغَيْرُهُمَا، فَلَا يَلْتَفِتُ إِلَى قَوْلِ ابْنِ يُونُسَ وَأَبِي بَكْرٍ بِنِ عِيَّاشَ وَالْجَوْزْجَانِي فِي تَضْعِيفِهِ، بَلْ هُوَ قَوْلُ مَرْدُودٍ، كَمَا فِي عَوْنِ الْمَعْبُودِ خُصُوصًا، وَقَدْ تَرَجَّمُ لَهُ الْبُخَارِيُّ فِي الْكَبِيرِ ۱۳۹/۱/۴ فَلَمْ يَذْكَرْ فِيهِ جَرْحًا. وَ«فِطْرٌ» بِكَسْرِ الْفَاءِ وَسُكُونِ الطَّاءِ، وَفِي ح «قِطْرٌ» بِالْقَافِ وَهُوَ تَضْعِيفٌ، الْقَاسِمُ بْنُ أَبِي بَرْزَةَ: ثِقَةٌ، أَبُو الطُّفَيْلِ: هُوَ عَامِرُ بْنُ وَائِلَةَ، حَبِيبٌ فِي الْإِسْنَادِ الثَّانِي: هُوَ حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ.

وَخِلَاصَةُ ذَلِكَ أَنَّ أَحْمَدَ رَوَاهُ عَنْ حَجَّاجَ وَأَبِي نُعَيْمٍ، عَنْ فِطْرِ، عَنِ الْقَاسِمِ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ.

وَرَوَاهُ عَنْ أَبِي نُعَيْمٍ وَحَدِّثِهِ، عَنْ فِطْرِ، عَنْ حَبِيبٍ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ. وَالْحَدِيثُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ ۱۷۴/۴ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ وَهُوَ

۱ - ظاهراً مراد، حجاج بن عمرو بن غزیه از صحابه است که شهد مع علی صقین. (بنگرید به: تقریب

التهدیب، ج ۱ و تهدیب التهدیب، ج ۲، ش ۱۱۸۴).

۲ - المُسْنَدُ الْجَامِعُ، ج ۱۳، ص ۴۴۵، ش ۱۰۳۹۵ (أشراط الساعة).

۳ - یعنی حبیب بن ابی ثابت، (م ۱۱۹ هـ.ق) از راویان طبقه سوم. (بنگرید به: تقریب التهدیب، و تهدیب

التهدیب، ش ۱۱۳۴).

أبو نعيم، عن فطر، عن القاسم، عن ابي الطفيل.
وقال في عون المعبود؛ «سكت عنه المُنذريّ ... سندُه حسنٌ قويّ».

روایتی از أم المؤمنین عایشہ

جهاد بر اساس سنت پیامبر ﷺ

۱۴۴ - الفتن والملاحم، نعیم بن حمّاد، ص ۲۰۸، نسبة المهدی:
حدّثنا الولید، عن شیخ، عن الزُّهری، عن عُرْوَة، عن عائشة رضی الله عنها، عن
النبي ﷺ قال:

«رَجُلٌ مِنْ عِشْرَتِي، يُقَاتِلُ عَلَيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَيَّ الْوَحْيِ».

روایتی از عبدالرحمن بن عوف

سیمای مهدی دادگستر ﷺ

۱۴۵ - المنائر المنيف، ص ۱۴۶، شماره ۳۳۵:
قال أبو نعيم: خلف بن أحمد بن العباس الرامهرمزيّ في كتابه، حدّثنا همام بن أحمد بن
أيوب، حدّثنا طألوت بن عبّاد، حدّثنا سُويد بن إبراهيم، عن محمود بن عمر، عن أبي
سَلْمَةَ بن عبدالرحمن بن عوف، عن أبيه قال:
قال رسولُ الله ﷺ: «لَيَبْعَثَنَّ مِنْ عِشْرَتِي رَجُلًا أفرقَ الثَّنايا، أَجلى الجَبْهَة، يَمَلأُ الأَرْضَ
عَدلاً، يَقْبِضُ المَالَ في زَمَنِهِ قَيْضاً»^۱.

۱ - نیز بنگرید به: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۲.

چند روایت از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی

نشانه‌های پیش از ظهور

۱۴۶ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، حدیث شماره ۴۰۸۸:

حَدَّثَنَا حَزْمَلَةُ بْنُ يَحْيَى الْمِصْرِيُّ، وَإِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعِيدِ الْجَوْهَرِيُّ، قَالَا: ثنا أبو صالح عبد الغفار بن داود الحراني، ثنا ابن لهيعة، عن أبي زُرْعَةَ عَمْرُو بْنِ جَابِرِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزْءِ الزُّبَيْدِيِّ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ - يَعْنِي - سُلْطَانَهُ».^۱

۱۴۷ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۱، ص ۲۰۰، حدیث شماره ۲۸۷:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ رِشْدِينَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُفْيَانَ الْحَضْرَمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ، عَنْ أَبِي زُرْعَةَ عَمْرُو بْنِ جَابِرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزْءِ الزُّبَيْدِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ».^۲

روایتی از ابن عباس = عبدالله بن عباس

مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۱۴۸ - تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۷، ص ۳۴۱، که با دو طریق نقل می‌کند:

كتب إلي أبو طالب الحسين بن محمد بن علي الزينبي - وحدنا أبو طاهر^۳ إبراهيم بن الحسن الفقيه عنه - أنا القاضي أبو القاسم علي بن المحسن بن علي التتوخي، أبو الحسين

۱ - نیز بنگرید به: مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۶۱۷، ش ۱۲۴۱۴؛ الحاوی للفناوی، ج ۲، ص ۱۲۷؛ کنز

العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳، ش ۳۸۶۵۷؛ المستند الجامع، ج ۸، ص ۲۳۵، ش ۵۷۷۰.

۲ - نیز بنگرید به: مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۶۵، ح ۴۴۴۵.

۳ - در پاورقی آن آمده است: فی د «أبو طالب».

محمد بن المظفر بن موسی الحافظ - من لفظه - نا ابوبکر احمد بن محمد بن عبیدالله الدمشقی، أخبرنی طاهر بن علی، نا علی بن هاشم، نا ابن الهیثم، نامحمد بن ابراهیم، أن امیرالمؤمنین أباجعفر، حدّته عن أبيه، عن ابن عباس، أن رسول الله ﷺ قال:

«كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلَاهَا، وَعِيسَى فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي وَسْطِهَا».

در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۹، حدیث شماره ۳۸۶۸۲ روایت ابن عباس را از

تاریخ ابن عساکر به این صورت نقل کرده است:

«كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوْلَاهَا، وَعِيسَى بِنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي

وَسْطِهَا»، و در صفحه ۲۶۶ حدیث شماره ۳۸۶۷۱ روایت یادشده را از ابونعیم در کتاب اخبار المهدي چنین نقل می کند:

«لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوْلَاهَا، وَعِيسَى بِنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ فِي أَوْسَطِهَا».

روایاتی از عبدالله بن عمر

مهدی دادگستر جهان، از تبار علی بن ابی طالب علیه السلام است

۱۴۹ - المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۷۹، حدیث شماره ۴۱۴۲:

حدّثنا علی بن سعید، قال: حدّثنا محمد بن منصور الطوسی، قال: حدّثنا کثیر بن جعفر، قال: حدّثنا ابن لهيعة، عن عبدالله بن عمر، عن نافع (فقيه)، عن ابن عمر قال: كان رسول الله ﷺ جالسا في نفر من المهاجرين والأنصار، و علي بن أبي طالب عن يساره والعباس عن يمينه، إذ تلاحي العباس ورجل من الأنصار، فأغظ الأنصاري للعباس، فأخذ رسول الله ﷺ بيد العباس وبيد علي فقال:

۱ - عبدالله بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن خطاب غدوي مدني، ابو عبدالرحمن عمري. تهذيب،

«سَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ هَذَا قَتَى يَمَلَأُ الْأَرْضَ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَسَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ هَذَا قَتَى يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا.
فَإِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَتَى التَّمِيمِيِّ؛ فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَهُوَ صَاحِبُ رَايَةِ الْمَهْدِيِّ»^۱.

از نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام ندای آسمانی در لزوم پیروی از اوست.

۱۵۰ - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۳ شماره ۱۹۹ و لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰۵، شماره ۳۱۱، در ترجمه ابراهیم بن محمد الحمصی (از مشایخ طبرانی).
قال: حدثنا عبد الوهاب بن نجدة، حدثنا إسماعيل بن عيَّاش، عن صفوان، عن عبد الرحمن بن جبَّير، عن كثير بن مرة، عن ابن عمر - مرفوعاً.
«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ»^۲.

روایاتی از عبدالله بن عمرو بن عاص

شمار کسانی که در میان رُکن و مقام با مهدی علیه السلام بیعت می‌کنند به شمار اصحاب بدر است.

۱۵۱ - الفتن والملاحم، نعیم بن حمَّاد، ص ۱۹۰، باب «اجتماع الناس بمكة وبيعتهم للمهدي فيها...»

حدثنا أبو يوسف المقدسي، عن عبد الملك بن أبي سليمان، عن عمرو بن شعيب، عن

۱ - نیز بنگرید به: مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۷، ص ۳۱۷، (باب ما جاء في المهدي)؛ مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۶۶، ح ۴۴۵۶؛ الحاوي للفتاوى، ج ۲، ص ۱۳۰.
۲ - ديلمی در الفردوس، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۸۹۲۰ حدیث یاد شده را از «عبدالله بن عمرو» روایت کرده است.

أبيه، عن جدّه، قال:

قال رسول الله ﷺ: «في ذي القعدة تجاذبُ القبائلُ [تجاذبُ القبائلُ]، وعامئذٍ يُتَهَبُ الحاجُّ، فتكونُ ملحمةً بيني، فيكثرُ فيها القتلى، وتُسْفَكُ فيها الدماءُ حتى تسيلَ دماؤُهُم على عقبةِ الجَمْرَةِ، حتى يهرُبَ صاحبُهُم، فيوتى بينَ الرُّكنِ وَالْمَقَامِ، فيبائعُ وَهُوَ كارهٌ، ويُقالُ له: إنْ أبيتَ ضربنا عنقَكَ، فيبائعُهُ مثلُ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، يَرْضَى عَنْهُ ساكِنُ السَّمَاءِ وَساكِنُ الأَرْضِ».

۱۵۲ - المُستدرِك، ج ۴، ص ۵۰۳:

أخبرني محمدُ بنُ المؤمِّل، ثنا الفضلُ بنُ محمد، ثنا نعيمُ بنُ حماد، ثنا أبو يوسف المقدسيّ، عن عبدالمَلِكِ بنِ أبي سليمان، عن عمرو بنِ شُعيب، عن أبيه، عن جدّه قال:

قال رسولُ الله ﷺ:

في ذي القعدة تجاذبُ القبائلُ وتُغادر، فيتَهَبُ الحاجُّ فتكونُ ملحمةً بيني يكثرُ فيها القتلى ويسيلُ فيها الدماءُ حتى تسيلَ دماؤُهُم على عقبةِ الجَمْرَةِ وحتى يهرُبَ صاحبُهُم، فيأتي بينَ الرُّكنِ وَالْمَقَامِ فيبائعُ وَهُوَ كارهٌ، يُقالُ له: إنْ أبيتَ ضربنا عنقَكَ، يُبائعُهُ مثلُ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، يَرْضَى عَنْهُمْ ساكِنُ السَّمَاءِ وَساكِنُ الأَرْضِ.

از نشانه‌های ظهور مهدی عج، ندای آسمانی در لزوم پیروی از اوست.

۱۵۳ - تلخیص المتشابه، خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۴۱۷، شماره ۶۶۰، در ترجمه

عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر حَضْرَمِيّ شامی:

أنا أبو الفرج عبدالسَّلام بنُ عبد الوهاب القُرشيّ - باصبهان - أنا سليمانُ بنُ أحمد الطَّبْرانيّ، نا ابراهيمُ بنُ محمد بنِ عَوْن، ثنا عبد الوهاب بن الضحَّاک، نا اسماعيلُ بنُ عِيَّاش، عن صفوان بن عمرو، عن عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر، عن كثير بن مرّة، عن عبدالله بن عمرو، عن النبيّ ﷺ قال:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: إِنَّ هَذَا الْمَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ»^۱.
 میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۷۹، ح ۵۳۱۶ در ترجمه عبدالوهاب بن ضحاک:
 عن اسماعيل بن عيَّاش، عن صفوان بن عمرو، عن عبدالرحمن بن جبَّير، عن كثير بن
 مرة، عن عبدالله بن عمر، قال: قال رسولُ الله ﷺ
 «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ»^۲ فيها مُنَادٍ يُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ
 فَاتَّبِعُوهُ».

روایاتی از عبدالله بن مسعود

خُلِقَ وَ خُوِيَ مَهْدِيٌّ ﷺ، خُلِقَ وَ خُوِيَ بِبَابِ اسْمِهِ ﷺ است.
 ۱۵۴ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۱۰، ص ۱۳۶ و ۱۳۷، حدیث شماره ۱۰۲۲۹:
 حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ التُّسْتَرِيُّ، ثنا واصلُ بنُ عبدِ الأعلی، ثنا محمدُ بنُ فضیل،
 عن عثمان بن عبدالله بن شبرمة، عن عاصم بن أبي النجود، عن زر بن حبيش، عن عبدالله
 ابن مسعود قال:

قال النبي ﷺ «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوْاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَخُلِقَهُ خُلُقِي، يَمْلَأُهَا
 عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۳.

۱۵۵ - الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۹۱، شماره ۶۷۸۶: ذكر البيان
 بأن المهدي يشبه خلقه خلق المصطفى.

أخبر محمد بن أحمد بن أبي عون الرِّيَّانِيُّ، قال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُتَدِّرِ، قال: حَدَّثَنَا ابْنُ
 فَضَيْلٍ، قال: حَدَّثَنَا عثمان بن شبرمة، عن عاصم بن أبي النجود، عن زر، عن عبدالله قال:

۱ - نیز بنگرید به: العاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ الفتاوی العبدیة، ص ۳۷.

۲ - ظاهراً «عِمَامَةٌ»، صحیح است یعنی قطعه ابری بر سر مهدی ﷺ است.

۳ - نیز بنگرید به: العاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۲.

قال النَّبِيُّ ﷺ «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَخُلِقَهُ خُلُقِي، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

مهدي ﷺ از فرزندان فاطمه ﷺ است.

۱۵۶ - الكامل، ابن عدی، ج ۳، ص ۴۲۸، در ترجمه سُوید بن سعید، ابومحمد الحدثانی التباری، شماره ۸۴۸:

ثنا إسحاق بن إبراهيم بن يونس، ثنا سُوید بن سعید، ثنا سُفيان بن عُيَيْتَةَ، عَنْ عاصِمٍ، عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ:

قال رسول الله ﷺ: «المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ».

۱۵۷ - میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۴۹، شماره ۳۶۲۱، در ترجمه سُوید بن سعید:

سُوید، حَدَّثَنَا سُفيان، عَنْ عاصِمٍ، عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، حَدِيثٌ:

«المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ». وَإِنَّمَا لَفْظُ الْجَمَاعَةِ عَنْ سُفيان: «يَمْلِكُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي،

يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

حکومت مهدي از خاندان پیامبر ﷺ و همنام آن حضرت

۱۵۸ - سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، حدیث شماره ۲۳۳۲، باب ما جاء في المهدي:

وعارضة الأخوذي بشرح صحيح الترمذی، ج ۹، ص ۷۵:

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنُ الْعَلَاءِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الْعَطَّارُ، حَدَّثَنَا سُفيان بن عُيَيْتَةَ، عَنْ عاصِمٍ،

عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ:

«يَلِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».^۱

۱۵۹ - المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۶، حدیث شماره ۱۰۲۲۷:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجَمَّالُ الْأصبهاني، ثنا إبراهيم بن عامر بن إبراهيم، ثنا أبي، عَنْ

۱ - نیز بنگرید به: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۶.

يعقوب القمّي، عن سعد^۱ بن الحسين، عن أبي بكر بن عيَّاش، عن عاصم بن أبي النجود، عن زِرِّ بن حُبَيْشٍ، عن عبد الله بن مسعود، عن النبي ﷺ قال:

«يَلِي أُمَّرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ زَمَانِهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَالِي أَسْمُهُ أَسْمِي.»

۱۶۰ - أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۳۲۹:

حدَّثنا أحمدُ بنُ بُنْدَارٍ، ثنا عَبَّاسُ بنُ حَمْدَانَ، ثنا اِبْرَاهِيمُ بنُ عَامِرٍ، ثنا أَبِي، عن يعقوب، عن سعيد بن الحسن ابنِ اخْتِ ثَعْلَبَةَ، عن أبي بكر بن عيَّاش، عن عاصمٍ، عن زِرِّ، عن عبد الله، عن النبي ﷺ قال:

«يَلِي أُمَّرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ زَمَانِهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَالِي أَسْمُهُ أَسْمِي.»

حکومت مهدی عجل الله فرجه از خاندان پیامبر ص و همنام آن حضرت، قطعی است.

۱۶۱ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بنِ حَنْبَلٍ، ج ۱، ص ۳۷۶:

ثَنَا سُفْيَانُ بنُ عُيَيْنَةَ، ثنا عاصمٌ، عن زِرِّ، عن عبد الله، عن النبي ﷺ قال:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلِيَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَالِي أَسْمُهُ أَسْمِي.»

۱۶۲ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۱۰، ص ۱۳۳، شماره ۱۰۲۱۶:

حدَّثنا مُعَاذُ بنُ الْمُثَنَّى، ثنا مُسَدَّدٌ، ثنا أَبُو شَهَابٍ مُحَمَّدُ بنُ اِبْرَاهِيمَ الْكِنَانِيُّ، ثنا عاصمٌ بنُ يَهْدَلَةَ، عن زِرِّ، عن عبد الله قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ لَمَلَكَ فِيهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ ﷺ.»

۱۶۳ - الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ج ۷، ص ۵۷۶، حديث شماره ۵۹۲۳:

حدَّثنا الفَضْلُ بنُ حُبَابٍ فِي عَقَبَةٍ، حدَّثنا مُسَدَّدٌ، حدَّثنا مُحَمَّدُ بنُ اِبْرَاهِيمَ أَبُو شَهَابٍ، حدَّثنا عاصمٌ بنُ يَهْدَلَةَ، عن زِرِّ، عن ابن مسعود، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ لَمَلَكَ فِيهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَالِي

أَسْمُهُ أَسْمِي.»

۱ - ظاهراً سعيد بن الحسن، درست است مانند شماره ۱۶۰.

مهدی علیه السلام که همنام پیامبر صلی الله علیه و آله است قطعاً حکومت می کند و زمین را سرشار از عدل و داد می سازد همان گونه که سرشار از ظلم و ستم شده باشد.

۱۶۴ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۱۰، ص ۱۳۳، حدیث شماره ۱۰۲۱۴:

حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ هَارُونَ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاهِرٍ الرَّازِيُّ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْقُدُّوسِ، عَنْ الْأَعْمَشِ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ، عَنْ زُرِّ بْنِ حَبِيثٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رضی الله عنه - قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

حکومت مهدی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همنام آن حضرت قطعی است.

عنوان یاد شده، مضمون حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله است که ابن مسعود آن را روایت کرده که ۱۸ طریق آن به شرح ذیل است:

۱۶۵ - سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ، «کتاب المَهْدِيِّ» ج ۲، ص ۴۲۱:

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، قال: حَدَّثَنَا يَحْيَى، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ زُرَّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قال:

«لا تَذْهَبُ - أَوْ لا تَنْقُضِي^۱ - الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۶۶ - همان: حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ جَدَّ نَحْنُ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ زُرَّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قال:

«لا تَذْهَبُ - أَوْ لا تَنْقُضِي^۲ - الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۶۷ - همان: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ، ثنا ابوبکر - یعنی ابن عیاش - عن عاصم، عن زُرِّ، عن عبدالله، عن النبي ﷺ قال:

«لا تَذْهَبُ - أو لا تَنْقُضِي^۱ - الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اشْمِي».

در کتاب «بَدَلُ الْمَجْهُودِ فِي حَلِّ أَبِي دَاوُدَ» ج ۱۷، ص ۱۹۰، در شرح حدیث یاد شده آمده که عمر بن عبید و ابوبکر و سفیان ثوری، از عاصم بن بهدله، آن را روایت کرده‌اند.

۱۶۸ - مُنَنِ الثَّرْمِذِي، ج ۳، ص ۳۴۳، حدیث شماره ۲۳۳۱، باب مَا جَاءَ فِي الْمَهْدِيِّ؛ و عَارِضَةُ الْأَخْوَزِيُّ بِشَرْحِ صَحِيحِ الثَّرْمِذِي، ج ۹، ص ۷۴:

حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ أَسْبَاطِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقُرَشِيِّ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ بَهْدَلَةَ، عَنْ زُرِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اشْمِي».^۲

قال أبو عيسى: وفي الباب عن علي، وأبي سعيد، وأم سلمة، وأبي هريرة، وهذا حديث حسن صحيح.^۳

۱۶۹ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۱، صص ۳۷۶-۳۷۷ و مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، شرح احمد شاکر، ج ۵، ص ۱۹۹، حدیث شماره ۳۵۷۲:

حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عُبَيْدٍ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ، عَنْ زُرِّ بْنِ حَبِيشٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَلَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ

۱ - تردید از راوی است.

۲ - نیز بنگرید به: مِرْقَاةُ الْمَفَاتِيحِ، ج ۹، ص ۳۴۸، ش ۵۴۵۲: الْحَاوِي لِلْفَتَاوِي، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳ - برای توضیح این تعبیر، به پاورقی حدیث شماره ۴۵، مراجعه شود.

أَهْلِي بَيْتِي، اسْمُهُ اسْمِي».

۱۷۰ - همان، ج ۱، ص ۳۷۷ و ۴۳۰، مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، شرح احمد شاکر، ج ۵، ص ۱۹۹، حدیث شماره ۳۵۷۳ و ج ۶، ص ۷۴، حدیث شماره ۴۰۹۸:
حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ سُفْيَانَ، حَدَّثَنِي عَاصِمٌ، عَنْ زُرِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ:
«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا، أَوْ قَالَ: لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي،
يُؤَاطِيُ اسْمَهُ اسْمِي».

در شرح احمد شاکر آمده: إسناده صحيح.

۱۷۱ - همان، ج ۱، ص ۴۴۸ و مُسْنَدُ أَحْمَدَ، شرح احمد شاکر، ج ۶، ص ۱۳۹، شماره
:۴۲۷۹

حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الطَّنَافِيسِيِّ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ، عَنْ زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ، عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَلَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِي، يُؤَاطِيُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۷۲ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۱۰، ص ۱۳۱، شماره ۱۰۲۰۸:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ السَّرِيِّ بْنِ مِهْرَانَ النَّاقِدِ، ثنا عبد الله بن عمر بن أبان، ثنا يوسف بن
حَوْشَبِ الشَّيْبَانِيِّ، ثنا أبو يزيد الأعور، عن عمرو بن مرة، عن زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ، عن عبد الله
ابن مسعود، قال:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُؤَافِقُ اسْمَهُ
اسْمِي».

۱۷۳ - همان: ص ۱۳۳، شماره ۱۰۲۱۵:

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْمَرِيُّ، ثنا عبد الغفار بن عبد الله الموصلي، ثنا علي بن مشهر،
عن أبي اسحاق الشيباني، عن عاصم بن أبي النجود، عن زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ، عن ابن مسعود،
قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَذْهَبُ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي»^۱.

۱۷۴ - همان: ص ۱۳۴، شماره ۱۰۲۱۷:

حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّلَالِيُّ الكُوفِيُّ، ثنا إبراهيم بن إسحاق الصينِّي، ثنا عبد الله بن حكيم بن جبَّير، عن عاصم، عن زرِّ، عن عبد الله، قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۷۵ - الْمُعْجَمُ الكَبِيرُ، ص ۱۳۴، شماره ۱۰۲۱۸:

حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ الْمُثَنَّى، ثنا مُسَدَّدٌ، ثنا يحيى بن سَعِيدٍ، عن سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ، عن عاصم، عن زرِّ، عن عبد الله، قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۷۶ - همان: حَدَّثَنَا الحَسِينُ بْنُ إِسْحَاقَ التُّسْتَرِي، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَهْمِ الْأَنْطَاكِيِّ، ثنا أبو إسحاق الفزاري، عن سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ، عن عاصم، عن زرِّ، عن عبد الله، قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۷۷ - همان: و حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الحَضْرَمِيُّ، ثنا عُبَيْدُ بْنُ أُسْبَاطِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عن سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ، عن عاصم، عن زرِّ، عن عبد الله، قال:

قال رسول الله: «لَا يَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱ - نیز بنگرید به: تَذْكَرَةُ الحُقَافِ، ج ۲، ص ۴۸۸، ش ۵۰۲ در ذیل شرح حال عمرو بن علی بن بحر بن کنیز.

۱۷۸ - همان، ج ۱۰، ص ۱۳۴ - ۱۳۵، شماره ۱۰۲۲۱:

حدَّثنا ابراهيمُ بنُ دُحَيْمِ الدَّمَشَقِيُّ، ثنا أبي، ثنا الوليدُ بنُ مُسْلِمٍ، ثنا عبدُ المَلِكِ بنُ أبي غَنِيَّةَ، أَخبرني عاصِمٌ، عن زِرِّ، عن عبدالله، قال: سمعتُ رسولَ الله ﷺ يقول: «لا يَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۷۹ - همان: ص ۱۳۵، شماره ۱۰۲۲۳:

حدَّثنا الحسينُ بنُ إِسْحاقَ التُّسْتَرِيُّ، ثنا مُحَمَّدُ بنُ أَبانِ الواسِطِيُّ، ثنا عُمَرُ بنُ عُبيدِ الطَّنَافِيسِيِّ، عن عاصِمٍ، عن زِرِّ بنِ حَبِيشٍ، عن ابنِ مسعودٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ -، قال: قال لي رسولُ الله ﷺ: «لا يَذْهَبُ الدُّنْيَا - أَوْ: لا يَنْقُضِي الأَيَّامُ - حَتَّى يَمْلِكَ العَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۸۰ - همان: ص ۱۳۶، شماره ۱۰۲۲۶:

حدَّثنا يحيى بنُ إِسْماعيلِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ يحيى بنِ جَرِيرِ بنِ عبداللهِ البَجَلِيِّ الكُوفِيِّ، ثنا جعفرُ بنُ عليِّ بنِ خالدِ بنِ جَرِيرٍ، ثنا أبو الأَحْوصِ، قال: سألتُ عاصِمَ بنَ أبي النَّجُودِ، فَقُلْتُ: يا أبا بَكْرٍ، ذَكَرْتَ عَن زِرِّ بنِ حَبِيشٍ، عن عبدالله بنِ مسعودٍ، قال: قال رسولُ الله ﷺ: «لا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي»؟ قال: نَعَمْ.

۱۸۱ - المُعْجَمُ الكَبِيرُ، ص ۱۳۷، شماره ۱۰۲۳۰:

حدَّثنا عليُّ بنُ سَعِيدِ الرَّاظِيِّ، ثنا الحُسَيْنُ بنُ عمرو العَنْقَرِيُّ، ثنا تميمُ بنُ الجَعْدِ، عن عمرو بنِ قَيْسِ المُلَائِيِّ، عن عاصِمٍ، عن زِرِّ، عن عبدالله قال: قال رسولُ الله ﷺ: «لا يَذْهَبُ الأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلا يَوْمٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۸۲ - حِلْيَةُ الأَوْلِياءِ، ج ۵، ص ۷۵ که با سه طریق نقل می‌کند:

حدَّثنا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمٍ^۱ قَالَ: ثنا عبد الله بن محمد بن ناجية، وعلی بن اسحاق، ومحمد بن أبان، قالوا: ثنا يوسف بن حوشب قال: ثنا أبو يزيد الأعور، عن عمرو بن مرة، عن زر بن حبيش، عن عبد الله بن مسعود، قال:

قال رسول الله ﷺ: «لا تذهب الدنيا حتى يملك رجلٌ من أهل بيتي، يُواطئ اسمه اسمي». ۱۸۳ - الكامل، ج ۲، ص ۸۷ در ترجمه تلید بن سلیمان ابودریس المحاربی کوفی: ثنا احمد بن محمد بن سعید، ثنا جعفر بن محمد بن سعید، ثنا حسن بن حسین، ثنا تلید بن سلیمان، عن حمزة الزيات، عن عاصم، عن زر، عن عبد الله، قال رسول الله ﷺ: «لا تذهب الدنيا حتى يلي أمتي رجلٌ من أهل بيتي، يُواطئ اسمه اسمي».

۱۸۴ - تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۸۸:

أخبرنا عبد الغفار بن محمد بن جعفر المؤدب، حدَّثنا أبو الفتح محمد بن الحسين الأزدي، حدَّثنا أحمد بن محمد بن إسماعيل الهيتي - ابوبكر قديم بغداد - حدَّثنا أحمد بن يحيى الصوفي حدَّثنا إسحاق بن منصور السلولي، حدَّثنا سليمان بن قزم، عن عاصم، عن زر، عن عبد الله، قال:

قال رسول الله ﷺ: «لا تنقضي الدنيا - أو: لا تذهب الدنيا - حتى يلي رجلٌ من أهل بيتي، يُواطئ اسمه اسمي».

حکومت عدل جهانی مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همنام آن حضرت، قطعی است.

ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که روزگار به پایان نمی رسد جز اینکه مردی از خاندان آن حضرت که همنام اوست، حکومت می کند و جهان را پر از عدل و داد

۱ - محتمل است ابوبکر محمد بن عمر بن محمد بن سالم تمیمی بغدادی = ابن جماین باشد که شیخ ابونعمین حافظ است (بنگرید به: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۲۵).

می‌سازد همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

۱۸۵ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۱۰، ص ۱۳۴، شماره ۱۰۲۱۹:

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ التُّسْتَرِيُّ، ثنا حَامِدُ بْنُ يَحْيَى الْبَلْخِيُّ، ثنا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ، عَنْ زُرَّارِ بْنِ حَبِيشٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا».

۱۸۶ - همان: ص ۱۳۴، شماره ۱۰۲۲۰، که با دو طریق نقل می‌کند:

حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْبَغْدَادِيُّ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي خَيْثَمَةَ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ خَالِدِ الْعَطَّارِ، ثنا عَمْرُو بْنُ عَبْدِ الْغَفَّارِ، ثنا شُعْبَةُ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ، عَنْ زُرَّارِ بْنِ حَبِيشٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي».

۱۸۷ - همان، ص ۱۳۵، شماره ۱۰۲۲۵:

حَدَّثَنَا عَبْدَانُ بْنُ أَحْمَدَ، ثنا عبدالله بن عمر بن أبان، ثنا يوسف بن حوَّشب، ثنا واسط بن الحارث، عن عاصم بن أبي النجود، عن زرار بن حبيش، عن عبدالله - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَافِقُ اسْمَهُ اسْمِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

۱۸۸ - همان: ص ۱۳۶، شماره ۱۰۲۲۸:

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّيْسَابُورِيُّ، ثنا مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ، ثنا أَبُو غَسَّانِ الْمِسْمَعِيُّ، ثنا مُعَاذُ بْنُ هِشَامٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَاصِمِ بْنِ زُرَّارٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ: «لَا يَذْهَبُ الْأَيَّامُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

۱۸۹ - الْمُعْجَمُ الصَّغِيرُ، تصحيح عبدالرحمن محمد عثمان، ج ۲، ص ۱۴۸:

حدَّثنا يحيى بن اسماعيل بن محمد بن يحيى بن محمد بن زياد بن جرير بن عبدالله البجلي الكوفي، حدَّثنا جعفر بن علي بن خالد بن جرير بن عبدالله البجلي، حدَّثنا أبو الأحوص سلام بن سليم، عن عاصم بن أبي النجود، عن زر بن حبيش، عن عبدالله بن مسعود قال:

قال رسول الله ﷺ: «لا تذهب الدنيا حتى يملك رجلٌ من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي، يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً».

۱۹۰ - المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۳، حديث شماره ۱۰۲۱۴:

حدَّثنا موسى بن هارون، ثنا عبدالله بن داهر الرازي، ثنا عبدالله بن عبدالقُدوس، عن الأعمش، عن عاصم بن أبي النجود، عن زر بن حبيش، عن عبدالله بن مسعود رضي الله عنه، قال: قال رسول الله ﷺ: «لا تقوم الساعة حتى يملك رجلٌ من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي، يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً».

۱۹۱ - الكامل، ج ۷، ص ۹۳ در ترجمه واسط بن حارث:

ثنا محمد بن ابراهيم بن ميمون السراج، ثنا عبدالله بن عمر بن أبان، ثنا يوسف بن حوَّشب، ثنا واسط بن الحارث، عن عاصم، عن زر، عن عبدالله. قال رسول الله ﷺ: «لا تذهب الدنيا حتى يملك رجلٌ من أهل بيتي، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً».

نکته شایان توجه

در ارتباط با روایات شماره ۱۹۲ تا ۲۰۴، خاطر نشان می‌سازد:

هر چند برخی از راویان مانند «زائدة بن قدامة ثقفی» از «عاصم» از «زر» از «عبدالله ابن مسعود» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: ... یواطئ اسمه اسمي و اسم أبيه اسم أبي.

ولی اولاً - محدثان بزرگی همچون «احمد بن حنبل» در المُسَنَد، در چند مورد هنگام نقل احادیث پیامبر در باره نَسَب مَهْدی علیه السلام از طُرُق مختلف، تنها «اِسْمُهُ اِسْمِي» را بدون جمله «اِسْمُ اَبِيهِ اِسْمُ اَبِي» از عبدالله بن مسعود روایت کرده است^۱؛ و «تِرْمِذِي» نیز در السُّنَنِ بدون جمله مزبور نقل کرده است^۲.

ثانیاً - بسیاری از محدثان و راویان نیز از «عاصِم» و غیر عاصِم آن هم برخی به چند طریق، بدون جمله «اِسْمُ اَبِيهِ اِسْمُ اَبِي» نقل کرده اند که نام شماری از این راویان همراه با شماره روایت مندرج در این کتاب از باب نمونه ذکر می شود:

- ۱ - ابوبکر بن عیاش بن سالم اَسَدِي، / ۱۶۰، ۱۶۷
- ۲ - اَسْبَاطُ بْنُ مُحَمَّدٍ قُرَشِي، / ۱۶۸
- ۳ - جعفر بن علی بن خالد بن جریر بن عبدالله بَجَلِي، / ۱۸۰
- ۴ - حمزة بن حبيب الزِّيَّات، / ۱۸۳
- ۵ - سعيد بن حسن بن سعيد اِسْكَاف، / ۱۵۹، ۱۶۰
- ۶ - سُفْيَانُ ثَوْرِي، (سُفْيَانُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ مَسْرُوقِ ثَوْرِي)، / ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷
- ۷ - سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ هِلَالِي، / ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۸۵
- ۸ - ابوالأخوص كوفي، سَلَامُ بْنُ سُلَيْمٍ، / ۱۸۰، ۱۸۹
- ۹ - ابواسحاق شَيْبَانِي، سُلَيْمَانُ بْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ، / ۱۷۳
- ۱۰ - سُلَيْمَانُ بْنُ قَرْمٍ، / ۱۸۴، ۲۰۲
- ۱۱ - اَعْمَشُ، سُلَيْمَانُ بْنُ مِهْرَانَ، / ۱۶۴، ۱۹۰
- ۱۲ - شُعْبَةُ بْنُ حَجَّاجٍ، / ۱۸۶، ۲۰۰

۱ - بنگرید به: شماره های ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲ - بنگرید به: حدیث شماره ۱۶۸.

- ۱۳ - عبدالله بن حکیم بن جبیر، / ۱۷۴
- ۱۴ - عثمان بن عبدالله شبرمه، (عثمان شبرمه)، / ۱۵۴، ۱۵۵
- ۱۵ - عمر بن عبید ظنابسی، / ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۹
- ۱۶ - عمرو بن قیس ملاتی، / ۱۸۱
- ۱۷ - عمرو بن مره، / ۱۷۲، ۱۸۲
- ۱۸ - ابوشهاب محمد بن ابراهیم کنانی، / ۱۶۲، ۱۶۳
- ۱۹ - معاذ بن هشام دستوائی، / ۱۸۸
- ۲۰ - واسط بن حارث، / ۱۸۷، ۱۹۱.
- ثالثاً - به احتمال زیاد، این افزوده یعنی جمله «و اسم ایبه اسم ابی» برای تطبیق و تأیید دعوت به مهدویت «محمد بن عبدالله مخض» ملقب به «نفس زکیه^۱» و یا برای تطبیق و تقویت و تحکیم حکومت «محمد بن عبدالله منصور عباسی» ملقب به «مهدی عباسی»^۲ جعل شده است.

۱ - در کتاب الفخری فی الآداب السلطانیة والدول الإسلامیة، تألیف محمد بن علی بن طباطبا، معروف به ابن طقطقی (۶۶۰ - ۷۰۹ هـ) چاپ المطبعة الزحمانیة، مصر، سال ۱۳۴۵ هـ . ۱۹۲۷ م، ص ۱۲۰ در شرح خروج نفس زکیه، می نویسد:

«و هو محمد بن عبدالله المخض، بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابي طالب عليه السلام، كان النفس الزکیة من سادات بني هاشم ورجالهم فضلاً و شرفاً، و دیناً، و علماً، و شجاعةً، و فصاحةً، و رئاسةً، و کرماً، و نبلاً، و كان في ابتداء الامر قد شیع بين الناس انه المهدي الذي یبشر به، و اثبت أبوه هذا في نفوس طوائف من الناس، و كان یروي أن الرسول - صلوات الله عليه و سلامه - قال: «لو بقی من الدنيا يوم لَطَوَّلَ اللهُ ذلك اليوم حتى یبعث فيه مَهْدِيْنَا - أو: قائمنا -، اسمه کاشمي، و اسم ایبه کاسم ابي».

... فكان عبدالله المخض يقول للناس عن ابنه محمد: هذا هو المهدي الذي یبشر به، هذا محمد بن عبدالله...

۲ - در کتاب تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۳۹۹ در ضمن نام عبدالله القائم بأمر الله، بن احمد... به شماره ۵۰۰۷، از

رابعاً - در صورتی که جمله مزبور، جزو حدیث باشد، با توجه به روایاتی که از طریق اهل بیت پیامبر ﷺ درباره مهدی ﷺ رسیده است باید جمله یادشده، تصحیف شده «اشمه اشمی و اشم ابیه اشم ابنی» باشد.

→ پیامبر گرامی اسلام ﷺ روایت شده است:

«مِنَا الْقَائِمِ، وَ مِنَا الْمَنْصُورِ، وَ مِنَا السَّقَّاحِ، وَ مِنَا الْمَهْدِيِّ، فَأَمَّا الْقَائِمُ فَيَأْتِيهِ الْخِلَافَةُ لَمْ يُهْرَاقَ فِيهَا مَحْجَمَةٌ مِنْ دَمٍ، وَ أَمَّا الْمَنْصُورُ فَلَا يَدْرِكُهُ رَايَةٌ، وَ أَمَّا السَّقَّاحُ فَهُوَ يَسْفَحُ الْمَالَ وَالْدَّمَ، وَ أَمَّا الْمَهْدِيُّ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا».

در کتاب *الأغانی*، ابوالفرج اصفهانی، و *وزارة الثقافة والإرشاد القومي*، المؤسسة المصرية العامة للتأليف والترجمة والطباعة والنشر، ج ۱۳، ص ۲۸۶ - ۲۸۷ تحت عنوان «أخبار مطيع بن إياس ونسبه» می نویسد:

حدثنی عیسی بن الحسن الوریاق قال: حدثنی عمر بن محمد بن عبدالمملک الزیاتی، و حدثنی به الحسن بن علی، عن ابن مہرویه، عن عمر بن محمد بن عبدالمملک الزیاتی، قال: حدثنی، محمد بن ہارون، قال: أخبرنی الفضل بن إیاس الہذلی الکوفی أن المنصور کان یرید البیعة للمہدی، وکان ابنہ جعفر یمترض علیہ فی ذلك، فأمر بإحضار الناس فحضروا، وقامت الخطباء فتکلموا، وقالت الشعراء فأكثروا فی وصف المہدی وفضائلہ، و فیہم مطیع بن إیاس، فلما فرغ من کلامہ فی الخطباء وإنشادہ فی الشعراء قال للمنصور:

یا أمیر المؤمنین، حدثننا فلان عن فلان أن النبی ﷺ قال: «المہدی مِنَا محمد بن عبد اللہ، وأمہ من غیرنا، یملأها عدلاً کما ملئت جوراً». و هذا العباس بن محمد أخوک یشہد علی ذلك.

ثم أقبل علی العباس فقال له: أنشدک الله هل سمعت هذا؟ فقال: نعم. مخافة من المنصور. فأمر المنصور الناس بالبیعة للمہدی.

قال: ولما انقضى المجلس، وکان العباس بن محمد لم یأتس به، قال: رأیتم هذا الزنادیق إذ کذب علی الله عزوجل ورسوله ﷺ حتی استشهدنی علی کذبه، فشهدت له خوفاً، وشهد کل من حضر علی بانی کاذب؟!

و یبلغ الخبر جعفر بن أبی جعفر، وکان مطیع منقطعاً إلیه ینخدمه، فخافه، وطرده عن خدمته. قال: وکان جعفر ماجناً، فلما بلغه قول مطیع هذا غاظه، وشقت علیہ البیعة لمحمد، فأخرج أبیه ثم قال: إن کان أخی محمد هو المہدی، فهذا القائم من آل محمد.

۱۹۲ - سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ، ج ۲، ص ۴۲۲، (کتاب المَهْدِيِّ):

ثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: ثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، أَخْبَرَنَا زَائِدَةٌ، عَنْ عَاصِمٍ، عَنْ زُرَّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي - زَادَ فِي حَدِيثِ فِطْرِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

۱۹۳ - همان: ثنا احمد بن ابراهيم، قال: حدثني عبيد الله بن موسى، عن فطر، عن

عاصم، عن زر، عن عبد الله، عن النبي ﷺ قال:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي - زَادَ فِي حَدِيثِ فِطْرِ: - يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۱.

۱۹۴ - الفتن والملاحم، نعيم بن حماد، ص ۲۰۶:

حدثنا يحيى بن اليمان عن الثوري سفيان، وزائدة، عن عاصم، عن أبي وائل، عن زر،

عن عبد الله، عن النبي قال:

۱ - در المنار المنيف، ص ۱۴۳ آمده است: رواه أبو داود، والترمذي، وقال: حديث حسن صحيح. قال: و

في الباب عن علي، وأبي سعيد، وأم سلمة، وأبي هريرة. محقق کتاب یادشده، «عبدالفتاح ابو غده» در

پاورقی آن نوشته است: رواه أبو داود في «سننه» في كتاب المَهْدِيِّ ۴: ۱۵۱، والترمذي في «سننه» في

أبواب الفتن، في (باب ما جاء في المَهْدِيِّ) ۹: ۷۴.

ولی با مراجعه به همان جلد و صفحه «صحيح الترمذي بشرح الإمام أبي بكر بن العربي المالكي

چاپ اول، صفر ۱۳۵۳ هـ. مصر، ج ۹، ص ۷۴، باب ما جاء في المَهْدِيِّ، ملاحظه می شود که فقط

«اسمهُ اسمي» است و اصلاً «اسمُ أبيهِ اسمُ أبي» را ندارد و بنابراین اولاً، تعجب از ابن قیّم بخوژیه،

صاحب المنار المنيف است که چرا در مقام نقل خلاف واقع برمی آید. ثانیاً، از عبدالفتاح ابو غده که

تحقیق کتاب مزبور را بر عهده دارد، انتظار است که این نقل خلاف واقع و خطا را کشف نماید نه اینکه

در صدد تأکید و تشدید آن برآید.

«المَهْدِيُّ يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي».

۱۹۵ - المصنّف، ابن أبي شيبة، ج ۸، ص ۶۷۸، حديث شماره ۱۹۳:

الفضل بن دكين، قال: حدثنا فطر، عن زرّ، عن عبدالله قال:

قال رسول الله ﷺ: «لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله رجلاً من أهل بيتي، يواطى اسمه

اسمي واسم أبيه اسم أبي».

۱۹۶ - المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۳۵، شماره ۱۲۵۵:

حدثنا أحمد، قال: حدثنا عبد الأعلى بن حماد التريسي، قال: حدثنا عبيد الله بن

موسى، قال: حدثنا زائدة، عن عاصم، عن زرّ، عن عبدالله، قال:

قال رسول الله ﷺ: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم أطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً

من أهلي، يواطى اسمه اسمي، واسم أبيه اسم أبي، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت

ظُلماً وجوراً».

۱۹۷ - المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۵، شماره ۱۰۲۲۲:

حدثنا العباس بن محمد المصباحي الإصبهاني، ثنا محمد بن أبي يعقوب الكرماني، ثنا

عبيد الله بن موسى، عن زائدة، عن عاصم، عن زرّ، عن عبدالله قال:

قال رسول الله ﷺ: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم أطول الله ذلك اليوم حتى يبعث الله فيه

رجلاً مني، أو من أهلي [أهل بيتي] يواطى اسمه اسمي، واسم أبيه اسم أبي».

۱۹۸ - همان: ص ۱۳۵، شماره ۱۰۲۲۴:

حدثنا الحسين بن إسحاق التستري، ثنا حميد بن محمد الرازي، ثنا هارون بن

المغيرة، عن عمرو بن أبي قيس، عن عاصم، عن زرّ، عن عبدالله، قال:

قال رسول الله ﷺ: «لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة أطول الله تلك الليلة حتى يملك رجل

من أهل بيتي، يواطى اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي، يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً

وَجَوْرًا».

۱۹۹ - المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۳، شماره ۱۰۲۱۳:

حدَّثنا عليُّ بنُ عبدالعزیز، ثنا أبو نعیم، ثنا فطرٌ بن خليفة، عن عاصم بن أبي النجود، عن زرِّ بن حبیش، عن عبدالله بن مسعود، يرفعه إلى النبي ﷺ قال: «لا يذهب الدنيا حتى يبعث الله رجلاً من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي».

۲۰۰ - المستدرک، ج ۲، ص ۴۴۲:

سفيان الثوري، وشعبة، وزائدة، وغيرهم من أئمة المسلمين، عن عاصم بن بهدلة، عن زرِّ بن حبیش، عن عبدالله بن مسعود رضي الله عنه، عن النبي ﷺ أنه قال: «لا تذهب الأيام والليالي حتى يملك رجلٌ من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي، فيملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً».

۲۰۱ - أخبار أصبهان، ج ۲، ص ۱۹۵:

حدَّثنا أبو محمد بن حيان، ثنا أبو بكر بن الجارود، ثنا محمد بن عيسى الزجاج، ثنا أبو نعیم، ثنا فطرٌ، عن أبي إسحاق وعاصم، عن زرِّ، عن عبدالله، قال: قال رسولُ الله ﷺ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمًا وَاحِدًا، بَعَثَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي».

۲۰۲ - تاريخ بغداد، خطيب بغدادی، چاپ مصر، ج ۱، ص ۳۷۰، که با شش طریق،

نقل می شود:

أخبرني أبو القاسم عبدالعزیز بن محمد بن نصر السُّتوري، وأبو الحسن علي بن أحمد ابن محمد الرزاز، قالوا: تبانا محمد بن عبدالله بن إبراهيم الشافعي، قال: حدَّثني محمد بن أحمد بن الهيثم الدوري، قال: حدَّثني أحمد بن الهيثم، قال: حدَّثني سورة بن الحكم صاحب الرأي، قال: تبانا سليمان بن قزم، ويحيى بن ثعلبة، وحماد بن سلمة، وقيس بن الربيع، وأبو بكر بن عيَّاش، عن عاصم، عن زرِّ، عن عبدالله بن مسعود، قال:

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «يَمْلِكُ النَّاسَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، اسْمُهُ اسْمِي، واسمُ أبيه اسمُ أبي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجورًا».

۲۰۳ - تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۹۱:

أخبرنا أبو نعيم الحافظ، حدثنا سليمان بن أحمد الطبراني، حدثنا أبو زيد عبد الرحمن ابن حاتم المرادي، حدثنا نعيم بن حماد، حدثنا يحيى بن يمان، حدثنا شفيان وزائدة، عن عاصم أبي وائل^۱، عن زر، عن عبدالله، عن النبي ﷺ قال: «المهدي، يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي».

۲۰۴ - الاحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۹۱، شماره ۶۷۸۵:

أخبرنا الحسين بن أحمد بن بسطام بالأبلة^۲، قال: حدثنا عمرو بن علي بن بحر، قال: حدثنا ابن مهدي، عن شفيان، عن عاصم، عن زر، عن عبدالله قال: قال رسول الله ﷺ: «لا تقوم الساعة حتى يملك الناس رجلاً من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي، فيملأها قسطاً وعدلاً».

لزوم پیوستن به مجاهدان و منتظران مهدی دادگستر

۲۰۵ - سنن ابن ماجه، باب خروج المهدي، ج ۲، ص ۱۳۶۶، حدیث شماره ۴۰۸۲:

حدثنا عثمان بن أبي شيبة، ثنا معاوية بن هشام، ثنا علي بن صالح، عن يزيد بن أبي زياد، عن ابراهيم، عن علقمة، عن عبدالله قال:

بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ أَقْبَلَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَلَمَّا رَأَاهُمُ النَّبِيُّ ﷺ اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ، قَالَ: فَقُلْتُ: مَا نَزَالُ تَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكَرَهُ؟ فَقَالَ: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً

۱ - ظاهراً همان گونه که در شماره ۱۹۳ از نعيم بن حماد، نقل شده ابو وائل، مَرَوِيٌّ عَنْهُ عَاصِمٌ اسْت، بنابراین باید «عَنْ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي وَائِلٍ» درست باشد.

۲ - شهر قدیمی در چهار فرسخی بصره. (بنگرید به: الأئساب، ج ۱، ص ۹۸، ش ۴۱).

وَتَشْرِبِدَا وَتَطْرِبِدَا، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ، فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا، فَلَا يَقْبَلُونَهُ، حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى النَّلْجِ»^۱.

ابن کثیر، در کتاب النہایۃ، أو الفتن و الملاحم، ج ۱، ص ۲۸ پس از نقل حدیث مزبور، نوشته است: «و فیہ دلالة علی أن یكون المہدی بعد دولة بنی العباس، وأنه یكون من اهل البیت من ذریة فاطمة بنت رسول الله ﷺ».

۲۰۶ - الفتن و الملاحم، نعیم بن حماد، ص ۱۷۴:

حدَّثنا مُحَمَّدُ بْنُ فَضَيْلٍ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِدْرِيسَ، وَجَرِيرٌ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ﷺ - قَالَ:

بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ جَاءَ فِئْتَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ. فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا نَزَالَ نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكْرَهُهُ! فَقَالَ:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي هُوَ لَأَيُّ سَيِّئَتَلُونَ^۲ بَعْدِي بَلَاءٌ وَتَطْرِبِدَا وَتَشْرِبِدَا، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ هَاهُنَا مِنْ نَحْوِ الْمَشْرِقِ أَصْحَابُ رَايَاتٍ سُودٍ، يَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، فَيَقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهَا حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأُوهَا ظُلْمًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى النَّلْجِ، فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ»^۳.

الکامل، ابن عدی، ج ۴، ص ۲۲۸، شماره ۱۰۴۶:

وقال [ابن عدی] : ثنا علی بن سعید بن بشیر، حدَّثنا عبد الله بن داهر بن يحيى

۱ - نیز بنگرید به: العاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۷، المسند الجامع، ج ۱۲، ص ۲۲۴، ش ۹۴۲۹.

۲ - ظاهراً همان گونه که در عبارت ابن ماجه آمده، «سَيِّئَتَلُونَ» درست است.

۳ - نیز بنگرید به: العاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۷.

الرَّازِيُّ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ ابْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ، عَنِ اِبْرَاهِيْمَ، عَنِ عَلْقَمَةَ، وَالْأَسْوَدِ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ:

بَيْتَنَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أَقْبَلَ نَقَرٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَوْ فِئْتِيَّةً، فَلَمَّا رَأَاهُمْ أَحْمَرَ لَوْنَهُ أَوْ أَحْمَرَ وَجْهَهُ وَاعْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَاللَّهِ مَا نَزَالُ نَرَى فِي وَجْهِكَ مَا تَكْرَهُ! فَقَالَ: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي هُوَ لَاءِ سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَطْرِيداً وَتَشْرِيداً، حَتَّى يَجِيءَ قَوْمٌ مِنْ هَاهُنَا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ أَصْحَابُ رَايَاتِ سُودٍ، يَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ - قَالَ ذَلِكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثاً - فَيَقَاتِلُونَ فَيَنْصَرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ، ثُمَّ يُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ - قَالَ ذَلِكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثاً - حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا قِسْطاً كَمَا مَلِئْتَ ظُلْماً، أَوْ كَمَا مَلَأَهَا الْقَوْمُ ظُلْماً، فَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَجِئْهُمْ وَلَوْ حَبِوْا عَلَى الثَّلْجِ»^۱.

۲۰۷ - المُسْتَدْرَك، ج ۴، ص ۴۶۴، كه با دو طريق نقل شده است:

أخبرني أبو بكر بن دارم الحافظ بالكوفة، ثنا محمد بن عثمان بن سعيد القرشي، ثنا يزيد بن محمد الثقفي، ثنا حبان بن سدير، عن عمرو بن قيس الملائتي، عن الحكم، عن إبراهيم، عن علقمة بن قيس، وعبيدة السلماني، عن عبدالله بن مسعود رضي الله عنه، قال: أتينا رسول الله صلى الله عليه وسلم، فخرج إلينا مستبشراً يُعرفُ السُّرُورُ في وجهه، فما سألناه عن شيءٍ إلَّا أخبرنا به، ولا سكتنا إلَّا ابتدأنا، حتى مرَّت فتيَّةٌ من بني هاشم فيهم الحسنُ والحسينُ، فلما رآهم التزمهم وأنهملتُ عيناهُ، فقلنا: يا رسولَ اللهِ، ما نزالُ نرى في وجهك شيئاً نكرههُ! فقال:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ سَيَلْقَى أَهْلُ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيداً وَتَشْرِيداً فِي الْبِلَادِ، حَتَّى تَرْتَفَعَ رَايَاتُ سُودٍ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ

۱ - نیز بنگرید به: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۱۶، ش ۴۲۹۵ در ترجمه عبدالله بن داهر؛ لسان المیزان،

يَسْأَلُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَسْأَلُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ، فَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ أَوْ مِنْ
أَعْقَابِكُمْ فَلْيَاتِ إِمَامَ أَهْلِ بَيْتِي وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ؛ فَإِنَّهَا رَايَاتٌ هُدًى يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي ۱، فَيَمْلِكُ الْأَرْضَ قَسِيمًا لَهَا قِسْطًا
وَعَدْلًا كَمَا مَلَكَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا ۲.

۲۰۸ - أخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۲:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ، ثنا عَلِيُّ بْنُ الْوَزِيرِ، ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى السُّدِّيُّ، ثنا عمرو
ابن القاسم، عن يزيد بن أبي زياد، عن ابراهيم، عن علقمة، عن عبد الله، قال:
كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَرَأَيْنَا فِي وَجْهِهِ شَيْئًا كَرِهْنَاهُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا نَزَالَ
نَرَى فِي وَجْهِكَ الشَّيْءَ نَكْرَهُهُ، فَمَا ذَاكَ؟
قال: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي أُتْرَةً،
تَطْرِبِدًا وَتَشْرِبِدًا».

۲۰۹ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۲۳، شماره ۹۶۹۵ در ترجمه يزيد بن أبي زياد:

قال العُقَيْلِيُّ: حَدَّثَنَا (= حديث الرايات) مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَوْنٍ،
أخبرنا خالد بن عبد الله، عن يزيد بن أبي زياد، عن ابراهيم، عن علقمة، عن عبد الله، قال:
كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ جَاءَهُ فِتْيَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ، فَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ، فَقُلْنَا:
يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا لَا نَزَالَ نَرَى فِي وَجْهِكَ الشَّيْءَ نَكْرَهُهُ! فقال:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي تَطْرِبِدًا
وَتَشْرِبِدًا، حَتَّى يَجِيءَ قَوْمٌ مِنْ هَاهُنَا - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ نَحْوَ الْمَشْرِقِ - أَصْحَابُ رَايَاتٍ سُودٍ -
يَسْأَلُونَ الْحَقَّ وَلَا يُعْطَوْنَهُ - مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا - فَيَقَاتِلُونَ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى

۱ - برای توضیح جمله «وَأَسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي» به مقدمه حدیث شماره ۱۹۲، تحت عنوان «شایان توجه»
مراجعه شود.

۲ - نیز بنگرید به: کتبخانی، ج ۱۴، ص ۲۶۷، ش ۳۸۶۷۷.

يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَسَمْنٌ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِيهِ وَلَوْ حَبْنًا عَلَى الثَّلْجِ».

۲۱۰ - میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۲۸۴، شماره ۶۴۲۴ در ترجمه «عمرو بن قاسم»:
عباد بن يعقوب، و اسماعيل بن بنت السُّدِّيِّ، قالَا: أَخْبَرْنَا عمرو بن القاسم التَّمَارُ، عَن
يزيد بن أبي زيادٍ، عَن إِبْرَاهِيمَ، عَن عَلْقَمَةَ، عَن عَبْدِ اللَّهِ، مَرْفُوعًا:
«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودَ قَدْ خَرَجَتْ فَأَتَوْهَا وَلَوْ حَبْنًا عَلَى الثَّلْجِ».

در لسان الميزان، ج ۴، ص ۳۷۳، شماره ۱۱۰۲ نیز در ترجمه «عمرو بن قاسم بن حبيب تمار»، عبارت یاد شده آمده است.

۲۱۱ - لسان الميزان، ج ۲، ص ۱۶۶، در ترجمه «حِبَّانُ بْنُ مَدِيرٍ صَيْرَفِيُّ كُوفِيُّ»:
روى عَن عمرو بن قيسٍ، عَن الحسنِ، عَن أَبِي عَبيدَةَ^۱، عَن عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
قال: «إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّاياتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ فَأَتَوْهَا؛ فَإِنَّ فِيهَا الْمَهْدِيَّ».

اللائح المصنوعة، ج ۱، ص ۴۳۷، باب مناقب سائر الصحابه:
الأزدي: حَدَّثَنَا العَبَّاسُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ثَوَابٍ، حَدَّثَنَا حنان بن سدير، عَن
عمرو بن قيس، عَن الحسنِ، عَن عَبيدَةَ، عَن عَبْدِ اللَّهِ مَرْفُوعًا:
«إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّاياتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ فَأَتَوْهَا؛ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ».

چند روایت از عثمان بن ابی العاص ثقفی

فرود آمدن حضرت عیسیٰ علیه السلام و اقامه نماز جماعت به امامت حضرت مهدی علیه السلام

۲۱۲ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ، ج ۴، ص ۲۱۶ و ۲۱۷:

ثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ، ثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، عَن عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ، عَن أَبِي نَضْرَةَ، قَالَ:

۱ - عَبيدَةَ، صحيح است مثل طريق بعدی.

أتینا عثمان بن أبي العاص في يوم الجمعة لتعرض عليه مصحفنا لنا على مصحفه، فلما حضرت الجمعة أمرنا فاغتسلنا، ثم أتانا بطيب فتطيبنا، ثم جئنا إلى المسجد فجلسنا إلى رجل، فحدثنا عن الدجال، ثم جاء عثمان بن أبي العاص، فقمنا إليه فجلسنا، فقال: سمعت رسول الله ﷺ يقول:

«... وَيُنزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، فَيَقُولُ لَهُ أَمِيرُهُمْ: يَا رُوحَ اللَّهِ تَقَدَّمَ صَلِّ، فَيَقُولُ: هَذِهِ الْأُمَّةُ أُمَرَاءُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَيَقْدَمُ أَمِيرُهُمْ فَيُصَلِّي...»
 ۲۱۳ - الْمُشْتَدَّرُ عَلَى الصَّحِيحِينَ، ج ۴، ص ۴۷۸ (كتاب الفتن والملاحم) «نزول عيسى ﷺ مِنَ السَّمَاءِ:

أخبرني الحسن بن حكيم المروزي، ثنا أحمد بن إبراهيم الشذوري، ثنا سعيد بن هبيرة، ثنا حماد بن يزيد، عن أيوب السخيتاني وعلی بن زيد بن جدهان، عن أبي نصره، قال: أتينا عثمان بن أبي العاص يوم الجمعة لتعارض مصحفنا بمصحفه، فلما حضرت الجمعة، أمرنا فاغتسلنا وتطيبنا ورحنا إلى المسجد فجلسنا إلى رجل يحدث، ثم جاء عثمان بن أبي العاص، فتحولنا إليه، فقال عثمان: سمعت رسول الله ﷺ يقول:
 «... فَيُنزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، فَيَقُولُ لَهُ إِمَامُ النَّاسِ: تَقَدَّمَ يَا رُوحَ اللَّهِ فَصَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: إِنَّكُمْ - مَعَشَرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ - أُمَرَاءُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، تَقَدَّمَ أَنْتَ فَصَلِّ بِنَا، فَيَقْدَمُ فَيُصَلِّي بِهِمْ».

هذا حديث صحيح الإسناد على شرط مسلم بذكر أيوب السخيتاني ولم يخرجاه.

روایاتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ

مهدی ﷺ از خاندان پیامبر ﷺ است و خداوند کار قیام او را یک شبه اصلاح می کند.

۲۱۴ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، حدیث شماره ۴۰۸۵:

حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا أبو داودَ الحَقْرِيُّ، ثنا يَاسِينُ، عَنَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ، عَنَ أَبِيهِ، عَنَ عَلِيٍّ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ»^۱.

۲۱۵ - الفتن والملاحم، نُعَيْمُ بْنُ حَمَّادٍ، ص ۲۰۳ و ۲۱۱:

حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مَالِكِ الْمُرِنِيُّ، عَنَ يَاسِينِ بْنِ سَيَّارٍ، قَالَ: سَمِعْتُ إِبْرَاهِيمَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصْلِحُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ»^۲.

۲۱۶ - الْمُصَنَّفُ، ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ج ۸، ص ۶۷۸، كِتَابُ (۱۹۰):

الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ وَأَبُو دَاوُدَ، عَنَ يَاسِينَ الْعِجْلِيِّ، عَنَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ، عَنَ أَبِيهِ، عَنَ عَلِيٍّ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ».

۲۱۷ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، (دَوْرَةُ ۶ شش جلدی) ج ۱، ص ۸۴، وَ شَرْحُ أَحْمَدَ

مُحَمَّدَ شَاكِرٍ، ج ۲، ص ۵۸، حَدِيثُ شِمَارِهِ ۶۴۵:

حَدَّثَنَا فَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ، حَدَّثَنَا يَاسِينُ الْعِجْلِيُّ، عَنَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ، عَنَ

أَبِيهِ، عَنِ عَلِيٍّ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ»^۳.

۲۱۸ - التَّارِيخُ الْكَبِيرُ، ج ۱، ص ۳۱۷، قِسم اول از جزء اول، شِمَارِهِ ۹۹۴ در تَرْجُمَةِ

إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ هَاشِمِيِّ.

۱ - نیز بنگرید به: جمع الجوامع، ج ۷، ص ۳۳۱، ش ۲۳۵۷۶؛ الخاوری للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ فیض

القدیر، ج ۶، ص ۲۸۷، ش ۹۲۴۴؛ تهذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۳، ش ۷۳۶۷؛ المُسْنَدُ الْجَامِعُ، ج ۱۳،

ص ۴۴۶، ش ۱۰۳۹۶.

۲ - همان.

۳ - همان.

قال لي أبو نعيم: قال حدثنا ياسين العجلي، عن ابراهيم بن محمد بن علي بن الحنفية، عن أبيه، عن علي رفعه قال: «المهدي من أهل البيت». وفي إسناده نظر.

٢١٩ - مسند أبي يعلى، ج ١، ص ٣٥٩، شماره ٤٦٥:

حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة، حدثنا أبو داود عمرو بن سعد، عن ياسين، عن ابراهيم بن محمد، عن أبيه، عن علي، قال:

قال رسول الله ﷺ: «المهدي منكم أهل البيت، يصلحه الله في ليلة».

٢٢٠ - الكامل، ج ٧، ص ١٨٥:

تنا أحمد بن ابراهيم بن أبي سفيان بقيسارية، أخبرنا محمد بن حماد الطهراني، أخبرنا أبو نعيم، ثنا ياسين العجلي، عن ابراهيم بن محمد بن الحنفية، عن أبيه عن علي، عن النبي ﷺ قال:

«المهدي من أهل البيت، يصلحه الله في ليلة».

٢٢١ - همان: ثنا عبد الله بن أبي سفيان، ثنا زكريا بن الحكيم، ثنا أبو نعيم، ثنا ياسين - وكان يُجالسنا عند الثوري - عن ابراهيم بن محمد بن الحنفية، عن أبيه، عن علي، [قال]:

قال رسول الله ﷺ: «المهدي من أهل البيت، يصلحه الله في ليلة».

٢٢٢ - حلية الأولياء، ج ٣، ص ١٧٧:

حدثنا أبو أحمد، ثنا فضيل بن محمد الملقط، ثنا ابراهيم بن ياسين العجلي، عن ابراهيم بن محمد بن الحنفية، عن أبيه عن علي قال:

قال رسول الله ﷺ: «المهدي من أهل البيت، يصلحه الله في ليلة» أو قال: «في يومين».

هذا حديث غريب من حديث محمد، رواه وكيع وابن نمير وأبو داود الحفري عن ياسين، ورواه محمد بن فضيل عن سالم بن أبي حفصة عن ابراهيم.

٢٢٣ - أخبار اصبهان، ج ١، ص ١٧٠:

حدَّثنا أبو عمرو بن حمدان، ثنا الحسن بن سفيان، حدَّثني ابن نمير، ثنا أبي وأبو نعيم، قال: ثنا ياسين العجلي، عن إبراهيم بن محمد بن الحنفية، عن أبيه، عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «المهديُّ مِنَّا، يُصلِحُه اللهُ في ليلةٍ».

۲۲۴ - حدَّثنا أبو بكر الطَّلحي، ثنا محمد بن علي العلوي، ثنا محمد بن علي بن خلف، ثنا حسن بن صالح بن أبي الأسود، عن محمد بن فضيل، حدَّثني سالم بن أبي حفصة، عن إبراهيم بن محمد بن الحنفية، عن أبيه، عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «المهديُّ مِنَّا أهل البيت، يُصلِحُه اللهُ في ليلةٍ».

ظهور مهدي عليه السلام عدالت گستر جهانی از خاندان پیامبر صلى الله عليه وآله قطعی است.

۲۲۵ - سنن أبي داود، ج ۲، ص ۴۲۲ «كتاب المهدي».

حدَّثنا عثمان بن أبي شيبة، ثنا الفضل بن دكين، ثنا فطر، عن القاسم بن أبي بزة، عن أبي الطفيل، عن علي عليه السلام، عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «لو لم يبق من الدهر إلا يومٌ لبعث الله رجلاً من أهل بيتي، يملأها عدلاً كما ملئت جوراً»^۱.

۲۲۶ - المصنف، ابن أبي شيبة، ج ۸، ص ۶۷۸، (شماره ۱۹۴):

الفضل بن دكين قال: حدَّثنا فطر، عن القاسم بن أبي بزة، عن أبي الطفيل، عن علي عليه السلام، عن النبي صلى الله عليه وآله قال:

«لو لم يبق من الدهر إلا يومٌ لبعث الله رجلاً من أهل بيتي، يملأها عدلاً كما ملئت جوراً»^۲.

۱ - نیز بنگرید به: جامع الأصول، ج ۱۱، ص ۴۹، ش ۷۸۱۱؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۴۳۸، ش ۷۴۸۹؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۷، ش ۳۸۶۷۵؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۵؛ جامع المسانید، ج ۲۰، ص ۲۹۷، ش ۹۹۸.

۲ - نیز بنگرید به: جامع الأصول، ج ۱۱، ص ۴۹، ش ۷۸۱۱؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۴۳۸، ش ۷۴۸۹؛

۲۲۷- مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۱، ص ۹۹ و تحقیق أحمد محمد شاكر، ج ۲، ص ۱۱۷ و ۱۱۸: ۱

حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ ۲ وَ أَبُو نُعَيْمٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا فِطْرٌ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ أَبِي بَرَّةَ، عَنِ أَبِي الطُّفَيْلِ، قَالَ حَجَّاجٌ ۳: سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنَّا. [مِنْ أَهْلِ بَيْتِي] يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا» ۴.

۲۲۸- همان: قال أبو نعيم: رجلاً منّا. قال: وسمعتُه مرّةً يذكره عن حبيب ۵، عن أبي الطُّفَيْلِ، عَنِ عَلِيٍّ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ.

احمد شاكر نوشته است: إسناداه صحيحان. فطر: هو ابن خليفة، وهو ثقة، صالح الحديث، وثقه أحمد و ابن معين و غيرهما، فلا يلتفت إلى قول ابن يونس و أبي بكر بن عيَّاش و الجوزجاني في تضعيفه، بل هو قول مردود كما في «عَوْنُ الْمَعْبُود» خصوصاً، وقد ترجم له البخاري في الكبير ۱۳۹/۱/۴ فلم يذكر فيه جرحاً. و«فطر» بكسر الفاء و سكون الطاء، و في ح «قطر» بالقاف وهو تصحيف. القاسم بن أبي برة، ثقة، ابو الطُّفَيْلِ: هو عامر بن وائلة. حبيب في الإسناد الثاني: هو حبيب بن أبي ثابت.

→ كُنُزُ الْعَمَالِ، ج ۱۴، ص ۲۶۷، ش ۳۸۶۷۵؛ الْخَوَارِجُ لِلْقَتَاوِيِّ، ج ۲، ص ۱۲۵؛ جَامِعُ الْمَسَانِيدِ، ج ۲۰، ص ۲۹۷، ش ۹۹۸.

۱- تکرار روایت شماره ۱۴۲.

۲- به پاورقی روایت شماره ۱۴۲ مراجعه شود.

۳- ظاهراً مراد حجاج بن عمرو بن غزیه، از صحابه است که شهید مع علی صفتین. (بنگرید به: تهذیب التهذیب، ج ۲، ش ۱۱۸۴).

۴- الْمُسْنَدُ الْجَامِعُ، ج ۱۳، ص ۴۴۵، ش ۱۰۳۹۵ (أَشْرَاطُ السَّاعَةِ) و نیز بنگرید: الْجَامِعُ الصَّغِيرُ، ج ۲، ص ۴۳۸، ش ۷۴۸۹.

۵- به پاورقی روایت شماره ۱۴۳ مراجعه شود.

و خلاصه ذلك أن أحمد رواه عن حجاج وأبي نعيم عن فطر عن القاسم عن أبي الطُّفَيْلِ.

ورواه عن أبي نعيم وحده عن فطر عن حبيب عن أبي الطُّفَيْلِ.
والحديث رواه ابوداود ١٧٤/٤ عن عثمان بن أبي شيبة، عن الفضل بن دكين وهو أبو نعيم عن فطر، عن القاسم، عن أبي الطُّفَيْلِ.
وقال: في عون المعبود: سكت عنه المنذرى... سنده حسن قوى».

روزگار صلح و صفا، و سامان يافتن نابسامانيها

٢٢٩ - الفتن والملأجم، نعيم بن حماد، ص ٢٠٧:

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَوْشَبٍ سَمِعَ مَكْحُولًا يُحَدِّثُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْمَهْدِيُّ مِنَّا أُمَّةٌ الْهُدَى أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟

قَالَ: «بَلْ مِنَّا، إِنَّا يُخْتَمُ الدِّينُ كَمَا بِنَا فَتَحَ، وَإِنَّا يُسْتَنْقَدُونَ مِنْ ضَلَالَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا اسْتُنْقِدُوا مِنْ ضَلَالَةِ الشُّرْكِ، وَإِنَّا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ فِي الدِّينِ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا أَلَّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَدِينِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرْكِ».

٢٣٠ - حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ وَرِشْدِينُ، عَنْ ابْنِ لَهِيْعَةَ عَنْ أَبِي زُرْعَةَ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيٍّ،

عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ:

«بِنَا يُخْتَمُ الدِّينُ كَمَا بِنَا فَتَحَ، وَإِنَّا يُسْتَنْقَدُونَ مِنَ الشُّرْكِ - وَقَالَ أَحَدُهُمَا: - مِنَ الضَّلَالَةِ، وَإِنَّا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرْكِ - وَقَالَ أَحَدُهُمَا: - الضَّلَالَةِ وَالْفِتْنَةِ».

٢٣١ - المعجم الأوسط، ج ١، ص ١٣٦، شماره ١٥٧:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَالِدِ بْنِ حَيَّانَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُفْيَانَ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ:

حَدَّثَنَا ابْنُ لَهِيْعَةَ، عَنْ أَبِي زُرْعَةَ عَمْرٍو بْنِ جَابِرٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ قَالَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: «أَمِنَّا الْمَهْدِيُّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ:

«بَلْ مِنَّا، إِنَّا يُخْتَمُ اللَّهُ كَمَا بِنَا فَتَحَ، وَإِنَّا يُسْتَنْقَدُونَ مِنَ الشُّرْكِ، وَإِنَّا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ

بَعْدَ عَدَاوَةِ بَيْنِهِ، كَمَا بِنَا أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرْكِ.
قال علي: أُمُومِنُونَ أَمْ كَافِرُونَ؟ فقال: مَفْتُونٌ وَكَافِرٌ^۱.

لزوم یاری دادن برای استقرار دولت آل محمد ﷺ

۲۳۲ - سنن أبی داود، ج ۲، ص ۴۲۴:

وقال هارون: ثنا عمرو بن أبي قيس، عن مطرف بن طريف، عن أبي الحسن، عن هلال بن عمرو، قال: سمعتُ علياً عليه السلام يقول:
قال النبي ﷺ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَرَاءِ النَّهْرِ يُقَالُ لَهُ الْحَارِثُ بْنُ حَرَاثٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ، يُوْطِئُ أَوْ يُمَكِّنُ لِآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَكَّنْتُ قُرَيْشًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَجَبَّ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ نَصْرُهُ» أوقال: «إِجَابَتُهُ»^۲.

در کتاب بَدَلُ الْمَسْجُودِ، ج ۱۷، ص ۱۹۹ آمده است: «مِنْ وَرَاءِ النَّهْرِ» یعنی ماوراءالنهر، (مانند بلاد بخاری، سمرقند و...) «لِآلِ مُحَمَّدٍ» یعنی لِلْمُهَدِيِّ.

نشانه‌های پیش از ظهور

۲۳۳ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۴، ص ۵۳۸، حدیث شماره ۳۹۱۷:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْخَوَاصُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ أَبِي الزُّرْقَاءِ، حَدَّثَنَا ابْنُ لَهْبَعَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عِيَّاشُ بْنُ عَبَّاسٍ الْقِشْبَانِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَيْرٍ^۳ الْغَافِقِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

۱ - نیز بنگرید به: هَيْثَمِيُّ، مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ، ج ۴، ص ۱۶۳ ش ۴۴۵۰؛ هَيْثَمِيُّ، مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ، کتاب الْفِتَنِ،

باب مَا جَاءَ فِي الْمُهَدِيِّ، ج ۷، ص ۳۱۶، ش ۱۲۴۰۹؛ الْغَاوِيُّ لِلْفَتَاوِيِّ، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲ - نیز بنگرید به: مِرْقَاةُ الْمَفَاتِيحِ، شرح مِشْكَاةِ الْمَطَابِيحِ، ج ۹، ص ۳۶۰، ش ۵۵۵۸؛ تَهذِيبُ التَّهْذِيبِ، ج

۱۰، ص ۸، ش ۸۳۳۵، در ترجمه ابوالحسن کوفی.

۳ - هر چند در الْمُعْجَمِ الْأَوْسَطِ، عبدالله بن زُرَیْنِ، آمده ولی ظاهراً اشتباه است و صحیح آن عبدالله بن زُرَیْرٍ

می‌باشد.

«يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فِتْنَةٌ تُحْصِلُ النَّاسَ كَمَا يُحْصِلُ الذَّهَبُ فِي الْمَعْدِنِ، فَلَا تُسْبَوُ أَهْلَ الشَّامِ، وَلَكِنْ سُبُوا أَشْرَارَهُمْ، فَإِنَّ فِيهِمُ الْأَبْدَالَ، يُوشِكُ أَنْ يُرْسَلَ عَلَى أَهْلِ الشَّامِ [سَيْبٌ مِنَ السَّمَاءِ] سَبَبٌ، فَيَفْرُقُ جَمَاعَتَهُمْ حَتَّى لَوْ قَاتَلَهُمُ الثَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَخْرُجُ خَارِجٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي ثَلَاثِ رَايَاتٍ، الْمَكْثَرُ يَقُولُ: هُمْ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفًا، وَالْمَقِلُّ يَقُولُ: هُمْ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا، أَمَارَتُهُمْ: أَمِتْ أَمِتْ، يَلْقَوْنَ سَبْعَ رَايَاتٍ، تَحْتَ كُلِّ رَايَةٍ مِنْهَا رَجُلٌ يَطْلُبُ الْمَلِكَ، فَيَقْتُلُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا، وَيُرْدُّ اللَّهُ إِلَى الْمُسْلِمِينَ الْفَتْهَ وَنِعْمَتَهُمْ وَقَاصِيَهُمْ وَدَائِيَهُمْ»^۱.

۲۳۴ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۱، ص ۲۰۳، حَدِيثُ شِمَارِهِ ۳۹۳:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ رِشْدِينَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُفْيَانَ الْحَضْرَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ، عَنْ عِيَّاشِ بْنِ عَبَّاسٍ، وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ هُبَيْرَةَ، وَالْحَارِثِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رَزِينِ^۲، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فِتْنَةٌ يُحْصِلُ النَّاسُ فِيهَا كَمَا يُحْصِلُ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ فِي الْمَعْدِنِ».

۲۳۵ - الْفِتْنُ وَالْمَلَاجِمُ، نُعَيْمُ بْنُ حَمَّادٍ، ص ۱۹۴:

حَدَّثَنَا رِشْدِينَ، عَنْ ابْنِ لَهَيْعَةَ، عَنْ عِيَّاشِ بْنِ عَبَّاسِ الزَّرْقِيِّ، عَنْ ابْنِ زُرَيْرٍ، عَنْ عَلِيِّ عليه السلام، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ^۳، عَلَى أَهْلِ الشَّامِ مَنْ يُفْرِقُ جَمَاعَتَهُمْ حَتَّى لَوْ قَاتَلَهُمُ الثَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ، وَعِنْدَ ذَلِكَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي ثَلَاثِ رَايَاتٍ، الْمَكْثَرُ يَقُولُ: خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفًا، وَالْمَقِلُّ يَقُولُ: اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا، أَمَارَتُهُمْ: أَمِتْ أَمِتْ، عَلَى رَايَةٍ مِنْهَا رَجُلٌ يَطْلُبُ الْمَلِكَ، أَوْ

۱ - مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ، ج ۴، ص ۱۶۷، ش ۴۴۵۹؛ هَيْثَمِيُّ، بُغْيَةُ الرَّانِدِ فِي تَحْقِيقِ مَجْمَعِ الزَّوَانِدِ وَ مَسْنَعِ

الْفَوَائِدِ، (كِتَابُ الْفِتَنِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي الْمَهْدِيِّ)، ج ۷، ص ۶۱۶، ش ۱۲۴۱۰.

۲ - هر چند در الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، عبدالله بن رزین، آمده ولی ظاهراً اشتباه است و صحیح آن عبدالله بن زرییر می باشد.

۳ - ظاهراً «بُرْسِلُ اللَّهُ» درست است و بنابراین، طبق نظر اهل سنت، حدیث موقوف می باشد.

يَبْتَغِي لَه الْمُلْكُ، فَيَقْتُلُهُمُ اللهُ جَمِيعاً، وَيُرَدُّ اللهُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْفَتَاهُمْ وَقَاصِيَهُمْ وَيَزَارُ بِهِمْ».

روایتی از علی هلالی = علی بن علی هلالی^۱

مهدی علیه السلام که نابسامانیها را سامان می بخشد از تبار حسنین علیهم السلام است

۲۳۶ - المعجم الكبير، ج ۳، ص ۵۷، حدیث شماره ۲۶۷۵:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ رُزَيْقٍ بْنُ جَامِعِ الْمَصْرِيِّ، ثنا الهيثم بن حبيب، ثنا سفيان بن عيينة، عن عليّ المكيّ الهلاليّ، عن أبيه، قال:

دَخَلْتُ عَلَيَّ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي شِكَاتِهِ الَّتِي قُبِضَ فِيهَا، فَإِذَا فَاطِمَةُ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، عِنْدَ رَأْسِهِ، قَالَ: فَبَكَتُ حَتَّى ارْتَفَعَ صَوْتُهَا، فَرَفَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ طَرْفَهُ إِلَيْهَا، فَقَالَ:

«حَبِيبَتِي فَاطِمَةُ، مَا الَّذِي يُنْكِبُكِ؟» فَقَالَتْ: أَخْشَى الضَّيْعَةَ مِنْ بَعْدِكَ.

فَقَالَ: «يَا حَبِيبَتِي، أَمَا عَلِمْتِ أَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا أَبَاكَ، فَبَعَثَ بِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ أَطَّلَعَ اطَّلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا بَعْلَكَ، وَأَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أَنْكِحَكَ إِثَاءً، يَا فَاطِمَةُ، وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ أَعْطَانَا اللهُ سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ قَبْلَنَا، وَلَا يُعْطَى أَحَدٌ بَعْدَنَا. أَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَأَكْرَمُ النَّبِيِّينَ عَلَى اللهِ، وَأَحَبُّ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَنَا أَبُوكَ. وَوَصِيِّي خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَأَحَبُّهُمْ إِلَى اللهِ، وَهُوَ بَعْلُكَ.

وَشَهِيدُنَا خَيْرُ الشُّهَدَاءِ وَأَحَبُّهُمْ إِلَى اللهِ، وَهُوَ عَمُّكَ حَمْرَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، وَهُوَ عَمُّ أَبِيكَ وَعَمُّ بَعْلِكَ.

وَمِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ أَخْضَرَانِ يَطِيرُ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ يَشَاءُ، وَهُوَ ابْنُ عَمِّ أَبِيكَ وَأَخُو بَعْلِكَ.

وَمِنَّا سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَهُمَا ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،

۱ - أسد الغابة، ج ۴، ص ۱۲۷، ش ۳۷۹۰؛ الإضابة، ج ۲، ص ۵۱۱، ش ۵۹۹۶.

وَأَبُوهُمَا - وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ - خَيْرٌ مِنْهُمَا.

يَا فَاطِمَةُ - وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ - إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، إِذَا ضَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَمَرَجًا، وَتَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ، وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ، وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَلَا صَغِيرَ يُوقِّرُ كَبِيرًا، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَتِحُ حُصُونَ الضَّلَالَةِ، وَقُلُوبًا غُلْفًا، يَقُومُ بِالذِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ، وَيَمَلَأُ الدُّنْيَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا.

يَا فَاطِمَةُ لَا تَحْزَنِي وَلَا تَبْكِي؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْحَمُ بِكَ وَأَرْأَفُ عَلَيْكَ مِنِّي، وَذَلِكَ لِمَكَانِكَ مِنِّي، وَمَوْضِعِكَ مِنْ قَلْبِي، وَزَوْجِكَ اللَّهُ زَوْجَكَ، وَهُوَ أَشْرَفُ أَهْلِ بَيْتِكَ حَسَبًا وَأَكْرَمُهُمْ مَنْصَبًا، وَأَرْحَمُهُمْ بِالرَّعِيَّةِ، وَأَعْدَلُهُمْ بِالسُّوِيَّةِ، وَأَبْصَرُهُمْ بِالْقَضِيَّةِ، وَقَدْ سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ تَكُونِي أَوَّلَ مَنْ يَلْحَقُ بِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.

قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: فَلَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَمْ تَبْقَ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا بَعْدَهُ إِلَّا خَمْسَةٌ وَسَبْعِينَ يَوْمًا حَتَّى أَلْحَقَهَا اللَّهُ بِهِ صلى الله عليه وآله.

روایتی از عمران بن حصین

أمر الهی می آید.

۲۳۷ - مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۲۹:

حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ، أَنَا قَتَادَةُ، عَنْ مُطَرِّفٍ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ، ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَاهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَيُنزِلُ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليه السلام».

هر چند همان گونه که در کتاب الإذاعة، صديق حسن خان، ص ۱۴۴ نگاشته است

نام مهدی در این حدیث و امثال آن نیامده ولی با توجه به مجموع این گونه احادیث، باید گفت این احادیث جز درباره مهدی علیه السلام، مصداق دیگری ندارد.

روایتی از عوف بن مالک

ظهور مهدی علیه السلام و لزوم پیروی از او

۲۳۸ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۸، ص ۵۱، حدیث شماره ۹۱:

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ الْبَاقِي، ثنا يَوْسُفُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَرْوَزِيُّ، ثنا أَبُو تَقِي عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَمْعِيِّ، ثنا مَعْدَانُ بْنُ سَلِيمِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ نَجِيحٍ، عَنْ أَبِي الزَّاهِرِيَّةِ، عَنْ جُبَيْرِ بْنِ نَفِيرٍ، عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «تَجِيءُ فِتْنَةٌ غِبْرَاءَ مُظْلَمَةٍ، ثُمَّ يَتَّبِعُ الْفِتْنَ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، فَإِنْ أَدْرَكَتَهُ فَاتَّبِعْهُ وَكُنْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۱.

روایاتی از قره بن ایاس مؤزی

زمین آکنده از ظلم و جور با ظهور مهدی علیه السلام همنام پیامبر صلی الله علیه و آله سرشار از عدل و داد خواهد شد.

۲۳۹ - الْمُطَالِبُ الْعَالِيَّةُ، ج ۵، ص ۷۷، شماره ۴۴۸۰، که با دو طریق نقل می‌کند:

قال البرّار: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي الْحَارِثِ، وَأَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى السُّوسِيُّ، قَالَا: حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ الْمُحَبَّرِ بْنِ قَحْذَمٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ قَحْذَمِ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، عَنْ أَبِيهِ - عليه السلام - قَالَ:

۱ - نیز بنگرید به: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

قال رسول الله ﷺ: «لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَإِذَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى رَجُلًا مِنِّي اسْمُهُ اسْمِي أَوْ اسْمِ نَبِيِّ، يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا فَلَا يَمْنَعُ السَّمَاءُ شَيْئًا مِنْ قَطْرِهَا وَلَا الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا، فَيَلْبَثُ فِيهِمْ سَبْعَةٌ أَوْ ثَمَانِيَّةٌ، فَإِنْ كَثُرَ فَتِسْعَةٌ - يَعْنِي سِنِينَ».

۲۴۰ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۹، ص ۱۵۰، حديث شماره ۸۳۲۱:

حدّثنا موسى بن زكريّا، قال: حدّثنا محمد بن يحيى الأزديّ، قال: حدّثنا داود بن المحبّر، قال: حدّثنا المحبّر بن قحّذم، عن معاوية بن قرّة، عن أبيه، قال: قال رسول الله ﷺ: «لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَإِذَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا، بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا اسْمُهُ اسْمِي، يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا».

۲۴۱ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۱۹، ص ۳۲، حديث شماره ۶۸:

حدّثنا محمد بن عبدوس بن كامل السّراج، ثنا احمد بن محمد بن نيزك (ح).
وحدّثنا احمد بن محمد بن صدّقة، ثنا محمد بن يحيى الأزديّ، قال: ثنا داود بن المحبّر ابن قحّذم، حدّثني أبي المحبّر بن قحّذم، عن معاوية بن قرّة، عن أبيه قال: قال رسول الله ﷺ: «لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا كَمَا مِلْتُمْ قِسْطًا وَعَدْلًا، حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنِّي اسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِي اسْمُ أَبِي^۱، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَلْبَثُ فِيكُمْ سَبْعًا أَوْ ثَمَانِيًّا، فَإِنْ كَثُرَ فَتِسْعًا، لَا تَمْنَعُ السَّمَاءُ قَطْرِهَا وَلَا الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا».

۲۴۲ - أَخْبَارُ اصْبِهَانَ، ج ۲، ص ۱۶۵:

حدّثنا محمد بن الفضل بن قديد، ثنا الحسن بن يوسف بن سعيد المصريّ، ثنا محمد بن ابن يحيى بن مطر المخرميّ، ثنا داود المحبّر ثنا أبي: المحبّر بن قحّذم، عن أبيه: قحّذم بن سليمان، عن معاوية بن قرّة، عن أبيه قال:

۱ - برای توضیح جمله «واسمُ أبيه اسمُ أبي» به مقدمه حدیث شماره ۱۹۲، تحت عنوان «نکته شایان توجه» مراجعه شود.

قال رسول الله ﷺ: «لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَإِذَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا، بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنِّي اسْمُهُ اسْمِي، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا».

روایاتی از ماجد صدقی

ظهور مردی از خاندان پیامبر ﷺ و گسترش عدالت در جهان

۲۴۳ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۲۲، ص ۳۷۴، حدیث شماره ۹۳۷:

حَدَّثَنَا أَبُو عَامِرٍ النَّحْوِيُّ، ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الدَّمَشْقِيُّ، ثنا حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الْكِنْدِيُّ، مَوْلَى جَرِيرٍ، عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ، عَنْ قَيْسِ بْنِ جَابِرِ الصَّدْفِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

«سَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مُلُوكٌ، وَمِنْ بَعْدِ الْمُلُوكِ جَبَابِرَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا...»^۱.
در أَسَدُ الْغَابَةِ و نیز الإِصَابَةُ آمده است^۲:

جابر بن ماجد الصَّدْفِيُّ... روى ابن لهيعة عن عبد الرحمن بن قيس بن جابر الصَّدْفِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، فَقُلِيَ هَذَا فَالرَّوَايَةُ لِماجد، والد جابر؛ ويكون الضمير في رواية ابن لهيعة في قوله عَنْ جَدِّهِ يَعُودُ عَلَى قَيْسٍ.

الاستيعاب، در ذَّيْلِ الإِصَابَةِ، ج ۲، ص ۱۱۱، شماره ۲۸۹:

۱ - در تهذيب تاريخ دمشق الكبير، ج ۴، ص ۳۵۱ پس از نقل حدیث یادشده آمده است: هكذا يروي عن الْأَوْزَاعِيِّ، و رواه ابن لهيعة الصدفى، و ذكر أنه وفد على النبي ﷺ و شهد فتح مصر، و هذا القول يؤيد قول ابن لهيعة. والله اعلم؛ و نیز بنگريد به: فَتَحُ الْبَارِي، ج ۱۳، ص ۲۱۴؛ الْعَاوِي لِلْفَتَاوِي، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲ - أَسَدُ الْغَابَةِ فِي مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ، ج ۱، حرف جيم، ش ۶۵۲؛ الإِصَابَةُ فِي تَمْيِيزِ الصَّحَابَةِ، ج ۱، ص ۲۱۶، ش ۱۰۳۷.

جابر بن عبدالله الصّدیقی: روى عن النّبى ﷺ أنّه قال: «يَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ، وَبَعْدَ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ، وَبَعْدَ الْأُمَرَاءِ مُلُوكٌ، وَبَعْدَ الْمُلُوكِ جَبَابِرَةٌ، وَبَعْدَ الْجَبَابِرَةِ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا». ورواه ابن لهيعة عن ابن ابنه: عبد الرحمن بن قيس بن جابر الصّدیقی عن جدّه عن النّبى ﷺ. بنابراین، روایت از جابر بن عبدالله صدیقی است که ابن لهیعه، آن را از نوه پسرى او روایت کرده است یعنی از عبد الرحمن بن قیس بن جابر صدیقی.

۲۴۴ - الفتن والملاحم، نعیم بن حمّاد، ص ۶۴:

حدّثنا الولید، عن ابن لهيعة، عن عبد الرحمن بن قيس بن جابر الصّدیقی قال: قال رسول الله ﷺ: «يَكُونُ بَعْدَ الْجَبَابِرَةِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا...». همان: ص ۲۱۴: حدّثنا الولید، عن ابن لهيعة، عن عبد الرحمن بن قيس بن جابر الصّدیقی، قال: قال رسول الله ﷺ: «مَا الْقَحْطَانِيُّ بِدُونِ الْمَهْدِيِّ»^۱.

همان: ص ۲۱۵: حدّثنا ابن لهيعة، عن عبد الرحمن بن قيس بن جابر الصّدیقی، في أنّ رسول الله ﷺ قال: «سَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي رَجُلٌ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا وَ مَلِئْتُ جَوْرًا...». همان: ص ۲۲۳: حدّثنا رشدين، عن ابن لهيعة، عن عبد الرحمن بن قيس الصّدیقی عن أبيه، عن جدّه، عن النّبى ﷺ قال: «الْقَحْطَانِيُّ بَعْدَ الْمَهْدِيِّ...».

همان: ص ۲۲۱: حدّثنا الوليد، عن ابن لهيعة، عن عبد الرحمن بن قيس بن جابر الصّدیقی، أنّ رسول الله ﷺ قال: «الْقَحْطَانِيُّ بَعْدَ الْمَهْدِيِّ وَ مَا هُوَ دُونَهُ»^۲.

۲۴۵ - همان: ص ۲۲۶: حدّثنا رشدين والوليد عن ابن لهيعة، قال: حدّثنى عبد الرحمن

۱ - همان گونه که در پایان مقدمه کتاب، تحت عنوان «یادآوری مهم» از جلال الدین سیوطی، نقل شده احادیثی که از پیامبر گرامی ﷺ درباره مهدی علیه السلام روایت شده به سه بخش صحیح، حسن و ضعیف، تقسیم می شود از این رو نقل روایتی در این کتاب به معنای صحّت آن روایت نیست.

۲ - پوشیده نماند که روایت مزبور برگرفته از نسخه خطی است که در نسخه چاپی دارالمعرفه، نیامده است.

ابن قیس الصدقی، عن أبيه، عن جده، قال:
قال رسول الله ﷺ «يَكُونُ بَعْدَ الْمَهْدِيِّ الْقَحْطَانِيُّ...».

روایتی از ابوجحیفه وهب بن عبدالله سوائی

که در صفحات قبل ذکر شد، بنگرید به حدیث شماره ۴۹.

روایاتی از ام سلمه هند

مهدی ﷺ، از فرزندان فاطمه ﷺ است

۲۴۶ - سنن ابوداود، ج ۲، ص ۴۲۲:

حدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الرَّقِيِّ، ثنا أَبُو الْمَلِيحِ الْحَسَنُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ زِيَادِ بْنِ بِيَانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ نُقَيْلٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِشْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»^۱.

قال عبد الله بن جعفر: وسمعت أبا المَلِيحِ يُثْنِي عَلَى عَلِيِّ بْنِ نُقَيْلٍ وَيَذْكُرُ مِنْهُ صَلَاحاً.

۲۴۷ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، حدیث شماره ۴۰۸۶:

حدَّثَنَا ابُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ، ثنا أَبُو الْمَلِيحِ الرَّقِيُّ، عَنْ زِيَادِ بْنِ بِيَانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ نُقَيْلٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أُمِّ سَلَمَةَ فَتَذَاكَرْنَا الْمَهْدِيَّ، فَقَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

۱ - نیز بنگرید به: قبس القدير، ج ۶، ص ۲۷۷، شه ۹۲۴۱ «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِشْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛ الخاوی

للفناوی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴، ش ۳۸۶۶۲؛ المسند الجامع، ج ۲۰، ص ۷۰۵،

ش ۱۷۶۷۰.

«المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»^۱.

۲۴۸ - التاريخ الكبير، ج ۳ (ق ۱، ج ۲)، ص ۳۴۶، حدیث شماره ۱۱۷۱ در ترجمه

زیاد بن بیان:

قال عبدالغفار بن داود، حدثنا أبوالمَلِیحِ الرَّقِيُّ، سَمِعَ زِيَادَ بْنَ بِيَانٍ - وَذَكَرَ مِنْ فَضْلِهِ - سَمِعَ عَلِيَّ بْنَ نُفَيْلٍ جَدَّ النَّفِيلِيِّ، سَمِعَ سَعِيدَ بْنَ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ: «المَهْدِيُّ حَقٌّ، وَهُوَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ». قال أبو عبد الله: وفي أسناده نظر.

۲۴۹ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۲۳، ص ۲۶۷، حدیث شماره ۵۶۶:

حدثنا الحسين بن إسحاق، ثنا عبد السلام بن عبد الحميد، ثنا أبوالمَلِیحِ الرَّقِيُّ، عَنْ زِيَادِ بْنِ بِيَانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ نُفَيْلٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: ذَكَرَ الْمَهْدِيُّ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: «مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا».

۲۵۰ - الْكَامِلُ، ج ۳، ص ۱۹۶، در ترجمه زیاد بن بیان^۲، که با دو طریق نقل می کند:

ثنا الحسين بن عبد الله القطان، و جعفر بن أبي احمد الوزان الحراني، قالوا: ثنا علي بن جميل، ثنا أبوالمَلِیحِ، عَنْ زِيَادِ بْنِ بِيَانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ نُفَيْلٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ:

«المَهْدِيُّ مِنْ عِشْرَتِي، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ».

۲۵۱ - الْمُسْتَدْرَكُ، ج ۴، ص ۵۵۷:

أخبرني أبوالنَّضْرِ الْفَقِيه، ثنا عثمان بن سعيد الدارمي، ثنا عبد الله بن صالح، أنا أبوالمَلِیحِ الرَّقِيُّ، حَدَّثَنِي زِيَادُ بْنُ بِيَانٍ - وَذَكَرَ مِنْ فَضْلِهِ - قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ نُفَيْلٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ سَعِيدَ بْنَ الْمُسَيَّبِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أُمَّ سَلَمَةَ تَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَذْكُرُ الْمَهْدِيَّ فَقَالَ: «نَعَمْ هُوَ حَقٌّ، وَهُوَ مِنْ بَنِي فَاطِمَةَ».

۱ - نیز بنگرید به: الفَرْدَوْسُ، ج ۴، ص ۲۲۳، ش ۶۶۷۰؛ الْغَاوِي لِلْفَتَاوِي، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲ - در پاورقی آن آمده است: زیاد بن بیان الرقِّي (الرقة بَلَدٌ بِالشَّامِ) التَّمِيمِيُّ الدَّمَشْقِيُّ.

٢٥٢- همان: وحدثنا أبو أحمد بكر بن محمد الصيرفي بمرو، ثنا أبو الأحوص محمد بن الهيثم القاضي، ثنا عمرو بن خالد الحراني، ثنا أبو المليلح، عن زياد بن بيان، عن علي بن نقيل، عن سعيد بن المسيب، عن أم سلمة - رضي الله عنها - قالت: ذكر رسول الله المهدي فقال:

«هُوَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ».

٢٥٣- تَذَكِيرَةُ الْحَفَاطِ، ج ٢، ص ٤٦٣، حديث شماره ٤٧٤، ضمن شرح حال احمد بن عبد الملك بن واقد جنين آمده است:

أخبرنا عبد الحافظ بن بدران، أنا عبد الله بن أحمد سنة ٤١٥، أنا أبو الفتح بن البطي، أنا أبو الفضل بن خيرون، أنا الحسن بن أحمد البرازي، أنا أحمد بن محمد القطان، أنا أبو جعفر محمد بن غالب، حدثني أحمد بن عبد الملك الحراني، أنا أبو المليلح الرقي، عن زياد بن بيان، عن علي بن نقيل، عن سعيد بن المسيب، عن أم سلمة عن النبي ﷺ قال:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ - ﷺ»

موضوع خَشَف

سپاهی که نسبت به مَهْدِيٍّ عليه السلام، سوء قصد دارند در سرزمین «بَيْدَاء» به زمین فرو می‌روند و اسلام، استقرار می‌یابد.

یکی از موضوعات مُسَلَّم که از طریق شماری از صحابه مانند ابوهریره، آنس، اُمّ سَلَمَه، حَفْصَه، رَمْلَه، صَفِيَّه، عَائِشَه و... در صحاح شش‌گانه و دیگر مجامع حدیثی اهل سُنَّت، احادیث فراوانی در خصوص آن نقل شده، موضوع خَشَف و به زمین فرو رفتن سپاهی در نقطه‌ای از سرزمین میان مکه و مدینه، به نام «بَيْدَاء»^۱ است.

محدثان بزرگی مانند «ابوداود» از عالمان پیشین، و «منصور علی ناصف» صاحب التَّاجِ الْجَامِعِ لِلْأَصُولِ، از عالمان الأَزْهَرِ مِصْرَ، این گونه از احادیث را در باب مَهْدِيٍّ عليه السلام یاد آور شده‌اند، زیرا در پاره‌ای از این احادیث، آمارات و قرائنی وجود دارد که درباره مَهْدِيٍّ عليه السلام است، مانند خروج سُفْيَانِيٍّ (بنگرید به: حدیث شماره ۲۴۴)، بیعت مردم با او

۱ - واژه «بَيْدَاء» در لغت به معنای بیابان است، و در احادیث مربوط به خَشَف نام موضع و زمینی است هموار و نرم، در میان مکه و مدینه.

«أَزْهَرِيٍّ» می‌گوید: در میان مسجد الحرام و مسجد النبی، زمینی است هموار که نام آن «بَيْدَاء» است. در لِسَانِ الْعَرَبِ، (مادّه بید) آمده است: «بَيْدَاءُ: مَوْضِعٌ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ؛ قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: وَ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ أَرْضٌ مَلْسَاءٌ اسْمُهَا الْبَيْدَاءُ، وَ فِي الْحَدِيثِ: إِنَّ قَوْمًا يَغْرُونَ الْبَيْتَ، فَإِذَا تَرَلُّوا الْبَيْدَاءَ بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبْرِيْلَ عليه السلام، فَيَقُولُ: يَا بَيْدَاءُ بِيْدِي بِهِمْ، وَ فِي رَوَايَةٍ: أُبَيْدِيهِمْ، فَتُخَسَفُ بِهِمْ».

در بین رُکن و مقام، إحيای سنت پیامبر اسلام ﷺ، استقرار اسلام در جهان، اجرای عدالت جهانی، مدت حکومت و... که از نشانه‌های ظهور مهدی عجل الله فرجه و اوصاف آن حضرت است.

اینک برخی از این احادیث را یادآور می‌شویم:

۲۵۴ - سنن أبی داود، ج ۲، ص ۴۲۲ و ۴۲۳؛ شماره ۴۳۶۶، و عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۷۵، شماره ۴۳۶۶:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ هِشَامٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ قَتَادَةَ، عَنِ صَالِحِ أَبِي الْخَلِيلِ^۱، عَنِ صَاحِبِ^۲ لَهُ، عَنِ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، قَالَ: «يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ^۳ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ، فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَيَخْرِجُونَهُ وَهُوَ كَارِهٌ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعَثٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، فَإِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ أَنشَأَ أَبْدَالَ الشَّامِ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيُبَايِعُونَهُ ثُمَّ يَنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخُوَالَهُ كَلْبٌ^۴ فَيُبْعَثُ إِلَيْهِمْ بَعَثًا، فَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ، وَذَلِكَ بَعَثُ كَلْبٍ، وَالْخَبِيئَةُ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ غَنِيمَةَ كَلْبٍ، فَيَقْسِمُ الْمَالَ، وَيَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ ﷺ وَيُلْقَى الْإِسْلَامُ بِحِرَانِهِ فِي الْأَرْضِ، فَيَلْبَثُ سَبْعَ سِنِينَ ثُمَّ يَتَوَفَّى وَيُصَلَّى عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ»^۵.

۱ - یعنی ابوالخلیل صُبَعِيُّ صَالِحِ بْنِ أَبِي مَرِيَمٍ.

۲ - یعنی عبدالله بن حارث بن نوفل.

۳ - در التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۱، الباب السابع في الخليفة المهدي عجل الله فرجه، آمده است: «رَجُلٌ هُوَ الْمَهْدِيُّ».

۴ - أي بني كلب.

۵ - المنار المنيف في الصحيح والضعيف، صص ۱۴۴ و ۱۴۵؛ والحديث حسن، ومثله مما يجوز أن يقال فيه: صحيح؛ مجمع البعثرين، ج ۴، ص ۱۶۷، ش ۴۲۵۸؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۵، ش ۳۸۶۶۸؛

قال أبو داود: وقال بعضهم عن هشام: «تَسَعُ سِنِينَ» وقال بعضهم «سَبْعَ سِنِينَ». الجِرَان: الصُّدْر، ألقى الإسلام بِجِرَانِهِ، بمعنى غَلَبَ واشتولَى.^۱

شرح حدیث یادشده

در کتاب عَوْنُ الْمَعْبُود، ج ۱۱، ص ۳۷۶، در شرح حدیث مزبور چنین آمده است: «هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ» لَأَنَّهَا مَأْمُنٌ كُلُّ مَنْ التَّجَأَ إِلَيْهَا، وَمَعْبُدٌ كُلُّ مَنْ سَكَنَ فِيهَا. قَالَ الطَّبِيبِيُّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -: وَهُوَ الْمَهْدِيُّ؛ زَيْرًا أَبُو دَاوُدَ، أَيْنَ حَدِيثِ رَادِرِ بْنِ أَبِي الْمَهْدِيِّ، يَدَاوُرُ شَدِيدًا. «فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ» أَي بَعْدَ ظَهْوَرِ أَمْرِهِ، وَمَعْرِفَةِ نَوْرِ قَدْرِهِ. «فَيُخْرِجُونَهُ» مِنْ بَيْتِهِ «وَهُوَ كَارِهِ» إِمَّا بِلِيَةِ الْإِمَارَةِ وَإِمَّا خَشِيَةَ الْفِتْنَةِ، وَالْجُمْلَةُ حَالِيَّةٌ مَعْتَرِضَةٌ.

«بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ» يَعْنِي مِيَانَ رُكْنِ حِجْرِ الْأَسْوَدِ وَمَقَامِ حَضْرَتِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ.

«وَيُبْعَثُ» بِه صِيغَةُ الْمَجْهُولِ، أَي وَيُرْسَلُ إِلَى حَرْبِهِ وَقِتَالِهِ، مَعَ أَنَّهُ مِنْ أَوْلَادِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَقَامَ فِي الْبَلَدِ الْحَرَامِ. (بُعْثَ جَيْشٍ مِنْ أَهْلِ شَامِ). «بَيِّدَاءُ» مَوْضِعٌ مِيَانَ مَكَّةَ وَمَدِينَتِهِ اسْت.

«فَإِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ» أَي مَا ذَكَرَ مِنْ خَرَقِ الْعَادَةِ، وَمَا جُعِلَ لِلْمَهْدِيِّ مِنَ الْعَلَامَةِ. «أَبْدَالٌ»^۲ جَمْعُ بَدَلٍ، يَعْنِي أَوْلِيَاءَ وَعُبَادًا. «عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ» يَعْنِي خِيَارَهُمْ. «ثُمَّ يَنْشَأُ» أَي يَظْهَرُ. «رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ» هَذَا هُوَ الَّذِي يَخَالِفُ الْمَهْدِيَّ. «أَخْوَالُهُ» يَعْنِي

→ التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۱ (الباب السابع في الخليفة المهدي عليه السلام) با شرح حدیث در پاورقی.

۱ - کتاب التَّهْيِيقِ؛ أَوْ الْفِتْنِ وَالْمَلَا حِمِّ، ابْنِ كَثِيرٍ، ج ۱، ص ۲۷.

۲ - در لسان العرب، آمده است: «وَالْأَبْدَالُ: قَوْمٌ مِنَ الصَّالِحِينَ، بِهِمْ يُقِيمُ اللَّهُ الْأَرْضَ، ... لَا يَمُوتُ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ مَكَانَهُ آخَرَ، فَلِذَلِكَ سُمُّوا أَبْدَالًا، وَوَاحِدُ الْأَبْدَالِ الْعَبَادُ بِذَلِّ وَبَدَلٍ؛ وَقَالَ ابْنُ دَرِيدٍ: الْوَاحِدُ بَدِيلٌ؛ ... وَالْأَبْدَالُ: الْأَوْلِيَاءُ وَالْعُبَادُ، سُمُّوا بِذَلِكَ لِأَنَّهُمْ كَلَّمَا مَاتَ مِنْهُمْ وَاحِدٌ أُبْدِلَ بِآخَرَ».

أخوال آن مرد قُریشی. «كَلْبٌ» یعنی اُمّه کَلْبِیَّة. فَبِتَارِعِ الْمَهْدِيِّ مِنْ أَمْرِهِ، وَيَسْتَعِينُ عَلَيْهِ بِأَخْوَالِهِ مِنْ بَنِي كَلْبٍ. «فَبَيْعَتْهُمُ إِلَيْهِمْ بَعَثًا». یعنی آن مرد قُریشی کَلْبِی، سپاهی را به سوی بیعت کنندگان با مَهْدِی، گسیل می‌دارد. «إِلَيْهِمْ» أي الْمُبَايَعِينَ لِلْمَهْدِيِّ، «عَلَيْهِمْ» أي فَيَتَغَلَّبُ الْمُبَايَعُونَ عَلَى الْبَعَثِ الَّذِي بَعَثَهُ - «وَذَلِكَ بَعَثٌ كَلْبٍ» یعنی انگیزه آن سپاه انگیزه نفسانی است. «وَيَعْمَلُ الْمَهْدِيُّ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ ﷺ» «وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ».

سخن ابن خلدون درباره روایت یاد شده و نقد آن

«ابن خلدون» پس از نقل روایت یاد شده می‌نویسد: «ثُمَّ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي الْخَلِيلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، فَتَبَيَّنَ بِذَلِكَ الْمُبْتَهَمُ فِي الْإِسْنَادِ الْأَوَّلِ، وَرِجَالُهُ رِجَالُ الصَّحِيحَيْنِ لَا مَطْعَنَ فِيهِمْ وَلَا مَعْمَرٌ، وَقَدْ يُقَالُ إِنَّهُ مِنْ رِوَايَةِ قَتَادَةَ عَنْ أَبِي الْخَلِيلِ، وَقَتَادَةُ مُدَلِّسٌ وَقَدْ عَنَعْنَهُ، وَالْمُدَلِّسُ لَا يُقْبَلُ مِنْ حَدِيثِهِ إِلَّا مَا صُرِّحَ فِيهِ بِالسَّمَاعِ، مَعَ أَنَّ الْحَدِيثَ لَيْسَ فِيهِ تَصْرِيحٌ بِذِكْرِ الْمَهْدِيِّ».^۱

در عَوْنُ الْمَعْبُود، در نقد سخن ابن خلدون آمده است:

قلت: لا شك أن أبا داود يعلم تدليس قتادة، بل هو أعرف بهذه القاعدة من ابن خلدون، ومع ذلك سكت عنه. ثم المُنْذِرِيُّ، وابن الْقَيْمِ، ولم يتكلموا على هذا الحديث، فعلم أن عندهم علماً بثبوت سماع قتادة من أبي الخليل لهذا الحديث، والله أعلم».^۲

۲۵۵ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، ج ۶، ص ۳۱۶:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا عبد الصّمد و حرمي المعنى قال: ثنا هشام، عن قتادة، عن أبي الخليل، عن صاحب له، عن أمّ سلمة أن رسول الله ﷺ قال:

۱ - مُقَدِّمَةُ ابْنِ خَلْدُونَ، ص ۳۱۴.

۲ - عَوْنُ الْمَعْبُودِ، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۳ - شرح حال «حرمي المعنى» یافت نشد.

«يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنَ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ، فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَيَخْرِجُونَهُ وَهُوَ كَارِهِةٌ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمْ جَيْشًا مِنَ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ، فَإِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ أَتَتْهُ أَسْدَالُ الشَّامِ وَعَصَائِبُ الْعِرَاقِ فَيُبَايِعُونَهُ، ثُمَّ يَنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخْوَالَهُ كَلْبٌ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ الْمَكِّيَّ بَعَثًا، فَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ وَذَلِكَ بَعَثُ كَلْبٍ، وَالْخَيْبَةُ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ غَنِيمَةَ كَلْبٍ، فَيَقْسِمُ الْمَالَ وَيَعْمَلُ فِي النَّاسِ سُنَّةَ نَبِيِّهِمْ ﷺ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ، يَمُكُّتُ سَبْعَ سِنِينَ. قَالَ حَرَمِيُّ: أَوْ سَبْعَ.»

٢٥٦ - مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى، ج ١٢، ص ٣٦٩، ح ٦٩٢٠.

حدَّثَنَا أَبُو هِشَامٍ الرَّفَاعِيُّ، ثنا وَهْبُ بْنُ جَرِيرٍ، ثنا هِشَامُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ قَتَادَةَ، عَنِ صَالِحِ أَبِي الْخَلِيلِ، عَنِ صَاحِبِ لَهُ - وَرَبَّمَا قَالَ صَالِحٌ عَنْ مُجَاهِدٍ - عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَتْ:

قال رسول الله ﷺ: «يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ وَهُوَ كَارِهِةٌ فَيُبَايِعُهُمْ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيَبْعَثُونَ إِلَيْهِ جَيْشًا مِنَ الشَّامِ فَإِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ، فَإِذَا بَلَغَ النَّاسُ ذَلِكَ أَتَاهُ أَسْدَالُ أَهْلِ الشَّامِ وَعَصَائِبُ مِنَ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَيُبَايِعُونَهُ وَيَنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ، أَخْوَالُهُ كَلْبٌ، فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمْ بَعَثًا - أَوْ قَالَ جَيْشًا فِيهِمْ مُؤْمِنُهُمْ - وَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ فَيَقْسِمُ بَيْنَ النَّاسِ فِيهِمْ، وَيَعْمَلُ فِيهِمْ سُنَّةَ نَبِيِّهِمْ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ، يَمُكُّتُ سَبْعَ سِنِينَ.»

٢٥٧ - الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ٢، ص ٨٩، حَدِيثُ شِمَارَةَ ١١٧٥:

حدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو، عَنِ مَعْمَرٍ، عَنِ قَتَادَةَ، عَنِ مُجَاهِدٍ، عَنِ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَيَأْتِي مَكَّةَ فَيَسْتَخْرِجُهُ النَّاسُ مِنْ بَيْتِهِ وَهُوَ كَارِهِةٌ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيُجَهِّزُ إِلَيْهِ جَيْشًا مِنْ

الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ، فَيَأْتِيهِمْ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ، وَيَنْشَأُ رَجُلٌ بِالشَّامِ، وَأَخْوَالُهُ كَلْبٌ، فَيُجَهِّزُ إِلَيْهِ جَيْشٌ فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ فَتَكُونُ الدَّائِرَةُ عَلَيْهِمْ^١، فَذَلِكَ يَوْمٌ كَلْبٌ، الْخَائِبُ مَنْ خَابَ مِنْ غَنِيمَةِ كَلْبٍ، فَيَسْتَفْتِحُ الْكَنْوَزَ، وَيَقْسِمُ الْمَالَ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ، فَيَعِيشُ بِذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ قَالَ: تِسْعَ سِنِينَ^٢.

٢٥٨ - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ٢٣، ص ٣٩٠، حَدِيثُ شِمَارِهِ ٩٣١:

حَدَّثَنَا حَفْصُ بْنُ عُمَرَ بْنِ الصَّبَّاحِ الرَّقِيُّ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو، عَنْ مَعْمَرٍ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فَيَجِيبُهُ نَاسٌ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَهُوَ كَارِهِةٌ فَيُجَهِّزُ لَهُمْ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ فَيَأْتِيهِمْ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ، وَيَنْشَأُ رَجُلٌ بِالشَّامِ، أَخْوَالُهُ كَلْبٌ، فَيُجَهِّزُ إِلَيْهِمْ جَيْشًا فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ وَتَكُونُ الدَّائِرَةُ عَلَيْهِمْ، وَذَلِكَ يَوْمٌ كَلْبٌ، وَالْخَائِبُ مَنْ خَابَ مِنْ غَنِيمَةِ كَلْبٍ، وَيَسْتَخْرِجُ الْكَنْوَزَ، وَيَقْسِمُ الْمَالَ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ، يَعِيشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ سِتًّا سِنِينَ».

قال عبیدالله: فحدثت به ليثاً فقال حدثنيه مجاهد.

٢٥٩ - مَوَارِدُ الظَّمَانِ إِلَى زَوَائِدِ ابْنِ حُبَّانٍ، ج ٦، ص ١٣٣، حَدِيثُ شِمَارِهِ ١٨٨١، بَابُ

مَا جَاءَ فِي الْمَهْدِيِّ:

أَخْبَرَنَا أَبُو يَعْلَى، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ رِفَاعَةَ، حَدَّثَنَا وَهْبُ بْنُ جَرِيرٍ، حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ صَالِحِ أَبِي الْخَلِيلِ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ، فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ، فَيَخْرِجُونَهُ وَهُوَ كَارِهِةٌ، فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ

١ - فَتَكُونُ الدَّائِرَةُ عَلَيْهِمْ.

٢ - نيز بنگريد به: مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ، ج ٤، ص ١٦٧، ش ٤٢٥٨؛ مَجْمَعُ الزَّوَائِدِ، ج ٧، ص ٣١٥.

والمَقَامِ، فَيَبْتَغُونَ إِلَيْهِ جَيْشاً مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، فَإِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ، فَإِذَا بَلَغَ النَّاسَ ذَلِكَ أَتَاهُ أَهْلُ الشَّامِ وَعَصَائِبُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَيُبَايِعُونَهُ، وَيُنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخْوَالَهُ مِنْ كُلِّ فَيَبْتَغُونَ إِلَيْهِمْ جَيْشاً فَيَهْزِمُونَهُمْ وَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ، فَيَقْسِمُ بَيْنَ النَّاسِ فَيَبْتَغِيهِمْ، وَيَعْمَلُ فِيهِمْ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَائِهِ^۱ إِلَى الْأَرْضِ، يَمُكُّتُ سَبْعَ سِنِينَ».

گروهی که نسبت به مهدی علیه السلام، قصد سوء دارند، در بیداء، نابود می گردند

۲۶۰- سنن ابی داود مع العون، ج ۱۱، ص ۳۸۰، شماره ۴۲۶۹ (کتاب المهدي) و بدل

المجهدود في حل أبي داود، كتاب الملاحم باب في ذكر المهدي، ج ۱۷، ص ۱۹۸:

حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ رُفَيْعٍ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَيْطِيَّةِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ بِقِصَّةِ جَيْشِ الْخُسْفِ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يَمُنُّ مَنْ كَانَ كَارِهَا؟ قَالَ:

«يُخْسَفُ بِهِمْ وَلَكِنْ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَبِيِّهِ».

۲۶۱- صحيح مسلم بشرح النووي، ج ۱۸، ص ۴ و ۵ (كتاب الفتن وأشراط الساعة):

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ وَأَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَإِسْحَاقُ بْنُ إِبرَاهِيمَ - وَاللَّفْظُ لِقُتَيْبَةَ - قَالَ إِسْحَاقُ: أَخْبَرَنَا، وَقَالَ الْآخَرَانِ: حَدَّثَنَا جَرِيرٌ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ رُفَيْعٍ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَيْطِيَّةِ قَالَ: دَخَلَ الْحَارِثُ بْنُ أَبِي رَبِيعَةَ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَفْوَانَ وَأَنَا مَعَهُمَا عَلَى أُمِّ سَلَمَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ، فَسَأَلَاهَا عَنِ الْجَيْشِ الَّذِي يُخْسَفُ بِهِ وَكَانَ ذَلِكَ فِي أَيَّامِ الزُّبَيْرِ، فَقَالَتْ: قَالَ رَسُولُ ﷺ «يَعُودُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ، فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ».

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ يَمُنُّ مَنْ كَانَ كَارِهَا؟

۱ - خطابی در مغالیم السنن، ج ۴، ص ۳۴۴ نوشته است: الجزان، مقدم العتق، وأصله في البعير إذا مذ عنقه على وجه الأرض، فيقال ألقى البعير جرائه، وإنما يفعل ذلك إذا طال مقامه في مناخره، فضرب الجزان مثلاً للإسلام إذا استقر قراره فلم يكن فتنة ولا هنج، وجرت أحكامه على العدل والاستقامة.

قال: «يُخَسَفُ بِهِ مَعَهُمْ، وَلَكِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَبِيِّهِ»^۱.
وقال أبو جعفر: هِيَ بَيْدَاءُ الْمَدِينَةِ.

۲۶۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۱، حدیث شماره ۴۰۶۵، باب جیش البیداء که با

سه طریق نقل می کند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ، وَنَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ، وَهَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمَّالُ، قَالُوا: ثَنَا سُفْيَانُ
ابْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ، سَمِعَ نَافِعَ بْنَ جُبَيْرٍ يُخْبِرُ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: ذَكَرَ النَّبِيُّ ﷺ
الْجَيْشَ الَّذِي يُخَسَفُ بِهِمْ، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَعَلَّ فِيهِمْ الْمَكْرَهَ؟
قَالَ: «إِنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ عَلَى نَبَاتِهِمْ».

۲۶۳- الْمُصَنَّفُ، ابن أبي شيبه، ج ۸، ص ۶۰۹، كتاب الفتن، ص ۴۰، حدیث ۱۱۵:

حَدَّثَنَا عَفَّانُ، قَالَ ثَنَا عِمْرَانُ الْقَطَّانُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَبِي الْخَلِيلِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
الْحَارِثِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يُبَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ كَعِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، فَتَأْتِيهِ عَصَائِبُ
الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ، فَيَغْزُوهُمْ جَيْشٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ يُخَسَفُ بِهِمْ،
ثُمَّ يَغْزُوهُمْ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخُوَالَهُ كَلْبٌ، فَيَلْتَقُونَ فِيهِزْمُهُمْ اللَّهُ» فَكَانَ يُقَالُ: الْخَائِبُ مَنْ
خَابَ غَنِيمَةَ كَلْبٍ».

۲۶۴- الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ۲۳، ص ۲۹۵، حدیث شماره ۶۵۶:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى الشَّامِيُّ الْبَصْرِيُّ، ثَنَا سَهْلُ بْنُ تَمَّامِ بْنِ بَزِيعٍ، ثَنَا عِمْرَانُ الْقَطَّانُ،
عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَبِي الْخَلِيلِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ:

۱- در التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۱ در الباب السابع في الخليفة المهدي عليه السلام، پس از نقل حدیث یاد شده، آمده است: این حدیث را بخاری، مسلم و ترمذی در کتاب الفتن روایت کرده اند، و ابوداود، در کتاب المهدي، روایت کرده «جزماً منه بأن هذا الجيش الذي يُخَسَفُ به هو الذي يأتي لقتال المهدي عليه السلام، و يؤيد هذا ما بعده» که حدیث شماره ۲۵۴- که از پیش نگاشته شد- را برای تأیید نظر خویش نقل می کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يُنَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ، فَتَأْتِيهِ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ، فَيَغْزُوهُمْ جَيْشٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِيفَ بِهِمْ، يَغْزُوهُمْ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخُوهُ كَلْبٌ، فَيَلْتَقُونَ فَيَهْزِمُهُمْ، فَكَانَ يُقَالُ: الْخَائِبُ مَنْ خَابَ غَنِيمَةَ كَلْبٍ».

۲۶۵ - همان، ج ۲۳، ص ۳۸۹، حدیث شماره ۹۳۰:

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمَخْرَمِيُّ، ثنا عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ، ثنا عِمْرَانُ الْقَطَّانُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَبِي الْخَلِيلِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يُنَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ كَعِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، فَتَأْتِيهِ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ، فَيَغْزُوهُمْ جَيْشٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِيفَ بِهِمْ، ثُمَّ يَغْزُوهُمْ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخُوهُ كَلْبٌ، فَيَلْتَقُونَ فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ. فَكَانَ يُقَالُ: الْخَائِبُ مَنْ خَابَ غَنِيمَةَ كَلْبٍ»^۱.

۲۶۶ - الْمُسْتَدْرَكُ، ج ۴، ص ۴۳۱:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَمَّشَادٍ الْعَدَلِيُّ، ثنا اِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيُّ، ثنا عَمْرُو بْنُ عَاصِمٍ الْكِلَابِيُّ، ثنا ابوالعوام القطان، ثنا قَتَادَةُ، عَنْ أَبِي الْخَلِيلِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يُنَايِعُ لِرَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ كَعِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، فَسَيَأْتِيهِ عُصْبُ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ، فَيَأْتِيهِمْ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِيفَ بِهِمْ، ثُمَّ يَسِيرُ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَخُوهُ كَلْبٌ فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ».

قال: «وكان يُقال: إنَّ الخائبَ يومئذٍ من خاب من غنيمَةِ كَلْبٍ».

۲۶۷ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۶، ص ۲۲۲، حدیث شماره ۵۴۶۹:

۱ - نیز بنگرید به: هَيْثَمِيُّ، مَجْمَعُ الْبَغْرِيِّينَ، هَيْثَمِيُّ، ج ۴، ص ۱۶۴، ش ۴۴۵۲ (عين همان مضمون با

اندکی تفاوت در عبارت).

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ أَبِي لَيْلَى، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُطَّلِبُ بْنُ زِيَادٍ، عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «يَسِيرُ مَلِكُ الْمَشْرِقِ إِلَى مَلِكِ الْمَغْرِبِ فَيَقْتُلُهُ، ثُمَّ يَسِيرُ مَلِكُ الْمَغْرِبِ إِلَى مَلِكِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُهُ، فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ، ثُمَّ يَبْعَثُ جَيْشًا فَيُخَسِفُ نَاسًا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ، فَيَعُوذُ عَائِدٌ بِالْحَرَمِ، فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّائِرِ الْوَارِدَةِ الْمَتَفَرِّقَةِ حَتَّى يَجْتَمِعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَأَرْبَعَةٌ عَشَرَ فِيهِمْ نِسْوَةٌ، فَيُظْهِرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَابْنِ جَبَّارٍ، وَيُظْهِرُ مِنَ الْعَدْلِ مَا يَتَمَنَّى لَهُ الْأَحْيَاءُ أَمْوَاتَهُمْ، فَيُخَيِّ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ زَادَ سَاعَةً فَأَرْبَعٌ عَشْرَةَ، ثُمَّ مَا تَحْتَ الْأَرْضِ خَيْرٌ مِمَّا فَوْقَهَا».

روایاتی از حفصه^۳ درباره خسف

۲۶۸ - صحیح مسلم بشرح النووي، ج ۱۸، ص ۵:

حَدَّثَنَا عَمْرُو النَّاقِدُ، وَابْنُ أَبِي عَمَرَ - وَاللَّفْظُ لِعَمْرُو - قَالَا: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ أُمِّئَةَ بِنِ صَفْوَانَ سَمِعَ جَدَّهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ صَفْوَانَ يَقُولُ: أَخْبَرْتَنِي حَفْصَةُ أَنَّهَا سَمِعَتْ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ:

«لَيَوْمٍ هَذَا الْبَيْتَ جَيْشٌ يَغْزُونُهُ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بَيْنَهُمَا مِنَ الْأَرْضِ يُخَسَفُ بِأَوْسَطِهِمْ وَيُنَادِي أَوْلَاهُمْ آخِرَهُمْ، ثُمَّ يُخَسَفُ بِهِمْ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الشَّرِيدُ الَّذِي يُخْبِرُ عَنْهُمْ».

فَقَالَ رَجُلٌ: أَشْهَدُ عَلَيْكَ أَنْكَ لَمْ تَكْذِبْ عَلَى حَفْصَةَ، وَأَشْهَدُ عَلَى حَفْصَةَ أَنَّهَا لَمْ تَكْذِبْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ.

۱ - در العاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۹ آمده است: «فینشأ ناس».

۲ - همان: «کالطیر».

۳ - درباره ارتباط این گونه از احادیث با موضوع مهدویت، به مقدمه حدیث شماره ۲۵۴ مراجعه شود.

٢٦٩ - سَنَنْ النَّسَائِيَّ بِشَرْحِ جَلالِ الدِّينِ السُّيُوطِيِّ وَحاشيةِ السُّنْدِيِّ، ج ٥، ص ٢٠٧:
 أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ دَاوُدَ الْمِصْطَبِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَابِقٍ قَالَ: حَدَّثَنَا
 أَبُو سَلَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ عَنِ الدَّلَانِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْةَ، عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي الْجَعْدِ،
 عَنْ أَخِيهِ قَالَ: حَدَّثَنِي ابْنُ رَبِيعَةَ، عَنْ حَفْصَةَ بِنْتِ عُمَرَ قَالَتْ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يُبْعَثُ جُنْدٌ إِلَى هَذَا الْحَرَمِ، فَإِذَا كَانُوا يَبِيدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ
 بِأَوْلِهِمْ وَآخِرِهِمْ وَلَمْ يَنْجُ أَوْسَطُهُمْ».

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِيهِمْ مُؤْمِنُونَ؟ قَالَ: «تَكُونُ لَهُمْ قُبُورًا».
 أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ أُمِّيَّةَ بِنْتِ صَفْوَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 صَفْوَانَ سَمِعَ جَدَّهُ يَقُولُ: حَدَّثَنِي حَفْصَةُ أَنَّهُ قَالَ ﷺ:
 قَالَ ﷺ: «لَيَوْمَنَّ هَذَا الْبَيْتَ جَيْشٌ يَغْزُونَهُ، حَتَّى إِذَا كَانُوا يَبِيدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ
 بِأَوْسَطِهِمْ، فَيُنَادِي أَوْلَهُمْ وَآخِرَهُمْ فَيُخَسَفُ بِهِمْ جَمِيعًا، وَلَا يَنْجُو إِلَّا الشَّرِيدُ الَّذِي يُخْبِرُ
 عَنْهُمْ».

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَشْهَدُ عَلَيْكَ أَنَّكَ مَا كَذَبْتَ عَلَيَّ جَدَّكَ، وَأَشْهَدُ عَلَيَّ جَدَّكَ أَنَّهُ مَا كَذَبَ
 عَلَيَّ حَفْصَةَ، وَأَشْهَدُ عَلَيَّ حَفْصَةَ أَنَّهَا لَمْ تَكْذِبْ عَلَيَّ النَّبِيَّ ﷺ.

روایتی از أم المؤمنين

٢٧٠ - صحيح مسلم بشرح النووي، ج ١٨، ص ٦:
 وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ حَاتِمِ بْنِ مَيْمُونٍ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ صَالِحٍ، حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو،
 حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ أَبِي أَنَيْسَةَ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْعَامِرِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ مَاهَكَ، أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ
 ابْنُ صَفْوَانَ، عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
 «سَيَعُودُ بِهَذَا الْبَيْتِ - يَعْنِي الْكَعْبَةَ - قَوْمٌ لَيْسَتْ لَهُمْ مَنَعَةٌ وَلَا عَدَدٌ وَلَا عُدَّةٌ، يُبْعَثُ إِلَيْهِمْ
 جَيْشٌ، حَتَّى إِذَا كَانُوا يَبِيدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ».

قَالَ يُوسُفُ: وَأَهْلُ الشَّامِ يَوْمَئِذٍ يَسِيرُونَ إِلَى مَكَّةَ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَفْوَانَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا هُوَ بِهَذَا الْجَيْشِ.

در کتاب التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۱، در شرح روایت یادشده، آمده است: حَقًّا لَيْسَ هُوَ هَذَا الْجَيْشَ الْآتِي لِقِتَالِ ابْنِ الرَّبِيعِ، لِأَنَّهُ لَمْ يُخَسَفْ بِهِ، وَمَا سَمِعْنَا بِجَيْشٍ خُسِيفَ بِهِ لِلآنِ، وَلَوْ وَقَعَ لَأَشْتَهَرَ أَمْرُهُ كَأَصْحَابِ الْفِيلِ.

روایتی از ام حبیبه = رمله

نابودی گروهی که نسبت به مهدی علیه السلام، سوء قصد دارند

۲۷۱ - الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، ج ۵، ص ۲۷ و ۲۸، حدیث شماره ۴۰۴۲:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ، ثنا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَلَمَةَ الرَّازِيُّ^۱، قَالَ: حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ التَّيْمِيِّ، عَنْ أَبِي الْجَرَّاحِ مَوْلَى أُمِّ حَبِيبَةَ، عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يُرِيدُونَ رَجُلًا عِنْدَ الْبَيْتِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءِ مِنَ الْأَرْضِ خُسِيفَ بِهِمْ^۲، فَيَلْحَقُ بِهِمْ مِنْ يَخْلُفُهُمْ، فَيُصِيبُهُمْ مَا أَصَابَهُمْ».

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ يَمْنُ أَخْرَجَ مُسْتَكْرَهَا؟

قَالَ: «يُصِيبُهُ مَا أَصَابَ النَّاسَ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ كُلَّ امْرِئٍ عَلَى نَيْتِهِ».

۱ - در الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُسْلِمِ الرَّازِيِّ آمده که ظاهراً اشتباه است.

۲ - الْحَاوِي لِلْفَتَاوَى، ج ۲، ص ۱۳۰.

روایاتی از صَفِيَّه درباره خَسْف در بَيِّنَات^۱

۲۷۲ - عَارِضَةُ الْأَحْوَذِيِّ، شرح صحيح التِّرْمِذِيِّ، أبواب الفِتْنِ، باب ما جاء في الخَسْفِ، ج ۹، ص ۳۳:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ غَيْلَانَ، حَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ الْمَرْهَبِيِّ، عَنْ مُسْلِمِ بْنِ صَفْوَانَ، عَنْ صَفِيَّةَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَنْتَهِي النَّاسُ عَنْ غَزْوِ هَذَا الْبَيْتِ، حَتَّى يَغْزَوْا جَيْشَ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ - أَوْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَرْضِ -، خُسِفَ بِأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ، وَلَمْ يَنْجُ أَوْسَطُهُمْ». قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ كَرِهَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: «يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي أَنْفُسِهِمْ». قَالَ أَبُو عَيْسَى: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.^۲

۲۷۳ - سُنَنِ ابْنِ مَاجَه، ج ۲، ص ۱۳۵۱، شماره ۴۰۶۴:

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا الفضلُ بْنُ دُكَيْنٍ، ثنا سُفْيَانُ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ الْمَرْهَبِيِّ، عَنْ مُسْلِمِ بْنِ صَفْوَانَ، عَنْ صَفِيَّةَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَنْتَهِي النَّاسُ عَنْ غَزْوِ هَذَا الْبَيْتِ، حَتَّى يَغْزَوْا جَيْشَ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ (أَوْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَرْضِ) خُسِفَ بِأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ، وَلَمْ يَنْجُ أَوْسَطُهُمْ». قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ فِيهِمْ مَنْ يُكْرَهُ؟ قَالَ: «يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ». ۲۷۴ - همان، ص ۱۳۵۰، شماره ۴۰۶۳:

حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ، سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ أُمِّيَّةَ بِنْتِ صَفْوَانَ بِنْتِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَفْوَانَ سَمِعَ جَدَّهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ صَفْوَانَ يَقُولُ: أَخْبَرْتَنِي حَفْصَةُ أَنَّهَا سَمِعَتْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَيَوْمٍ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ جَيْشٌ يَغْزُونَهُ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِبَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَرْضِ، خُسِفَ بِأَوْسَطِهِمْ

۱ - درباره ارتباط این گونه احادیث با موضوع مهدویت، به مقدمه حدیث شماره ۲۵۴ مراجعه شود.

۲ - توضیح این عبارت را در ذیل حدیث شماره ۱۶۸ بنگرید.

وَيُنَادِي أَوْلَهُمْ آخِرَهُمْ، فَيُخَسَفُ بِهِمْ فَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ إِلَّا الشَّرِيدُ الَّذِي يُخْبِرُ عَنْهُمْ». قَلَّمَا جَاءَ جَيْشُ الْحَبَجَّاجِ ظَنَّنَا أَنَّهُمْ هُمْ. فَقَالَ رَجُلٌ: أَشْهَدُ عَلَيْكَ أَنَّكَ لَمْ تَكْذِبْ عَلَى حَفْصَةَ، وَأَنَّ حَفْصَةَ لَمْ تَكْذِبْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ.

٢٧٥ - مُسْنَدُ أَحْمَدَ، ج ٦، ص ٣٣٦ و ٣٣٧:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثَنَا وَكَيْعٌ، قَالَ: ثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ، عَنْ ابْنِ صَفْوَانَ، عَنْ صَفِيَّةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَنْتَهِي النَّاسُ عَنْ غَزْوِ هَذَا الْبَيْتِ حَتَّى يَغْزَوْهُ جَيْشٌ، حَتَّى إِذَا كَانُوا يَبِيدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِأَوْلَهُمْ وَآخِرِهِمْ، وَلَمْ يَنْجُ أَوْسَطُهُمْ».

قَالَتْ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَرَأَيْتَ الْمُكْرَةَ مِنْهُمْ؟

قَالَ: «يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي أَنْفُسِهِمْ».

قَالَ سُفْيَانُ: قَالَ سَلَمَةُ: فَحَدَّثَنِي أَبُو الْجَعْدِ، عَنْ مُسْلِمٍ نَحْوَ هَذَا الْحَدِيثِ.

٢٧٦ - هَمَانُ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَهْدِيٍّ، ثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ سَلَمَةَ يَعْنِي ابْنَ كَهَيْلٍ، عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ، عَنْ ابْنِ صَفْوَانَ، عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ حُيَيٍّ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «لَا يَنْتَهِي النَّاسُ عَنْ غَزْوِ هَذَا الْبَيْتِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا يَبِيدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِأَوْلَهُمْ وَآخِرِهِمْ، وَلَمْ يَنْجُ أَوْسَطُهُمْ».

قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَكُونُ فِيهِمُ الْمُكْرَةُ! قَالَ: «يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي أَنْفُسِهِمْ».

روایاتی از عایشہ

صحیح البخاری، ج ٣، ص ١٩ (کتاب البیوع، باب ما ذکر فی الأسواق) وفتح الباری

بشرح صحیح البخاری، ج ٤، ص ٣٣٨:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ زَكَرِيَّا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ، عَنْ نَافِعِ بْنِ

جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَغْزُو جَيْشُ الْكَعْبَةِ، فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءِ مِنَ الْأَرْضِ يُخْشَفُ بِأَوْلِهِمْ
وَأَخْرِهِمْ».

قَالَتْ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، كَيْفَ يُخْشَفُ بِأَوْلِهِمْ وَأَخْرِهِمْ وَفِيهِمْ أَشْوَاهُهُمْ وَمَنْ لَيْسَ
مِنْهُمْ؟! قَالَ:

«يُخْشَفُ بِأَوْلِهِمْ وَأَخْرِهِمْ، ثُمَّ يُبْعَثُونَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ».

نیز بنگرید به صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۶ و ۷.

درباره ارتباط این گونه از احادیث به موضوع مهدویت، بنگرید به مقدمه حدیث
شماره ۲۵۴.

۲۷۷ - الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۶۷، حدیث شماره ۶۷۲۰،
ذَكَرَ الْخَبْرَ الْمُدْحِضَ قَوْلَ مَنْ نَفَى كَوْنَ الْخُشْفِ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ:

أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ سَفْيَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكَّارِ بْنِ الرِّيَّانِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ
ابْنُ زَكَرِيَّا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ نَافِعَ بْنَ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ، يَقُولُ: حَدَّثَتْنِي
عَائِشَةُ قَالَتْ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَغْزُو جَيْشُ الْكَعْبَةِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءِ مِنَ الْأَرْضِ خُشِفَ
بِأَوْلِهِمْ وَأَخْرِهِمْ».

قَالَتْ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَفِيهِمْ سِوَاهُمْ وَمَنْ لَيْسَ مِنْهُمْ!

قَالَ: «يُخْشَفُ بِأَوْلِهِمْ وَأَخْرِهِمْ، ثُمَّ يُبْعَثُونَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ».

۲۷۸ - حِلْيَةُ الْأَوْلِيَاءِ، ج ۵، ص ۱۱:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُسْلِمِ الْعَقِيلِيِّ، ثنا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ الْوَلِيدِ الْقَسَوِيِّ، ثنا سَعِيدُ
ابْنِ سُلَيْمَانَ [سَفْيَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ]، ثنا أَبُو إِسْحَاقَ بْنُ حَمَزَةَ، ثنا أَبُو بَكْرٍ بْنُ الْجَعْدِ ح. وَحَدَّثَنَا
أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْجُرْجَانِيُّ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ سَفْيَانَ، قَالَا: ثنا مُحَمَّدُ بْنُ بَكَّارٍ، ثنا
إِسْمَاعِيلُ بْنُ زَكَرِيَّا، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ سُوْقَةَ، عَنْ نَافِعِ بْنِ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ: حَدَّثَتْنِي عَائِشَةُ
قَالَتْ:

قال رسول الله: «يَغْزُو جَيْشُ الْكَعْبَةِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بَيْنَدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِأَوْلِهِمْ
وَأَخْرِهِمْ، وَفِيهِمْ أَشْرَافُهُمْ».

قالت عائشة: فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَكَيْفَ يُخَسَفُ بِأَوْلِهِمْ وَأَخْرِهِمْ وَفِيهِمْ أَشْرَافُهُمْ
[وَمَنْ لَيْسَ مِنْهُمْ؟!]

قال: «يُخَسَفُ بِأَوْلِهِمْ وَأَخْرِهِمْ، ثُمَّ يُبْعَثُونَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ».

صَحِيحٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ، مِنْ حَدِيثِ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ. وَرَوَاهُ الثَّوْرِيُّ وَابْنُ عُيَيْنَةَ عَنِ مُحَمَّدِ
عَنْ نَافِعٍ عَنِ أُمِّ سَلَمَةَ.

ضمیمه چند روایت مرسَل

روایتی از علی بن الحسین امام زین العابدین علیه السلام

هلاک نشدن امت، به خاطر وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مهدی و مسیح علیهما السلام
۲۷۹ - مشکاة المصابیح، ج ۳، ص ۲۹۳، حدیث شماره ۶۲۸۷، کتاب المناقب، باب
ثواب هذه الأمة، فصل سوم:

روی زین، عن جعفر، عن أبيه، عن جدّه، قال:
قال رسول الله صلی الله علیه و آله «أبشروا، وأبشروا، إنما مثل أمتي مثل الغيث، لا يدرى آخره خير أم
أوله، أو كحد بقة أطعم منها فوج عاماً، ثم أطعم منها فوج عاماً، لعل آخرها فوجاً أن يكون
أعرضها عرضاً وأعماقها عمقاً، وأحسنها حسناً.
كيف تهلك أمة أنا أولها، والمهدي وسطها، والمسيح آخرها. ولكن بين ذلك فيج أعوج
ليسوا مني ولا أنا منهم».

در مرقاة المفاتيح شرح مشکاة المصابیح، ج ۱۰، ص ۶۵۷، حدیث شماره ۶۲۸۷
آمده است:

جعفر صادق علیه السلام، از پدرش: محمد باقر علیه السلام، از جدش: زین العابدین علی بن
حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام - روایت کرده. و چنین سندی را «سلسلة الذهب»

می نامند.

تکرار «أُبَشِّرُوا» برای تأکید است و یا «أُبَشِّرُوا» نخست، برای دنیا و «أُبَشِّرُوا» دوم برای آخرت. و بعید نیست که دومی به معنای «بشروا» باشد همان گونه که در کتاب قاموس اللغه آمده است.

مثل افراد اُمت همچون انواع باران است در حصول منفعت، که گروهی در یک سال و گروهی در سال دیگر از آن بهره مند می گردند. واژه «فَوْجاً» منصوب است از باب تمیز، «أَعْرَضَهَا» خبر «يَكُونُ» می باشد. «فَيْج» به فتح فاء و سکون یاء و جیم یعنی فَوْج. مفرد آوردن «أعوج» به اعتبار لفظ فوج است. تمثیل به باران و بوستان، مانند آیه شریفه «أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ»^۱ از باب استعاره در تساوی است نظیر «جَالِسِ الْحَسَنِ أَوْ ابْنِ سِيرِينَ».

روایت مزبور «مُرْسَل» است، زیرا امام زین العابدین [ع]، از بزرگان تابعان به شمار می آید و همچنین فرزندش محمد باقر [ع] از تابعان است، که جابر بن عبدالله، را درک کرده و از وی حدیث شنیده اند. و پیشوایان برجسته مانند: ابوحنیفه، مالک بن انس، ثوری، ابن عیثه و جز اینان، از امام جعفر صادق [ع]، حدیث شنیده اند. امام صادق [ع] در کنار قبر پدرش محمد باقر [ع]، و جدش زین العابدین [ع]، در بقیع دفن شده است.

روایاتی از قَتَادَةَ بنِ دِعَامَةَ

خاطر نشان می سازد که قَتَادَةَ بنِ دِعَامَةَ، از تابعان به شمار می آید بنابراین، روایت وی مُرْسَل است.

۱ - سورة بقره، آیه ۱۹.

محل بیعت با مهدي عليه السلام میان رکن و مقام است

۲۸۰ - سنن أبي داود، ج ۲، ص ۲۲۳ و سنن أبي داود، تحقیق کمال یوسف، ج ۲، ص ۵۱۰، حدیث شماره ۴۲۸۶:

حدثنا هارون بن عبد الله، أخبرنا عبد الصمد، عن همام، عن قتادة بهذا الحديث (يعني حدیث شماره ۲۵۴ که در صفحات قبل آورده شد).

۲۸۱ - الفتن و الملاجم، نعیم بن حنّاد، ص ۱۸۸:

حدثنا ابن ثور و عبد الرزاق، عن معمر، عن قتادة قال:

قال رسول الله ﷺ: «يُخْرَجُ الْمَهْدِيُّ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ، فَيَسْتَخْرِجُوهُ النَّاسُ مِنْ بَيْتِهِمْ، فَيُنَايِعُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَهُوَ كَارِهِ»^۱.

۲۸۲ - همان، ص ۱۹۷:

حدثنا عبد الرزاق، عن معمر، عن قتادة قال:

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّهُ يَسْتَخْرِجُ الْكَنْزَ وَيَقْسِمُ الْمَالَ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ».

۲۸۳ - همان، ص ۱۹۴.

حدثنا ابن ثور،^۲ و عبد الرزاق و ابن معاذ، عن معمر، عن قتادة قال:

قال رسول الله ﷺ: «يَأْتِيهِ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ فَيُنَايِعُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ».

۲۸۴ - المصنف، عبد الرزاق صنعاني يمانی، ج ۱۱، ص ۳۷۱. (باب في المهدي).

حدیث شماره ۲۰۷۶۹: [۱۰ " " ۱۶ " ۳۴ " ۲۰۹۳۴]

أخبرنا عبد الرزاق، عن معمر، عن قتادة يرفعه إلى النبي ﷺ قال:

۱ - العاوي للفتاوى، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲ - ابن ثور، یعنی محمد بن ثور الصنعاني، (بنگرید به: تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۱۴۹)، در الفتن

والملاحم، ... ابونور آمده، که ظاهراً صحیح آن ابن ثور است.

يَكُونُ اخْتِلافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنَ الْمَدِينَةِ فَيَأْتِي مَكَّةَ، فَيَسْتَخْرِجُهُ النَّاسُ مِنْ بَيْتِهِ وَهُوَ كَارِهِ، فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ مِنَ الشَّامِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِيفَ بِهِمْ، فَيَأْتِيهِ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالُ الشَّامِ فَيُبَايِعُونَهُ، فَيَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَقْسِمُ الْمَالَ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ، يَعْيشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ - أَوْ قَالَ: تِسْعَ سِنِينَ - .

و در پاورقی آن آمده است: أَخْرَجَهُ أَبُو دَاوُدَ مِنْ حَدِيثِ قَتَادَةَ عَنِ صَالِحِ أَبِي الْخَلِيلِ عَنِ صَاحِبِ لَهُ، عَنِ أُمِّ سَلَمَةَ. وَأَخْرَجَهُ الطَّبْرَانِيُّ أَيْضاً (المُعْجَمُ الْكَبِيرُ، ج ٢٣، ص ٣٩٠، حديث شماره ٩٣١) قَالَ الْهَيْثَمِيُّ، رِجَالُهُ رِجَالُ الصَّحِيحِ.

فهارس

- فهرست احادیث، به ترتیب الفبا
- فهرست موضوعی احادیث، به ترتیب الفبایی راویان صحابی
- فهرست موضوعی براساس شماره احادیث
- فهرست طبقات راویان
- فهرست راویان به ترتیب الفبا، همراه با شماره طبقه و روایت
- منابع و مآخذ

فهرست احاديث به ترتيب الفبا

شماره حديث	راوي	حديث
		﴿ الف ﴾
٩٤، ٩٣	ابوسعيد خدرى	أَبَشِّرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي...
٢٧٩	علي بن الحسين زين العابدين <small>عليه السلام</small>	أَبَشِّرُوا، أَبَشِّرُوا، إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي...
٧٥	حسين بن علي بن أبي طالب <small>عليه السلام</small>	أَبَشِّرِي الْمَهْدِيَّ مِنْكَ
٢١١	ابن مسعود	إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ...
٩، ٧	ابوهريزه	إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ...
٣٧	ثوبان	إِذَا أَقْبَلُوا بِرَايَاتِ السُّودِ مِنْ عَقِبِ خُرَاسَانَ...
٣٨	ثوبان	إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ... / ثوبان
٢١٠	ابن مسعود	إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ خَرَجَتْ...
٧٧	ابوسعيد خدرى	إِسْمُ الْمَهْدِيِّ اسْمِي
٣٠	ابوهريزه	إِنْ قَصَرَ فَسَبْعٌ، وَإِلَّا فَثَمَانٍ وَإِلَّا فَتِسْعٌ...
٢٠٥ تا ٢٠٩	ابن مسعود	إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ..
٩١	ابوسعيد خدرى	إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَخْرُجُ...
١٣١	ابوسعيد خدرى	إِنَّ مِنْ أُمَّرَاتِكُمْ أَمِيرًا يَحْتَمِي الْمَالَ حَتَّى...

- ٤٦ جابر بن سمره سوائي
 ٢٨٢ إِنَّهُ يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَقْسِمُ الْمَالَ وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَائِدِهِ قِتَادَهُ

﴿ ب ﴾

- ٢٢٩ امير المؤمنين عليؑ
 ٢٣١ امير المؤمنين عليؑ
 ٢٣٠ امير المؤمنين عليؑ
- بَلْ مِنَّا، إِنَّا يُخْتَمُ الدِّينُ كَمَا إِنَّا فَتِحَ...
 بَلْ مِنَّا، إِنَّا يُخْتَمُ اللَّهُ كَمَا إِنَّا فَتِحَ...
 إِنَّا يُخْتَمُ الدِّينُ كَمَا إِنَّا فَتِحَ...

﴿ ت ﴾

- ١٢٧ ابوسعيد خدرى
 ٢٣٨ عوف بن مالك
 ٨
 ٥،٤
 ١٠٣، ١٠٢
 ١٠١
 ١١٧
- تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ يَعْشُو بِهَا... /
 تَجِيءُ فِتْنَةٌ غِبْرَاءَ مُظْلَمَةٍ، ثُمَّ يَتَّبِعُ الْفِتْنَةَ... /
 تَخْرُجُ رَايَاتُ سُودٍ مِنْ خُرَاسَانَ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِأَيْلِيَاءَ / ابوهريره
 تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتُ سُودٍ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِأَيْلِيَاءَ / ابوهريره
 تُمَلَأُ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي... / ابوسعيد خدرى
 تُمَلَأُ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي... / ابوسعيد خدرى
 تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا بِمِثْلِهَا قَطُّ... / ابوسعيد خدرى

﴿ ح - ذ - ر ﴾

- ٢٢٦ علي هلالى
 ٩٦ ابوسعيد خدرى
 ١٤٤
- حَبِيبَتِي فَاطِمَةُ مَا الَّذِي يُبْكِيكِ؟...
 ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ بَلَاءَ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ...
 رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي، يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْيَ / عايشه

﴿ س ﴾

- ۹۷ ابوسعید خدری سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ، مِنْهَا فِتْنَةُ الْأَحْلَاسِ...
- ۱۳۹ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ سَتَكُونُ فِتْنَةٌ لَا يَهْدَأُ مِنْهَا جَانِبٌ إِلَّا جَاشَ...
- ۱۴۹ / ابن عمر سَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ هَذَا فَتَى يَمَلَأُ الْأَرْضَ جَوْرًا وَظُلْمًا... / ابن عمر
- ۲۴۳ ماجد صدفي سَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءٌ، وَمِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءٌ...
- ۱۳۸ ابوامامه باهلي سَيَكُونُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعٌ هُدُنٍ...
- ۲۴۴ ماجد صدفي سَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي رَجُلٌ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا...
- ۲۷۰ امّ المؤمنين سَيَعُودُ بِهَذَا الْبَيْتِ - يَعْنِي الْكَعْبَةَ - قَوْمٌ...

﴿ ف ﴾

- ۱۵۲، ۱۵۱ في ذِي الْقَعْدَةِ تَجَادَبُ الْقَبَائِلِ [تَجَادَبَ الْقَبَائِلُ وَ] ... / ابن عمرو بن عاص
- ۲۱۳ قَيْنَزِلُ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ... / عثمان بن ابي العاص

﴿ ك ﴾

- ۲۰، ۱۴، ۱۳ ابوهريزه كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ. / ابوهريزه
- ۲۱ ابوهريزه كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ مِنَ السَّمَاءِ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ. / ابوهريزه
- ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶ ابوهريزه كَيْفَ بِكُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَأَمَّكُمْ - أَوْ قَالَ: - إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ. / ابوهريزه
- ۱۴۸ ابن عباس كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلَاهَا، وَعَيْسَى فِي آخِرِهَا وَالْمَهْدِيُّ... / ابن عباس

﴿ ل ﴾

- ۲۰۰ ابن مسعود لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابن مسعود
- ۱۹۵ ابن مسعود لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابن مسعود
- ۱۸۳ ابن مسعود لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابن مسعود

- لا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابن مسعود ١٨٢، ١٨٩، ١٩١
- لا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابن مسعود ١٦٨
- لا تَذْهَبُ أَوْ لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابن مسعود ١٦٥ تا ١٦٧، ١٧٠
- لا تَزَالُ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَنْزِلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ... / جابر بن عبدالله انصاري ٥٨
- لا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَاهُمْ... / عمران بن حصين ٢٣٧
- لا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ... / جابر بن عبدالله انصاري ٥٤، ٥٥، ٥٦، ٦٠، ٦١
- لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِي الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا... / ابوسعيد خدرى ١٠٤، ١٠٦، ١٠٧
- لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمَلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَعُدْوَانًا... / ابوسعيد خدرى ١٠٩
- لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابوهريره ٢
- لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَسْتَخْلِفَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... / ابوسعيد خدرى ١١٠
- لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي / ابن مسعود ١٦١
- لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجَلِي، أَقْنِي... / ابوسعيد خدرى ١٠٥، ١٠٨
- لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي... / ابن مسعود ١٦٤، ١٩٠
- لا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَلَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي
ابن مسعود ١٦٩، ١٧١
- لا تَنْقُضِي الدُّنْيَا - أَوْ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا - حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي
ابن مسعود ١٨٤
- لا يَذْهَبُ الْأَيَّامُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي / ابن مسعود ١٨٨
- لا يَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا
ابن مسعود ١٨٥

لا يَذْهَبُ الْاَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ رَجُلًا...

١٨١ ابن مسعود

لا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا... / ابن مسعود ١٨٦

لا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي / ابن مسعود ١٧٢، ١٧٤،

١٨٠، ١٧٩

لا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي، يُوَافِقُ اسْمُهُ اسْمِي، يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا...

١٨٧ ابن مسعود

لا يَذْهَبُ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامُ، حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي / ابن مسعود ١٧٣

لا يَزَالُ الْاِسْلَامُ عَزِيْزًا اِلَى اَثْنِي عَشَرَ خَلِيْفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. / جابر بن سمرة سوائي / ٤١

لا يَزَالُ اَمْرُ اُمَّتِي صَالِحًا حَتَّى يَمْضِيَ اِثْنَا عَشَرَ خَلِيْفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. / ابو جحيفة ٤٩

لا يَزَالُ اَمْرُ النَّاسِ مَا ضِيًّا مَا وَلِيَهُمْ اِثْنَا عَشَرَ رَجُلًا. / جابر بن سمرة سوائي ٤٠

لا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيْزًا مَنْبِعًا اِلَى اَثْنِي عَشَرَ خَلِيْفَةً... / جابر بن سمرة سوائي ٤٢، ٤٤

لا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى يَكُوْنَ عَلَيْكُمْ اِثْنَا عَشَرَ خَلِيْفَةً... / جابر بن سمرة سوائي ٤٣

لا يَنْتَهِي النَّاسُ عَنْ غَزْوِ هَذَا الْبَيْتِ... صَفِيْه ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٥، ٢٧٦

لا يَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي

١٧٥ تا ١٧٨ ابن مسعود

لَتَمْلَأَنَّ الْاَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَاِذَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا، بَعَثَ اللهُ رَجُلًا اسْمُهُ اسْمِي...

٢٤٠ تا ٢٤٢ قرّة بن اياس مزني

لَتَمْلَأَنَّ الْاَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَاِذَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا... / قرّة بن اياس مزني ٢٣٩

لَتَمْلَأَنَّ الْاَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ لَيَخْرُجَنَّ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي... / ابوسعيد خدري ١١١

لَنْ تَهْلِكَ اُمَّةٌ اَنَا فِيْ اَوْلِيَّهَا، وَعَيْسَى بِنُ مَرْيَمَ فِيْ آخِرِهَا وَالْمَهْدِيُّ فِيْ اَوْسَطِهَا. / ابن عباس ١٤٨

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا لَيْلَةٌ لَمَلَكَ فِيْهَا رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ اسْمُهُ اسْمِي

١٦٢، ١٦٣ ابن مسعود

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا لَيْلَةٌ لَمَلَكَ فِيْهَا رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ ﷺ / ابو هريرة، ١

- لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِثْلًا... / امير المؤمنين عليؑ ١٤٢
- لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ... / ابن مسعود ١٩٣، ١٩٦، ١٩٧، ٢٠١
- لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ... / حذيفة بن يمان ٧٤
- لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا
امير المؤمنين عليؑ و ابو الطفيل / ١٤٠، ١٤١، ٢٢٥، ٢٢٨
- لَيَوْمَنْ هَذَا الْبَيْتَ جَيْشٌ يَغْزُونُهُ حَتَّى إِذَا كَانُوا يَبِيدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ... / حفصه و صفيه ٢٦٨، ٢٦٩
- لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ خَلِيفَةً يَحْتِى الْمَالَ حَتِيًّا وَلَا يَعْدُهُ. / ابوسعيد خدرى ١٣٠
- لَيَبْعَثَنَّ مِنْ عِترتي رَجُلًا أَفْرَقَ الشَّيَا، أَجْلَى الْجَبْهَةِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا...
عبدالرحمن بن عوف ١٤٥
- لَيَقُومَنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَقْنَى، أَجْلَى، يُوسِعُ الْأَرْضَ عَدْلًا... / ابوسعيد خدرى ٨٨
- ﴿ م ﴾
- مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ
ابوسعيد خدرى ١٣٦
- مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... / جابر بن عبدالله انصارى ٧٢
- مِنْ خُلَفَائِكُمْ خَلِيفَةٌ يَحْتُو الْمَالَ حَتِيًّا [حَتْوًا] لَا يَعْدُهُ عَدًّا. / ابوسعيد خدرى ١٢٠
- مِنْ خُلَفَائِكُمْ خَلِيفَةٌ يَحْتِى الْمَالَ حَتِيًّا، لَا يَعْدُهُ عَدًّا. / ابوسعيد خدرى ١٢٩
- الْمَهْدِيُّ أَجْلَى الْجَبِينِ أَقْنَى الْأَنْفِ.
ابوسعيد خدرى ٨٢ تا ٨٥
- الْمَهْدِيُّ حَقٌّ وَهُوَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.
ام سلمه ٢٤٨
- الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ. /
حذيفة بن يمان ٧٣
- الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، أَسْمُ الْأَنْفِ، أَقْنَى، أَجْلَى...
ابوسعيد خدرى ٩٠
- الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ
امير المؤمنين عليؑ ٢١٤ تا ٢٢٤

۲۵۰، ۲۴۶	أُمّ سَلَمَه	المَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ
۱۵۷، ۱۵۶ و	ابن مسعود	المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.
۲۵۳، ۲۴۹، ۲۴۷	أُمّ سلمه	
۱۳۸	ابوأمّانته باهلی	المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً كَانَ وَجْهَهُ كَوَكَبٍ دُرِّيٍّ... / ابوأمّانته باهلی
۸۱	ابوسعید خدری	المَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلِّي الْجَبَّهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ...
۹۹	ابوسعید خدری	المَهْدِيُّ يَعِيشُ فِي ذَلِكَ يَعْنِي بَعْدَ مَا يَمْلِكُ...
۲۰۳	ابن مسعود	المَهْدِيُّ يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي.

﴿ ن ﴾

۷۶	ابوایوب انصاری	نَبِيُّنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ أَبُوكَ، وَشَهِيدُنَا خَيْرُ الشُّهَدَاءِ... / ابوایوب انصاری
		نَحْنُ سَبْعَةٌ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا، وَعَلِيُّ أَخِي، وَعَمِّي حَمْزَةُ، وَجَعْفَرُ،
۳۳	آنس بن مالک	وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَالْمَهْدِيُّ
۳۲	آنس بن مالک	نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا...
۲۵۱	أُمّ سَلَمَه	نَعَمْ هُوَ حَقٌّ وَهُوَ مِنْ بَنِي فَاطِمَةَ

﴿ و - ه ﴾

۲۱۲	عثمان بن ابی العاص	وَيَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ <small>عليه السلام</small> عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ...
	ابوسعید خدری	هُوَ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي.
۷۸، ۸۰	ابوسعید خدری	هُوَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.
۷۸	ابوسعید خدری	هُوَ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي.
۷۹	ابوسعید خدری	هُوَ رَجُلٌ مِنِّي.
۲۵۲	أُمّ سَلَمَه	هُوَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.

﴿ ي ﴾

- يأتيه عصائب العراق وأبدال الشام فيبايعونه بين الركن والمقام... / قتاده ٢٨٤
- يُبايع لرجل بين الركن والمقام... ابوهريره ٢٢٢ تا ٢٩
- يُبايع لرجل بين الركن والمقام كعدة اهل بدر، فتأتيه عصائب العراق... / أم سلمه ٢٦٣ تا ٢٦٦
- يحتي المال حثياً، لا يعده عداً، يملأ الأرض عدلاً... / ابوسعيد خدرى ١٢٣
- يخرج رجل من امتي يقول بسنتي... ابوسعيد خدرى ١٣٥
- يخرج رجل من امتي يواطئ اسمه اسمي وخلقه خلقي... / ابن مسعود ١٥٥
- يخرج رجل من اهل بيتي عند انقطاع من الزمان... / ابوسعيد خدرى ١٣٥
- يخرج رجل من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي وخلقه خلقي... / ابن مسعود ١٥٤
- يخرج رجل من وراء النهر يقال له الحارث بن حراث... / اميرالمؤمنين علي عليه السلام ٢٣٢
- يخرج رجل يقال له السفيناني في عمق دمشق وعامة من يتبعه... / ابوهريره ١٠
- يخرج في آخر امتي المهدي، يسقيه الله الغيث، و... / ابوسعيد خدرى ١١٢
- يخرج في آخر الزمان خليفة يعطي الحق بغير عدد... / ابوسعيد خدرى ١٢٤
- يخرج في آخر الزمان خليفة يعطي المال بغير عدد... / ابوسعيد خدرى ١٢٢
- يخرج قوم من قبل المشرق فيوطنون للمهدي سلطانة... / عبدالله بن حارث بن جزء ١٤٧
- يخرج من خراسان رايات سود لا يردوها شيء حتى تنصب بايلياء... / ابوهريره ٦
- يخرج المهدي في امتي... ابوسعيد خدرى ٩٢
- يخرج المهدي من المدينة إلى مكة... قتاده ٢٨١
- يخرج المهدي وعلى رأسه عمامة [عمامة] فيها مناد ينادي هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه... ابن عمر ١٥٣
- يخرج المهدي وعلى رأسه ملك ينادي: إن هذا المهدي فاتبعوه... / ابن عمرو بن عاص ١٥٣
- يخرج المهدي وعلى رأسه ملك ينادي: إن هذا المهدي فاتبعوه... / ابن عمر ١٥٠
- يخرج ناس من قبل المشرق يريدون رجلاً عند البيت... / أم حبيبته رمله ٢٧١

- يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ. / عبدالله بن حارث بن جزء ١٢٦
يُخَسَفُ بِهِمْ وَلَكِنْ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَبِيِّهِ. / أم سلمه ٢٦٠، ٢٦١
يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً...
٩٨ ابوسعيد خدرى
يَسِيرُ مَلِكُ الْمَشْرِقِ إِلَى مَلِكِ الْمَغْرِبِ فَيَقْتُلُهُ، ثُمَّ يَسِيرُ مَلِكُ الْمَغْرِبِ... / أم سلمه ٢٦٧
يَعُودُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعَثٌ فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ... / أم سلمه ٢٦١
يَغْزُو جَيْشُ الْكَعْبَةِ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ خُسِيفَ بِأَوْلِهِمْ وَآخِرِهِمْ / عايشه ٢٧٧
٢٧٨
يَغْزُو هَذَا الْبَيْتَ جَيْشٌ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ. / ابوهريره ١١
يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ابْنُ خَلِيفَةٍ... / ثوبان ٣٤، ٣٥، ٣٦
يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. / جابر بن سمرة سوائي ٣٩
يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ... / أم سلمه ٢٥٤ تا ٢٥٦
يَكُونُ بَعْدَ الْجَبَابِرَةِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا... / ماجد صدقي ٢٤٤
يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. / جابر بن سمرة سوائي ٥٠، ٥٣
يَكُونُ بَعْدِي خَلِيفَةٌ يَحْتِى الْمَالَ حَتَّى لَا يَعْذُ عَدَاً. / ابوسعيد خدرى ١٢٨
يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْتُو الْمَالَ حَتَّى لَا يَعْذُ عَدَاً. / جابر بن عبدالله انصاري ٦٥
يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْتِى الْمَالَ حَتَّى لَا يَعْذُ عَدَاً.
٦٢، ٦٥، ٦٩ جابر بن عبدالله انصاري
يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ لَا يُفْضَلُ عَلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ. / ابوهريره ٣
يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُعْطَى الْمَالَ وَلَا يَعْذُ عَدَاً. / ابوسعيد خدرى ١٢٦
يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُسَمِّ الْمَالَ وَلَا يَعْذُ. / ابوسعيد خدرى و جابر بن عبدالله انصاري
٦٣، ٦٦، ٦٨، ١٢١، ١٢٧، ١٣٢، ١٣٣

- يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى تَظَاهِرِ الْعُمَرِ وَانْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ إِمَامٌ يَكُونُ أُعْطِيَ النَّاسَ ...
- ١٣٤ ابوسعید خدری
- يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فِتْنَةٌ يُحْصَلُ النَّاسُ فِيهَا... امیر المؤمنین علیؑ ٢٣٣، ٢٣٤
- يَكُونُ فِي أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَحْتَسِبُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ عَدًّا. جابر بن عبد الله انصاری ٦٧، ٦٤، ٧٠
- يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ عُمُرُهُ... ابوسعید خدری ١١٣، ١١٤
- يَكُونُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي إِنْ قَصُرَ فَسَبَعَا... ابوسعید خدری ١١٦
- يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. جابر بن سمرة سوائي ٤٥
- يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. جابر بن سمرة سوائي ٥١
- يَلِي أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ زَمَانِهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي
- ١٦٠، ١٥٩ ابن مسعود
- يَلِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي. ابن مسعود ١٥٨
- يَمْلِكُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجَلِي الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ... / ابوسعید خدری ٨٩
- يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ ابوسعید خدری ٨٧
- يَنْزِلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ... / ابوسعید خدری ١٠٠
- يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ: تَعَالَى صَلِّ بِنَا... / جابر بن عبد الله انصاری ٥٧

فهرست موضوعی احادیث، به ترتیب الفبایی راویان صحابی

صفحه

- روایاتی از ابوهریره
- ۴۳۳ ظهور مردی از خاندان پیامبر ﷺ قطعی است
- ۴۳۳ ظهور مردی از خاندان پیامبر ﷺ برای احقاق حق، قطعی است
- ۴۳۴ مقام والای مهدی ﷺ
- ۴۳۵ نشانه‌های پیش از ظهور
- ۴۳۷ خروج سفیانی از نشانه‌های ظهور مهدی ﷺ
- ۴۳۸ نزول حضرت عیسی ﷺ و امامت حضرت مهدی ﷺ
- ۴۴۱ محل بیعت با مهدی ﷺ در میان رکن و مقام است
- ۴۴۳ وفور نعمت در حکومت مهدی ﷺ
- روایاتی از آنس بن مالک
- ۴۴۵ مهدی ﷺ از فرزندان عبدالمطلب و از سروران بهشت است
- روایاتی از ثوبان هاشمی
- ۴۴۶ نشانه‌ای از ظهور و لزوم پیوستن و بیعت با مهدی ﷺ
- ۴۴۷ مهدی ﷺ، خلیفه الله است

- ۴۴۸ چند یاد آوری
- ۴۴۸ روایاتی از جابر بن سَمْرَةَ بن جُنَادَةَ سُوَانِيّ و ابوجَحِيْفَه
- ۴۴۸ مهدی علیه السلام، یکی از دوازده خلیفه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است
- ۴۵۵ روایاتی از جابر بن عبدالله انصاری
- ۴۵۵ نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام به امامت حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۵۷ بخشش بی شمار مهدی علیه السلام
- ۴۵۹ انکار ظهور مهدی علیه السلام، موجب کفر است
- ۴۶۰ روایاتی از حُذَيْفَةَ بن يَمَان
- ۴۶۰ مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و چهره اش همچون ستاره درخشان است
- ۴۶۱ روایتی از حُسَيْن بن عَلِيّ بن أَبِي طَالِب علیه السلام
- ۴۶۱ مهدی علیه السلام از تبار فاطمه زهراء علیها السلام است
- ۴۶۲ روایتی از ابو آيُوب انصاری خَزْرَجِيّ = خالد بن زيد بن كَلْب
- ۴۶۲ مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است
- ۴۶۳ روایاتی از ابوسعيد خُدْرِيّ = سعد بن مالك
- ۴۶۳ مهدی علیه السلام، همنام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است
- ۴۶۳ مهدی علیه السلام، از تبار پیامبر صلی الله علیه و آله است
- ۴۶۳ سیمای مهدی علیه السلام و مدت حکومت عدل جهانی آن حضرت
- ۴۶۶ وفور ثروت، با ظهور آن حضرت
- ۴۶۷ روزگاری بی نیازی بر اثر اجرای عدالت
- ۴۶۹ اخبار از عدالت جهانی، وفور نعمت آسمانی و زمینی در حکومت مهدی علیه السلام پس از فتنه فراگیر

- ۴۷۰ حاکم دادگستر جهانی از خاندان پیامبر ﷺ است.
- ظهور مهدی ﷺ از خاندان پیامبر ﷺ و اقامه عدل جهانی، پس از ظلم و ستم فراگیر،
 ۴۷۱ قطعی است.
- ۴۷۳ ظهور مهدی ﷺ برای اقامه عدل جهانی، قطعی است
 حصول مواهب الهی، اجرای عدالت اجتماعی و عظمت اُمت اسلامی در ظهور
 ۴۷۴ مهدی ﷺ
- ۴۷۴ بروز انواع نعمتهای زمینی و آسمانی، و زندگی نمونه در حکومت عدل جهانی مهدی ﷺ
- ۴۷۵ وفور نعمت بی مانند، در عصر حکومت مهدی ﷺ
- ۴۷۶ بخشش بی شمار، در حکومت مهدی ﷺ
- إحیای سنت نبوی، نزول برکات آسمانی و زمینی، و اجرای عدالت در ظهور مهدی ﷺ و
 سکونت آن حضرت در بیت المقدس
 ۴۸۰
- ۴۸۱ نماز خواندن عیسی بن مریم علیه السلام به امامت مهدی ﷺ
- مهدی ﷺ، پناهگاه اُمت و مُجری عدالت جهانی است، خوابیده‌ای را بیدار نمی‌کند و خونی
 ۴۸۱ را نمی‌ریزد.
- ۴۸۱ روایتی از ابوامامه باهلی = صدی بن عجلان
- ۴۸۱ سیمای مهدی ﷺ
- ۴۸۲ روایتی از طلحة بن عبیدالله
- ۴۸۲ اخبار از پیدایش آشوب
- ۴۸۳ روایاتی از ابوطقیل غامر بن وائله لثبی
- ۴۸۳ ظهور مهدی ﷺ از خاندان پیامبر ﷺ قطعی است.
- ۴۸۵ روایتی از ام المؤمنین غایشه
- ۴۸۵ جهاد بر اساس سنت پیامبر ﷺ

- ۴۸۵ روایتی از عبدالرحمن بن عوف
- ۴۸۵ سیمای مهدی دادگستر علیه السلام
- ۴۸۶ چند روایت از عبدالله بن خاریث بن جزء زینیدی
- ۴۸۶ نشانه‌های پیش از ظهور
- ۴۸۶ روایتی از ابن عباس = عبدالله بن عباس
- ۴۸۶ مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.
- ۴۸۷ روایاتی از عبدالله بن عمر
- ۴۸۷ مهدی دادگستر جهان، از تبار علی بن ابی طالب علیه السلام است
- ۴۸۸ از نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام ندای آسمانی در لزوم پیروی از اوست
- ۴۸۸ روایاتی از عبدالله بن عمرو بن عاص
- شمار کسانی که در میان رکن و مقام با مهدی علیه السلام بیعت می‌کنند به شمار اصحاب بدر است
- ۴۸۸ از نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام، ندای آسمانی در لزوم پیروی از اوست
- ۴۹۰ روایاتی از عبدالله بن مسعود
- ۴۹۰ خلق و خوی مهدی علیه السلام، خلق و خوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است
- ۴۹۱ مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است
- ۴۹۱ حکومت مهدی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همنام آن حضرت
- ۴۹۲ حکومت مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همنام آن حضرت، قطعی است
- مهدی علیه السلام که همنام پیامبر صلی الله علیه و آله است قطعاً حکومت می‌کند و زمین را سرشار از عدل و داد می‌سازد همان گونه که سرشار از ظلم و ستم شده باشد
- ۴۹۳ حکومت مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همنام آن حضرت قطعی است
- ۴۹۳ حکومت عدل جهانی مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همنام آن حضرت، قطعی است. ۴۹۸

- ۵۰۰ نکته شایان توجه
- ۵۰۷ لزوم پیوستن به مجاهدان و منتظران مهدی دادگستر
- ۵۱۱ چند روایت از عثمان بن ابی العاص ثقفی
- ۵۱۱ فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام و اقامه نماز جماعت به امامت حضرت مهدی علیه السلام
- ۵۱۲ روایاتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۵۱۲ مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است و خداوند کار قیام او را یک شبه اصلاح می کند
- ۵۱۵ ظهور مهدی علیه السلام عدالت گستر جهانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قطعی است
- ۵۱۷ روزگار صلح و صفا، و سامان یافتن نابسامانیا
- ۵۱۸ لزوم یاری دادن برای استقرار دولت آل محمد صلی الله علیه و آله
- ۵۱۸ نشانه های پیش از ظهور
- ۵۲۰ روایتی از علی علی بن علی بن هلالی = علی بن علی علی بن هلالی
- ۵۲۰ مهدی علیه السلام که نابسامانیا را سامان می بخشد از تبار حسنین علیهم السلام است
- ۵۲۱ روایتی از عمران بن حصین
- ۵۲۱ امر الهی می آید.
- ۵۲۲ روایتی از عوف بن مالک
- ۵۲۲ ظهور مهدی علیه السلام و لزوم پیروی از او
- ۵۲۲ روایاتی از قره بن ایاس مزنوی
- ۵۲۲ زمین آکنده از ظلم و جور با ظهور مهدی علیه السلام، همنام پیامبر صلی الله علیه و آله، سرشار از عدل و داد خواهد شد
- ۵۲۴ روایاتی از ماجد صدقی
- ۵۲۴ ظهور مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و گسترش عدالت در جهان

- ۵۲۶ روایتی از ابوجحیفه وَهَب بن عبدالله سُوائی
- ۵۲۶ روایاتی از اُمّ سَلَمَه هِنْد
- ۵۲۶ مهدی علیه السلام، از فرزندان فاطمه علیها السلام است
- ۵۲۹ موضوع خَسَف در بیداء
- ۵۳۱ شرح حدیث یادشده
- ۵۳۲ سخن ابن خَلْدُون درباره روایت یاد شده و نقد آن
- ۵۳۵ گروهی که نسبت به مهدی علیه السلام، قصد سوء دارند، در بیداء، نابود می گردند
- ۵۳۸ روایاتی از حَفْصَه درباره خَسَف
- ۵۳۹ روایتی از اُمّ الْمُؤْمِنِین
- ۵۴۰ روایتی از اُمّ حَبِیْبَه = رَمْلَه
- ۵۴۰ نابودی گروهی که نسبت به مهدی علیه السلام، سوء قصد دارند
- ۵۴۱ روایاتی از صَفِیَّه درباره خَسَف در بیداء
- ۵۴۲ روایاتی از عایشه
- ۵۴۵ روایتی از عَلِی بن الحسین امام زَیْن العابدین علیه السلام
- ۵۴۵ هلاک نشدن اُمَّت، به خاطر وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مهدی و مسیح علیهما السلام
- ۵۴۶ روایاتی از قَتَادَة بن دِعَامَه
- ۵۴۷ محل بیعت با مهدی علیه السلام میان رُکن و مقام است

فهرست موضوعی براساس شماره احادیث

- | | |
|--|---|
| سیمیای مهدی <small>علیه السلام</small> : ۷۳، ۸۱، ۸۲، ۸۳ | مهدی موعود <small>علیه السلام</small> از خاندان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> |
| ۸۴، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۳۸، ۱۴۱ | است: ۲، ۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰ |
| مهدی <small>علیه السلام</small> دارای خُلق و خُوی | ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، تا |
| پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> است: ۱۵۴، ۱۵۵ | ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، تا ۱۴۵ |
| مهدی <small>علیه السلام</small> از سروران بهشت است: ۳۲ | ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۸، تا ۱۹۳، ۱۹۵، تا ۲۰۲ |
| ۳۳ | ۲۰۴، تا ۲۰۸، ۲۱۴، تا ۲۳۱ |
| مهدی <small>علیه السلام</small> یکی از خلفای دوازده گانه | مهدی <small>علیه السلام</small> از تبار فاطمه زهراء <small>علیها السلام</small> |
| پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> است: ۳۹، تا ۵۳ | است: ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۴۶، تا ۲۵۳ |
| ظهور مهدی موعود، قطعی است: ۱، ۲ | مهدی <small>علیه السلام</small> از تبار علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> |
| ۷۴، ۸۸، ۱۰۴، تا ۱۱۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲ | است: ۱۴۹ |
| ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۹۲، ۱۹۳ | مهدی <small>علیه السلام</small> همنام پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> است: ۷۴ |
| ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۲۵، تا | ۷۷، ۱۵۴، ۱۵۷، تا ۱۶۱، ۱۶۳، تا ۱۹۰ |
| ۲۲۸ | ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲ و نیز از ۱۹۲، تا ۲۰۴ |
| نوید حکومت مهدی <small>علیه السلام</small> : ۸۹، ۱۵۸ | ۲۰۸، ۲۴۱ (همراه با توضیح در مقدمه این |
| ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، تا ۱۸۰، ۱۹۸، ۲۰۰ | دسته از روایات تحت عنوان «نکته شایان |
| ۲۰۲، ۲۰۴ | توجه)». |

ب - ندای آسمانی در معرفی مهدی <small>علیه السلام</small>	نوید اصلاح یک شبه: ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹ تا ۲۲۴
و لزوم پیروی از او: ۱۳۹، ۱۵۰، ۱۵۳	
شمار یاران مهدی <small>علیه السلام</small> : (از مردان و زنان): ۲۶۷	فراگیری عدل جهانی همچون فراگیری ظلم جهانی: ۳۰، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۳۳، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۲ تا ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۴۳، ۲۴۵
شمار بیعت کنندگان نخستین با مهدی <small>علیه السلام</small> به شمار اصحاب بدر است: ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶	فراگیری عدل جهانی پس از فراگیری ظلم جهانی: ۸۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶ تا ۱۱۱، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱
مسجد الحرام، محل بیعت مردم با مهدی <small>علیه السلام</small> : ۲۲ تا ۲۹، ۲۵۴ تا ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴	خروج پرچمهای سیاه از خراسان و نصب آن در بیت المقدس: ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹
فرود آمدن عیسی بن مریم <small>علیه السلام</small> و نماز خواندن آن حضرت به امامت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> : ۱۳ تا ۲۱، ۵۴ تا ۶۰، ۱۳۶، ۲۱۲، ۲۱۳	خروج پرچمهای سیاه از خراسان: ۴، ۵، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ تا ۲۰۵، ۲۰۹
مهدی موعود، احیاگر سنت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> (شریعت اسلام): ۱۵، ۱۳۵، ۱۴۴، ۲۳۶، ۲۵۴ تا ۲۵۹	لزوم یاری دادن برای استقرار دولت آل محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> : ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۲۰۵ تا ۲۳۲
بخشش خلیفه آخر الزمان مهدی موعود: ۶۲ تا ۷۱، ۹۱ تا ۹۵، ۱۱۷ تا ۱۳۴	نشانه‌های پیش از ظهور: ۱۴۶، ۱۴۷
فراوانی انواع نعمتهای آسمانی و زمینی و زندگی نمونه: ۳۱، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۵، ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۴۵	نشانه‌های ظهور: الف - خروج سفیانی و خسف در بئداء مدینه: ۱۰، ۱۱، ۲۵۴ تا ۲۷۴

شکونت مهدی <small>علیه السلام</small> در بیت المقدس:	۱۳۵	وفور نعمت بی مانند: ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸،	۱۱۹
مهدی خوابیده‌ای را بیدار نمی‌کند و خونی نمی‌ریزد: ۱۳۷		روزگار خشنودی و بی‌نیازی: ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۵۱، ۱۵۲	
مقام والای مهدی <small>علیه السلام</small> : ۳		روزگار آفت و مهربانی و رهایی از شرک و گمراهی: ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱	
مدت حکومت مهدی: ۸۱ تا ۸۶، ۹۶		روزگار عظمت اُمت اسلامی: ۱۱۲	
۹۹ تا ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، تا		استقرار اسلام در سطح جهان: ۲۵۴ تا	
۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۸، ۲۸۳، ۲۴۱، ۲۵۴ تا ۲۵۹، ۲۶۷.		۲۵۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴	

فهرست طبقات راویان

طبقة نخست : صحابیان

شماری از صحابیان که احادیثی را از پیامبر گرامی اسلام ﷺ، درباره حضرت مهدی عج روایت کرده‌اند بدین قرار است:

ابوسعید خُدَریّ سَعْدِ بن مالک	ابوهرَیره
ابو اُمّانَه باهِلیّ صُدَیّ بن عَجَلان	آنس بن مالک
صَفِیّه، اُمّ المؤمنین	ثوبان هاشمی
طلّحَه بن عبیدالله تَیمیّ	جابر بن سَمُرَة بن جُنّاده شِوانی
ابوالطّقیل عَمر بن وائِلَه	جابر بن عبدالله انصاری
عایشه، اُمّ المؤمنین	جابر بن ماجد صَدَقیّ
عبدالرحمن بن عَوف	حَجاج بن عَمرو بن غَزِیّه
عبدالله بن حارث بن جَزّه زَبَیدیّ	حَدِیقه بن الیَمّان
عبدالله بن عَبّاس بن عبدالمُطَلِّب هاشمی	حسن بن عَلیّ بن اَبی طالب <small>ع</small>
عبدالله بن عَمَر بن خَطّاب عَدَویّ	حَفصه، اُمّ المؤمنین
عبدالله بن عَمرو بن عاص	ابوایوب انصاریّ خالد بن زَید بن کَلِیب
عبدالله بن مسعود	اُمّ حَبیبَه رَمَلَه اُمّ المؤمنین

قُرَّة بن ایاس	عُثمان بن اَبی العاص ثَقَفِيّ
ماجد صَدَقِيّ	امیر المؤمنین علی بن اَبی طالب <small>علیه السلام</small>
وَهَب بن عبدالله سَوائِيّ = ابو جُحَيْفَه	علی هِلَالِيّ
هِنْد اُمّ سَلَمَه، اُمّ المؤمنین	عمران بن حُصَيْن
	عَوْف بن مالک أَشْجَعِيّ

طبقة دوم

عَبِيدَة بن عمرو سَلْمَانِيّ	أَسْوَد بن يزيد بن قَيْس نَخَعِيّ
عُرْوَة بن زُبَيْر بن عَوَام	جابر صَدَقِيّ ← قَيْس بن جابر صَدَقِيّ
عَلَقَمَة بن قَيْس نَخَعِيّ	جُبَيْر بن نَفِير حَضْرَمِيّ جَنْصِيّ
علی بن علی هِلَالِيّ	رَبِيعِيّ بن جِرَاش
قَبِيصَة بن ذُوَيْب خَزَاعِيّ	زُرّ بن حُبَيْش
قَيْس بن جابر صَدَقِيّ و جابر بن ماجد	سَعِيد بن مُسَيَّب = ابن مُسَيَّب
صَدَقِيّ	ابو وائل شَقِيْق بن سَلَمَه
كثير بن مَرّه حَضْرَمِيّ	عبد الحميد بن واصل = ابو واصل باهليّ
محمد بن حَنْفِيّه	عبدالله بن حارث بن نَوْفَل = صاحب صالح
مُطَرِّف بن عبدالله شَخِير	ابو الخليل
	عبدالله بن زُرَيْر غَافِقِيّ

طبقة سوم

بَشِير بن نَهِيك	ابوبكر بن اَبی موسى
بَكْر بن عمرو = ابو الصَّدِيق نَاجِيّ	ابو الجراح مَوْلِي اُمّ حَبِيْبَه
حَبِيْب بن اَبی ثابت	ابو خالد بَجَلِيّ أَحْمَسِيّ
حُدَيْر بن كُرَيْب = ابو الزَّاهِرِيّه	ابو سَلَمَة بن عبد الرّحمن بن عَوْف

عمر بن علی بن ابی طالب <small>رضی الله عنه</small>	حسن بصری
عمرو بن عبدالله همدانی = ابواسحاق سبعی	حسن بن یزید سعدی
عمرو بن مرثد = ابواسماء رحبی	ذکوان = ابوصالح
مجاهد بن جبر	سعید بن سمعان
محمد بن سپرین أنصاری = ابن سپرین	ابوشراعه سلمة بن مجنون
محمد بن عبدالله بن عمرو بن عاص	سلیمان بن حبیب محاریبی
محمد بن منکدر = ابن منکدر	شعیب بن محمد
معاویة بن قرّة بن ایاس	عامر بن سعد
منذر بن مالک = ابونضرة	عامر بن شراحیل = شعبی
نافع مؤلی ابی قتاده = نافع بن عباس	عبایة بن ربیع = ابن ربیع
نافع الفقیه مؤلی ابن عمر	عبدالله بن زید = ابوقلابه رقاشی
وهب بن منبه	عبدالله بن هبیره سبائی
هلال بن عمرو کوفی	عطیة بن سعد عوفی
	علی بن الحسین زین العابدین <small>رضی الله عنه</small>

طبقة چهارم

عبدالرحمن بن جبیر	اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحة
عبدالرحمن بن نجیح	اسماعیل بن ابی خالد احمسی
عبدالعزیز بن رفیع آسدی	جبر بن نوف همدانی = ابو الوداک
عبدالله بن عبیدة بن نشیط	حارث بن یزید حضریمی
عبدالملك بن عمیر بن سوید لخمی	سالم بن ابی حفصه عجلی
عبیدالله بن قبطیة کوفی	سعید بن یزید بن مسلمة آزدی
علی بن زید بن جدعان	سلیمان بن عبید
عمارة بن جوین = ابوهارون	سیماک بن حرب

ابوزرّعہ عمرو بن جابر حَضْرَمِیّ	محمد بن ابراہیم تَمِیّ
عمرو بن دینار مَکّیّ	محمد بن علی بن الحسین <small>علیہ السلام</small> = ابو جعفر
عون بن ابی جُحَیْفَہ	الباقر
عیسیٰ بن ہلال بَصْرِیّ	محمد بن مُسَلِم بن تَدْرُس = ابو الزبیر
قَتَادَہ بن دِعَامَہ = ابو الخطاب	محمد بن مُسَلِم بن عُبَیْد اللّٰہ = ابن شہاب =
قَحْذَم بن سُلَیْمَان	زُہْرِیّ

طبقة پنجم

ابراہیم بن محمد بن حَنْفِیَہ = ابراہیم بن	صَفْوَان بن عمرو سَکْسَکِیّ
محمد بن علی بن ابی طالب	عبدالملک بن ابی سلیمان عَزْرَمِیّ کوفیّ
ابراہیم نَخَعِیّ = ابراہیم بن یزید بن قیس	عِکْرِمَہ بن عَمَّار
ایوب سَخْتِیَانِیّ	عمرو بن شُعَیْب
حَکَم بن عَتِیْبَہ کوفیّ	عمرو بن مُرّہ جَمَلِیّ
خالد بن مہران = خالد الحدّاء	فَطْر بن خَلِیْفَہ
داود بن ابی ہند	قاسم بن ابی بَزّہ
زَیْد ابو الحَوَارِیّ = زید بن الحَوَارِیّ = زید	محمد بن اسحاق بن یَسَار
العَمّیّ	مَکْحُول شَامِیّ
سعید بن ایاس = جَرِیْرِیّ	مَنْصُور بن مُعْتَمِر
سُلَیْمَان بن ابی سلیمان = ابو اسحاق شَیْبَانِیّ	یَحِیٰی بن ابی کثیر طَائِیّ
سُلَیْمَان بن مہران = اَعْمَش	یزید بن ابی زیاد هَاشِمِیّ
صالح بن مُسَلِم = موسیٰ بن مُسَلِم بن رُومَان	

طبقة ششم

عمر بن قیس ملانی	ابوالحسن کوفی
عوف بن ابی جمیله = اعرابی	جریر بن عبدالحمید بن قرظ
عیاش بن عباس قتبانی	امام جعفر بن محمد الصادق <small>علیه السلام</small>
لیث بن ابی سلیم	خلف بن حوشب = ابویزید اعور
مجالد بن سعید همدانی	داود بن عبدالجبار کوفی مؤذن
محمد بن سلمه	زیاد بن بیان رقی
محمد بن علی بن عبدالله بن عباس	سعید بن عمرو بن اشوع همدانی
محمد بن عمرو	صالح بن ابی مریم ضبعی = ابوالخلیل
مطر بن طهمان وراق	عاصم بن بهدله = ابن ابی النجود
مطرف بن طرف کوفی	عبدالله بن عون بن اربابان = ابن عون
موسی بن عبدالله جهنی	عبدالملك بن عبدالعزیز = ابن جریر
موسی بن عبیده ربندی	علاء بن بشیر مرزی
هشام بن حسان آزدی	علی بن نفیل
یحیی بن اسماعیل	عمار بن ابی حفصه
	عمرو بن قاسم تمار کوفی

طبقة هفتم

رزین بن حبیب جهنی	ابان بن یزید عطار
رشدین بن سعد مهری، ابوالحجاج	ابوبکر بن عیاش اسدی کوفی
زائده بن قدامه ثقفی	اسرائیل بن یونس
سعید بن عبدالعزیز تنوخی، دمشقی	اسماعیل بن رافع بن عویمیر انصاری
سفیان بن حسین	حزرة بن حبیب الزیات

سُفیان ثَوْرِيّ	قاسم بن فضل حَدَانِيّ
سَلَام بن سُلَيْم = ابوالأخوص كوفيّ	قيس بن زبيح أَسَدِيّ
سُلَيْمان بن قُرْم	ليث بن سعد فَهْمِيّ
سُوَيْد بن ابراهيم جَعْدَرِيّ	مالك بن أنس أَحْبَجِيّ
شُعْبَة بن حَجَّاج	مالك بن مغول
شَيْبان بن عبدالرّحمن، ابو معاوية	مُثَنِّي بن صَبَّاح
عَبَاد بن عَبَّاد بن حَبِيب	محمد بن ابراهيم ابوشهاب كِنَانِيّ
عَبَّاس بن بَكَّار	محمد بن عبدالرّحمن بن ابي ليثليّ = ابن ابي ليثليّ
عبدالرّحمن بن عمرو = أَوْزَاعِيّ	محمد بن عبدالرّحمن بن مُغْبِرَة = ابن ابي ذئب
عبدالله بن حكيم بن جُبَيْر	مِسْعَر بن كِدَام
عبدالله بن عمر بن حَفْص	مَعْلِيّ بن زياد قُرْدُوسِيّ
عبدالله بن لَهَيْعَة = ابن لَهَيْعَة	مَعْمَر بن راشد بَصْرِيّ
عبدالله بن محمد بن عليّ ... = ابوجعفر منصور دوانبقيّ	مُهَاجِر بن مِسْمَار زُهْرِيّ
عبدالملك بن حَمِيْد بن ابي غَنِيْمَة	واسط بن حارث
عثمان بن عبدالله شُبْرَمَة	وُهَيْب بن خالد بَصْرِيّ
عَدِيّ بن ابي عماره بَصْرِيّ	هشام بن ابي عبدالله دَسْتَوَائِيّ
عَقِيل بن مَعْقِل يَمَانِيّ	هَتَام بن يحيى عَوْذِيّ
عِكْرِمَة بن ابراهيم أَرْدِيّ	ياسين عَجَلِيّ = ياسين بن شَيْبَان
علي بن صالح بن حَيّ	ياسين بن سيّار، ابن مِينَان
عِمْرَان بن داوَر = عِمْرَان قَطَّان = ابوالعسّوام قَطَّان	يحيى بن ثَعْلَبَة
فَضِيل بن مَرْزُوق	يُونُس بن يَزِيد أَيْلِيّ

طبقه هشتم

سورة بن الحكم، صاحب الراى	ابراهيم بن اسحاق صينى
سهل بن عامر بجلي	ابراهيم بن عقيل صنعائى
شريك بن عبدالله نخعى	ابراهيم بن محمد بن حارث ابواسحاق
عبدالله بن ادریس اودى	فزارى
عبدالوارث بن سعيد	اسماعيل بن ابراهيم بن مقسم اسدى = ابن
عبدالوهاب بن عبدالمجيد ثقفى	عليه
عبيدالله بن عمرو اسدى رقى	اسماعيل بن عياش جمصى
على بن حوشب فزارى	بشر بن مفضل رقاشى
على بن مسهر	بهلول بن مورق
عمر بن عبید طنافيسى	تکيد بن سليمان كوفى
عمرو بن ابي قيس رازى ازرق	جعفر بن سليمان ضبعى
عمرو بن عبدالغفار	حارث بن نبهان جرمى
عنبسة بن ابي صغيره	حسن بن عمر، ابوالمليح الرقى
قاسم بن مالك مزنى	حماد بن زيد بن درهم
كثير بن جعفر	حماد بن سلمة بن دينار بصرى
كدام بن مسهر بن کدام	حنان بن سدير صيرفى (= حبان بن سدير،
مومل بن عبدالرحمن ثقفى	حبان بن مدير صيرفى)
محرر بن قحذم	خالد بن عبدالله طحان
محمد بن ابراهيم بن ... عباس بن عبدالمطلب	خلف بن وليد
محمد بن اسماعيل بن ابي فديك	داهر بن يحيى رازى
محمد بن دينار	سعيد بن حسن
محمد بن مروان بن قدامه عقيلى	سفيان بن عيينه هلالى كوفى

یَزِیدُ بن زُرَیْعِ بَصْرِيّ	مَرْجِيّ بن رَجَاءِ يَشْكُرِيّ
يَعْقُوبُ بن عَبْدِاللهِ قُمِّيّ	مَرْوَانُ بن مُعَاوِيَه فَزَارِيّ
يُوسُفُ بن حَوْشَبِ شَيْبَانِيّ	مُطَلِّبُ بن زِيَاد
يُونُسُ بن أَبِي يَعْفُور	وَلِيدُ بن مُحَمَّدٍ مُوَقَّرِيّ
	وَلِيدُ بن مُسْلِمٍ دِمَشْقِيّ

طبقة نهم

رَوَادُ بن جَرَّاحِ عَسْقلَانِيّ	ابراهيم بن حسين همدانيّ = ابن ديزيل
زكريّا بن يحيى مصرىّ مالكيّ = ابويحيى	أَزْهَرُ بن سَعْدِ سَمَّان
الوَقَار	أَسْبَاطُ بن مُحَمَّدٍ قُرَشِيّ
زيد بن حُبَابِ عُكْلِيّ	إِسْحَاقُ بن سُلَيْمَانَ رَازِيّ
زيد بن أَبِي الزَّرْقَاءِ	إِسْحَاقُ بن مَنْصُورِ سَلُولِيّ
سعيد بن هُبَيْرَه	أَسَدُ بن مُوسَى أُمَوِيّ
سَلَمَةُ بن فَضْلِ أَبْرَش	إِسْمَاعِيلُ بن عَبْدِالكريمِ صِنْعَانِيّ
سُلَيْمَانُ بن دَاوُدَ، ابودَاوُدَ طَيَالِسِيّ	بِشْرُ بن مُوسَى
طَالُوتُ بن عَبَّاد	حَارِثُ بن أَبِي أَسَامَه
عَامِرُ بن ابراهيم بن واقدِ اصفهانيّ	حَجَّاجُ بن مُحَمَّدٍ مِصْبِيّ
عبدالحميد بن ابراهيم حَضْرَمِيّ	أَعْوَر
عبدالحميد بن عبدالرّحمن جِمَانِيّ	حَسَنُ بن مُوسَى أَشْيَب
عبدالرّحمن بن مَهْدِيّ = ابن مَهْدِيّ	حُسَيْنُ بن عَمْرٍو عَنقَرِيّ
عبدالرّزاقِ صِنْعَانِيّ	حَفْصُ بن عُمَرَ بن مَيْمُونِ عَدَنِيّ
عبدالسّلام بن عبدالحميد	حَمَّادُ بن أَسَامَه = ابواسامه
عبدالصّمد بن عبدالوارث بن سعيد	دَاوُدُ بن مُحَبَّر
عبدالغفار بن عبدالله مؤصليّ	دَاوُدُ بن مَنْصُورِ نَسَائِيّ

عبدالله بن عبدالقدوس	محمد بن جعفر هذلی بصری = عنذر
عبدالله بن معاذ = ابن معاذ	محمد بن حماد طهرانی
عبدالله بن نمیر همدانی = ابن نمیر	محمد بن خازم، ابو معاویه ضریر
عبدالله بن وهب مصری	محمد بن غالب تمتاز
عبدالملیک بن قریب = اصمعی بصری	محمد بن فضیل بن غزوان
عبدالوهاب بن عطاء خفاف	مسلم بن حجاج نیشابوری
عبیدالله بن موسی عبسی	معاذ بن هشام دستوائی
عثمان بن سعید دارمی	معاویه بن هشام قصار
عثمان بن عمر بن فارس	معتیر بن سلیمان تیمی
علی بن جمیل	موسی بن اسماعیل منقری، ابوسلمه تبوذکی
علی بن حنجر سعیدی مروزی	موسی بن داود ضبی
علی بن زیاد یمامی = ابوالعلاء بن زیاد =	موسی بن محمد بلقاری
عبدالله بن زیاد	نضر بن شمیل مازنی
علی بن عبدالعزیز بغوی	وکیع بن جراح
عمر بن سعد، ابوداؤد الحفری	وهب بن جریر
عمر بن عبدالله بن رزین	هارون بن مغیره بجلی
عمرو بن عاصم کلابی	هاشم بن قاسم لیثی، ابوالنضر
فضل بن دکن، ابونعیم	هدبه بن خالد
کثیر بن یحیی بن کثیر	هوذة بن خلیفه
مبشر بن عبدالله	یحیی بن سعید بن فروخ = یحیی قطان
محمد بن ابراهیم بن ابی عدی = ابن ابی	یحیی بن یمان عجلی
عدی	یزید بن هارون بن زاذان
محمد بن ثور صنعانی = ابن ثور	یونس بن حبیب اصفهانی

طبقه دهم

ابراهیم بن ابی طالب، ابواسحاق نیشابوری =	حُسین بن حَفْص هَمْدَانِی
ابن ابی طالب	حَفْص بن عُمَر بن صَبَّاح رَقِّی
ابراهیم بن اسحاق نیشابوری = اَنْمَاطِی	حَفْص حُلَوَانِی
ابراهیم بن سَعِید جَوْهَرِی	حَكَم بن نَافِع = اَبُو الِیْمَان
ابراهیم بن عَامِر	زکریّا بن حَکیم
احمد بن ابراهیم دَوْرَقِی	زُهَیْر بن حَرْب، اَبُو خَیْثَمَه نَسَائِی
احمد بن حَنْبَل شَیْبَانِی مَرْوَزِی	سَعْد بن عبدالحَمِید بن جَعْفَر
احمد بن عبدالمَلِک بن وَاقِد حَرَّانِی	سَعید بن مَسْعُود مَرْوَزِی
احمد بن عَلِی مُتَنِّی = اَبُو یَعْلَى مَوْصِلِی	سَعید بن مَنصُور بن شُعْبَه خُرَاسَانِی
احمد بن عمرو بن عبدالخَالِق بَصْرِی = بَزَّار	سُلَیْمَان بن عبدالرَّحْمَن دِمَشْقِی
احمد بن مُحَمَّد بن صَدَقَه	سَهْل بن تَمَّام بن بَزِیع
احمد بن یحیی صُوفِی	سُوَیْد بن سَعِید هَرَوِی
احمد بن موسی شامِی [سَامِی] بَصْرِی	عَبَّاد بن یَعْقُوب رَوَاجِنِی
اسماعیل بن عبدالله بن اُوَیْس	عَبْدَان بن احمد اَهْوَازِی
اسماعیل بن موسی قَزَارِی = سُدِّی	عبدالأَعْلَى بن حَمَّاد نَرْسِی
حامد بن ابی حامد مُقْرِی	عبدالجَبَّار بن عَطَّار
حَامِد بن یحیی بن هَانِی بَلْخِی	عبدالرَّحْمَن بن ابراهیم = دُحَیْم
حَسَن بن سُفْیَان نَسَوِی	عبدالرَّحْمَن بن سَلَمَه رَازِی
حَسَن بن صَالِح بن ابی الأسود	عبدالفَقَّار بن داوُد حَرَّانِی
حَسَن بن عَرَفَه بن یزید عَبْدِی	عبدالله بن جَعْفَر رَقِّی
حَسَن بن عَلِی مَعْمَرِی	عبدالله بن حَسَن بن ابراهیم اَنْبَارِی
حُسین بن حَسَن أَشَقَر	عبدالله بن حَسین بن جَابِر مِصْبِی

قطن بن نَسِير بَصْرِيّ	عبدالله بن داهر = ابن داهر
مَالِك بن عبد الواحد، أَبُو عَسَّانِ مِسْمَعِيّ مُحَمَّد	عبدالله بن صالح
بن أَبَانَ واسِطِيّ	عبدالله بن عُمَر مُشَكَّدَانَه
مُحَمَّد بن احمد بن أَبِي خَيْثَمَه	عبدالله بن مُحَمَّد بن ابراهيم، ابوبكر بن أَبِي
مُحَمَّد بن إِسْحَاق إِمَام = ابن خَزِيمَه	شَيْبَه
مُحَمَّد بن اسحاق بن منصور = مُحَمَّد بن أَبِي	عبدالله بن مُحَمَّد بن عَلِيّ بن نَقِيل، ابوجعفر
يعقوب كِرْمَانِيّ	عبدالله بن مُحَمَّد بن نَاجِيَه = عبدالله بن
مُحَمَّد بن اسماعيل بن أَبِي سَمِينَه	نَاجِيَه = ابن نَاجِيَه
مُحَمَّد بن بَشَّار، بُنْدَار	عبدالوَهَّاب بن ضَحَّاك
مُحَمَّد بن حُمَيْد بن حَيَّان رَازِيّ	عبدالوَهَّاب بن نَجْدَه
مُحَمَّد بن عبد الرَّحْمَن بن سَهْم أَنطَاقِيّ	عثمان بن مُحَمَّد بن ابراهيم = عثمان بن أَبِي
مُحَمَّد بن عبدالله بن نُعْمِر = ابن نُعْمِر	شَيْبَه
مُحَمَّد بن عبدالله حَضْرَمِيّ = مُطِين	عَفَّان بن مُسْلِم
مُحَمَّد بن عَبْدُوس بن كامل سَرَاج = ابن	علِيّ بن سعيد رَازِيّ
عَبْدُوس	علِيّ بن مُنذِر طَرِيقِيّ
مُحَمَّد بن عثمان بن أَبِي شَيْبَه	عِمْران بن موسى بن مُجَاشِع = سَخْتِيَانِيّ
مُحَمَّد بن علاء، ابوكَرِيْب كُوفِيّ	عَمْرُو بن خالد حَرَّائِيّ
مُحَمَّد بن عِمْران بن أَبِي لَيْلِيّ	عَمْرُو بن عثمان بن سعيد بن كَثِير
مُحَمَّد بن عيسى زَجَّاج، ابو عبدالله اصفهانيّ	عَمْرُو بن عَلِيّ قَلَّاس
زَجَّاج	عَمْرُو بن عَوْن واسِطِيّ
مُحَمَّد بن مُثَنِّي، ابو موسى	فَضْل بن حُبَاب، ابو خليفه
مُحَمَّد بن مُنذِر بن سعيد هَرَوِيّ	قاسم بن خليفه
مُحَمَّد بن منصور طوسِيّ	قُتَيْبَه بن سعيد بَغْلَانِيّ

هارون بن عبدالله	محمد بن یحیی بن ابی عمر عدنی = ابن ابی عمر
هدیة بن عبدالوهاب مروزی	
هیثم بن حبیب	محمد بن یزید بن رفاعه = ابوهشام رفاعی
یحیی بن ابی طالب، جعفر بن زبیرقان	مسدد بن مسرهد بصری
یحیی بن عبدالله بن بکیر = ابن بکیر	موسی بن محمد بلقوی
یحیی بن غیلان خزاعی	نضر بن علی جهضمی
یعقوب بن حمید بن کاسب	نعیم بن حماد مروزی
یونس بن سابق بغدادی	واصل بن عبدالاعلی
	ولید بن شجاع

طبقة یازدهم

احمد بن محمد بن نیرک	ابراهیم بن دحیم دمشقی
احمد بن محمد جمال اصفهانی = احمد بن محمد بن عبدالله...	ابراهیم بن محمد جنصی
احمد بن هیثم بن منصور، الدوری	ابوبکر بن ابی النضر
احمد بن یحیی بن خالد بن حیان	احمد بن اسحاق بن ایوب = ابوبکر بن اسحاق = ابوبکر صیقی
احمد بن یوسف = حمدان	احمد بن حفص سعیدی جرجانی
احمد رقی	احمد بن عبید صفار
اسماعیل بن ابی حارث	احمد بن عثمان نوقلی
ابو احمد بکر بن محمد صیرفی	احمد بن محمد بن اسماعیل الهیتی
حجاج بن یوسف بن حجاج ثقفی = حجاج بن شاعر	احمد بن محمد بن حجاج = احمد بن رشدین
حزب بن حسن طحان	ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید کوفی = ابن عقده
حرمله بن یحیی	

محمد بن ابراهیم بن کثیر	حسین بن اسحاق تُسْتَرِي
محمد بن احمد بن ابی عَوْن رِيَانِي = محمد	حسین بن عبدالله قَطَّان
بن ابی عَوْن نَسَوِي	ربیع بن سلیمان مُرَادِي
محمد بن احمد مَحْبُوبِي، ابوالعبَّاس	سلیمان بن أَشْعَث، ابوداود سِجِسْتَانِي
محمد بن اسحاق صَغَانِي یا صَاغَانِي	سلیمان بن عبدالجَبَّار، ابویوب
محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مُسْفِرَه =	عبَّاس بن ابراهیم
بُخَارِي	عبَّاس بن حَمْدَان
محمد بن اسماعیل صَانِع	عبَّاس بن محمد بن حَاتِم = عبَّاس الدُّورِي
محمد بن ثَوَاب	عبَّاس بن محمد مُجَاشِعِي اصفهَانِي
محمد بن رُزَيْق، یا محمد بن رَزِين	عبدالرحمن بن حَاتِم مُرَادِي
محمد بن زکریَّا هِلَالِي	عبدالرحمن بن عمرو، ابوزُرْعَه، دِمَشْقِي
محمد بن السَّرِي بن مهران ناقد بغدادِي	عبدالله بن محمد بن مُسَلِم اِسْفَرَايِنِي
محمد بن عبدالله بن احمد = ابوعبدالله صَفَّار	عبدالله بن یحیی بن مُعَاوِيَه = ابویکر طَلْحِي
محمد بن عبدالله بن عبدالحکَم مِضْرِي	عُبَیْد بن أَشْبَاط بن محمد کُوفِي
محمد بن علی بن جارود = ابویکر بن جارود	علی بن اسحاق بن وزیر = علی بن الوزیر
محمد بن علی بن خَلْف أَطْرُوش دِمَشْقِي	علی بن حَمَّشَاد، نیشابورِي
محمد بن عمرو بن موسی، عَقِيلِي	علی بن محمد بن جعفر بن عَنَبَسَه وِرَاق
ابوجعفر محمد بن محمد بن عبدالله بغدادِي	عَبْدَان
محمد بن مَخْلَد عَطَّار	عَمْرُو بن یزید جَزْمِي بصرِي
محمد بن هَيْثَم قَاضِي، ابوالأخْوَص	فَضَل بن محمد بِيَهْتِي، شَعْرَانِي
محمد بن یَحْيَى اَزْدِي	فُضَيْل بن محمد مَلْطِي
محمد بن یَحْيَى ذُهَلِي، نیشابورِي	قَاسِم بن محمد بن حَمَاد دَلَال کُوفِي
ابوعبدالله محمد بن یعقوب = ابن أَخْرَم	کَهْمَس بن مَعْمَر

یحیی بن عبدالباقی	ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم
یعقوب بن اسحاق، ابو عوانه اسفراینی	معاذ بن مثنیٰ
یوسف بن سعید بن مسلم	موسی بن هارون

طبقه دوازدهم

ابومحمد بن حیّان	ابراهیم بن محمد = ابواسحاق بن حمزه
علی بن حسین اموی = ابوالفرج اصفهانی	احمد بن بُندار
علی بن عیسی	ابومحمد احمد بن عبدالله مُزنی
عمر بن ابراهیم بغدادی	احمد بن محمد بن السری، ابوبکر بن ابی
قاسم بن زکریا مُقری = مُطرز	دارم کوفی
ابوبکر محمد بن احمد بن بالویه	احمد بن یوسف = ابوبکر بن خلاد
محمد بن احمد بن حمدان = ابو عمرو بن	اسحاق بن ابراهیم بن یونس منجینی
حمدان نیشابوری	حسن بن یعقوب بن یوسف القدل
محمد بن احمد بن هیثم الدوری	حسین بن علی بن محمد بن یحیی =
محمد بن جعفر	حُسَیْنُک
محمد بن حیّان = ابن حیّان = بُستی	حسین بن محمد بن زیاد
محمد بن حسین، ابوالفتوح ازدی	حسین بن محمد بن علی اصفهانی =
محمد بن عبدالله بن ابراهیم، ابوبکر شافعی	زَعْفَرَانِی
محمد بن علی بن حبیش	زکریا بن یحیی، ساجی بصری
محمد بن علی بن حسن	سُلیمان بن احمد، ابوالقاسم طبرانی
محمد بن علی علوی	عبدالله بن احمد بن محمد بن حنبل
محمد بن عمر بن سالم = ابن الجعابی =	عبدالله بن عدی = ابن عدی = ابن قَطّان
ابوبکر جعابی	ابوالشیخ اصفهانی عبدالله محمد بن جعفر =

طوسی	محمد بن عیسی بن سوره = ابو عیسی
ابوالحسین محمد بن مظفر بن موسی = ابن	ترمذی
المظفر	محمد بن مؤمل = ماسرجسی
محمد بن یزید = ابن ماجه قزوینی	ابوالنضر فقیه، محمد بن محمد بن یوسف

طبقه سیزدهم و پس از آن

احمد بن حسین بن علی = بیهقی	احمد بن عبدالله بن احمد، ابونعیم اصفهانی
احمد بن علی = خطیب بغدادی	احمد بن محمد بن احمد ... = ابوالحسن بن
قاضی ابوالقاسم علی بن محسن بن علی	الصلت اهوازی
توخئی	ابوالفوارس حسن بن احمد بزاز
***	ابوالقاسم عبدالعزیز بن محمد بن نصر
ابوطاهر ابراهیم بن حسن فقیه	الستوری
احمد بن حسن بن خیرون = ابوالفضل بن	عبدالغفار بن محمد بن جعفر المؤدب
خیرون	عبدالواحد بن محمد بن مهدی فارسی =
ابوطالب حسین بن محمد بن علی زینبی	ابوعمر بن مهدی فارسی
***	علی بن احمد بن عبدان
علی بن حسن بن هبة الله = ابن عساكر	علی بن احمد بن محمد رزاز
محمد بن عبدالباقی بن احمد البطی =	محمد بن عبدالله، حاکم نیشابوری،
ابوالفتح بن البطی	ابوعبدالله بن البیع

فهرست راویان به ترتیب الفبا، همراه با شماره طبقه و روایت^۱

الف - شماری از راویان معروف به «این...»

- ابن ابی ذئب ← محمد بن عبدالرحمن بن مغیره بن حارث
ابن ابی خالد ← اسماعیل بن ابی خالد
ابن ابی شیبه ← ابوبکر بن ابی شیبه کوفی ← عبدالله بن محمد بن ابراهیم
ابن ابی طالب ← ابراهیم بن ابی طالب
ابن ابی عدی ← محمد بن ابراهیم بن ابی عدی
ابن ابی عمر ← محمد بن یحیی بن ابی عمر
ابن ابی فدیک ← محمد بن اسماعیل بن ابی فدیک
ابن ابی لیلی ← محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی
ابن ابی النجود ← عاصم بن بهدله
ابن آخرم ← ابو عبدالله محمد بن یعقوب نیشابوری
ابو بکر ← یحیی بن عبدالله بن بکر
ابن البیع ← حاکم نیشابوری ← محمد بن عبدالله بن محمد
ابن ثور ← محمد بن ثور صنعانی

۱ - خاطر نشان می‌سازد که شرح حال شماری از راویان، به دست نیامده است تا مشخص شود که در چه طبقه‌ای قرار دارند.

- ابن جُرَیج ← عبدالمَلِک بن عبدالعزیز بن جُرَیج
 ابن جَعَابِی ← محمد بن عمر بن سالم جَعَابِی
 ابن حَبَّان ← محمد بن حَبَّان
 ابن خُزَیْمَہ ← محمد بن اسحاق بن خُزَیْمَہ
 ابن خَیْرُون ← احمد بن حسن بن خَیْرُون
 ابن دَاہِر ← عبد اللہ بن دَاہِر
 ابن دِیْزِیْل ← ابراہیم بن حسین ہمدانی
 ابن رِئَعِی ← عَبَايَة بن رِئَعِی
 ابن زُرَّیْر ← عبد اللہ بن زُرَّیْر غَاقِقِی
 ابن سِیْرِیْن ← محمد بن سِیْرِیْن
 ابن الشَّاعِر ← حجاج بن شاعر
 ابن شِہَاب ← زُہْرِی ← محمد بن مُسْلِم
 ابن صَدَقَہ ← احمد بن محمد بن عبد اللہ بن صَدَقَہ
 ابن عَبَّاس ← عبد اللہ بن عَبَّاس
 ابن عَبْدُوس ← محمد بن عَبْدُوس
 ابن عَدِی ← عبد اللہ بن عَدِی جُرْجَانِی
 ابن عَسَاکِر ← علی بن حسن بن ہبۃ اللہ
 ابن عُقْدَہ ← احمد بن محمد بن سعید کوفی
 ابن عَلِیْہ ← اسماعیل بن ابراہیم بن مقسم آسدی
 ابن عُمَر ← عبد اللہ بن عُمَر
 ابن عَوْن ← عبد اللہ بن عَوْن بن اَرْطَبَان مُزَنِی
 ابن عِیَاش ← ابوبکر بن عِیَاش
 ابن عِیْنِہ ← سُفْیَان بن عِیْنِہ

- ابن فضیل ← محمد بن فضیل
ابن قَطَّان = ابن عَدِي ← عبدالله بن عَدِي جُرْجَانِي
ابن لَهَيْعَه ← عبدالله بن لَهَيْعَه
ابن مَاجَه ← محمد بن يَزِيد قَزويني
ابن مَثْنِي ← محمد بن مَثْنِي
ابن مسعود ← عبدالله بن مسعود
ابن مُسَهِّر ← علي بن مُسَهِّر
ابن مُسَيَّب ← سعيد بن مُسَيَّب
ابن مُظَفَّر ← محمد بن مُظَفَّر بن موسى
ابن مُعَاذ ← عبدالله بن مُعَاذ بن نَشِيْط صَنْعَانِي
ابن مُعْتَمِر ← منصور بن مُعْتَمِر
ابن مُنْكَدِر ← محمد بن مُنْكَدِر
ابن مَهْدِي ← عبدالرَّحْمَن بن مَهْدِي
ابن نَاجِيَه ← عبدالله بن نَاجِيَه
ابن نَمِير ← عبدالله بن نَمِير و نیز محمد بن عبدالله بن نَمِير
ابن وَهَب ← عبدالله بن وَهَب بن مُسَلِم قرشي
ابن الهيثم

ب - شماری از راویان معروف به کُنیه

نام	کُنیه
بَکْر بن مُحَمَّد صَیْرَفِیّ	ابواحمد ←
سَلَام بن سَلِیْم	ابوالأخوص ←
مُحَمَّد بن هَیْثَم قَاضِی عُنْکَبْرَاء	ابوالأخوص ←
حَمَّاد بن أَسَامَه	ابوأسامه ←
عَمْرُو بن عِبْدالله هَمْدَانِیّ کُوفِیّ	ابواسحاق = سَبِیْعِیّ ←
عِمران بن موسی	ابواسحاق سَخْتِیَانِیّ ←
ابراهیم بن مُحَمَّد بن حَمَزَه	ابواسحاق بن حَمَزَه ←
سُلیمان بن ابی سلیمان	ابواسحاق شَیْبَانِیّ ←
ابراهیم بن سعید جَوْهَرِیّ	ابواسحاق طَبْرِیّ ←
ابراهیم بن مُحَمَّد بن حارث	ابواسحاق فَزَارِیّ ←
ابراهیم بن ابی طالب	ابواسحاق نِیْشَابُورِیّ ←
عَمْرُو بن مَرْتَد	ابوأسماء رَحَبِیّ ←
صُدَیّ بن عَجْلان	ابوأمّامه باهِلیّ ←
خالد بن زَید	ابوأيوب انصاری ←

	ابوبکر بن ابی دارم ←	احمد بن محمد بن السری
	ابوبکر بن ابی شیبه ←	عبدالله بن محمد بن ابراهیم
روایت ۴۵	ابوبکر بن ابی موسی اشعری	طبقه سوم
روایت ۲	ابوبکر بن ابی النضر	طبقه یازدهم
	ابوبکر بن اسحاق ←	احمد بن اسحاق بن ایوب
	ابوبکر بن جازود ←	محمد بن علی جازود
روایت ۶۱	ابوبکر بن حسن قاضی	
	ابوبکر بن خلاد ←	احمد بن یوسف بن احمد خلاد
روایت ۷۵	ابوبکر بن خلف	
	ابوبکر بن دارم ←	ابوبکر بن ابی دارم
روایات ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۰۲	ابوبکر بن عیاش بن سالم اسدی	طبقه هفتم
	ابوبکر جعابی ←	محمد بن عمر بن سالم
	ابوبکر شافعی ←	محمد بن عبدالله بن ابراهیم
	ابوبکر صبیعی ←	احمد بن اسحاق بن ابویوب
	ابوبکر طلحی ←	عبدالله بن یحیی بن معاویه
	ابوجحیفه ←	وهب بن عبدالله سوائی
روایت ۲۷۱	ابوالجراح مولی ام حبیبه	طبقه سوم
	ابوجعفر ←	عبدالله بن محمد بن علی بن نفیل
	ابوجعفر ←	ابوجعفر منصور ← عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله
	ابوجعفر الباقر ←	محمد بن علی بن الحسین <small>علیه السلام</small>
روایت ۱۳۶	ابوجعفر بن طارق	
	ابوجعفر محمد بن غالب ←	محمد بن غالب
	ابوجعفر منصور ←	عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله

	ابوالحجاج مَهْرِيّ يا مِصرِي ←	رشدپن بن سعد
	ابوالحسن بن الصَّلْتِ أَهوازي ←	احمد بن محمد بن احمد بن ...
روایت ۲۳۲	ابوالحسن کوفی	طبقه ششم
روایت ۴۳	ابو خالد أَحْمَسِيّ	طبقه سوم
	ابوالخطّاب ←	قَتَادَة بن دِعَامَة
	ابو خَلِيفَة ←	فَضْل بن حُبَاب
	ابوالخليل ضُبَيْعِيّ ←	صالح بن أبي مریم
	ابو خَيْثَمَة	زُهَيْر بن حَرْب
	ابوداود حَفَرِيّ ←	عمر بن سَعْد بن عُبَيْد
	ابوداود سِجِسْتَانِيّ ←	سليمان بن أَشْعَث
	ابوداود طَيَالِسِيّ ←	سليمان بن داود
	ابورافع ←	اسماعيل بن رافع
	ابوالزَّاهِرِيّ ←	حُدَيْر بن كُرَيْبِ حَضْرَمِيّ
	ابوالزُّبَيْر ←	محمد بن مُسْلِم بن تَدْرُس
	ابوزُرْعَة مِصرِي ←	عمرو بن جابر حَضْرَمِيّ
	ابوزُرْعَة دِمَشْقِيّ ←	عبدالرحمن بن عمرو
	ابوزيد ←	عبدالرحمن بن حاتم مُرادي
روایت ۶۱	ابوسعید بن ابی عمرو	
	ابوسعید خُدْرِيّ ←	سَعْد بن مالك، صحابی
	ابوسلمه ←	ابوسلمة بن عبدالرحمن بن عوف
روایات ۱۰، ۱۴۵		طبقه سوم
	ابوسلمه طاحی بَصْرِيّ ←	سعید بن یزید مَسْلَمَة
	ابوشراع ←	سَلَمَة بن مجنون

ابوشہاب محمد بن ابراہیم کِنانی ← محمد بن ابراہیم ابوشہاب کِنانی
 ابوالشَّیخ ← ابوالشیخ اصفہانی ← ابو محمد بن حیّان ← عبد اللہ بن
 محمد بن جعفر بن حیّان انصاری
 ابوصادق محمد بن ابی الفوارس عطار ← محمد بن ابی الفوارس
 ابوصالح ← عبدالغفار بن داود حرّانی
 ابوصالح سَمّان ← ذکوان
 ابوالصدِّیق ناچئی ← بکر بن عمرو
 ابوالطفیل ← عامر بن وائلہ
 ابوطاہر ابراہیم بن حسن فقیہ

روایت ۲۴۳

ابوعامر نحوی

ابوالعبّاس احمد بن محمد بن سعید ← احمد بن محمد بن سعید
 ابوالعبّاس اصمّ نیشابوری ← محمد بن یعقوب
 ابوالعبّاس محمد بن احمد محبوبی ← محمد بن احمد محبوبی

روایت ۳۶

ابوعبد اللہ محمد بن مخلد بن ابان جوہری

ابوعبد اللہ صفّار ← محمد بن عبد اللہ احمد
 ابوعبد اللہ حافظ ← حاکم نیشابوری ← ابن البیع ← محمد بن عبد اللہ بن محمد بن
 حمدویہ نیشابوری

ابوعبد اللہ محمد بن یعقوب نیشابوری ← محمد بن یعقوب نیشابوری

ابوالعلاء بن زیاد ← علی بن زیاد یمامی

ابوعمر بن حمدان ← محمد بن احمد بن حمدان

ابوعمر بن مہدی ← عبدالواحد بن محمد بن مہدی

ابوالعوام قَطّان ← عمران بن داؤد قَطّان

ابوعوانہ ← یعقوب بن اسحاق نیشابوری اسفراینی

- ابو عیسیٰ ترمذی ← محمد بن عیسیٰ بن سوره
 ابو غسان مسمعی ← مالک بن عبدالواحد
 ابو الفتح ازدی مؤصلی ← محمد بن حسین
 ابو الفتح بن البطئی ← محمد بن عبدالباقی بن احمد البطئی
 ابو الفرج اصفهانی ← علی بن حسین اموی
 ابو الفضل بن خیرون ← احمد بن حسن بن خیرون
 ابو القاسم تنوخی ← علی بن محسن بن علی تنوخی
 ابو قلابه بصری ← عبدالله بن زید بن عمرو، جریمی
 ابو کرئب محمد بن علاء ← محمد بن علاء
 ابو عیسیٰ ← محمد بن عیسیٰ بن سوره ترمذی
 ابو محمد بن حیّان ← ابو الشیخ اصفهانی ← عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیّان
 ابو محمد احمد بن عبدالله مرنزی ← احمد بن عبدالله مرنزی
 ابو مسلمه طاحی بصری ← سعید بن یزید
 ابو معاویه ضریر ← محمد بن خازم
 ابو معاویه شیبان ← شیبان بن عبدالرحمن
 ابو العلیح الرقی ← حسن بن عمر بن یحییٰ قزازی
 ابو موسیٰ = ابو موسیٰ بصری ← ابن مثنیٰ ← محمد بن مثنیٰ
 ابو النضر ← هاشم بن قاسم بن مسلم لیثی
 ابو النضر الفقیه ← محمد بن محمد بن یوسف طوسی
 ابو نضره ← منذر بن مالک بن قطعه
 ابو نعیم ← فضل بن دکن
 ابو نعیم اصفهانی ← احمد بن عبدالله بن احمد
 ابو هارون عبیدی ← عمارة بن جوین

روایات ۱ تا ۳

طبقة اول	ابوهریره صحابی
محمد بن یزید بن محمد	ابوهشام رفاعی ←
شقیق بن سلمه اسدی	ابو وائل ←
عبدالحمید بن واصل باهلی	ابو واصل ←
جبر بن نوف همدانی	ابو الوداک ←
زکریا بن یحیی مصری	ابویحیی الوقار ←
خلف بن حوشب	ابویزید اعور ←
عمرو بن یزید	ابویزید جریمی ←
احمد بن علی بن مثنی	ابویعلی موصلی ←
حکم بن نافع بهرانی	ابوالیمان ← ابوالیمان حمصی ←

روایات ۱۵۱، ۱۵۲

	ابویوسف مقدسی
رمله دختر ابوسفیان	أم حبیبه ام المؤمنین ←
هند دختر ابوامیه	أم سلمه ام المؤمنین ←

ج - فهرست راویان به ترتیب الفبا

﴿ الف ﴾

شماره روایت	طبقه	نام
۱۲۸	هفتم	آبان بن یزید عَطَّار بَصْرِيّ ابویزید، ابراهیم ← ابراهیم نَخَعِيّ ← ابراهیم بن یزید ابراهیم بن اَبی طالب = ابراهیم بن محمد بن نوح = ابواسحاق نیشابوری
۱۱۹	دهم	ابراهیم بن اسحاق صِنِّي كُوفِيّ
۱۷۴	هفتم	ابراهیم بن اسحاق نیشابوری، اَنَمَاطِيّ
۱۱۹	دهم	ابراهیم بن حسین هَمْدَانِيّ = ابن دَيزِيل
۲۶۶	نهم	ابراهیم بن دُحَيْم دَمَشْقِيّ
۱۷۸	یازدهم	ابراهیم بن سَعِيد جَوْهَرِيّ
۱۴۶	دهم	ابراهیم بن عامر
۱۶۰، ۱۵۹	دهم	ابراهیم بن عَقِيل، صَنَعَانِيّ
۵۷	هشتم	ابراهیم بن محمد بن حارث = ابواسحاق قَزَارِيّ
۱۷۶	هشتم	ابراهیم بن محمد بن حَمَزَه = ابواسحاق بن حَمَزَه
۵۱	دوازدهم	

۱۵۰	یازدهم	ابراهیم بن محمد حَنْصِيَّ
۲۲۴ تا ۲۱۴	پنجم	ابراهیم بن محمد بن حَنْفِيَّه
۱۵۳	-	ابراهیم بن محمد بن عَوْن
۲۲۲	-	ابراهیم بن یاسین عِجَلِيَّ
۲۱۰ تا ۲۰۵	پنجم	ابراهیم بن یزید بن قَيْس نَخَعِيَّ
۲۵۷، ۱۹۶، ۱۳۵	-	احمد
۲۲۰	-	احمد بن ابراهیم بن ابی سفیان
۲۱۳	-	احمد بن ابراهیم شذوری
۲۴۶، ۱۹۳، ۱۹۲	دهم	احمد بن ابراهیم بن کثیر بن زید دَوْرَقِيَّ
۲۰۸	-	احمد بن اسحاق
۱۰۹، ۲۱	یازدهم	احمد بن اسحاق بن ایوب = ابوبکر بن اسحاق = ابوبکر صِبْغِيَّ
۱۶۰	دوازدهم	احمد بن بُنْدَار
۲۵۳	پانزدهم	احمد بن حسن بن خَيْرُون = ابوالفضل بن خَيْرُون
۱۳۶، ۱۱۰	-	احمد بن حسین اَنْصَارِيَّ
۳۶، ۲۱، ۸	چهاردهم	احمد بن حسین بن علی بِيْهَقِيَّ، ابوبکر
۶۱، ۳۷		
۹، ۷	یازدهم	احمد بن حَنْصِ سَعْدِيَّ جُرْجَانِيَّ
۱۸، ۱۷، ۶	دهم	احمد بن حَنْبَل شَيْبَانِيَّ مَرْوَزِيَّ
		احمد بن رِشْدِيْن ← احمد بن محمد بن حَجَّاج بن رِشْدِيْن

۱- و نیز روایتهای شماره ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۸، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۶۵، ۶۶، ۹۲ تا ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۲۷ تا ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۵۵، ۲۷۵، ۲۷۶.

۷۳.۵۱.۳۳ ^۱	سیزدهم	احمد بن عبدالله بن احمد ابونعیم اصفهانی
۱۰	دوازدهم	ابومحمد احمد بن عبدالله مرنی
۲۵۳.۲۴۷	دهم	احمد بن عبدالملک بن واقد حرّانی
۳۷	یازدهم	احمد بن عبید صفار
۴۲	یازدهم	احمد بن عثمان نوقلی
۱۸۴.۱۵۳/	چهاردهم	احمد بن علی بن ثابت = خطیب بغدادی
۲۰۲		
۵۸.۲۸.۲ ^۲	دهم	احمد بن علی بن مثنی = ابویعلی مؤصلی
۲۳۹.۶۲.۳۰	دهم	احمد بن عمرو بزّار
۵۳	سیزدهم	احمد بن محمد بن احمد... آهوازی = ابوالحسن بن صلت آهوازی / سیزدهم
۱۸۴	یازدهم	احمد بن محمد بن اسماعیل الهپتی
۱۵۹	یازدهم	احمد بن محمد جمال اصفهانی
۲۳۴.۱۴۷	یازدهم	احمد بن محمد بن حجاج بن رشدین
۱۱۰	-	احمد بن محمد بن حسین بن حفص
۲۰۷	دوازدهم	احمد بن محمد بن السری = ابوبکر بن ابی دارم
۱۸۳.۵۳	یازدهم	احمد بن محمد بن سعید بن عقده = ابن عقده
۲۴۱	دهم	احمد بن محمد بن صدقه
۷۶	-	احمد بن محمد بن عباس مرّی قنطری
۱۴۸	-	ابوبکر احمد بن محمد بن عبیدالله دمشقی
۲۵۳	-	احمد بن محمد القطان
۲۶۴	دهم	احمد بن موسی شامی بصری

۱- ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۸۲، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۲.

۲- ۶۸، ۸۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۳، و روایت بی شماره پس از آن، ۱۳۴، ۲۱۹، ۲۵۶، ۲۵۹.

۲۴۱	یازدهم	احمد بن محمد بن نيزك
۲۰۲	یازدهم	احمد بن هيثم
۲۳۱	یازدهم	احمد بن يحيى بن خالد بن حيان
۲۳۹	-	احمد بن يحيى سوسى
۱۸۴	دهم	احمد بن يحيى صوفى
۱۱۱	دوازدهم	احمد بن يوسف = ابوبكر بن خلاد
۳۴	یازدهم	احمد بن يوسف بن خالد ازدي = حمدان
۲۵۷	یازدهم	احمد رقى
		ازدي ← ابوالفتح ازدي ← محمد بن حسين ازدي
۴۲	نهم	ازهر بن سعد سمان
۱۶۸	نهم	اسباط بن محمد قرشى
۱۵۶، ۱۱۸	دوازدهم	اسحاق بن ابراهيم بن يونس منجنيقى
۳۲	چهارم	اسحاق بن عبدالله بن ابى طلحه
۲۹، ۲۸، ۲۶	نهم	اسحاق بن سليمان رازى
۱۸۴	نهم	اسحاق بن منصور سلولى
۱۰۳، ۲۹	نهم	اسد بن موسى اموى
۵۰	هفتم	اسرائيل بن يونس
۶۵، ۶۲	هشتم	اسماعيل بن ابراهيم بن مقسم اسدى = ابن عليه
۱۲۹، ۱۲۰، ۶۹		
		اسماعيل بن ابى اويس ← اسماعيل بن عبدالله بن اويس
۲۳۹	یازدهم	اسماعيل بن ابى حارث
۴۳	چهارم	اسماعيل بن ابى خالد احمسى
		اسماعيل بن بنت السدى ← اسماعيل بن موسى قزارى

۱۳۷، ۹۷، ۸۵، ۷۷	هفتم	اسماعیل بن رافع = ابورافع
۵۷	نهم	اسماعیل بن عبدالکریم بن معقل
۷۲	دهم	اسماعیل بن عبدالله بن اویس
۱۵۳، ۱۵۰، ۱۳۹	هشتم	اسماعیل بن عیاش جَنْصِيَّ
۲۱۰، ۲۰۸	دهم	اسماعیل بن موسی قزازی سُدِّيَّ
	دهم	آشود بن یزید بن قیس نخعی
بی شماره پس از شماره ۲۰۶		

		أَشِيْب ← حسن بن موسی
		أَضْمَعِيَّ ← عبدالملك بن قُرَيْب
		أَعْرَابِيَّ ← عَوْف بن أَبِي جَمِيْلَه
		أَعْمَش ← سُلَيْمَان بن مِهْرَان أَسَدِي
۲۳، ۳۲	اول	أَنَس بن مَالِكِ خَزْرَجِيَّ انصاری صحابی
		أَنْطَاطِيَّ ← اِبْرَاهِيْم بن اسحاق نیشابوری
		أَوْزَاعِيَّ ← عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن عَمْرُو
۲۱۳	پنجم	أَيُّوب سَخْتِيَانِيَّ = أَيُّوب بن أَبِي تَمِيْمَه

﴿ب﴾

		بُخَارِيَّ ← مُحَمَّد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مُغْبِرَه
		بَزَار ← أَحْمَد بن عمرو بن عبدالخالق بصری
		بُسْتِيَّ ← مُحَمَّد بن حَبَّان و ابوالقاسم محمود بن عبدالرَّحْمَنِ بُسْتِيَّ
۱۲۰	هشتم	بِشْرِ بن مُفَضَّل رَقَاشِيَّ
۱۰۹، ۵۰	نهم	بِشْرِ بن موسی أَسَدِيَّ
۲	سوم	بِشْبِر بن نَهِيْكَ

۸۲.۷۸	سوم	بکر بن عمرو = ابوالصدیق ناچق
۲۵۲	یازدهم	بکر بن محمد صیرفی = ابواحمد بندار ← محمد بن بشار
۵۸	ہشتم	بہلول بن مورق شامی بیہقی ← احمد بن حسین بن علی بیہقی

﴿ت - ث﴾

۱۸۳	ہشتم	تزمذی ← ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سوزہ ترمذی تلید بن سلیمان کوفی
۱۸۱	-	تغتم ← محمد بن غالب تمیم بن الجعد
۲۸ تا ۳۴	اول	توخی ← علی بن محسن بن علی توخی توبان ہاشمی صحابی توری ← سفیان توری

﴿ج﴾

۵۳ تا ۳۹	اول	جابر بن سمرہ بن جنادہ سوائی صحابی
۷۲ تا ۵۴	اول	جابر بن عبداللہ انصاری
۲۴۳	اول	جابر صدفی ← جابر بن ماجد صدفی
۱۳۱	چہارم	جبر بن نوف ہمدانی = ابو وداک
۲۳۸	دوم	جبیر بن نفیر بن مالک بن عامر... جریر ← جریر بن عبدالحمید

۲۶۱، ۲۶۰، ۲۰۶	ششم	جریر بن عبدالحمید بن قُرظ جریری ← سعید بن ایاس جریری جعابی ← محمد بن عمر بن سالم جعابی
۲۵۰	-	جعفر بن ابی أحمد الوزان الحرّانی جعفر ← جعفر بن سلیمان
۹۵، ۹۳	هشتم	جعفر بن سلیمان ضَبَعِیّ
۱۸۹، ۱۸۰	-	جعفر بن علی بن خالد بن جریر بن عبدالله بَجَلِیّ
۱۱۹	-	جعفر بن محمد بن احمد حافظ
۱۸۳	-	جعفر بن محمد بن سعید
۲۷۹	ششم	جعفر بن محمد بن علی بن الحسین <small>علیه السلام</small>
۱۳۶	-	جید بن نظیف

﴿ح﴾

۱۱۱، ۵۷	نهم	حارث بن ابی أسامه
۲۳۴	چهارم	حارث بن یزید حَضْرَمِیّ
۸۷، ۸۶، ۸۳، ۷۹	هشتم	حارث بن نَبْهَانِ جَرَمِیّ
		حاکم نیشابوری ← محمد بن عبدالله بن محمد حامد بن ابی حامد مُقَرِّیّ
۲۹	دهم	
۱۸۵	دهم	حامد بن یحیی بن هانی بَلْخِیّ
		حَبَانِ بن سَدِیر [حَبَانِ بن مدیر صَیْرَفِیّ کوفی] ← حَنَانِ بن سَدِیر صَیْرَفِیّ
۲۲۸، ۱۴۳	سوم	حَبِیبِ بن ابی ثابت
۱۰۳		حَجَّاجِ بن رَبِیعِ بن سلیمان ^۱ ← (رَبِیعِ بن سلیمان بن عبدالجَبَّارِ) -

۱- ظاهراً باید «ربیع بن سلیمان بن عبدالجبار» (۱۷۴ - ۲۷۰) باشد که شاگرد «اسد بن موسی» و از مشایخ

		حجاج بن شاعر ← حجاج بن یوسف ثقفی، ابن الشاعر
۱۴۲	اول	حجاج بن عمرو بن غزیه، صحابی
		و تکرار آن در شماره ۲۲۷
۵۹، ۵۶، ۵۴	نهم	حجاج بن محمد مصیبی
۱۴۲، ۶۱، ۶۰		
۵۶، ۵۴	نهم	حجاج بن یوسف بن حجاج ثقفی = حجاج بن شاعر
۲۳۸	سوم	حدیث بن کریم بن حصرمی = ابوالزاهریه
		حذاء ← خالد بن مهران
۷۴، ۷۳	اول	حدیفة بن یمان صحابی
۷۶	یازدهم	حزب بن حسن طحان
۱۴۶، ۱۴	یازدهم	حزملة بن یحیی مصری
۲۵۵	-	حزیمی المعنی
		حسن ← حسن بن ابی الحسن بصری
۱۰۰	-	ابومحمد حسن بن ابراهیم بن حیدر حمیری
۲۱۱	سوم	حسن بن ابی الحسن بصری
۲۵۳	سیزدهم	حسن بن احمد بزاز
۱۸۳	-	حسن بن حسین
۲۱۳	-	حسن بن حکیم مرزوی
۲۲۳	دهم	حسن بن سفیان
۲۲۴	دهم	حسن بن صالح بن ابی الأسود
۱۰۸	دهم	حسن بن عرفه

→ «محمد بن یعقوب» و از راویان طبقه نهم می باشد (بنگرید بنه: تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۵۸۶؛

تاریخ الإسلام، ج ۲۰، ص ۹۶ (حوادث و وفیات، ۲۷۰ هـ.ق).

۱۷۳	دهم	حسن بن علی المَعْمَرِيّ
۲۵۳ تا ۲۴۶	هشتم	حسن بن عمر = ابوالملیح الرُّقِّيّ
۲۷	-	حسن بن محمّد
۱۰۲	نهم	حسن بن موسی أَشِيْب
۱۳۵	سوم	حسن بن یزید سَعْدِيّ
۷۰	دوازدهم	حسن بن یعقوب بن یوسف العَدَل
۲۴۲	-	حسن بن یوسف بن سعید مصريّ
۲۰۴	-	حسین بن احمد بن بسطام
		حسین بن اسحاق ← حسین بن اسحاق تُسْتَرِيّ
		حسین بن اسحاق تُسْتَرِيّ
۱۷۹، ۱۷۶، ۱۵۴	یازدهم	
۲۴۹، ۱۹۸، ۱۸۵		
۷۶	دهم	حسین بن حسن أَشَقَر
۱۱۰، ۳۵	دهم	حسین بن حَفْص هَمْدَانِيّ = عَطَاء خُرَاسَانِيّ
۲۵۰	یازدهم	حسین بن عبدالله قَطَّان
۷۵	اول	حسین بن علیّ بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۱۰۰	دوازدهم	حسین بن علیّ بن محمّد بن یحیی ثَمِيْمِيّ = حُسَيْنِيّ
۱۰۹	-	حسین بن علیّ دَارِمِيّ
۲۴۳	-	حسین بن علیّ کِنْدِيّ
۱۸۱	نهم	حسین بن عمرو عَنَقَزِيّ
۷۲	-	حسین بن محمّد بن احمد
۷۱	دوازدهم	حسین بن محمّد بن زیاد عَبْدِيّ نِيشَابُورِيّ
۳۳	دوازدهم	حسین بن محمّد بن علیّ اَصْفَهَانِيّ = زَعْفَرَانِيّ
۱۴۸	پانزدهم	ابوطالب حسین بن محمّد بن علیّ هَاشِمِيّ زَيْنَبِيّ

		حُسَيْنُكَ ← حسین بن علی بن محمد بن یحیی تمیمی نیشابوری
		حَفْصُ بْنُ حُلْوَانِيٍّ ← حفص بن عبدالله حُلْوَانِيٍّ
۲۶۹، ۲۶۸	اول	حَفْصَةُ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ
۵۸	دهم	حَفْصُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حُلْوَانِيٍّ
۲۵۸	دهم	حَفْصُ بْنُ عُمَرَ بْنِ صَبَّاحِ رَقِّيٍّ
۵۳	نهم	حَفْصُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مَيْمُونِ عَدَنِيٍّ
(بی شماره پس از شماره ۲۰۶)، ۲۰۷	پنجم	حَكَمُ بْنُ عَتِيْبَةَ كُوفِيٍّ كِنْدِيٍّ
۱۳۹	دهم	حَكَمُ بْنُ نَافِعٍ = أَبُو الْيَمَانِ
		حَمَّادَانُ ← حمّاد بن زید و حمّاد بن سلّمه
۴۶	نهم	حَمَّادُ بْنُ أَسَاْمَةَ = أَبُو أَسَاْمَةَ
۹۴	هشتم	حَمَّادُ بْنُ زَيْدِ بْنِ دِرْهَمِ أَزْدِيٍّ
۱۰۱، ۴۱	هشتم	حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ بْنِ دِينَارِ بَصْرِيٍّ
۲۱۳	-	حَمَّادُ بْنُ يَزِيدٍ
		حَمْدَانُ ← احمد بن یوسف بن خالد
۱۸۳	هفتم	حَمْزَةُ الزِّيَّاتِ = حَمْزَةُ بْنُ حَبِيبِ الزِّيَّاتِ
		حُمَيْدُ بْنُ مُحَمَّدِ رَازِيٍّ = مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدِ بْنِ حَيَّانِ رَازِيٍّ
۲۱۱، ۲۰۷	هشتم	حَنَانُ بْنُ سَدِيرِ صَيْرَفِيٍّ = حَبَّانُ بْنُ سَدِيرِ، حَبَّانُ بْنُ مَدِيرِ

﴿خ﴾

		خَالِدُ حَذَاءٍ ← خالد بن مهران
۷۶	اول	خَالِدُ بْنُ زَيْدٍ = أَبُو أَيُّوبِ انصَارِيٍّ، صحابی

۲۰۹	هشتم	خالد بن عبدالله طحان
۳۶، ۳۵، ۳۴	پنجم	خالد بن مهران = خالد حداء
۱۴۵	-	خلف بن احمد بن عباس رانهرمزی
۱۸۲، ۱۷۲	ششم	خلف بن حوشب کوفی
۱۳۱، ۵۰	هشتم	خلف بن ولید

﴿ د - ذ ﴾

		داریمی ← عثمان بن سعید داریمی
	هشتم	داهر بن یحیی رازی
بی شماره پس از شماره ۲۰۶		
		داود ← داود بن ابی هند
۱۵۲، ۴۴	پنجم	داود بن ابی هند قشیری
۹، ۷	پنجم	داود بن عبدالجبار الأودی
۲۴۲ تا ۲۳۹	نهم	داود بن محبّر بن قحذم
۴۷	نهم	داود بن منصور نسائی
		دحیم ← عبدالرحمن بن ابراهیم
		دستوائی ← هشام بن ابی عبدالله
۱	سوم	ذکوان = ابو صالح
		ذهلی ← محمد بن یحیی

﴿ ر ﴾

۷۳	دوم	ربیع بن جراح
----	-----	--------------

۱۰۳، ۲۹	یازدهم	ربیع بن سلیمان بن عبد الجبار مرادی
۲۷۹	هفتم	رزین بن حبیب جهنی
۶، ۵، ۴ ^۱	هفتم	رشدین بن سعد = ابوالحجاج مهری مصری
۲۷۱	اول	رمله دختر ابوسفیان = ام حبیبه، ام المؤمنین
۷۳	نهم	رواد بن جراح عسقلانی

﴿ز﴾

۱۹۲ تا ۱۹۷، ۲۰۰	هفتم	زائده بن قدامه ثقفی
۲۰۴ تا ۱۵۴، ۷۴	دوم	زر بن حبیش
		زعفرانی ← حسین بن محمد بن علی اصفهانی
۲۲۱	دهم	زکریا بن حکیم
۱۰	دوازدهم	زکریا بن یحیی ساجی بصری
۳	نهم	زکریا بن یحیی مصری = ابوالوقار
		زهری ← ابن شهاب ← محمد بن مسلم
۶۲، ۲۸، ۱۵ ^۲	دهم	زهیر بن حرب = ابوخیثمه نسائی
۲۵۳ تا ۲۴۶	ششم	زیاد بن بیان رقی
۹۹، ۹۲، ۹۱	پنجم	زید ابوالحواری = زید بن الحواری = زید العمی
۱۱۹ تا ۱۱۳		
۹۵، ۹۴، ۲۴	نهم	زید بن حباب
۲۳۳	نهم	زید بن ابی الزرقاء
		زید عمی = زید بن الحواری ← زید بن ابی الحواری

۱ - ۸، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۵.

۲ - ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۳۳، و نیز پس از شماره ۱۳۳.

﴿س﴾

		ساجی ← زکریا بن یحیی ساجی
۲۲۴	چهارم	سالم بن ابی حفصه
		سختیانی ← ایوب بن ابی تمیمه و عمران بن موسی بن مجاشع
		سُدی ← اسماعیل بن موسی
		سعد بن حسین ← سعید بن حسن
۳۲	دهم	سعد بن عبدالحمید بن جعفر
		سعید ← سعید بن عبدالعزیز
۱۳۷ تا ۷۷	اول	سعد بن مالک = ابوسعید خدری، صحابی
۶۵، ۶۴، ۶۲	پنجم	سعید بن ایاس = جریری
۱۶۰، ۱۵۹	هشتم	سعید بن حسن بن سعید اسکاف
		سعید بن زید ← سعید بن یزید
۲۹ تا ۲۲	سوم	سعید بن سمعان
۱۲۳، ۸۲	هفتم	سعید بن عبدالعزیز تنوخی
۵۱	ششم	سعید بن عمرو بن أسوع
۱۱۲	دهم	سعید بن مسعود مروزی
۲۵۳ تا ۲۴۶، ۱۳۹	دوم	سعید بن مسیب = ابن مسیب
۴۹	دهم	سعید بن منصور
۲۱۳	نهم	سعید بن هبیره
		سفیانین = سفیان ثوری و سفیان بن عیینه
۱۲۱	چهارم	سعید بن یزید بن مسلمه ← ابومسلمه طاحی بصری

۷۶.۷۴ ^۱	پنجم	سلیمان بن مهران = أَعْمَش
۴۵.۴۱ ^۲	چهارم	سِمَاك بن حَرْب
۲۶۴.۸۱	دهم	سَهْل بن تَمَّام بن بَزِيع
۱۳۴	هشتم	سَهْل بن عَامِر بَجَلِي
۲۰۲	هشتم	سَوْرَة بن حَكَم صاحب الرَّأْي
۱۴۵	هفتم	سُوَيْد بن اِبْرَاهِيم
۱۵۷.۱۵۶.۹.۷	دهم	سُوَيْد بن سَعِيد هَرَوِي

﴿ش﴾

۳۸.۳۷	هشتم	شَرِيك بن عَبْدِالله نَخَعِي
۹۱.۳۹	هفتم	شُعْبَة بن حَبَّاج
۲۰۰.۱۸۶		
		شَعْبِي ← عَامِر بن شَرَاحِبِل شَعْبِي
		شَعْرَانِي ← فَضْل بن مُحَمَّد بَيْهَقِي
۱۵۲.۱۵۱	سوم	شُعَيْب بن مُحَمَّد بن عَبْدِالله بن عمرو بن عاص
۲۰۳.۱۹۴	دوم	شَقِيق بن سَلْمَة = ابُووَانِل
۱۰۸	هفتم	شَيْبَان بن عَبْدِالرَّحْمَنِ = ابُوْمُعَاوِيَه

﴿ص﴾

صاحب صالح ابوالخليل ← عبدالله بن حارث بن نوفل

۲۵۵، ۲۵۴ ^۱	ششم	صالح بن ابی مریم ضُبَعِيّ = ابوالخلیل
۵۳	پنجم	صالح بن مُسلم بن رُومان = موسی بن مُسلم بن رُومان
۱۳۸	اول	صُدَيّ بن عَبْجَلان بن وَهْب = أبوامامه صحابی
		صَفَّار ← ابو عبدالله صَفَّار ← محمد بن عبدالله بن احمد صَفَّوان بن عمرو
۱۵۳، ۱۵۰	پنجم	
۲۷۶ تا ۲۷۲	اول	صَفِيّه أمّ المؤمنین

﴿ ط ﴾

۱۴۸	-	طاهر بن علی [ابوالطیب طاهر بن علی طبرانی]
۱۴۵	نهم	طالوت بن عَبَّاد صَيْرَفِيّ
		طَبْرَانِيّ ← سلیمان بن احمد
۱۳۹	اول	طَلْحَة بن عَبِيدالله تَنِيْمِيّ صحابی
		طَيَالِسِيّ ← سلیمان بن داود

﴿ ع - غ ﴾

۱۷۱ تا ۱۵۴، ۱ ^۲	ششم	عاصِم بن بَهْدَلَه = ابن ابی النُّجُود.
۱۶۰، ۱۵۹	نهم	عامر بن ابراهیم بن واقد اصفهانی
۴۸	سوم	عامر بن سَعْد بن ابی وَقَّاص
۴۷، ۴۶، ۴۴ ^۳	سوم	عامر بن شَرَاحِبِل = شَعْبِيّ
۱۴۳ تا ۱۴۰	اول	عامر بن وائله لَيْثِيّ = ابوالطُّفَيْل، صحابی

۱ - ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۳ تا ۲۶۶.

۲ - ۱۷۳ تا ۱۸۱، ۱۸۳ تا ۱۹۴، ۱۹۶ تا ۲۰۴.

۳ - ۵۱، ۵۲، ۵۳.

۲۷۸، ۲۷۷، ۱۴۴	اول	عایشه أم المؤمنین
۱۳۱	هفتم	عبّاد بن عبّاد بن حبیب
۲۱۰	دهم	عبّاد بن یعقوب رواجینی
		عبّادله = عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمرو عاص
۲۱۱	یازدهم	عبّاس بن ابراهیم
۷۴	هفتم	عبّاس بن بکّار
۱۶۰	یازدهم	عبّاس بن حمّدان
۵۹	یازدهم	عبّاس الدوری ← عباس بن محمّد بن حاتم الدوری
۱۹۷	یازدهم	عبّاس بن محمّد مجاشعی اصفهانی
۷۶	سوم	عبّایة بن ربیع
۱۸۷	دهم	عبّدان بن احمد آهوازی
۱۹۶	دهم	عبدالأعلی بن حمّاد نزیسی
۱۵۸	دهم	عبدالجبار بن علاء بن عبدالجبار عطار
۲۵۳		عبدالحافظ بن بدران
۲۳۸	نهم	ابوتقی عبدالحمید بن ابراهیم جنصی حضرمی
۱۰۰	نهم	ابویحیی عبدالحمید بن عبدالرحمن حمانی
۱۳۵	دوم	عبدالحمید بن واصل باهلی = ابوواصل
۲۰	دهم	عبدالرحمن بن ابراهیم بن عمرو = دحیم
۱۵۰	چهارم	عبدالرحمن بن جبیر بن نفیر حضرمی
۲۰۳	یازدهم	ابوزید عبدالرحمن بن حاتم مرادی
۲۷۱	دهم	عبدالرحمن بن سلّمه رازی
۱۳۹	یازدهم	عبدالرحمن بن عمرو = ابوزرعه دمشقی
۲۴۳، ۱۳۸، ۲۰، ۱۰	هفتم	عبدالرحمن بن عمرو = اوزاعی

۱۴۵	اول	عبدالرحمن بن عوف، صحابی
۲۴۵، ۲۴۴	-	عبدالرحمن بن قیس بن جابر صدفی
۲۰۴	نهم	عبدالرحمن بن مهدی = ابن مهدی
۲۳۸	چهارم	عبدالرحمن بن نجیح
۱۹، ۱۷، ۱۶	نهم	عبدالرزاق صنعانی
۲۴۹	نهم	عبدالسلام بن عبدالحمید
۱۵۳	-	ابوالفرج، عبدالسلام بن عبدالوهاب قرشی
۶۸، ۶۶، ۶۳	نهم	عبدالصمد بن عبدالوارث
۲۶۱، ۲۶۰	چهارم	عبدالعزیز بن رفیع آسدی
۲۰۲	سیزدهم	ابوالقاسم عبدالعزیز بن محمد بن نصر الشوری
۲۴۸، ۱۴۶	دهم	ابوصالح عبدالغفار بن داود حرانی
۱۷۳	نهم	عبدالغفار بن عبدالله مؤصلی
۱۸۴	سیزدهم	عبدالغفار بن محمد بن جعفر المؤدب
۲۲۱	-	عبدالله بن ابی سفیان
۲۵۳	-	عبدالله بن احمد
۳۶	-	عبدالله بن احمد بن ابراهیم دوزقی
۳	دوازدهم	عبدالله بن احمد بن محمد بن حنبل شیبانی
۲۰۶	هشتم	عبدالله بن ادریس اودی
۲۵۷، ۲۴۶	دهم	عبدالله بن جعفر رقی
۱۴۷، ۱۴۶	اول	عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی، صحابی

۱ - ۳۴، ۳۶، ۹۳، (بی شماره پیش از شماره ۲۵۵)، ۲۸۱ تا ۲۸۴.

۲ - ۱۰۱، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۳، (بی شماره پس از ۱۳۳)، ۲۵۵، ۲۸۰.

۳ - راوی روایات فراوانی است، بنگرید به شرح حال وی در طبقه دوازدهم.

۲۵۵، ۲۵۴ ^۱	دوم	عبدالله بن حارث بن نوفل = صاحب ابوالخلیل
۳۳	دهم	عبدالله بن حسن بن ابراهیم انباری
۷۵	دهم	عبدالله بن الحسین بن جابر مصیبی
۱۷۴	هفتم	عبدالله بن حکیم بن جبیر
	دهم	عبدالله بن داهر رازی
بی شماره پس از شماره ۲۰۶ ^۲		
۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳	دوم	عبدالله بن زُریر غافقی = ابن زُریر
۷۴	-	عبدالله بن زیاد
		عبدالله بن زیاد ← ابوالعلاء بن زیاد ← علی بن زیاد یمامی
۳۸ و ۳۴	سوم	عبدالله بن زید = ابوقلابه بصری
۱۱۹	-	عبدالله بن سعد
۲۵۱	دهم	عبدالله بن صالح
۱۴۸	اول	عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب هاشمی، صحابی
		عبدالله بن عبدالرحمن بن عوف ← ابوسلمه بن عبدالرحمن بن عوف
۱۶۴ و تکرار	نهم	عبدالله بن عبدالقدوس
آن در ۱۹۰		
۵۸	چهارم	عبدالله بن عبیده
۹، ۷، ۳ ^۳	دوازدهم	عبدالله بن عدی = ابن عدی
۵۸	چهارم	عبدالله بن عمر ← عبدالله بن عمر بن حفص
۱۹۱، ۱۸۷، ۱۷۲	دهم	عبدالله بن عمر بن أبان = عبدالله بن عمر بن محمد بن أبان مُشکدانه / دهه

۱ - ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۶.

۲ - ۱۶۴ و تکرار آن در شماره ۱۹۰.

۳ - ۱۱۸، ۱۵۶، ۱۸۳، ۱۹۱، بی شماره پس از شماره ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۵۰.

۱۴۹	هفتم	عبدالله بن عمر بن حفص
۱۵۰، ۱۴۹	اول	عبدالله بن عمر بن خطاب
۱۵۳ تا ۱۵۱	اول	عبدالله بن عمرو عاص، صحابی
۴۷، ۴۲	ششم	عبدالله بن عون بن اَرْطَبان = ابن عون
^۱ ۱۴۶، ۵۵	هفتم	عبدالله بن لهيعة = ابن لهيعة
^۲ ۹۶، ۲۳	دهم	عبدالله بن محمد بن ابراهيم، ابوبكر بن ابي شيبة
		عبدالله بن محمد بن جعفر بن حيان = ابو محمد بن حيان = ابوالشيخ اصفهاني
۲۰۱	دوازدهم	
۱۴۸	هفتم	عبدالله بن محمد بن علي بن عبدالله = ابو جعفر منصور دوانقي
۱۳۵	دهم	عبدالله بن محمد بن علي بن نقييل = ابو جعفر
۲۰	يازدهم	عبدالله بن محمد بن مسلم اسفرايني
۱۸۲	دهم	عبدالله بن محمد بن ناجيه
۲۱۱ تا ۱۵۴	اول	عبدالله بن مسعود = ابن مسعود
۲۸۳	نهم	عبدالله بن معاذ = ابن معاذ
۲۲۳، ۱۱۴، ۱۱۳	نهم	عبدالله بن نمير = ابن نمير
۸۷، ۸۶، ۸۳، ۷۹، ۱۴	نهم	عبدالله بن وهب = ابن وهب
۲۳۴	سوم	عبدالله بن هبيرة
۲۲۴	يازدهم	عبدالله بن يحيى بن معاوية = ابوبكر طلحي
۸	-	عبدالله بن يوسف
۱۵۲، ۱۵۱	پنجم	عبدالمك بن ابي سليمان
		عبدالمك بن ابي غنيم ← عبدالمك بن حميد بن ابي غنيم

۱ - ۱۴۷، ۱۴۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۵.

۲ - ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۹۵، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۴۷، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۸۳.

۱۷۸	هفتم	عبدالملك بن حمید بن ابی غنیہ
۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۶	ششم	عبدالملك بن عبدالعزیز = ابن جریر
۴۰، ۳۹	چهارم	عبدالملك بن عمیر
۳۳	نهم	عبدالملك بن قریب = اصمعی
۵۲	سیزدهم	عبدالواحد بن محمد بن مهدی فارسی = ابو عمر بن مهدی
۶۸، ۶۶	هشتم	عبدالوارث بن سعید
		عبدالوہاب و عبدالوہاب ثقفی ← عبدالوہاب بن عبدالمجید ثقفی
۱۵۳	دهم	عبدالوہاب بن ضحاک...
۷۱، ۶۷، ۶۴	هشتم	عبدالوہاب بن عبدالمجید ثقفی
۷۰	نهم	عبدالوہاب بن عطاء
۱۵۰	دهم	عبدالوہاب بن نجدہ
۱۷۷، ۱۶۸	یازدهم	عبید بن اسباط بن محمد قرشی
۵۲	-	عبیدالله بن تمام
۲۵۸، ۲۵۷	هشتم	عبیدالله بن عمرو رقی
۲۶۱، ۲۶۰	چهارم	عبیدالله بن قبیطیہ
۱۹۶، ۱۹۳، ۱۹۲	نهم	عبیدالله بن موسی
۲۱۱، ۲۰۷	دوم	عبیدہ بن عمرو سلمانی
		عثمان بن ابی شیبہ ← عثمان بن محمد بن ابراہیم
۲۱۳، ۲۱۲	اول	عثمان بن ابی العاص ثقفی طائفی، صحابی
۲۵۱	نهم	عثمان بن سعید دارمی
		عثمان بن شبرمه ← عثمان بن عبدالله شبرمه
۱۵۵، ۱۵۴	هفتم	عثمان بن عبدالله شبرمه

۱۸	نهم	عثمان بن عمر بن فارس
۲۰۵، ۱۴۰ ^۱	دهم	عثمان بن محمد بن ابراهیم = عثمان بن ابی شیبّه
۸۸	هفتم	عدی بن ابی عمار
۱۴۴	دوم	عزوة بن زبیر
		عطاء خراسانی ← حسین بن حفص همدانی
		عطیّه ← عطیّه عوفی ← عطیّه بن سعد عوفی
۱۳۴، ۱۲۵، ۸۰	سوم	عطیّه بن سعد عوفی
۲۶۵، ۲۶۳، ۱۳۰، ۸۹	دهم	عقّان = عقّان بن مسلم
۵۷	هفتم	عقیل بن معقل یمانی
۲۰۹	یازدهم	عقیلی ← ابوجعفر محمد بن عمرو بن موسی
۱۱۰	هفتم	عکرمه بن ابراهیم
۳۲	پنجم	عکرمه بن عمار
۹۵، ۹۴، ۹۳	ششم	علاء بن بشیر مُزَنَبی
۲۱۰ تا ۲۰۵	دوم	عَلَمَه = عَلَمَه بن قیس نخعی
۱۴۳ تا ۱۴۰ ^۲	اول	امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۳۷	سیزدهم	علی بن احمد بن عبدان
۲۰۲	سیزدهم	ابوالحسن علی بن احمد بن محمد رزار
۱۸۲	دهم	علی بن اسحاق
۲۰۸	یازدهم	علی بن اسحاق بن وزیر = علی بن الوزیر
۲۵۰	نهم	علی بن جمیل
۱۲۰، ۶۲	نهم	علی بن حُجْر سَعْدِی

۷۵	شانزدهم	علی بن حسن بن هبة الله شافعی = ابن عساکر
		علی بن حسین ← علی بن حسین مؤصلی
۱۳۶	دوازدهم	علی بن حسین = ابوالفرج اصفهانی اموی
۲۳۳	-	علی بن حسین خواص
۲۷۹، ۷۵	سوم	علی بن حسین بن علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۱۳۸	-	علی بن حسین مؤصلی
۲۶۶، ۱۰۹	یازدهم	علی بن حمّشاذ
۲۲۹	هشتم	علی بن خوّشب
۳۲	نهم	علی بن زیاد یمامی = ابوالعلاء بن زیاد = عبدالله بن زیاد
۱، ۳۸، ۳۷	چهارم	علی بن زید بن جدعان
۲، ۱۴۹، ۱۳۸	دهم	علی بن سعید رازی
۲۰۵	هفتم	علی بن صالح بن حئی
۱۹۹	نهم	علی بن عبدالعزیز بغوی
۲۳۶	-	علی بن علی هلالی (فرزند علی هلالی صحابی)
۷۱	دوازدهم	علی بن عیسی
۱۴۸	چهاردهم	قاضی ابوالقاسم علی بن مُحَسَّن بن علی تَنُوخِی = ابوالقاسم تَنُوخِی / چهاردهم
۳۳	یازدهم	علی بن محمد بن جعفر بن عَبَسَه وَرَاق عَبْدَان
۱۷۳	هشتم	علی بن مُشهر
۱۵۵	دهم	علی بن مُنذِر
۲۵۲ تا ۲۴۶	ششم	علی بن نُفَیل
۲۰۸	یازدهم	علی بن الوزیر ← علی بن اسحاق بن وزیر

۱ - ۱۳۰، ۲۱۲، ۲۱۳.

۲ - ۱۸۱، بی شماره پس از ۲۰۶، ۲۳۳، ۲۷۱.

۱۴۸	-	علی بن هاشم
۲۳۶	اول	علی هلالی، صحابی
۱۱۵ تا ۱۱۹، ۲۳۶	ششم	عمار بن ابی حفصه
۹۶، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳	چهارم	عمار بن جوین = ابوهارون
۲۳۷	اول	عمران بن حصین خزاعی، صحابی
۸۱، ۸۹، ۹۰	هفتم	عمران بن داور = عمران قطان = ابوالعوام قطان
۲۶۳ تا ۲۶۶		
شماره پس از ۴۶	دهم	عمران بن موسی بن مجاشع جرجانی = سختیانی
۱۸۶	دوازدهم	عمر بن ابراهیم بغدادی
۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۹	نهم	عمر بن سعد بن عبید = ابوداود حفری
۵۱	نهم	عمر بن عبدالله بن رزین
۴۵، ۱۶۶، ۱۶۹	هشتم	عمر بن عبید طنافسی
۱۷۱، ۱۷۹		
۱۰۰	-	عمر بن عبید الله عدوی
۲۳۰، ۲۳۱	سوم	عمر بن علی بن ابی طالب <small>رضی الله عنه</small>
۱۹۸، ۲۳۲	هشتم	عمر بن ابی قیس رازی
۱۴۶، ۱۴۷	چهارم	عمر بن جابر حَضْرَمِی، ابوزرعه مصری
۲۳۰، ۲۳۱		
۲۵۲	دهم	عمر بن خالد حرّانی
۷۹، ۸۳، ۸۶	چهارم	عمر بن دینار مکی
۸۷، ۱۳۹		
۱۵۱، ۱۵۲	پنجم	عمر بن شعیب
۹۰، ۲۶۶	نهم	عمر بن عاصم کلابی

۱۸۶	هشتم	عمرو بن عبدالغفار
۲۰۱	سوم	عمرو بن عبدالله همدانی = ابواسحاق سبیبی
۴۳	دهم	عمرو بن عثمان بن سعید
۱۶۷	دهم	عمرو بن علی ← عمرو بن علی بن بحر قلاس
۲۱۰، ۲۰۸	ششم	عمرو بن قاسم ← عمرو بن قاسم تمار
۲۱۱، ۲۰۷، ۱۸۱	ششم	عمرو بن قیس ملاتی
۲۰۹	دهم	عمرو بن عون
۲۷۶۳۴	سوم	عمرو بن مرثد = ابواسماء رحبی
۱۸۲، ۱۷۲	پنجم	عمرو بن مره
۳۱، ۳۰	یازدهم	عمرو بن یزید، ابویزید جریمی
۱۳۸	هشتم	عنبسه بن ابی صغیره
		عوف، وعوف اعرابی ← عوف بن ابی جمیله
۱۰۴، ۳	ششم	عوف بن ابی جمیله = اعرابی
۲۳۸	اول	عوف بن مالک اشجعی، صحابی
۴۹	چهارم	عون بن ابی جحیفه
۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳	ششم	عیاش بن عباس
۲	چهارم	عیسی بن هلال بصری
		غندر ← محمد بن جعفر

(ف)

۱۶۳، ۱	دهم	فضل بن حباب جمحی = ابوخلیفه
--------	-----	-----------------------------

۱۴۱ تا ۱۴۳ ^۱	نهم	فَضْل بن دُكَيْن = ابونُعَيم
۱۵۲	یازدهم	فَضْل بن مُحَمَّد بِنَهَقِي شَعْرَانِي
۲۲۲	یازدهم	فُضَيْل بن مُحَمَّد مَلَطِي
۱۳۴	هفتم	فُضَيْل بن مَرْزُوق
۱۴۰ ^۲	پنجم	فِطْر بن خَلِيفَه
		فَلَّاس ← عمرو بن علي بن بحر

﴿ق﴾

۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲	پنجم	قاسم بن أبي بزة
۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵		
۱۰۰	دهم	قاسم بن خلیفه
۵۱	دوازدهم	قاسم بن زكريا مَقْرِي مَطْرَز
۸۴	هفتم	قاسم بن فَضْل حُدَانِي
۲۱۵	هشتم	قاسم بن مالك مُزْنِي
۱۷۴	یازدهم	قاسم بن مُحَمَّد دَلال كوفي = قاسم بن مُحَمَّد بن حَماد دَلال
۸، ۶، ۵، ۴	دوم	قَبِيصَة بن ذُوَيْب خُزاعِي
۳۳ ^۳	چهارم	قَتَادَة بن دِعامه = ابوالخَطاب
۲۶۱، ۶، ۵، ۴	دهم	قُتَيْبَة = قُتَيْبَة بن سعيد بَغْلانِي
۲۴۲، ۲۳۹	چهارم	قَحْذَم بن سُلیمان
۲۴۲ تا ۲۳۹	اول	قُرَّة بن إياس مُزْنِي، صحابی

۱- ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۸ تا ۲۲۸.

۲- ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷.

۳- ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۹۰، ۱۲۳، ۲۳۷، ۲۵۴ تا ۲۵۹، ۲۶۳ تا ۲۶۶.

۸۸	دهم	قَطَن بن نُسَیْر
۲۴۳	-	قَیْس بن جَابِر صَدَفِی
۲۰۲، ۷۶	هفتم	قَیْس بن رَبِیعِ اَسَدِی

﴿ک﴾

۱۴۹	هشتم	کَثِیْر بن جَعْفَر
۱۵۳، ۱۵۰	دوم	کَثِیْر بن مُرَّة
۳۷	-	کَثِیْر بن یَحِیی
۳۳	هشتم	کِذَام بن مِشْعَر بن کِذَام
۳	یازدهم	کَهْمَس بن مَعْمَر

﴿ل﴾

		لَیْث ← لَیْث بن سَعْد
۲۶۷	ششم	لَیْث بن اَبی سُلَیْم
۲۱، ۱۳	هفتم	لَیْث بن سَعْد فَهْمِی

﴿م﴾

۲۴۵ و ۲۴۳	-	ماجد، پدر جابر صدیقی و جد قیس بن جابر صدفی ماسرجسی ← محمد بن مؤمل
۷۲	هفتم	مالک بن انس
۵۳	هفتم	مالک بن مغول
۱۸۸	دهم	مالک بن عبدالواحد = ابو غسان مشمعی
۳	هشتم	مؤمل بن عبدالرحمن ثقفی

۵۱	نهم	مُبَشَّر بن عبدالله
۱۳۹	هفتم	مُتَّي بن صَبَّاح
۱۳۱، ۴۶	ششم	مُجَالِد = مُجَالِد بن سَعِيد هَمْدَانِي مُجَاهِد ← مُجَاهِد بن جَبْر
۲۵۹ تا ۲۵۶	سوم	مُجَاهِد بن جَبْر، ابوالْحَجَّاج
۲۴۲ تا ۲۴۰، ۲۳۹	هشتم	مُجَرَّب بن قَحْذَم
۱۸۲، ۱۷۹	دهم	محمَّد بن أَبَان واسطی
۱۲۶، ۱۰۹	نهم	محمَّد بن ابراهیم بن أَبِي عَدِيّ = ابن أَبِي عَدِيّ
۱۶۳، ۱۶۲، ۱	هفتم	محمَّد بن ابراهیم كِنَانِي = ابوشهباب محمَّد بن ابراهیم
۳۵	-	محمَّد بن ابراهیم بن أَرْوَمَه
۲۷۱	چهارم	محمَّد بن ابراهیم تَيْمِيّ
۷۳	یازدهم	محمَّد بن ابراهیم بن كَثِير الصُّورِيّ
۱۴۸	هشتم	محمَّد بن ابراهیم بن محمَّد بن عَلِيّ
۱۹۱	-	محمَّد بن ابراهیم بن مَيْمُون سَرَّاج
۸	-	ابو صادق محمَّد بن ابی الفوارس عَطَّار
		محمَّد بن أَبِي يَعْقُوب كِرْمَانِي ← محمَّد بن اسحاق بن منصور...
۱۸۶، ۳۱	دهم	محمَّد بن احمد بن أَبِي خَيْثَمَه
۱۵۵	یازدهم	محمَّد بن احمد بن أَبِي عَوْن رِيَّانِيّ
۱۰۹	دوازدهم	ابوبكر محمَّد بن احمد بن بَابُوئِه نيشابوري
۲۲۳	دوازدهم	محمَّد بن احمد بن حَمْدَان = ابو عمرو بن حَمْدَان
۱۱۲	یازدهم	محمَّد بن احمد محبوبی، ابوالعبَّاس
۲۰۲	دوازدهم	محمَّد بن احمد بن هَيْثَم الدُّورِيّ
۱۰۹	دهم	محمَّد بن اسحاق امام = ابن خَزِيمَه
۹۰، ۶۱، ۸	یازدهم	محمَّد بن اسحاق صَغَانِيّ [صَاغَانِيّ]

۲۷۱	پنجم	محمد بن اسحاق بن یسار
۱۹۷	دهم	محمد بن اسحاق بن منصور = محمد بن ابی یعقوب کرمانی
۱۳۵، ۳۹، ۱۳	یازدهم	محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره = بخاری
۲۴۸، ۲۱۸		
۱۰	دهم	محمد بن اسماعیل بن ابی سمینه
۴۸	هشتم	محمد بن اسماعیل بن ابی قَدَیْک = ابن ابی قَدَیْک
۲۰۹، ۵۹	یازدهم	محمد بن اسماعیل صائغ
۱۰۹، ۹۱، ۷۱	دهم	محمد بن بشار = بُنْدَار
۲۱۱	یازدهم	محمد بن ثواب
۲۸۳، ۲۸۱	نهم	محمد بن ثور = ابن ثور
۱۰۴، ۹۱، ۳۹	نهم	محمد بن جعفر = غُنْدَر
۱۱۰	دوازدهم	محمد بن جعفر
۵۲	-	محمد بن جعفر لقوق
۲۰، ۱	دوازدهم	محمد بن حَبَّان = ابن حَبَّان
۱۸۴	دوازدهم	محمد بن حسین، ابوالفتح آزدی
۲۲۰	نهم	محمد بن حَمَّاد طهرانی
۱۹۸	دهم	محمد بن حَمَیْد رازی
۲۲۴ تا ۲۱۴	دوم	محمد بن حَنَفِیَّه = محمد بن علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۹۹، ۸۰	نهم	محمد بن خَازِم = ابو معاویه
بی شماره پس از شماره ۱۳۳	هشتم	محمد بن دینار

۲۳۶	یازدهم	محمد بن رزین بن جامع مصری یا محمد بن رزین
۷۴	یازدهم	محمد بن زکریا هلالی
۱۷۲	یازدهم	محمد بن السری بن ناقد بغدادی
۲۳۵، ۲۳۱، ۱۴۷	-	محمد بن سفیان حضرمی
۱۳۵	ششم	محمد بن سلمه
۳۱، ۳۰، ۳	سوم	محمد بن سپرین = ابن سپرین
۲۵۳	شانزدهم	محمد بن عبدالباقی بن احمد البطی = ابو الفتح بن البطی
۵۱	-	محمد بن عبدالحلیم نیشابوری
بی شماره پس از شماره ۲۰۶	هفتم	محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی
۱۷۶	دهم	محمد بن عبدالرحمن بن سَهْم انطاکی
۲۹ تا ۲۲، ۱۸، ۱۵	هفتم	محمد بن عبدالرحمن بن مُغیره = ابن ابی ذئب
۲۰۲	دوازدهم	محمد بن عبدالله بن ابراهیم شافعی = ابوبکر شافعی
۳۵	یازدهم	محمد بن عبدالله بن احمد = ابو عبدالله صفار
۱۷۷	دهم	محمد بن عبدالله حضرمی = مُطین
۴۸	یازدهم	محمد بن عبدالله بن عبدالحکم مصری
۱۵۲، ۱۵۱	سوم	محمد بن عبدالله بن عمرو بن عاص
۱۰، ۸	سیزدهم	محمد بن عبدالله بن محمد... حاکم نیشابوری
۲۲۳	دهم	محمد بن عبدالله بن نُمیر = ابن نُمیر
۲۴۱	دهم	محمد بن عبدوس بن کامل سراج = ابن عبدوس
۲۶۷	دهم	محمد بن عثمان بن ابی شیبه

۲۰۷	-	محمد بن عثمان بن سعید قُرَشِيّ
۱۶۷، ۴۵	دهم	محمد بن علاء بن كُرَيْب هَمْدَانِيّ = ابوكُرَيْب
۲۰۱	یازدهم	محمد بن عليّ بن جارود = ابوبكر بن جارود
۵۱	دوازدهم	محمد بن عليّ بن حُبَيْش
۷۲	دوازدهم	محمد بن عليّ بن حسن
۲۷۹، ۲۶۷	چهارم	محمد بن عليّ بن حسين بن عليّ بن ابي طالب، ابوجعفر الباقر <small>عليه السلام</small> / چهارم
۱۸۶	-	محمد بن عليّ بن خالد عَطَّار
۲۲۴	یازدهم	محمد بن عليّ بن خَلَف
۴۹	-	محمد بن عليّ بن زيد الصَّائغ المَكِّيّ
۱۰۸	-	محمد بن عليّ بن عباس مَرْوَزِيّ
۱۴۸	ششم	محمد بن عليّ بن عبدالله بن عباس بن عبدالمُطَلِّب
۲۲۴	دوازدهم	محمد بن عليّ علوی
۲۶۷	دهم	محمد بن عمران بن ابي لَيْثِيّ
۱۸۲	دوازدهم	محمد بن عمر بن سالم = ابوبكر جَعَابِيّ = ابن جَعَابِيّ
۱۴۵	ششم	محمد بن عمرو = محمود بن عمرو
۲۰۹	یازدهم	محمد بن عمرو بن موسى، ابوجعفر = عَقَيْلِيّ
۲۰۱	دهم	محمد بن عيسى بن خالد زَجَّاج
۹۱، ۴۵، ۴	دوازدهم	محمد بن عيسى بن سوره، تِرْمِذِيّ
۱۶۸، ۱۵۸		
۲۵۳، ۳۷	نهم	ابوجعفر محمد بن غالب = تَمَّتَام
۲۴۲	-	محمد بن فضل بن قَدِيد
۱۵۵، ۱۵۴	نهم	محمد بن فضَيْل بن غَرْوَان = ابن فَضَيْل

۱۵۲	دوازدهم	محمد بن مؤمل = ماسرجسی
۲۵۴، ۷۱، ۳۹	دهم	محمد بن مثنی = ابوموسی بصری
۷۵	یازدهم	ابوجعفر محمد بن محمد بن عبدالله بغدادی
۲۵۱	دوازدهم	محمد بن محمد بن یوسف طوسی = ابوالنضر فقیه
۵۲	یازدهم	محمد بن مخلد عطار
۳۱، ۳۰	هشتم	محمد بن مروان عقیلی
۱۱۹ تا ۱۱۵		
۱ ^۱ ۵۴	چهارم	محمد بن مسلم بن تدرس = ابوالزبیر
۲ ^۲ ۵، ۴	چهارم	محمد بن مسلم بن عبیدالله = ابن شهاب = زهری
۱۴۸	دوازدهم	ابوالحسین محمد بن مظفر بن موسی حافظ = ابن مظفر
۶۰	دهم	محمد بن منذر بن سعید هروی
۱۴۹	دهم	محمد بن منصور طوسی
۷۲	سوم	محمد بن منکدر = ابن منکدر
۲۵۲	یازدهم	ابوالأحوص، محمد بن هیثم قاضی = ابوالأحوص عکبری محمد بن یحیی ← محمد بن یحیی ذهلّی نیشابوری
۴۰	دهم	محمد بن یحیی بن ابی عمر = ابن ابی عمر
۲۴۱، ۲۴۰	یازدهم	محمد بن یحیی آزدی
۳۴	یازدهم	محمد بن یحیی ذهلّی نیشابوری = ذهلّی
۲۴۲	-	محمد بن یحیی بن مطر مخرمی
۳ ^۳ ۳۲	دوازدهم	محمد بن یزید = ابن ماجه قزوینی

۱- ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱.

۲- ۶، ۸، ۱۳، ۱۵ تا ۲۱، ۷۵، ۱۴۴.

۳- ۳۴، ۱۱۵، ۱۴۶، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۴.

۲۵۹، ۲۵۶	دهم	محمد بن یزید بن رفاعه = ابوهشام رفاعی
۶۱، ۲۹، ۸	یازدهم	ابوالعباس محمد بن یعقوب = ابوالعباس اصم نیشابوری
۱۰۳، ۹۰		
۷۵	-	ابوالقاسم محمود بن عبدالرحمن بُستی
		محمود بن عمرو ← محمد بن عمرو
۲۹	یازدهم	ابوعبدالله محمد بن یعقوب بن آخرم
۲	هشتم	مُرَجَّی بن رَجَاءَ یَشْکُرِی
۴۳	هشتم	مروان بن معاویه
۱۶۲، ۱	دهم	مُسَدَّد بن مُسْرَهَد بَصْرِی
۳۳	هفتم	مِسْعَر بن کِدَام
۱۵، ۱۴	نهم	مُسلِم بن حَجَّاج بن مُسلِم قَشِیرِی نیشابوری
		مُشْکَدَانَه ← عبدالله بن عمر بن أبان
۲۶۷	هشتم	مُطَلِّب بن زِیَاد
۸۸	ششم	مَطَر بن طَهْمَان وَرَاقُ سَلَمِی
		مَطَرُز ← قاسم بن زکریا مُقْرِی
۲۳۲	ششم	مُطَرِّف بن طَرِیف
۲۳۷	دوم	مُطَرِّف بن عبدالله شِخْرِی
۱۰۱		مطرف المعلى، احتمالاً مُحَرَّف «مطر السلمي» وراق مزبور باشد -
		مَطَرُ الْوَرَّاق ← مَطَر بن طَهْمَان وَرَاق
		مُطَیْن ← محمد بن عبدالله حَضْرَمِی

۱- ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۵.

۲- ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۵۴، ۶۲، ۶۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۸۸، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۰.

۳- ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰.

۱۷۵، ۱۶۲	یازدهم	مُعَاذِ بْنِ مُثَنَّى
۲۵۴، ۱۸۸	نهم	مُعَاذِ بْنِ هِشَامِ دَسْتَوَائِيٍّ
۲۴۲ تا ۲۳۹، ۹۸	سوم	مُعَاوِيَه = مَعَاوِيَه بِنِ قُرَّه
۲۰۵	نهم	مُعَاوِيَه بِنِ هِشَامِ
۸۴، ۷۸	نهم	مُعْتَمِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ تَيْمِيٍّ
۲۳۸	-	مَعْدَانَ بْنِ سَلِيمِ حَضْرَمِيِّ
۹۵، ۹۴، ۹۳	هفتم	مُعَلَّى بْنِ زِيَادِ قُرْدُوسِيِّ
۱۷، ۱۶	هفتم	مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدِ بَصْرِيِّ
		مَعْمَرِيٍّ ← حَسَنِ بْنِ عَلِيِّ مَعْمَرِيٍّ
۲۲۹	پنجم	مَكْحُولِ شَامِيِّ
۷۱ تا ۶۲	سوم	مُنْذِرِ بْنِ مَالِكٍ = ابُو نُضْرَةَ عَبْدِيِّ
۷۳	پنجم	مَنْصُورٍ = مَنْصُورِ بْنِ مَعْتَمِرِ
		مَنْصُورِ دَوَانِيْقِيِّ ← عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
۴۴	نهم	مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلِ = ابُو سَلَمَةَ تَبُودَكِيِّ
۳	-	مُوسَى بْنِ حَسَنِ كُوفِيِّ
۵۵	نهم	مُوسَى بْنِ دَاوُدَ ضَبِّيٍّ
۲۴۰	-	مُوسَى بْنِ زَكَرِيَّا
۱۱۴، ۱۱۳، ۹۹	ششم	مُوسَى جُهَيْنِيِّ = مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ جُهَيْنِيِّ
۵۸	ششم	مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ رَبْدِيِّ
۷۵	دهم	مُوسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَلْقَاوِيِّ

۱ - ۱۹، ۹۸، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۸۱ تا ۲۸۴.

۲ - ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۶ تا ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۶.

۲۱۲، ۲۱۳.

		موسی بن مُسَلِّم بن رُومان ← صالح بن مُسَلِّم بن رُومان
۱۹۰، ۱۶۴	یازدهم	موسی بن هارون
		(و تکرار شماره ۱۶۴)
۴۸	هفتم	مُهاجر بن مِسْمار

﴿ن﴾

۲۱ تا ۱۳	سوم	نافع مَوْلَى اَبی قَتَادَه انصاری = نافع بن عَبَّاس
۱۴۹	سوم	نافع الفقیه مَوْلَى ابن عمر
		نَزِیسی ← عبدالاعلی بن حَمَّاد
، ۱۱۵، ۴۲	دهم	نَضْر بن علی جَهْضَمِی
۲۶۲، ۱۲۰، ۱۱۹		
۱۱۲	نهم	نَضْر بن شَمِیْل مازنی
۵	دهم	نَعِیم بن حَمَّاد مَرَوَزی
		نَفِیْلِی ← عبدالله بن محمد بن علی، ابوجعفر

﴿و﴾

۱۹۱، ۱۸۷	هفتم	واسط بن حارث
۱۵۴	دهم	واصل بن عبدالاعلی
۳۸	نهم	وَکِیع بن جَرَّاح
۵۴	دهم	ولید بن شجاع
۷۵	هشتم	ولید بن محمد موقری

۱۰	هشتم	ولید بن مُسلم، قرشی دمشقی
۲۵۹، ۲۵۶	نهم	وَهَب بن جَرِير
۴۹	اول	وَهَب بن عبدالله سَوَائِي، ابوجَحِيْقَه، صحابی
۵۷	سوم	وَهَب بن مُنْبَه
۴۷، ۴۴	هفتم	وُهَيْب بن خالد



۱۰۸، ۱۰۵، ۲۶، ۲	نهم	هاشِم بن قاسِم = ابوالنَّضْر
۲۸۰، ۵۴	دهم	هارُون بن عبدالله
۲۳۲، ۱۹۸	نهم	هارون بن مُغِيْرَه بَجَلِي
نهم/۴۱ و پس از شماره ۴۶		هَدَّاب بن خَالِد ← هُدْبَه بن خالد
۳۲	دهم	هَدِيَّة بن عبدالوَهَّاب مَرْوَزِي
۱۸۸	هفتم	هِيْشَام بن اَبِي عبدالله دَسْتَوَائِي
۳۱، ۳۰	ششم	هِيْشَام بن حَسَّان اَزْدِي
۲۳۲	سوم	هِيْلال بن عمرو كُوفِي
۱۴۵	-	هَمَّام بن احمد بن اَيُّوب
۲۸۰	هفتم	هَمَّام بن يحيى
۱۱۱، ۱۰۹	نهم	هَوْدَه بن خَلِيْفَه
۲۳۶	دهم	هَيْثَم بن حَبِيْب
۲۶۷ تا ۲۴۶	اول	هِنْد دختر ابوامِيَه = اُمّ سَلْمَه، اُمّ المؤمنِيْن

﴿ی﴾

۲۲۳ تا ۲۱۴	هفتم	یاسین سیّار = یاسین شیّان = یاسین عَجَلِیّ = ابن سنان
۷۰	دهم	یحیی بن ابی طالب، جعفر بن زبیر قان
۱۰	پنجم	یحیی بن ابی کثیر طائی
۱۸۹، ۱۸۰	ششم	یحیی بن اسماعیل بن محمّد بن یحیی
۲۰۲	هفتم	یحیی بن ثعلبه
۱۱۸	-	یحیی بن خلف
۱۰۶ ^۱	نهم	یحیی بن سعید بن فروخ = یحیی قَطّان
۲۳۸	یازدهم	یحیی بن عبدالباقی
۲۱، ۱۳	دهم	یحیی بن عبدالله بن بُکَیْر = ابن بُکَیْر
۶	دهم	یحیی بن غیلان
		یحیی قَطّان ← یحیی بن سعید فروخ
۲۰۳، ۱۹۴	نهم	یحیی بن یمان عَجَلِیّ
۲۰۵ ^۲	پنجم	یزید بن ابی زیاد هاشمی
۴۲	هشتم	یزید بن زُرَیْع بَصْرِیّ
۲۰۷	-	یزید بن محمّد ثقفی
۲۱۲، ۲۵، ۲۳	نهم	یزید بن هارون بن زاذان
۴۷ ^۳	یازدهم	یعقوب بن اسحاق نیشابوری = ابو عَوّانه
۳۶	دهم	یعقوب بن حُمَیْد بن کاسب
۱۶۰، ۱۵۹	هشتم	یعقوب بن عبدالله قُمّیّ

۱- ۱۰۷، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۵.

۲- ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰.

۳- ۴۸، ۵۹، ۸۹، ۱۸۸، ۲۶۵.

۱۸۲، ۱۷۲	هشتم	یوسف بن حَوشَب شَیبَانی
۱۹۱، ۱۸۷		
۵۹، ۴۷	یازدهم	یوسف بن سعید بن مُسلم = یوسف بن مُسلم
۲۴۸	-	یوسف بن عبدالرحمن مَرْوَزی
		یوسف بن مُسلم ← یوسف بن سعید بن مُسلم
		یُونُس ← یونس بن حبیب اصفهانی
۴۹	هشتم	یونس بن اَبی یَعْفُور
۲۲	نهم	یونس بن حبیب اصفهانی
۵۳	دهم	یونس بن سابق بغدادی
۸، ۶، ۵، ۴	هفتم	یُونُس بن یَزید بن اَبی نَجَاد اَیْلَی
۲۱، ۱۴، ۱۳		

منابع و مأخذ

- ١- الإحسان بترتيب صحيح ابن حبان (م ٣٥٤ هـ)، ترتيب اميرعلاء الدين علي بن بلبان الفارسي (م ٧٣٩ هـ)، با مقدمة كمال يوسف، دارالكتب العلمية، بيروت - لبنان، چاپ اول ١٤٠٧ هـ.
- ٢- أخبار اصبهان = فؤك أخبار اصبهان، حافظ ابوقعيم احمد بن عبدالله اصفهاني (م ٤٣٠ هـ)، چاپ ليدن، جلد اول، در ١٩٣١ م و جلد دوم در سال ١٩٣٤ م.
- ٣- الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ابوعمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر قرطبي (٣٦٨ - ٤٦٣ هـ)، تحقيق دكتور طه محمد الزيني، استاد جامعة الأزهر، مكتبة الكليات الأزهرية، چاپ اول، سال ١٣٩٦ هـ / ١٩٧٦ م، ذيل الإضافة في تمييز الصحابة.
- ٤- أشد الغابة في معرفة الصحابة، ابوالحسن عزالدين علي بن محمد جزري معروف به ابن اثير جزري (٥٥٥ - ٦٣٠ هـ ق) (دورة هفت جلدی)، نشر دارالشعب، قاهره.
- ٥- الأسماء والصفات، حافظ ابوبكر احمد بن حسين بن علي بيهقي (م ٤٥٨ هـ)، تحقيق عناد الدين أحمد حيدر، (دوره دو جلدی)، دارالكتاب العربي، چاپ اول، سال ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.
- ٦- الإضافة في تمييز الصحابة، حافظ شهاب الدين، ابوالفضل، احمد بن علي عسقلاني، معروف ابن حجر (٧٧٣ - ٨٥٢ هـ)، تحقيق دكتور طه محمد الزيني، استاد جامعة الأزهر، مكتبة الكليات الأزهرية، چاپ اول، سال ١٣٩٦ هـ / ١٩٧٦ م.
- ٧- الأعلام، خير الدين زركلي (١٣١١ - ١٣٩٦ هـ).
- ٨- إمتاع الأسماع بما للرسول من الأنبياء والأموال والحفدة والمتاع، تقى الدين احمد بن علي مقرزي (٧٦٤ - ٨٤٥ هـ)، تصحيح و شرح محمود محمد شاكر، قاهره، مطبعة لجنة التأليف والترجمة

والنشر، سال ١٩٤١ م.

٩- الأئساب، ابو سعيد عبدالكريم بن محمد بن منصور تميمي سمعاني شافعي (٥٦٢ هـ / ١١٦٦ م) دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد - هند، چاپ اول. سال ١٣٩٧ هـ.

تحقيق شيخ عبدالرحمن بن يحيى المعلمي اليماني، امين مكتبة الحرم المكي، دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد - هند، چاپ اول، ١٣٨٢ هـ / ١٩٦٢ م.

١٠- البداية والنهاية (الفتن والملاجم)، ابو الفداء، عماد الدين اسماعيل بن كثير (٧٠١ - ٧٧٤ هـ)، تحقيق دكتور طه محمد الزيني، دارالنصر للطباعة.

١١- بذل المجهود في حل أبي داود، محدث، شيخ احمد سهار نفوري، رئيس الجامعة الشهيرة بمظاهر العلوم سهار نفور هند، متوفى ١٣٢٦ هـ. تعليق محمد زكريا بن يحيى الكاندهلوي، دارالكتب العلمية، بيروت - لبنان.

١٢- التاج الجامع للأصول في احاديث الرسول ﷺ منصور علي ناصف (م ١٣٧١ هـ)، داراحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، چاپ سوم، ١٣٨٠ هـ.

١٣- تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، حافظ، مورخ، شمس الدين محمد ابن احمد بن عثمان ذهبي (٦٧٣ - ٧٤٨ هـ. ق)، تحقيق دكتور عمر عبدالسلام تدمري (استاد تاريخ اسلام در دانشگاه لبنان)، دارالكتاب العربي، چاپ سوم، ١٤٢٢ هـ / ٢٠٠٢ م.

١٤- تاريخ الأمم والملوك (تاريخ الطبري)، ابو جعفر محمد بن جرير طبري (م ٣١٠ هـ)، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم، بيروت - لبنان، ١٤٠٣ هـ.

١٥- تاريخ بغداد، حافظ ابوبكر احمد بن علي بن ثابت، معروف به خطيب بغدادی (٣٩٢ - ٤٦٣ هـ). مطبعة السعادة، بمصر، ١٣٤٩ هـ. و نیز دارالكتاب العربي، بيروت - لبنان.

١٦- تاريخ بخرجان، أو كتاب معرفة علماء أهل بخرجان، ابو القاسم حمزة بن يوسف ابن ابراهيم سهي (م ٤٢٧ هـ). چاپ دوم، حيدرآباد - هند، ١٣٨٧ هـ / ١٩٦٧ م.

١٧- تاريخ الخلفاء، حافظ جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر شيوطي، أشعري شافعي (٨٤٩ - ٩١١ هـ)، تعليق محمود رياض الحلبي، دارالمعرفة، بيروت - لبنان.

١٨- التاريخ الكبير، ابو عبدالله، اسماعيل بن ابراهيم جعفي بخاري (١٩٤ - ٢٥٦ هـ / ٨٦٩ م)، (دورة نه جلدي)، أفست چاپ حيدرآباد - هند، و نیز تحقيق مصطفى عبدالقادر احمد عطا، دارالكتب العلمية، (دورة نه جلدي) بيروت - لبنان، چاپ اول، سال ١٤٢٢ هـ / ٢٠٠١ م.